



سازمان تعلیمی، علمی و فرهنگی ملل متحد
 دملگرو ملتونه بنوونیزه، فرهنگی او علمی ټولنه

۲۱۹
 ۲۲۰

INTERNATIONAL

موزیم
 بین المللی

بین المللی
 موزیم

رویاروئي با تاريخ

له تاريخ سره مقابله

دسمبر ۲۰۰۳
 مورور ربيع وار

بخش درى

۲۲۰/۲۱۹

۲۱۳/۲۱۴

موزیم بین المللی



United Nations Educational
Scientific and Cultural Organisation

رویارویی با تاریخ

موزیم ها و میراث های فرهنگی در حالت تصادم و بعد از آن

۴ | سرمقاله

فصل اول: | جنگ و بعد از آن

- تاریخ سرقت شده: غارتگری و تجارت غیر قانونی
نیل برادی ۱۰
- موزیم ملی انگولا در جریان جنگ های داخلی در آنکشور
فرناندو وه وه مانزامبی ۲۳
- نقشی برای "محلات نگهداری" در منطقه بحر تیمور
جیمز بینت ۳۰
- موزیم ملی لبنان در شهر بیروت
جوزف پگی ۳۸
- موافقتنامه دوم اجلاس شهر لاهه ۱۹۵۴ و پیشرفت قانون بین
المللی
انسان دوستانه
جان هلادیک ۴۴

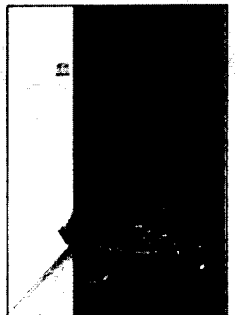
فصل دوم: | وضع امور در افغانستان ۵۱

- تجسمات و میراث ها در افغانستان
رضا ۵۱
- نقش موزیم گیمی در مطالعه و نگهداری میراث های افغانی

COVER:

The Hammourabi Code, discovered in Iran and now in the Louvre Museum, is the oldest (1750 BC) written law code in the world. The stele (2.25m-tall) is covered with 250 law articles and the relief at the top represents the King of Babylon standing before the sun-god Samash, patron of justice.

© Musée du Louvre



DIRECTOR OF THE PUBLICATION:
Mounir Bouchenak

EDITOR-IN-CHIEF:
Isabelle Vinson

EDITORIAL ASSISTANT:
Atieh Asgharzadeh
Sandra Acao

SCIENTIFIC ADVISER:
Azidine Beschaouch

ADVISORY BOARD:
Amareshwar Galla, AUSTRALIA
Nicholas Stanley-Price, Director-General, *ex officio*, ICOM
Yani Herrerman, MEXICO
Nancy Hudson, CANADA
Jean-Pierre Mohen, FRANCE
Stelios Papadopoulos, GREECE
Manus Brinkman, Secretary General of ICOM, *ex officio*
Michael Petzet, President, ICOMOS, *ex officio*

Tornislav Sola, REPUBLIC OF CROATIA

DESIGN AND LAYOUT:
Taurus Design, 93800 Épinay

© UNESCO 2003

Published for the United Nations Educational, Scientific and Cultural Organisation by Blackwell Publishing.

Authors are responsible for the choice and the presentation of the facts contained in signed articles and for the opinions expressed therein, which are not necessarily those of UNESCO and do not commit the Organisation. The designations employed and the presentation of material in Museum International do not imply the expression of any opinion whatsoever on the part of UNESCO concerning the legal status of any country, territory, city or area or of its authorities, or concerning the delimitation of its frontiers or boundaries.

پیر کامبون ۵۴

- افغانستان گذشته و کنونی: نگاهی تاریخی به میراث اسلامی منطقه

فلمنگ آلد ۶۲

- لست موجودی موزیم کابل: تلاشها به منظور اعاده نظم کارلا گریسمن ۷۱
- تعهدات و فعالیت های یونسکو در مورد احیای میراث های فرهنگی افغانستان

کریستیان منهرت ۷۷

- همکاری بین المللی در افغانستان: ستراتیژی ها، تمویل و شیوه های کار

لوئیس هکزتهاسن و جیم ویلمز ۸۴

فصل سوم: | موارد تازه اقدام بین المللی: عراق و کمبودیا

- ایجاد چارچوب همکاری بین المللی مونیربوشناکی ۹۱
- نقش مؤسسات غیرحکومتی در فعالیت های عاجل بین المللی مایکل پیترزیت و ژاکس پیروت ۱۰۴
- انکشاف اجتماعی، فرهنگی از طریق ارتباطات بین النسلین نوبیوانیدو ۱۱۱
- اتخاذ تدابیر خاص در مورد یک منطقه دارنده ارزش خاص ازیدین بیچاوچ ۱۱۶
- جنبه های تحلیلی و اداره پروگرام بین المللی انکور (Angkor) ان لیمستر و سبستیان کاولیر ۱۲۲

UNESCO ۲۰۰۵

UNESCO ۲۰۰۵، برای ترجمه دری و پشتو

طرح های بکار برده شده و معرفی شامل در این نشریه بدین معنی نبوده که نظریات ارائه شده در آن بیانگر نظریات موافق با UNESCO در رابطه با وضعیت قانونی، کشوری، سرزمینی، شهری یا منطقی و یا زمام داران آنها و یا تعیین حدود اربعه و سرحدات آن میباشد.
ترجمه پشتو و دری این نشریه توسط دفتر UNESCO در کابل صورت گرفته.



پرنده که ادريان وان اوستادی روی چوب حك شده و در قسمت پائين بطرف راست جلب توجه میکند از
سالون موزيم فرانز
۲۰۰۲/۱۶۶۴۱
مساحت ۲۲ سم X ۲۷ سم
بتاریخ ۲۰۰۲/۰۳/۲۴ از سالون موزيم فرانز هالیند به سرقت برده شده.

سرمقاله

رویارویی با تاریخ

موزیم ها و میراث های فرهنگی در حالت تصادم و بعد از آن

امید بر آن بود که این شماره سنگ تهادی در انعکاس تخریب میراث فرهنگی و عکس العمل های آن در عرصه بین المللی باشد. همچنان آرزوی ما آن بود تا تحلیلی را در مورد این تخریب نسبت به زیبایی که از لحاظ هویت فرهنگی و علائم آن بوجود آمده، انجام دهیم. ما امیدوار بودیم با در نظر داشت تحلیل های داریوگمبونی از یکطرف اهمیت آنها را در دراز مدت تاریخی در نظر بگیریم و از طرف دیگر و به تعقیب گزارش فرهنگی جهان در مورد "تنوع فرهنگی"، منازعه و کثرت گرایی" را در نظر بگیریم. ما همچنان در صدد بودیم موضوع تخریب را در پروسه منازعات قوی مورد بررسی قرار دهیم زیرا اصلاح ساختار های فرهنگی یادگار ها و هویت آنها یکی از اجزای اکثریت منازعاتی است که در جریان دهه آخر قرن بیستم در میان ملت ها و جوامع بوجود آمده است. اما تاریخ معاصر هدف اصلی را تحت تاثیر قرار داده است.

ازین جهت آمادگی این شماره موزیم بین المللی پروسه طولانی، دردآور و دشوار بوده است.

طولانی به خاطری که این موضوع برای سالهای متمادی در اجندای این نشریه قرار داشته است. سه سال قبل، هنگامیکه روش جدید سرمقاله نگاری انکشاف اش را طی میکرد در آن زمان فهمیده شد که مجمع میراث و موزیم ها اخیراً اوقات مشکلی را پیشرو داشته است. دهه اخیر قرن بیستم ویرانی و سوالاتی را در رابطه با نقش این یادگار های تاریخی در منازعات سیاسی بیار آورده بود. بعد از تخریب مجسمه های بودا در بامیان چنین پنداشته میشد که حملات به یادگار های تاریخی به حد خود رسیده و عکس العمل کلی نظریات بین المللی سرآغازی را در نقش سودمند یادگار های فرهنگی در جریان منازعات تصدیق مینماید. ما را عقیده براین بود که حالا زمان تعمق مشترک و وابسته به آینده در مورد دلایل و محتوای این ویرانی فرارسیده است.

اما بعداً در زمان تاراج موزیم ملی بغداد، تخریب بکثرت زیاد نشانه های فرهنگی و سمبول های تمدن و تاریخ وابسته به نیاکان در بغداد فرا رسید.

پروسه انعکاس که برای این شماره ژورنال مورد بررسی قرار گرفته شده بود، یکبار دیگر به پیشینه غم انگیز آنچه در لست تباهی، غارت، سرقت و ناپدید شدن میراث فرهنگی جایگاه جدید و بلند تری داشت، مبدل گردید. بناً ما محتویات این شماره را در مورد منازعات تعدیل نمودیم تا به تقاضا های مسلم برای

معلومات در مورد نقش یونسکو و اجتماع متخصصین جهت کمک در عرصه رهائی و حفظ میراث فرهنگی در عراق و افغانستان، پاسخ دهیم.

این همان زمانی بود که این پروسه بسیار مشکل بنظر می آمد.

در قدم اول، بخاطریکه اکثریت متخصصین آگاه به فعالیت در ساحات مصروف بودند و فقط تعداد کمی از آنان وقت داشتند که گزارشی دیگری را در مورد کارشان تهیه نمایند. موزیم بین المللی از طرف یونسکو از آنده از متخصصینی که با وجود کارهای عاجل شان درین کار سهم گرفته بودند، اظهار سپاس مینماید. ثانیاً، آیا حالات، خاصتاً در عراق، بطور کافی واضح و روشن بود که این سهمگیری ها اضافه تر از محکوم نمودن کلی آنچه اتفاق افتاده بود و یا ارائه آنچه که آرزو برده میشد، باشد؟ علاوتاً، کیفیت و شدت پوشش حالات در افغانستان و عراق، توسط اطلاعات جمعی بین المللی، برای مردم عوام و اشخاص مسلکی ارتباط خود موضوع مربوط را مورد سوال قرار دهد.

اما یونسکو از پشتیبانی سازمان های غیردولتی اختصاصی که نیروی جهانی رهبری کننده بین حکومتی برای حفظ میراث فرهنگی میباشد، برخوردار است. باین دلیل وظیفه این سازمان است تا اهداف و روش های فعالیت های حفاظتی خود را واضح نموده و آنرا به کشور های عضو و اجتماعات مسلکی آنها و جامعه عام بین المللی اشاعه نماید.

اینست دلیل اساسی برای نشر این شماره موزیم بین المللی. دلیل دومی که دارای اهمیت مساوی میباشد، شکل چنین سوالی را بخود میگیرد: حادثات اخیر چه درسی را به ما آموخته که ما را کمک نماید تا در رابطه با حفظ موزیم ها و میراث های فرهنگی عکس العمل نشان دهیم؟

بنظر ما، ویرانی آثار فرهنگی، باوجودیکه در طول تاریخ رایج بوده است، تغییری را در رابطه میان جوامع و گواهی فرهنگ ها و میراث ها نشان میدهد. در حالیکه دهه اخیر قرن بیستم با ویرانی های دارای میزان سمبولیک و بینظیر در طول چندین قرن، مشخص گردیده، این دهه شاهد نوآوری هائی نیز بود که به احیای پراهمیت کتگوری های میراث های فرهنگی منتج گردیده است. ظهور و تصدیق تصویر معنوی میراث های فرهنگی این دگرگونی ها را مجسم میسازد. آیا ما باید رابطه میان این دو ظهور میراث فرهنگی را در نظر بگیریم یا خیر؟ آیا این امر حاکی از آنست که توجه بیحد به جنبه مادی آثار موروثی، در یک پروسه تولید افراطی بسطح جهانی این میراث منجر به تخریب مادی آن گردیده است؟

اگر چنین یک رابطه تصادفی موجود باشد، بدون شک اثبات آن مشکل است. این فرضیه قابل تحقیق میباشد لیکن ما هم جهت درک مکانیزم گرایش جهت نابود ساختن آن برای حفظ آن و از جوانب مختلف آن میکوشیم. مسلماً، کمک تکنالوژی و دانش فزاینده آثار و محتوی آنها، قسمت زیاد آثار حفظ گردیده اند. باوجود این، آیا ما درک درستی از میراث فرهنگی و دسترسی اصلاحی به مفهوم آن، از نظر زیبا شناسی و هم تاریخی و فرهنگی را ترویج نموده ایم؟

تصویب متفق القول میثاق در مورد حفظ میراث فرهنگی غیر ملموس و اعلامیه در مورد ویرانی بین المللی میراث فرهنگی، در یک مجلس کنفرانس عمومی یونسکو، یک موضوع تصادفی نبود. بلکه آن نتیجه ضرورت کار بر اهمیت تعلیمی، فکری و سیاسی میراث فرهنگی بود که جامعه بین المللی نیز آنرا تصدیق نموده است.

این یک حقیقت است که تصویب یک میثاق که اهداف آن دربرگیرنده اقدامات عملی دانش و کاردانی باشد، تعداد زیادی از کشورها را از همه اولتر قادر میسازد تا آثار فرهنگی خود را در موضع مساوی غیر ممتاز عه با آنها تیکه از عنعنات غربی تاریخی، مهندسی و باستانی نمایندگی میکند، قرار دهند. معهدا، با تصدیق اساسی محتوی تنوع میراث فرهنگی، میثاق در مورد حفظ میراث فرهنگی غیر ملموس، راه های دیگری را باز مینماید: راه اصلاحات بنیادی پالیسی های میراث های فرهنگی در مورد اینکه مقصد از این پالیسی ها چیست و آنها چگونه موثر اند.

در حال حاضر موضوع میراث فرهنگی در شرایط جنگ و بعد از آن به تنش متناقض میان تعذیر و مصالحه منوط میباشد. اعلامیه مربوط به تخریب بین المللی میراث فرهنگی مجموعه را تقویت میبخشد که قبلاً دو میثاق و دو پروتوکول را باهم آشتی داده و تعهدات بین المللی را جهت حفظ میراث فرهنگی پی ریزی مینماید. بر علاوه، تجارب بدست آمده از کمبودها، اروپای جنوب شرقی، افغانستان، شرق میانه، تیمور شرقی (لیستی تیمور امروزی) توسط یونسکو ایجاد یک برنامه را جهت حفظ میراث فرهنگی به هدف ترویج مفاهمه و آشتی میان جوامع موجه میداند. اما این امر سبب ایجاد این سوال میگردد که چطور یک اثر فرهنگی که تخریب آن باعث ایجاد محکوم نمودن آن توسط جامعه بین المللی میگردد. در شرایط بعد از منازعه، موضوع برنامه آشتی میگردد. حتی اگر این موضوع با موضوعات مباحثات بزرگ در مورد تاریخ و حقوق بشر مانند قتل عام ها مقایسه هم نگردد، میراث فرهنگی در سیاست به هیچ صورت منحیث یک موضوع بیطرفانه نمیشد. قسمیکه دیوید لووینتی، باستان شناس مورخ خاطر نشان میسازد واضحاً این همانا عدم موجودیت بیطرفی است که آشتی ناپذیری میراث فرهنگی را با تاریخ بیان میدارد.

جهت ایجاد برنامه هائی در مورد میراث های فرهنگی که هدف آن مفاهمه و آشتی میباشد، رخنه در تناقض میان جوانب مادی و معنوی آن پیدا میگردد که هم در محتوای تاریخی و هم در عمل موجود میباشد. این امر حاکی از آنست که باید توجه کمی به مادیات آثار فرهنگی داده شود و یا کم از کم باید به نمایش آثار فرهنگی مربوط توجه مساویانه مبذول گردد. در شرایط جنگی استفاده از هنر های نمایشی جهت ایجاد آگاهی در مورد آثار فرهنگی که جوامع مختلف را باهم نزدیک میسازد، با ارزش ثابت گردیده اند. در احیای کمپنی شاهی رقص بالنت و فستیوال رامایانا، در چوکات برنامه حفاظت انگکور نیز چنین وضعیتی میباشد. موفقیت این برنامه، چنانچه از براه اندازی دهه انکشاف انگکور هویدا است، مارا تشویق مینماید که در جستجوی قوه تحریک بین میراث فرهنگی محسوس و غیر محسوس برنامه های آشتی اجتماعی که مبتنی بر قدردانی و حفاظت میراث های فرهنگی باشیم.

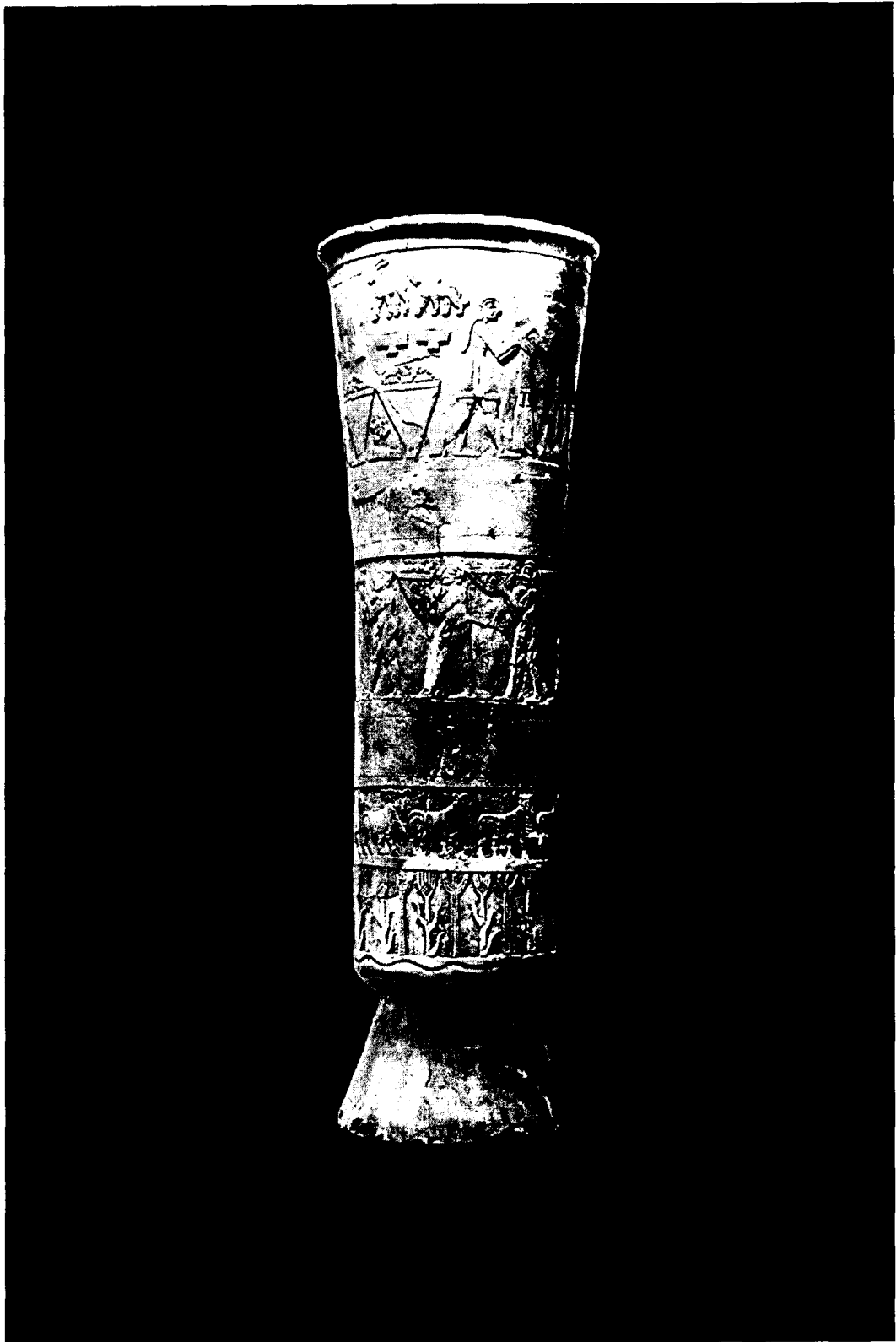
این شماره دوگانه موزیم بین‌المللی شامل سه مرحله می‌باشد. بخش اول مقالاتی را دربر می‌گیرد که اجزای تشکیل‌دهنده شرایط بعد از جنگ را بیاد می‌آورد: ردیابی آثار هنری سرقت شده و مفقودالانتر، تطبیق قوانین بین‌المللی، بازگشایی موزیم‌ها اصلاحات پروگرام‌های موزیم‌داری. بخش دوم، که به افغانستان اختصاص داده شده، ماهیت بازسازی و گذار از شرایط جنگ و شرایط بعد از جنگ از طریق احیای زیربنای اداری، اقدامات حفاظتی ابتدایی، و برآورد اندازه پروژه‌های ترمیماتی در کوتاه مدت و دراز مدت، و بلاخره، مساعی قطع شده موسسات موزیم و شرکای خارجی آنها برای حفاظت—بر علاوه آثار آن موزیم‌ها—خاطره تحقیقات علمی که در طول قرن‌ها انجام گردیده است، می‌باشد. بخش اخیر این شماره که بر دوره منازعه، و از نقطه نظر میراث‌های فرهنگی بازگشت به نقطه صفر، متمرکز می‌باشد، به موضوع عراق اختصاص داده شده است.

در حقیقت، میراث فرهنگی تاریخ نیست اما تخریب آن ما را مجبور می‌سازد که با تاریخ مواجه شویم.

ایزابیل ونسن

پیدایش ها:

۱. ه. داریوگمیونی مراجعه شود، تخریب هنر، بت شکنی و ویرانگری بعد از انقلاب فرانسه، نشریه دانشگاه یل، ۲۰۰۲ "میراث جهان: سپر یا هدف؟" هد مکالمه، مکالمه خبر نامه انستیتوت گتی، شماره ۱۶، ۲، No. ۲، ۲۰۰۱.
۲. به "تنوع فرهنگی، منازعه و کثرت گرانی" مراجعه شود، گزارش سال ۲۰۰۰ فرهنگی جهان، نشر سال ۲۰۰۰ یونسکو.
۳. میثاق در مورد حفظ میراث های معنوی فرهنگی و اعلامیه در مورد تخریب عمدی میراث فرهنگی از طرف مجلس سی و دوم کنفرانس عمومی یونسکو که از ۲۹ سپتمبر الی ۱۷ اکتوبر سال ۲۰۰۳ انعقاد یافت، تصویب گردیده بود.
۴. تعریف میراث معنوی در ماده دوم این میثاق آمده است. متن میثاق و متن اعلامیه از سایت انترنتی <http://portal.unesco.org/culture> تحت عنوان Normative Action بدست آمده میتواند.
۵. دیوید لووینتی مراجعه گردد، جنگ های صلیبی میراثی و ویرانی های تاریخ، نشر دانشگاه کمبریج، ۱۹۹۸.
۶. موزیم بین المللی درین مورد یک نشریه را به چاپ رسانیده، به فستیوال رامایانا مراجعه گردد، "میراث فرهنگی معنوی انگکور" در انگکور، موزیم زنده، شماره ۵۴، نمبر ۱-۲، موزیم بین المللی، ۲۰۰۲.



© همسر ورنیک

۱. ورکا ویسی در alabaster، قدیمترین سنگ حک شده در جهان است که قدامت آن در حدود ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد میرسد. بعد از تاراج، دوباره به موزیم ملی عراق برگردانده شده. تزئینات برجسته آن يك مراسم مذهبی را در چهار بخش نشان به پهلو میدهد.

تاریخ سرقت شده: غارتگری و تجارت غیر قانونی ۱

نوشته نیل برادی

نیل برادی فارغ التحصیل دانشگاه لیورپول است که از سال ۱۳۷۷ به اینطرف گرداننده مرکز تحقیقات آثار باستانی غیر قانونی در انستیتوت مکنوالد برای تحقیقات باستان شناسی کامبریج میباشد. وی در مورد قاچاق آثار باستانی، انتشارات وسیع نموده و در یونان کار های عملی باستان شناسی را انجام میدهد.

در روز های بعد از غارت موزیم بغداد اولین سوال این بود که: چرا پلانگذاران جنگ ائتلافی و قوماندانان نظامی برای جلوگیری ازین غارت هیچ اقدامی ننمودند؟ با غور به وقایع ماه اپریل سال ۱۳۸۲ و بعد از آن، سوال اساسی تر دیگر این است که: چرا در جریان جنگ اقدامات هماهنگ بین المللی جهت جلوگیری از تجارت و فروش آثار غارت شده ساحات باستانی و نهاد های فرهنگی صورت نگرفته است؟ پاسخ ساده این است که زمانیکه ضرورت چنین اقدامی موجود بود، هیچ نوع میل سیاسی به آن وجود نداشت.

غارت گری در زمان جنگ

در گذشته شاید جنگ، بزرگترین دشمن میراث فرهنگی بوده باشد که در نتیجه موافقتنامه ها و میثاق های پی در پی درین مورد طرح گردیده است.

در ین عرصه ممکن است جنگ از سه طریق تاثیرات زیان آور داشته باشد. اول، چیزیکه نظامیان آنرا خسارت غیر مستقیم مینامند—خسارت تصادفی بیک یادگار یا نهاد فرهنگی، یا یک محل باستانی، در جریان حمله به یک هدف نظامی مجاز. دوم، عمل قدیمی غنیمت گرفتن—انتقال جبری آثار فرهنگی برای مفاد شخصی و یا مقاصد سود جویی، بلاخره، ویرانی عمدی ساختمان ها و مصنوعات دستی مذهبی به مقصد از بین بردن نشانه های مهم یک ملیت یا یک مذهب. این عمل امروز بنام تطهیر فرهنگی یاد میگردد.

بود، ویران خواهد نمود. حکومت مرکزی طالبان بار دیگر علیه چنین یک ویرانگری هوشدار داد، اما در سال ۱۳۷۷، در یک عمل عمدی، سر مجسمه خورد بودا منفجر ساخته شد. این امر سبب گردید تا در جولای سال ۱۳۷۷ فرمان جدیدی صادر گردد که مطابق به آن حفاریات ساحات باستانی ممنوع قرار داده شد، اما در ماه مارچ سال ۱۳۷۸، رهبر طالبان دستور داد که تمام بت های مذهبی ویران گردند. متعاقباً، دو مجسمه بزرگ بودا در بامیان ذریعه مواد منفجره قوی انفجار داده شد.

در کمبودیا، گروه های مسلح در تاراج معابد خمر و بنا های تاریخی شرکت داشتند. گزارش گردیده که صرفاً انگکورووات دارای یک هزار مجسمه بودا بود اما فعلاً فقط هژده مجسمه آن موجود است. ۶ تعداد زیادی از این مجسمه ها در دوران رژیم خمرواج (۱۳۵۴-۱۳۵۸) ویران گردیده و از آن به بعد مجسمه های این معبد غارت و بفروش رسانیده شده است. در سال ۱۳۷۸ اضافه از بیست تن مواد باستانی که در قرارگاه های آخرین فرمانده رژیم خمرواج پنهان گردیده بود، بدست آمد و فقط مدت کوتاهی بعد از آن، معبد بانتی چمر مورد حمله واحد های خانن و نابکار نیرو های نظامی قرار گرفته و برجسته کاری های مشهور آن معبد به یغما برده شد. این آثار از کمبودیا به تایلند قاچاق گردیده و در بنکاک در منطقه بنام "شهر دریا" جهت صدور آن به خارج بفروش رسانیده شد. اگر چه، در نزدیک سرحد تایلند، از خروج برجسته کاری های بانتی چمر جلوگیری بعمل آمده و در مارچ سال ۱۳۷۹ قبل از برگرداندن آنها به کمبودیا، این آثار در موزیم ملی تایلند به معرض نمایش گذاشته شد.

ازین دو حادثه چنین برمیاید که زمانیکه حکومت مرکزی از هم می باشد، این امر موجودیت مارکیتهای بین المللی، غارتگری آثار تاریخی را تشدید می بخشد بطوریکه این آثار مورد تاراج قرار گرفته و به فروش میرسند و از عاید بدست آمده از فروش آنها در

در جریان جنگ شاید تمامی ویرانی ها از تلاقی این سه علت یاد شده بمیان بیاید اما در بعضی از درگیری های اخیر، غارت آثار فرهنگی قابل فروش یقیناً در جلو قرار داشته و شرایط مصیبت بار را وخیم تر ساخته است. بطور مشخص، دو نمونه ازین نوع غارت آثار فرهنگی ثبت تاریخ گردیده است: در افغانستان و در کمبودیا.^۲

بعد از خروج اتحاد جماهیر شوروی سابق از کابل در سال ۱۳۷۱، گروه های مختلف مجاهدین برای بدست آوردن کنترل قدرت شروع به درگیری های ذات الیبنی نمودند. موزیم ملی افغانستان مکرراً مورد آتش راکت و توپخانه قرار گرفته و هم شدیداً چورو چپاول گردید. تا سال ۱۳۷۵، اضافه از هفتاد فیصد کلکسیون های این موزیم مفقود گردیده و صرف آثار کم ارزش آن بجای مانده که این خود نشانه مسلمی است ازینکه غارت آثار فرهنگی این موزیم انگیزه تجارتهای داشته و بدلیل تظہیر فرهنگی^۲ انجام نگردیده است. زمانیکه قوماندانان شبه نظامی از محل دارای پتانسیل تجارتهای بقایای باستانی افغانستان آگاهی حاصل نمودند، شروع به حفاریات غیر قانونی در ساحات باستانی نموده و از پول بدست آمده از فروش آثار تاریخی به منظور پرداخت معاشات عساکر و یا خرید مهمات جنگی^۳، استفاده نمودند.

اما تمام این خسارات در افغانستان به جستجوی آثار قابل فروش نسبت داده نمیشود. در سال ۱۳۷۵، طالبان بنیاد گرا در کابل بر اریکه قدرت نشسته و فرمانی را صادر نمودند که مطابق به آن ترسیم هر نوع تصویر منع قرار داده شد. از سوی دیگر، طالبان همچنان فرمان دیگری را در مورد مستثنی نمودن آثار فرهنگی باستانی از احکام فرمان قبلی و حفاظت این آثار صادر نمودند. معهداً، در سال ۱۳۷۶ یکی از قوماندانان طالبان که بامیان را در محاصره گرفته بود، هوشدار داد که دو مجسمه یادگاری بودا را که بامیان با داشتن آن مشهوره



۲. منظر بیرونی حفاظت انکور واقع در ناحیه سیام ریپ کمبودیا که در آنجا هزارها مجسمه نگهداری گردیده.

عمداً توسط یک تانک کروت بوسنیایی منفجر گردید. جامعه مسلمان ماستار میخواستند که این پل را به مصرف پنج میلیون دالر امریکایی با استفاده از سنگ های اصلی آن دوباره بازسازی نمایند که این خود مبین اهمیت این سمبول مهندسی اسلامی میباشد.

میثاق هاگ ۱۳۲۲ در مورد حفاظت میراث فرهنگی در شرایط درگیری مسلحانه با در نظر داشت جنگ های جهانی اول و دوم طرح گردید، اما اکثریت منازعات اخیر نیز شکل جنگ های داخلی و یا فعالیت های چریکی را بخود گرفته اند. با در نظر داشت این امر، پروتوکول دوم سال ۱۳۷۸ مربوط به میثاق در مورد درگیری های مسلحانه خشم آلود تصویب گردید. حتی با وجودیکه همه حکومت های یوگوسلاو سابق از اعضای میثاق ۱۳۲۲ هاگ بودند، ویرانی هنوز هم ادامه یافت ۱۰. چنین بنظر میرسد که در بمباردمان دویرونیک در سال های ۱۳۷۰-۱۳۷۱ منازلی که مطابق به احکام میثاق هاگ حفاظت می شدند، عمداً مورد هدف قرار گرفتند ۱۱. در چنین درگیری ها، زمانیکه نابودی فرهنگی یکی از مقاصد جنگ میباشد،

نگهداشتن عساکر در میدان جنگ استفاده بعمل میاید. حتی بازیابی و برگشت ۸ این آثار این حقیقت را پنهان نموده نمیتواند که در دوران جنگ، پولیکه توسط غربی ها به مارکیت های بین المللی سرازیر میگردد نه تنها ویرانی آثار باستانی را تشدید می بخشد بلکه سرمایه گذاری درین عرصه را کمک نموده و در نتیجه باعث تداوم جنگ میگردد.

اما تمام ویرانی های عمدی فرهنگی در جریان اغتشاشات داخلی و یا جنگها، بنابر معاملات تجاری انجام نمیگیرد. جنگی که در یوگوسلاوی سابق روی داد، شاهد تباهی گسترده ساختمان های مذهبی و دیگر ساختمان ها و بنا های تاریخی بود. چنین حدس زده میشود که در جریان جنگ ۹ در بوسنیا، اضافه از دوازده هزار مسجد همراه با سه صد کلیسای کاتولیک و یکصد کلیسای آرتودکس ویران گردیده و از شروع بمباردمان ناتو در صربستان در سال ۱۳۷۸، مساجد و کلیسا های آرتودکس در کوسوو و ویران و یا تخریب گردیده است. در سال ۱۳۷۲ پلی که در ماستار در قرن شانزده بالای دریای نریتوا اعمار گردیده بود و یکی از نشانه های قدیمی کشور چندین ملیتی بشمار میرفت،

فرهنگی دیگر مختلف می‌باشد و شاید حقوق را در مورد یک اثر شناسایی بیشتر نسبت به مالک اثر نماید ویا آنرا رد کند. اختلافات میان قوانین عرفی و قوانین مدنی باید در نظر گرفته شود. در قانون مدنی مفهوم مالکیت اختصاصی و شخصی یک مفهوم قوی است زیرا از ختم قرن هفدهم تا حال، حد اقل این یک امر بنیادی برای قانون اساسی جامعه آزاد ۱۳ بود و تقاضا برای تضمین حق مالکیت مورد توجه دلسوزانه قرار داشته است.

برخلاف، قسمیکه مریمن بدرستی خاطر نشان می‌سازد، بسیاری (اما نه تمام) باستان شناسان دانش ذهنی رابطه پر از معلومات میان یک اثر و محتوی آنرا تأیید مینمایند. ویتیلی در مورد این موقعیت یک مفکوره صریح را بیان مینماید، "صادقانه بگویم نگرانی عمده من هیچ وقت در مورد اینکه مالک اثر باستانی کی است، اثر در کجا موجود است ویا آیا یک اثر بشکل قانونی تجارت شده ویا بشکل غیر قانونی، نیست. نگرانی عمده من در مورد معلوماتی است که اثر باستانی از محتوی اصلی آن سر چشمه میگیرد ۱۴.

ویتیلی دو نکته را پیشکش مینماید. اول، وی نارضایتی خود را در مورد مفهوم فعلی تمرکز بر اثر ابراز میدارد زیرا آنها در مورد باستان شناسی و مباحثات روی مالکیت مفاهیم غیر باستانشناسی را بکار می برد. اما ویتیلی همچنان در مورد همین خصوصیت تحقیقات می پرسد. او بر اهمیت روابط غیر محسوس، محتوی باستانی که معلومات در آن موجود است و بر نقش مصنوعات تأکید میکند.

چنین پیشنهاد گردیده که اصطلاح میراث فرهنگی که از لحاظ ایدئولوژیک اهمیت کمتر دارد، با اصطلاح دارائی فرهنگی تعویض گردد. کلمه میراث برای توضیح بهتر مفکوره یک اثر فرهنگی مانند چیزیکه با دیگران شریک و محافظه می‌گردد، و نه چیزیکه خرید و فروش شده، در استثناء قرار گرفته و در صورت

مشکل است تصور نمایم که چطور قوانین حفاظتی بین المللی میتواند موثر واقع گردد.

اصطلاحات فرهنگی

از دیدگاه حقوقی مریمن ۱۳۷۵، سه تصور رقابت کننده از مباحث بین المللی در مورد آثار فرهنگی، شامل آثار باستانی، را تشخیص نموده است. اول، تصور ملی گرایانه تحلیل ملت های اصلی که بر روابط میان آثار فرهنگی و میراث ملی تأکید نموده و متوقع اند که چنین آثار باید در کشور اصلی شان باقی بمانند. دوم، تصور جهان بینانه وی که معتقد باین است که میراث های فرهنگی بین المللی بوده و این آثار باید آزادانه منتشر گردند. بلاخره، تصور اثر و فحوای آن. تأکید اساسی باستان شناسان و نژاد شناسان شان بر معلومات یا فهمی در رابطه میان یک اثر و محتوی آن می‌باشد.

از طریق دیدگاه باستان شناسی، هر چند این تجسمات به تحلیل های دیگر تبدیل می‌گردد که اصطلاحات مختلف مستلزم مفکوره های مختلف می‌باشد. تصورات ملی گرایانه و جهان بینانه مریمن در حقیقت مظاهر متمرکز یافته ملکیت به یک اثر می‌باشد، در حالیکه باستان شناسان و فرهنگ شناسان بخشی از تحلیل گران (شاید غربی) اکادمیک اند که به دانش نسبت به ملکیت ارزش بیشتر میدهند. کلکسیونر ها، فروشنده ها، سیاستمداران و حقوقدانان بصورت وسیع بر موضوعات مالکیت (بشکلیکه مریمن بر آن تأکید مینماید) تمرکز نمودند. در استفاده از اصطلاح ثروت فرهنگی، این موضوع برای تشریح آثار مورد نظر کاملاً واضح می‌باشد. مفهوم دارائی شخصی، چنانکه در قوانین عمومی شاهی انگلستان و ایالات متحده امریکا مشخص گردیده، یک مفهوم اروپائی (درنهایت انگلیسی) است، که مستلزم حقوق دست نخورده مالکیت می‌باشد یعنی حقوق یک مالک جهت بهره برداری، انتقال و خروج آن ۱۲. مفاهیم دارائی از عنعنات

کننده فلزات، اره های برقی و برمه ها یکجا گردیده اند. دوم، پیشرفت در ساحه تکنالوژی عرصه هائی را که تا این اواخر قابل دسترسی نبودند، به آسانی قابل دسترسی ساخته است، وسایل زمین شناسی قادر اند تا در اعماق دشت ها اکتشافات نمایند، هلیکوپتر ها میتوانند در فضای جنگلات پرواز نمایند. در بستر عمیق دریا ها وسایل پژوهشی زیر دریائی که از دور بکار انداخته میشوند، بقایای کشتی هائی را که سالها قبل مفقود گردیده بودند، کشف نموده میتوانند. دسترسی به محلات نیز در نتیجه پائین آمدن هزینه های سفر های بین المللی و از بین رفتن موانع سیاسی آسانتر شده است. این مجموعه جدید عوامل، قدرت ویرانگری و ارتباطات آسان، برای میراث های فرهنگی و باستانی جهان به مثابه مصیبتی ثابت گردیده و چنین بنظر میرسد که هیچ موزیم یا محل تاریخی در جهان از نظر دزدان آثار باستانی—تومبولی و هاگوروس—که دزدان دارائی ها، شبه نظامیان و دزدان عادی هم با آنها یکجا گردیده اند، مصئون نیستند.

اما این مصیبت صرفاً یک پدیده تکنالوژی جدا از جواکات اجتماعی-فرهنگی نیست. آثار سرقت شده به یک بازار ضرورت دارند و درین حالت آثار باستانی در این بازار توسط کلکسیونر های خصوصی و سازمانی که آثار باستانی و فرهنگی را منحیث کارهای هنری، فرصت های سرمایه گذاری و حتی تزئینات متداول محسوب مینمایند، عرضه میگردند. جنبه جهانی نیز درین معضله دخیل است و آن عدم توازن میباشد زیرا بازار های این آثار موزیم ها، کلکسیونر ها و فروشگاه ها—در کشور های اروپائی و امریکای شمالی که بنام کشور های نیازمند به این آثار یاد میگردند، متمرکز میباشد و کشور هائیکه میراث های فرهنگی شان مورد تهدید غارتگری قرار دارند یعنی کشور های منبع آثار باستانی اکثراً در جهان روبه انکشاف قرار دارند، در حالیکه آثار باستانی و فرهنگی

امکان حتی مصرف ۱۵ میگردد، انتخاب گردد. در بعضی جا ها این تغییر در اصطلاحات قبلاً واقع گردیده است. اصطلاح دارائی فرهنگی برای بار اول در میثاق هاگ ۱۳۲۲ و بعداً در میثاق یونسکو ۱۳۴۶ استعمال گردید اما در سال ۱۳۵۱ این اصطلاح در میثاق یونسکو در مورد حفاظت میراث فرهنگی و طبیعی جهان عوض گردید و فعلاً هم در طرح میثاق یونسکو در مورد حفاظت میراث فرهنگی زیرآبی بکار میرود. میثاق یونیدرایت ۱۳۷۲ در مورد آثار سرقت شده و آثار غیر قانونی صادر شده، از بکاربرد هردو اصطلاح اجتناب میورزد.

معهدا، تحلیل مالکیت برجسته تر است و باستان شناسان مجبور ساخته شده بودند تا در مباحثات پیرامون آثار فرهنگی و اصطلاحات بی مفهوم حصه بگیرند. تعداد زیاد آثار فاقد ارزش قدیمی در دوران میباشد که صرف منحیث آثار مورد بحث قرار گرفته و بر اساس ارزش پولی طبقه بندی میگردند.

قاچاق آثار قدیمی

چنین پنداشته میشود که قسمت زیادی از غارت ساحات باستانی و نهاد های فرهنگی انگیزه تجارتي دارد. نگرانی های بوجود آمده از اثر این غارت در جریان سال های اخیر دهه ۱۳۲۹ باعث این شد که میثاقی در مورد طرق منع و جلوگیری از صدور، ورود و انتقال مالکیت ثروت های فرهنگی طرح گردیده و در سال ۱۳۴۹ توسط یونسکو تصویب گردید اما بعد از آن شرایط از کنترول خارج گردید. دو علت باعث این حالت گردید. اول، وسایل ویرانی بسیار نیرومند گردیده است. در جریان یکهزار سال اخیر وسایلی که برای دزدی مقبره ها بکار برده می شدند شامل وسایل ساده کندن کاری و میله های اکتشافی بود اما در جریان دو دهه اخیر این وسایل ساده با وسایل دیگری مانند بلدوزر ها و وسایل کندن کاری ماشینی، دینامیت، وسایل پیدا

شد و آن زمانی بود که دو حصه بالائی یک ستون سرقت شده از موزیم کورینت در سال ۱۳۴۹، در یک محل داوطلبی بزرگ در نیویارک منحیت دارائی یک کلکسیونر امریکائی معرفی گردید.

باوجود سرقت شدن، بسیاری از آثار تاریخی غیر قانونی، خاصاً آنهایی که در اثر حفاریات مخفیانه بدست آمده اند، از کشف شدن در امان نگهداشته میشوند زیرا قبل از سرقت در هیچ موزیم یا فهرست موجودی حفاریات ثبت نگردیده اند. اگر چه آثار سرقت شده موزیم کورینت در لست موجودی شامل بوده و شناسائی گردیده بودند که در نتیجه دوباره بدست آمدند. بسیاری از آثار دوباره بدست نمی آیند. حتی زمانی که یکی از آثار شناسائی میگردد که مربوط به کشوری است که ادعای ملکیت آنرا مینماید، آن اثر غیر ازینکه همان کشور مربوط ثابت نماید که آن اثر بعد از تاریخ قانون ملی میراث ها از آن کشور صادر گردیده است، بحيث یک اثر سرقت شده شناخته نمی شود. واضحاً زمانی که یک اثر تاریخی بدست آمده و قاچاق میگردد، تاریخ صدور آن روشن شده نمیتواند. بطور مثال، حادثه مجسمه "ویبری هر اکلس" رومن ها. نصف بالائی این مجسمه در اوایل دهه ۱۳۵۹ در ایالات متحده امریکا ظاهر گردید و فعلاً ملکیت مشترک موزیم هنر های زیبای باستن و یک کلکسیونر خصوصی امریکائی میباشد. نصف پائینی همین مجسمه در سال ۱۳۵۹ در نزدیکی شهر آنتالیای ترکیه بدست آمد. اما با وجود این حقیقت هم مالک امریکائی قسمت بالائی مجسمه اصرار دارد که هیچ نشانه ای که مبین این باشد که مجسمه سالها و حتی قرنهای قبل از زمان قانون مربوط به میراث سال ۱۳۸۵ از ترکیه برون آورده شده باشد، موجود نیست. بدون موجودیت شاهدهی که برعکس موضوع را ثابت نماید، حکومت ترکیه موضوع را شایع ننموده است.

این شرایط با موضوعی که "راه گریز" بین المللی خوانده میشود، بغرنج تر گردیده است. بسیاری از آثار

کشور های نیازمند نیز کاملاً مصنون نیستند. آثار باستانی که از یادگار های تاریخی بدست آمده و یا از موزیم ها سرقت شده و یا بطور غیر قانونی بدست آمده یا صادر گردیده اند، آثار باستانی غیر قانونی نامیده میشوند. این اصطلاح، یک اصطلاح حقوقی نیست اما باستان شناسان آنرا منحیت یک واژه نو ایجاد نموده اند تا خصوصیت تجارت این اشیاء را برجسته سازد. این خصوصیت بینظیر این است که اگر چه در بسیاری از کشور های جهان (با استثنائات مهمی چون کشور ایالات متحده امریکا و کشور شاهی انگلستان) میراث های باستانی در ملکیت عامه قرار گرفته است تا حفاریات و یا صادرات غیر مجاز آن غیر قانونی پنداشته شود، فروش نهائی این آثار غیر از کشور منبع آن در کشور های دیگر غیر قانونی نخواهد بود. بنابراین آثار تاریخی زمانی غیر قانونی میباشند که برای بدست آوردن آنها از روش های غیر قانونی استفاده بعمل آمده باشد، در مورد قانونی بودن و غیر قانونی بودن تجارت بعدی آن چیزی ذکر نگردیده است.

یک اثر غیر قانونی ممکن قبل ازینکه توسط یک کلکسیونر موسساتی یا شخصی خریداری گردد، شاید چندین بار از یک دست به دست دیگر خرید و فروش شده و در نتیجه آن جزئیات اصالت قانونی آن محو گردیده باشد. سرانجام این آثار بدون کدام معلومات در مورد منشاء اصلی شان بفروش میرسند، یعنی بدون موجودیت کدام نشانه از تاریخچه مالکیت آنها و محلی که این آثار از آن بدست آمده اند، بفروش میرسند. لیکن زمانی که این آثار در یک روزنامه علمی یا فهرست یک نمایشگاه و یا فهرست فروش، انتشار مییابد، درینصورت ضرورت به یک سند جدید و معتبر تصدیق اصالت در مورد اهمیت علمی آن ۱۶ میباشد، و اصلیت غیر قانونی آن خاموشانه فراموش میگردد. اصلیت آثار غیر قانونی بواسطه فروش یا انتشار آنها در اروپا و امریکای شمالی پنهان میگردد. چنین حادثه در سال ۱۳۷۶ واقع

در صورت عدم موجودیت منشاء اصلی، چطور ممکن است آثار قانونی از آثار غیر قانونی تفکیک گردند. " از یک کلکسیون قدیمی اروپا" نام یک بازار داوطلبی عام میباشد، اما این بازار داوطلبی ممکن یک میراث خانوادگی قدیمی و یا یک اثری را که اخیراً به غارت برده شده، پنهان نماید. کی میتواند بداند؟ یگانه جواب محتاطانه اینست که گفته شود، تمام آثاری که مبداء اصلی شان معلوم نیست، آثار سرقت شده پنداشته میشوند.

غلط فهمی هائیکه ازین تصادم اصطلاحات بوجود میآیند صرفاً توسط باستان شناسان مورد مطالعه قرار میگیرند، که این باستان شناسان یک موقف مثبت تر و پویشگرایانه را در قبال تعلیم و تربیه عامه اختیار مینمایند.

باستان شناسی و سهمگیری عامه

اشتقاق همگانی به باستان شناسی در کشور های نیازمند، اکثراً توسط تمایل در جستجوی گنج های بوجود میآید و چالش های باستان شناسان اینست که این اشتقاق را بدون اینکه آنرا کم بسازند، با درک متفاوتی از گذشته، سمت دهی مجدد نمایند.

اگر چه بسیاری از روش های باستان شناسی مستلزم مهارت های خاص یا وسایل میباشد، باز هم نقش اشتراک فعال مردم عام و هم استخدام در ساحه کار، خاصاً در کشور های منبع، ضروری میباشد. در مواقع زیادی، این کار یک استراتژی موثر جهت معامله با سرقت میباشد. در آگوبلانکا در اکوادور، هاکوراس های محلی در مورد روش های باستان شناسی ۱۸ آموزش حاصل نمودند و در سپیان در پیرو، هاکوراس ها در حفاریات نیز استخدام گردیدند. در کشور شاهی انگلستان تخصص تخنیکی کشاوران فلزات مورد تقاضای متزاید قرار میگیرد. برای موفقیت این تجارب دو علت موجود است: اولاً درک مردم محلی در مورد اینکه

تاریخی در کشور های قاره اروپا که دارای قوانین مدنی میباشدند بفروش میرسند. قوانین دارائی این کشور ها از قوانین عادی ایالات متحده امریکا و انگلستان فرق داشته که مطابق به آن یک اثر سرقت شده را میتوان از طریق خریداری "تقدیر خوب" بدست آورد. بنابراین، حتی اگر صریحاً هم نشان داده شود که یک اثر تاریخی بطور غیر قانونی از کشور اصلی آن برون آورده شده، اگر متعاقباً در خریداری "تقدیر خوب" در کشوری چون سوئیس خریداری شده باشد، آن اثر منحیث یک اثر سرقت شده شناخته نمی شود.

آثار تاریخی غیرقانونی بطور نا منظم در بسیاری از سرحدات ملی و قلمرو ها در حرکت میباشدند. این امر باعث میگردد که این آثار به آسانی بطور غیرقانونی تجارت شوند و همچنان باعث داخل شدن آنها به بازار های نقلی نیز میگردد. بدون تصدیق منشاء اصلی، آثاری که کاملاً یا قسماً نقلی میباشدند به آسانی بعوض آثار اصلی جا زده میشوند. درینصورت جهت تصدیق اصالت این آثار از آزمایش های علمی استفاده میگردد که در گذشته روش قابل اشتباه ثابت گردیده بود. در حال حاضر، در جهان تعداد زیادی از آثار نقلی در بین کلکسیون های خصوصی و غیر خصوصی موجود اند که تعداد واقعی آنها شاید هرگز روشن نگردد. اگر چه چنین تخمین گردیده که هشتاد فیصد مجسمه های سفالی که در دهه ۱۳۰۹ از کشور مالی برون آورده شده اند، جعلی میباشدند. ۱۷. در حالیکه آثار جعلی، کشف نشده و شاید هم نامکشوف باقی میماند، تاثیر این آثار بالای تحقیق به مشکل حدس زده میشوند.

لیکن تمام آثار باستانی غیر قانونی نمیباشند. معامله گران آثار تاریخی تاکید برآن دارند که مقدار زیاد این آثار از کشور های شان در جریان "سفر بزرگ" و یا در دوره های استعمار برون برده شده و شواهد مستند مبداء اصلی این آثار در گذشته های دور از بین رفته است. آنها درست میگویند و اصل قضیه هم همینطور است:

در سپیان عایدات نمایش مصنوعات و ساحات باستانی به تقریباً ۱۴ میلیون دالر در یک سال میرسد که این رقم از مبلغ ۲۵۰۰۰۰ دالر که سارقین از غارت این محل بدست آورده بودند، بمراتب اضافه تر میباشد. بورد جهانگردی سویدن تخمین نموده که کشتی نجات و اسامی مربوط به قرن هفدهم میلادی سالانه چندین میلیون دالر به اقتصاد کشور سویدن می افزاید^{۲۳}. حقیقت اقتصادی اینست که نمایش متصدیان و ابتکاری آثار باستانی در موزیم های محلی و پیشرفت ساحات باستانی برای معرفی آنان به مردم، یک منبع عایداتی را که در جلب جهانگردان ممد واقع گردیده و متعاقباً باعث بوجود آمدن شرایط استخدام دوامدار میگردد، ایجاد مینماید. لازم است تا درآمد حاصله از مدرک جهانگردی، به منفعت اجتماعی که در مجاورت این ساحات زندگی مینمایند، بمصرف برسد و توسط حکومت مرکزی یا موسسات تجارتي خارجی بطور غیر قانونی مصرف نگردد. در جائیکه ممکن است، مردم محل استخدام گردیده و پیشرفت زیربنا های ضروری باید تحت کنترل محلی قرار داشته و نیازمندی ها و آرزو های مردم محل را فراهم سازد.

تجارت آزاد؟

معامله گران و کلکسیونر هائی که از آیدیولوژی آزاد اندیشهانه تصور جهان بینانه مریم پشٹیانی مینمایند، تقاضای تجارت آزاد آثار باستانی و فرهنگی را دارند. نظریات مبنی بر اینکه تجارت بالای میراث باستانی و فرهنگی تاثیر زیان آور دارند، رد شده و در عوض چنین ادعا میگردد که تجارت آزاد به منفعت عامه میباشد: این تجارت پول را در اختیار طبقه فقیر جامعه قرار داده و آثار ارزشمند نسل های آینده را حفظ نموده و درک جهانی را از سلسله اشکال متنوع هنری بهبود میبخشد. این ادعا از نقطه نظر تیوریتیکی رد گردد زیرا بی عدالتی های اجتماعی که ریشه های عمیق دارند، به

باستان شناسان خارجی صرف به سرقت میراث ها علاقه مند میباشند، رد میگردد و خصوصیت طبیعی نگرانی های واقعی باستان شناسی واضح گردیده و قابل اعتبار پنداشته میشوند. باستان شناسی چیزی دانسته میشود که باید درک گردد تا استفاده. ثانیاً، این کار قانونی بوده و هم شاید نسبت به سرقت یک مقبره در جریان شب بیخطر تر باشد و اجرت آن هم تضمین شده میباشد^{۱۹}. برداشت ها از جنبه هائیکه از طریق چنین همکاری ها بوجود میاید، بهره مند میگردند.

جهانگردی فرهنگی

این یک حقیقت است که با در نظر داشت منفعت های اقتصادی که بدست آمده، ساحات باستانی و موزیم ها میتوانند منحصراً انگیزه های اصلی پیشرفت های جهانگردی عمل نمایند. در سال ۱۳۲۸ در بودرم در ترکیه زمانیکه هیچ جهانگردی در آن شهر سفر نمی نمود، موزیم باستان شناسی بنا نهاده شد، اما در سال ۱۳۶۹ این موزیم دومین موزیم مشهور ترکیه گردید و نفوس آن شهر سه چند گردید. در شهر سیپرویت کایرینیا در طول سه سال بعد از افتتاح یک موزیم برای نمایش یک کشتی شکسته ۲۰ قرن چهارم قبل از میلاد، تعداد بازدید کنندگان این شهر دو چند گردید. در سال ۱۳۶۸ موزیم ها و یادگار های متعدد در امتداد ساحل کینیا، ۱۶۷۰۰۰ بازدید کننده خارجی را جلب نموده و بر اقتصاد ۲۱ مجموعی منطقه تاثیر موثری وارد نمود. در چیکلیو در پیرو، نزدیکترین شهر بزرگ به محل باستانی سپیان، یک محل پرشکوه و پرارزش (و قسماً غارت شده) بنام موج، در طول ده سال بعد از چپاول آن و بعد از حفريات در آن، تعداد بازدید کنندگان آن از یک تعداد کم به ۴۰۷۰۰۰۰ نفر در یک سال رسید^{۲۲}.

منفعت های دراز مدت به یک اقتصاد ضعیف جهانگردی فرهنگی به ندرت سنجیده شده است، اگرچه تخمین گردیده که بعد از حفريات دقیق، در حال حاضر

نمایند، بهمین شکل فریب داده میشوند و در بدل قیمت کم و استثنائی یک منبع اقتصادی دراز مدت را از دست میدهند.

طرح دومی که تجارت آزاد را تأیید میدارد اینست که بازار، به اصطلاح "یافته های تصادفی" را که در جریان پروژه های انکشافی صنعتی یا زراعتی یا بواسطه توسعه یا تجدید شهری بدور انداخته می شوند، نجات میدهد. بدون موجودیت یک بازار این آثار ممکن بسادگی بدور انداخته شده و تخریب گردند اما ارزش پولی آنها بازیابی آنها را تضمین نموده و فروش و جمع آوری نهائی شان بقای آنها را تأمین مینماید.

طرح نهائی اینست که تجارت آزاد در عرصه آثار باستانی و دیگر آثار فرهنگی میتواند ارزش جهانی خلایق بشر را گسترش داده و باعث ایجاد احترام متقابل گردد. برای تحقق این امر، ضرورت به تبادل مناسب آثار موجود است، در حالیکه در حال حاضر واضحاً این تبادل به شکل نامناسب صورت میگیرد. آثار از کشور های منبع به کشور های نیازمند سرازیر میگردند و در مقابل آن هیچ جبرانی پرداخته نمیشود. بنابراین، تجارت آزاد هماهنگی بین المللی را توسعه نداده، صرف نا برابری اقتصادی را بحال خودش نگهداشته و باعث بوجود آمدن نارضایتی در بین کشور هائیکه فرهنگ شان تجارت میگردد، میشود.

کلکسیونر ها و معامله گران ادعا مینمایند که اگرچه در قدم اول آنها شاید به منفعت خود فعالیت نمایند، اما در نهایت امر فعالیت های آنان نتایج سود مندی را در قبال دارد. اما مشکل است که حمایت حقیقی را در مورد این موقف حاصل نماییم. چنین بنظر میرسد که تجارت آزاد در ساحه آثار باستانی و فرهنگی منافع دراز مدت کمی را نصیب آنانی مینماید که در کشور های منبع آثار فرهنگی قرار داشته و قربانیان اصلی مینباشند.

آسانی مهار نگردیده و این مفکوره منافع عامه پایه حقیقی ندارد. اما هرچه بیشتر قضایا گزارش داده شود و اطلاعات بیشتر در دسترس قرار گیرد، هر یک از طرح ها جهت آزمایش تجربوی قابل بررسی میباشد.

طرح اول چنین است که تجارت بر اساسات اقتصادی قابل توجیه میباشد. اکثر آ درکشور های روبه انکشاف، پولیکه از حفريات غیر قانونی بدست میاید بسیار کم و نامعین میباشد. بگونه مثال، قبرستان الناق در اردن، برای سالها از طرف مردم غریب محل به یغما برده شده است و این یک امر غیر معمول نمیباشد، اما آنها نیکه به حفريات می پردازند از ارزش اصلی یافته های شان توسط دلالتیکه این تجارت را سازمان دهی مینمایند و معامله دارانیکه معامله آخری را مینمایند، فریب داده میشوند. مطالعات نشان میدهد که حفر کنندگان بطور معمول کمتر از یک فیصد از قیمت نهائی یک اثر را بدست می آورند ۲۴.

به زعم غربی ها، یکمقدار کم پول برای یک دهقان غریب ممکن حیثیت یک مبلغ زیاد را داشته باشد، اما این یک درآمد کوتاه مدت میباشد. زمانیکه ماهیت آثار باستانی و فرهنگی دیگر از بین برده میشود، این آثار در بازار های هنری حیثیت یک جنس عادی را داشته میباشد و احتمالاً ارزش پولی شان اضافه تر میگردد و یا کم از کم چنین پنداشته میشود که درین اواخر چنین واقع شده است. اما باز هم این افزایش قیمت یا مفاد، به کسیکه آن اثر را بدست آورده است و یا به کشور اصلی آن سپرده میشود. و باز هم این منفعت دراز مدت اقتصاد غربی میباشد زیرا در عقب این آثار مصادره شده وظایف و عایدات ایجاد میگردند. لهذا، در حقیقت یابندگان اصلی بدو شکل فریب داده میشوند: اول، از ارزش اصلی پولی یافته های شان و بعداً از پتانسیل اقتصادی دراز مدت آن. دولت هائیکه آماده اند به تجسس گران گنجینه ها اجازه دهند در بدل داشتن سهمی از دارائی یافت شده در آبهای ارضی شان فعالیت

میثاق ها و معیار ها

هیچ کشوری منابع لازم را جهت حفظ آثار باستانی خود در دست ندارد. حتی ایالات متحده امریکا و انگلستان نیز متحمل غارت گری میگردند. توقع اینکه کشورهای بزرگی چون مالی و هندوستان میراث های فرهنگی خود را از غارت آنها بواسطه کلکسیونر ها و نهاد های خارجی حفاظت نمایند، بیهوده است. این ممالک وابسته به جامعه بین المللی اند تا حصول اطمینان نمایند که قوانین داخلی شان نقض نمیگردد که در عمل به مفهوم اجرای قوانینی چون میثاق سال ۱۳۴۹ یونسکو در مورد طرز منع و جلوگیری از صدور، ورود و انتقال مالکیت دارائی های فرهنگی، میباشد.

تا امروز، فقط دو کشور دارای مارکیت های ملی (ایالات متحده امریکا و فرانسه) این میثاق را تصویب نموده اند، اگرچه کشور سوئیس فعلاً در حال طرح یک قانون درین مورد است و کشور شاهی انگلستان در ماه مارچ سال ۱۳۸۰ در قسمت الحاق به این میثاق ابراز خوشبینی نموده بود. تطبیق این میثاق از طرف کشور های اخیر الذکر به این کشور ها اجازه میدهد با ایالات متحده امریکا در موافقتنامه های چندین جانبه آینده، اشتراک نمایند و این خود پیامدی است که ایالات متحده امریکا در زمان تصویب این میثاق پیش بینی نموده بود.^{۲۵}

میتوان چنین استدلال نمود که تاثیر اساسی میثاق یونسکو معنوی است تا مادی. برای مدت زیاد، موزیم ها متضمن تجارت بودند، خریداری آثار در بازار آزاد و قبول نمودن آنها بحیث میراث های فرهنگی کلکسیون ها را گرد هم جمع آوردند. علاقه تحقیقاتی متصدی های انفرادی در گذشته بر ترکیب کلکسیون های موزیم ها تاثیر وارد نموده، اما در حال حاضر چنین بنظر میرسد که گرایش ها تغییر نموده اند. این بخاطر معرفی موازین اخلاقی میباشد که تقاضای اتخاذ پالیسی ها را

در مطابقت با اصول ذکر شده در میثاق یونسکو، تقاضا مینماید. طور مثال، بخش ۳،۲ ICOM سال ۱۳۶۵ قانون اخلاق مسلکی چنین بیان میدارد: "یک موزیم نباید هیچ اثری را چه در صورت خرید، تحفه، میراث و یا تبادل، بدست آورد تا زمانی که اشخاص مسول مطمئن نگردیده اند که موزیم میتواند سند معتبر حق مالکیت در مورد نمونه و یا خود اثر مورد نظر را بدست آورد و اینکه آن اثر نباید از کشور اصلی آن و یا از کشوری که بشکل قانونی مالکیت آنرا دارد (شامل موزیم آن کشور) با تخطی از قوانین آن کشور، صادر گردیده باشد. تا جائیکه مربوط به آثار حاصله از حفريات میباشد، بر علاوه اقدامات محافظوی یاد شده، موزیم نباید یک اثر را بدست بیاورد تا زمانی که اشخاص مسول دلایل مبنی بر اینکه بازایی آن اثر شامل فعالیت های ویران کننده و غیر علمی و عمدی اخیری که باعث تخریب یادگار های قدیمی یا ساحات باستانی شود، داشته باشند و یا شامل ناکامی برای اقیاء نمودن یافته ها به مالک یا اشغال کننده آن سرزمین یا مقامات قانونی دولتی باشد."

باستان شناسان هم پاسخ میدهند. در سال ۱۳۶۷ کانگره بین المللی باستان شناسی در اعلامیه برلین توصیه نمود که باستان شناسان نباید به معامله گران یا کلکسیونر های خصوصی تخصص یا مشوره فراهم نمایند. ماده سوم اصول اخلاقی باستان شناسی جامعه باستان شناسان امریکائی هوشدار میدهد که باستان شناسان باید آگاه باشند که تجارتی ساختن آثار باستانی منجر به ویرانی ساحات باستانی و معلومات در زمینه آن میگردد و همچنان توصیه مینماید که باستان شناسان باید از فعالیت هایی که ارزش تجارتی یک اثر را بلند میبرد، اجتناب نموده و از آن جلوگیری نمایند. انستیتوت باستان شناسی موازین اخلاقی امریکا ۱۳۶۹ که در سال ۱۳۷۶ اصلاح گردیده، همچنان لازم میداند که اعضای آن به تجارت آثار تاریخی که مبداء اصلی شان

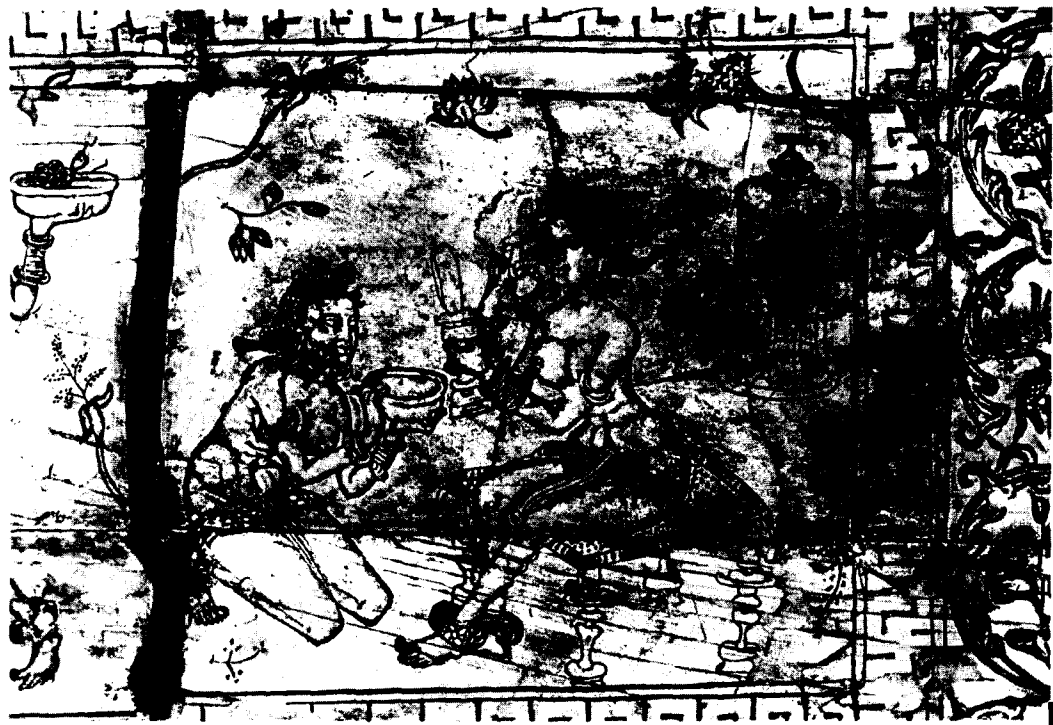
معهدا، بسیاری از موزیم ها با تخطی از قوانین اخلاقی، به جمع آوری و نمایش آثار بدون مبداء اصلی ادامه میدهند و با انجام این عمل سبب شرمندگی مردم عام و ضیاع مالی میگردند.

نتیجه گیری

گل و چیندل ۱۳۷۲ در مورد آثار فرهنگی و نتایج فکری جمع آوری آنها نوشته اند. منظور آنها از نتایج فکری فساد دانش قابل اعتماد است که معلول ارزیابی و تعبیر دوباره از آثار به طرز دید مدرن، میباشد. تمرکز ما اضافه تر روی نتایج مادی یعنی خسارتی که در اثر جمع آوری غیر مسولانه آثار واقع میگرددند میباشد و چنین بنظر میرسد که آنها نیکه از تجارت غیر قانونی منفعت میگیرند معامله گران و کلکسیونران از آن انکار مینمایند. میزان این تجارت اکثراً کمتر جلوه داده میشود و خسارتی که این تجارت وارد مینماید بشمار میباشد.

معلوم نیست، مبادرت نورزند و هم دیگران را به آن تشویق نمایند. در کشور شاهی انگلستان، اکادمی بریتانیا در سال ۱۳۷۷ مصوبه را صادر نمود که در آن رعایت اصول میثاق سال ۱۳۴۶ تأیید گردیده بود و در سال ۱۳۷۸ انستیتوت باستان شناسی در لندن اولین دبیرتمنت دانشگاهی گردید که یک پالیسی اخلاقی را براساس اصول مشابه تصویب نمود. این اصول همچنان پالیسی های سرمقاله های تعدادی از ژورنال ها، مانند ژورنال امریکائی باستان شناسی را رهنمائی نمود.

در سال ۱۳۷۴ میثاق یونیدرایت در مورد آثار فرهنگی سرقت شده و غیر قانونی صادر شده قسمی طرح گردیده بود تا ساحه فعالیت میثاق ۱۳۴۹ یونسکو را بطور مساویانه وسعت بخشیده و چنان بنظر میرسد که بر پیشرفت قوانینی که جهت جلوگیری از خریداری غیر قانونی آثار فرهنگی قاچاقی، اختصاص داده شده، کمک مینماید.



۳. عاج های مربوط به قرن سوم و چهارم از بگرام که بین اشیای موزیم کابل موجود بود، اکنون در مارکیت بین المللی اشیای هنری بعد از آنکه تاراج شدند برای فروش اند. موزیم گیمی

Creek التامیرا (AltaMira) ۱۹۹۲، صفحات ۴۲-
ICOM. ۲۳۸، "سرقت در انگکور، پاریس ۱۳۷۵: ICOM،
۱۳۷۲.

کورویاس ام. پی. (Kouroupas, M.P.) "تلاشهای ایالات
متحده آمریکا برای حفظ دارایی های فرهنگی: تطبیق میثاق سال
۱۳۴۱ یونسکو"، در تجارت و خیانت در آثار تاریخی: موضوعات
حقوقی، اخلاقی و حفاظتی، کی. دبلیو. تیب (K.W. Tubb)، لندن:
آرچیتایپ (Archetype/UKIC)، ۱۳۷۴، صفحات ۸۳-۹۳.
لی دی (Lee.D.) "تاریخ و هنر از بین میروند"، اخبار هنری،
شماره ۱۰۱، مارچ ۲۰۰۰ صفحه ۳۱.
لی دی (Lee, D.) "قدم کوتاهی به پیش"، روزنامه هنر شماره
۱۰۷، اکتوبر سال ۱۳۸۱، صفحه ۶.

مکفارلین، ای. (Macfarlane, A.) "راز دارایی: میراث
و صنعتی سازی در انگلستان و جاپان"، در روابط دارایی: تجدید
عنایت مردم شناسی، سی. ام هان (C.M. Hann)، کمبریج:
نشریات دانشگاه کمبریج، ۱۳۷۷، صفحه ۲۳-۱۰۴.

مریم جی ایچ (Merryman, J.H.) "تجارت بین المللی غیر
قانونی آثار فرهنگی"، در جوانب حقوقی تجارت بین المللی در
هنر، M. Briat و J.A. Freedberg هاگ، قانون بین المللی
کلور، ۱۳۷۵ صفحات ۳-۴۶.

پرات ال. وی. (Prot, L, V.) و پی. جی. اوکیف
(P.J.O'Keefe) "میراث فرهنگی، یا دارایی فرهنگی؟"، در
ژورنال بین المللی دارایی فرهنگی ۱، ۱۳۷۱، صفحات ۳۰۷-
۳۲۰.

رونی. اس. (Rooney, S.) "حمله کنندگان مقبره" در مجله
تایمز، ۶ جنوری ۱۳۸۰ صفحات ۴۴-۴۸.

سیدن ایچ. (Seeden, H.) "باستان شناسی و مردم عام در
لبنان: پیشرفت ها از ۱۳۶۵" در حال و گذشته: میراث، موزیم ها
و تعلیم و تربیه، پی. جی. ستون (P.G. Stone) و بی. ال.
مولینوکس (B.L. Molyneux)، لندن: روتج، ۱۳۷۵، صفحات
۱۰۸-۹۵.

تروکمارتون پی. (Throckmorton, P.) "خراب ترین
سرمایه گذاری جهان: اقتصاد شکار گنجینه درمقایسه با زندگی
حقیقی" در درآمد میراث فرهنگی تحت البحری از جامعه باستان
شناسی تاریخی، ۱۳۶۹، صفحات ۶-۱۰، نشر دوباره در L.V.
Prot و I. Srong، ۱۳۷۸، پس منظر حفاظت میراث فرهنگی
زیردریایی، پاریس و پورتس موت: جامعه باستان شناسی
دریانوردی یونسکو، صفحات ۱۷۹-۱۸۳.

ویتلی، کی. دی. (Vitelli, K.D.) "پاسخ یک باستان شناس
به طرح اصول اداره قاچاق بین المللی دارایی فرهنگی در جنبه
های قانونی تجارت بین المللی در عرصه هنر. ام برایت (M.
Briat) و جی. ای. فریدبرگ (J.A. Freedberg)، هاگ: قانون
بین المللی کلور، ۱۳۷۵ b صفحات ۱۰۹-۱۱۲.

واستن پی. (Waston, P.) "درس هایی از سپیان: باستان
شناسان و هاگوروس ها"، در فرهنگ بدون محتوی، نمبر ۴،
۱۳۷۸، صفحات ۱۵-۲۰.

ویلسن تی. ایچ. (Wilson T.H.) و ای. ال. عمر
(A.L.Omar) "حفظ میراث فرهنگی در ساحل شرقی افریقا"، در
غارت گذشته افریقا، پی. آر. شمیت (P.R. Schmidt) و آر. جی.
مک انتاش (R.J. McIntosh)، لندن: جیمز کوری (James
Curry)، ۱۳۷۵، صفحات ۴۹-۲۲۵.

یادداشت ها

۱ این مقاله خلاصه از دو نشریه که توسط نیل برادی نوشته
شده میباشد: "تباهی های جنگ" منتشر شده توسط بخش باستان
شناسی، جولای/اگست سال ۲۰۰۳ معرفی شماره مشترک آثار

باین دلیل، شواهد و حقایق معلومات در مباحثه فعلی پر
ارزش میباشد. درین اواخر، تطبیق میثاق یونسکو در
مجلس سنای آمریکا مورد مخالفت قرار گرفت و در
انگلستان، پارلمان و حکومت هر دو تحقیقاتی را در
مورد تجارت غیر قانونی آثار انجام دادند. پروتوکول
دوم میثاق هاگ به تصویب رسید و مذاکرات روی طرح
میثاق یونسکو در مورد محافظت میراث فرهنگی
زیردریایی ادامه دارد. همه دست اندرکاران حفظ میراث
فرهنگی باید در پروسه سیاسی بخاطر نیل به مامول
حفاظت ازین میراث و بمنظور تغییر دادن حقیقت
موجود در زمینه تاراج داشته های فرهنگی و جلوگیری
از سرقت این آثار قبل از امحای آن، فعالانه اشتراک
ورزند.

ماخذ

بان پی جی (Bahn, P.G.) "مصنوعات خمر به کمبودیا باز
میگردند" در آثار تاریخی ۷۴، ۲۰۰۰، صفحات ۷۵۳-۷۵۴.
بویلن پی جی (Boylan, P.J.) "انتقال غیر مجاز در آثار
تاریخی و معیار های موزیم ها"، در تجارت آثار تاریخی یا تحلف
در زمینه، K.W. Tubb، لندن نشریات آرچیتایپ، ۱۳۷۴،
صفحات ۹۴-۱۰۴.

برنت ام (Brent M.)، "هنر تقلبی افریقائی، باستان شناسی
۱۳۸۰، ۵۴، صفحات ۲۷-۳۲.

برادی ان جی (Brodie, N.J.) "افسوس به حال دلان
بیچاره"، در فرهنگ بدون محتوی ۱۳۷۷، صفحات ۷-۹.

برن هم بی (Burnham B.) "میراث مهندسی: مغالطه حالت
موجوده خطر" در ژورنال بین المللی دارایی فرهنگی ۷، ۱۳۷۷،
صفحات ۶۵-۱۴۹.

چمپان جی (Champan, J.) "ویرانی یک میراث عامه:
باستان شناسی جنگ در کروشیا" بوسنیا و هرزگووینا" در اثر
تاریخی ۶۸، ۱۳۷۳، صفحات ۲۶-۱۲۶.

کلیمنت ای (Clement, E.) "یونسکو: بعضی از قضایای
بازیابی دارایی فرهنگی بعد از درگیری مسلحانه" در جوانب
حقوقی تجارت بین المللی در هنر، M. Briat و J.A. Freedberg
هاگ، قانون بین المللی کلور، ۱۳۷۵ صفحات ۶۲-۱۵۷.

دانس جی دی (Dodds, J.D.) "پلی بالای نیریترا" در باستان
شناسی ۴۹، ۱۳۷۵، صفحات ۴۸-۵۳. دوپری ان. ایچ (Dupree,
N.H.) "موزیم تحت محاصره" در باستان شناسی (۲) ۴۹، ۱۳۷۵،
صفحات ۴۲-۵۱.

دوپری ان. ایچ (Dupree, N.H.) "غارت ادامه دارد" در باستان
شناسی آن لاین. ایچ تی تی پی قابل دسترسی:

[http://www.archaeology.org/online/features/afghan/
update.html](http://www.archaeology.org/online/features/afghan/) ۱۳۷۷ گل دی. دی. (Gill, D.) و پس چیپیندل
(C. Chippindale) "نتایج مادی و معنوی احترام به ارقام
سیکلادیک (Cycladic)" در ژورنال باستان شناسی آمریکائی
۹۷، ۱۳۷۶ صفحات ۵۹-۶۰. هاول سی. ال (Howel C.L.)
"جرتت معامله با هاگوروس ها (huaqueros)" در اخلاق باستان
شناسی، کی. ویتلی (K. Vitelli)، و والت کریک (Walnut)

ویتلی (K. Vitelli)، والنت کریک (Walnut Creek) التامیرا (AltaMira) ۱۳۷۵، صفحات ۴۲-۲۳۸.
۱۹ سیدن ایچ. (Seeden, H.) "باستان شناسی و مردم عام در لبنان: پیشرفت ها از ۱۳۶۵" در حال و گذشته: میراث، موزیم ها و تعلیم و تربیه، پی. جی. ستون (P.G. Stone) و بی. ال. مولینوکس (B.L. Molyneux)، لندن: رولنج، ۱۳۷۳، صفحات ۱۰۸-۹۵.

۲۰ تروکمارتون پی. (Throckmorton, P.) "خراب ترین سرمایه گذاری جهان: اقتصاد شکار گنجه ها با مقایسه های زندگی حقیقی"، در میراث فرهنگی تحت البحری، پاریس و پورتس موت: جامعه باستان شناسی دریانوردی یونسکو، صفحات ۱۸۳-۱۷۹.

۲۱ ویلسن تی. ایچ. (Wilson T.H.) و ای. ال. عمر (A.L. Omar) "حفظ میراث فرهنگی در ساحل شرقی آفریقا"، در غارت گذشته آفریقا، پی. آر. شمیت (P.R. Schmidt) و آر. جی. مک انتاش (R.J. McIntosh)، لندن: جیمز کوری (James Curry)، ۱۳۷۵، صفحه ۲۴.

۲۲ واستن پی. (Waston, P.) "درس هایی از سیپان: باستان شناسان و هاگوروس ها"، در فرهنگ بدون محتوی، نمبر ۴، ۱۳۷۸، صفحه ۱۶.

۲۳ تروکمارتون پی. (Throckmorton, P.) OP. Cit (Throckmorton, P.) صفحه ۱۸۱.

۲۴ بویلان پی. جی. (Boylan, P.J.) "انتقال غیر مجاز آثار تاریخی و اخلاق موزیم داری"، در تجارت لاضص و خیانت در آثار تاریخی" کی. دبلیو. تیب (K.W. Tubb)، لندن "افسوس به حال دلالان بیچاره"، در فرهنگ بدون محتوی، نمبر ۳، ۱۳۷۷، صفحات ۷-۹.

۲۵ کوروپاس ام. پی. (Kouroupas, M.P.) "تلاشهای ایالات متحده آمریکا برای حفظ دارائی های فرهنگی: تطبیق میثاق سال ۱ یونسکو"، در تجارت و خیانت در آثار تاریخی: موضوعات قانونی، اخلاقی و حفاظتی، کی. دبلیو. تیب (K.W. Tubb)، لندن: آرچیتایپ (Archetype/UKIC)، ۱۳۷۴، صفحات ۸۳-۹۳.

باستانی غیر قانونی: غارت فرهنگ و نابودی باستان شناسی منتشر شده توسط رولنج در سال ۱۳۸۲.

۲ توجه درباره افغانستان در شماره جاری موزیم بین المللی، این ژورنال یک مطالعه عمیق شرایط در کمبودها در شماره دوگانه ماه می ۱۳۸۱، که بنام ساحه باستانی انگکور میباشند.

۳ دوپری ان. ایچ. (Dupree, N.H.) "موزیم تحت محاصره" در باستان شناسی (۲) ۴۹، ۱۳۷۵، صفحات ۴۲-۵۱.

۴ لی دی (Lee.D.) "تاریخ و هنر از بین میروند"، اخبار هنری، شماره ۱۰۱، مارچ ۲۰۰۰ صفحه ۳۱.

۵ دوپری ان. ایچ. (Dupree, N.H.) "غارت ادامه دارد" در باستان شناسی آن لاین. ایچ تی تی پی قابل دسترسی: <http://www.archaeology.org/online/features/afghan/update.html> ۱۳۷۷،

۶ رونی اس. (Rooney, S.) "حمله کنندگان مقبره" در مجله تایمز، ۶ جنوری ۱۳۸۰ صفحه ۴۵.

۷ بان، پی جی. (Bahn P.G.) "مصنوعات خمر به کمبودها باز میگردند" در اثر تاریخی ۷۴، ۲۰۰۰ صفحه ۷۵۳.

۸ نشریه ICOM در سال ۱۳۷۲ در چاپ اول "چپاول در انگکور" که به بازیابی شش اثری که دو آن در سالتبایز لندن (Sotheby's London) و یک دیگر آن در (New York Sotheby's) بفروش رسید ۱۰-۱۱: ۱۳۷۲ ICOM

۹ چمپان جی. (Chapman, J.) "ایرانی یک میراث عامه" باستان شناسی جنگ در کرووشیا، بوسنیا و هرزگووینا، در اثر تاریخی ۱۱۳۷۳، صفحات ۲۶-۱۲۰ و داس جی. دی. (Dodds, J.D.) "پل بالای نریتو" در باستان شناسی.

۱۰ کلیمنت، ای. (Clement, E.) "یونسکو: قضایای مشخص بازیابی دارائی های فرهنگی بعد از یک درگیری مسلحانه" در جوانب حقوقی تجارت بین المللی در ساحه هنر، ام برایت (M. Briat) و جی. ای. فریدبرگ (J.A. Freedberg) هاگ: قانون بین المللی کلور، ۱۳۷۵ صفحه ۱۵۹.

۱۱ برن هام بی. (Burnham, B.) "میراث مهندسی: اختلاف حالت خطر فعلی" در ژورنال بین المللی دارائی فرهنگی ۱۳۷۷، صفحه ۱۵۳.

۱۲ پرات ال. وی. (Prot, L, V.) و پی. جی. اوکیف (P.J.O'Keefe) "میراث فرهنگی، یا دارائی فرهنگی؟"، در ژورنال بین المللی دارائی فرهنگی ۱، ۱۳۷۱، صفحه ۳۱۰.

۱۳ مکفارلین، ای. (Macfarlane, A.) "راز دارائی: میراث و صنعتی سازی در انگلستان و جاپان"، در روابط دارائی: تجدید عنفات مردم شناسی، سی. ام. هان (C.M. Hann)، کمبریج: نشریات دانشگاه کمبریج، ۱۳۷۷، صفحه ۱۰۴.

۱۴ ویتلی، کی. دی. (Vitelli, K.D.) "پاسخ یک باستان شناس به طرح اصولی که انتقال مجاز دارائی فرهنگی را تحت تاثیر دارد"، در جوانب حقوقی تجارت بین المللی در ساحه هنر، ام برایت (M. Briat) و جی. ای. فریدبرگ (J.A. Freedberg) هاگ: قانون بین المللی کلور، ۱۳۷۵ صفحه ۱۰۹.

۱۵ پرات ال. وی. (Prot, L, V.) و پی. جی. اوکیف (P.J.O'Keefe) OP, Cit, (P.J.O'Keefe) صفحه ۳۱۱.

۱۶ گیل دی. (Gill, D.) و یس چپیندل (C. Chippindale) "نتایج مادی و معنوی احترام به ارقام سیکلادیک (Cycladic) در ژورنال باستان شناسی امریکائی ۱۳۷۲، صفحات ۵۹-۶۰.

۱۷ برنت ام. (Brent, M.) "هنر جعلی امریکائی" باستان شناسی ۵۴، ۱۳۸۰، صفحات ۲۷-۳۲.

۱۸ هول سی. ال. (Howel C.L.) "جرت معامله با هاگوروس ها (huaqueros) در اخلاق باستان شناسی، کی.

موزیم ملی انگولا در جریان جنگ های داخلی در آنکشور

نوشته فرناندو وه وه مانزامبی

فرناندو مانزامبی متصدی موزیم ها و پژوهشگر مرکز مطالعات افریقائی در دانشگاه پورتو (Porto) میباشد. وی عضو شورای ICCROM ، شورای اداری (EPA) Benin (Ecole du Patrimoine Africain) و عضو بنیان گزار AFRICOM میباشد.

در جریان سال های اول آزادی انگولا، پالیسی نی در مورد موزیم انکشاف یافته بود که در مقایسه با سال های استعمار، به وظیفه آموزشی موزیم در برجسته ساختن مجموعه های آن اولویت بخشید. اتخاذ این پالیسی بمنظور از بند رهانیدن موزیم ها از پالیسی های استعماری بود تا این موزیم ها را در خدمت مردم انگولا که برای سالیان متمادی از حق اساسی شان به آزادی و همه اشکال آن محروم بودند، قرار دهد.



۴. موزیم ملی نژادشناسی انگولا در لووندا که نقش مهمی در انکشاف مدارا و تنوع فرهنگی ایفا کرده است.

در حقیقت، موزیم هائیکه در سالهای دهه ۱۹۳۰ در انگولا موجود بودند، ذریعه قوانین معیاری اداری در دوره Governor Jose Mendes Ribeiro Norton de Mantos (۱۹۱۵-۱۹۱۲) تنظیم گردیده بود. در فرمان نمبر ۱۹۱۲/۲۶۶، گورنر تصمیم گرفته بود تا موزیم نژاد شناسی انگولا و کانگو را ایجاد نماید تا محققین، استعمارگران، تاجران و کارمندان دولتی را که جهت مسکن گزین شدن به آن منطقه می آمدند قادر به این بسازد تا با مردم نیمه متمدن که خصوصیت های آنها کمتر کنجکاوی و مطالعه شده بود، آشنا شوند. در یک روش مشابه، مقررات قانونی دیگری برای مطالعه نهاد های عنعنوی، و همچنان عادات بومی و رسومی که درک بهتر جمعیت اصلی را جهت استعمار آنها بشکل موثر تسهیل نماید، وضع

فرق مینمایید، قرار دارد. هر چند این جنگ در بر گیرنده قبایل، اقوام، رژیم های شاهی یا دولت های ملی باشد، ویژگی مشترک آن قابلیت کنترل و لو موقتی باشد، استفاده از خشونت داخلی بمنظور بکار بردن آن علیه یک دشمن خارجی باشد. این تعریف مفهوم جنگ، ما را به تشخیص دو نوع جنگ رهنمائی میکند: جنگ سنتی و جنگ غیر سنتی، بر اساس اینکه آیا طرفین متخاصم دارای نظریات مشابه در مورد شیوه های اختلافاتی که آنها در آن در گیر اند، است یا خیر؟

بیانید بگویند که درین تعریف، جنگ چیزی جز منازعه مسلحانه که در آن گروه های متخاصم جهت حل اختلافات شان از خشونت کار میگیرند، نیست. میشل ادم، که از مشکلات موجود در تعریف مفهوم جنگ آگاه است، همان تعریف معمولاً قبول شده را که میگویند "جنگ نمایش خشونت آمیز توازن قدرت میان گروه های انسانها است"، قبول مینماید. خصوصیت اصلی جنگ همانا اعمال خشونت آمیز میباشد. با وجود خصوصیت خشونت آمیز آن، جنگ یک پدیده اجتماعی تعریف گردیده است که، قسمیکه ادم ابراز نظر مینماید، مصادف یا شاید وابسته به زندگی انسان در جامعه باشد. ما اینرا قبول مینمائیم که جنگ منحصبت یک پدیده اجتماعی که مشمول اعمال خشونت آمیز میباشد، همچنان خارج از پیمان اجتماعی واقع گردیده است. بنابراین، جنگ یا از نقض ازین پیمان بمیان میاید ویا خارج از محدوده این پیمان در یک محدوده سیاسی که خارج از قدرت آن واقع گردیده، ظهور مینماید.

در حقیقت مولف خاطر نشان میسازد که جنگ رابطه میان انسانها نیست. مطابق به گفته ادم که به نظریه جین جکس روسوی اشاره مینماید، جنگ رابطه ایست میان دولت هائی که در آن افراد صرف بشکل تصادفی دشمن یکدیگر استند و این دشمنی

گردیده بود. اینها مقرراتی بودند که وظایف موزیم های استعماری را تعریف نموده و چگونگی پالیسی استعمارگرانه پرتگال را در مورد استراتژی استعمار فرهنگی مشخص می ساخت. این پالیسی های عقب گرایانه که در جریان استعمار انگولا اتخاذ شد یکی از دلایلی بود که سبب شروع جنگ های آزادی گردید که در نتیجه آن مردم انگولا در نوامبر سال ۱۹۷۵ آزادی خود را حاصل نمودند. بد بختانه، دوره پس از استعمار، کشور را دچار جنگ داخلی نمود که منتج به قیام عمومی گردید.

هدف از این مقاله دریافت نقش موزیم ملی مردم شناسی در لوآندا بمثابة یک نهاد آموزشی فرهنگی و اهمیت پالیسی موزیم در تعلیمات اجتماعی فرهنگی مردم که بشکل مستقیم ویا غیر مستقیم با عامل تکان دهنده جنگ چند ساله روبرو شدند. همچنان هدف دیگر آن این است تا نقش موزیم را در ریشه کن نمودن عدم اعتماد و نفرتی که در جامعه انگولا در نتیجه جنگ پدید آمده، ذریعه پیغامی که توسط نمایشات انتقال میگردد، نشان دهد. آیا وقت آن نرسیده که بپرسیم آیا این موزیم از طریق نقش تعلیماتی خود تهداب ضروری برای فرهنگ تحمل و مفاهمه را برای قبولی اختلاف، آوردن مردم ملیت های مختلف را دور هم بواسطه حمایت از طریق پیام فرهنگی و فرهنگ صلح در انگولای پس از جنگ، گذاشته یا خیر؟

مردم انگولا در مواجهه با جنگ داخلی

توضیح پدیده جنگ به اندازه مطلق است که ما درین جا از نقطه نظر مردم شناسی آنرا مورد بررسی قرار میدهیم. مولفان متعدد دیگر، جنگ را یکی از اشکال خونین حل منازعات میدانند بخاطریکه این پدیده در مخالفت با واحد های آزاد سیاسی مستقل واقع در فضائی که از لحاظ ساحه بطور قابل ملاحظه

آگاهانه یا غیر آگاهانه با یکی از جناح ها پیوندند تا از منافع گروه های سیاسی شامل FNLA در شمال، MPLA در شمال مرکزی و UNITA در جنوب کشور، حمایت نمایند.

برخلاف جنگ سنتی، جنگ داخلی، جنگی است که با نورم ها مطابقت نداشته و در جانی واقع میشود که در آنجا خشونت کنترل نمی گردد. این یک جنگ وحشیانه است که ترحم را نمی شناسد. در انگولا این جنگ شامل جمعیت ملکی بود و نفرت میان گروه ها را به اندازه تحریک نمود که در مناطق شمالی و مرکزی کشور خصوصیت خشونت آمیز را اختیار نمود. شرکت دادن مردم در سیاست و ادغام شبه نظامیان مسلح جهت دفاع از منافع کشور و استخدام گروه های دیگری از مردم برای حمایت از گروه های سیاسی مخالف، جنگ داخلی انگولا را برای چندین سال متمادی دامن زد.

در کشور های چندین ملیتی مانند انگولا، اختلافات موجود در ساختار اجتماعی به ایجاد خشونت های خونین و نفرت زیاد انجامید که بعداً در بین گروه های مردم جایگزین گردید. هر تبعه که در جنگ حصه داشت با یک حالت خشونت دوگانه روبرو گردید: اولاً شمولیت وی در اعمال خشونت آمیز مانند قتل های آگاهانه، و ثانیاً تغییر در طرز برخورد وی را مجبور می سازد تا در حاشیه جامعه خود که در آن وی با سلوک نامناسب دچار میگردد زندگی نماید.

در حقیقت، حالت جنگ که انگولا با آن مواجه گردید یک فضای کشمکش را بوجود آورد که ساختار اجتماعی جامعه را در هم کوبید. این همان حالت جنگ است که میشل ادم آنرا "وضعیت ضد جامعه" می نامد، یعنی وضعیتی که توسط کشمکش داخلی و گرایش به دگرگونی بوجود میاید. دوام این درگیری مسلحانه و نتایج آن مستلزم آنست که هر یک از

بشکلی است که افراد کشور ها یکدیگر را منحیت انسانها یا باشندگان کشور مقابل نه بلکه منحیت عساکر آن کشور ها می شناسند. بنابراین، میشل ادم چنین مفکوره دارد که هر کشوری که با کشور دیگری مخاصمت دارد، مردم آنرا دشمن خود می پندارد نه باشندگان آن کشور. باین صورت جنگ به نورم های قبلاً وضع شده که طرفین در گیر باید از آن پیروی نمایند، پاسخ میدهد. این نورم ها به جنگی که بنام جنگ سنتی یاد میگردد، مطابقت دارد. برعکس جنگ سنتی، نوع دیگر منازعه نیز موجود است که بنام جنگ غیر سنتی یاد شده است. این نوع جنگ به دو بخش دیگر تقسیم گردیده که عبارت از جنگ داخلی و جنگ آزادی خواهی میباشد.

تا جائیکه مربوط به ما میگردد، انگولا با هر دو نوع این جنگ روبرو گردید: در این کشور بین سالهای ۱۹۶۱-۱۹۷۴ جنگ آزادی و بین سالهای ۱۹۷۵-۲۰۰۲ جنگ های داخلی جریان داشت. جنگ داخلی انگولا درگیری های مسلحانه بود که میان گروه ها و باشندگان عین کشور صورت گرفت. درین جنگ، جنگجویان غیر نظامی از گروه های مختلف شامل بودند که در جریان جنگ های آزادی، بنابر داشتن اهداف و آیدئالوژی های سیاسی مختلف از هم جدا گردیده بودند. این نهضت های آزادی بخش مبارزات خود را اضافه تر به مخالفت های آیدیا لژیکی و جاه طلبی های گروه های شان بنا گذاشته بودند تا بر اهداف مقدس آزادی کشور شان از یوغ استعمار. این مخالفت میان نهضت های آزادی بخش به منازعه مبدل شد که در زمان گرفتن آزادی، شاخه های مسلح نهضت آزادی بخش (MPLA, FNLA, UNITA) که از طرف جمعیت ملکی بمتنی بر وابستگی منطقوی، اجتماعی، نظامی گران و هواداران حمایت می شدند، در مقابل همدیگر قرار داد. این جنگ باشندگان صلحجو را تشویق نمود تا

که حکایت از تعبیر سیاسی زمان آسان بوده و اما نفوذ در مفکوره های عام ملیت های قبلی که انگولا را ساخته اند، بسیار مشکل است.

این آگاهی، آژانس های انسجام دهنده فرهنگی و دست اندرکاران فرهنگی مانند موزیم ها را در امر ایجاد برنامه های تعلیمی فرهنگی و وطن پرستی برای آموزش معنوی موثر برای ملت انگولا، قادر میسازد. این برنامه باید وحدت ملی را با همه جهات آن در نظر می گرفت. این همان قسمتی از فعالیت ها است که تهداب انسجام مردم انگولا را گذاشت که بر اصول بنیادی برای آزادی و تاکید بر تصریح دوباره آرزوی ملتی که بخاطر حراست از حاکمیت شان قربانی داده بودند، بنا نهاده شده بود. تحلیل فرهنگی، از طریق پیام این نمایش ها به هدف آگاه ساختن مردم از قسمت اخیر تاریخ کشور و آزادی آن و کوشش ها برای آموزش معنوی وحدت ملی، به مردم انتقال یافت. بنابراین، بطور مثال، مادر نمایشات دایمی موزیم، نمایندگی نهاد های سیاسی جوامع عنعنوی مختلف، فعالیت های اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی آنان را همراه با سنت های اجتماعی، رسوم و ریشه های مذهبی آنان درمی یابیم.

پیام نمایشات بنیاد فرهنگی بانتو را که کانگو، تشکوی، امبونو، اومباندو، نیانکی، امبو، هریرو و مردم نگانگولا (مبول، لومبی، نایمیا و دیگران) و گروپ خویسان که آمیزش گرایی آن دو خانواده زبانشناسی عمده را با هم یکجا میسازد، نشان میدهد. این نمایش پیام وحدت و همبستگی را انتقال میدهد و موانع فرهنگی میان گروه ها را با بیان اینکه فکتور هانی که آنان را با هم متحد میسازد نسبت به فکتور هائیکه آنها را از هم دور میسازد بسیار زیاد است، از میان بر میدارد. نمایش به مردم نشان میدهد که با وجود تقسیم بندی جغرافیای فرهنگی گروه های مردم شناسی ریشه های فرهنگی آن همیشه نسبت به

جوانب دخیل اعم از افراد، چه بصورت دسته جمعی و یا سازمانی و چه سیاسی، اجتماعی و یا فرهنگی، باید برای اعاده صلح تلاشهای جدی بخرج دهند.

در پهلوی دیگر نهاد ها، موزیم ملی مردم شناسی، اقدامات لازم را جهت تامین شرایط عاری از خشونت و آغاز هر پروسه که جامعه انگولا را بطرف صلح هدایت نماید، اتخاذ نمود. صلح را به خودی خود نمی توان صرف با خاموش بودن سلاح و یا امضای موافقتنامه صلح که خود یک قدم سرنوشت ساز در راستای صلح میباشد، تعریف نمود. موافقتنامه های پی در پی از الور در پرتگال تا لوساکا در زمبیا، شواهد آشکاری را فراهم مینماید مبنی بر اینکه صلح پروسه ایست که فردی را درین پروسه شامل میسازد که باید از خصوصیت نا موجه اعمال خشونت آمیز آگاه بوده و باید این چنین اعمال را تقبیح نماید. یک فرد باید اولاً با خودش در تضاد نباشد و برای سهم گیری در پروسه صلح اجتماعی باید آرامش باطنی را حاصل نماید. این آگاهی انفرادی باید به شعور همگانی تبدیل گردد تا جامعه را قادر به دست کشیدن از خشونت نماید.

کلکسیون های موزیم ملی مردم شناسی و بنیاد

چندین ملیتی جامعه انگولا

در اوایل سالهای آزادی، اسنادی در مورد آشنائی سیاسی کشور که توسط نهضت مردمی آزادی خواهی (MPLA) طرح گردیده موجودیت فرهنگ های مختلف را در امتداد سرزمین این کشور تصدیق می دارد. اساس این امر همانا ویژگی های لسانی است که خصوصیت فرهنگی هر یک از گروه های شامل در همبستگی ملیت انگولا را تشکیل داده است. بنابراین، انتونیو اگستینو نیتو، اولین رئیس جمهور انگولا که از پیچیدگی فرهنگی کشور تازه آزادی یافته اش آگاه بود، از آغاز درین مورد هوشدار داده بود،

موزیم ملی انگولا در جریان جنگ های داخلی در آنکشور
فرناندو وه وه مانزامبی

نماینندگی کامل مینماید. ما میتوانیم این حقیقت را تائید
نمائیم که با وجود موقعیت جغرافیائی فرهنگی لوآندا،
پایتخت انگولا، در منطقه کمبندو و با در نظر داشت
بیجا شدن مردم و حرکت آنها از نقاط مختلف کشور
به طرف پایتخت، لوآندا به جانی مبدل گردیده که تمام
گروه های ملی در آن دور هم جمع گردیده اند. این
امر بیانگر خصوصیت یکپارچگی مردم مختلف شهر
لوآندا میباشد.

نمایشگاه های موزیم ملی مردم شناسی و پیام

وحدت در تنوع

این یک حقیقت است که موزیم طرق بازنمانی
یک جامعه را فراهم مینماید زیرا موزیم میتواند
ارزش هائی را که بخواهد برای برجسته ساختن
آموزش و پرورش مردم عام و یا تمام نفوس آن
جامعه بکار برد، آشکار سازد. در رابطه با آموزش
مردم، پیرامون میراث فرهنگی بوسیله کسانی که به
ارزش آنها مشترکا باور دارند، مورد بررسی قرار
میگیرند.

موزیم ها نهاد های فرهنگی اند که در آموزش و
پرورش مردم نقش بسزائی داشته و چنانچه اوامر
کوناری، رئیس جمهور ICOM در بیانیه خود در سال
۱۹۹۲ اظهار داشت، موزیم ها سه کار اساسی را
انجام میدهند: حفاظت و نگهداری مجموعه هائی که
در آنها موجود میباشد، به نمایش گذاشتن عمومی آثار
به بازدید کنندگان، و در سطح محلی به مردمی که در
مجاورت این موزیم ها بسر میبرند. یکی از
خصوصیت های چشمگیر موزیم ها شیوه انتقال پیام
های کلکیسون های آن موزیم هاست.

برنامه های سالانه یک یا دو نمایشگاه موقتی در
موزیم در جریان سالهای دهه ۱۹۹۰ در مورد
مشخص بودن گروه های خویشان، اومبندو و
نگانگولا، به هدف تقویت روابط تاریخی-فرهنگی که

سرحدات بین این گروه ها قوی تر میباشدند. هدف از
این پیام این بود که مردم را از اختلافات و منطقه
پرستی آزاد ساخته و آنها را برای ایجاد یک انگولای
جدید، آزاد و از هر نگاه متحد آماده می سازد.

نقش موزیم ملی مردم شناسی در آموزش و

پرورش مردم

موزیم ملی مردم شناسی که موضوع مطالعه مارا
تشکیل میدهد، موزیمی است در لوآندا پایتخت انگولا.
روش ما درین جا نتایج مستقیم جنگ ۲۸ ساله را که
زیر بنای مادی را ویران نمود و منابع فرهنگی
اجتماعات، منابع بشری، غیر محسوس و مادی را به
غارت برد، مورد بررسی قرار نمیدهد. موزیم ملی
مردم شناسی هرگز قربانی تباهی یا ویرانگری بنا
های تاریخی که در نتیجه تاراج در جریان جنگ
داخلی که شاید دخالت نهاد های با صلاحیت در
حفاظت داشته های فرهنگی حین در گیری های
مسلحانه، نگردیده است. این حالت درین حوزه ممکن
مستلزم دسترسی به لوایح قانون باشد. تفکر ما درین
مقاله بسوی برجسته ساختن محتویات کلکیسون های
فرهنگ شناسی موزیم از دیدگاه آموزش و پرورش،
تامین همبستگی و مساوات اجتماعی در کشوری که
اساس چندین ملیتی ساختار اجتماعی آن با واکنش
های خشونت آمیز جنگ داخلی تهدید گردیده بود،
جهت میگیرد. موزیم ملی مردم شناسی دارای یک
کلکیسون غنی آثاری از کانگو، کمبندو و اومبندو از
مناطق که تاریخ سیاسی اخیر به مرز های عنعنوی
آن نسبت داده شده، میباشد. علاوه بر این کلکیسون
ها، این موزیم نمایندگی بیشتری از میراث جغرافیای
فرهنگی انگولا با آثار تشوکوی، نیانیکا، امبو و
هریرو و گروه های مختلف نگانگولا، را فراهم
مینماید. این تنوع وسیع آثار موجود درین موزیم، آنرا
به یک نهادی مبدل ساخته که از تاریخ این سرزمین

دولت انگولا عده از شبه نظامیان را در اردوی منظم آنکشور در تلاشهایش برای دفاع از تمامیت ارضی انگولا علیه نهضت شورشیان بسیج نمود. چنین پنداشته می شد که این شورشیان در جریان جنگ سرد از گروه های امپریالیستی تشکیل گردیده بودند که جهت بدست آوردن قدرت، در ضمن دیگر فعالیت ها، در جستجوی استخدام اهالی ملکی و نو جوانان به نیرو های چریکی بودند. شامل ساختن اهالی ملکی انگولا در کمپ های جنگجویان، منازعه انگولا را به یک جنگ داخلی مبدل نمود و این جامعه چندین ملیتی را در آستانه فروپاشی قرار داد.

نتیجه گیری

به عنوان نتیجه گیری، میتوانیم بگوئیم که با وجود خطرانی که جامعه چندین ملیتی انگولا را تهدید مینماید، موزیم ملی فرهنگ شناسی تلاشهای فوق العاده را بخرچ داده تا با استفاده از پیام های نمایشگاه هایش، تعلیمات فرهنگی را به مردم آن کشور فراهم نماید. نمایشگاه های دایمی که زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ملیت ها را بشکل مصرانه با هم همبسته ساخته، آنها را قادر به این ساخت که با یکدیگر آشنائی بیشتر حاصل نموده و در مورد منابع فرهنگی عظیم کشور شان آگاهی بیشتر حاصل نمایند. نمایشگاه های موقتی و موضوعی جهت تمرکز به هویت های محلی مواد آموزنده را مورد استفاده قرار داده و همزمان با آن در جستجوی تاکید بر عناصر همانندی که باید مردمان مختلف را با هم یکجا بسازد، برآمده اند. این فعالیت های موزیم ملی مردم شناسی در آموزش معنوی فرهنگ شکیبائی و پذیرش دیگران در نا همسانی با آنها منحصی شرایط لازم برای ایجاد وحدت ملی در شرایط اختلاف و فرهنگ صلح، سهم بارزی داشته است.

میان مردم انگولا موجود است، براه انداخته شده بود. یک فهرست و تعداد زیاد فعالیت های فرهنگی جهت حصول اطمینان از اشاعه گسترده معلومات فرهنگی، این نمایشگاه ها را همراهی مینمودند.

این پیام ها که سازو برگ مادی و آموزنده را جهت مطلع ساختن و آموزش مردم عام تشکیل میدهد، این نهاد ها را به مکاتب مشهور برای تمام اقشار جامعه مبدل میسازد. این مکاتب بروی همه مردم اعم از مردان، زنان و اطفال بدون در نظر داشت عمر، جنس ویا سابقه تحصیلی باز میباشند. اینها اساسات مکتب زندگی میباشند. پیامی که از مطالعه آثار کلکسیون ها و از قرینه اجتماعی- فرهنگی گروه های اصلی که، محصول ریشه های فلسفی و قوانین اجتماعی- فرهنگی در آن جوامع میباشد، بدست میاید. اجتماعات مردم این پیام ها را به آسانی تشخیص داده و آنها را برای رفاه خود بکار میبرند زیرا اینها حصه از درس هائی است که استحکام جامعه را تامین مینماید. بنابراین، تعلیم و تربیت مردم در موزیم ها یکی از مهم ترین وظایف موزیم ها در دوره جنگ پنداشته می شد تا انسجام جامعه انگولا را با آن همه اختلافات تامین نماید.

در موزیم ملی مردم شناسی در لوآندا، ارزشهای موجود در برنامه نمایشگاه های موقتی آن همانا انتقال پیام وحدت، شکیبائی، قبولی اختلافات و ایجاد مفاهمه میان مردمان ملیت های مختلف آن کشور، میباشد. این برنامه که در شرایط جنگ داخلی که در سال ۱۹۷۶ شروع گردید، صرف به تقاضا های فرهنگ صلح پاسخ داده میتوانست. پیامی که از درس های موزیم پدیدار میگردد، از آثار مجموعه های نمایشگاه ها حاصل میگردد. این پیام عبارت است از سهم موفقانه موزیم ملی مردم شناسی در تعلیم و تربیه مردم انگولا در مجموع.

یادداشت ها

۱. کونگو نامیست که مقامات بورناگوس جهت تعیین نمودن قسمت شمالی انگولا که مربوط به قلمرو قبلی کانگو بود مورد استفاده قرار میگیرفت. در زمان مستعمره ، قسمت متذکره قلمرو بنام کانگو پرتگالی مسمی بود.

نقشی برای "محلات نگهداری" در منطقه بحر تیمور

نوشته: جیمز بینت

جیمز بینت متصدی بخش هنر و آثار فرهنگی آسیای جنوب شرقی، در موزیم و گالری هنر قلمرو شمالی (داروین NT) در استرالیا می‌باشد.

ایجاد مرکز فرهنگی اوما فوکن ۱ بمثابه تازه ترین موزیم عامه که قرار است در منطقه آسیایی استرالیا تأسیس گردد، ویرانی‌های را که در موزیم سابقه تیمور شرقی ۲ در جریان ایجاد ملت تیمور لوروسیا (Timor Lorosea) در سال ۱۹۹۹ بوقوع پیوست، جبران مینماید. برنامه هائیکه برای این موزیم جدید در نظر گرفته شده است در یک بُعد منطقی همراه با یکتعداد نهادهای هم نظیر در همسایگی اندونیزیای شرقی و استرالیا شمالی، براه انداخته خواهد شد. تراندونیزیا این امر شامل موزیم ایالات تینگارا در نوسای شرقی در پایتخت ولایت کویانگ (تیمور غربی)، موزیم توسای غربی تنگارا در (لومبوک) و موزیم سیوالیما در امبول (مالوکا)، می‌باشد. در استرالیا شمالی موزیم و گالری هنر قلمرو شمالی در داروین (قلمرو شمالی) و همچنان موزیم های وابسته به اجتماعات در ساحات دور دست می‌باشد.

سرحداث این سه کشور در اطراف آبهای بحر تیمور که یک مسافه کمتر از یک هزار کیلومتر را اجدامی‌سازد با هم یکجا می‌گردند. اندونیزیای شرقی و استرالیا شمالی، از نقطه نظر پایتخت های ملی یعنی جاکارتا و کانبیرا همیشه منحیث ساحات دور دست شناخته شده و صرف در زمان بحران ها، مانند بحرانی که باعث بوجود آمدن تیمور شرقی گردید، مورد توجه قرار می‌گیرد. اندونیزیا و استرالیا شاید مثل همسایه ها وجود می‌داشتند اما قسمیکه چارلز مکنایت تاریخ شناس تبصره مینماید، بسیاری از مردم در انجام دیگر این قطعه از ساختمان زندگی مینمایند ۳.

در اندونزیای شرقی و آسترالیای شمالی، مردم بومی ادعای اعتماد به نفس شامل حقوق دارایی فرهنگی و اداره میراثی را مینمایند. تا اندازه، اعلام آزادی تیمور شرقی و ایجاد متعاقب مرکز فرهنگی ملی، ممکن است منحنی یک مثال برجسته از پدیده که در یک فضای وسیعتر واقع میگردد، درک گردد.

در ولایت های همجوار اندونزیای شرقی به تعقیب ختم دوره نظم جدید در سال ۱۹۹۸ تمرکززدایی حکومت منتج به تصدیق ملیت محلی گردید در حالیکه تعهد متداوم به وحدت ملی را تامین مینمود. خودمختاری منطقوی ۵ (otonomi daerah) تمام جوانب جامعه اندونزی را متأثر ساخته اما تأثیرات بعدی مشخصی بر این حصه از دنیا که هویت اجتماعی هنوز هم با عنعنات آبیایی بسیار مرتبط میباشد، دارد. نهاد های فرهنگی و لایتهای نیازمندی برای دارند که ارتباط شان را با آرزوهای اجتماع محلی و پالیسی حکومت که به سطح ملی تدوین گردیده، مشخص سازند. موزیم های اندونزیای شرقی در صدد نقشی منحنی سهم داران مهم پیشرفت منطقوی در جهت رقابت برای سرمایه گذاری با نهاد های محلی مانند جهانگردی و تعلیم و تربیه میباشد. در عین حال توسعه سازمانهای غیردولتی (lembaga swadaya masyarakat) مانند گروه های همکاری کوپراتیف صنایع عنعنوی آگاهی از منفعت ها در ارتقای رسوم قومی فرهنگی منحنی وسیله برای استقلال فردی از طریق پیشرفت اجتماعی و اقتصادی را منعکس میسازد. در عرض آبهای بحر تیمور در آسترالیای شمالی، جنبش حقوق زمین که در دهه ۱۹۷۰ با جدیت آغاز گردید، برای مردمان بومی به مفهوم به عهده گرفتن نقش پوششگرانه در خود ارادیت، بوده است. که یک پیامد آن احیای حیرت انگیز فرهنگی مخصوصاً در هنر های بصری و صنایع میباشد. مردمان بومی این مناطق موقف اصیل خود را منحنی صاحبان عنعنوی کشور آبیایی شان به یک جمعی از سفید پوستان خارجی

تعیین تاریخی

در عین حال، این محل، شامل تیمور شرقی، جایگاه مشترکی را در نیرو و تنوع فرهنگ های فطری بیشمار با وجود اختلاف میان انزوای تاریخی قاره آسترالیا و تجربه طولانی ارتباط جهانی در مجمع الجزایر مجاور اندونزیای شرقی، شریک میسازد. هویت "اولین ملیت" مردم اصلی آسترالیا در یک محیط بسیار مختلف از کثرت گرای فرهنگی اندونزی که سیدیواتی (Sedyawati ۴) آنرا جلوگیری تضاد اقلیت-اکثریت مینامد، توضیح مینماید. لیکن مردمان بومی این هر دو منطقه امروز با چالش های مشابه روبرو میشوند تا عنعنات بینظیر فرهنگی موروثی را حفظ و توسعه دهند.

در اندونزیای شرقی و تیمور شرقی گروه های نژادی زیاد با هویت های متمایز مانند سمبانیز، لوی، اتونی و تیتیم به تامین حضور فعال در جامعه معاصرو با مقاومت در مقابل هجوم گذشته قدرت استعماری اروپایی، ظهور اسلام و عیسویت و حرکات گسترده نفوس ادامه داده اند. همچنان در آسترالیای شمالی، زبانهای منطقوی مانند تیولی، یولنگو، کندجی می و غیره بعد از تباهی تهاجم سفید پوستان با تأثیرات متعاقب فعالیت های مذهبی، صنایع معادن و فعالیت های کشتی زنده ماندند. درین اواخر مردم بومی تقریباً ۳۰٪ نفوس قلمرو شمالی را تشکیل میدهند و آنها بطور متزاید مدعی حقوق شان به عدالت اجتماعی و اقتصادی گردیده اند.

در هر دو طرف بحر تیمور این جوامع بطور بینظیر ارزش بنیادی مشابه خود را که از تداوم زمان با زمان قبل از تاریخ ظهور مینماید، انعکاس میدهند. این ارزش ها بر عقاید نیاکان متمرکز میباشد که توسط روابط شان با زمین و رسوم و عنعناتی که به همه جوانب جامعه و زندگی شخصی پخش شده، بیان میگردد. در هر دو منطقه یعنی مجمع الجزایر

آگاهی عامه فرهنگ اندونیزیا منحيث یک اتحاد در تنوع ۹ آن ثبت نمودند. در حال حاضر، موضوعات معاصر و دیگر جانشین این روش میگردند. با وجود ارتباط وسیع تر آن درین اواخر واضح است زمانیکه سخنگوی تیمور شرقی، مدت کمی قبل از آزاد شدنش در تبعید نوشته بود، اظهار داشت که اختلاف قومی اساسی برای هویت فرهنگ ملی ملت جدید تیمور شرقی ۱۰ شده میتواند.

بر اساس چنین بینشی، کلکسیون های موزیم های عامه اندونیزیا در دهه های اخیر در مالوگو ۱۹۷۳ در نوساتنگاری غربی ۱۹۸۲ نوساتنگاری شرقی ۱۹۹۱ و در ولایت تیمور شرقی سابق ۱۹۹۵ تاسیس گردیدند. نهاد دلی این کلکسیون را منحيث "نفس موزیم ۱۱" توصیف نمود. تصمیم اولی برای تمرکز بر مردم شناسی تاریخ و باستان شناسی نیاز به مقابله با سرعت غیر مترقبه نابودی میراث های فرهنگی بواسطه تفسیر شیوه های زندگی ۱۲ شناسی نمود، در نظر بود که این پالیسی برای حفظ آثار میراثی منقول از فروش در خارج از ولایت ۱۳ بکار رود. تمام موزیم های منطقه به تشریح این هدف ادامه میدهند.

چالش های جدید

با وجود اینکه، قسمیکه مکلیور ۱۴ اشاره مینماید، مردمان بومی در اندونیزیا، تیمور شرقی و آسترالیایا از شروع با موزیم ها در کشمکش بوده اند، در هر سه این کشورها در نتیجه تجاوزات تحمیل شده مانند فعالیت های نظامی و مذهبی اروپایی، سروری های اکتشافی و پالیسی های تلقین تحلیلی جبری، نخستین کلکسیون های فرهنگ شناسی بدست آمدند. یک گزارش سال ۱۸۴۸ جامعه هنرها و علوم باتاویا کلکسیون آثار را بطور نمونه در جریان تاراج قصر بلو لینگ توسط قوای هالنده ۱۵ توصیف نمود. در آسترالیای شمالی اکتشافات علمی قرن نهم و اوایل قرن بیستم، مانند دیدار سال ۱۹۰۶ هرمن کلاتجز از جزیره ملویلی، شامل

ویافتن وسیله برای پیشرفت اقتصادی انتقال میدهند. کوپراتیف های هنری متکی به جامعه وسیله مهمی برای ارتقای حقوق دارایی فرهنگی بومی گردیده و تمام عرصه های هنر و فرهنگ آسترالیایا شامل جهان موزیم ۶ را متأثر ساخته است.

در دهه های اخیر، موزیم ها توسط مردمان بومی منحيث محللاتی برای مبارزه برای بقای فرهنگی ۷ شناسایی گردیده اند. موزیم ها در منطقه آسترالیای آسیایی تاریخ طولانی دارند. موزیم ملی اندونیزیا در سال ۱۷۷۸ منحيث جامعه هنرها و علوم باتاویا بنا نهاده شد. در سال ۱۹۱۴ حکومت هالندی هند شرقی کمیسیونی را جهت براه انداختن یک مطالعه پژوهشی جهت تاسیس یک موزیم جدید در بالای موظف ساخت. گزارش بدست آمده در پیشنهاد این نهاد را چیزی اضافه تراز "محللی برای کلکسیون مرده این و آن" نخواند، یعنی یک مرکز مدرن تفسیری با نمایشگاه های ارتباطی تبادلوی. معهدا کلکسیون های مردم شناسی که در دوره استعمار ایجاد گردیده بودند اکثراً بر تفاوت خارق العاده فرهنگی اصلی تاکید مینمودند. چنین متصور بود که مصنوعات دستی جوامع را در راه نابودی اجتناب ناپذیر یا نقطه اولی میسر عادی شان بطرف پیشرفت رهنمونی نمودند. کلکسیون هانی چون موزیم ملی بنا شده توسط هالندی ها (در جاکارتا) و موزیم سونوبودیو (در یوگیاکارتا) و پیشرفت موزیم اندونیزیا را به تعقیب آزادی آنکشور عمیقاً متأثر ساخت، فرهنگ ملت جدید به گفته چوپ ایو در ۱۸ اگست یکروز بعد از اعلان استقلال در ۱۷ اگست بوجود آمد. قسمیکه ایو تبصره نمود "ما فرهنگی داشتیم که یک ادعای سیاسی بود. بطور غیر منتظره، فرهنگ های آنچه تپانولی، امبول، جاوا همه اندونیزیایی ۸ بودند." موزیم های دولتی متعاقباً به دو موضوع عمده یعنی تاریخ فرهنگی و تنوع متمرکز گردیدند. در جریان دوره بعدی نظم جدید کلکسیون ها نوسانات منطقی و شباهت های فرهنگ مادی را به قصد بلند بردن سطح

پیشکش نمودن کلکسیون ها به طریقه که اهداف مالکان و سازندگان ۱۸ عنعنوی را بیان مینماید، برجسته میسازد. گزارش شده که بعد از آنکه این مجسمه ها بطور غیرقانونی از اماکن مقدسه در ساحه کوه های بوبونارو برون آورده شده و پلان فروش آنها در خارج از ولایت آشوب زده خنثی گردید، به موزیم دولتی تیمور شرقی سپرده شدند. با وجود نا پدید شدن قسمت زیادی از کلکسیون های موزیم و خسارات آشکار و عمدی به باقی مانده آن، مجسمه های پرارزش چوبی کندن کاری شده بطور غیرمترقبه از غارت دلی در امان ماندند. در زمان عملیات نجات موزیم ها در سال ۱۹۹۹، خبررسانان دلی چنین ابراز نظر نمودند که شاید غارتگران از ترس نتوانسته بودند که مجسمه های موروثی را که عقیده بر آن بود که گویا آنها دارای قدرت جادونی اند، برون بکشند. این نظریه حتی تا زمانیکه این مجسمه ها از موقعیت هایشان به منظور اینکه حصه از کلکسیون های موزیم را تشکیل دهند، برون ساخته شدند، نیز موجود بود. بقای مجسمه ها یاد آور اینست که بسیار به ندرت چنین زمانی خواهد آمد که یک اثر تاریخی ارزش مذهبی خود را از دست دهد و در نتیجه باعث تبدیل کلی آن به یک شی برای نمایش غیر مذهبی گردد.

موزیم ها در سراسر منطقه دارای انواع مشابه آثاری میباشند که بر اساس جهان بینی منطق تاریخی اروپائی ویا معیار زیبا شناسی به مشکل در فحوای نمایش نمایشگاه ها قرار گرفته میتوانند. مجسمه های موروثی، مانند مجسمه های بوبونارو، در محلات محدود تشریفاتی، مانند مقبره ها یا در اماکن مذهبی میراثی که بنام اوما لولیک (uma lulik) (زبان تیتیم) یاد میشود، ساخته شده اند. انواع محلی این ساختار ها در سراسر جوامع روستائی مجمع الجزایر اندونیزیای شرقی موجود است. عبادتگاه موریتی علاوه ازینکه منحیث محلی برای مناسک مذهبی استفاده میگردید، جهت نگهداری یادگار های نیاکان که بعضاً در جریان

فعالیت های منظمی مانند سرقت مقبره ها و بی حرمتی به اماکن مقدسه بومی ۱۶، میگردید.

اهداف تحقیقاتی که از دورنمای استعمار خارجی اروپائی معرفی میگردد انگیزه مهمی برای بسیاری از کلکسیون های آثار فرهنگی که دلیل منطقی دوام داشتن تاثیر پیچیده اما فراگیری برکار موزیم درین منطقه بوده است، میباشد. علم جدید مردم شناسی با تصورات تکاملی بر مبنای مطالعات آثار زمانیکه تکنالوژی ازبغرنجی های غنی و پیچیده استفاده حقیقی روزانه آن جدا میگردد، بنا گردیده بود. احترام کمی برای حقوق دارایی فکری خیردهندگان بومی موجود بود. آثار بی رابطه اجتناب ناپذیر، به یادگارها تبدیل شدند. تعریف های آنها به شکل "میراث" مفهوم آنرا از درک اهمیت معاصر آنها در فرهنگ های اندونیزیایی شرقی و استرالیا یایی شمالی مختل میسازد. مقدمه غیر عادی اروپایی که آثار به شکل بی جان در موزیم نفوذ مینماید در حالیکه در بسیاری فرهنگ ها - شامل آنده که درین جا مورد بحث اند- درک های دیگر حقیقت به اشپای حقیقی ۱۷ پابند میباشد.

پالیسی کلکسیون که بواسطه ملاحظیات فرهنگی محلی یک روش بسیار مختلف نمایش را به چیزی که در موزیم با پیشکش نمودن موارد فرهنگ شناسی که در پهلوی نمونه های بی جان و بی روح علوم طبیعی که در زیر همان سقف موجود میباشند، پیشکش مینماید. زیرا این همان مردمان بومی این مناطق اند، مناطق متشکل از سواحل بحر تیمور، که سهم داران مالکیت بسیاری از کلکسیون های عامه میباشند. منحیث نگهبانان دانش فکری عنعنوی، این ها به شیوه مناسب آماده از بین بردن خط تصنعی که اکثراً توسط متخصصین نگهبان و مفسرین بین برداشت مردم عام و تماشاکننده در مورد یک اثر می کشند، می گردند.

بقای یک مجموعه بینظیر مجسمه ها به تعقیب ویرانی سال ۱۹۹۹ در موزیم دولتی تیمور شرقی در دلی پیچیدگی هائی را که در مقابل موزیم ها در

شامل آرزونی برای تصدیق روش های عنعنوی باشد که به منافع گروپ های مشخص بواسطه احیای مالکیت فرهنگی آثار، ساحات باستانی و قوانین عرضی را محدود تر میسازد. اما تغییر توقعات عامه در سراسر منطقه به مفهوم اینست که لازم است موزیم ها بطور موثق به امید های مردمان اصلی محلی، جوابگو باشند. بنابراین، جهت تصدیق حقوق جوامع بومی در منطقه تیمور شرقی هم به این معنی است که با سوال مسیر آینده موزیم ها روبرو شود. این مسیر شاید سازمان ها را از آرمان های "کلکسیون های اصیل" برون آورده و بعوض آن بطرف پیشکش نمودن قصه های بحث انگیز و موضوعاتی که آنها بازگو ۲۱ مینمایند، هدایت میکند.

دورنمای آینده

تجربه معاصر ساکنان اصلی استرالیا میتواند سهم ارزنده در ارزیابی دوباره نقش موزیم ها در منطقه داشته باشد. وابستگی بزرگ به نهادی که منحنی محلی برای تکامل زمینه برای جوامع بومی استرالیا موجود است. اولین محل نگهداری بنام موزیم "مردان" توسط مردم والپیری از استرالیای مرکزی در دهکده دورافتاده یووین دوما در شمال غرب الیس اسپرنگز در سال ۱۹۷۱ تاسیس گردید. این امر واقعا درخور توجه است زیرا این اولین موزیم ساکنان اصلی استرالیا بود که برای نگهداری آثار مخفی و مقدس از آن استفاده میگردید زیرا در دوره قبل از اروپائیان این آثار در موقعیت های دور دست طبیعی، مانند پناهگاه های سنگی، نگهداری میشدند. برای فرهنگ اصلی، عینا مانند جوامع روستائی مجمع الجزایر اندونزیای شرقی، منع دسترسی به یادگار های میراثی مقدس در اختلاف مستقیم با کلکسیون های موزیم ها برای سعادت مردم ۲۲ آن نگهداری گردیده، میباشد. چالشی که مردم والپیری و دیگر مردمان برای حفظ چنین آثار مقدس بطور مناسب، با آن روبرو میباشند، درحالیکه

صد ها سال از نسلی به نسل دیگر میرسد، مورد استفاده قرار میگیرد. ظاهرا، شاید چنین بنظر برسد که اهداف این عبادتگاه ها به اهداف موزیم ها که در فحوای غربی ایجاد گردیده، مشابهت دارند. این مکان ها موقعیت هائی اند که اشیای پرارزش را حفظ نموده و حکایت های میراثی را بخاطر دارند. لیکن، ملکیت این میراث های اجدادی که بنام پوساکا یاد شده و در چهاردیواری این عبادتگاه ها نگهداری میگردند، بشکل مشترک تعریف گردیده و انتقال این دارائی به بیگانه ها، مثلا از طریق فروش به تاجران آثار هنری، همواره باعث ایجاد اختلافات و درگیری های شدید میان اعضای خانواده های گسترده میگردد. زمانیکه چنین مصنوعات از فحوای ملکیت و استفاده برون گردیده و در یک موزیم انبار میگردد، میراث کس دیگری محسوب میگردند. محافظت از این اشیاء اکثرا به قیمت سلب اختیار نمودن آنهاست که این آثار به اوشان تعلق میگیرد، تمام میگردد. قسمیکه مکلیبر توضیح نموده، موزیم ها محل آثار را در گذشته مشخص ساخته و آنها را از حال جدا میسازند اما فرهنگ های اصلی اهمیت زیادی به پیوستگی میان گذشته و حال و به حضور دوامدار آنها در جامعه معاصر ۱۹، قایل میشوند.

تصمیم مردم تیمور شرقی در رابطه به مسمی ساختن مرکز فرهنگی جدید دلی، شامل موزیم ملی، بنام اوما فوکن (uma fukan) (در زبان تیتیم به معنی جای ملاقات) نه بنام اومالولیک (uma lulik) (یعنی عبادتگاه میراثی)، بیانگر امید به اینست که این محل به جانی تبدیل خواهد شد که مردم جهت ایجاد یک اجتماع ۲۰، گرد هم میابند. عبادتگاه میراثی که از لحاظ تشریفاتی بسیار نیرومند میباشد، بمثابة گنجینه از میراث مشترک و مذهبی، به ارزش های وابسته به سلسله مراتب عمر، جنس و موقف قومی که در زبان مرموز تشریفات آن جا داده شده، را بیان میدارد. آرمان های دیموکراتیک استقلال فردی فرهنگی شاید

محل نگهداری یک نمونه دیگر را به موزیم منحیث یک نهاد علمی و تخصصی یا برعکس منحیث یک موضوع مشهور پیشکش مینماید. این محل به همان اندازه که به اندونیزیای شرقی و تیمور شرقی مرتبط است بهمان اندازه به مردم بومی آسترالیای شمالی ارتباط دارد. بر مبنای شواهد تاریخی، خسارت فرهنگی در مجمع الجزایر اندونیزیای شرقی به تناسب مساوی با توسعه کلکسیون های عمده خارجی که از مردمانیکه این آثار برای شان بیشترین اهمیت را داشت دور گردیده بود، واقع گردیده است. نظریه جهانی یونسکو که "میراث فرهنگی بطور کل متعلق به بشریت است" امروز نیز مطرح میباشد اما نظریات ملکیت با مسولیت ها مطابق به درک ما از فرهنگ ها و آثار، تغییر مینماید. موزیم ها بطور متزاید ضرورت به درک و تجربه خاص مردمان بومی دارند. این مردمان در سراسر سرحدات ملی مشغول کار میباشند تا روش های مفید تری را برای حفظ میراث های فرهنگی برای مردمی که این میراث ها برایشان بیشترین اهمیت را دارد، طرح نمایند. محل نگهداری یکی از راه حل ممکنه میباشد.

مؤلف از دوستان زیادی که در بیبوکی (تیمور شمال مرکزی) متعهد به حفظ عنعنات فرهنگی بوده و الهامی به این نشریه داده اند و هم از داکتر جینی دیویت و خانم الیسن گری بخاطر کمک شان در تهیه این نشریه اظهار امتنان مینماید.

یادداشت ها:

۱ از اواخر سال ۱۹۹۹، یونسکو در همکاری با بانک جهانی، اداره انتقالی ملل متحد در تیمور شرقی (UNTAET)، و حکومت پرتگال برای اعاده اوما فوکن، قدیمی ترین ساختمان دوره استعماری پرتگال در دلی که جایگاه موزیم و مرکز فرهنگی تیمور شرقی میباشد، کمک تخنیکي فراهم نموده است. پروژه های دیگر یونسکو شامل ارائه برنامه های آموزشی برای رشد ظرفیت متخصصین محلی و بازسازی محلات سنتی، اوما

آنها را از تلف شدن نیز محافظت مینمایند، مشابهت آشکار با وضعیت اندونیزیای شرقی دارد. سرقت یادگار های موروثی شامل مجسمه های میراثی، منسوجات تجارتي قدیمی و محصولات سفالی خارجی، و یا فروش این آثار بنا بر فقر اقتصادی، اجتماعات تیمور، فلورس، سمبا و جزایر ۲۳ دیگر را بسوی فقر و تنگدستی میکشاند.

در دو دهه بعد از ایجاد محل نگهداری در یووین دوما، در این جوامع در حدود سی مرکز مشابه به این مرکز تاسیس و در حدود پانزده مرکز دیگر در مرحله ساختمان ۲۴ قرار دارد. رشد و انکشاف آسان نبوده و این نهاد ها اکثراً دچار مشکلات اقتصادی یا موضوعات اداری میگرددند. اما این محل نگهداری میتواند منحیث نمونه مثبت فرهنگی برای مردمان بومی سراسر بحر تیمور و آسترالیای شمالی مورد آزمایش قرار گرفته و توسعه یابد.

جنکنز محل نگهداری را چنین تعریف مینمایند که این محل دربرگیرنده اهداف خاص، پرارزش، معتبر، مقدس، محفوظ و معروف ۲۵ میباشد. این امر به اجتماعات صلاحیت میدهد تا در پیشکش نمودن تاریخ های شان در شرایط موجود، مباحثه نمایند. خصوصیت وابستگی محل نگهداری به جامعه، محل نگهداری را قادر به این مسیازد که نقطه تمرکز توجه مردم محلی به کلکسیون های آثار فرهنگی و یک سلسله فعالیت های مشترک فرهنگی مثبت شامل تعلیم و تربیه و جهانگردی میراثی، گردد. قابلیت دسترسی به این محلات از موزیم های عمومی بزرگ اختلاف دارند زیرا این موزیم ها با بیوریکراسی که مردم روستا ها را تهدید مینماید، اداره میگرددند و در فاصله هائی قرار دارند که برای بازدید از آنها ضرورت به وقت و پول میباشد. این محل منحیث یک نهاد کوچک احساس مالکیت آما تور های متعهد را نسبت به قلمرو متخصصین مسلکی بیشتر تشویق مینماید.

نقشی برای "محلات نگهداری" در منطقه بحر تیمور
نوشته جیمز بنت

۱۰ ای پریرا (A. Pereira) "تیمور شرقی: ریکارد بقای
تاریخی و فرهنگی در دیاس پورا" در بیسوان توباری میتین:
سفت محکم گرفتن زمین، محل نمایش: مرکز فرهنگی تیمور
شرقی، ۱۹۹۷.

۱۱ گزارش اشیای بدست آمده (چاپ نشده)، موزیم دولتی
تیمور شرقی، ۱۹۹۴.

۱۲ این کاهش فرهنگی در تیمور شرقی در سالهای دهه
۱۹۶۰ در دوره پرتگالی ها با سرعت کمی در جریان بود. به
گلور [، ۱۹۶۸ مراجعه گردد "صنایع سفالی در قریه اورالان،
تیمور پرتگال" در تاریخ طبیعی استرالیا، موزیم استرالیا شماره
۱۶، ۳ سپتمبر، ۱۹۶۸.

۱۳ موزیم انفارماسی نیگیر تیمور، دلی، رساله بدون تاریخ.

۱۴ مکلیر (McLear)، ۱۹۹۶، صفحه ۸۰.

۱۵ ژورنال مجمع الجزایر هندی، شماره دوم، سنگاپور،
۱۸۴۸ (کراس ریپرینت/لیچنتس تین، ۱۹۷۰).

۱۶ بی ستی لیک (B. Stehlik)، "هرمن کالاتجز و تیوی،
۱۹۰۶۲، در تاریخ ساکنان اصلی، شماره ۱۰، کانبیرا، دانشگاه
ملی استرالیا، ۱۹۸۶، صفحه ۶۹.

۱۷ پی دلیس (P. Dellios)، "موزیم ها در کامپان جهانی:

پیام های درآمخته"، در S. Kartiwa, B. Johnson, T. Tazir
Tazir صلاحیت دهی موزیم ها—مشکلات و راه حل ها،
دیناپاسار، ۱۹۹۹، صفحه ۶۲.

۱۸ در جنوری سال ۲۰۰۰، من در راس تیم موزیم و گالری

هنر قلمرو شمالی که بقایای کلکسیون موزیم تیمور شرقی را
بازیابی نموده بود، قرار داشتم. میخوام از آقای ورجیلی سمیت
(از دلی) بخاطر معلوماتی که در مورد این مجسمه ها برایم فراهم
نمود اظهار سپاس نمایم. به مقاله من زیر عنوان "موزیم تیمور
شرقی": یک گذشته نه آینده" مراجعه شود، در هنر آسیا پاسفیک،
شماره ۳۰، سال ۲۰۰۰.

۱۹ دی مکلیر (D. Mclear)، ۱۹۹۶، صفحه ۸۳.

۲۰ مری گیسینگ (Mary Gissing)، دلی، ۲۰۰۲.

(ارتباطات شخصی).

۲۱ ای ام W. Jonas, AM "موزیم دور از مابو" در
موزیم ملی، شماره ۷، نمبر ۱ فترزروی، موزیم های استرالیا،
۱۶۹۸، صفحه ۶.

۲۲ (McLear)، ۱۹۹۶، صفحه ۱۰۱.

۲۳ به فورشی جی (Forshee, J.)، مراجعه شود، "در
جستجوی زمانهای پر آشوب: آثار پرارزش و قصه های خسارات
از جزایر سمبا و تیمور"، اندونیزیا، شماره ۷۴، اکتوبر سال
۲۰۰۲، کورنل آسیای جنوب شرقی، سال ۲۰۰۲.

۲۴ ابوی (Aboy)، ۱۹۹۵، صفحه ۴۵.

لویک، در منطقه فاتالوکا در تیمور شرقی، به کمک مالی از
طرف شرکای مختلف و در همکاری با دانشگاه ملبورن استرالیا،
میباشد.

آثاری که از موزیم قدیمی تیمور شرقی بازیابی گردیده و
شدیدا خسارت دیده و تاراج گردیده بود، زمانیکه بدست بیاید در
اوما فوکن به معرض نمایش قرار داده خواهد شد. یونسکو به
کمک موزیم داروین استرالیا و دانشگاه ملبورن، یک کلکسیون
بینظیر ۴۷۶ اثر را که شامل مجسمه های موروثی چوبی، قطعه
هانی از مصنوعات سفالی نیولیتیک و مصنوعات چینی چینیایی
میباشد، حفظ و بازسازی نموده است. امید به این اینست که آن
مصنوعات تیمور که در کشور های دیگر موجود اند در آینده
قریب کلکسیون متذکره را غنی تر خواهد ساخت.

۲ دولت جدید آزاد تیمور لیستی (تیمور شرقی سابق)، در
اکتوبر سال ۲۰۰۳ از GC۳۲ این سازمان عضو یونسکو گردیده
است.

۳ سی سی مکنایت (C.C. Mcknight)، "صحرای استرالیا
به صحرای استرالیا: مجمع الجزایر اندونیزیا و استرالیا"، در
اندونیزیا: چشم انداز های استرالیایی، شماره یک، دانشگاه ملی
استرالیا، کانبیرا، ۱۹۸۰.

۴ ای سیدیواتی (E. Sedyawati)، "وضعیت چندیدن
فرهنگی اندونیزیا"، در موزیم های باز شده: صورت جمله
چهارمین کنفرانس ملی موزیم های استرالیا، داروین، ۱۹۹۷،
صفحه ۵۷.

۵ به استثنای جاهانیکه ذکر گردیده، تمام کلماتی که با حروف
شکسته نوشته شده، بهاسا اندونیزیایی میباشد.

۶ نشریه های ملی، مانند داشته های قبلی، مسولیت های جدید
فرآورده شورای انجمن موزیم استرالیا (۱۹۹۳) و ارزش دهی به
هنر، احترام به پروتوکول ها برای کار با هنر های بومی استرالیا
(۲۰۰۱) حمایت صلاحیت مردم بومی در صنایع هنری.

۷ دی مکلیر (D. Mclear)، "اولین مردمان، موزیم ها و
تابعیت"، در تی بنت (T. Bennet)، آر تروتر (R. Trotter)،
و دی مکلیر (D. Mclear)، موزیم ها و تابعیت: یک کتاب موخذ،
بریس بین، خاطرات موزیم کوینزلند، شماره ۳۹، قسمت اول،
سال ۱۹۹۶، صفحه ۷۹.

۸ جی ایو (J. Ave)، "موزیم و فرهنگ"، در اس کارتویا
(S. Kartiwa)، تی تازیر (T. Tazir)، صلاحیت دهی موزیم
ها—مشکلات و راه حل ها، دیناپاسار، ۱۹۹۹، صفحه ۹.

۹ اس کارتویا (S. Kartiwa)، "فلسفه اتحاد در اختلاف
"بینی کا تنگل ایکا" در موزیم ملی اندونیزیا" در موزیم های باز:
صورت جلسه چهارمین کنفرانس ملی موزیم های استرالیا،
داروین، ۱۹۹۷، صفحه ۶۵.

۲۵ اس جنکنز (S. Jenkins)، فرهنگ نگهداری شده: هنر
بومی به محلات نگهداری و مراکز فرهنگی، کانبیرا، گالری ملی
آسترالیا، ۲۰۰۲، صفحه ۲.

۲۶ ام ماکاگیان سار (M. Makagiansar)، "کار یونسکو"
در ال پرات (L. Prott) و جی سپریچ (J. Sprech), حفاظت یا
غارث: حفظ آینده میراث های فرهنگی ما. روزنامه های یونسکو
در سیمینار منطقی در مورد میثاق دارانی های منقول فرهنگی،
بریس بین، کانبیرا، مطبعه آسترالیا سال ۱۹۸۹، صفحه ۹.

موزیم ملی لبنان در شهر بیروت

نوشته جوزف پغی

جوزف پغی دیپلوم دکتری خویش را در بخش جغرافیه و جامعه شناسی از یوهنتون شهر استراسبورگ اخذ کرد. بعداً او تحصیلات خود را در بخش علم سیاست و پلان گذاری شهر تکمیل کرد تا اینکه دانش خویش را در راه میراث های لبنان و سرزمین های مدیترانه وقف نماید. سخنگوی اسبق رئیس ICOMOS، همکار و بنیانگذار یوهنتون یونسکو روم باستان، میراث های شهروالانسیا، و پروگرام COPAM (همکاری برای محافظت معماری های یادگاری ساحه مدیترانوی در شهر ناپل) است. اکنون او کمیته میراث UATI (اتحادیه بین المللی انجمن های تخنیکی) را هبری نموده و در حال حاضر موزیم میراث روستایی را در شهر غومه لبنان آماده مینماید.

ماه نومبر سال ۱۹۹۵. در مرکز شهر بیروت صدای بسیار بلند ماشین ها و برمه در فضای موزیم ملی لبنان بلند شد. باستان شناسان به همکاری اشخاص تخنیکی، سعی نمودند کالبد های را که توسط کانکریت محکم منحیث آثار قدیمی هنر پوشانیده شده بودند در هم شکنند. مقطع ها دور شدند. قبرها و تابوت های سنگی فنیقی ها و رومی ها، مجسمه ها و پیکرها و معرق کاری شده های که پنهان شده بودند به شکل سالم بعد از هفده سال جنگ و بی توجهی دوباره پدیدار شدند. یک کار شگفت انگیز بود! این تعمیر یک زمانی بندرگاه صلح بوده و تاریخچه داشت، در حقیقت در جریان سال های طویل جنگ و زد و خورد یک محل مخفی جهت تیز اندازی بالای دشمن و منحیث یک سد در مقابل لشکرهای نظامی و نیروهای شبه نظامی بکار میرفت. در میان بام ها سوراخ ها وجود داشت، پنجره ها از هم شکسته و نشانه های مرمی در بالای دیوارها بعد از آتشباری های متوالی و غارت گری و ویرانی باقی مانده بود.

پیکار ملی جهت بازسازی موزیم و بعداً اهداف باستان شناسی آن آغاز شد. " جنگ و سال های اندوه را فراموش کرده تا از خرابه های گذشته حیات جدید آغاز یابد" معلوم میشد که شعار آن تیم موزیم بود که این چلنج را داده بودند. بعد از ه سال این ماموریت تکمیل شد. موزیم

مستخدمین با استفاده از آتش بند آثار هنری و اشیای نمایشی را در ذخیره گاه های زیرزمینی که از دستبرد محفوظ بود پنهان نمودند. داخل سالون موزیم را توسط بوجی های ریگی و کانکریت ها مسدود ساختند که دور نمودن آن اشیای سنگین بسیار مشکل بود.

ماه ها و سال ها گذشت، شدت جنگ ها از دیاد کسب نمود، معلوم میشد که جنگ برای همیشه باشد و صلح بسیار دور به نظر میرسید. یک خط مرزی بنام "خیابان موزیم" پایتخت لبنان را به دو بخش بیروت شرقی و بیروت غربی تقسیم نموده بود. در ظرف چند ماه این بندرگاه تاریخی صلح و صفا به یک سمبول ظلم و ستم، آدم ربایی و مرگ مبدل گردید. برای بیشتر از ۱۷ سال کلمه موزیم به یک واژه مترادف یعنی خطر و مرگ تبدیل گردیده بود. در مقابل نمای ساختمان بالای صدها نفر تیراندازی شده و هزاران نفر اعم از اطفال، خانم ها و اشخاص کاهل برای ساعت ها منتظر اجازه عبور از نقطه کنترل خط مرزی بودند. موزیم به یک نقطه ستراتیژیک نظامی مبدل گردیده و به صورت دوامدار میان نیروهای شبه نظامی و نظامیان جنگ صورت میگرفت. آنها نگارستان هنرها را به ساختمان های عساکر مبدل ساخته و مجسمه های معرق کار شده را برای تمرین اهداف خویش استفاده مینمودند.

این سال های مصیبت بار بالاخره با ختم جنگ به پایان رسید. در سال ۱۹۹۱ کارمندان مدیریت عمومی باستانی به موزیم بازگشتند. ویرانی های جنگ بسیار هراس انگیز بود. نوشته ها و شعارهای باقیمانده اماکن و نشانه های فیرها توسط نیروهای شبه نظامی دیوارهای نگارستان را تیره و تار نموده بود. پناهگاه های که هزاران آثار هنری را برای بیش از پنجاه سال جا داده بود بازگردید. هزاران آثار ساخته شده دست انسان ها در آبروهای زیرزمینی موزیم که بالای آن اعمار شده بود برای اضافه ترازده ها سال گذاشته شده بود. لوازم تحقیقاتی سرفقت گردیده بود. لست های موجودی، نشانه ها و کارت های مشخصات ایشان توسط فیرها تخریب

یکبار دیگر منحصیث نگهبان جاودان تاریخچه سرزمین "Cedars" عرض اندام کرد.

طول عمر و بقا موزیم ملی بیروت

در سال ۱۹۱۹، فرمانده ریماندر ویل یک افسر فوج فرانسه از یک اپارتمان در شهر بیروت چندین آثار قدیمی که از سرزمین لبنانی یافت شده بود دریافت کرد. این عمل پیدایش موزیم ملی بیروت را اعلام کرد. در سال ۱۹۲۳ یک کمیته بنیادی به جمع آوری وجوه جهت اعمار موزیم در قطعه زمینی که در محل Damas نزدیک تاختگاه موقعیت داشت آغاز کرد. دو معمار بنام های آنتونیونهایس و پیر لپرنس رنگوت پیشنهاد پروژه موزیم را جهت معاینه کمسیون تقدیم کرده و مورد قبول واقع شدند. گرچه آغاز ساختمان تعمیر بسیار آهسته بود و تا سال ۱۹۳۰ هنوز آغاز نشده بود. هفت سال جهت تکمیل این پروژه و پنج سال دیگر جهت جمع آوری اولین وجوه ضرورت بود.

الفرد ناکاچی، رئیس جمهور لبنان به طور رسمی موزیم را به تاریخ ۲۷ ماه می سال ۱۹۴۲ افتتاح کرد. اضافه تراز ۳۰ سال موزیم ملی بیروت از ساخته های دست انسان در تمام ادوار استقبال کرده که از حفاریات ساحات سرتاسر سرزمین Cedars بدست میآمد. تحت نظر باستان شناسان آثار مخفی شهرهای بزرگ فنیقی ها، رومی ها، بیزانس یا قسطنطنیه، مملوک ... بدست آمده و موزیم ملی با آثار هنری که در تمام جهان نظیر نداشت ارزشمند گردید. در ظرف چندین سال موزیم ملی بیروت نسبت داشتن اشیای گرانبها به نمایش گذاشته شد، و یکی از مهمترین موزیم ها در سطح شرق میانه گردید. سعادت همیشه پاینده باقی نماند، بتاریخ ۱۳ اپریل سال ۱۹۷۵ جنگ داخلی تقریباً بیشتر از صد محوطه را از مدخل موزیم در هم شکست. در تمام مملکت جنگ و خونریزی حاکم شد. جنگ در اطراف موزیم ملی آغاز شده که دروازه هایش در مقابل عوام مسدود گردید. امیر ماوریس چهاب به همکاری خاتم اش وعده از

موزیم ملی لبنان در شهر بیروت جوزف پی

بلندبرنده با داشتن دیدگاه گسترده در خارج ساختمان جهت تسهیل به دسترسی قرار داشت. اکنون موزیم با چراغ‌ها و سیستم آواز مجهز گردیده و همچنان برای آثارگران بها یک سیستم محافظی ترتیب گردیده است. اشیای نمایشی با وسایل نظاره کننده که نره بین های انطباق پذیر و قابل حمل داشتند جهت بزرگ جلوه دادن مناظر نمایشی تجهیز گردیده است. در پاسخ به ضروریات

گرفته بود. به استثنای خاطرات موزیم مشهور چیزی دیگری در آن باقی نمانده بود، که به قسم یک عبرت در جریان مراحل بازسازی از آن استفاده میشد.

بین سال های ۱۹۹۵ و ۲۰۰۰ کار شدید در موزیم آغاز گردید: دو تیم مشابه با کار مشترک ساختمان ها و کلکسیون های باستانی را ترمیم و بازسازی نمودند. احیا و بازسازی موزیم ملی بیروت به انجام رسید



۵. موزیم ملی بیروت بعد از ترمیم

آموزشی، یک فلم نمایشی به صورت دوامدار فلم های را که مربوط به تاریخچه و تجدید حیات موزیم، نمایش ثروت میراث های لبنان میشود نشان میدهد. فروشگاه تحایف در داخل موزیم باز شد.

موزیم و تاریخچه لبنان

در حدود ۲۵۰۰ الی ۵۰۰۰ مردم در هر ماه از موزیم ملی بیروت دیدن مینمایند. تعداد کم آنها در مورد اثرات جنگ بالای این ساختمان معماری شده باشکوه آگاهی دارند. هزاران سوراخ که توسط مرمی های توپخانه ایجاد شده بودند ترمیم شده اند. صدمات خارجی

و از تلاش های مشترک وزیر فرهنگ، مدیریت عمومی آثار عتیقه و بنیاد میراث های ملی اظهار سپاسگزاری مینماییم. در ماه نومبر ۱۹۹۷ دروازه های موزیم برای چندین ماه در مقابل مردم لبنان دوباره باز شد، که آرزو داشتند جنگ را فراموش کرده و با گذشته، حاضر و آینده اختلافات خویش را رفع نمایند. از جولای ۱۹۹۸ الی اکتوبر ۱۹۹۹، موزیم ملی بیروت غرض تکمیل کار ترمیم دروازه هایش را مسدود کرد و نمایش فوق العاده مطلوب ساخته های دست بشر را مطابق به معیارت مدرن موزیم ها بوجود آورد. با منابع کم قابل استفاده، نتایج قابل ملاحظه بدست آمد. دوماشین

موزیم ملی لبنان در شهر بیروت

جوزف پنی

مجسمه های کوچک با چهره ها و سبک خاصی هستند که سرایشان با کلاه های زره ویا مخروط شکل مشابه به آنعده دهاقین لبنانی که درسه قرن گذشته زندگی داشتند پوشیده شده بود. برای مورخین این ساخته های دوره برونز توسط دست بشر در میان آثار کاملاً شناخته شده از مدنیت فینیقی ها به شمار رفته که قسمت اعظم ثروت خویش را از تجارت با پادشاهان مصری بدست می‌آوردند.

در تاریخ لبنان دوره فلزات مطابقت به دوره طلائی شهرهای فینیقی ها مینماید. خود مختارها و در عین زمان رقیب شهرهای نیرومند را با وجود تهاجمات متعدد (امپراتوری بابل، آشوری ها، ایرانی ها ...) و حکومت اجنبی اداره کرده و پیشرفت اقتصادی خود را محافظه مینمودند. آنها تجارت خویش را از طریق ساحل مدیترانه و ایجاد گروپ های متعدد رشد و انکشاف دادند. این شهرها میان افریقا و اروپا پراکنده شده و ادامه صادرات اشیای تجملی و صادرات مواد خام را تامین نمودند. بشقاب های نقره یی و طلائی، زیورات و اشیای سفالی این دوره گواه دلفریبی این نوع مردمان دریانورد میباشد.

مجسمه های کوچک مرمری که بنام "اطفال Echmoun" یاد میشد بزرگترین مهارت مرمرکاری صنعتگران این شهرها را تائید میکرد. آنها این مجسمه ها را توسط پادشاهان و خانواده های ثروتمند شهر سیدون به خدای Echmoun اهدا مینمودند. در وقت جنگ این مجسمه های مرمرین از گنجینه های موزیم سرقت شده و جهت فروش به سویتزرلیند برده شد. مقامات لبنان در آنوقت توسط باستان شناسان هشدار داده بود که هرکسی که این نوع پارچه های را بدست بیاورد و قادر باشند ثبوت منبع اصلی اش را با مالکیت فراهم نمایند آنها باید به موزیم بیروت دوباره مسترد شود.

کلکسیون قبرهای سنگی انسان های میمون نما در شهر سیدون، توام با هنرهای فینیقی ها، مصری ها و یونانی ها بخش جالب دیگری در موزیم شمرده میشد.

تعمیر ترمیم گردید. بدین ترتیب هفده سال نارامی از تاریخچه بنای تاریخی پاک گردید. در داخل موزیم فعالیت های جدید علم موزیم زیبایی نمایش هراثر را درخشان ساخت. چراغ های ظریف با احتیاط تمام در هر دو فرش تعمیر یک فضای آرامش را ایجاد نموده و یک تصویر با شکوه میبخشید. فرش زمین ساختمان برای اشیای سنگین وزن (تابوت های سنگی، لوح های سنگی تدفینی و مجسمه یا پیکره های بزرگ) و طبقه اول برای افزار انسان های اولیه که از نگاه اندازه و شکل کوچک میباشد تخصیص داده شده است. زیرا بخاطر محدودیت های بزرگ تخنیک، مقامات با صلاحیت موزیم تقسیمات آراستن آثار را برگزیدند. این کار ممکن تماشا را مشکل ساخته و در نتیجه تماشاگران که علاقه دارند تاریخچه زمانی را پیگیری نمایند مجبور هستند که میان دو طبقه رفت و آمد نمایند.

آثار هنری که درین نگارستان به نمایش گذاشته شده است شاهد عظمت مدنیت مردمان است که در سرزمین لبنان زندگی داشتند. از دوره های قبل از نوشته، دوره سنگ (انسان ها از سنگ و سایل جنگی خویش را تهیه مینمودند)، و دوره نیولتیک یا بعد از مرحله سنگ (زراعت و ابزار جنگی انکشاف کرد) آثار کافی موجود نبود. نمایش نمونه های کمیاب ابزار سنگی و ظروف سفالی برای تماشاچیان یک احساس زودگذر خیالی از زندگی انسان های این قطعه زمین را فراهم مینمود. بر عکس برای دوره فلزات ساحه زیادی داده شده بود. اکثرآ مدنیت از سرزمین لبنان منشه گرفته و آثار مربوط به بابلوس^۱ بخش های اول طبقه اول را اشغال کرده بود. حفاریات که توسط ملوریس دوناند و جین لافری از سال های ۱۹۳۰ الی ۱۹۶۰ صورت گرفت کلکسیون ملی را با چندین هزار آثار زیر خاکی و آثار مذهبی و تابوت های سنگی Ahiram بدون شک بخش جالب کلکسیون موزیم را تشکیل میداد. مجسمه های نذری که از معبد صلیبی ها منشه میگرفت، والی عصر حاضر تحت اسم عام فنیقی ها یاد شده در حقیقت



۶. تابوت از سنگ آهک شاه اهی رام، شهکار موزیم ملی بیروت است، در ببلوس پیدا شده و قدامت آن به قرن دهم ق.م می رسد. این اکثر مشخصات قدیمی ترین نوشته های فنیقی ها را دارا است.

این بل با تخصیص مناسب بودیجیوی قبول شود مآقادر خواهیم بود که لابراتوارهای خاص را ایجاد کرده، پروژه های جدید را برای موزیم در نظر بگیریم، درخواست ها را برای وجوه داشته باشیم، فعالیت های آموزشی و فرهنگی را به صورت منظم تطبیق و انکشاف دهیم و تمام ضروریات که یک موزیم باید انجام دهد بر آورده کنیم. واضحاً این شیوه باید متمرکزه و موزیم در ظرف چند سال ممکن قادر باشد که به آرمان هایش برسد. به هر حال موفقیت همچو عملکرد فرضی بوده بخاطریکه یادگارهای میراثی برای حکومت لبنان اولویت نداشته و تعهدات درین بخش اساساً توسط مؤسسات غیردولتی بین المللی حمایت میگردد. مانند هر مملکت بعد از راهی یافتن از جنگ و متحمل شدن یک رکود اقتصادی، لبنان همچنان وابسته به همکاری و کمک مالی خارجی از ممالک مترقی میباشد.

اشکال تابوت انسان به پیکربندی مصری ها ادامه یافته در حالیکه تراشیدن مجسمه توسط صنعتگران محلی نفوذ یونانی ها را نشان میدهد. این شاهکارهای هنر تدفینی در نگارستان بازسازی شده زیرزمینی که منحیث قلمرو مرگ حفاظت گردیده ممکن در سال ۲۰۰۴ به عوام نشان داده شود.

در طبقه اول، آثار نمایش داده میشود که در زمان جنگ تخریب شده اند. یک مخلوط از آهن، عاج، شیشه و سنگ نتیجه فیرهای است که در اثنای حمله بمباردمان یکی از ذخیره گاه ها را در هم شکسته است. این نمونه نمایش مانند آثار هنری موزیم بود که گواه تاریخیچه لبنان را نشان میدهد. تقریباً از جمله کلکسیون ۱۰۰۰۰۰ آثار کارهای دستی آن وقت اکنون در حدود ۱۳۰۰ آن نمایش داده میشود.

مواجه شدن موزیم با مشکلات زیاد

آخرین موجودی موزیم ملی بیروت تکمیل گردید. هزاران آثار که شناسنامه هایشان تخریب گردیده بود و یا در جریان جنگ ضایع شده بود یکبار دیگر در دفتر ثبت لست گردیده و در دسترس محققین قرار دارد. با وجودیکه بازخوانی نوشته هایشان آسیب دیده بود و عدم موجودیت لابراتوار احیای مجدد در مدیریت عمومی آثار عتیقه هنر نوع کار بازسازی را مشکل میساخت. سوزی حکیمیان رئیس موزیم ملی توضیح کرد که " در حال حاضر مقامات محلی در تلاش هستند تا نمایشگاه های موزیم را بازسازی کرده بخاطریکه آثار دستی را در یک محل با ثبات گذاشته و از نابودی ایشان جلوگیری نموده باشد." بدبختانه محدودیت های بودیجیوی حکومت لبنان از اداره آثار توسط استخدام کارمندان جلوگیری کرد. " صرف ما سه باستان شناس مسؤل موزیم و گنجینه ها بودیم. ما اعاده کننده ها نیستیم و نخواهیم شد. یگانه احتمال "نجات" که از قانون جدید در رابطه به گنجینه ها بدست میآید تا که ایجاد یک بنیاد آزاد موزیم ملی عامه را مانند مدیریت عمومی گنجینه ها فراهم نماید. هر گاه



۷. این اثر که با برونز ملمع گردیده از معدی در ببلوس بدست آمده است

امروز، دوطبقه موزیم کاملاً بازسازی شده لیکن کاربازسازی هنوز تکمیل نگردیده است. احیای زیرخانه ها مطابق تقسیم اوقات که قبلاً ذکر گردید الی سال ۲۰۰۴ صورت میگیرد. ساحات اطراف موزیم باید وسعت داده شود و فعالیت های آموزشی و فرهنگی، و همچنان فعالیت ها برای تماشاگران جوان باید در دسترس قرار گیرد. ماموریت اختتام نیافته است. یک گام بزرگ اتخاذ گردیده لیکن راه رسیدن طویل بوده و گرانی عملکرد را بطی ساخته است.

آدرس مطالعه موزیم بیروت در صفحه اینترنت:

www.beirutnationalmuseum.com

یادداشت ها

۱. بابلوس ویا جیبیل ساحه فوق العاده برجسته باستان شناسی فنیقی ها میباشد. تقریباً ۳۰ کیلومتر در قسمت شمال بیروت موقعیت دارد، این شهر به صورت تصادفی در جریان سال های ۱۹۲۰ کشف شد، و پادشاهان متعدد و گنجینه های تدفینی و مذهبی را واگذار کرد و مطالعه مدنیت فنیقی ها را در سرزمین اصلی ممکن ساخت.

موافقتنامه دوم اجلاس شهر لاهه ۱۹۵۴ و پیشرفت قانون بین المللی انسان دوستانه^۱

نوشته جان هلادیک

جان هلادیک متخصص پروگرام بخش معیارات بین المللی در عرصه میراث فرهنگی یونسکو (پاریس) است. او یک حقوقدان و مسؤل تطبیق پیمان ۱۹۵۴ هاگ در مورد حفاظت از دارایی های فرهنگی حین وقوع برخورد مسلحانه و دو موافقت نامه های سال ۱۹۵۴ و ۱۹۹۹ میباشد. او مقالات زیادی در مورد اجلاس لاهه و سایر موضوعات روزنامه های تخصصی طبع نموده است.

اختتام جنگ سرد و ناپدید شدن دو قطب منتج به ظهور مجدد یکتعداد تصادمات مسلحانه و عدم توجه برای حیات انسان میراث های فرهنگی در جهان گردید. این امر همچنان کاستی ها را در تطبیق پیمان ۱۹۵۴ هاگ جهت محافظه دارایی فرهنگی هنگام بروز برخورد های مسلحانه گردید. قبل ازین در سال ۱۹۹۱ سکرتریت یونسکو یکجا با یکتعداد کشورهای متعهد به میثاق در پیمان هاگ بررسی این موافقت نامه را آغاز کردند. هدف این پیشقدمی اساساً عبارت بود از: تطابق پیمان هاگ به حقایق همزمان مبارزات نظامی به شمول مبارزات نظامی غیر بین المللی؛ هم آهنگ کردن موافقت نامه های ۱۹۵۴ (پیمان هاگ "اولین" موافقت نامه) همراه با سایر مواد قانون انسان دوستانه بین المللی که از سال ۱۹۵۴ به اینطرف قبول شده است مانند دو موافقت نامه علاوه سال ۱۹۷۷ به چهار پیمان ژنیوا در سال ۱۹۴۹ و یا قانون ۱۹۹۸ محکمه بین المللی جزا؛ و بهبود جنبه های معین پیمان هاگ مانند طرز اداره حراست خاص، کنترل سیستم پیمان هاگ و یا تدارکات جزایی جهت فرونشاندن تخطی ها^۲.

بررسی هشت ساله پیمان هاگ منتج به پذیرش موافقت نامه دوم^۳ پیمان هاگ توسط یک کنفرانس دیپلماتیک گردیده و مشترکاً با حکومت هالند

سایر چیزها برای داریی های فرهنگی ممکن شدید
تر میبود.

حفاظت بهتر

موافقت نامه دوم یک کتگوری جدید را برای حفاظت
بهتر میراث فرهنگی که برای بشریت اهمیت زیاد
دارد معرفی مینماید. بنابراین دلایل در زمینه حفظ
میراث فرهنگی با ارتباط مختصر به رژیم خاص
حفاظتی که میثاق هاگ بیان داشته است قابل فهم
میباشد.

زمانیکه پیمان هاگ در سال ۱۹۵۴ به صورت مفصل
شرح داده میشد، مسوده نویسان بالای یک مقدمه
کار مینمودند که بر علاوه داریی فرهنگی به صورت
عموم محافظه شود، و در آنجا یک کتگوری محدود
و دقیق داریی فرهنگی تحت هر نوع شرایط که است
باید محافظه گردد. برای این منظور آنها شیوه خاص
حفاظتی را پیشنهاد کردند.

پیمان هاگ تأمین رژیم حفاظتی خاص را به سه
کتگوری داریی (ماده ۸) (۱) پیشبینی مینماید: پناه
بخشیدن داریی فرهنگی قابل انتقال حین بروز تصادم
مسلحانه مراکز حاوی بناهای تاریخی میباشند؛ و سایر
داریی های فرهنگی غیر قابل انتقال که دارای اهمیت
بسیار زیاد اند. تأمین حفاظت خاص تحت شرایط ذیل
ضروری پنداشته میشود: تقاضا برای تأمین
همچو حفاظت باید به دایر کتر جنرال یونسکو توسط
کشورهای متعهد به میثاق فرستاده شود؛ ملکیت مورد
بحث باید در مسافه مناسب از یک هدف نظامی
قرار داده شود؛ این ممکن برای مقاصد نظامی نباید
استفاده شود؛ و تمام کشورهای متعهد به میثاق
دیگر باید به این موافقه نمایند. توجه خاص باید به
شرایط اخیر معطوف شود بخاطریکه همچو واگذاری
حفاظت خاص حق یک کشور متعهد به میثاق نیست
که منحصرأ در اختیار خود داشته باشد. کاملاً برعکس،
عدم موافقت نامه کامل به اساس عدم رسمیت شناسی

ویونسکو در هاگ از ۱۵ الی ۲۰ مارچ سال ۱۹۹۹
تشکیل جلسه داد.

در مقایسه با پیمان اصلی هاگ موافقت نامه دومی
در سطح حفاظت از پیمان به طور قابل ملاحظه مترقی
بوده طوریکه اصلاحات ذیل را فراهم مینماید.

اقدامات مقدماتی زمان صلح

مطابق به پیمان هاگ، حفاظت داریی های فرهنگی
در زمان جنگ هنگام ظهور خصومت های حقیقی
آغاز نمیشود. البته در زمان صلح با اتخاذ
تدابیر و اقدامات مقتضی علیه تاثیرات ممکنه قابل
پیشبینی در یک برخورد مسلحانه ممکن آغاز شود.
اگرچه پیمان هاگ همچو اقدامات را در ماده ۳ توضیح
نکرده است؛ اراده و اجراءات متعاقب خویش را به
تصمیم گیری کشورهای متعهد به میثاق واگذار میشود.
راه های حل موافقت نامه دوم این نارسایی در ماده ۵
به اساس درخواست پذیرش اقدامات ذیل میباشد:
تدارک موجودی ها، طرح اقدامات عاجل برای
محافظه در مقابل آتش سوزی و فروپاشی ساختمان ها،
آمادگی برای نقل مکان ملکیت فرهنگی قابل انتقال
و یا تدارک مناسب محافظه همچو داریی ها در جای
اصلی خویش، و انتصاب مقامات مسؤل باصلاحیت
برای پاسداری آنها. تطبیق مستحکم آمادگی اقدامات
ممکن به ساختار اداری کشورهای متعهد به میثاق،
منابع مالی و سایر منابع، پالیسی فرهنگی، و بالاخره،
قوانین دفاع ملی ارتباط داشته باشد. آن نوع اقدامات
نه تنها در صورت برخورد های مسلحانه بلکه همچنان
در صورت فاجعه های طبیعی مانند سیلاب و زلزله
منحیث یک سلاح فوق العاده موثر علیه سرقت
آثار هنری ثابت شده است. به طور مثال، تجارب
سیلاب های جرمنی و جمهوری چک در تابستان
۲۰۰۲ نشان میدهد، که در صورت عدم اجرای
اقدامات محافظوی شاید عواقب آن نسبت به

بهبتر اثر با شمول دارایی فرهنگی در لست میراث فرهنگی تحت مراقبت بیشتر تامین شده می‌تواند. تفاوت بزرگ میان رژیم های سال ۱۹۵۴ ("حفاظت خاص") و ۱۹۹۹ ("حفاظت بهتر") چیست؟ این ها ممکن قرار ذیل خلاصه شوند: شرایط بدست آوردن حفظ و نگهداری بهتر نظریه پیروی از شرایط حفاظت خاص ساده تر است؛ نگهداری بهتر توسط کمیته حفاظت دارایی فرهنگی در برخورد مسلحانه داده میشود ("کمیته") یک بخش نظارتی برای تطبیق موافقت نامه دومی، عملاً برای پیمان هاگ؛ ضرورت توافق کامل بیش ازین مطرح نخواهد بود. چه حفاظت بهتر می‌تواند از طریق اکثریت؛ بره حصه اعضای این کمیته تامین همچو محافظت را تسهیل خواهد بخشید تامین گردد.

محافظت دارایی فرهنگی در برخورد های مسلحانه

غیر بین المللی

هدف موافقت نامه دوم همچنان به صورت حقیقی بهبود حراست دارایی فرهنگی در صورت بروز واقعات و برخوردهای مسلحانه غیر بین المللی میباشد: این مطلب در ماده ۲۲ (۱) طوری فراهم شده است که در برخورد های مسلحانه نه یک حالت بین المللی که به منطقه یکی از جوانب طرف واقع گردد قابلیت استفاده را دارد. این یک بهبود در تدارک ماده ۱۹ (۱) پیمان اصلی هاگ در مورد همان موضوع مشابه بوده که ضرورت به اقدام طرفین در برخوردهای مسلحانه غیر بین المللی نیاز داشته تا "تدارکات اجلاس موجوده را در ارتباط به دارایی فرهنگی تا حد اقل استفاده نماید".

یک سوال معقول ممکن پرسیده شود- ماده ۱۹ (۱) پیمان هاگ کدام عرصه را احتوا میکند؟ آیا این صرف به تدارکات ماده ۴ پیمان هاگ مانند آنها که جلوگیری از سرقت، چپاول، تباهی، اختلاس اشیای

توسط چهار کشور متعهد به میثاق حکومت وقت کمبودی تامین حفاظت خاص را برای چندین ساحه کمبودیابی در سال ۱۹۷۲ ممانعت کرد.

زمانیکه دارایی فرهنگی تحت حفاظت خاص قرار میگیرد، آنها در راجستر بین المللی دارایی فرهنگی تحت حفاظت خاص لست شده و توسط دایر کتر جنرال یونسکو ادامه داده میشود. الی اکنون، دارایی فرهنگی در ۳ کشور بزرگ قرار داد کننده (جرمنی، هلند و مکزیک) نظریه تقاضا طرفین (تعداد مجموعی چهار پناهگاه همچنان تمام ایالت شهرواتیکان) راجستر شدند. دو کشور (اتریش و هلند) از راجستر شدن کناره گیری نمودند. هنگامیکه رژیم حفاظت خاص را ارزیابی مینمائیم، این مطلب باید تاکید شود که این بسیار بعید بوده و هرگز کاملاً فراهم نشده است، صرف سه کشور متعهد به میثاق دره محل تحت حفاظت خاص جابجا شده و آخرین ثبت علاوه بر شرایط دشوار ممکن دلایلی در زمینه موجود باشد تا کشورها را وا دارد تا از ارائه دارایی فرهنگی برای حفاظت خاص در قبال شرایط مسافه کافی از یک هدف نظامی در کشور های پرنفوس بنابر مشکلات تخریکی برای نامزدی یک اثر ویا خوف از ناحیه تروریستان بالقوه ابا ورزند.

در ماه مارچ ۱۹۹۹ کنفرانس دیپلوماتیک در رژیم خاص حفاظتی در پیمان هاگ یک رژیم جدید اساسی حفاظت بهتر را در فصل III موافقت نامه دوم علاوه کرد. تقدیم دارایی فرهنگی برای حفاظت بهتر باید قرار ذیل باشد:

(i) داشتن اهمیت زیاد برای بشریت (ii) توسط تدابیر کافی اداری و قانونی محافظت گردد (iii) برای مقاصد نظامی استفاده نشود و یا پناهگاه مناطق نظامی قرار نگیرد. با در نظر داشت شرایط اخیر، یک اعلامیه درین مورد باید آماده گردد. محافظت

قضایی و یا معاونت ذات البینی قانونی را توضیح
میدارد.

مرجع جدید نظارت

مهم ترین مساعدت های موافقت نامه دوم جهت تامین
بهبتر حفاظت دارایی فرهنگی در صورت برخوردهای
مسلحانه حاوی ایجاد یک کمیته بین الحکومتی دوازده
عضوی برای حراست دارایی فرهنگی در صورت
برخوردهای مسلحانه میباشد. وظایف اساسی کمیته
میتواند قرار ذیل خلاصه گردد: تامین توقف و یا الغای
حفاظت بهتر؛ مساعدت در تشخیص دارایی فرهنگی
تحت محافظت بهتر نظارت تطبیق موافقت نامه دوم^۶؛
تدقیق و توزیع مساعدت بین المللی و استفاده از وجه
برای حفاظت دارایی فرهنگی در صورت
برخوردهای مسلحانه.

کمیته ممکن با سازمان های ملی و بین المللی، دولتی
و غیردولتی که اهداف مشابه با پیمان هاگ،
و دو موافقت نامه های آنها مانند کمیته بین المللی
بلوشیلد (ICBS)^۷، کمیته صلیب سرخ بین
المللی (ICRC) و مرکز بین المللی برای مطالعه جهت
حفظ واحیای دارایی های فرهنگی (ICCROM)
دارد همکاری نماید.

موافقت نامه دوم و پیشرفت در قانون بین المللی

بشری

مهم ترین مساعدت های موافقت نامه دوم جهت
پیشرفت تدریجی قانون بین المللی بشری از نظر من
اساساً شامل دو بخش میباشد: انکشاف بیشتر تدارک
نقص تعزیرات در مقابل دارایی فرهنگی با ترتیب
نمودن کتگوری جدید تخطی ها در مقابل دارایی
فرهنگی و ایجاد بنیاد قانونی برای همکاری بین
دولتین جهت تقویه تعزیرات علیه تخطی کننده گان

مورد نیاز دارایی فرهنگی و یا، عموماً در مقابل دارایی
فرهنگی تلافی خسارات مینمایند ارتباط میگیرد؟
پروفسور توماس در موافقتنامه تائید شده خویش ماده به
ماده تفسیر نموده تا در ترجمه گسترده ماده ۱۹ (۱)
پیمان هاگ خارج از محدوده ماده ۴ و گسترش به
نشریه های مانند انتشار تدارکات پیمان هاگ و یا
تعزیرات جزایی جهت تجاوز در مقابل دارایی فرهنگی
بیشتر تسهیل بخشد.^۸
منظور مسوده نویسان موافقت نامه دوم بکاربرد تمام
این موافقت نامه در برخوردهای مسلحانه غیر بین
المللی در رابطه به قرارداد های رسمی صرف برای
کشورهای متعدد به میثاق راجع میشود، مانند توانایی
و مجبوریت استفاده تدارکات مانند ارائه کاندید های
دارایی فرهنگی جهت حفظ و نگهداری بهتر، مسایل
بنیادی و قضایی بدینگونه سایر فعالین غیر جانبدار که با
همچو تقاضا نامه ها متعدد نیستند پذیرفته نمیشود.

تعزیرات برای ارتکاب جرایم علیه دارایی فرهنگی
جهت تعزیرات جزایی در مقابل دارایی فرهنگی، ماده
۲۸ پیمان هاگ مستلزم تعهدات برای کشورهای
متعدد به میثاق بوده " در چهارچوب معمول قضاوت
جزایی، تمام مراحل لازمی پیگیری شده و تحمیل
مجازات یا تعزیرات انضباطی بالای آنعه اشخاص
منسوب به هر ملیت که از موافقت نامه موجوده تخلف
نموده و یا میخوهد تخلف نماید". هر چند این مقرر
دارای خصوصیت عمومی بوده؛ لیکن مثال
همچو تخلف را فراهم نینماید؛ و با موضوعات کاری
مانند معاونت قانونی دوجانبه رسیدگی کرده نمیتواند.
بدین سبب، موافقت نامه دومی جنبه جزایی حفاظت
دارایی فرهنگی را در فصل IV با ترتیب نمودن
کتگوری جدید بخصوص تخطی های خطرناک که
تخطی های جدی نامیده میشود شناسایی سایر تخطی
ها و انکشاف موضوعات کاری از قبیل استرداد

که بدانیم صرف کشورهای متعدده به میثاق پیمان لاهه
میتوانند عضویت موافقت نامه دوم را حاصل نمایند.
تدقیق و پذیرش موافقت نامه دوم اراده جامعه بین
المللی را جهت جلوگیری رویداد های جدید
ناگوار انعکاس میدهد، به طور مثال پل های
شهر سربایوو و موستار توسط تامین قوانین جدید
مشروع جهت حراست دارایی فرهنگی در صورت
برخورد مسلحانه. بدین منظور، لازم است که آگاهی
ازین موافقت نامه را ترویج داده و رسمیت، قبولیت،
تائید ویا الحاق به آنرا تشویق نماییم تا اینکه نافذ شدن
را تسریع بخشد. زمانی مغالطه آمیز خواهد بود که
فکر نماییم این موافقت نامه شاید در نفس خود قادر به
تضمین "عدم آسیب" دارایی فرهنگی در برخوردهای
مسلحانه آینده باشد، موافقت نامه دوم بدون شک
حراست همچو دارایی ها را تقویت میبخشد.

در مقابل فراهم کننده ها همچو وقایع؛ و تاسیس
چارچوب بنیادی جهت نظارت تطبیق موافقت نامه
دوم و پیمان اصلی شهر هاگ.

نتیجه

جهت پایان بخشیدن موافقت نامه دوم، باید خاطر نشان
نمود که این موافقت شکل ضمیموی بوده و در هیچ
موارد جاگزین پیمان لاهه و موافقت نامه اول
نمیگردد. پیمان اصلی لاهه و موافقت نامه اول
تا هنوز برای تصویب و الحاق باز بوده و به نقش خود
بمثابه آماده کننده تحفظ ارزشمند درجه اول ادامه
خواهد داد. بویژه برای کشورهای هائیکه آماده ویا
قادر نیستند تا عضو پروتوکول دوم گردند. نافذ شدن
موافقت نامه دوم^۸ ممکن به شکل پیشرفته حفاظت را
برای جوانب ذیعلاقه فراهم نماید. بالاخره، لازم است



۸. پل موستار بوسنیا که طی جنگ ها تخریب گردید و توسط یونسکو و بانک جهانی بازسازی شد و بحیث عاملی در
مصالحه ملی عرض اندام گردید.

یادداشت ها:

استفاده قرار گرفت. عدم مرجع نظارت یکی از اسباب عمده جهت بررسی پیمان لاهه بود.

۶. عملکرد کمیته احتمال دارد نظارت مشخص جوانب تطبیق پیمان لاهه را مانند معاونت تخنیکي تهیه شده توسط سکرتریت توسعه دهد.

۷. کمیته بین المللی سپرایی (Blue Shield) یک سازمان دفاعی است که در سال ۱۹۹۶ توسط نمایندگان شورای بین المللی ایشیف (ICA)، شورای بین المللی موزیم (ICOM)، شورای بین المللی آثار و جاهای تاریخی (ICOMOS)، و فدراسیون بین المللی نهادها و انجمن کتابخانه ها (IFLA) ایجاد شده است. هدف اساسی اش هم آهنگی فعالیت های متخصصین و انتشار دانش از طریق اجلاس در اولین و دومین موافقت نامه لاهه میباشد. اصطلاح سپرایی بنام این سازمان جدید دلالت به علامه اجلاس لاهه نموده که برای سمبول دارایی فرهنگی استفاده میشود. جهت معلومات بیشتر نقش ICBS بخاطر حراست میراث فرهنگی در جریان عملیات های جنگی به مقاله جان هلادیک، موزیم بین المللی حراست میراث فرهنگی در جریان عملیات های جنگی، نمبر ۳، جولای- سپتمبر ۲۰۰۱، صفحات ۶۵ - ۶۶ ملاحظه نمایند.

۸. جهت نافذ شدن موافقت نامه دوم، گواهی نامه سکرتر جنرال یونسکو از تصویب، تائید، قبولی و یا الحاق بیست مقوله لازم میباشد. الی تاریخ ۳۱ جولای ۲۰۰۳، دومین موافقت نامه به رسمیت شناخته شد و یا شانزده کشور به آن پیوسته بودند. بنا تائید، قبولی، تصویب و یا الحاق به چهار مقوله اضافی همراه با تائید مدیر عمومی یونسکو برای نافذ گردیدن این موافقتنامه به منظور سیستم حفاظتی بهتر امر لازمی محسوب میگردد.

۱. این ماده به اساس پیشنهاد ماده من در کنفرانس دیپلوماتیک موافقت نامه دوم در پیمان لاهه جهت حراست دارایی فرهنگی در صورت برخورد های مسلحانه استوار میباشد. شهر لاهه، هلند (۱۵ الی ۲۶ مارچ ۱۹۹۹)، ژونال بین المللی دارایی فرهنگی، جلد ۸، نمبر ۲، ۱۹۹۹، صفحات ۵۲۶ الی ۵۲۹.

۲. عمدتاً نوشته شده برای متخصصین میراث فرهنگی، این ماده عمداً مشکلات فوق العاده تخنیکي و قانونی موافقت نامه دوم را حذف مینماید.

۳. تمام معلومات در رابطه به فعالیت های یونسکو در تطبیق پیمان لاهه و دو موافقت نامه هایش به آدرس ذیل به شکل پیوسته در دسترس قرار دارد.

http://www.unesco.org/culture/laws/hauge/html_eng/page1.shtml

۴. جیج توماس، محافظ دارایی فرهنگی در حادثات برخورد مسلحانه. به صورت تفسیر در اجلاس جهت محافظه دارایی فرهنگی در حادثات برخورد مسلحانه و موافقت نامه هایش که به تاریخ ۱۴ ماه می ۱۹۵۴ در لاهه به امضار رسیده و سند دیگری قانون بین المللی در رابطه به همجو حراست میباشد، شرکت طباعتی دار تموند/یونسکو، سال ۱۹۹۶، صفحات ۲۱۳ الی ۲۱۵.

۵. اجلاس اصلی لاهه ایجاد مرجع نظارتی ویژه را پیش بینی نمینماید. سیستم کنترول اجلاس لاهه به اساس سه اصل استوار است: نمایندگان کشورهای متعهد به میثاق که در برخورد ها درگیر شده اند، نیرو های حفاظتی، و تعیین کمیسار های عمومی برای دارایی های فرهنگی که توسط جوانب درگیر از طریق جانبی که مورد اعتبار است و نیرو های محافظوی که به نمایندگی از جوانب متخاصم عمل میکنند تعیین میگردد. آنها توسط سکرتریت یونسکو معاونت میشوند. منحیت سیستم نیروی محافظوی، سیستم کمیسار های عمومی صرف یک مرتبه بعد از اتخاذ پیمان جهت تعقیب برخورد شرق میانه در سال ۱۹۶۷ مورد



© قلمگاز آژند

۹. پارچه های از خرابه های دوره غوریان در چشت شریف که بین جام و هرات موقعیت دارد.

تجسمات و میراث ها در افغانستان

نوشته رضا

رضا در شهر تبریز در سال ۱۹۵۲ متولد گردیده ، تحصیلات خویش را در رشته معماری به پایان رسانیده و اکنون فوتوژورنالیست شناخته شده در سطح جهانی میباشد. او برای مؤسسه نشنل جیوگرافیک به صورت منظم از سال ۱۹۹۰ به اینطرف کار نموده و بخاطر همین توانایی اش در سرتاسر جهان ، از بسفورس الی دیوار بزرگ چین ، از فیلپین الی آسیای مرکزی ، از لبنان الی افغانستان و از روند الی سراپوو سیاحت نموده است.

علاوه بر تمهیدات خویش منحیث یک انسان و ژورنالیست، آقای رضا برای ما یک تصویر شاعرانه از جهان ارائه میدارد. نشریه های جدید اش عبارت از "Destins Croises" در سال ۲۰۰۳ ، "Eternites Afghanes" (Editions du) و "Chene و یونسکو) و "Le Pinceau de Bouddha" سال ۲۰۰۲ میباشد. بنا بر دعوت مجلس سنا، نمایشگاه او "Destins Croises" در روزه های لوگزامبورگ باغ های پاریس ، از ماه می الی سپتمبر سال ۲۰۰۳ نمایش داده شد.

"مهتاب ماه چهارده در میان کوهپاره ها با رنگ
قهوه یی می درخشد، مانند یک پروژکتور بزرگ بالای
یک ست فلم.

در بالای دیوارهای پست و بلند کوهپاره ها، این
روشنی طبیعی مانند روشنی های باریک و سایه ها
از میان سوراخ ها هویدا میگردد. یکتعداد آنها دارای
سکنه بوده و از داخل روشن میباشند.

نگاه در دهنه سوراخ ها متوقف گردیده طوریکه
خطوط روشنی کوهپاره ها معلوم میشود: یک سایه
بزرگ، مشابه سایه پیکر بزرگ بلند منزل ها
در روشنایی زمین میآفتد.

پیکرهای بزرگ به استثنای سایه اش نامیدانه
غیر مرئی باقی میماند. چیزیکه داستان های مغاره ها
را بخاطر میآورد.

تاریخ ۱۲ ماه سپتمبر در مقابل مجسمه بودا
در بامیان.

یک واقعه تاریخی در شرف وقوع است.
صدها افغان از بامیان و قریه جات مجاور، و سایرین که
از دور دست ها در مقابل یک پرده تلویزیون بزرگ به
اندازه ۳ در ۵ متر که در مقابل یک کوه جابجا شده است
جمع شده اند. یک پروژکتور و چهار بلند گو بسیار قوی

و کاهلان افغان و اتباع خارجی در جاهایشان میخکوب شدند.

درین ملاقات سحرآمیز گره گشایی تاریخچه یک افغانستان غنی، طوریکه توسط قلم های آرشیفی نمایش داده میشد، شهر بامیان زمانه های قدیم ظاهر گردید. مجسمه های که اکنون از بین رفته، دوباره در پرده تلویزیون زمانیکه آنها به شکل معلق و افسونی به نظر میرسیدند ظاهر شدند.

فضامملو از احساسات است. نسیم ملایم هوا شکوه کنان از بالای سر تماشاچیان عبور نموده و به نظر میآید کوهپاره های بلند آهنگ اندوه را انعکاس داده و زخم ها، ندامت و فراق گذشته از وطن را بیان میدارد.

آهنگ باد مانند یک پاسخ به ما خطاب میکرد. این یک فریاد مشترک و همه گانی بود زمانیکه ما یک مرد غیر مرنی را درین سایه پنهان شده تصور کرده بودیم.

این کاریک قسمت از فعالیت پروژه بود، "کمپاین سینما های سیار آموزشی"، یکی از پروژه ها توسط مؤسسه غیردولتی آئینه^۱ رهبری میشد. هشت دستگاه سیار سینمایی در تمام مملکت در قریه جات فوق العاده

برای بینندگان اجازه میداد که اهمیت بزرگ تاریخچه خویش را تماشا نمایند.

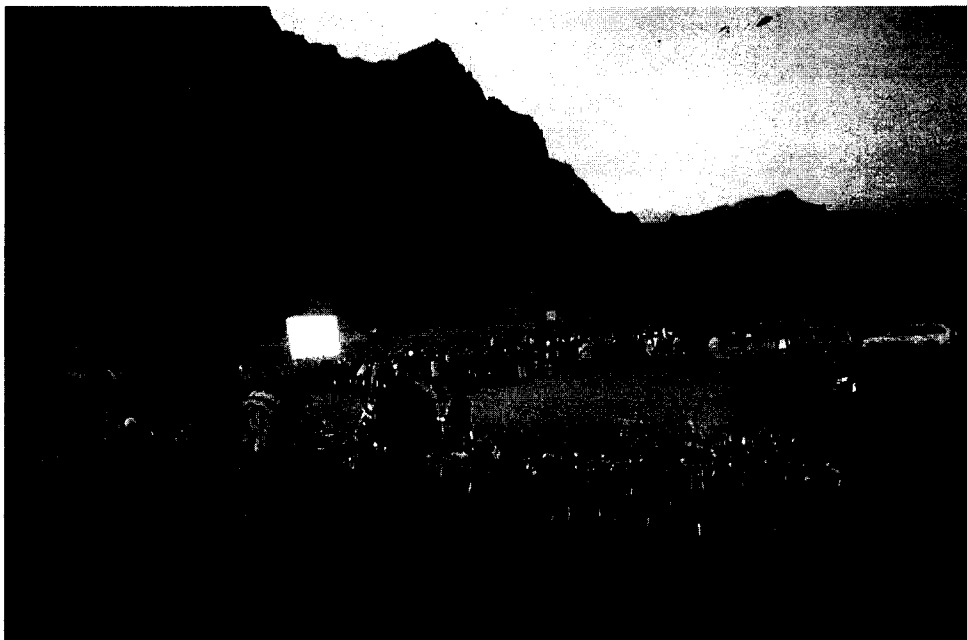
فلمی درباره میراث فرهنگی و مجسمه تاریخی افغانستان نشان داده میشد: مزار، هرات، غزنی... این ها بنا های تاریخی هستند که تماشاگران صرف با نام آنها آشنا هستند.

در یک مدت کوتاه، این اثرات تاریخی شاید برای آنهای که موجود هستند تصور شده و شکل حقیقت را بخود اختیار نماید.

بعد از مدت کوتاهی اسمای اشخاص مشهور لیکن مبهم توسط روشنایی نوربکس جادویی در میان هوای گردآلود بالای پرده پدیدار میگردد. بسیاری از تماشاگران این تصویر را برای اولین بار مشاهده نموده اند.

البته من، چهره و چشم هایش را خوب ملاحظه نمودم. من مانند اطفال کوچک در قطار اول نشسته، و مانند کسی که بالاخره وطن خویش را یافته، و توسط این تصاویر که حاکی از خاطرات جاودان است مجذوب شده باشد دقیقاً مشاهده میکردم.

دفعتاً سکوت، دردشت و کوه برهم خورد. اطفال



۱۰. فلمبرداری در وادی بامیان،

تجریده شده و شهرهای بزرگ رفته و باخود اسباب، فلم های آموزشی داستانی را که تماماً توسط افغان ها نوشته شده ، فلم پری و رهنمایی شده بود حمل مینمودند.

معلوماتی که از طریق این فلم ها و وسایل آموزش بصری ، انتقال میشد، علامت یک عصر جدید و پیش بینی اعمار یک آینده به اساس احترام به گذشته ها بود. بنابراین وضع موجوده ، استفاده از تصاویر مؤثرترین شیوه آموزش و افهام و تفهیم در افغانستان میباشد.

کابل، سپتمبر سال ۲۰۰۳

یاداشت ها:

^۱ سازمان غیردولتی آینده دموکراسی را در افغانستان از طریق رسانه ها و نمایشات فرهنگی تشویق، ترویج و حمایت مینماید. جهت معلومات بیشتر به آدرس انترنست www.ainaworld.org مراجعه کرده و معلومات مهیا را در مورد تصاویر و پروژه های سالم ملاحظه نمایند.

نقش موزیم گیمی در مطالعه و نگهداری میراث های افغانی

نوشته پیر کامبون

پیر کامبون رئیس ارشد، و مسؤل کلکسیون افغانستان و بخش کوریا در موزیم گیمی از سال ۱۹۸۲ به این طرف میباشد. او کار دنیتر نمایشات که در موزیم ادمستی دایر شده بود، و سرپرست نمایشات نمایشگاه افغانستان یک تاریخچه جاودان در شهر بارسلونا بود. و منحیث مشاور یونسکو ماموریت شهر کابل را در سال ۱۹۹۵ و جمهوری دموکراتیک مردم کوریا را در سال ۱۹۹۹/۲۰۰۰ پذیرفت.

نظربه تقاضای پادشاه امان الله خان و مطابق به موافقت نامه افغانستان و فرانسه در سال ۱۹۲۲ موزیم ملی گیمی با هنرهای آسیایی بخاطر کلکسیون های عصر قبل از اسلام همتای موزیم ملی کابل گردید. موافقت نامه (DAFA) میان دو مملکت امضا گردید، این همکاری های مشترک میان فرانسه- افغانستان به صورت مستحکم الی مدت ۳۰ سال ادامه یافت. بناً تقسیمات کشفیات میان دو مملکت موزیم گیمی در پاریس و موزیم کابل فراهم گردید، به شرط اینکه کشفیات بی همتا باید ملکیت افغانستان باشد. در مذاکره دوباره موافقت نامه در اوایل سال ۱۹۵۰ ماده انحصاریت را از قلم انداختند، لیکن با وجود این هم ماده مذکور در مورد تقسیم کشفیات دوباره تائید گردید (منحیث یک شاهد در جریان حفریات ساحه سرخ کوتل؛ با وجودیکه توسط حفریات گروپ فرانسوی ها در ساحه آی خانم نباید مربوط به آنها میگردد).

کلکسیون های افغانی در موزیم گیمی پاریس توسط آنده آثار موزیم کابل تکمیل گردید و مطابق مینمود به پروگرام حفریات که در یک بخش بزرگ توسط الفردفوشه بینان گذار دافا (DAFA) هیات

شکل معما و عجیب از اینکه موزیم کابل در ماه مارچ ۲۰۰۱ گروگان گرفته شود تکمیل گردیده بود. با وجود آنکه کلکسیون پارسی ها بطور موفقانه ترمیم میشد، لیکن آنهایی که در کابل در آن هنگام به ملاحظه میرسید کاملاً سرقت میگردد. بعد از یک تاریخچه مشترک و با امید آزمایشات دوباره و حفاریات به همکاری هر دو موزیم DAFDA، هر دو بنیاد طوری به نظر میرسید که در جهات مخالف در حرکت باشند. وضعیت کاملاً عجیب ملاحظه شده و نظریه حقایق تلاش های گذشته بیپوده معلوم میشد. اگر چه در سال ۱۹۹۰ افغانستان در مرحله جنگ داخلی مواجه بود و چوروچپاول بیش از حد کلکسیون ها در موزیم ملی صورت گرفت لیکن موزیم گیمیدرین مورد از خویش عکس العمل نشان داد.

در نتیجه ارتباطات عمیق که با موزیم کابل حفظ نموده بود و از تجارب که در جریان بازسازی فرا گرفته بود، مرکز میراث های جهانی مرا در ماه جون ۱۹۹۵ به مسؤلیت مینجا یانگ به کابل فرستاد. هدف این ماموریت ملاحظه وضعیت ذخایر موزیم کابل بود که در جریان جنگ های زمستان گذشته شدیداً متضرر گردیده بود. یک بخش شهر در اثر برخورد جناح های مجاهدین سابق که میخواستند قدرت را بدست گیرند کاملاً به خاک یکسان گردیده بود. هدف این بود که حقیقت را از شایعه تشخیص کرده و معلومات دقیق را در صورت امکان از محل دریافت نموده تا هر چه زود تر تصمیم گرفته شده تا با مقامات کابل در مورد نجات چیزهای باقیمانده موزیم ملی به توافق برسند. این ماموریت با استفاده از آتش بس منحیث یک موضوع فوق العاده عاجل انجام شد. در نظر گرفته شده بود که ماموریت دوم را در سپتمبر به پیش ببرند و پلان داشتند که موجودی تعداد باقیمانده کلکسیون ها را در جریان یک ماه به همکاری اعضای موزیم

باستان شناسان فرانسه در افغانستان) با همکاری نزدیک شرکای افغانی اش آغاز گردیده بود. علاوه بر آن آرشیف های تصاویر که در پاریس حفاظت میشود، مستقیماً به نشانه این تاریخچه بوده و خاطرات پارچه های را که در موزیم کابل و همچنان آنها را که در موزیم گیمی اند زنده مینماید؛ در جریان سال های ۱۹۳۰ جوزف هاکن هر دو موزیم گیمی هیأت فرانسه را در ساعات دوازده شهر رهبری میکرد. کشفیات باستان شناسان مشهور در افغانستان در جریان سال های ۱۹۲۰، ۱۹۳۰ و ۱۹۵۰ در واقع میان هر دو موزیم شریک بود: مکتب گریکو-افغان در هده، گنجینه بگرام و اشیای عاج هندی، سلسله اکروپولیس یا دژهای استحکامی یونانی از سرخ کوتل، یک کمی به عقب در زمان عصر جدید کوشانی های بزرگ (قرن اول و سوم)، و با از دوران برونز، کشفیات از ساحات موندی گک، نزدیک به قندهار، که اصلیت افغانستان را در سر آغاز تاریخ شرح میدهد.

بازسازی موزیم گیمی در شهر پاریس در ماه جنوری ۲۰۰۱ فرصت را برای ساختار دوباره نمایشگاه ها افغانستان از طریق بازسازی ابنیه های تاریخی گونه گون یا مجتمع های معماری مهیا نمود. با وجود عدم توانمندی برای مداخله مستقیم در ساحه این پروژه کوشش مینماید که خاطره یک سرگذشت را که میان موزیم کابل و موزیم گیمی مشترک بود حفظ نماید. در عین زمان یک پروگرام سیستماتیک استرداد درباره هر دو اشیای عاجی و شیشه یی از بگرام آغاز شده است، که اکثر آن در مناطق اصلی آنها بدون نادیده گرفتن اشیای برونز از زمان کشف الی اخیر سال ۱۹۳۰ باقی مانده است؛ همچنان آنها حاوی گچکاری ها و علاوه بر آن سنگ های آهکی در ساحه هده و حتی ناحیه سرخ کوتل میباشد. این پروژه صرف چند ماه قبل به

عاجی بود. وضعیت موزیم گیمی در زمان جنگ کمبودها عین شکل بود. هنگامیکه سوال محافظت چندین نمونه موزیم پنوم پن که در انتظار حالت باثبات بودند مطرح میگردید. ابتکار دیگر موزیم عکس العمل عاجل در زمان حادثه بودا بامیان در ماه مارچ سال ۲۰۰۱ بود. او در اوج آن بحران یک نمایش درباره میراث افغانستان با همکاری بنیاد La caxia کاتولونیا که دایرکتر اش در آن زمان لوئیس موتریل بود مفکوره مذکور را وجود خطر نابسامانی پروگرام پیشنهاد کرد. هدف عبارت از معرفی مشکلات بود که در مقابل ژورنالیست های ناباور و رسانه ها از تمام نقاط دنیا بلند میگردید. در شرایط جنگ، سواستفاده و سراسیمگی عمومی (شایعات در مورد فرجام موزیم کابل سراسیمگی ها را شدت بخشید)، هدف این نمایشگاه که من برای بنیاد La caxia ترتیب نمودم بدست آوردن تصاویر بود که نشان میدهد میراث های فرهنگی موجود است و یا دقیقاً نام و نشان اش به صورت برجسته هویدا گردید که از زمانه قدیم (دوره برونز) و یا ادوار تازه (دوره بودایی و یا اسلام) بود جای که میان ممالک هند و ایران بوجود آمده و مربوط به هیچ کسی نبوده و به طرف منطقه سرآشویی امتداد دارد. نمایشگاه مذکور همچنان یک فرصت را جهت معرفی آثار زیادی که از موزیم کابل، توسط پاریس و یا توکیو (بنیاد هر ایاما) کشف گردیده بود فراهم کرد. هنگام نمایشگاه پاریس (فبروری سال ۲۰۰۲) شش ماه بعد از اولین توقف دربار سلونیا (اکتوبر ۲۰۰۱) مقامات دولت موقت افغانستان رئیس جمهور حامد کرزی یکجا با ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه نمایشگاه را افتتاح کردند و ازین عمل قدردانی خویش را اظهار نمودند. برای اولین بار افغانستان از مرحله جنگ، ماجراهای بشری یا تروریسم رهایی یافته؛ ابعاد فرهنگی و هویت اش دوباره اعتبار پیدا کرد.

وانستیتوت باستان شناسی افغانستان اجرا این ماموریت دوم که توسط عکسبرداری مارکوله-ویلی و زمربالی طرزی سابق مدیر انستیتوت باستانشناسی افغانستان همکاری گردید طور ظالمانه در آستانه عزیمت به سوب کابل فقط هنگامیکه طالبان هرات را اشغال نموده بودند در اسلام آباد توقف نمود.

با وجود تقاضا های مکرر مرکز میراث های جهانی جهت بدست آوردن اجازه قانونی تعقیب نمودن در جریان ماه ها، این ماموریت دوم هرگز نخواهد صورت گیرد... اولویت های انسان دوستانه بود و تمام عملکرد ها به امر ملل متحد به تعلیق در آورده شده بود.... در ماه سپتمبر سال ۱۹۹۶ طالبان داخل شهر کابل شدند و لازم به آغاز نگارش یک فصل جدید گردید، از آن زمان به بعد قدرتی که پایتخت کابل را اشغال کرده بود نه از طرف جامعه بین المللی و نه از طرف ملل متحد به رسمیت شناخته میشد....

در جریان این سال های تاریک، موزیم گیمی مطمئن نبود که چه وقت فرصت فعالیت مساعد میشود. در نتیجه به اساس تاریخچه و ارتباطات اش با موزیم کابل فوراً موافقه به جابجا نمودن موقت (به اجازه مقامات تنظیمی، وزیر فرهنگ و هنریت مدیره موزیم در فرانسه که در زمان محافظت یونسکو را آنگاه مینمود) کرد، پارچه های بیشماری از موزیم کابل از نزد مردم توسط انجمن حفظ میراث فرهنگی افغانستان (SPACH)، در پشاور در سال ۱۹۹۷، بعداً در لندن در سال ۱۹۹۹ و بالاخره نزد پیر لافرانس اسبق فرانسه برگردانیده شد. اولین نمونه های اینها شامل دوشانه گچی و عاجی که قسمت از گنجینه بگرام (هر چند نمونه ها تخریب شده بودند اما با وجود آنها یک پارچه بودند)؛ نمونه دوم همچنان اساساً از گنجینه بگرام و در حدود صد پارچه از توتته های

قبل از معطوف نمودن توجه متخصصین و ماهرین ، میراث های فرهنگی اساساً مربوط به افغان ها بود. شاه امان الله خودش به فرانسه رفت و با عزم آگاهانه میخواست پادشاهی را مدرن ساخته و هویت خویش را طوریکه فوشی "ورورد حسن نیت -Infection of goodwill" درباره تعهدات فرانسه در شرق نزدیک و یا حتی ایران اظهار نظر کرده است بدست آورد. در نتیجه توافقات سیاسی و دیپلماتیک برای یک مدت معاهده فرانسه-افغان قبل از اموربین المللی در سال ۱۹۶۰ صورت گرفت. اکنون یونسکو منحیث بخش از چارچوب چند جانبه نقش اساسی را ایفا کرده و وظیفه موزیم گیمی درین حالت بحرانی مطرح نمودن همه مسائل کلی میراث باجمیع ابعاد آن از طریق نه تنهاتعین چوکات بلکه همچنان دریافت معنی مختصری بمنظور تجدید تماس های دوجانبه که این پروسه را به تحرک و ا میدارد میباشد.

سال ۲۰۰۲ شاهد دوماموریت رئیس موزیم چین-فرانسیوس ژریژ، به افغانستان بود. ماموریت اولی از طرف وزارت امور خارجه بود که با مقامات افغانی تماس های همکاری را میان دو مملکت در ساحه باستانشناسی و موزیم ها دوباره برقرار نماید. ماموریت دومی از طرف یونسکو جهت اشتراک در سیمنازی سازی میراث های افغانی، و سازماندهی یکجا با وزارت فرهنگ دولت موقت افغانستان بود، بنا پلان فعالیت فرانسه ممکن در صورت همکاری بین المللی هم آهنگ شود.

این ماموریت ها مراقدر ساخت تا بار دیگر از موزیم کابل و همچنان بامیان و بلخ را دیدن نمایم. آنها همچنان ملاقات مرا دوباره با عمر خان مسعودی و آقای معاون سر محقق عبدالواسع فیروزی که یکی پی دیگر رئیس موزیم ملی و انستیتوت باستان شناسی افغان بودند و من آنها را در سال ۱۹۹۵ ملاقات کرده

داستان جنگی بالاخره از نگاه فرهنگ ، تمدن و حتی هویت مورد غور و بررسی قرار گرفت و معلوم میشد مشکلات اساسی اغتشاش های متوالی که از سال های ۱۹۸۰ در افغانستان آغاز گردیده بود باشد.

نمایشگاه برای شش ماه در بارسلونا و برای شش ماه دیگر در پاریس نمایش داده شد، بعداً برای شش ماه بعدی در توکیو در پوهنتون ملی هنر های زیبا و موزیک (بعداً ممکن در موزیم هنر های زیبا هوستون برای مدت شش ماه بعدی به صورت آزاد) نشان داده شد. با وجود تقسیم اوقات فوق العاده محدود این کار بخاطری صورت گرفت که موزیم گیمی گلکسیون حفریات اش را از سال های ۱۹۲۰ الی ۱۹۵۰ با موزیم کابل سهیم نموده بود. همچنان نمایشگاه از طریق همکاری های عاجل موزیم هند در برلین، موزیم پوهنتون هاروارد (کلکسیون سکالر) و حتی هر میتاژ و همچنان با همکاری بابلوتیک ملی فرانسه در شهر فرانسه ، موزیم دست نخورده تاریخی و موزیم هوم احتمالاً ایجاد گردید. همچنان همکاری مذکور توسط کلکسیون های خصوصی مانند کلکسیون اورتیز ، کلکسیون مالروکس و آنهای که میخواستند بدون نام و نشان باشند تقویت گردید.

از موزیم کابل قدر دانی صورت گرفت. بعد از آن در موزیم نمایشی، یک موزیم مجازی که برای وقت نمایش باز ساخته شده بود انتقال گردید. اهمیت بشری ، سیاسی و فرهنگی این رویداد ، یک نوع واکنش پذیرنی نمایش با وجود تبعیض طبقاتی یا در بارسلونا با تجدید قریب الوقوع جنگ در افغانستان و یا دوباره در پاریس زمانیکه باز سازی در حال اجرا بود حقانیت اش دریافت گردید. دلایل شمولیت تاریخچه جاری این بود که موزیم کابل شاید در جریان مرحله توقف به همکاری یک تعداد برنامه ها در توکیو اشتراک نماید.

به همچو سرنوشت دچار گردیده بود. قطعات سنگی ناشناخته شده که فهمیده نمیشد بقایای چیست در صندوق ها نگهداری گردیده بود. در موافقه با دایرکتور در مورد پارچه های باقیمانده که شواهد تباهگری بدون دلیل بوده و یک زمانی افتخارات موزیم؛ محسوب میگردد با چانس بهتر مداخله در ماه می ۲۰۰۳ منسجم گردید. مجسمه کنشکا در حقیقت نشانه امپراطوری کوشانی ها (قرن های اول و سوم) در قلب افغانستان بود؛ یک امپراطوری چادرنشین که به سادگی با چین تحت حکمروایی Han طوریکه با امپراطوری اکستنیوس روم داشت سوداگری میکرد. مجسمه بودی ساتوا از تپه مرنجان عرصه بودایی را از دوران Graeco-Afghan در زمانیکه ساحه هده به اوج خویش رسیده بود معرفی میکرد. در هر دو صورت پارچه ها از حفريات توسط DAFA به عهده گرفته شده بود. یک مجسمه از سنگ آهکی و دیگری از خاک سفالی ساخته شده بود؛ در هر دو صورت حالت ایشان استغبار بود.

بمنظور برآه انداختن پروگرام واقعا همکاری عملی، طرح چنین بود تا کار را از خرابترین وضع آغاز نمود که نشان داد چه گونه در مقابل اسلحه پایداری نمود و تجارب در جریان بازسازی به اساس جمع آوری آرشیف های موجوده موزیم گیمی در پاریس بدست آمد، با آنهم این ممکن نبود که مسیر حادثات و یا حداقل هر یک قسمت آنرا به عقب برگرداند. غرض این امر، دوشخص اعاده کنندنده هر دو پروگرام سالون های نمایشی افغانستان در پاریس احضار شدند: بدعیس بیلارد متخصص رشته سفالگری و شیشه کاری و همچنان گچکاری و حتی خاک رس نرم و دانیل ابلید که در رشته سنگ تخصص داشت. هدف این بود که دانش خویش را با ترمیم کاران افغان که در جریان ده سال جنگ شدید در افغانستان مشکلات داشتند شریک نمایند؛ و همچنان به آنها نشان دهد که امکان دارد این کار را به عهده گرفته

بودم تسهیل نمودند و در جریان یک مرحله شگوفایی همه مشتاق آغاز دوباره این روند بودند. ملاقات اول همچنان فرضی بود که موزیم با دستگاه تولیدی آماده گردد زیرا که از زمان اولین بازدید من هنوز هم دارای کمبودی ها بود. این عملکردهای دوجانبه منجر به نتایج عملی گردید، اظهار امتنان از همکاری وزارت امور خارجه و بنیاد جدید DAFA که مقر اش در کابل بود و دایرکتور جدید اش آقای رونالد بز نوال که در همین خزان مقرر شده است. این همچنان یک پروگرام همکاری را در ساحه بازسازی به استثنای وجه تفویض شده توسط وزارت امور خارجه آغاز مینماید. یک هیئت با دوفرترمیم کار ترتیب شده که الی اکنون در موزیم کابل یک ورکشاپ را جهت کمک و همکاری ایجاد نماید. پروژه مذکور تحت نظارت من در ماه می سال ۲۰۰۳ تطبیق گردید.

در جریان یک سمینار در ماه می سال ۲۰۰۲ نمایشی از کلکسیون های حفظ شده موزیم کابل ترتیب گردیده بود. تشکر از تیم موزیم ملی. این نشان داد که بخش های پر ارزش کلکسیون ها با وجود حادثات سالم باقی مانده اند (رنگ آمیزی های ککرک، پارچه های مجسمه و ظروف سفالین تپه سردار و فنقدستان)؛ همچنان آثاری که عمداً در ماه مارچ ۲۰۰۱ تخریب گردیده بود نشان داده شده بود: دو مجسمه بدست آمده کوشانی شهزاده کوشانی. و کنشکا از سرخ کوتل که در دو جناح زینه سالون موزیم قرار داشت توسط گرزها تکه تکه شده و هر مجسمه در یک صندوق فلزی نگهداشته شده بود؛ صندوق دومی حاوی پارچه های کوچکتر بوده و به صورت واضح یک مخلوط از دو مجسمه که باقی مانده در آن گذاشته شده بود. همچنان مجسمه بودی ستوا که از تپه مرنجان بدست آمده و در داخل سالون موزیم به شکل ایستاده قرار داشت با اعمال خشونت



پیر کامبون



پیر کامبون

۱۱. مجسمه کنشکا مربوط قرن دوم بعد از میلاد از ساحه باستانی سرخ کوتل، بغلان تحت ترمیم در ماه می ۲۰۰۳

۱۲. بودیستوا از تپه مرنجان از موزیم کابل در جون ۱۹۹۵

اهمیت همکاری و اتحاد تریننگ را نشان داده شروع از مثال های واقعی و حتی بیشتر از آن بخاطریکه بودی ستوا از تپه مرنجان مشکلات بیشتر را ایجاد کرده چون بازسازی اش در جریان عصر شوروی دستخوش تغییرات گردیده بود (صمغ در داخل مجسمه ها پر گردیده، گل داخل اش را غرض چسپندگی تمام تعویض نموده بود). به نظر میرسید که پیشرفت پروگرام الی خزان با ماموریت دوم همراه با DAFA ادامه یافته تا لوژستیک ساحه را تامین نماید. بنا یک روند متحد در تمام چارچوب ترتیب گردید. یک ماموریت ایتالوی قبلا در زمستان گذشته بالای پارچه های تپه سردار اقدام کرده بود.

در آینده سیستم دیجیتل نمودن مجسمه های پارسی و طبع آنها باید به دسترس محققین قرار گرفته

و ادامه دهند. هدف آخری پروژه این بود که ورکشاپ کابل را به شکل سالم و خود کار با استفاده مواد که به اساس قوانین بسیار ابتدایی محافظت و نگهداری شده اند دوباره فعال سازند.

از نگاه لوژستیکی منابع بسیار ضعیف بود. در اتاق های که ذخیره صورت گرفته بود از موزیم بریتانیه سپاسگزاریم که در آنجا آب را رها نکرده بود. اگرچه ترمیم کاران با شرایط محلی تطابق نموده و با مساعدت همکاران افغانی خویش در جمع آوری چیز های که سردرگمی ناممکن معلوم میشد در ظرف سه هفته موفق شدند. غرض اختتام ریزه کاری ها (پر نمودن سوراخ ها، ترمیم کاری آثار از سبب ضربات گرزها)، این ماموریت اولی

بخصوص مقامات موزیم کابل غرض تامین یک
پروگرام همکاری نزدیک در ساحت تحقیقات، تبادل
و نمایشگاه ها- حتی الی امروز، مشکلات عاجل که
باقی مانده عبارت از حفريات غير قانونی و قاچاق
و ترافیک آثار ثقلی دستی میباشد.



© گیمت موزیم/التور فوجیر

۱۳. معبد تپه کلان در پهلوی هده ۱۹۲۳

افغانستان گذشته و کنونی: نگاهی تاریخی به میراث اسلامی منطقه

نوشته فلمنگ آلد

فلمنگ آلد با درجه پی، اچ، دی مشاور معماری در کوپنهاگن با کارهای خصوصی مشخص در ارتباط به نگهداری میراث های فرهنگی میباشد. او در هرات در سال های ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ به حیث مهندس ترمیم کار نموده و بالاخره مشاور یونسکو بوده است. منچیت یک عضو کمیته ساینس دانان بین المللی جهانگردی فرهنگی (ICOMOS) او مصروف نوشتن مسوده اساسنامه بین المللی در ارتباط به جهانگردی ICOMOS فرهنگی بود.

تقاطع فرهنگ ها

تخریب عمدی میراث فرهنگی در تاریخ سابقه داشته، لیکن تکنالوژی های جدید جهانی ساختن به عواقب غیر پیش بینی شده و اعمال ننگین در هشدار برخورد های بین المللی رهنمایی شده است. بیش تر از ۵۰ مملکت از سال ۱۹۸۰ به بعد دوره های مهم برخورد هارا بخاطر داشته و اکثراً منتج به از هم پاشیدن مکمل کشور گردیده است. نظریه همه نقاط جهان، افغانستان یا توسط قدرت های امپریالیستی و یا رقابت های قومی داخل و یا گروپ های مذهبی، مرکز برخورد های مسلحانه بود. مورخ آر نولد تاین بی اصطلاح "تقاطع فرهنگ ها" را بمنظور معرفی هویت تنوع فرهنگ افغانستان که از فرهنگ فارس، یونانی، بودایی، هند و اسلام متأثر بوده و در نتیجه یک میراث معماری فوق العاده را ایجاد نموده است، بکار برد. بدبختانه، میراث مادی صرف به حالت پارچه ها باقی مانده، لیکن درین جا به صورت عموم نیاز های عاجل بیشتر جهت نگهداری آنچه از تمام این مصایب سالم باقی مانده است موجود است. انفجار مجسمه بزرگ بودا در وادی بامیان و تخریب عمدی آثار هنری قبل از اسلام از تمام

بر هم خورده و منابع اقتصادی محدود باشد. درین نوع حالات ضروریات اساسی مردم مواد اولیه میباشد، لیکن ایجاد دوباره جامعه و اتحاد ملی همچنان به بازیافتن اعتماد و اعتقاد دوجانبه قومی و گروه های مذهبی نیاز دارد. بسیاری بازسازی های بعد از جنگ زیربنا را دوباره اعمار کرده، لیکن همچنان ضرورت رسیدگی به نیازهای جامعه و ارزش فرهنگی معنوی جامعه میباشد که توسط گروه های محلی جوامع شهری قدردانی میشود.

افغانستان رسماً اجلاس جهانی میراث را در سال ۱۹۷۹ صرف با نتایج محدود در جریان یک مرحله اشغال و جنگ داخلی تأنید کرد. اداره جدید مؤقت افغانستان که منحصراً حکومت انتقالی متعاقب از هم پاشی رژیم طالبان تأسیس گردید، از طرف جامعه بین المللی به رسمیت شناخته شده و از همه اولتر یونسکو فعالیت هایش را در افغانستان از سر گرفت. منحصراً یک ابتکار عاجل منار و ساحات باستانی جام همچنان مناظر فرهنگی و یادگارهای باستان شناسی وادی بامیان در لست میراث جهانی به ترتیب در سال ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ ثبت گردید. دخول به موقع این ساحات همچنان یک عمل سمبولیک درخواست برای اتحاد بین المللی برای حفاظت میراث افغانستان است. با اعلام همزمان منحصراً ساحات تحت خطر و شمول در لست میراث جهانی معروض به خطر، آنها برای عملکرد عاجل و تقویه ممکنه اقتصادی از صندوق وجهی میراث جهانی لازم دانستند. در غیر آن میثاق میراث جهانی محافظت خاصی را غیر از ارتقا آگاهی در مورد اهمیت این ساحات و تأسیس پلان برای منجمنت آنها در زمره اقدامات برای نامزدی شان فراهم نمیکند.

میثاق لاهه ۱۹۵۴ مربوط به ساحات اهلیت قانونی یونسکو هدف دارد که قوانین را برای محافظت میراث فرهنگی در زمان جنگ

اساسات احترام در مقابل شکیبایی و اختلاف فرهنگی سرپیچی کرد و بنا همچنان یک خشونت مستقیم بین المللی معیارات اخلاقی را نشان میدهد.

هنگامیکه رابرت بایرون در سال ۱۹۳۳ به افغانستان سفر کرد، او به صورت واضح کتاب سیاحت ادبی را به طرف *oxania* را نوشت که با یک منظره رومانیتیک درباره فرهنگ های از بین رفته آسیای مرکزی نشر گردیده و در ستایش ویرانی با عظمت صحبت مینمود که با وجود نادیده گرفتن و تخریب سالم باقی مانده بود. یک نظر وسیعاً قبول شده در مورد حفظ و احیای میراث فرهنگی مبتنی بر منشور سال ۱۹۶۴ ونیز (Venice) و سایر منشورها، میثاق و اعلامیه های بین المللی انکشاف نمود.

بعد از ۳۰ سال فعالیت میثاق میراث جهانی یک وسیله مهم جهت همکاری بین المللی در ساحه فرهنگی و نگهداشت میراث طبیعی گردید. با ارزیابی مجموعاً ۱۷۵ امضاکننده، میثاق میراث جهانی موفق ترین موافقت نامه بین الحکومتی یونسکو میباشد که تا حال به انجام رسیده است. از همه اولتر، موافقت نامه مشخص ساخت که میراث فرهنگی به آنده مردم و ملیت تعلق میگیرد که مسئولیت در محافظه و مواظبت میراث های فرهنگی و طبیعی در سرزمین خویش دارند. تلاش های ویژه در محافظت بناهای تاریخی برجسته و ثبت محلات در لست میراث جهانی منحصراً گواهی اجراءات بزرگ فرهنگی در تاریخ بشر صورت گرفته است. توجه کم به این امر معطوف گردیده است هر کشور متعهد به میثاق وظیفه دارد که اقدامات موثر و فعال را جهت محافظت، حراست و معرفی دارایی های فرهنگی در سرزمین خودایشان تأمین نماید (فقره ۵). این الزامات مطلوب صرف ارتباط محدود به ساحات جنگ زده و بعد از جنگ دارد، جاهای که نظم داخلی

حالت دلخراش جاری در افغانستان از هزاران سال با امپریالیسم و کشمکش داخلی در آسیای میانه ادامه دارد. ویرانی مخرب در نتیجه حمله شدید در تمام سرزمین بین چین و بحیره سیاه توسط چنگیزخان و قوم مغل در سال ۱۲۲۱ و سال های بعدی صورت گرفت. تاثیرات این حمله خارج از تصور بود طوری که مدنیت های عالی سیزده قرن را از بین برد و شهرهای متروک را مانند شهر خوشک، شهر زوهک، شهر غلغله و چاه ها و کانال های پرازگل ولای را از خود بجا گذاشتند، لیکن شایان ذکر است عده کمی از محلات اند که هرگز دوباره بدست نیامد. با گذشت زمان، خرابی دیوارها ترمیم شده و برج های قلعه شهرهای بزرگ اسبق با خشت خام و یا خشت های خشک شده زیرشعاع آفتاب از همان خاک اصلی ویرانه ها ساخته شده اعمار گردیده. و صرف نما دیوارهای ویران شده بسیار قوی منیحت یک گواه مدنیت قدیم و جاه طلبی بشر باقی ماند. همینطور، شهرها و تعمیرهای قدیمی از بین رفته و صرف چند تعمیرتاریخی که از خشت پخته اعمار شده بود باقی ماند.

آبده ارامگاه سامانی در بخارا از قرن نهم منیحت یک اثر تاریخی سلسله اولین مسلمانان نظریه ساختمان مستحکم اش از خشت پخته باقی مانده است. نمونه های ظریف زینتی در نمای تعمیر مشابه قالبین های هموار یافته شده است از یک نوع معماری سبک جدید گواهی میدهد که با تزئینات گچ بری متنوع روی کار ساختمان ها که اساساً در زمان توسعه اولین مسلمانان در آسیای مرکزی با الهام از قصرهای شاهان عباسی از سامرا سرچشمه گرفته استفاده شده است.

این معماری های زینتی خشتی سرزمین آبا و اجداد سلجوقی ها را در خراسان و ترانسخانیای در

ویر خوردهای مسلحانه ایجاد نماید. محافظت میراث فرهنگی همچنان تر قانون بین المللی بشری تکمیل شده است، به طور مثال اجلاس ژنیوا و موافقت نامه های که به اینها در سال ۱۹۷۷ اضافه شده و بخصوص طوری که در ماده ۲۲ اعلامیه حقوق بشر ملل متحد بیان گردیده است. گزارش کمیسیون جهانی در رابطه به فرهنگ و انکشاف در سال ۱۹۹۵ "تنوع خلاق ما" بیشتر بر همبستگی میان فرهنگ و انکشاف دوامدار توضیح داده که از طریق آزادی فرهنگی و آزادی به شمول دیدگاه جنسیت ترویج میآید. با این دانش و بینش جدید ممکن توقع شود که حفاظت میراث فرهنگی در مقام بلند در اجندا بازسازی بعد از جنگ جامعه مدنی در زمان مرحله انتقالی قرار دارد. وضعیت بحرانی بوده و خواستار وحدت و مساعدت بین المللی میباشد.

تاریخچه طویل تصادمات

حکمر و ایان مستبد متکرراً غرور و جاه طلبی خویش را از طریق عمارت های جدید و بناهای تاریخی نشان داده که دلالت به یک عصر جدید تاریخ نموده و از ایشان برای نسل های آینده تمجید مینماید. همچو غرور یادگارهای زیادی را بوجود آورده، که بالاخره شامل لست میراث های جهانی میشود، لیکن جاه طلبی های مذکور باعث تخریب بی دلیل دست آورد های قبلی میگردد، که احتمالاً درخشش جدید بالای گذشته ها سایه می افکند. ما به قدر کافی تجربه داریم که چطور میراث فرهنگی عمداً تخریب گردیده تا اینکه غرور و خودستایی نموده و مردمان را جهت اقتدار مطلق به بزدگی بکشند. استدلال برای آنعده مردمان عیب آمیز معلوم شده که میراث های فرهنگی را چپاول کرده و از هویت خویش بدون مطالبه به آینده محروم شده اند. مثال همچو حوادث بیشمار است.



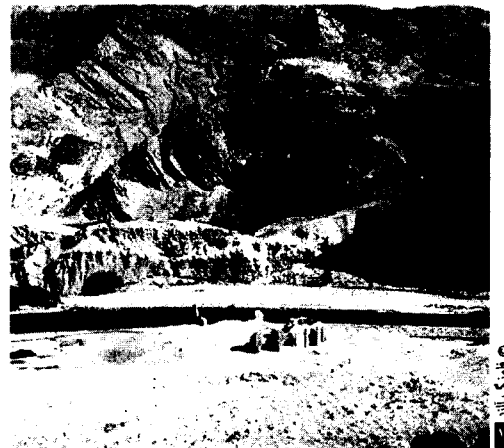
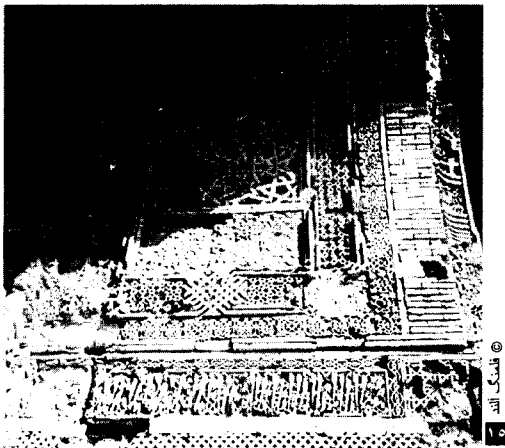
۱۴. یکی از برج های پیروزی نمایانگر دوره غزنوی
که در قرن یازدهم در خراسان پیدا شده.

هندوکش ایستاده است. هدف اصلی این منار سحر آمیز مبهم است، لیکن بلندی سربه فلک کشیده آن اغلباً به فتح در مقابل غزنویان دلالت مینماید. حفاریات آینده دروادی های اطراف بالاخره ممکن نشانه های پایتخت غوریان را آشکار سازد. نیم قرن بعد در سال ۱۱۹۹، قطب منار در دهلی هندوستان توسط یک سلطان دیگر غوری از تخریب ۲۷ معبد هندی منیحت یک نشانه گواهی پیروزی در اسلامی ساختن قسمت شمالی هندوستان اعمار گردید. صرف منار جام یکجا با تعداد کمی از ابدات هم عصرش بنابر موقعیت منزوی و دور افتاده اش باقی مانده اند. اکنون در لست میراث جهانی معروض به خطر ثبت گردیده است، یونسکو یک تیم عاجل نجات را جهت تحکیم نمودن بنیادها و جلوگیری از تخریب بیشتر توسط سیلاب ها بدانجا مأمور کرده است. تعمیر دیگری قابل توجه دوره غوریان بسیار ناوقت در سال های ۱۹۷۰ در کنار دریای مرغاب در ساحات در دست سمت شمال افغانستان شناسایی گردید. ساختمان های

قرن های بعدی آشکار میسازد، غوری ها و غزنویان در میان سلسله محلی بودند که این معماری مغلط و فوق العاده را از سرزمین خویش یعنی غور که در مرکز کوه های هندوکش و غزنی که در جنوب شرق افغانستان فعلی قرار دارد به همسایگان پخش و انتقال دادند. از آنجا آنها اعمار امپراطوری را شروع نموده که آغاز دوره رنسانس زمان قبل از اسلام بود و یک تعداد تعمیر های محدود که از آن دوره باقی مانده است از جمله با ارزش ترین گنجینه های افغانستان میباشد.

غزنویان قدرت خراسان، جنوب دریای آمورا در سال ۹۹۴ بدست گرفتند. این امپراطوری قدرت خویش را از افغانستان، ایران الی هندوستان گسترش داد. فرمانده بزرگ سلطان محمود غزنوی حداقل هفده بار در مقابل هندوستان لشکر کشی نمود. او قسمت های شمال غرب هندوستان و پنجاب را جز امپراطوری خویش ساخت و خزاین خویش را با تاراج نمودن معابد هندوستان غنی ساخت. بقایای باستان شناسی در لشکری بازاریک تصور اجمالی از قصر های مجلل و باشکوه تابستانی را که در آن محافل تشریفاتی انجام شده و توسط چهار هزار مرد محافظ مواظبت میگردید نشان میدهد. از شهر سلطنتی غزنی جای که پایتخت امپراطوری غزنوی هابود هزاران آثار به شمول مجسمه های مرمرین الهه های هند و بقسم پته های زینه سنگی زیر آستان مسجد اصلی بکار رفته بود، حفاریات گردید آنچه که احتمالاً بیشتر نامعلوم بود حقیقتی است که تعداد زیاد هندوها به اسلام مشرف گردیده بودند، آغاز روند که تا اکنون برای شبه قاره هند در دسر میباشد.

غوری ها به ذات خود در مقابل فرهنگ های بیگانگان ویران گریز نبودند. آثار تاریخی فوق العاده مشهور این دوره اکنون در لست میراث جهانی ثبت بوده در کنار دریای هریرود در قسمت مرکز کوه های



۱۵ - ۱۶. بقایای مدرسه شاه مشهد در بادغیس و
تزیینات آن

هرات است که خوشبختانه از آسیب
بیشتر در جریان برخوردهای مسلحانه اخیر سالم باقی
مانده است.

هرات ، پایتخت خراسان در عصر تیموریان

مغل ها سلسله غوری و غزنویان را خاتمه
بخشیدند، لیکن برخلاف تیمورلنگ، سلطنت متعاقب
تیمور و نسل بعدی اش یک رنسانس فوق العاده
آثار هنری و فرهنگ اسلامی را در قلب آسیا در جریان
قرن پانزدهم بوجود آورد. صنعتگران و سنگ تراشان
ماهر از تمام امپراطوری به سمرقند، بخارا، هرات
و سایر شهرهای پر جنب و جوش آسیای مرکزی
خواسته شده و اجازه منفعت تجارت آزاد و تبادل
فرهنگی در امتداد راه های کاروان داده شد.
تیمورلنگ در سال ۱۴۰۵ وفات کرد جنازه وی آماده
راه پیمایی و انتقال به جانب چین گردید و امپراطوری
اوقسماً فرو ریخت، ولی جانشین هایش صاحبان
برجسته هنر شدند و عمارت جالب توجه و فوق العاده
را اعمار نمودند که برای معمارهای متعاقب صفوی
در امپراطوری ایران و معمارهای مغولی در هند
نمونه مثال گردید.

تخریب شده یکی از نخستین مدرسه ها هنوز هم
در دنیای اسلام موجود است. یادگار های که بالای
سنگ نوشته شده بود ۵۷۱/۱۱۷۵-۶ تاریخ سال
های احداث را بیان کرده و از موسس آن تمجید
میکرد " بنام خداوند بخشاینده و رحیم، او امر کرد
که این مدرسه مقدس، والا، خجسته، و خردمند
ساخته شود... (نام مغشوش یا گم شده است)"^۳.
از نوشته ها معلوم میشود که تمام آثار توسط طبقه
اناث نوشته شده است. با وجودیکه نام بنیان گذار پاک
شده است، مانند تعداد زیادی از نوشته های روی
سنگ که در بناهای تاریخی موجود است. انگیزه های
بدبینانه بعضاً نیروی شخص را در انجام کارهای
بزرگ که در قبل وسیعاً صورت گرفته حسودانه
تأکید مینماید، و درین مورد شاید حقیقتی را که یک
زن عالی مقام این عمارت بسیار ظریف را وقف
کرده باشد پنهان نماید.

صرف تعداد کمی از بناهای غوریان باقیمانده
و تمام آنها در محلات مجزا در اطراف کوه قرار داشته
که صرف با تحمل مشکلات زیاد آنها قابل دسترسی
میباشند. بنا های دیگری که ازین دوره باقی مانده
و نشاندهنده زمانه های قدیم میباشد، مسجد جامع

منار باقیمانده که در حالت نامطمین قرار داشته و پارچه ها یا توته ها کاشی کاری جلادار پانزده قرن گذشته در چهار اطراف ساحه به شکل پراکنده وجود دارد.

بالاخره قشون شوروی در سال ۱۹۷۹ در رسید و جایگاه پایتخت با شکوه قبلی تیموری قدیم را در شهرت با بخارا و سمرقند آهسته آهسته کاهش داد و درست تمام مسیر راه ابریشم در سراسر آسیای مرکزی را منحنیث با اهمیت ترین مرکز فرهنگی در جریان قرن پانزدهم مشهور ساخت.

با وجود تغییرات بسیار پرداخته شده به شکل یک شهر تاریخی، هرات یکی از شهرهای اسلامی بسیار نادر است که ساختمان های اطراف اصلی خویش را توسط نگهداشت قسمت از دیوارهای شهر از دست نداده است. در سال ۱۹۸۰ در حاشیه های جنوبی و غربی شهر یک زون امنیتی ایجاد شد که در تمام ساختمان ها در امتداد و محیط زون به اندازه ۵۰۰ متر کاملاً منهدم گردید. از آن وقت به بعد تقریباً شهر کهنه خط مقدم جبهه میان نیروهای دولتی در شهر و گروه های مخالفین که در اطراف قریه جات قرار داشتند شده بود. در نتیجه تخمین گردید که بیشتر از یک هزار خانه صرف در شهر تاریخی شدیداً آسیب دیده و یا بغداز ترک نمودن آنها تخریب میگردید.

مسجد جامع هرات

خوشبختانه، مسجد جامع و مجتمع زیارت گازرگاه در شمال هرات از تخریب در امان ماندند. قسمیکه امروز معلوم میشود مسجد جامع نتیجه ساختمان سه دوره مختلف میباشد. مسجد از سال های ۱۹۴۰ الی ۱۹۷۰ تحت بازسازی دوامدار قرار داشت، که قسمت های اعظم نمای خارجی توسط کاشی ها و شیشه های رنگه زینتی



© فلنگ آلد

۱۷. بالا حصار (قلعه اختیارالدین) که توسط بونسکو از ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۰ ترمیم و در آن مهارت و مواد غنغوی بکار رفت

در زمان سلطنت شاه رخ پسر تیمور لنگ و ملکه پروآوزه گوهر شاد هرات پایتخت جدید ساخته شد. نه تنها آنها برنامه های عمارات بزرگ را آغاز کردند بلکه فضای فرهنگی باشمار زیادی از هنرمندان و نقاشان مشهور که میناتورست استاد بهزاد از جمله برجسته ترین آنها میباشد، نیز پرورش داد. در جریان دوره های جانشینی، دوران انحطاط و ناداری این آثار پرافتخار بیشتر حفاظت نگردید، لیکن نیم قرن بعد ترویجی مدرسه سلطان حسین بایقرا در هرات هنوز هم میان مسافرین شهرت داشته طوریکه یکی از ویرانی های بسیار بزرگ در تمام آسیای مرکزی بود. در سال ۱۸۸۵ بخش های باقیمانده آن توسط قشون استعماری بریتانیه جهت هموار ساختن ساحه آتشباری بخاطر تهدید هجوم روسیه در هرات تخریب ساخته شد. صرف آرامگاه گوهر شاد و ۹ منار از جمله ۱۰ دانه آن باقی ماند. از جمله منارهای باقیمانده دودانه آن در اثر زلزله در سال های ۱۹۳۱ و ۱۹۵۱ به زمین افتادند. یکی از آنها در اثر استحکام یا تحکیم کاری ساختمانی در سال ۱۹۸۰ فروریخت و دیگرش در اثر سوراخ های بزرگ از سبب مرمی و گلوله ها در بدنه اش در حالت بحرانی قرار دارد. اکنون پنج

بدانند و دانش اساسی را در مورد بازسازی^۵ معماری ها بدست آورند. مدخل بالکن مسجد بزرگ ممکن یادگارهای نابودی بی معنی تمام ساختمان ها باشد که در میراث فرهنگی افغانستان به وقوع پیوست. از یک دیدگاه مثبت، این بالکن همچنان ممکن یک نشانه مختلف هنری تاریخچه افغان و علامت شیوه نیک بینانه برای احترام تمام مذاهب، اقوام و فرهنگ های مختلف باشد.

قواعد عمومی حفاظتی

فروپاشی ثبات سیاسی و اجتماعی به دنبال اشغال شوروی و متعاقباً جنگ های داخلی تقریباً ۲۰ سال حفظ میراث های فرهنگی را در قسمت اخیر لست اولویت ها قرار داد. بدون اتفاق نظر فرهنگی و سیاسی در مورد مسایل اساسی در یک اجتماع تمام تلاش ها جهت حفظ بخش باقیمانده میراث های فرهنگی برای مردم جامعه بیهوده می باشد. سوال در پیام های کمسیون جهانی فرهنگ و انکشاف می باشد. " چطور میتوان نفرت را با احترام و آزادی فرهنگی کامل گردد تعویض کرد"^۶. در یک مملکت بی ثبات با امنیت داخلی محدود و توجه کم به اساسات حقوق بشر، مشکل است که به صورت دقیق تصور کرد که چطور میتوان مفکوره پالیسی فرهنگی را در قبال یک تازی و بنیادگرایی که از قرآن شریف تعبیر میشود توسعه داد.

آخرین ویرانی توسط طالبان انهدام بت بودا بزرگ وادی بامیان در ماه مارچ سال ۲۰۰۱ بود که با وجود تقاضا های مکرر از جانب یونسکو و دول سرتاسر جهان از بین برده شد، و در میان تمام مجسمه های آفریده شده دست بشر در دنیا بلندترین مقام را داشت. نه تنها هنگامیکه بر انداختن عقاید غلط علیه مجسمه های مذهبی که در قرون وسطی اروپا عمل تجاوزکارانه شبیه ویرانگری را گواهی میداد ظاهر

ظریف دیزاین گردیده توسط کارگاه های محلی مانند مدل های اصلی تیموریان تولید گردیده و یصب میشود. تمام مسجد از نگاه شکل به صورت مکمل و مجموعاً بازسازی گردید که میتواند با بهترین شیوه حرفه اروپا در جریان قرن نوزدهم زمانیکه بازسازی مشابه معماری واحد بود مقایسه شود. این شیوه عموماً فکر نمی شد که از پیش نهادات منشور شهر ونیس (Venice) پیروی نماید. اگرچه طریقه های سنتی توسط صنعتگران محلی مطابق به شیوه های اصلی ساختمان اجرا شد. کار به بسیار ندرت مورد تنقید قرار گرفته میتواند، به هر حال ظرافت و درخشندگی کیفیت های رنگ رفته سطوح ممکن ارزش بیشتر معماری داشته و نشاندهنده اصالت مواد تعمیر باشد. هنوز هم من حیث مسجد بزرگ استفاده میشود، تاریخ طولانی افغانستان و هویت اسلامی هر دو یکجا نمایندگی از یک میراث دست نخورده مینماید.

تعمیر اصلی صرف در مدخل بالکن در عقب ساختمان معلوم شده که نشانه های اصیل و معتبر غوریان را باخشت های سفالینه در بر جسته کاری های یک طرف نشان داده و بیشتر در سنگ های صاف که توسط معرق کاری سفالین رنگه طرف عقب و گنبد های داخلی کار شده است حفظ گردیده است. بدین طریق، دروازه اصلی مدخل غوریان توسط روشنایی و قسماً همزیستی خوشحال بایک قسمت زیاد رویکارهای تیموریان نگهداری شده بود (پاورقی). با حفريات خشت کاری های اصلی غوریان رنگ های روشن یعنی قرم روشن، رنگ مسی سبز آشکار گردید که با رنگ های نسواری طبیعی خشت های سفالینه تفاوت داشت. این بازسازی متعادل در سال ۱۹۶۰ به همکاری یونسکو و تریننگ- محل برای معمار های افغان به انجام رسید تا بیاموزند و اهمیت صنایع دستی عنعنوی را

ما میشود. در نتیجه اکنون میراث فرهنگی منبع غیر قابل تجدید در نظر گرفته شده، که یکسان با میراث پیدایشی در معرض از بین رفتن قرار دارد. طوری که از طریق اساسات مختلف طبیعت بیان گردیده است. این تفاهم مفکوره نگهداری و بازسازی آثار تاریخی و ساحات را قسمیکه در میثاق میراث های جهانی بیان گردیده بود تحت تاثیر قرار میدهد. این میثاق یک تفاهم و توافق مشترک را که به میراث های فرهنگی و طبیعی تمام مردمان تعلق داشته توسعه داده و مسولیت مشترک را جهت نگهداری این میراث ها مانند یک دارایی تمام بشر تصریح میدارد. تطبیق عملی میثاق و رهنمود های قابل استفاده بیشتر توضیح گردیده و اکنون تاکید بیشتر صورت گرفته است که این "روش حفاظت" چه نامیده شود. در مناطق بعد از جنگ مانند افغانستان کارگماشتن آنده مردمان که بیجا اند و پروگرام غذا در مقابل کاریک ضرورت حقیقی بوده و یگانه اقدام است که ممکن کمک نموده بتواند. خشت های پخته نمیشکند در حالیکه خشت خام میتواند دوباره جهت تولید گل خشت های خام در کار های ساختمانی استفاده شود. هدف عاجل در بازسازی زیستگاه های تخریب شده تمرکز داده شد، تا اینکه مردم را در بازگشت به خانه هایشان مساعدت نماید، لیکن پیشرفت مداوم بوسیله تشخیص فرهنگی پرورش گردید که در شیوه های عنعنوی تعمیرات احیا مهارت های قدیمی و بازسازی تعمیرات و آثار تاریخی ریشه دوانده بود.

یادداشت:

۱. ل. دوبری، طبع پوهنتون پرنستون، افغانستان

۱۹۷۳

۲. ماموریت جدید توسط معمار ایتالوی اندری بورنو جهت ایجاد تلاش ها برای تحکیم بنیاد تعهد گردیده و توسط یونسکو در سال ۱۹۷۰ آغاز گردید.

شد، بطور واضح رژیم ارتجاعی بیهوده طالبان کاملاً علاقمندی شان را به این امر ثابت کرد.

پالیسی های نگهداری میراث فرهنگی اولین بار در اروپا در آغاز قرن گذشته فورمول بندی شده و بعداً به صورت عمده آثار تاریخی انفرادی مانند منازل اشرافی، خانه ها، قصرها و کلیسا های جامع و مجلل را دربر گرفت. نگهداری کامل مناطق تاریخی و ساحات شهری قسمت از پالیسی اروپایی در سال ۱۹۷۰ گردید و در گردهم آیی محافظت معماری میراثی اروپا در سال ۱۹۸۵ بیان شد، که توسط اعضای ایالات انجمن اروپا پذیرفته شد. معاهده حفظ میراث های فرهنگی را منحصیث یک شهر بنیادی و هدف پلانگذاری مملکت تصدیق کرد، و تاکید نمود که معماری میراثی یک شکل بزرگ فرهنگی، محیطی و پلانگذاری پالیسی ها را تشکیل داده که افزایش کیفیت زندگی را کمک نماید. اجلاس اهمیت استفاده یک سیستم مرجع فرهنگی بیشتر را فراخواند، تا محیط شهر و روستایی را بهبود بخشیده بنا برین انکشاف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را پرورش دهد^۷. در جریان مرحله وسطی، جهانی شدن یکی از اشکال فوق العاده برجسته پیشرفت در ده سال اخیر قرن بیستم گردید. پیشرفت های تکنالوژی امکانات سیاحت را به تمام نقاط جهان میسر ساخت و اخبار رخ داد های جاری میتواند به صورت ثابت به تمام جهان انتقال یابد. این تغییرات عمیق، در قرن بیستم صورت گرفته، و به اساس یک سلسله پیشکش ها از حالت علیل زندگی روشنی را به ارمنان آورد.

طوری که درین مورد ملاحظه گردیده است تهدید ها در مقابل محیط بیشتر ازین یک مسله داخلی یا منطقوی نبوده قسمیکه در حقیقت وضعیت زندگی یک چالش در سطح جهانی میباشد. این مربوط به محیط فزیکلی شده لیکن، همچنان مربوط به فرهنگ

۳. م. کاسیمیر، ب. گلاتزر، شاه مشهد و درین تازگی
ها مدرسه دوره غوریان در گرجستان کشف گردید، شرق
و غرب، صفحه ۵۳-۶۷.
۴. گزارش ماموریت درباره ویرانی های جنگ
در افغانستان توسط جولین لسل، UNCHS - هیئات،
۱۹۹۰
۵. بازسازی بالکن مدخل غوریان در مسجد جامع
هرات که توسط معمار دانش اریک هسن به همکاری
آموزشگران جوان افغانی رهنمایی گردید
۶. میثاق جهانی در مورد فرهنگ و پیشرفت، تفاوت
های سازنده ما، یونسکو ۱۹۹۵ صفحه ۲۵
۷. میثاق حفاظت از میراث معماری اروپا،
گرانادا ۱۹۸۵، ماده ۱۰

لست موجودی موزیم کابل: تلاشها به منظور اعاده نظم

نویسنده کارلا گریسمن

خانم کارلا گریسمن از سال ۱۹۷۲ الی سال ۱۹۸۰ منحصراً کارمند قرار دادی بنیاد آسیا (Asia Foundation) در موزیم کابل ایفای وظیفه نمود. از سال ۱۹۹۴ بدینسو خانم کارلا هر سال به کابل می آید و برای چندین ماه در پروسه تهیه لست موجودی موزیم کار می کند. او مسئول هنیت موزیم کابل در انجمن حفظ میراث های فرهنگی افغانستان (SPACH) که در سال ۱۹۹۴ در اسلام آباد تاسیس گردیده بود.

۲۳ سال جنگ میراث فرهنگی افغانستان را ویران نمود. ساحات باستانی به طور منظم به تاراج برده شده، موزیم کابل تخریب گردیده و کلکسیون های آن به یغما برده شده است. موجودی ابتدائی جهت تثبیت و دریافت اینکه در موزیم چه باقی مانده است در سال ۱۹۹۶ آغاز یافت. غرض درك معضلاتی که کار موجودی به دنبال خود داشت، لازم است شرایطی را که تحت آن این موجودی صورت گرفت درك نمایم. خلاصه ای از رویدادهای اخیر ذیلاً ارائه گردیده است:

موزیم کابل طی سالهای گذشته

در سال ۱۹۷۹ یعنی یکسال بعد از انقلاب کمونیستی ثور، ناگهان دستور انتقال محتویات موزیم کابل از دارالامان که در دامنه های شهر کابل موقعیت دارد به منزل بزرگ و متروک سردار محمد نعیم در پهلوی سفارت فرانسه، صادر گردید. چون همه ساحه به يك ناحیهء نظامی مبدل گشت، تعمیر موزیم به وزارت دفاع در قاصر دارالامان ملحق گردید. محتویات منزل اول بسته بندی شده در کارتن ها انتقال گردیدند و تمام زیر زمینی ها مسدود و مهر لاک شدند. در منزل محمد نعیم، در هر اتاق، دهلیز هاو زیر زمینی ها اشیای موزیم الی سقف آنها انبار شد. در باغ

نی و آشیانی طلانی که از تپهفلول بدست آمده بود همراه با گنجینهء تماشانی طلا تپیه باختر در قصر ریاست جمهوری انبار شد.

سالهای فاجعه آمیز ۱۹۹۲ - ۱۹۹۵ شاهد ویرانی کابل و موزیم کابل بود. تاراج موزیم کابل در سال ۱۹۹۳ آغاز یافت و هر باریکه دارالامان دست بدست می شد این یغماگری ادامه داشت. در ماه می سال ۱۹۹۳ تعمیر موزیم مورد اصابت مرمی ها قرار گرفت، بام و منزل فوقانی تعمیر تخریب شد و در معرض خطر عناصر چپاولگر قرار گرفت. در اوایل سال ۱۹۹۴ مرکز اسکان بشر سازمان ملل منزل فوقانی تعمیر موزیم را در برابر باد و باران مقاوم ساخت، به انبار خانه های منزل تحتانی دروازه های فولادی نصب کرد و تمام کلکین های آنرا با خشت پخته محصور نمود. آتش باعث تخریب یادداشت های دفتر به شمول لست های موجودی، اتاق عکاسی، فرسکوهای دلبرجین و دشلی تپیه و اکثریت آثار اسلامی شیشه یی و فلزی گردیده بود. انبار خانه به شمول کلکسیون ۳۵۰۰۰ سکه به یغما برده شده بود. انجمن حفظ میراث های فرهنگی افغانستان در سال ۱۹۹۶ در اسلام آباد تأسیس شد. یکی از اعضای موزیم گیمی در تابستان سال ۱۹۹۵ به کمک مالی یونسکو به کابل سفر کرد تا کارمندان موزیم را در امر پاک کاری انبار خانه های مختلف آثار فرهنگی یاری نماید و پلان موجودی آثار باقی مانده را طرح کند. همچنان در سال ۱۹۹۵ یک افسر ارتباط انجمن حفظ میراث های فرهنگی افغانستان (SPACH) به سفرش به کابل که هر تابستان به مدت چهار الی پنج ماه غرض تسهیل پروسه موجودی در کابل می ماند آغاز کرد.

به علت فقدان امنیت در دارالامان، وزارت اطلاعات و فرهنگ زمان حکومت ربانی نگران بود که آثار باقی مانده در موزیم را محافظت نماید، بعد از

ویترین ها، الماری ها، پایه های مجسمه ها، اثاثیه کهنه شکسته و جعبه های فلزی سکه پراکنده شده بود. کارمندان موزیم به محل بودباش مستخدمین نقل مکان نمودند و کتابخانه موزیم را به یکی از گراژها انتقال دادند. در ماه اکتوبر سال ۱۹۸۰ محتویات موزیم را دوباره به دارالامان انتقال دادند. وضع تعمیر نسبت به گذشته بهتر بود، اتاق های آن رنگ شده بود، مستراح های لازم اعمار گردیده بود و از فرش تعمیر مراقبت بعمل می آمد. کلکسیون های موزیم که به طور معجزه آسا بسیار کم صدمه دیده بود دو باره در اتاق های اولی شان جابجا گردید. تمام آثار نمایشی دست ناخورده بود حتی که با اقدام جدید مشخصاً دیوار نگاری های (فرسکوها) دلبرجین و دشلی تپیه، آثاری از آی خانم و یک سوریای شاهی هندو از مرمر سفید که به تازگی ها توسط عساکر روسی در منطقه خیر خانه کشف گردیده بود به تعداد آنها افزوده شد.

در سال ۱۹۸۹ در حالیکه افغانستان به طور پیگیر در سالهای اول جهاد دستخوش ویرانی بود، کابل و همچنان موزیم کابل به شکل نسبی از آسیب در امان بودند. ولی به سبب هراس روز افزون از ناحیهء آسیب پذیری موزیم که در خط مقدم جبهه جنگ قرار داشت، حکومت نجیب موزیم را رسماً مسدود کرد و دستور داد که تمام آثار آن که به نمایش گذاشته شده بود و شمار آن به ۶۰۰ قلم میرسید به انبار خانه ها انتقال داده شود و غرض انتقال بعدی آماده باشد. بعضی از کلکسیون های آثار فرهنگی بسته بندی شدند. به منظور کاهش خطر جابجا کردن تمام این آثار در یک محل، بعضی از صندوقهای آثار فرهنگی به خزانه بانک مرکزی واقع در قصر ریاست جمهوری و صندوقهای دیگر آن به وزارت اطلاعات و فرهنگ منتقل گردید در حالیکه بقیه آن در دیپوهای مختلف خود موزیم کابل باقی ماند. شپست های سنگین، مجسمه های چونه نی و کتیبه ها در جای شان باقی ماندند. تمام سکه های طلانی و نقره

دست بدست می کردند مهیا می گردید. هر پارچه بی از آثار که اکثراً توتّه های از دیبوها بود اندازه گردیده و به لسان دری نمبر فهرست، نوع آثار، نمبر موجودی اولی، مبداء، مواد، اندازه، شرح، موقعیت فعلی یعنی نمبر بکس) تشریح گردید که در حدود ۱۵ قلم از آثار در يك صفحه درج و سپس در دوسیه ها طبق ساحه مربوط گذاشته شد. این یادداشت ها بعداً به لسان انگلیسی ترجمه و در صفحات كوچك موجودی انفرادی به قلم درج گردید.

چون در کابل برق و تسهیلات فوتوکاپی موجود نبود، کاپی های انگلیسی فهرست موجودی نیز ذریعه دست گرفته شد. عکس برداری این آثار که به طور اوسط از پنج قلم آثار يك عکس گرفته شد تحت شرایط نهایت دشوار صورت گرفت. عکس كوچك ۵ سانتی متر در ۵ سانتی متر در صفحات كوچك انگلیسی نصب گردید و کاپی های آن در لفافه های برچسب دار غرض فهرست بعدی در البوم های که با لست های موجودی به لسان دری توام میگردند گذاشته شد و در روزهای نگران کننده که انتظار آمدن طالبان می رفت جنریتوری را که انجمن حفظ میراث های فرهنگی افغانستان اهداء کرده بود به سرقت برده شد. دو هفته قبل از ورود طالبان به شهر کابل ۵۰۰ جعبه، صندوق و بکس از دارالامان به هتل کابل انتقال و مجموعاً در حدود ۳۴۳۹ قلم آثار فرهنگی (۷۱۱ عکس) ثبت گردید.

تحت رژیم طالبان

محوطه هتل کابل بتاريخ ۲۸ ماه سپتامبر سال ۱۹۹۶ توسط حکومت طالبان مسدود گردید و هیچ يك از کارمندان موزیم اجازه رفتن به دارالامان را نداشت. در سال ۱۹۹۸ مسنول ارتباط انجمن حفظ میراث های فرهنگی افغانستان با معین جدید وزارت امور

ماه ها جستجو جهت دریافت جای مناسب، هتل کابل که در مرکز شهر کابل موقعیت دارد در اوایل سال ۱۹۹۶ به منظور جابجا نمودن این آثار باقی مانده و همچنان ۷۱ تن از کارمندان موزیم برگزیده شد زیرا که يك سال قبل از آن، از انبار خانه ها یکبار دیگر سرقت صورت گرفته بود و فرش های موزیم تا به زانو پر از خاکروبه گردیده بود. تعمیر نه آب داشت و نه هم برق. از آنجائیکه جنریتور محافظین امنیتی به سرقت برده شده بود، کار در روشنی چراغهای تیل خاکی صورت می گرفت. معاشات که اکثراً تادیه نمی شد ماهانه از ۲ دالر که معاش چوکیدار ها بود الی ۴ دالر که معاش رئیس موزیم بود تجاوز نمی کرد. کابل و همچنان موزیم کابل تقریباً هر روز مورد حمله قرار داشت.

• نقوش برجسته شیبست بزرگ گندهارای برادران کسایا و دیبانکرا جاتکا از چنگک های شان کشیده و در هنگام قیود شب گردی به سرقت برده شد. ستون های چوبی منقوش نورستانی، سرطاق ها و تخته های دروازه ها برای سوخت قطع گردیده بود. در زمین بی صاحب که در عقب موزیم موقعیت دارد لاشه نی يك لوکوموتیف زنگ زده راه آهن زمان شاه امان الله افتیده بود. آهن لوکوموتیف دوم غرض فروش آهن پاره قطع گردیده بود. هیچ يك از کلکسیون موثرهای زمان شاه امان الله باقی نمانده است. نسخه های خطی و میناتورها که چندین سال قبل به آرشیف ملی منتقل شده بود و مصنون خوانده شده اند.

کارمندان موزیم برای مدت شش ماه بالای مرحله اول که مشکل ترین مرحله تهیه فهرست موجودی بود کار نمودند. بخاطر پیشبرد پروسه موجودی در هر گوشه بی از خرابه های انبار خانه های زیر زمینی که ممکن بود جای برای کار کارمندان موزیم و دو عضو انستیتوت باستانشناسی افغانستان که يك يك پارچه آثار فرهنگی را از خاکروبه های اطراف شان برداشته و

در زیرزمینی قسمت راست موزیم موقعیت دارد دست نا خورده بود و جعبه های چوبی هنوز حامل بر چسپ های شناخت خود بود. مجموعاً به تعداد ۱۷۴۷ قلم آثار فرهنگی (۴۲۶ عکس) ثبت و به وزارت اطلاعات و فرهنگ انتقال داده شد.

در سال ۲۰۰۰ کارمندان موزیم که شمارشان به ۲۰ تن می رسید در طول بهار کار کردند و به تعداد ۱۰۴۵ قلم آثار فرهنگی (۶۳ عکس) را ثبت نمودند. بتاريخ اول ماه اکتوبر آخرین لست موجودی که از سال ۱۹۹۶ آغاز گردیده بود به تعداد ۶۴۴۶ قلم آثار فرهنگی (۱۲۸۵ عکس) را که از ۴۹ ساحه مختلف بود ثبت و بسته بندی شده بود نشان میداد. تعداد زیاد آشیای مشابه چون سنگ های قیمتی، سنگ های چقماق، سنان و غیره متعلق به ساحات قبل از تاریخ تحت شماره واحد ثبت و بسته بندی شده بود. بنابراین، کارمندان موزیم تعداد مجموعی آثار فرهنگی را ۳۵۰۰۰ تخمین زدند که این آثار شامل کلکسیون ظروف سفالی هنیت باستانشناسی فرانسه برای افغانستان نمی شد. يك كميسيون وزارت اطلاعات و فرهنگ در ماه جولای سال ۲۰۰۰ تایید کرد که مهرهای گنجینه طلانی طلا تپیه و صندوق های متعدد موجود در قصر ریاست جمهوری و وزارت اطلاعات و فرهنگ هنوز دست ناخورده بود. ملا عمر فرمانی را به ارتباط حفظ و نگهداری تمام آثار فرهنگی و تاریخی افغانستان و طبق قانون و قابل مجازات دانستن حفريات غير قانونی و قاچاق آثار فرهنگی از افغانستان صادر نمود. مجسمه های بی سر کنیشکا و یکی از نجبای کوشانی، سنگ نوشت سرخ کوتل، التار آتشی، چندین مجسمه شیست بودا، بودا ساتوا که از گل پخته ساخته شده و از تپه مرجان بدست آمده است، تشت مرمر سیاه متعلق به قندهار و دیگر اقلام در سالون مرکزی موزیم دست ناخورده مانده بود.

فرهنگی طالبان، که يك ملا از جمله شهروندگان کابل و شخص مهربان و فعال بود تماس گرفت.

کار آمادگی جهت تداوم پروسه موجودی که در سال ۱۹۹۶ متوقف گردیده بود در اواسط ماه جولای سال ۱۹۹۸ دوباره آغاز یافت. وزارت اطلاعات و فرهنگ نیز پلانی را بخاطر آغاز کار اعاده و ترمیم منزل تحتانی موزیم با استفاده از ۱۴۰۰۰ دالر که یونسکودر سال ۱۹۹۶ مساعدت کرده بود طرح نمود. ازینکه طالبان هتل کابل را به مهمانخانه خویش مبدل ساختند، در اوایل سال ۱۹۹۶ تمام صندوق ها و بکس های که در هتل کابل جابجا شده بود یکبار دیگر منتقل گردید و این بار به منزل اول وزارت اطلاعات و فرهنگ. میله های فلزی و جدا کننده ها در وزارت نصب شد. کارمندان موزیم دوباره به موزیم غرض جستجوی آثار فرهنگی در میان خاکروبه ها که هنوز فرش انبار خانه ها را پوشانیده بود رفتند. کار در موزیم بتاريخ ۲۰ اگست همان سال به موجب بمباردمان افغانستان توسط امریکا متوقف گردید و بقیه خارجی ها کابل را تخلیه کردند. مجموعاً ۲۱۵ قلم آثار فرهنگی (۴۹ عکس) ثبت و به وزارت اطلاعات و فرهنگ منتقل شد.

در طول دو سال اخیر (۱۹۹۷ - ۱۹۹۸)

کارمندان موزیم کم و بیش پراکنده شده بودند. آنها به وزارت می آمدند تا حضری خویش را امضاء نمایند و بعداً به منظور دریافت مزدوری به بازار های کابل سر بزنند. يك کارمند عالی رتبه موزیم در بازار عمومی کابل کچالو می فروخت و محاسب موزیم به گادی وانی رو آورده بود. کار بار دیگر در ماه می سال ۱۹۹۹ آغاز شد. آثار غیر متوقع که عبارت بود از ۳۵۰ قلم از کلکسیون بگرام ۸ قلم از کلکسیون گل دره که هرگز در گذشته دیده نه شده بود در گوشه های متروک زیرزمینی موزیم پیدا شد. انبار خانه بزرگ ظروف سفالی (هنیت باستانشناسی فرانسه برای افغانستان) که



© کارلا گریسن



© کارلا گریسن

تنها بدون عکسها، بعضی دیگر آن با عکس ها و تشریحات به لسان فرانسوی) متعلق به دهه ۱۳۷۰ که در اثنای تخریب موزیم در سال ۱۹۹۳ قسماً حریق گردیده بود جمع آوری کرد. کاپی های لست موجودی به لسان دری و انگلیسی در صندوق های جداگانه گذاشته شد. يك صندوق حاوی کاپی های مذکور به وزارت اطلاعات و فرهنگ غرض نگهداری مصنون به شمول کاپی واحد میکروفلم های هنیت باستانشناسی فرانسه برای افغانستان فرستاده شد و صندوق دوم به منظور ماخذ که در آینده از آن کار گرفته خواهد شد در موزیم گذاشته شد. هزاران عکس خورد و بزرگ که در جریان پروسه تهیه لست موجودی گرفته شده بود ذخیره و به دو لست تقسیم گردید که یکی آن به وزارت اطلاعات و فرهنگ ارسال گردید و دیگران در موزیم گذاشته شد.

در سال ۲۰۰۲ رئیس موزیم کابل خواهش نمود که تمام لست های موجودی درج بانک آمار (Database) کمپیوتر گردد. هر چند که جهت بر آورده شدن این هدف کمپیوتر ها، پرنترها، کمره های دیجیتل و سکنر ها به موزیم تفویض گردیده است، به نسبت فقدان مهارت لسانی و مهارت کمپیوتر در میان کارمندان موزیم، انجام این کار يك مدت زمان را در بر خواهد گرفت.

۱۸. کارکنان موزیم کابل اشیای ثبت شده را بعد از تاراج موزیم جابجا و بسته بندی می نمایند

۱۹. بکس های مسکوکات تاراج شده از دیپوهای موزیم کابل

در ماه مارچ سال ۲۰۰۱ زمانیکه طالبانمجسمه های بودا را در بامیان توسط داینامت منفجر کردند، اقلام عمده آثار فرهنگی را در موزیم کابل تخریب نمودند و به انبار خانه های موزیم و وزارت اطلاعات و فرهنگ آسیب رسانیدند و جهانیان با يك تکان بی اثر این همه را تماشا کردند. صندوق ها بزور باز شد، لفافه ها پاره گردید و آثار فرهنگی شکسته شده و به وضع در هم و برهم گذاشته شد. کارمندان موزیم شجاعانه تمام خاکروبه ها را جاروب کردند و تا حد ممکن آنرا به قصد اعاده در آینده دوباره بسته بندی نمودند.

بعد از جنگ

از ختم جنگ به اینطرف توجه به موضوع مرکزی ساختن لست های موجودی و عکسها میذول گردیده است. به درخواست یونسکو، مسنول ارتباط انجمن حفظ میراث های فرهنگی افغانستان کاپی تمام لست های موجودی به لسان دری و انگلیسی را که در بین سالهای ۱۹۹۶ - ۲۰۰۰ در موزیم کابل تهیه شده بود و همچنان بیش از یکهزار میکروفلم های هنیت باستانشناسی فرانسه برای افغانستان را (برخی از آنها

افغانستان نا آشنا می باشد معاینه، تحلیل و تجزیه و تشریح نماید.

پیشرفت فعلی

جریان برق و آب به موزیم اعاده گردیده است. پلانه‌ها و تمویل احیای مجدد منزل فوقانی و بام موزیم در حال شکل گیری است و یک لابراتوار حراست آثار فرهنگی رو به فعال شدن می باشد. کتابخانه موزیم دوباره منظم میگردد و کارمندان جوان افغان که موزیم را قبل از تخریب آن هرگز نمی شناختند به خارج از کشور جهت آموزش فرستاده می شوند. یک تحرك آغاز گردیده است و با گذشت زمان تلاشهای افغانها و دست اندر کاران بین المللی منتج خواهد شد که موزیم کابل در میراث های فرهنگی جهان جای اصلی و کماحقه خود را احراز نماید.

یادداشت:

مقاله پیر کامبون را در این مورد مطالعه نماید.

ویرانی که در اثر تخریبکاری طالبان در وزارت و موزیم صورت گرفت اکثر لست های موجودی ابتدائی را که در دسترس قرار داشت بی اعتبار ساخت و هزاران قلم آثار فرهنگی از لغافه ها و جعبه های شناخت شان کشیده و به پارچه های غیر قابل شناخت در هم کوبیده شده بود. سایر آثار در جعبه های معتمد جنسی دیگر جابجا شد و یا همه جاروب شده در بکس ها گذاشته شد.

بهرتر است موجودی عمومی دوم آثاری که تا اکنون موجود است صورت گیرد اما از آنجائیکه شمار زیاد ازین آثار توتّه ها است که از آنجمله چند قلم آن از جمع آثار نمایشی بود و همچنان فقدان زمان، جای و کارکنان محسوس است، ازینرو به این موجودی فعلا ضرورت مبرم دیده نمی شود. ولی موجودی آثار که درین اواخر از حفریات غیر قا نونی و از ساحات باستانی تازه کشف شده و همچنان آثاری که توسط گمرک مصادره شده یکجا با موجودی محتویات صندوق های که در قصر ریاست جمهوری و وزارت اطلاعات و فرهنگ از سال ۱۹۸۹ به اینطرف نگهداری شده و تا اکنون باز نگردیده اند کار بسیار مهم خواهد بود. هر چند که باز نمودن این صندوقها از چند سال بدینسو مورد بحث قرار گرفته است، کارمندان موزیم به این نظر اند که درین مورد از احتیاط کار گرفتن مصنونتر بوده و زمان علنی نمودن مکثوفه های جدید و یا محتویات صندوقهای باز نشده نا هنوز فرا نرسیده است. عوامل دیگر چون کارمندی است که برای مدت ۲۳ سال ارتباط شان قطع گردیده بود، موقعیت آینده موزیم، عدم موجودیت یک ساختار اداری، نبود یک جای محفوظ برای باز نمودن این صندوقها، ثبت محتویات آنها، عکس برداری، انبار نمودن یا به نمایش گذاشتن اشیای انفرادی و از همه مهمتر عدم تخصص ملی و بین المللی است تا این اشیا را که برخی آن از ساحات بکلی جدید باستانی که برای باستانشناسان آشنا با

تعهدات و فعالیت های یونسکو در مورد احیای میراث های فرهنگی افغانستان

توسط کریستیان منهرت

کریستیان منهرت مورخ هنر و باستانشناس، در سال ۱۹۸۷ بحیث متخصص پروگرام ها در بخش فرهنگی و در دفتر اجرایی مدیر عمومی یونسکو با این سازمان به کار آغاز نمود. موصوف مسنول زون اروپایی و آسیایی بخش میراث های فرهنگی به شمول افغانستان میباشد. وظیفه وی شامل کمک مستقیم به کشورهای متذکره در زمینه انکشاف پالیسی و ستراتیژی جهت حفظ میراث های فرهنگی، خاصاً از طریق جمع آوری وجوه، تهیه، تطبیق و ارزیابی پروژهای خارج بودجه یی میباشد.

یونسکو به چالش احیای میراث های فرهنگی معروض به خطر افغانستان پلسخ مثبت داده که طی دو دهه جنگ داخلی و نا امنی تخریب های غیر قابل جبران و خسارات زیادی را متحمل گردیده است. این فعالیتها بیشتر در بخش حفاظت نواحی بلستانی و جلوگیری از قاچاق غیرقانونی دارایی فرهنگی تمرکز می یابد.

حفظ تمام جنبه های میراث های فرهنگی افغانستان به شکل منقول و غیر منقول آن (موزیم ها، بناها، نواحی بلستانی، موسیقی، هنر و صنایع دستی مروجه) دارای اهمیت قابل توجهی در قسمت تقویه هویت فرهنگی و تمامیت ملی این کشور بشمار میرود. میراث فرهنگی میتواند علاقه متقابل طرف های متخلصم را بخود جلب نموده و آنان را قلا در به ایجاد دوباره روابط از سرگیری مذاکرات و همکاری برای یک آینده مشترک نمایند. ستراتیژی یونسکو عبرت از این اینست که روابط میان جمعیت ها و تاریخ فرهنگی آنها را با هم ایجاد نموده و به آنان کمک نماید تا یک احساس مالکیت مشترک را در مورد بناهای تاریخی نمایند که میراث فرهنگی را در مقطع های مختلفه جمله نمایان میسازد. این ستراتیژی مستقیماً ارتباط به پروسه ملت سازی دارد که در چارچوب اعلامیه های ملل متحد صورت گرفته و تلاش



۲۰. منار جام که ۶۵ متر ارتفاع دارد، قدامت تاریخی آن به قرن ۱۲ برمیگردد، با خشت کاری مظنن گردیده، در يك قسمت از ارتفاع وادي موقعیت داشته، دارای خراج تحسیم تمدن دوره غوري ها میباشد.

سازمان های فنی میباشد که کمک مالی و یا علمی را به فعالیت های حفاظتی فراهم خواهد نمود. این کمیته طور منظم جهت مطالعه پروژهای جاری و آینده و سایر نوآوری ها تدویر جلسه خواهد نمود.

در ماه جون ۲۰۰۳ اولین جلسه عادی کمیته انسجام بین المللی برای حفظ میراث های فرهنگی افغانستان در بخش میراث های فرهنگی در مقر یونسکو تدویر یافت. درین جلسه مؤکداً پیشنهاد گردید تا فعالیت حفاظتی باید در سطح عالی آن صورت گیرد. پیشنهاد موضوعاتی را در برداشت که شامل ساحاتی مانند انکشاف یک ستراتیژی طویل المدت برای حفاظت میراث های فرهنگی، تطبیق کنوانسیون جهانی در مورد میراث ها و کنوانسیون طرق جلوگیری و مماعت از توریذ، صدور و انتقال غیرقانونی مالکیت دارایی های فرهنگی، فهرست اموال و اسناد آن به سطح ملی میباشد. جلسه همچنان پیشنهاد نمود که فعالیت های عاجل حفاظتی در

های جامعه بین المللی را در بزرگسازى افغانستان هم آهنگی می بخشد.

یونسکو در پروگرام سکرتریت ملل متحد در بخش کلتور، جوانان و سپورت، وزارت اطلاعات و کلتور افغانستان و سایر ادارات ذیربط دولتی را در بخش فرهنگی مساعدت مینماید. درین زمینه با داشتن اعتماد دولت افغانستان یونسکو تمام تلاش های بین المللی را که به منظور حفظ و انکشاف میراث های فرهنگی افغانستان صورت میگیرند، هماهنگ میسازد.

طوریکه سکرترجنرال سازمان ملل متحد اظهار نمود " هدف ما مبارزه برای این است تا به افغانها مساعدت نماییم که آنها خود را کمک نمایند،" پالیسی ها و فعالیت ها در جهت حفظ میراث های فرهنگی افغانستان بیشتر بالای تریننگ و آموزش و ارتقای مهارت های افغانها متمرکز گردیده اند.

در ماه می ۲۰۰۲، یونسکو به همکاری وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان، اولین سیمینار بین المللی را در مورد احیای میراث های فرهنگی افغانستان دایر نمود. طی این سیمینار یک صندوق متخصص میراث های فرهنگی افغانستان و به همین گونه نمایندگان کشورها و سازمان های تمویل کننده اشتراک نمودند. اشتراک کنندگان سیمینار بیتیبه هلی را در مورد حالت نگهداری نواحی فرهنگی در کشور ایراد نمودند و در مورد برنامه ها و انسجام فعالیت های حفاظتی بحث نمودند. درین سیمینار بیش ۷ ملیون دلار امریکلی برای پروژه های دلرای اولویت تعهد گردید، که پول متذکره طی موافقت نامه های دوجانبه میان یونسکو و پروژه های صندوق لماعت تخصیص خواهند یافت.

به این هدف یونسکو یک کمیته انسجام بین المللی را ایجاد نموده که اساسنامه آن در ۱۶۵ مین اجلاس بورد اجرایی این سازمان در اکتوبر ۲۰۰۲ به تصویب رسید. این کمیته متشکل از نمایندگان حکومت افغانستان و کارشناسان بین المللی از کشورهای مهم تمویل کننده و

تعهدات و فعالیت های یونسکو در افغانستان کریستیان منهرت

بر علاوه برای احیای دوباره یک مسجد و یک تعمیر دیگر کمک مالی نموده که هر دو ساختمان فوق در نزدیکی مجسمه بزرگ بودا قرار دارند. تعمیر متذکره برای استفاده محافظین و نیز نخیره گاه وسایل مربوط به یونسکو مورد استفاده قرار خواهد گرفت. در نتیجه این فعالیت ها وزارت خارجه جاپان به یونسکو مبلغ ۱۸۱۵۹۶۷ دالر امریکایی را برای حفاظت بامیان به صندوق امانت مساعدت نمود.

یک گروه کاری متخصصین برای حفاظت بامیان توسط یونسکو و ایکوموس طور مشترک در شهر میونخ جرمنی به تاریخ ۲۱ الی ۲۲ نوامبر ۲۰۰۲ تویور جلسه نمود. متخصصین وضعیت موجوده تدابیر حفاظتی بامیان را به اساس نتایج حاصله از دو ماموریت فوق الذکر مورد ارزیابی قرار داد. آنان همچنان در مورد شیوه های مختلف حفاظتی به بحث و مقایسه پرداخته و سفارشتی را برای اقدامات حفاظتی ارائه نمودند.

نخستین فعالیت های این پروژه در ماه جون ۲۰۰۳ آغاز گردید که طی آن ماموریت ۳ هفته یی معمار بلجیمی بنام ماریو سنتانا (Mario Santana) از پوهنتون لیون نیز شامل بود. موصوف به هدف دریافت اسناد علمی در مورد سابقه طاق ها و مجسمه های بودا سفر نمود.

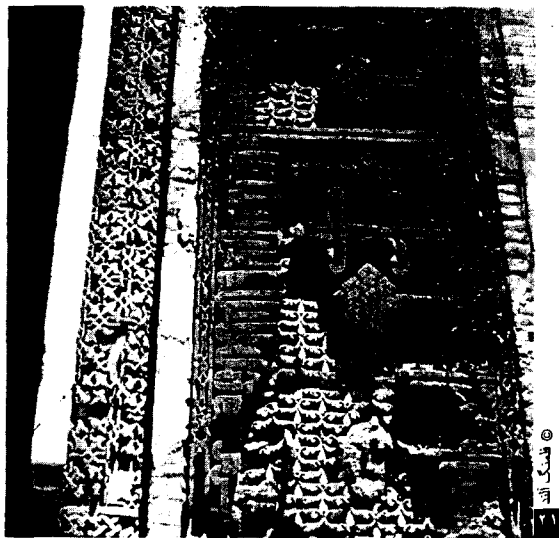
بعداً در جریان نخستین اجلاس کمیته انسجام بین المللی در حفاظت میراث های فرهنگی افغانستان، بعضی تصامیمی اتخاذ گردید که در جمله آن طرح یک ماسترپلان مکمل برای ساحه و اقدامات عاجل برای حفاظت و نگهداری تصاویر دیواری در مغاره ها بود.

در مورد حفاظت تصاویر دیواری، هشت متخصص از انستیتوت تحقیقات ملی در مورد دارایی های فرهنگی جاپان در ماه جولای ۲۰۰۳ به بامیان مسافرت نمود تا ماسترپلانی را برای حفاظت طویل المدت این ساحه تهیه نمایند. با یک شرکت جاپانی قرارداد صورت گرفت تا نقشه توپوگرافیک این دره و یک مدل سه جنبی طاق ها و صخره ها را تهیه نماید. انستیتوت باستانشناسی جرمنی مسئولیت تحقیقات بالای پارچه های

مورد نواحی جام هرات و بامیان و احیای مجدد موزیم ملی کابل عملی گردند.

تطبيق پروژه: بامیان

پس از سقوط رژیم طالبان در دسمبر ۲۰۰۱، یونسکو بصورت عاجل هیاتی را به بامیان فرستاد تا وضعیت ساحه را ارزیابی نموده و بقایای سنگ های بزرگ مجسمه های تخریب شده را نریعه لفاقه های فایبرگلاس بپوشانند تا در مقابل شرایط اقلیمی سخت زمستان محافظه گردند. در ماه جولای ۲۰۰۲، برای بار دوم هیأت مشترک یونسکو و شورای بین المللی بنا ها و نواحی تاریخی یا (ایکوموس) تحت رهبری پروفیسور مایکل پیتزت جهت اتخاذ تدابیر حفاظتی به بامیان اعزام گردید. هیأت سومی به هدف آمادگی برای پروژه که متشکل از ماهرین جرمنی، ایتالیایی و جاپانی بود بتاريخ ۲۷ سپتمبر ۲۰۰۲ به بامیان سفر کرد. قرار مشاهدات بیش از ۷۰ فیصد نقاشی های دیواری که به قرون ششم و نهم میلادی تعلق داشت و در مغاره های بودا ترسیم گردیده بود در نتیجه بی توجهی و غارت از میان رفته اند. در یک مغاره ماهرین حتی وسایل دستی دزدان و بقایای رسامی های که به تازگی غارت گردیده بود یافتند. در پاسخ به این واقعیت، از طریق وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان قراردادی با قوماندان محل جنرال جاوید عقد گردید. قوماندان مذکور بصورت عاجل ۱۰ فرد مسلح را برای محافظت دایمی و نظارت بر منطقه توظیف نمود. علاوه چنین مشاهده شد که درز های بزرگی در داخل و اطراف فرورفتگی هایی که قبلاً مجسمه های بودا در آن موقیت داشتند به میان آمده که میتواند باعث سقوط قسمی آن و پله های زینه در داخل بعضی مغاره ها گردد. برای مقابله با این حالت متخصصین تدابیر اهتمامی را رویدست گرفته و در مورد اقدامات مناسب جهت یکجا نمودن صخره ها و فرورفتگی های دیوارها مشوره هایی دادند. ایکوموس



۲۱. مدخل مسجد جامع توسط تیموریان تعدیل گردیده، که تزئین اصلی دوره غوریان را نشان می دهد.

۲۲. منظر هوایی شهر هرات با مسجد جامع آن

پروژه را طرح نمایند، وضعیت نگهداری منارجام و به همین ترتیب مناره پنجم گوهرشاد بیگم، بالاحصار، و مسجد جامع و سایر بناهای تاریخی هرات را مورد ارزیابی قرار دادند.

دو ماه بعد، پروفیسور برونو و اندریه بورجیا که هایدرو لوجست میباشند از طرف یونسکو ماموریت گرفتند تا در مورد تحکیم پایه های منارجام، تثبیت تمام ساختمان آن و جریان آب از جانب دو دریای مجاور سفارشات نمود و به همین گونه در مورد تدابیر حفاظتی برای منطقه باستانی همجوار که توسط حفاریات خودسرانه تهدید میگردد ابراز نظر نمایند. طی این ماموریت روشن گردید که سیلاب های شدید ماه اپریل ۲۰۰۲ باعث تخریب چوکات حفاظتی گردیده که یونسکو در سال ۲۰۰۰ آنرا نصب نموده بود، بناءً این چوکات در نگهداری خود منار موثر بوده است، و شاید هم این چوکات حفاظتی یگانه عامل باقی ماندن منار گردیده است. منار جام در ماه جون سال ۲۰۰۲ بحیث اولین اثر فرهنگی افغانستان شامل لست یونسکو برای میراث های جهانی گردید.

مجسمه بودا را به عهده گرفت و ایکوموس نگهداری این پارچه ها را عهده دار شد.

برعلاوه، تدابیر برای یکجا نمودن درزها و طاق هازیر دست گرفته شده تا از سقوط آن جلوگیری شود. به این منظور فراسیون میسرشمیت جرمنی یک سکوب بزرگ را طور مجانی به این ناحیه مساعدت نموده که در اگست ۲۰۰۳ توسط نیروی نظامی جرمنی به افغانستان منتقل گردید و در سپتمبر ۲۰۰۳ در ساحه نصب گردید. شرکت مجرب و شناخته شده بین المللی از کشور ایتالیا بنام (RODIO) برای تعقیب این ماموریت قرار دادی را عقد نموده و قبل از زمستان برای تثبیت ساحه آغاز به فعالیت نموده است.

هرات و جام

در ماه مارچ ۲۰۰۲، یونسکو دو مشاور را به جام و هرات فرستاد. پروفیسور اندریه برونو (Andrea Bruno) که مهندس و پروفیسور مارکو مینگوتو (Marco Menegotto) که انجنیر ساختمانی میباشد قبل از اینکه اسناد

تعهدات و فعالیت های یونسکو در افغانستان کریستیان منهرت

امریکایی را جهت تحکیم و اعاده عاجل نواحی جام به صندوق امانت یونسکو منظور نمودند، و مقامات کشور ایتالیا مبلغ ۴۹۹۴۶۰ دالر امریکایی را به وجه مذکور جهت تحکیم و باسازی عاجل بناهای تاریخ هرات و جام مساعدت نمودند.

نخستین فعالیت های این پروژه در ماه اپریل ۲۰۰۳ با اعمار یک منزل برای پروژه، صاف نمودن بستر دریا در محل تقاطع دریای هریرود جام، و نیز ترمیم قفس حفاظتی آغاز گردیدند.

در ماه جولای و اگست ۲۰۰۳ پروفیسور اندریه برونو، پروفیسور جورجیو مشی و ماریا کریستینا پیب تحقیق جیولوژیکی مفصلی را بالای خاک بناهای جام و هرات جهت تعیین قوت آن برآه انداختند. فعالیت های تثبیت کننده موقت در مورد مناره پنجم گوهرشاد که خطر سقوط آن می‌رود در هرات عملی گردیده است. کار بالای دو بنای تاریخی الی سپتمبر ۲۰۰۳ ادامه یافته است.

در عین زمان سه باستانشناس از انستیتوت ایتالیایی بنام ISMEO حفاریات تحفظی را در ساحه انجام داده اند.

موزیم کابل

در ماه دسمبر ۲۰۰۱ یونسکو هیأتی را به کابل فرستاد تا بقایای مجسمه ها و آثار مختلفه تخریب شده را در موزیم کابل جمع آوری نموده و پلانی را برای اعاده دوباره آنان طرح نماید.

به منظور جلوگیری از تخریب بیشتر آثار در قبال شرایط اقلیمی سخت در زمستان فعالیت های اضطراری به شمول نصب کلکین ها در چندین اطاق منزل اول و دوم انجام پذیرفت. حفر یک حلقه چاه عمیق با نصب تانکر و نلدوانی مناسب آن صورت گرفت تا به

در خزان همین سال، مهندس ترسیز ستیفن (Tarcis Stevens) و ماریو سنتانا (Mario Santana) از پوهنتون لیون اسناد مربوط به اندازه گیری مفصل پنج منار گوهرشاد بیگم در هرات و منار جام را پیش بردند. آنان اسناد مربوطه را طی یک جلسه مقدماتی آموزشی در مورد استفاده از ستیشن عمومی برای متخصصین افغان یکجا نمودند. ستیشن عمومی توسط یونسکو به وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان اهداء شده بود. این جلسه آموزشی تا اگست ۲۰۰۳ دوام یافت و رهبری آنرا چهار متخصص از پوهنتون لیون و برکلی امریکا به عهده داشتند، طی این جلسه اسناد مفصلی در مورد بناهای تاریخی هرات و منار جام بوسیله سکتر لایزر (laser scanner) تهیه گردیدند.

گروپ کاری متخصصین در مورد حفاظت جام و بناهای هرات بتاريخ ۳۰ جنوری ۲۰۰۳ در مقر یونسکو تدویر جلسه نمود. در جمله ۲۳ اشتراک کننده داکتر سید مخدوم رهین وزیر اطلاعات و فرهنگ افغانستان، ظاهر عزیز نماینده افغانستان در یونسکو، عمرخان مسعودی رئیس موزیم کابل و عبدالواسع فیروزی رئیس انستیتوت باستانشناسی افغانستان نیز شامل بودند. متخصصین وضعیت منار جام، و مناره پنجم گوهرشاد بیگم، بالاحصار، مسجد جامع و سایر بناهای تاریخی هرات را به اساس نتایج حاصله از ماموریت های قبلی یونسکو مورد ارزیابی قرار دادند. آنان مشکل حفاریات خودسرانه را نیز خاطر نشان نموده شیوه های مختلفه را هم مقایسه و یک پیشنهاد را برای حفاظت عاجل و طویل المدت ساحه ضمن تعیین اولویت ها ترتیب دادند. فعالیت های عاجل در ماه جون ۲۰۰۳ آغاز یافته اند.

مصارف مالی ماموریت و فعالیت های باسازی میراث های فرهنگی جام و هرات توسط صندوق وجهی امانت تأمین میگردد. مقامات کشور سوئیس در نوامبر ۲۰۰۲ اعلان نمودند که مساعدت ۱۲۴۳۰۰ دالر

تعهدات و فعالیت های یونسکو در افغانستان کریستیان منهرت

خود در جریان سالهای ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ برای فعالیت های فرهنگی در افغانستان اختصاص داد.

مهارت های متداول در فعالیت های احیای دوباره اهمیت زیادی داشته و یونسکو از سال ۲۰۰۲ بدینسو کار احیای مجدد ورکشاپ کاشی سازی هرات را با پروژه SPACH یکجا به عهده گرفته است. در حال حاضر شاگردان افغانی در این ورکشاپ شامل گردیده و تولید سنگ های کاشی سنتی را می آموزند که بعداً در احیای مجدد بناها مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

در پهلوی فعالیت های عملی، یونسکو بالای اسناد قانونی در مورد حفظ قانونی میراث های مادی و معنوی کلتور افغانی کار مینماید. از انجاییکه جلوگیری از حفريات خودسرانه و قاچاق غیرقانونی یک چالش بزرگ برای افغانستان است، یونسکو از تلاش های حکومت افغانستان در مورد ممنوعیت حفريات خودسرانه و کنترل سرحداث برای جلوگیری از قاچاق و انتقال آثار تاریخی منقول شدیداً حمایت مینماید.

در اخیر میتوان گفت که تا امروز تمویل و سایر انواع مساعدت های تعهد شده در سیمینار ماه می ۲۰۰۲ در کابل از ۷ میلیون دالر متجاوز بوده که برای پروژه های فرهنگی افغانستان اختصاص داده شده اند.

یونسکو ازین فرصت استفاده نموده و از تمام این تمویل کنندگان سخاوت مندی ابراز امتنان مینماید که با مساعدت های قابل ملاحظه شان وجوه بشردوستانه سازمان ملل متحد را مکمل ساخته است...

یادداشت:

۱. بصورت خلاصه پروگرام صندوق امانت یونسکو مبالغ ذیل را از کشورهای تمویل کننده بدست آورده است: مبلغ (۱۸۱۵۹۶۷) دالر امریکایی از جانب حکومت جاپان برای حفظ بامیان؛ مبلغ (۷۶۹۰۰۰) دالر امریکایی از جانب حکومت ایتالیا برای سه پروژه بناهای تاریخی هرات و جام؛ مبلغ (۱۲۴۰۰۰)

لابراتوار حفاظتی ارتباط آب تأمین گردد. بر علاوه یک جنراتور قوی نیز به شکل مساعدت سپرده شد.

چندین کشور و سازمان های فرهنگی مختلفه در اتخاذ تدابیر عاجل و مهم برای نگهداری و بازسازی ساختمانهای زیربنایی سهم گرفتند. در ماه جنوری ۲۰۰۳ حکومت یونان بازسازی تعمیر موزیم کابل را آغاز نمود که این عمل به سلسله تعهدات آن کشور مبنی بر مساعدت ۷۵۰۰۰۰ دالر امریکایی طی سیمینار ماه می ۲۰۰۲ در کابل، بود.

نیروی نظامی بریتانیا شامل قوای آیساف یک لابراتوار جدید احیای مجدد را که شامل دو اطاق، یک اطاق مرطوب و یک اطاق خشک میباشد با موزیم کابل مساعدت نمود که تمویل آن توسط موزیم بریتانیا صورت گرفت. نهاد فرانسوی بنام CEREDAF سامان و لوازم حفاظتی را مساعدت نموده و DAFA با موزیم گیمی پاریس یک کورس آموزشی برای محافظین موزیم کابل براه اندختند.

موسسه غیرحکومتی فرانسوی بنام (ACTED) در قسمت ترمیمات عاجل برای حفاظت سقف نه گنبد مسجد حج پیاده در بلخ که قدیمی ترین مسجد افغانستان شمرده میشود مساعدت نمود تا در مقابل اقلیم سخت زمستان حفاظت گردد. علاوه بر وجوه مساعدت شده که در فوق ذکر شد در جریان فعالیت ها برای احیای مجدد آثار فرهنگی، مساعدت های دوجانبه شامل ۵ میلیون دالر امریکایی از طرف بخش فرهنگی بنیاد آغا خان جهت بازسازی باغ بابر، مقبره تیمورشاه در کابل و بازسازی منازل باستانی در کابل صورت گرفت. حکومت ایالات متحده امریکا ۱۰۰۰۰۰ دالر امریکایی را جهت بازسازی تعمیر موزیم کابل مساعدت نمود. یونسکو در حدود ۴۰۰۰۰۰ دالر را از طریق بودجه عادی دو ساله

تعهدات و فعالیت های یونسکو در افغانستان
کریستیان منهرت

دلار امریکایی از جانب کشور سوئیس برای جام و مبلغ (۸۵۰۰۰۰) دلار امریکایی از جانب حکومت جرمنی در سال ۲۰۰۲ از طریق ایکوموس جرمنی و انستیتوت باستانشناسی جرمنی برای بازسازی باغ بابر و آموزش باستانشناسان افغانی مساعدت گردیده است.

همکاری بین المللی در افغانستان: ستراتیژی ها، تمویل و شیوه های کار

نویسنده لویس هکزتهاسن و جیم ویلمز

لویس هکزتهاسن از رشته روابط بین المللی پاریس فرانسه فارغ گردیده است. او در سال ۱۹۹۴ به موسسه یونسکو پیوست و منحیث متخصص برنامه در سکتور اجتماعی و بشری ایفای وظیفه می نماید. او مسئول روابط ذات البینی دفتر یونسکو کابل می باشد.

جیم ویلمز در رشته تاریخ علم و مطالعات ایرانی دکتورای خویش را از پوهنتون پاریس بدست آورده است. او از سال ۲۰۰۲ به اینطرف منحیث متخصص عالی رتبه برنامه در دفتر یونسکو کابل ایفای وظیفه می نماید.

مقدمه

درین دور جاری بازسازی افغانستان احیای مجدد میراث فرهنگی افغانستان در امر دادن مفهوم تداوم تاریخی و وحدت ملی برای افغانها عنصر مرکزی را تشکیل میدهد، زمامداران حکومت انتقالی افغانستان با متعهد ساختن خویش در راستای ایجاد محیطی که در آن میراث فرهنگی حفظ و نگهداری میگردد و به مثابه یک ریکارد تجربه و آرمانهای ارزنده کشور شان به نسل های جوان افغان به میراث داده می شود تا باشد آنها خلاقیت فرهنگی را با تمام تنوع آن تقویت بخشند این حقیقت را پذیرفته اند.

سوال اینست که چگونه افغانستان این تعهد را به واقعیت مبدل خواهد کرد. بعد از ۲۳ سال جنگ، وضع میراث فرهنگی افغانستان یک "فاجعه فرهنگی" توصیف شده است. بنا های تاریخی افغانستان چون در معرض ویرانی عمدی یا انحطاط تدریجی قرار داشتند صدمه های سنگین را متحمل گردیدند. موزیم کابل و ساحات باستانی به شکل گسترده به یغما برده شده. متخصصین فرهنگی از همکاری و تبادلله های فرهنگی تجرید گردیده بودند و در نتیجه از فرصت های آموزش و تحقیقات غرض بلند بردن مهارتهای شان محروم شده بودند.

اولویت های فطی و ویژه گی های اقدام

روند بطی بهبود بخشیدن وضع عمومی میراث فرهنگی افغانستان باعث آن می شود که به آسانی پیشرفت چشمگیری را که درین زمینه بعمل آمده است از دست داد. از زمان سقوط رژیم طالبان ستراتیژی ها طرح گردیده، میکانیزم های هماهنگی ایجاد گردیده و کمک های مالی که برنامه ها از ارزیابی گرفته الی تطبیق واقعی مرحله به مرحله به پیش ببرد به سرانجام شدن به کشور آغاز نموده است.

در ماه می سال ۲۰۰۲ یونسکو زمینه گفتگو میان مقامات دولت، متخصصین و کمک دهنده گان روی اولویت ها غرض حفظ و نگهداری میراث فرهنگی این کشور را مساعد ساخت. "سیمینار بین المللی پیرامون احیای مجدد میراث فرهنگی افغانستان" که از تاریخ ۲۷ الی ۲۹ می ۲۰۰۲ در کابل تدویر یافت اولین پلان گسترده کاری را برای یک ستراتیژی ملی فرهنگی طرح و پیریزی کرد. این پلان روی یک تعداد محدود اقدامات عاجل به مقصد احیای مجدد موزیم کابل و بناها و ساحات مهم تاریخی در سرتاسر کشور متمرکز گردید. درین پلان همچنان پیشنهاد ایجاد یک اداره هماهنگی بین المللی بعمل آمد، بنابراین، مذاکرات که در جریان سیمینار بین المللی مذکور به راه انداخته شد، در خزان سال ۲۰۰۲ تأسیس "کمیته هماهنگی بین المللی برای حفظ و نگهداشت میراث فرهنگی افغانستان" ۲. (ای، سی، سی) بتأسی در خواست مقامات افغانی که یونسکو نقش هماهنگ کننده را در فعالیت های آینده بین المللی به منظور محافظت میراث فرهنگی این کشور داشته باشد جامعه عملی پوشید.

این کمیته هماهنگی بین المللی منحیث وسیله معطوف نمودن توجه جامعه بین المللی به اهمیت

در وضع موجوده، منابع داخل کشور بخاطر رفع این نیازمندی ها عملاً وجود ندارد. طوریکه جناب حامد کرزی در کنفرانس توکیو که در ماه جنوری سال ۲۰۰۲ منعقد گردید خاطر نشان ساخت: "این وضع که یک اداره از منبع عواید برخوردار نیست یک وضع بکلی بی نظیر و بی سابقه است. اگر ما نتوانیم معاشات مامورین خود را تأدیه نسایم یا نتوانیم به مردم خویش خدمات راعرضه کنیم به سرعت اعتبار خود را از دست خواهیم داد. بنا این امر را که به تعهدات فوراً جامعه عمل پوشانیده شود مهم می دانیم."

از تدویر کنفرانس توکیو به اینطرف تعاون بین المللی با افغانستان جریان دارد. اما تعهداتی که در کنفرانس مذکور و در جلسات بعدی کشور های کمک دهنده به منظور بازسازی افغانستان بعمل آمد در راستای رفع نیازمندی های موجود ناکافی می باشد و سرانجام شدن این کمک های موعود به افغانستان نهایت بطی است. عین چیز در امر تدارک بودجه غرض حفظ و انکشاف میراث فرهنگی افغانستان صدق می کند.

از سال ۱۹۷۹ به بعد که وضع امنیتی کشور به شکل روز افزون رو به وخامت گذاشت همکاری بین المللی در ساحه فرهنگی محدودتر شد و بالاخره در زمان حکومت طالبان عملاً متوقف گردید. امروز وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان به چالش بزرگ احیا و تجدید سنت همکاری بین المللی که در اوایل قرن بیستم ایجاد شد مواجه است. این همکاری شکل مشارکتهای متعددی را با نهادهای علمی کلیدی از سراسر جهان به خود گرفت. پیامدهای قابل ملاحظه این همکاری شامل اقدامات جهت محافظت بناها و ساحات فرهنگی افغانستان چون ساحه بامیان و همچنان یک سلسله کشفیات برجسته باستانی بی گردید که در بلند بردن دانش و آگاهی از تاریخ و فرهنگ افغانستان نقش اساسی داشته است.

۲. احیای مجدد آرشیف ملی
۳. احیای مجدد کابل تیاتر
۴. تحکیم و حفظ عاجل بناها و ساحات فرهنگی
۵. جلوگیری از حفريات غير مجاز و تريفك ملكيت های فرهنگی
۶. احیای مجدد کتابخانه عامه
۷. احیای موسیقی سنتی افغانستان

این پروژه ها شناسایی شده و از طریق يك سلسله مشوره های دولتی که در آن کمک دهنده گان و سایر شرکای انکشافی دخیل اند مورد نظارت قرار دارد، بنا همکاری بین المللی همراه با پروسه که در جستجوی هم موازنه ساختن اشتراك سهم گیرنده گان و يك مالکیت نیرومند ملی که در راس آن حکومت در موقف رهبری قرار دارد در حال شکل گیری است، دفتر یونسکو در کابل نقش تسهیل کننده را درین چارچوب ایفا می کند. زمانیکه وزارت مالیه گروپهای مشورتی را به مثابه وسیله مذاکره میان حکومت و موسسات کمک دهنده روی تدوین و نظارت بودجه انکشاف ملی ایجاد نمود، از دفتر یونسکو مقیم کابل تقاضا بعمل آمد که به عنوان مرجع ارتباط گروپ مشورتی مسایل فرهنگی، وسایل ارتباط جمعی و سپورت فعالیت نماید. این نقش اصلا یکی از نقش های بلند بردن ظرفیت نهادی وزارت اطلاعات و فرهنگ در امر تجویز برمانه و نظارت ستراتیژی طوریکه حکومت به هر وزارت وظیفه سپرده تا برنامه های بودجه انکشاف ملی خویش را ارائه کند می باشد. این امر همچنان بدان معناست که وزارت اطلاعات و فرهنگ مسئولیت نهایی تولیدی پروژه های بودجه انکشاف ملی فوق الذکر را به عهده دارد، صرف نظر از اینکه کدام اداره این پروژه ها را تطبیق و کدام اداره آنرا تمویل می کند.

احیای مجدد میراث فرهنگی و انسجام وجوه مالی ایفای وظیفه می نماید. به مثابه يك اداره هماهنگی بین المللی این کمیته همچنان در مورد رسیده گی به موضوعات درخور اولویت به مقامات افغانی مشوره های در زمینه اتخاذ پالیسی میدهد. در عین زمان، این کمیته تدابیر تخنیکی را غرض اتخاذ اقدامات خاص به خاطر حفظ و احیای مجدد ساحات و بناهای تاریخی بررسی و تایید می کند.

سرانجام، کمیته هماهنگی بین المللی در امر ارائه نظریات به برنامه فرهنگ رسانه های جمعی و سپورت که در چارچوب عمومی بهبود بخشیدن کمک در افغانستان که آن عبارت از انکشاف بودجه ملی است نقش اساسی را بازی میکند.

بودجه انکشاف ملی اولویت های عمده بازسازی ملی را که در ۱۲ برنامه انکشافی تجویز گردیده است یکایک قلم داد می کند. به عبارت دیگر، بودجه انکشاف ملی عبارت از يك برنامه سرمایه گذاری است برای احیای مجدد خدمات عامه کشور که فعالیت های انکشافی پلان شده را که مستقیماً توسط حکومت یا ادارات ملل متحد، ادارات کمک دهنده چند جانبه یا دو جانبه و یا موسسات غیر دولتی تطبیق میگردد یکجا می سازد. این بودجه به عنوان زمینه و وسیله کمک در افغانستان کار می دهد.

در ساحه فرهنگ، حفظ و نگهداری بناها و ساحات فرهنگی و تاریخی، احیا و عصری ساختن نهادهای عامه فرهنگی و ایجاد يك محیط مساعد به خلاقیت و شرکت جامعه مدنی در فعالیت های فرهنگی محراق توجه بودجه انکشاف ملی می باشد.

هدف عمومی حصول اطمینان از این امر است که افغانها از دسترسی بهبود یافته به فرهنگ برخوردار خواهند شد. برای سال مالی ۱۳۸۲ (مارچ ۲۰۰۳ تا مارچ ۲۰۰۴) شش پروژه در خور اولویت ذیل شناسائی گردیده بود:

۱. احیای مجدد موزیم کابل



۲۳. یکی از مجسمه بودای بامیان (۵۵ متر ارتفاع). در سال ۱۹۷۸ زمانی که مجسمه با همکاری اداره سروی باستانشناسی هندوستان تحت ترمیم قرار داشت مجسمه های بودا در بامیان عمداً در مارچ ۲۰۰۱ تخریب گردید

شمول موزیم گیمی و موزیم بریتانیا حاضر به دادن آموزش به کارمندان موزیم کابل در عرصه نگرهداری، اداره و غیره در خود موزیم شده اند، چندین مجسمه دوره کوشانی ها که توسط طالبان در هم کوبیده شده بود با هم یکجا گردیده و در سالون ورودی موزیم کابل به نمایش گذاشته است.

اما در مجموع مساعدت مالی برای نهاد های فرهنگی محدود است و تیاتر کابل روشنترین مثال آن می باشد. این تیاتر در همان وضع نا بسمان که دو سال قبل در زمان سقوط طالبان قرار داشت، قرار دارد.

وضع افغان فلم، کتابخانه عامه و آرشیف ملی که در آنجا کار جریان دارد بهتر شده است.

علایم مثبت همکاری مستحکم بین المللی در جلوگیری از چپاول میراث های فرهنگی افغانستان به خصوص تاراج دوامدار ساحات باستانی و ترفیک غیر مجاز ملکیت فرهنگی خارج از کشور با یک چالش جدی روبرو است. وزارت اطلاعات و

چه چیز تحقق یافته و چه چیز تحقق نیافته است

یک و نیم سال بعد از کنفرانس توکیو، همکاری بین المللی در عرصه فرهنگ به شکل تدریجی احیا می گردد. اما با در نظر داشت وسعت نیازمندی یک احساس مایوسی کننده میان زمامداران حکومت افغانستان گسترش نموده است. نخست بسیج نمودن جامعه بین المللی تا مجسمه های بودا در برابر تخریب حراست کند امید های مساعدت همه جانبه را بعد از سقوط رژیم طالبان به میان آورد. ثانیاً، اکثر کمک های مالی اولی که غرض این هدف حصول شده تا هنوز تغییرات مرئی را طوریکه کار زیاد غرض آماده گی به ویژه ثبت جدید علمی بناها و ساحات تاریخی و آغاز فعالیت های احیای مجدد که به آن ضرورت احساس می شد، به میان نیاورده است.

از ماه اگست سال ۲۰۰۳ به اینطرف کمک هنده گان مختلف بیش از ۴ ملیون دالر را عملاً در اختیار پروژه های فرهنگی بودجه انکشاف ملی قرار داده اند. اکنون احیای مجدد بناهای تاریخی و فرهنگی کاری است که برایش حق اولیت داده شده است. یونسکو با استفاده از وجوه که کشور ایتالیا، جاپان، سویزرلند و بنیاد امانی آغاخان برای حفظ فرهنگ تدارک دیده اند پروژه های احیای مجدد را که هدف آن احیای بناها و ساحات تاریخی مختلف در کابل، در ساحه بامیان، هرات و همچنان منار جام که در سال ۲۰۰۲ اولین بنای تاریخی افغانستان شد که در فهرست میراث های جهان درج گردید، آغاز نموده است.

احیای مجدد موزیم کابل یکی از پروژه های دیگر عاجل می باشد. توقع میرود که احیای مجدد فزیک موزیم کابل در اخیر این سال به کمک مالی یونان، انگلستان، ایالات متحده امریکا، یونسکو وانجمن حفظ میراث های فرهنگی افغانستان به پایه اکمال رسد. در عین زمان، موزیم های مختلف به

تعهد راستین مقامات حکومت افغانستان در ارتباط با حفظ و نگهداری میراث فرهنگی شان منحیث بخش پروسه بازسازی افغانستان احیای همکاری بین المللی آنی در رشته فرهنگ را سرعت بخشید، ولی اینکه افغانستان از این "فاجعه فرهنگی" که با آن مواجه گردیده است موفق خواهد بیرون آمد یا خیر معلوم نیست. ایجاد مشارکت های دراز مدت و تلاشهای بلند بردن ظرفیت ها به پیمانته زیاد وابسته به اراده جامعه بین المللی می شود.



۲۴. وادی بامیان شاهد فرهنگ عنعنوی استثنایی در منطقه آسیای مرکزی بود که ناپدید شد.

فرهنگ افغانستان تخمین می زند که تاراج و ترفیک غیر مجاز جاری با مقایسه به تاراج و ترفیک غیر مجاز زمان طالبان گسترده تر می باشد. وسایل موجود جلوگیری و مقابله با این چورو چپاول خصوصاً در ولایات که وضع امنیتی تا هنوز در آنجا بی ثبات است محدود می باشد. در اوایل همین سال وزارت اطلاعات و فرهنگ خواستار جابجا نمودن ۵۰۰ محافظ مسلح در ساحات باستانی کشور که بیشتر مواجه به خطر است گردید. تا کنون منابع موجود جهت اعاده نظم و قانون در سراسر کشور ناکافی می باشد تا این تقاضا را بر آورده سازد. ستراتژی دیگر مقابله با تاراج آثار باستانی که وزارت اطلاعات و فرهنگ آنرا به حمایت همکاری بین المللی علی الخصوص کشور های ایتالیا و فرانسه اتخاذ نموده است آغاز کاوشهای علمی در افغانستان می باشد. بعضی هم فقدان امنیت در اکثر ساحات باستانی زمینه چنین اقدامات را محدود می سازد.

در عین زمان، مقامات حکومت افغانستان بخاطر تصویب دست اویزات بین المللی حراست ملکیت های فرهنگی در مقابل ترفیک غیر مجاز آنها به ویژه کنوانسیون سال ۱۹۷۰ یونسکو پیرامون وسیله منع و جلوگیری توريد، صدور و انتقال غیر مجاز مالکیت ملکیت های فرهنگی و کنواسیون UNIDROIT سال ۱۹۹۵ در مورد آثار فرهنگی سرقت شده یا به طور غیر قانونی صادر شده، تدابیر اتخاذ می کنند. با همکاری یونسکو قانون سال ۱۹۸۰ افغانستان در مورد میراث های فرهنگی فعلاً مورد بررسی قرار دارد و با معیار های بین المللی که در دو کنوانسیون فوق الذکر تصریح گردیده است هماهنگ می گردد. تصویب این دو سند بین المللی وسیله قانونی را در اختیار دولتمردان افغانستان می گذارد تا خواهان اعاده یا برگشت ملکیت فرهنگی خویش از خارج شوند.

یادداشت:

۱. برنامه ۱،۵ بودجه انکشاف بین المللی: فرهنگ، وسایل ارتباط جمعی و سپورت متن کامل آن در وب سایت دولت انتقالی اسلامی افغانستان www.af موجود است.
۲. این قوانین توسط بورد اجرایی یونسکو در ۱۶۵مین اجلاس آن که در ماه اکتوبر ۲۰۰۲ منعقد گردید، تصویب شد.
۳. تا کنون، گروههای کاری تخصصی کمیته هماهنگی بین المللی غرض بحث و گفتگو پیرامون حفظ ساحه باستانی بامیان در ماه می سال ۲۰۰۲ با هم ملاقات نمودند. اولین اجلاس سرتاسری کمیته هماهنگی بین المللی در ماه جون سال ۲۰۰۳ تدویر یافت که طی آن وضع عمومی میراث های فرهنگی افغانستان هر دو محسوس و غیر محسوس آن مورد بررسی همه جانبه قرار گرفت.
۴. ارقام تجدید شده در مورد بودجه انکشاف ملی در وب سایت www.af در دیتابیس موسسات کمک دهنده میسر است.



موزیم کابل

۲۵. عاج های بگرام در مسیر جاده ابریشم در افغانستان، که با سبک کلاسیک هندی کندن کاری شده، از موزیم کابل تاراج گردیده است

ایجاد چارچوب همکاری بین‌المللی

نویسنده مونیربوشناکی

مونیربوشناکی دکتورای خویش را در رشته باستانشناسی و تاریخ باستان از پوهنتون ایالت ایکزین فرانسه بدست آورد. قبل از پیوستن با یونسکو در سال ۱۹۸۲ او مسئولیت ریاست هنرهای زیبا، بناها و ساحات باستانی را در وزارت اطلاعات و فرهنگ الجزایر به دوش داشت. پیش از آنکه او به صفت معاون مدیر عمومی فرهنگ در سال ۲۰۰۰ مقرر گردد، او رییس بخش میراث فرهنگی و مرکز میراث‌های جهان بود. در همان سال، او به پاس خدماتش در بخش میراث‌های فرهنگی جایزه ICCROM را کمانی کرد. دانش او درین رشته و تخصص کاملاً شناخته شده اش در تطبیق برنامه‌های حفظ و نگهداری میراث‌های فرهنگی در شرایط جنگ عوامل کلیدی در نشان دادن و اکنش یونسکو به تخریب میراث‌های فرهنگی در عراق میباشد.

یونسکو در ماه‌های اخیرا و از اولین گزارشات درمورد صدمه به میراث‌های فرهنگی عراق بدینسو کار خود را روی هماهنگی تلاش‌های بین‌المللی غرض حفظ و نگهداری میراث‌های فرهنگی عراق و روی ارزیابی و گزارش دهی متخصصین از وضع موجود میراث‌های فرهنگی عراق متمرکز ساخته است.

تمام جنگ‌ها با هرج و مرج، معلولیت و قتل غیر موجه، روح انسان را پژمرده می‌سازد و خاطره چیزی را که هویت مردم یا به عبارته دیگر فرهنگ مردم را تشکیل میدهد دگرگون می‌کند. در عراق، در اثر ۱۳ سال تحریمات و بی‌نظمی ناشی از برخوردهای مسلحانه اخیر تاریخ هشت هزار ساله تاریخ بشر در يك وضع غیر معین قرار دارد. آتش افروزان کتابخانه‌ها و آرشیف‌ها را به آتش کشیده اند. چپاولگران تعمیرات تاریخی و نهاد‌های فرهنگی را به تاراج برده اند و آثار فرهنگی با ارزش بی‌نظیر از موزیم‌ها و ساحات باستانی ناپدید گردیده است. یونسکو با کمک جامعه جهانی قصد دارد تا میراث‌های فرهنگی عراق را در حیط‌توان فزیکتی و ابعاد سمبولیک خویش اعاده نماید.

پولیس بین المللی و ماموین گمرک در تماس شد. او بار دیگر از پولیس بین المللی، سازمان جهانی گمرک، کنفدراسیون بین المللی انجمن های فروش آثار هنری و باستانی (CINDA)، شورای بین المللی موزیم ها (ICOM)، شورای بین المللی بناها و ساحات تاریخی (ICOMOS) و دست اندرکاران عمده بازار آثار هنری تقاضا نمود تا نیروهای شان را با یونسکو در امر یک انسجام گسترده جهت جلوگیری از افتیدن آثار باستانی بدست افراد نا مطلوب یکجا نمایند.

سپس نخستین وظیفه، تعیین پیمانانه صدمه وارده به میراث های فرهنگی عراق بود. بنابراین، سه جلسه که متخصصین بین المللی را در مورد میراث های فرهنگی عراق گرد هم آورد بتاريخ های ۱۷ اپریل ۲۰۰۳ در پاریس، ۲۹ اپریل ۲۰۰۳ در لندن و اول اگست ۲۰۰۳ در توکیو دایر گردید. مبنی بر نتایج حاصله جلسات فوق الذکر و دو سفر به عراق که بتاريخ های ۱۵ - ۲۰ می ۲۰۰۳ و ۲۷ جون الی ۶ جولای ۲۰۰۳ صورت گرفت، پروژه های اعاده میراث های فرهنگی آن کشور طرح و پیریزی شد. دو پروژه از جمله این پروژه در حال تطبیق می باشد. هدف یکی ازین پروژه های در حال اجراء تأمین بازگشایی موزیم ملی عراق به احسن ترین وجه ممکن است و غرض به راه انداختن سایر پروژه با کمک دهنده گان مورد نظر تماس ها جریان دارد.

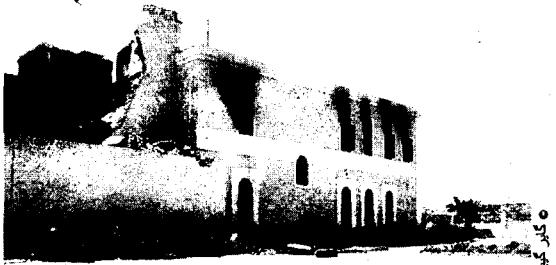
ارزیابی و گزارش دهی پیشنهادات برای اتخاذ

تدابیر عاجل و طرح پلان کاری

نخستین جلسه متخصصین فرهنگ بتاريخ ۱۷ اپریل ۲۰۰۳ در مقر یونسکو تدویر یافت و دارای سه هدف ذیل بود: (i) هماهنگ ساختن شبکه علمی بین المللی متخصصین میراث های فرهنگی عراق (ii) طرح رهنمود برای یک ستراتیژی واحد در زمینه اقدام و احیای مجدد میراث های فرهنگی عراق بعد از

خیلی ها قبل از بروز جنگ در عراق، یونسکو یک سلسله تدابیر را جهت ت تأمین این امر که جناح های مختلف زیدخل در جنگ باید از شرایط کنوانسیون سال ۱۹۵۴ لاهه و دو پروتوکول اضافی آن مربوط به حراست ملکیت فرهنگی در صورت آغاز برخوردهای مسلحانه آگاه باشند. بنابر این، مدیر عمومی یونسکو سرمنشی سازمان ملل و وزارت خارجه امریکا را در جریان گذاشت و نقشه مفصل موقعیت های ساحات باستانی و موزیم عراق را در اختیار آنها قرار داد. یونسکو همچنان از پولیس بین المللی، سازمان گمرک های جهان و کنفیدراسیون تاجران آثار هنری دعوت بعمل آورد تا به پیروی از کنوانسیون سال ۱۹۷۰ به ارتباط انتقال غیر مجاز مالکیت دارایی های فرهنگی خود را مطمین سازد.

پاسخ یونسکو به مسئله تاراج که در موزیم ملی باستانی بغداد رخ داد فوری بود. کوشیروماتسورا، مدیر عمومی یونسکو، با مقامات دولت های امریکا و بریتانیا تماس گرفت و از آنها تقاضا نمود تا جهت حراست و مراقبت ساحات باستانی و نهادهای فرهنگی عراق تدابیر فوری اتخاذ نمایند. موصوف در نامه مورخ ۱۱ اپریل سال ۲۰۰۳ خویش که عنوانی مقامات امریکائی نوشت بر نیاز عاجل حفظ و نگهداری کلکسیون ها و میراثی که غنی ترین میراث فرهنگی دنیا خوانده شده است تأکید ورزید. او به خصوص بر ضرورت مساعد ساختن زمینه حراست نظامی از موزیم باستانی بغداد و موزیم موصل تاکید بعمل آورد. عین در خواست به مقامات بریتانیا نیز به خصوص به ارتباط منطقه بصره ارسال گردید. به منظور جلوگیری از صدور غیر مجاز آثار فرهنگی عراق و حصول اطمینان از پیروی کنوانسیون سال ۱۹۷۰ یونسکو پیرامون منع و جلوگیری از توریید و انتقال مالکیت غیر مجاز دارایی های فرهنگی، مدیر عمومی یونسکو با مقامات کشور های هم مرز عراق،



۵
۲۶

۲۶. نمایی از بیت الحکمت که از دوره عباسیان یافت گردیده و در ساحه پیشین پارلمان عراق بوده که توسط آتش خساره برداشت.

مذکور شرکت نمودند اعزام فوری يك هئیت ارزیابی را تحت هماهنگی یونسکو پیشنهاد کردند. یونسکو نیز با مرکز پولیس بین المللی در لیوان فرانسه تماس گرفت. در جلسه که بتاريخ ۵ و ۶ می سال ۲۰۰۳ تدویر یافت و در حدود ۷۰ اشتراك کننده از جمله متخصصین، تاجران، نماینده گان موزیم ها و گمرکات بحث و گفتگوهای خویش را روی دارایی های فرهنگی سرقت شده عراق و طرق بازیابی آنها متمرکز ساختند. درین جلسه همچنان بر ضرورت همکاری جهان شمول در راستای ردیابی دارایی های سرقت شده و اهمیت داشتن دیتابیس هماهنگ شده و مرتبط در رابطه با آثار فرهنگی سرقت شده تاکید بعمل آمد. اشتراك کننده گان نیاز عاجل ایجاد يك دیتابیس دارایی های فرهنگی سرقت شده عراق را که در همکاری با پولیس بین المللی انکشاف یابد تصریح نمودند.

در اخیر ماه اپریل سال ۲۰۰۳ با اداره بازسازی و کمک های بشری (ORHA) در عراق تماس برقرار شد تا روی جزئیات هئیت پیشنهاد شده که متشکل از افراد مسلک های مختلف چون باستان شناسان، متخصصین عمارات و بناهای تاریخی، کلکسیون های موزیم و آرشیف باشد، کار صورت گیرد. اولین هئیت متخصصین در اواسط ماه می ۲۰۰۳ با گروپ

جنگ (iii) طرح يك پلان عاجل حفظ و نگهداری میراث های فرهنگی عراق.

در حدود ۳۰ تن متخصص پیشنهادات عاجل شان را که از آن روز به بعد اقدام بین المللی را درین راستا رهنمایی نموده است، به ترتیب ذیل ارائه کردند که :

۱) تمام موزیم ها، کتابخانه ها، آرشیف ها، بناها و ساحات تاریخی در عراق توسط نیروهای موجود در آنجا فوراً نگهداری و مصنوعن گردد. ۲) از صدور تمام آثار باستانی، انتیک، آثار هنری، کتب و آرشیف های عراق منع فوری بعمل آید. ۳) تجارت بین المللی میراث های فرهنگی عراق فوراً ممنوع گردد. ۴) برای بازگرداندن داوطلبانه و آنی آثار فرهنگی عراق که به سرقت برده شده و یا هم از عراق به طور غیر مجاز صادر شده تقاضا بعمل آید. ۵) هئیت دریافت حقیقت با هماهنگی یونسکو جهت ارزیابی اندازه خسارات وارده بر دارایی های فرهنگی عراق تعیین گردد. ۶) تلاشهای بین المللی در امر مساعدت با نهاد های فرهنگی در عراق تسهیل گردد. در عین زمان، موضوع ارسال هئیت حقیقت یابی به عراق را یونسکو با نماینده ایالات متحده امریکا، خانم بونی مگنیس گاردینر بحث کرد و اهداف اعزام چنین هئیت در جلسه متخصصین فرهنگ تعیین گردید.

جلسه دوم متخصصین بتاريخ ۲۹ اپریل ۲۰۰۳ مشترکاً با یونسکو در موزیم بریتانیا برگزار شد. درین جلسه بر علاوه موضوعات دیگر روی شماره ۱ و ۲ پیشنهادات متخصصین که در اجلاس منعقد شده پاریس صورت گرفت بحث بعمل آمد. روسای موزیم های عمده جهان که غرض اشتراك به این اجلاس دعوت شده بودند موضوع اتخاذ تدابیر عاجل در ارتباط با موزیم بغداد را در صدر لست اجندای مجلس قرار دادند. افزود بر آن، متخصصین که در جلسات

متخصصین از بیت الحکمت، انستیتوت فرهنگی که در دوران حکومت عباسیان تأسیس شده بود و میزبان اولین پارلمان عراق بود دیدار بعمل آوردند. تمام سامان آلات آن نا پدید گردیده و اتاق اصلی پارلمان در اثر آتش خساره دیده بود.

قصر عباسیان واقع در جوار بیت الحکمت که یکی از عمارات بی نظیر شهر بغداد به شمار می رود و تاریخ اعمار بعضی از قسمت های آن به قرن نهم بر میگردد توسط چپاولگران صدمه دیده بود. اعضای هنیت همچنان از عمارات مرکز ساحوی حراست میراث های فرهنگی، موزیم هنرهای زیبا که به طور کامل به یغما برده شده بود و از موزیم آلات موسیقی باز دید نمودند.

دومین هنیت متخصصین یونسکو از عراق از تاریخ ۲۸ جون الی ۶ جولای ۲۰۰۳ دیدن نمود. تا جائیکه وضع امنیتی اجازه می داد، هنیت از عمارات تاریخی، ارشیف ها، کتابخانه ها و ساحات باستانی در شمال عراق (موصل، نینایف، ابریل، هاترا و عاشور) و در جنوب کشور (بایبلون، کیش، ایسین، اور، اوروک و بصره) بازدید کرد. يك تعداد زیاد متخصصین که شخصیت های مشهور و سرشناس بین المللی اند جز این هنیت بودند. این متخصصین عبارتند از: پروفیسور شیگو اوکی، مدیر انستیتوت ملی تحقیقات دارایی های فرهنگی توکیو (جاپان) و دانشمند محیط زیست داکتر ج ام ارنولت، مدیر پروفیسور کین ماتسوموتو، مدیر هنیت باستان شناسی به کیش، پوهنتون کیوکوشیکان (جاپان) پروفیسور آی تیوسین، باستان شناس و مدیر انستیتوت کارستین نیوبهر برای مطالعات شرق نزدیک (دنمارک)، دکتور ام وان ایس، باستان شناس و مدیر هنیت باستان شناسی به اوروک، انستیتوت باستان شناسی (جرمنی)، پروفیسور رابرتاونیکو، باستان شناس و مدیر هنیت باستان شناسی به هاترا پوهنتون

متخصصین بین المللی که مدیر عمومی یونسکو تعیین کرده بود به عراق سفر نمود. این افراد متخصص عبارت بودند از: نیل مک گرپکور، مدیر موزیم بریتانیا، کین ماتسیوموتو، استاد پوهنتون کیوکوشیکان توکیو و مدیر هنیت باستان شناسی جاپان به کیش، ام جان روسل، استاد انستیتوت هنر های مسوچوتس بوستون و مدیر اسبق هنیت باستان شناسی به نینایف و رابرتو پراپیتی، مدیر مرکز ایتالیا - عراق برای حفظ و نگهداری بناهای تاریخی. دو متخصص بنام های سلمالراد، استاد پوهنتون نیویارک و مدیر اسبق موزیم عراق و مک گیوایر گیسن، استاد پوهنتون شیکاگو و مدیر انجمن باستان شناسی امریکا در عراق به گزارش یونسکو متعاقباً مساعدت نمودند.

هنیت يك ارزیابی ابتدایی اندازه صدمه و خسارات وارده بر دارایی های فرهنگی عراق و به خصوص موزیم عراق، کتابخانه ملی بغداد، بیت الحکمت و قصر عباسیان را انجام داد و يك گزارش مقدماتی را در مورد وضع میراث های فرهنگی در بغداد تهیه کرد. هنیت فعالیت خویش را روی پرسشهای مربوط به سرقت آثار فرهنگی، تهیه لست موجودی موزیم عراق و تعدیل يك پلان کاری به منظور اعاده نهاد های عمده فرهنگی شهر بغداد متمرکز ساخت. هدف خاص تدابیر شناسایی شده درین راستا قلدن ساختن کارمندان موزیم ها بود تا آنها فعالیت های شانرا از سر گیرند.

در موزیم ملی عراق، هنیت فرصت ارزیابی گسترده خساره وارده را داشت و فهرست اقدامات در خور اولویت را در هماهنگی با مدیر موزیم، خانم نواله متولی، آقای دونی جورج، مدیر تحقیقات و آقای جابر خلیل، مدیر عمومی ریاست آثار باستانی عراق و تحت نظارت جناب سفیر، پیروکوردون که توسط اداره موقت ائتلافی به صفت مشاور فرهنگی تعیین گردیده بود تهیه نمود.

باستانی و کار بازسازی، مساله غارتگری به خصوص در منطقه مرکزی جنوب عراق از هیلا در شمال گرفته الی ناصریه در جنوب در حدود ۲۰ ساحه مهم یا مشهور که به تاراج برده شده است و یا هم در حال تاراج قرار دارد ثبت گردیده است.

طوریکه در منطقه نیپور دیده شد، زود است که غارتگری هر روز صورت گیرد.

گزارشاتی در دست است که از صدها چپاولگری های دیگر در ساحات باستانی مانند اسین حکایت می کند. پنجاه در صد این ساحه شاید به غارت برده شده باشد و عین وضع در اداب (بسمیای جدید) گزارش داده شده است. به نظر میرسد که از ساحات متوسط گرفته تا ساحت بزرگ و قبرستان ها مورد یغما و چپاول قرار گرفته است و تخنیک چپاولگری مشابه به نظر می آید، تا هنوز هیچ نوع ارزیابی از هزاران تپه کوچکتر موجود در عراق صورت نگرفته است. اکثر حفاریات با استفاده از بیل صورت می گیرد و تیم متخصصین یونسکو استفاده از ماشین آلات ثقیل چون بلدوزر ها را مشاهده نه کردند.

چندین ساحه باستانی (اور، بابیلون و کیش) قبل و بعد از جنگ منحصیث پایگاه ها و پوسته های نظامی مورد استفاده قرار گرفته است. از سوی دیگر، میتوان گفت که حضور پایگاه های نظامی يك ساحه باستانی را در مقابل تاراج ممکن محافظت نموده باشد، اما فعالیت های نظامی (کندنکاری غرض ایجاد موضع، عبور و مرور وسایط نرهدار، اهتزازات ناشی از پروازهای هلیکوپترها و غیره) ممکن به آن خساره وارد کرده باشد. علت دیگر وارد شدن خساره به چنین ساحات باستانی ندادن آگاهی در مورد شناسایی میراث های فرهنگی عراق و مسایل مبرم حراست آنها به سربازان می باشد.

تورین (ایتالیا)، آقای کارل هینز کانید، نماینده پولیس بین المللی و مهندس عثمان غیلان نماینده مرکزی برای فرهنگ (هالند - عراق). در جریان سفر این هنیت، دکتور مویاد دمیریجی در عرصه باستان شناسی و ویشیار محمد در بخش کتابخانه ها و آرشیف ها از مقامات ذیصلاح عراق نماینده گی نمودند.

هدف سفر هنیت مزبور تکمیل ارزیابی جهانی وضع حراست ساحات عمده باستانی عراق و وضع حفظ و نگهداری موزیم ها و نهاد های فرهنگی خارج از بغداد بود و این هنیت ضمناً پلان کاری در خور اولویت به شمول پیشنهادات براه انداختن اقدامات غرض نجات آثار فرهنگی را تهیه کرد.

تیم شامل در ترکیب هنیت از وضع لابراتوارهای موزیم عراق، سامان آلات آن و جا بجا نمودن آن با خانم بوتیند موسلیم عبدالحسین، مدیر بخش اعاده موزیم عراق ارزیابی مفصل بعمل آورد.

تمام عرصه های تحلیل و تجزیه لابراتوارهای کیمیا، فزیک و جیولوژی، اتاق دود آگنی و اتاقهای مدل سازی، لابراتوار اعاده ظروف فلزی و سفالین، انبارخانه مواد کیمیای، لابراتوار اعاده عناصر عضوی و اتاق عکس برداری را تحت پوشش قرار داد.

ساحات باستانی

با وجود مشکلات شدید امنیتی، تیم متخصصین یونسکو به برخی از مشهور ترین ساحات باستانی عراق باطی فاصله بیش از ۳۸۰۰ کیلومتر توسط موتر از بغداد به بصره از بصره به اپریل و از آنجا به موصل سفر کرد. ارزیابی به چهار نوع "تخطی ها" از ساحات باستانی عراق در اثر واقعات جنگ، دهه ها تحریمات و فروپاشی زیر بناها اشاره کرده است: به تاراج بردن و حفاریات غیر مجاز، موجودیت پایگاه های نظامی، روبه زوال گذاشتن سریع ساحات

متر حفظ گردیده بود در وضع بسیار ناگوار قرار داشت و نیاز به تحکیم عاجل آنها دیده می شود. در منطقه اورک یعنی ورکه نی جدید که یکی از بزرگترین تپه های منطقه در مقر ولایت موتانا می باشد حفرياتیکه صورت گرفته صرف در حدود چهار در صد تمام ساحه را برهنه ساخته در حالیکه بقیه آن دست ناخورده مانده است. يك محافظ مسلح که معاش او را گروه عزامی جرمنی که در ساحه کار میکند می پردازد و قبيله ات توبی که در جوار منزل این گروه عزامی زنده گی میکنند محافظت این ساحه را می نمایند. درین ساحه اثر تاراج دیده نمی شد و نه از سرقت آن گزارش داده شده بود. اما بخشی از ساختمان های حفر شده دست خوش فرسایش شدید گردیده و هر چه عاجل باید به کار تحکیم آن پرداخته شود. معبد سفید و سکوب که به آن تکیه کرده به علت شرایط ناگوار اقلیمی قرار دارد.

با بیلون مشهورترین شهر باستانی عراق می باشد. قسمت مرکزی این شهر به يك اردوگاه نظامی مبدل گردیده است. تیم متخصصین موفق به دریافت و کشف صدمه که در اثر جنگ وارد شده باشد نه گردیدند. ولی استفاده ازین ساحه برای پایگاه نظامی شاید به مناطقیکه تیم مذکور سفر نه کرد باعث مشکلات گردیده باشد.

معضله غیر مستقیم ناشی از جنگ عبارت از اعمار مجدد جنجال بر انگیز قصر بابلین جدید بر سر مخروبه ها یا تهداب های عمارات واقعی است. بنابراین، این ساحه باستانی غرض درج نمودن در فهرست یونسکو برای میراث های جهانی مورد پذیرش قرار نگرفته است.

صدام حسین آنسوی دریا بر سر يك تپه نی خود ساخته قصر بزرگی را که از آن این ساحه باستانی دیده می شود در محدوده دیوارهای شهر اعمار کرد. به یغما بردن این قصر و واحدهای اداری ریاست آثار

به گونه مثال، اور یک تپه جدید واقع مقیار ولایت ده قار در وسط یک اردوگاه بزرگ نظامی و میدان هوایی موقعیت دارد.

هنیت یونسکو نتوانست وضع آنرا مورد ارزیابی قرار دهد اما از ناحیه خطرات ممکن که ساحه باستانی در محدوده اردوگاه نظامی را متاثر ساخته است نگران بود.

منطقه اور بخاطر Ziggourat آن که به بهترین وجه حفظ و نگهداری گردیده است و به يك اندازه ترمیم حتی قبل از آغاز برخورد های مسلحانه اخیر نیاز داشت از شهرت برخوردار است. از سوی دیگر، ساحه منازل شخصی که در وهله اول تا ارتفاع دو



۲۷. این سرساخته شده از خراس آباد که خوشبختانه توسط مقامات عراقی دوباره احیا شده از یک ساحه تاریخی به تاراج برده شده و برای صدور غیر قانونی پارچه پارچه شده بود.

دخول به برخی از اتاق های مجتمع ایوان های بزرگ توسط دیوار های سنگی مسدود گردیده بودند وارد شده باشد.

فرو ریخته گی سطحی در نقوش برجسته ایوان جنوبی معبد الات به مشاهده رسیده است. نیاز عاجل به حراست این ساحه باستانی محسوس است.

عمارات تاریخی

عمارات تاریخی عراق به دو دوره که عبارت از عباسیان متاخر و عثمانی ها می باشد تعلق می گیرد. اوالذکر شامل مساجد، قصرها، مدارس (نهادهای تعلیمی) کاروان سرای ها و مقبره می باشد. تیم یونسکو از یکعده عمارات تاریخی در بغداد، بصره، موصل و ابریل دیدار بعمل آورد.

شهر بصره در جریان جنگ ایران و عراق مورد بمباردمان های مکرر قرار گرفت. خسارات وارده به این شهر بعد از جنگ اخیر نیز گسترده بود. کتابخانه های عمده آن کاملاً به آتش کشیده شده بود. يك تعمیر زیبا از دور "راج بریتانیا" که در امتداد ساحل دریا در دهه ۱۹۳۰ اعمار گردیده و متعلق به پوهنتون بصره بود کاملاً به یغما برده شده و په مخروبه ها مبدل گردیده است، چندین عمارت رهایشی چند طبقه بی که در امتداد نهر اشر واقع است به نسبت غفلت و فقدان حفظ و مراقبت در وضع بدی قرار دارد. این تعمیر های خشتی اند که دارای حویلی های سرپوشیده و بالکن های چوبی برون برآمده می باشد که با توردوزی ظریف چوبی روکش کاری گردیده اند.

در شمال عراق تیم یونسکو از جمله سایر شهرها از شهر موصل دیدن نمود. مهمترین انکشاف این شهر در نیمه اول قرن سیزدهم صورت گرفت. منار خمیده نی مساجد النوری که در سال ۱۱۷۲ عمار گردیده مورد علاقه و دلچسپی خاص می باشد. مکتب موسیقی سنتی که يك نهاد مهم می باشد کاملاً به تاراج

باستانی از میرم ترین معضله در شهر بابلویون به شمار می رود. تمام لست های موجودی، آرشیف ها و تاسیسات برق به باد فنا رفته اند. موزیم به استثنای ساحه بزرگ نمونه نی آن به تاراج برده شده است اما از آنجائیکه آشیای سرقت شده قالب ها بودند، خساره وارده را نمی توان جدی تلقی کرد.

اداره موقت انتلافی با يك شرکت ساختمانی محلی تماس بر قرار نموده است تا خساره وارده به موزیم را ترمیم کند. این ساحه باستانی برای سیاحت به روی عساکر "خارجی" در عراق باز می باشد. معلوم نبود که این ساحه باستانی در دسترس مردم عادی عراق قرار داشته است یا خیر؟

در منطقه هاتره، اولین ساحه باستانی عراق که در لست یونسکو برای میراث های فرهنگی جهان در سال ۱۹۸۵ درج گردید، نشانه از تاراج دیده نمی شد. سر پیکر تراشی شده که از دیوار به زمین افتیده بود ظاهراً پیکر به سرقت برده شده ولی نمی توان این رویداد را فوراً به کدام حادثه جنگی نسبت داد.

این ساحه باستانی چون به پیمانیه وسیع با سنگ های آراسته شده نی حاوی اسم نقش و نگار شده نی صدام حسین اعاده گردیده است، با معضله مشابه به وضع شهر بابلویون دچار می باشد. يك تیم کوچک پنج نفری عساکر امریکانی در ساحه منکور گزمه می کند و قرار گاه شان در معبد شهیرو بوده که باعث وارد نمودن صدمه به آن منطقه می شود. تنها به وسایط مجاز اجازه ورود به تیمونوس دروازه که با قفل بودنش مانع ورود می گردد و از پوسته موجود در آنجا محافظت بعمل می آید داده میشود، از داخل عمارات واقع در تیمونوس يك سرسنگی مونث از تزئینات ایوان کوچک در مجتمع ایوان بزرگ ناپدید گردیده و يك قسمت پهلوی راست نقوش برجسته در معبد الات شکستانه شده است. خسارات دیگر ممکن در طول مدت تعزیرات که در آن زمان راه های

کتابخانه ملی بغداد شدیداً صدمه دیده است. تعمیر این کتابخانه که در سال ۱۹۷۷ اعمار گردیده بود به آتش کشیده شده و دوبار به تاراج برده شد که بار اول بتاريخ ۱۴ اپریل ۲۰۰۳ بود و بار دوم يك هفته بعد از آن. طبقه اول آن با اتاق اصلی مطالعه به غارت برده شده است. کارتهای فهرست کتب در روی فرش پراکنده گردیده و نشانه های تلاش های به آتش کشیدن کتب که به طور آزاد در چند محل در دسترس قرار داشت به مشاهده می رسید. بخش صحافی اصلاً دیگر وجود ندارد. اولین شواهدی که به چشم می خورد بیانگر این امر است که کار آتش سوزی يك اقدام سازمانداده شده و کاملاً منظم بوده است. در بعضی نقاط کتب جمع آوری شده و با ماده قابل احتراق به آتش کشیده شده بودند تا یکجا با الماری های فلزی طعمه حریق شوند و این بدان معناست که درجه حرارت به اندازه کافی بلند بود که کتب و ساختمان تعمیر را نابود سازد.

اداره موقت ائتلافی از تعمیرکتابخانه نگهبانی نمیکرد. قبل از جنگ نیز مشکل بود تعداد دقیق کتب موجود در کتابخانه را دانست. طبق روش که برای شرح جراید (تعداد عناوین یا تعداد شماره ها) استفاده شده بود تعداد مجموعی آنها فرق میکرد. باوجود آن به نظر میرسد که بنابر طول الماری ها به مترتعداد کتب که معمولاً روی فرش انبارخانه ها افتیده بود، مشبوع بودن انبارخانه ها و غفلت اداره کتابخانه به تعداد ۱۲۰۰۰۰۰ جلد کتاب که از بین رفته است یک رقم بسیار بلند میباشد. در فاصله زمانی میان آتش سوزی اول و دوم (در حدود یک هفته) کارمندان کتابخانه و رضاکاران یک حصه کلکسیون ها را به مسجد شیعه ها در شهر اسبق صدام حسین و دریک تعمیر اقامت سیاحان انتقال دادند. در حال حاضر، کلکسیون ها در سه ساحه مختلف انبار گردیده اند. در حدود ۷۰۰۰۰۰ جلد کتاب تا هنوز در کتابخانه ملی

برده شده و برنامه های درسی آن به طور مکمل متوقف گردیده است. مرکز میراث ملی در ضایع سنتی به ۱۲۰ پسر و دختر آموزش می داد، اما خوشبختانه صدمه که غارتگران به آن وارد نموده اند به طور نسبی اندک می باشد. یونسکو مبلغ ۲۵۰۰۰ دلار را که به مثابه سر مایه آغازین برای يك پروژه احیای مجدد از آن استفاده شود تخصیص داده است که این ابتکار مورد حمایت اداره موقت ائتلافی قرار گرفت.

آرشیف ها و کتابخانه ها

به ارتباط آرشیف ها و کتابخانه ها باید گفت که وضع نهادهای ذیل مورد ارزیابی قرار گرفته است: در بغداد کتابخانه ملی، آرشیف های ملی، مرکز عراق برای آثار خطی، کتابخانه اوقاف کتابخانه پوهنتون منصوریه، در بصره: کتابخانه مرکزی عامه، کتابخانه پوهنتون مرکزی و کتابخانه موزیم، مرکز آثار خطی بغداد که بخش عمده آثار ملی را جمع آوری کرده است مصنون می باشد یعنی که تعمیر آن در وضع خوب قرار دارد و به تاراج برده نه شده است. در سال های اخیر به تعداد کلکسیون آن با يك تعداد بزرگ کلکسیون های کوچک که از نقاط مختلف کشور وارد آن گردیده است افزوده شده است و اکنون تقریباً دارای ۴۷۰۰۰ جلد آثار خطی می باشد. در طول ماه های قبل از آغاز برخورد های مسلحانه این کلکسیونها به يك محل مصنون در يك پناه گاه مخفی انتقال داده شد. باز گرداندن و دوباره گذاشتن آن کلکسیون در محوطه سابق آن طبق پلان طرح شده به مجرد اعاده امنیت در بغداد صورت می گیرد. لابراتوار و بخش اعاده مرکز آثار خطی که (در خانه کوچک همجوار مرکز واقع است) کاملاً به یغما برده شده و صرف اتاق های خالی بجا مانده است.

لست ساحات فرهنگی که باید محافظت و نگهداری شوند تحویل داده شد. درین لست بیش از صد ساحت مهم که باید از آنها محافظت بعمل آید و به تقریباً ۲۰ ساحت آن که مورد تاراج قرار گرفته اند حق اولیت داده شده درج گردیده است.

نهاد های علمی و اکادمیک نیز نقش ارزنده را در امر ارزیابی این وضع بازی کردند. موزیم بریتانیا، دکتر هیلن مکدونالد را از پوهنتون کمبریج به صفت هماهنگ کننده فعالیت های باستان شناسی اعزام نمود. دو هفته قبل از دیدار تیم یونسکو از ساحت باستانی بابیلون، اودرین ساحت توظیف گردید تادر کار احیای مجدد آن و همچنان در حراست ساحات باستانی در جنوب عراق کمک کند. در اثنای یک نشست با تیم متخصص یونسکو نامبرده در مورد وضع ساحات باستانی نگرانی عمیق خویش را اظهار نمود. از سفر او به اطراف مملکت به دلیل مشکلات امنیتی و عدم حضور نظامی در آن مناطق تقریباً جلوگیری بعمل آمد. همچنان او انجام وظایف خویش را به تنهایی وبدون حضور نظامی تقریباً ناممکن یافت و خواستار اقدام نیرومند بین‌المللی و هماهنگ شده درین راستا گردید. در عین زمان گینسن، استاد پوهنتون شیکاگو سعی بعمل آورد تا تاراج واقع شده را توسط تصاویر قمر مصنوعی دریابد.

لست توصیه های را که تیم متخصص یونسکو تهیه کرده است طویل و به ترتیب اولویت ها میباشد و محراق توجه آن تجویز یک پلان احیای مجدد برای موزیم عراق و شناسایی شرایط مناسب محیطی در مناطق نمایی و سامان آلات لازم غرض احیای مجدد لابراتوار ها خواهد باشد. تربیه پرسونل نیز یکی از اولویت های میباشد. اقدام کوتاه مدت برای ساحات باستانی توقف غارتگری ساحات باستانی در جنوب عراق و دیال به کمک اداره موقت ائتلافی و برآه انداختن یک کمپاین حفاریات غرض نجات بقایای

موجود میباشد. در حدود ۳۰۰۰۰۰ جلد در مسجد تاوریه و تقریباً ۲۰۰۰۰۰ جلد به نظر میرسد در تعمیر اقامت سیاحان در بغداد جابجا گردیده باشد. به سبب تعزیرات، صرف یک تعداد اندک عناوین ثبت گردیده و هیچ کدام فهرست مراجع به چاپ نرسیده بود. گفته میشود که تمام لست های موجودی در اثر حریق یا خرابکاری نابود گردیده اند. برخی از کارتهای فهرست هنوز در جعبه ها موجود اند اما شمار زیاد آنها در روی فرش پراکنده میباشد. این کارتها باید همراه با اسناد که در تعمیر کتابخانه پراکنده اند جمع آوری شوند، به احتیاط پاک کاری گردیده در سبب ها گذاشته شوند تا که شرایط کار بالای آنها مساعد تر گردد. در موصل، کتابخانه مرکزی پوهنتون که در یک محل مناسب ساحت پوهنتون موقعیت دارد ویران و به یغما برده شده بود (اثاثیه، سامان آلات و کتب) ولی به آتش کشیده نه شده بودند. ساختمان تعمیر کتابخانه مذکور متحمل خساراتی که ساختمان کتابخانه های بغداد و بصره گردید نه شده است. بنابر تقاضا های مقامات مذهبی غرض برگرداندن کتابهای به سرقت برده شده، صرف ۳۰ درصد کتب ممکن از دست رفته باشد. این کتابخانه اعاده شده است و مبنی بر کمک نیروهای امریکا و وجوه که آنها تدارک دیده اند بازگشایی گردیده است.

گزارش و توصیه های هیئت متخصص تیم متخصص یونسکو در ختم ماموریت خویش به جناب سفیر، پیرو کوردون، هماهنگ کننده اداره موقت ائتلافی برای میراث های فرهنگی و سایر نمایندگان اداره موقت ائتلافی در مورد نتایج ماموریت شان گزارش داد. در گزارش تذکر بعمل آمده بود که چون به واحد های نظامی در مورد ماهیت و پیچیدگی ساحات فرهنگی که آنها در آن کار میکنند معلومات ارائه نه گردیده بود، حضور نظامی در آن ساحات یک معضله جدی بود. به جناب سفیر کوردون

پیشنهاد گشایش دفتر یونسکو را در عراق نمود تا هماهنگی میان یونسکو، اداره موقت انتلافی و مقامات مسؤول میراث های فرهنگی عراق را تأمین نماید. مهندس عثمان غیدان به حیث متخصص ارتباطت وظیف گردیده است.

در اواسط ماه آگست ۲۰۰۳ جلسه سوم متخصصین یونسکو پیرامون حفظ و نگهداری میراث های فرهنگی عراق که یونسکو و اداره امور فرهنگی جاپان آنرا مشترکاً سازمان دهی کرده بودند به منظور بحث روی نتایج هئیت های ارزیابی یونسکو به عراق، کمک های بین المللی و میکانیزم هماهنگی بین المللی غرض تطبیق ستراتیژی کلی احیای مجدد میراث های فرهنگی در عراق و بالاخره موضوعات مربوط موزیم عراق در بغداد را مورد بحث و گفتگو قرار دهند تدویر یافت (۳۱ جولای ۲ آگست ۲۰۰۳). از جمله تدابیری که باید اتخاذ گردد متخصصین از مدیر عمومی یونسکو تقاضا نمودند تا یک کمیته هماهنگی بین المللی را غرض حفظ و نگهداری میراث های فرهنگی عراق تحت حمایت حکومت آینده آنکشور و یونسکو تأسیس نماید. این تقاضا بر مبنای تجربه که یونسکو در کمبودیا، بوسنیوا و به تازگی در افغانستان بدست آورد صورت گرفت. در انشای جلسه همچنان پیشنهاد گردید که اولین مجلس کمیته هماهنگی بین المللی در هفته اول ماه دسیمبر در مقر یونسکو در پاریس دایر گردد. موضوعات کلیدی که در جریان مجلس مورد بحث قرار گرفت اقدام کوتاه مدت و دراز مدت، تجهیز و گشایش لابراتوارها در موزیم، آغاز اعاده آثار هنری شدیداً متضرر شده و براه انداختن برنامه های آموزشی برای کارمندان موزیم را محراق توجه خود قرار داد. گام عمده در جهت اجتناب از همزمان بودن کمک های جاپان/ایتالیا و انگلستان که هدف هر دو آن تدارک سامان آلات به موزیم ملی عراق بود برداشته شد. در عین زمان، یونسکو دو کمپاین جمع

ساحت باستانی را که در اثر تاراج شدیداً خساره دیده اند منحیث اولویت های عمده مورد توجه قرار خواهد داد. هدف اقدامات میان مدت و دراز مدت (الف) ترغیب و تسهیل سفر گروه های اعزامی به مجردیکه زیربنای ریاست آثار باستانی دوباره تأسیس شود (ب) آماده سازی و هماهنگی یک پروژه نجات برای وادی در اطراف منطقه آسورو (ج) آغاز کار بالای برخی از ساحات عمده حفر شده که از گل و خشت ساخته شده یعنی معبد سفید در منطقه اوروک.

تاجانیکه به کتابخانه ها و آرشیف ها مربوط میشود، توصیه های مقدماتی عمومی عبارت بودند (الف) دریافت عمارات مصون غرض جمع آوری و نگهداری کلکسیون های پراکنده؛ (ب) آماده ساختن برنامه های نگهداری، (ج) بهبود بخشیدن شرایط محیطی انبار نمودن موقت و (د) تشویق و ترغیب کارمندان تا کار خویش را از سرگیرند.

ولی موفقیت در امر پیاده نمودن چنین توصیه های میتواند تنها بواسطه انکشاف پروژه های دراز مدت هماهنگی شده بین المللی برای تحقیقات و حراست و حتی سیاحت برای اکثر ساحات و بناهای باستانی عراق تأمین گردد. به همین دلیل، یونسکو به طور موازی در راستای هماهنگی تلاشهای بین المللی در زمینه کار و فعالیت نموده است.

هماهنگی تلاش های بین المللی

یونسکو بر علاوه اعزام هئیت های متخصص و بنا بر نقش که در هماهنگی فعالیت های بین المللی غرض احیای مجدد میراث های فرهنگی عراق دارد، بتاريخ ۱۶ جولای ۲۰۰۳ در پاریس جلسه هماهنگی تمام کشورهای عضو خویش را جهت سوق دادن پیشکش های کمک در جهت نیازمندی های درخور اولویت و زمان بندی آنها در یک چوکات زمانی ممکن را دایر نمود. مدیر عمومی یونسکو درین جلسه

تصمیم به یونسکو، اقدام موسسه مارا درین زمینه سهل میسازد. من همچنان این بند را به مثابه قدردانی از تلاش های خود میدانم. " اوبیشتر اظهار داشت " یونسکو در چارچوب سیستم سازمان ملل آماده است مسؤلیت های خاص را که علی الخصوص در عرصه تعلیم و تربیه و فرهنگ به آن سپرده شده به صورت مکمل به عهده گیرد. " به مثابه نشانه نی از تعهد قبلی ایفای نقش فعال در کاربازسازی، یونسکو از نزدیک در روند ارزیابی داخل اداره که رهبری آن را گروه انکشافی ملل متحد (UNDP) که غرض برآورده ساختن نیازمندی های بازسازی سکتوری در عراق تأسیس گردیده است دخیل میباشد. یونسکو در جلسه کاری گروه انکشافی ملل متحد/گروه تسوید بانک جهانی برای نهایی کردن ارزیابی نیازمندی های عراق که در دومی از ۲۱-۲۴ سپتمبر ۲۰۰۳ به قصد تهیه اجندای گروه انکشافی ملل متحد/مجلس کمک دهندگان بانک جهانی (۲۳-۲۴ اکتوبر ۲۰۰۳) دایر گردید، اشتراک نمود. بانک جهانی که مسؤلیت هماهنگ کردن گزارش برای سکتور تعلیم و تربیه را به عهده دارد به یونسکو وظیفه ارزیابی نیازمندی ها در بخش تحصیلات ثانوی،

۲۸-۲۹. تراج در موزیم ملی عراق، سرمجسه شیر محافظ (۶۰ سانتی بلندی) مربوط معبد اصلی در تل هارمل (بابلی های قدیم ۱۸۰۰ ق.م) شکستاده شد و بدن آن توته، توته گردید.



یونسکو / شیر بوشناکی

۲۸

آوری اعانه را براه انداخت که یکی آن صنایع خصوصی، بنیاد ها و نهاد ها در سراسر جهان و دیگران به طور مشخص کمک دهندگان خصوصی را در سوزرلیند هدف قرار داد.

هماهنگی با سایر ادارات سازمان ملل

بتاریخ ۲۳ می سال ۲۰۰۳ شورای امنیت به اتفاق آراء به نفع قطعنامه ۱۴۸۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد پیرامون نقش حیاتی که سازمان ملل باید در امر تأمین کمک های بشری، بازسازی عراق و اعاده و تأسیس نهاد های محلی و ملی برای حکومت ایفا کند رأی داد. مدیر عمومی یونسکو تصویب این قطعنامه را به خصوص بند ۷ آنرا که به موضوع مشخص ترافیک غیر مجاز ملکیت فرهنگی سرقت شده عراق مربوط میشود و خواستار اقدام یونسکو درین زمینه میگردد استقبال نمود. مدیر عمومی یونسکو تأکید کرد که این بند مبین پیشرفت عمده است و تاحدی پیش می رود که تمام کشورهای عضو یونسکو را ملزم میسازد تا تمام تدابیر لازم را غرض تسهیل برگرداندن مصنون ملکیت سرقت شده فرهنگی اتخاذ کنند و تجارت یا انتقال چنین ملکیت را منع نمایند. این بند با توسع مکلفیت های شامل در کنوانسیون سال ۱۹۷۰ به تمام اعضای سازمان ملل متحد که همه آنها به این کنوانسیون متعهد نمیشوند و با سپردن وظیفه تطبیق این



یونسکو / شیر بوشناکی

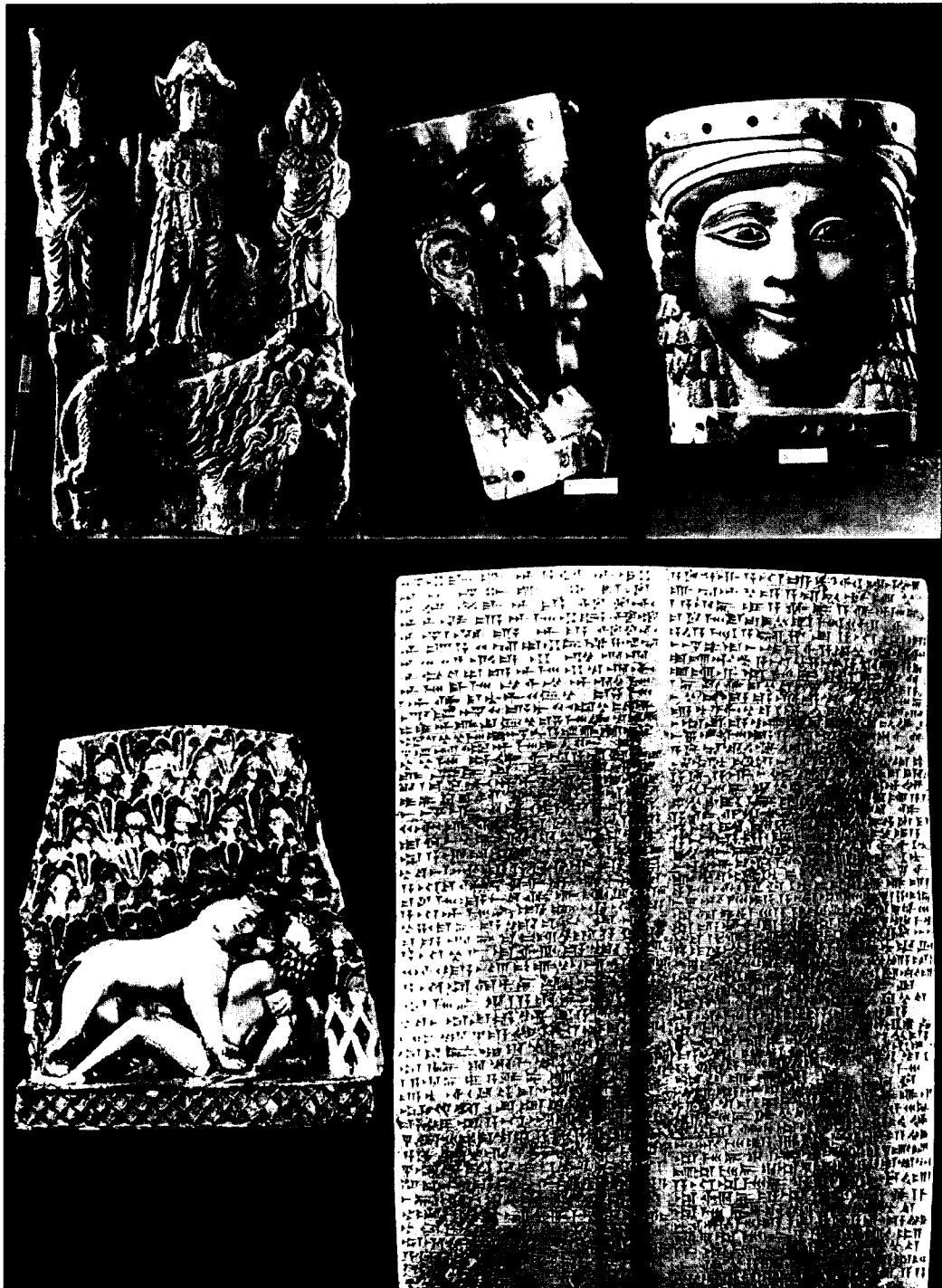
۲۹

تخنیک، حرفوی و عالی سپرده است. به منظور تجویز ستراتیژی همکاری با رسانه‌های خبری، یونسکو به درخواست گروپ انکشافی ملل متحد، ارزیابی نیازمندی‌های عراق را برای انکشاف رسانه‌های خبری و آزادی مطبوعات رانیز به دوش گرفته است.

امابرای کویشر و مستورا، مدیر عمومی یونسکو فرهنگ، شالوده اساسی دموکراسی و هویت ملی است و در توضیح پالیسی‌های کمک‌های عاجل بشری که توسط جامع بین‌المللی برای کشورها در حالات بعداز جنگ تعیین میگردد و باید چون تدابیر امنیتی، تعلیمی و صحی مدنظر گرفته شود. فرهنگ و میراث فرهنگی که یکی از نیرومندترین اصطلاحات آن میباشد عامل اساسی در امر بازسازی یک کشور محسوب میگردد. اگر درسی باشد که ماباید حداقل از یورش‌های مکرری که بر میراث‌های فرهنگی در دهه اخیر صورت گرفته است و جامعه بین‌المللی شاهد آنست بیاموزیم باید همین درس باشد.

یادداشت:

بند ۷ قطعنامه ۱۴۸۳ چنین تصریح میدارد: شورای امنیت (...) فیصله میکند که تمام کشورهای عضو اقدامات لازم را غرض برگرداندن مصون‌الملکیت فرهنگی عراق و سایر اقلام که از اهمیت باستانی، تاریخی، فرهنگی، علمی و مذهبی برخوردار است و به شکل غیرقانونی از موزیم ملی عراق، کتابخانه ملی آن و دیگر محلات عراق بعداز تصویب ۶۶۱ (۱۹۹۰)، ۴ اگست ۱۹۹۰ برده شده به شمول منع تجارت و انتقال چنین اقلام و اقلامی که به ارتباط آن سوظن معقول موجود است که به طور غیرقانونی برداشته شده اند و این بند از سازمان تعلیمی، علمی و فرهنگی (یونسکو)، پولیس بین‌المللی و سایر سازمان‌های بین‌المللی تقاضا میکند که به طور لازم در تحقق این بند همکاری نمایند.



۳۰-۳۳. تصاویر نیل از آرشیف موزیم بین المللی (بخاطر دسترسی به تمام انتشارات موزیم بین المللی الی سال ۱۹۴۸ در ۳۰-۳۳. تصاویر نیل از آرشیف موزیم بین المللی (www.unesco.org/culture/museumjournal) که در سال ۱۹۵۴ به موزیم ملی عراق اختصاص داده شده می باشد. چنین پنداشته می شود که دونوع آثار هنری بسرقت رفته است. باز یافته های باستانشناسی هارا: نمایش برجسته که الهه الات در شکل آتینا با دو شکل دیگر که احتمالاً الهه العزا و منطرا نشان می دهد. حیرنات در نیمرود، سرمجمه عاجی یک زن، احتمالاً مربوط به ۷۲۰ ق.م. که از موزیم ملی عراق به سرقت رسید است. مجسمه عاج طلائی شیرماده در حالت حمله مربوط به ۷۲۰ ق.م. نیمرود. که از موزیم ملی عراق به سرقت رسیده است.

نقش مؤسسات غيرحکومتی در فعالیت های عاجل بین المللی

توسط مایکل پیتریت و ژاکس پیروت

پروفسور داکتر مایکل پیتریت رئیس کمیته ملی جرمنی و از سال ۱۹۹۹ به اینسو رئیس ایگوموس میباشد. از سال ۱۹۷۲ الی ۱۹۷۴ نامبرده به حیث رئیس موزیم شهر میونخ بنام (لیباچاوس) ایفای وظیفه نموده است. برای مدت ۲۵ سال (۱۹۷۴-۱۹۹۹) وی در مقامش بحیث رئیس عمومی دفتر حفاظت ایالت (Bavaria) خدمت نموده است. وی کتب و مقالات زیادی را در مورد معماری فرانسه در فرون هفده و هژدهم، هنر و بنا های تاریخی ناحیه (باوریا Bavaria) و مشکلات عمده حفظ بناها تالیف نموده است و مدیر مسئول یک سلسله نشریه ها در مورد مسائل حفظ و نگهداری آثار تاریخی میباشد.

ژاکس پیروت (Jacques Perot) رئیس عمومی موزیم ها، پلیوگرافر، مسئول آرشیف، و عضو اکادمی عملی ایگول فرانسه میباشد. وی از سال ۱۹۹۸ به اینسو پس از اینکه به حیث رئیس کمیته ملی فرانسه و کمیته مشورتی انتخاب گردید. از سال ۱۹۹۲ الی ۱۹۹۸ ژاکس پیروت رئیس موزیم نظامی در هتل ملی (de Invalides) بوده است. وی از سال ۱۹۹۴ به اینسو رئیس موزیم های ملی و مسئول (Domains of Compiègne and Blerancourt) میباشد.

سرایبو، کابل و بغداد سه محلی اند که بدبختانه در نتیجه جنگ خسارات جدی به میراث های فرهنگی آن وارد گردیده است. با مواجه شدن با این فجایع (درینجا سوال به میان می آید که آیا این فجایع قابل جلوگیری بود و یا خیر و اگر بود چگونه از آن جلوگیری شده میتوانست) از برکت رسانه های خبری درین چند هفته نظریات جوامع بین المللی با هم بسیج گردیده است باوجودیکه اطلاعات حاصله از آن اکثراً نامکمل و یا بعضاً نادرست بوده اند. این حوادث جامعه موزیم بین المللی را عمیقاً متأثر ساخته و همبستگی خود را بصورت فعالانه ابراز مینماید. ولی تلاش های یک مؤسسه غيرحکومتی نظر به یک اداره حکومتی و یا خود حکومت تا چه اندازه میتواند رول بازی نماید؟ همبستگی مکلفیت هر فرد میباشد ولی چگونه میتواند آنرا بصورت مؤثرانه به اثبات رسانیده و توقعات همکارانی را که تحت چنین شرایط دشوار قرار دارند تا چه حدی میتواند برآورده سازد؟

بوده است باعث صدمه عظیمی به ميراث های انسانی گردید، که بعضی آن جبران ناپذیر میباشد.

کمیته بين المللی سپر آبی (ICBS) در سال ۱۹۹۶ به ابتکار سه مؤسسه غيرحکومتی که نمایندگی از سه بخش عمده ميراثی مینمودند ایجاد گردید (شورای بين المللی آرشیف ها، شورای بين المللی موزیم ها، شورای بين المللی بناها و نواحی فرهنگی، و فدراسیون بين المللی سازمانها و انجمن های آزاد). هدف (ICBS) تأمین پاسخ موثر به واقعات اضطراری بوده نظر به دلایل غيرقابل انکار ایجاد گردید. در وقایع آفات طبیعی و یا برخوردهای مسلحانه این بی مفهوم خواهد بود تا فقط در مورد یک بخش ميراث ها توجه صورت گیرد. مواردی که رسیدگی عاجل را ضرورت دارند باید نخست از همه مورد توجه قرار گیرد و این موضوعی بود که هر سه مؤسسه فوق الذکر آنرا اساسی شمرند، بزودی سازمان های حکومتی و مراکز بين المللی مطالعات حفظ و اعاده ميراث های فرهنگی (ICCROM) به آن پیوستند تا بتوانند تدابیر عاجل را با هم یکجا عملی نمایند. ماموریت (ICBS) این است تا معلومات را جمع آوری و توحید نموده، در موارد عاجل فعاليت ها را هماهنگ ساخته و ميراث های فرهنگی را در مطابقت با پیمان سال ۱۹۵۴ هاگ حفاظت و نگهداری نماید. این کمیته در نشان خود علامه سپر آبی را که توسط پیمان هاگ نمایش داده شده انتخاب نموده، این نشان بسیار به ندرت مورد استفاده قرار گرفت ولی بالای بناها و نواحی فرهنگی که نیازمند حفاظت است در تعدادی از کشورها به مشاهده میرسد. این کمیته که توسط مؤسسات غيرحکومتی بنا نهاده شد باید قادر به اتخاذ تدابیر بصورت مشترک باشد. این کمیته باید قادر باشد تا خسارات را ارزیابی نموده و در اقدامات اولی که برای حفاظت ميراث معروض به خطر عملی میگردند مساعدت نماید. در جمله اهداف طویل المدت مانند یک صلیب سرخ برای

بطور مثال در عراق باید اثرات جنگی را در نظر بگیریم که توسط یک ائتلاف کشورهای مختلفه که مهمتر از همه بعضی آنها نه پیمان هاگ را که در سال ۱۹۵۴ برای حفظ دارایی های فرهنگی حین برخورد های مسلحانه عقد گردید و نه پروتوکول دوم آنرا تانید نموده اند. پس ما چنین نتیجه گیری نموده میتوانیم که در جریان و پس از مجادلات مسلحانه متجاوزین متن و یا ماهیت این پیمان را رعایت ننمودند. نتیجه واضح آن بی امنیتی و تاراج موزیم ها میباشد که خوشبختانه کمتر از آنچه که در اول اعلام گردید دریافت شد، و این به نسبت اقدامات حفاظتی بود که توسط بعضی همکاران عراقی ما صورت گرفت. سلسله حفريات خودسرانه و غارت دارایی های فرهنگی بزودی به تجارت غيرقانونی آن توسعه پیدا کرد. ما ازین مشاهدات چه درسی را میتوانیم بیاموزیم؟

اولین درس در مورد پیمان ۱۹۵۴ هاگ و پروتوکول سال ۱۹۹۹ آن بود. در حقیقت جای تأسف است و به مشکل میتوان باور کرد که در آغاز قرن ۲۱، هنوز هم کشورهایی موجود اند که پیمان و پروتوکول آنرا نپذیرفته اند. در میان سایرین، مؤسسات غيرحکومتی ابراز نگرانی مینماید که ضمن تلاش های جدید برای حفظ ميراث های فرهنگی باید از طریق شبکه های مسلکی بر حکومتی که هنوز پیمان فوق الذکر را نپذیرفته اند برای حفظ ميراث های فرهنگی فشار انداخته شود. این مسئله باید در مورد پیمان مربوط به انتقال غيرقانونی دارایی های فرهنگی نیز مدنظر گرفته شود (پیمان یونسکو سال ۱۹۷۰ و UNIDROIT).

در حقیقت تأمین مصنونیت و حفاظت ساحات فرهنگی مکلفیت عمده تمام نیروهای مهاجم میباشد. این باید یک قانون عمومی باشد و بصورت عام به تمام کشورهای دنیا تفهیم گردد. عدم توجه در عراق، به همین منوال در یوگوسلاویای سابق، به هر دلیلی که

سالهای اخیر میباید. تخریب عمدی میراث های فرهنگی، به هر دلیلی که باشد (سیاسی، مذهبی و با نژادی) باید رسماً ممنوع باشد. بر علاوه در وضعیتی که تمام ادارات حکومتی به سقوط مواجه گردیده باشند، اثرات مخرب جنگ در بسیاری از موارد حد اقل توسط کمک فعالانه سازمانهای غیرحکومتی تخفیف یابند. در پهلوی آن با مداخله در شرایط جنگ و برخورد مسلحانه، مؤسسات غیرحکومتی در یک سلسله وسیع وقایع داخل عمل میگردند.

تهدید از جوانب مختلف و نیز مندیهای میراث ها

ایکوموس یا شورای بین المللی بناها و ساحات فرهنگی^۱، نه تنها یک مرجع مشورتی به یونسکو در مورد میراث های فرهنگی جهان بوده بلکه بصورت کل متعهد به حفظ میراث های فرهنگی در تمام نقاط جهان هر جایکه بنا، منطقه و یا منظره فرهنگی متأثر موجود باشد، میباید. " مردم بیشتر از پیش برای وحدت ارزش های انسانی متوجه شده و بناهای باستانی را منحصراً یک میراث مشترک احترام مینمایند. مسئولیت مشترک حفظ و نگهدای آن برای نسل های آینده درک گردیده است. این وظیفه ماست تا چنین میراث ها را با سلامتی کامل آن به نسل های آینده تقدیم نماییم" (پیمان وینیز سال ۱۹۶۴). ایکوموس دارای کمیته خاص آمادگی علیه خطرات میباید که این کمیته وظیفه جلوگیری از خطرات و محدود ساختن خسارات را در صورت بروز حوادث دارد.

به منظور حفظ و نگهداری هر یک از بناها و مناطق فرهنگی ایکوموس با هر ابتکار جدید یکجا داخل عمل و آنرا حمایت مینماید و گاهگاهی هم به یک نظر انتقادی مثبت به آنان نگاه میکند مثلاً خدمات دولتی بناهای تاریخی که بدبختانه در تمام ممالک وجود ندارد. این سازمان منحصراً یک سازمان غیرحکومتی که بسیاری اعضای آن به سازمانهای مربوطه دولتی

میراث های فرهنگی، کمیته متذکره باید قادر به کمک عاجل بوده و تیم هایی را در دست داشته باشد که با داشتن منابع مالی و بشری لازم بصورت عاجل داخل عمل گردد. برای مؤسساتی که فقط بصورت رضاکار خدمت مینماید، این وظیفه بسیار ساده است ولی وظیفه ما اینست تا به پیش رفته و این کمیته جدید التشکیل را واضح تر تثبیت هويت نماییم. در عین زمان، ارتباطات این کمیته با مؤسسات بنیادگذار آن باید از نظر دور نشود. یک تشکیل مالی نیز باید برای تأمین ظرفیت کاری کمیته تأسیس شود. بصورت اخص این موضوع که یک فدراسیون هالندی بنام وجه شهزاده کلاوس قبلاً موافقه نموده است تا کمیته سپر آبی را با ایجاد یک صندوق برای عملیات عاجل آن مساعدت نماید، به کمیته اطمینان مجدد میدهد.

در همکاری با مؤسسات غیرحکومتی، (ICBS) با کسب تداوم و مهارت ها، نقش اساسی را در بخش وقایعی دارا میباید. به تعقیب کمیته ملی بلجیم، کمیته های ملی سپر آبی بصورت تدریجی تشکل می یابند (در حال حاضر به شمول بلجیم، در جمهوری یوگوسلاویای سابق مقرونیه، بئینین، فرانسه، آیرلند، ایتالیا، ناروی، هالند، پولند، جمهوری چک و بریتانیای کبیر) نه تنها متخصصین بخش میراث های فرهنگی را با هم گرد آورد بلکه سایر مسلک هایی را که در بخش حفاظت میراث های فرهنگی در وقایع عاجل نیدخل اند با هم یکجا نمود (کارمندان اطفائی، پولیس و امثال آن). ظاهر و آشکار است که درین چارچوب هر مؤسسه غیرحکومتی که تدابیر مقابله با خطر را در پالیسی خود تعقیب مینماید، نقش عمده یی را بازی مینماید. در طویل المدت هر یک باید قادر به عمل منفرد در مطابقت با رشته خاص تخصصی خود باشد. ایجاد ICBS در حقیقت امر همبستگی کاری میان مؤسسات را به رکود مواجه نمیسازد.

فاجعه ماه های اخیر در عراق، توسط مردم دنیا از نزدیک مشاهده شد که فقط یکی از جریانات فجایع در

برای حفظ آثار فرهنگی عراق طور واضح منوط به وضعیت سیاسی آن و حالت عمومی نظم و قانون در آنجا میباشد. در هر صورت موضوع عمده اینست که برای پیشبرد فعالیت های لازم در عراق ایکوموس باید در همکاری نزدیک با عراقی ها در بخش آثار عتیقه و موزیم های آن فعالیت نموده و نظر به ضروریات آنان سعی و تلاش نماید. این بدان مفهوم خواهد بود که بالای مشکلات تخنیکی و تدابیر اضطراری بیشتر تمرکز صورت گیرد مثلاً منابع بشری که در ترمیم آثار باستانی، در حفظ سنگ ها، در تخلیه عاجل و حفظ اسناد و سوابق نواحی باستانی تخصص داشته باشند. بالاخره، دیدخل بودن کارمندان متخصص ایکوموس، مثلاً مهندسین و انجینیران میتواند در حفظ ساختمان های معروض به خطر و هر نوع آثار به شمول خشت های معماری شده کمک نمایند. بحیث یک سازمان غیرحکومتی ایکوموس میتواند بناهای معروض به خطر را به اساس معیارات حفاظتی تشخیص نماید بدون اینکه ملاحظیات سیاسی در آن دخیل باشند و میتواند حالات کاملاً خطرناکی را که میراث های تاریخی در بسیاری کشورها به آن مواجه اند تفکیک نمایند. انواع این خطرات درین روزها بسیار متفاوت میباشد. از یکطرف میراث های تاریخی ساخته دست انسان توسط آفات طبیعی مانند زلزله، طوفان، بادهای شدید، سیلاب و آتش سوزی ها و به همین گونه در نتیجه اثرات اقلیمی و هجوم حشرات و نباتات تهدید میگردند، از جانب دیگر جنگ و برخوردهای نژادی هنوز هم باعث ضایعات بشمار به آن میگردد. باوجود آن، آفات ساخته دست انسان شامل کثافت هوا، آب و زمین مانند تخریب هاییکه در نتیجه کثرت نفوس به بناهای سنگی و فلزی وارد میگردد در بسیاری موارد طی چندین دهه اخیر نظر به قرون پیشین بیشتر گردیده است. در حقیقت، خطرات موجود به میراث های تاریخی از چندین لحاظ با ایام گذشته تفاوت دارد امروز ما در جهانی زندگی

وابسته میباشند. ایکوموس به این مسئله ملفت گردیده که مسئولیت هر دولت فراتر از مکلفیت نگهداری آنعهه آثار فرهنگی میباشد که در لست یونسکو بحیث میراث های جهانی شامل گردیده اند بنابراین تمام بخش های میراث های فرهنگی را از بناهای منفرد گرفته تا تمام نماد فرهنگی شامل آن میباشد.

به این ترتیب دو سال قبل ایکوموس گزارش سالانه اش را در مورد بناهای فرهنگی جهان که مواجه با خطر اند (میراث های معروض به خطر) انتشار نمود درین گزارش ایکوموس همانند سازمان عفو بین المللی برای بناها و مناطق فرهنگی قصد دارد تا خطراتی را که آثار فرهنگی در بسیاری کشور های جهان به آن مواجه اند برجسته ساخته و تدابیر عملی مناسب را جهت جلوگیری و یا حداقل تخفیف آنها اتخاذ نماید.

این گزارش^۲ نه تنها یک تقاضا از مردم است بلکه ایکوموس امیدوار است تا به اساس این گزارش در همکاری با یک تعداد کمیته های بین المللی چندین پروژه های طرح شده را توسط متخصصین عملی نماید. این پروژه ها باید معیارات ستندرد را برای شیوه های مسلکی و حل مشکلات فنی تعیین نموده و یک نمونه آن پروگرام حفظ و نگهداری میراث های فرهنگی افغانستان تحت رهبری یونسکو میباشد. در کابل ایکوموس در همکاری نزدیک با صندوق وجهی آغا خان در بخش فرهنگی برای بازسازی باغ بابر و حفظ یک ساحه تاریخی فعالیت نموده است. بر علاوه ایکوموس یک پلان کاری خاصی را برای حفظ بقایای مجسمه بودا در بامیان طرح نموده است. در مورد وضعیت فاجعه آمیز در عراق ایکوموس آرزومند است تا قادر به مساعدت گردیده و نیز یک تعداد پیشنهادات مختلف توسط این کمیته تهیه گردیده است. درینمورد سومین جلسه ماهرین یونسکو برای حفظ آثار فرهنگی عراق (توکیو اول اگست ۲۰۰۳) یک دورنمای فعالیت های ممکنه را طرح نمود^۳. مساعدت های یونسکو

میگردند بلکه بناها به منظور دریافت پارچه های باستانی برای فروش در بازار مورد تخریب قرار میگیرند. معابد مورد غارت قرار گرفته، سرمجمه ها شکستاده شده، نقاشی ها شکستاده میشوند. موج تخریب مراکز شهرهای تاریخی را همانند قریه جات متأثر ساخته است. قریه جات بیشمار تاریخی در نتیجه پروژه های نوسازی بصورت بی باکانه و کاملاً پلان نشده و پراکنده شدن جمعیت متأثر گردیده اند. در قسمت صنعتی سازی زراعت، معماری سنتی در بسیاری کشورها مواجه با خطر است که یا کاملاً از بین رفته و یا بعضاً فقط در بعضی موزیم های فضای باز باقی مانده اند. شیوه های ساختمانی با استفاده از گل، چوب و سنگ - موادیکه از محل به دست می آیند (یک عامل مهم در انکشافات بعدی) که یک زمانی به حیث منظره فرهنگی شناخته شده بود ولی حالا یک میراث غیرقابل حفاظت را تشکیل میدهد که در لست بناهای تاریخی شامل نبوده و برای همیشه از بین رفته اند. ولی آثار ساختمانی تاریخ صنعتی ما نیز مشکلات عمده پی را برای محافظین به میان آورده درحالیکه استفاده از مواد اصلی دیگری بیش ازین امکان پذیر نیست. بر علاوه حتی شهرهای معماری مدرن قرن بیستم با خطر تخریب و از بین رفتن مواجه اند.

در رابطه به حالات ممکنه اضطراری وافرکه بطور فشرده اشاره شد در تمام مناطق جهان، ایکوموس بحیث حامی نگهداری بناها و مناطق تاریخی به تلاش های خود جهت جلب توجه به خطرات محتمل ادامه خواهد داد. به منظور مطلع ساختن جمعیت های کثیر مردم ایکوموس در رسانه های ارتباط جمعی حضور بیشتر یافته و فقط بالای نشریه ها و کنفرانس ها متمرکز نبوده است. بر علاوه از آوان ایجاد آن در رابطه با پیمان وینیز سال ۱۹۶۴، ایکوموس نقش خاصی را در ایجاد اصول بین المللی برای حفاظت و احیای مجدد بناها و نواحی تاریخی بازی نموده است. ایکوموس یک تعداد

مینماییم که خصوصاً درین در دهه های اخیر قرن بیستم به سرعت هر چه بیشتر در تغییر و تحول است. این انکشاف سریع زیر فشار تکاثف جمعیت و صنعتی شدن تدریجی باعث اشغال زمین های بیشتر و بیشتر میگردد که نه تنها سبب تخریب آثار باستانی زیرزمین میگردد بلکه تمام منظره فرهنگی و تاریخی زمین را تغییر میدهد که این سیکل های سریع تخریبیات و ساختمان های جدید، بار بیشتری را بالای محیط زیست وارد میکند. بالاخره انکشاف یک دنیایی که بطرف جهانی شدن میرود در آن نیروهای قویتر اقتصادی حکمروایی نموده و تمایلات بطرف یکسان سازی تمام جنبه های زندگی خطر واضحی را در برابر میراث های تاریخی ایجاد میکند.

ایکوموس در مورد بناها و ساحات به مفهوم وسیع آن نگرانی داشته که نه تنها بناهای منفرد را شامل میگردد بلکه انواع مختلفه دارایی های غیرمنقول فرهنگی را مانند ساحات باستانی، مناطق و آثار تاریخی، مناظر فرهنگی و انواع مختلفه شواهد تاریخی را از دوران ماقبل تاریخ گرفته الی دوره های مدرن قرن بیستم و به همین گونه کلکسیون های آثار و موزیم ها را شامل میگردد. تهدیدات و روندهای خطرناکی که قبلاً ذکر شد بصورت طبیعی اثرات مختلفی را در ساحات مختلفه جهان داشته و در بعضی موارد فقط یک تعداد بناها را تهدید مینمایند. طور مثال سنگتراشی ها و ساحات باستانی که آثار موجودیت انسانهای قدیم میباشد، در تمام جهان با اعمار سرکها و بندها و سایر پلان های نامناسب مواجه با خطر میباشد. در بسیاری کشورها ساحات فرهنگی هنوز هم ذریعه حفریات خودسرانه تخریب گردیده و قاچاق آثار هنری ضایعات مداوم میراث های فرهنگی را تشکیل میدهد که باید جلوگیری آن ذریعه حفاظت از مناطق فوق صورت گیرد. نه تنها نقاشی ها، مجسمه ها، و سایر آثار هنری در بسیاری کشورها توسط دزدان به تخریبیات مواجه

گريده است. در سطح بين المللي ايكوموس دو موافقت نامه را درين موارد يكي با انترپول و ديگري با سازمان جهاني گمركات عقد نموده است.

نشر لست يك صد اثر مفقود شده افراد زيادي را در مورد آن مطلع مي سازد. مانند هنرمندان بازار هنر. مثال هايي كه براي انكور، افريقا، امريكاي لاتين و اروپا فهرست گريده بود منتج به احياي دوباره هنر گريده و موزيم ها، كلكسيونرها و معامله گران آثار هنري را در مورد وسعت اين مشكل آگاه ساخت، و در عين زمان مردم عوام را در مورد مواد تقنيني نافذ باخبر نمود. از طرف ديگر در افغانستان جايي كه ايكوموس يك كمپته ملي را دوباره ايجاد نمود نظر به تفاوت نظر بين متخصصين انتشار صد اثر مفقود شده متوقف گرديد. ولي با آنها در نظر است تا يك فلم کوتاه براي آگاهي عامه مردم در مورد قاچاق غير قانوني آثار تاريخي افغانستان كه به كشورهاي همسايه مانند پاكستان انتقال مي يابد تهيه گردد.

در مورد مناطقي كه آثار هنري معين شان در معرض خطر گم شدن از كشورهاي اصلي شان مي باشد، ICOM در همكاري با متخصصين مربوطه يك لست سرخ را تهيه نموده كه در آن كنگوري هاي آثاري را كه در معرض نابودي قرار دارند درج نموده فروش آن را ممنوع نموده كه اين خود مسئله حياتي براي آن شمرده ميشود. هدف و مرام از اين لست هاي سرخ اينست تا موزيم ها، معامله گران آثار هنري، و كلكسيونرها تشويق گردند كه از خريداري آثاري كه توسط دزدان و غارتگران به فروش ميرسند اجتناب ورزند. در سال ۱۹۹۷ لست قاره افريقا توسط كارشناسان افريقايي و متخصصين ساير كشورهاي جهان كه كلكسيون هاي افريقايي را نگهداري مينمايند (امريكاي شمالي، اروپا) ترتيب گرديد. مؤثريت اين لست قبلاً به اثبات رسيده است. لست ديگر در مورد

پيمان ها و رهنمود هاي جهاني را در رابطه با حفظ بناها وضع نموده كه با تطبيق اين اصول خطرات كاهش يافته و از اشتباهات كه در جريان حفاظت و احياي مجدد صورت ميگيرد جلوگیری شده ميتواند. ايكوموس در قسمت انكشاف معيارات براي آموزش محافظين و براي استفاده روزمره فعاليت هاي حفاظتي مساعدت نموده و از طريق كمپته هاي علمي خود حمايت و پيشرفت هاي چشمگيري را در ساحات خاص مانند باستان شناسي، تحقيق بالاي ساختمان هاي تاريخي، و يا محافظت ساختمان هاي تاريخي حاصل نموده است.

عكس العمل خاص در مقابل تهديد هاي خاص

شوراي بين المللي موزيم ها در مورد حملات بزرگ بالاي ميراث هاي فرهنگي نگراني خود را ابراز نموده است. علاوه بر تخريبات با كمال تأسف قاچاق آثار تاريخي و كلكسيون هاي موزيم ها در موارد برخورد هاي مسلحانه از زياد يافته كه اين عمل در نتيجه غارت و ساير فعاليت هاي جنائي توسط گروه هاي تنظيم شده و فرصت طلب صورت ميگيرد. آثار دزدی شده از كلكسيون هاي دولتي و آنهايي كه در نتيجه حفريات خودسرانه حاصل گرديده اثرات و هويت خود را از دست داده بازارهاي بي سروپا را تقويه و يك ملت را از ميراث هایش بي بهره مي سازد. در مطابقت با قانون اخلاق مسلكي، ايكوموس درين مقابله سهم خود را بصورت فعالانه ايفا مينمايد.

هر قاره در همكاري با يونسكو وركشاپ هايي را در مورد قاچاق غير قانوني دارايي فرهنگي دايبر نموده كه در آن طور مشترك با موزيم ها و متخصصين ميراث ها و به همين گونه با نمايندگان پوليس و گمركات و غيره كار صورت گرفته است كه در نتيجه به آنان آموزش بهتر فراهم و شبكه اسلبي همكاري بين متخصصين بخش هاي مربوطه درين مبارزه ايجاد

یافته است. در همکاری مشترک پروژه های فعلی مؤثرتر عمل خواهند نمود و باعث تشویق، تطابق و معقولیت در فعالیت های مؤسسات غيرحکومتی خاصاً در موارد اضطراری خواهد شد. بر علاوه جنگ عراق، که در آن موزیم ها مانند نواحی باستانی مجاور و ساختمانهای تاریخی صدمه دیده اند، ارزش همکاری را میان ایکوموس و سایر مؤسسات همکاران، ایکوم که رابطه نزدیکی با فعالیت ها، شبکه و توانایی انسجام یونسکو دارد ثابت نمود.

یادداشت ها

۱. ایکوموس در حدود ۷۰۰۰ عضو دارد که در ۱۱۸ کمیته ملی ۲۱ کمیته علمی بین المللی تنظیم گردیده اند.

۲. این راپور در صفحه اینترنت به آدرس ذیل قابل دسترس است:

<http://www.international.icomos.org/risk/۲۰۰۲/working.htm>

۳. به مقاله (Mounir Bouchenaki) این شماره مراجعه گردد.

۴. لست ایکوم در مورد یک صد اثر مفقود شده بزبان های انگلیسی و فرانسوی تهیه شده است. و در آن عناوین ذیل دیده شده میتواند: غارت انکور (۱۹۹۳ الی ۱۹۹۷)، غارت افریقا (۱۹۹۷) و غارت اروپا (۲۰۰۲).

۵. <http://icom.museum/redlist/irak/en/index.html>

میراث های فرهنگی امریکای لاتین و کولمبیا نیز بزودی ترتیب خواهد شد.

در مورد عراق، ایکوم قادر شد تا در ظرف چند هفته به کمک مؤسسات لست سرخ آثار تاریخی را تهیه نماید این پروژه بتاريخ ۷ می ۲۰۰۳ در یک جلسه کارشناسان بین المللی که توسط شعبه روابط آموزشی و فرهنگی وزارت امور خارجه امریکا تمویل گردید آغاز یافت. این سند که به زبانهای انگلیسی، فرانسوی، و عربی منتشر گردید و در صفحه اینترنت موجود است^۵ آثار تاریخی را که بیشتر در بازار سیاه انتیک فروشی مورد معامله قرار میگیرد به خوبی تشخیص گردیده میتواند. این مسئله مریم را آگاه میسازد که آثار مذکور تحت حفاظت قانون قرار دارند و صدور آن ممنوع بوده و به هیچ صورت توریذ و یا به فروش رسیده نمیتواند. برخلاف "لست یک صد اثر مفقود شده" این لست یعنی "لست سرخ عاجل آثار انتیک عراق که مواجه با خطر اند" مانند سایر لست های سرخ لست آثار مشخص نمیشد ولی کتگوری های عمومی در آن درج گردیده است. در مورد عراق لست مذکور ۱۱ کتگوری آثاری را که بصورت خاص در معرض خطر مفقود شدن از عراق قرار دارند درج گردیده است.

همکاری میان مؤسسات غيرحکومتی مختلفه، که طور صریح از جانب یونسکو مورد حمایت قرار میگیرند، تنها محدود به سپرآبی، ایکوم، ایکوموس، IFLA و ICA نمیشد. این همکاری به سوی سازمان های حفاظت بناها، مناطق و مناظر فرهنگی مانند مرکز بین المللی مطالعات، حفاظت و احیای مجدد دارایی های فرهنگی یا (ICCROM)، اتحادیه بین المللی حفاظت طبیعت و منابع طبیعی (IUCN)، اسناد سازی و حفاظت ساحات ساختمانی و اطراف حرکت عصری ها و ماحول عصری (DOCOMOM) و کمیته بین المللی حفظ میراث های صنعتی (TICCIH) توسعه

انکشاف اجتماعی، فرهنگی از طریق ارتباطات بین النسلین

نویسنده نوبیوانیدو

نویسنده عضو تحقیق انستیتوت فرهنگ های آسیائی پوهنتون صوفیه شهر توکیو و متخصص فرهنگ بوده که به صفت مشاور رضا کار سازمان ملل در حکومت شاهی کمبودیا توظیف گردیده است. او مسئولیت ایجاد میتودولوژی انکشاف جامعه را که بر محور میراث های فرهنگی می چرخد و از تطبیق اصول انجیری تحت عنوان "میتودولوژی انجیری ساحات تاریخی" (اچ، اس، ای، ام) کار می گیرد، به عهده داشت. او از سال ۱۹۹۳ بدینسو مسئولیت تطبیق این میتودولوژی را در امر نگهداری، انکشاف و مدیریت پارک انگ کور کمبودیا یا غرض حفظ آن به مثابه یک "محل پر رفت و آمد" به دوش دارد. نوشته های او شامل کتابی است بنام "مطالعه پیرامون نگهداری بناها و ساحات تاریخی و انکشاف اجتماعی، فرهنگی که یک میتودولوژی جدید انجیری ساحات تاریخی بوده که آنرا مشترکاً با وای اسپینروا در انستیتوت فرهنگ های آسیائی پوهنتون صوفیه شهر توکیو در سال ۱۹۹۳ تألیف نمود.

انکشاف اجتماعی، فرهنگی یک محل در پارک رنگ کور

پارک انگ کور که در ولایت سیسم ریپ کمبودیا موقعیت دارد محل هویت ملی کمبودیا و مردم آن می باشد. این پارک در قسمت شمال غرب دشت های کمبودیا موقعیت دارد و محلی است سرشار از بناها و ساحات تاریخی که اکثراً در قرن ۹ و ۱۳ ایجاد گردیده اند. چون این پارک در فهرست میراث های دنیا در سال ۱۹۹۲ درج گردید، توسط مقامات APSARA، موسسه مربوط به حکومت سلطنتی کمبودیا که به نیازمندی های مردم محلی که در راستای حفظ روش های سنتی زنده گی شان مبارزه می کنند پاسخ می دهد، محافظت و نگهداری بعمل می آید. این امر منتج به تاسیس پنج سطح زونهای مورد حفاظت گردیده است. در حدود شصت و چهار هزار مردم در زونهای مورد حفاظت ۱ و ۲ بسر می برند. در پارک انگ کور که ۴۰۰ متر مربع مساحت دارد، مردم قراء در نواحی بناهای تاریخی زنده گی می نمایند و در جنگلات نزدیک محل بود و باش شان به کشت و زراعت می پردازند. حفظ و نگهداری این بناهای تاریخی یکی از جنبه های این برنامه بوده و عنصر بشری و ضرورت فعالیت

انکشاف اجتماعی، فرهنگی از طریق ارتباطات بین النسلین
نویسنده: نوبیوانیدو

در کمبودیا مردم به این عقیده اند که کبرسن انسان را در اجرای امور و قضاوت عاقلتر ساخته او را به يك منبع خوب مشوره دهی مبدل می سازد. ازینرو، موسفیدان در جامعه از نفوذ زیاد برخوردار بوده و مورد تکریم قرار میگیرند. به صورت کل، سه یا چهار نسل در کمبودیا با هم مشترك در عین محل بود و باش مینمایند. این شیوه زنده گی به جوانان زمینه کسب و آموزش دانش گرانها را از پدر کلان و مادر کلان شان از طریق انتقال فرهنگ عنعنوی از بزرگسالان به خورد سالان در زنده گی روزمره شان مهیا می سازد. بدون شك گفته می توانیم که بزرگسالان برای انکشاف اجتماعی - فرهنگی جامعه منبع معلومات می باشند.

فعالیت های بیبی ها و تاها در خصوص قریه كك تنوت

طبق میتودولوژی انجیری ساحات تاریخی، به راه انداختن فعالیت های بیبی و تا را جهت انکشاف اجتماعی - فرهنگی اجتماعات پارك انگ کور پیشنهاد نمودند. فعالیت های بیبی و تا به مثابه پروژه امتحانی در سه قریه آغاز یافت.

ایجاد گروپهای بیبی و تا در قریه تنوت (قریه کی تگی) یکی از فعالیت های نمونه نی این پروژه بود. قریه مذکور در فاصله ۲۰ کیلو متری شهر سیسم ریپ ولایت سیسم ریپ به طرف شمال "بری غربی" موقعیت دارد. "بری غربی" عبارت است از يك ذخیره آب بزرگ مستطیل شکل که دو کیلو متر عرض و هشت کیلو متر طول دارد و در قرن دهم و یازدهم هم غرض استفاده مردم برای تهیه آب آشامیدنی و زراعت اعمار گردید. نفوس این قریه تا ماه جنوری سال ۲۰۰۰ به ۱۸۹۰ تن که در ۳۴۰ خانواده زنده گی می نمایند بالغ میگردد. در میان این جمعیت مردم به تعداد ۱۱۰ بیبی و تا با سنین بالاتر از ۵۰ سال به سر میبرند.

در دسمبر سال ۱۹۹۹ به منظور ایجاد گروپهای بیبی و تا مجلسی در سالون مرکز عمومی قریه کی تگی

های انکشاف دوامدار نیز هسته این تلاشها را تشکیل میدهد.

پروژه انکشاف جامعه رضاکاران سازمان ملل (UNV) تحت عنوان "سهم گیری دوامدار جامعه در پارك انگ کور" از ماه می سال ۱۹۹۹ الی ماه اپریل سال ۲۰۰۱ تطبیق گردید. این پروژه فعالیت های مشارکتی مردم قریه به سطح عوام را که هدف آن انکشاف اتکاء خودی می باشد تقویت بخشید جا رضاکاران. سازمان ملل شرکای جدید رضاکاران را از جاپان، پوهنتون صوفیه، شهر توکیو دعوت نمود و من(نویسنده) از ماه جون سال ۱۹۹۹ به این پروژه پیوسته تا میتودولوژی جامعه را که بر محور بناها و ساحات تاریخی رنگ کور تحت عنوان "میتودولوژی انجیری ساحات تاریخی" می چرخد تطبیق نمایم. میتودولوژی انجیری ساحات تاریخی به همزیستی مسالمت آمیزه نوع اجزای اساسی چون مردمان قریه و همچنان بناهای تاریخی انگ کور و جنگلات در يك جامعه غرض نیل به انکشاف اجتماعی - فرهنگی مطلوب اجتماعات در پارك انگ کور ارج می گذارد.

آموزش از گذشته

مردان و زنانیکه در محیطی که قوانین طبیعت در آن حکم فرما است به دنیا آمده اند، با تماس های پیهم شان با محیط طبیعی، فرهنگ های خویش را ایجاد نموده اند. بنابراین، فرهنگ همه چیز به شمول مرنی و نامرنی را در بر میگیرد.

بر مبنای تجارب اسلاف ما، این توازن دلپذیر میان زنده گی معنوی و مادی زمینه زنده گی خوشتر و ارزشمندتر را مساعد می سازد. ما میتوانیم از اندیشه های سنتی، زیرکی و همچنان مهارتهای که نیاکان ما به مثابه اجزای معلومات فرهنگی به میان آوردند، اندوختند و تجربه کردند، خاطرات و زیرکی بزرگان "بیبی و تا" یعنی به الترتیب مادر بزرگ و پدر بزرگ در لسان خمر، تلفیق گردید بباموزیم.



© به احترام مؤلف



© به احترام مؤلف

تصاویر ۳۴-۳۵ هر دو نماینگر پیرمردان قریه بوده. توضیحات و توضیح تجارب و دانش عبارت از شیوه های تزئین دانش باستانی و یک نوع تمرین اساسی برای انتقال مفکوره به نسل های جوان میباشد.

برایم فرصت انتقال دانشم برای جوانان درین فعالیت ها دست داده است نهایت مسرورم. یکی از موضوعات مورد بحث سن لازم برای عضویت گروپ یبی بود. یک یبی پیشنهاد کرد که این سن باید بالاتر از ۵۰ سال باشد اما یبی دیگر گفت: "من ۴۸ سال دارم ولی میخواهم به این گروپها به صفت عضو رسمی بپیوندم." تقاضای او که سن لازم برای عضویت باید انعطاف پذیر باشد مورد قبول قرار گرفت.

آغاز روند انتقال دانش سنتی

از ماه جنوری الی مارچ سال ۲۰۰۰ هر یک از گروپهای فرعی جلسه دایر کرد و هر یک آنها کارت یبی یا تا را خانه پری نمود. در کارتها نه تنها اسماء و تاریخ تولد افراد بزرگسال نوشته بود بلکه همچنان موضوعاتی که آنها به آن علاقمند بودند و در آن تخصص داشتند و ضمن مصاحبه های جمعی خانه پری شده بود درج گردیده بود. تصاویر غرض تهیه این کارتها گرفته شد و موضوعات که ایشان در آن تخصص داشتند فهرست گردید و هر گروپ موضوعی را برای فعالیت های گروپی خویش برگزید. یبی ها و تا های شامل گروپ فرعی غربی به فعالیت های مربوط به موسیقی سنتی، سرود ها و مراسم

تدویر یافت که در حدود ۶۰ تن از افراد بزرگسال در آن مجلس حضور داشتند. بمنظور ایجاد فضای خوش آیند در مجلس یک سرود مردمی تحت عنوان "یبی - تا" سرایده شد و یبی ها حلقه زده پای کوبی کردند. ازینکه این کار برای شان یک چیز تازه و لذت بخش بود، آنها تشویق شدند تا در امر سازماندهی و تنظیم فعالیت های سایر گروپهای یبی و تا نتایج موثر تر را بدست آورند. بعد از هنر نمایی ها، یبی ها و تا ها که در مجلس شرکت کرده بودند به سه گروپ غربی، وسطی و گروپهای فرعی شرقی تقسیم شدند. سپس با رای دهی عامه توسط موسفیدان، هفت تن از میان شان به عنوان کارمندان اداری چون رئیس، معاون رئیس، آمر اداری و سه رهبر گروپهای فرعی انتخاب گردیدند. سه رهبر گروپ فرعی برای هر یک از گروپها نام سمبولیک را از گلهای و درختان مشهور کمبودیا چون "فکاروم چیک" (گل روم چیک) که یک گل سرخ و خوشبوست برای گروپ فرعی غربی، "فکالهنونگ" (گل لهنونگ) که گل سفید درخت منکر ام است برای گروپ فرعی وسطی "فکاسوی چانتی" (گل سوی چانتی) که گل سفید یا زرد درخت کاشو است برای گروپ فرعی شرقی برگزیدند. یک تن از تا ها که شغل فالبینی دارد به منزلش برگشت و کتابچه یی را با خود آورد. کتابچه حاوی طرز العمل برگزاری محفل سنتی عروسی و تصاویر تزئینات برای محفل عروسی بود. او گفت: "ازینکه

انکشاف اجتماعی، فرهنگی از طریق ارتباطات بین النسلین
نویسنده: نوبیوانیدو

و لی دو ساعت برای رسم کردن تصویر توسط هر
گروپ کافی نبود. در اوایل ماه جنوری سال ۲۰۰۱
سومین تلاش بعمل آمد که این بار آنها کار رسامی به
شمول دو تصویر اضافی در مورد روش های زنده گی
موجود و گذشته قریه کی تگی را انجام دادند.

در اخیر ماه جنوری سال ۲۰۰۱ تمرین غرض به
نمایش گذاشتن فرهنگ و روش های زنده گی با اشتراك
۳۰ تن از افراد بزرگسال و یکتن پیی باشنده قریه
پراندک منحيث ناظر در مغازهء برنج قریه صورت
گرفت. من (نویسنده) نظر خود را در مورد تخنيك های
نمایش به صورت اخص " روش سوال و جواب" که
طی آن افراد بزرگسال از اطفال و حضار سوال می
کنند و جواب مربوط را ارائه میدارند، ابراز داشتم. من
از پیی ها و تا ها خواهش نمودم تا آهسته، بلند و واضح
صحبت نمایند و به تصاویری که آنها در گذشته تهیه
کرده اند با استفاده از چوب دستی اشاره نمایند. رهبر
هر گروپ فرعی ازین روش پیروی نمود و تمرین
جهت آموزش تخنيك های نمایش موثر ثابت شد.

شانزده هم فبروری سال ۲۰۰۱ يك روز تاریخی
برای فعالیت های گروپهای پیی و تا بود که در آن روز
مجموعاً ۳۵۰ نفر حضور داشت. ازین جمله افراد ۱۴۰
تن آنها باشنده گان قریه پراندک و ۱۹۰ تن آنها شاگردان
مکتب ابتدائیه این قریه بودند که سه تن از معلمین شان
آنها را همراهی میکرد. سه راهب و بیست تن محقق
خمر و بین المللی نیز در میان حضار موجود بود. سه
تن از نمایش دهندگان پیی اهمیت و معنای فرهنگ
روش های سنتی زنده گی را تشریح کرد. طریقه بافتن
سبد سنتی و آلهء موسیقی پنیپت pin peat نیز توضیح
گردید در حالیکه اطفال از نمایش و کارکردگی پدر و
مارد کلانهای شان لذت بردند، نمایشات تاثیر عمیقی
بالای اشتراك کننده گان نمایش به ویژه بالای شاگردان
و معلمین نمود. معلمین مکتب ابتدائیه مذکور چنین
اظهار نظر نمودند: " پدر کلانها و مادر کلانهای ما
معلمین فرهنگ و روش های سنتی زنده گی ما هستند

سنتی حق اولویت داده به آن زیاد تاکید نمودند. آنها در
سایر مهارتها چون بجا کردن استخوان، بوریا بافی و
سبد های سنتی، قابلیت، بافتن سبد های نی برای
ماهگیری، وظایف a char (مرد بزرگسالی که در
معبد بودائی خدمت می کند)، تهیه کیک های عروسی
سنتی، حفاظت در مقابل ارواح خبیث، تداوی سنتی
طبی و غیره تخصص داشتند. از جمله این مهارتها آنها
"بافتن بوریا های سنتی را از درخت روم چیک" انتخاب
کردند. گروپ فرعی وسطی پیی ها و تا ها به فعالیت
های عصری چون سینما، سپورت و فلم های مستند
ویدیویی، ایفای وظیفه در موسسات غیر دولتی و
استماع سرودهای مردمی علاقمندی نشان دادند. اما به
وسيله رای گیری آنها موسیقی عنعنوی "pin peat" را
برای مراسم بودائی برگزیدند به همینگونه، گروپ
فرعی شرقی "بافتن سبد های عنعنوی را از نخل های
کوچک برگزیدند.

در فصل بارانی از ماه می الی ماه اکتوبر پیی ها و
تا ها مصروف کار و فعالیت در منزل و کشت زارها
می باشند. ولی در سال ۲۰۰۰ به مجردیکه این فصل
بارانی پایان یافت، فعالیت های گروپی پیی ها و تا ها
بار دیگر آغاز گردید و تا ماه نوامبر فعالیت های
رسامی این سه گروپ در قریه کی تگی جریان داشت.
این فعالیت ها غرض ساختن وسایل برای تشریح
موضوعات این سه گروپ انجام می یافت. مواد رسامی
چون کاغذ بازیابی شده و رنگ ها (سیاه و سبز و زرد)
تهیه گردیده بود. کاغذ بازیابی شده از قریه تیک سن
خریداری شده بود. فعالیت های تهیه کاغذ بازیابی شده
به سائز ۳۷ سانتی متر در ۷۳ سانتی متر از سال
۱۹۹۸ به اینطرف در قریه های تیک سن و پراندک به
عنوان فعالیت های عایداتی آغاز گردیده است.

موسفیدان کوشیدند روی کاغذ های بازیابی شده
تصویر رسم کنند اما نخستین تلاشهای آنها بی نتیجه
ماند. این اولین تجربه رسامی افراد بزرگسال بود. بعد
از سپری شدن دو هفته، دومین صنف رسامی دایر شد

انکشاف اجتماعی، فرهنگی از طریق ارتباطات بین النسلین
نویسنده: نوبیوانیدو

اگر وجایب عمده و کلیدی تعلیم و تربیه رسمی ارائه
دانش و مهارتهای اساسی غرض کسب دانش باشد،
دانشی را که موسفیدان در جامعه به آنها به ارث گذاشته
باید حفظ نمایند و فرهنگ و روش های زنده گی سنتی
را انتقال دهند. نوجوانان واقعیت های زنده گی را در
جامعه درک می کنند و در پروسه انکشاف روش عملی
تر در برابر وضع زنده گی خویش، فرهنگ جدید زنده
گی خود را ایجاد مینمایند.

که بیبی ها و تاها را در قریه کی تگی از فعالیت های
شان در طی يك سال بیشتر راضی ساخت."
تهیه "کتاب بر مبنای فرهنگ" در هر قریه مشخص
موضوع فعالیت های آینده خواهد بود. این کار با تالیف
و تصحیح معلومات فرهنگی به شمول منشاء نام و
تاریخچه قریه صورت خواهد گرفت. این کتاب در
کتابخانه کوچک قریه به عنوان کتاب درسی فرهنگ
قریه و روش های زنده گی مردم قریه گذاشته خواهد
شد. انتظار میرود که نواده های این موسفیدان زیاد
تشویق شوند تا ازین کتابها که پدر کلانها و
مادرکلانهای شان به رشته تحریر در آورده اند
معلومات فرهنگی کسب نمایند. نویسنده گان این کتابها
از اینکه در امر حفظ و انتقال فرهنگ و روشهای زنده
گی سنتی به نواده های شان مساعدت می کنند خوش
خواهند بود. برخی از معلومات برگزیده این کتابهای
منکی بر فرهنگ برای سیاحان به لسانهای خارجی
ترجمه خواهد شد.

ایجاد فرهنگ جدید زنده گی

در جامعه که موسفیدان از زنده گی شان لذت می
برند میتوان گفت که يك جامعه سالم و مورد پسند است.
فعالیت های این گروههای بیبی و تا برای انکشاف جامعه
چه اهمیت دارد؟ برای ما این يك سوال جدی است.
طوریکه در بالا تذکر یافت، از بیبی ها و تاها احترام
بعمل می آید. آنها به نسبت تجربه پر ارزش، دانش،
هوشیاری و حسن نیت شان که نوجوانان را تدریس
نمایند منحیث اعضای مهم در خانواده و جامعه از نقش
معنوی و عملی برخوردار هستند. غرض تداوم بخشیدن
و منظم ساختن این فعالیت ها لازم است که موسفیدان را
در گروههای بیبی و تا تنظیم کرد و به منظور تطبیق
فعالیت های این گروهها نه تنها جامعه محلی ولی سایر
سهم گیرنده گان چون موسسات غیر دولتی، متخصصین
و جامعه مذهبی نیز باید سهم گیرند.

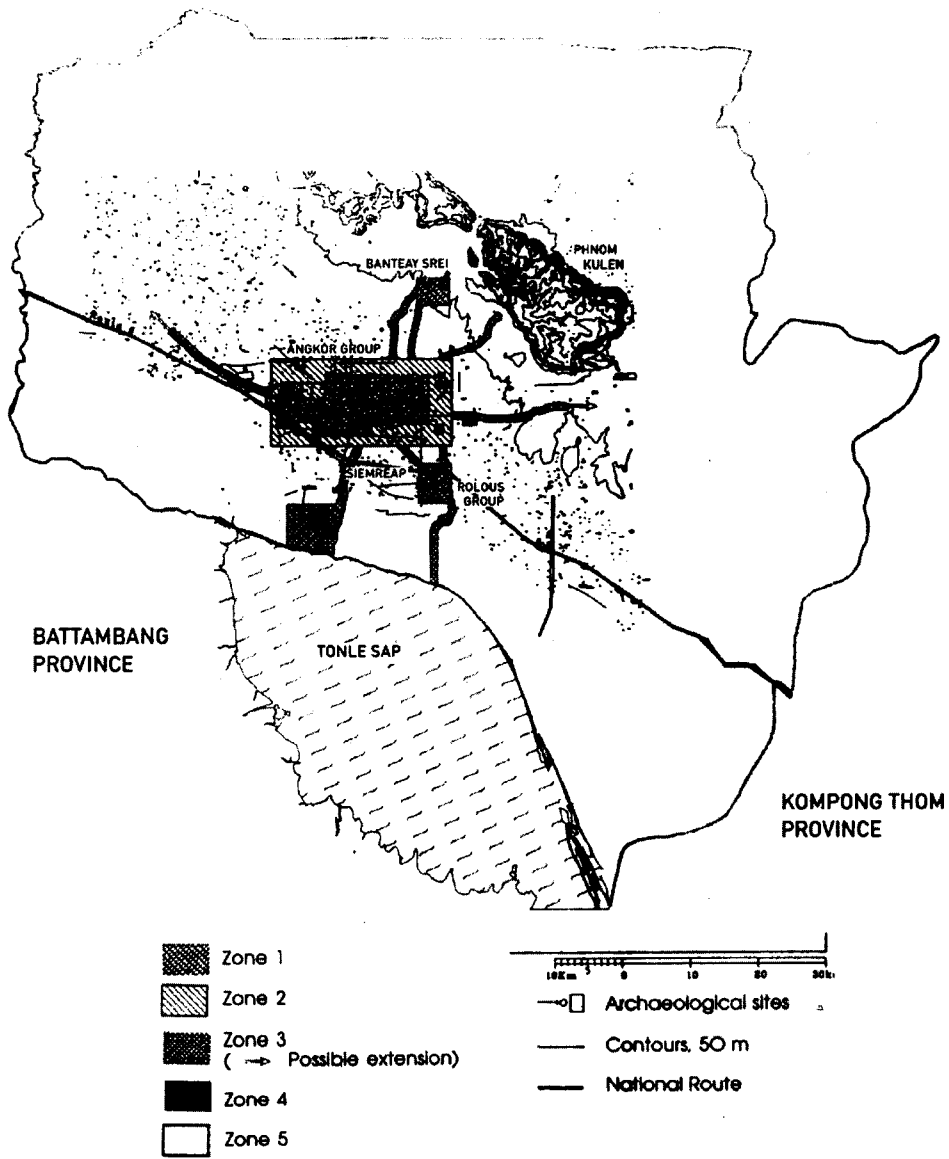
اتخاذ تدابیر خاص در مورد یک منطقه دارنده ارزش خاص

توسط ازیدین بساوش

ازیدین بیچاوج مشاور معاون عمومی بخش کلتوری یونسکو برای پروگرام جهانی حفاظت انکور میباشد. نامبرده بحیث رئیس کمیته میراث جهانی در پروسه تصمیم گیری که منتج به شمولیت انکور در لست میراث های جهانی گردید بوده، و در تطبیق پروگرام حفاظت انکور نقش مهمی را بازی نموده است. علاوه وی مسئول سرکتریت دایمی کمیته انسجام بین المللی نیز میباشد.

نظر به دلایل منطقی حین برخورد با میراث های فرهنگی فعالیت های مهمی اند که باید در تطبیق آن از شجاعت کارگرفت، در صورت لزوم به تطبیق تدابیر عملی نظر به خود طرز العمل حفاظتی بصورت قاطع برتری داده شود. شمولیت انکور در لست میراث جهانی در سال ۱۹۹۲ درینمورد یک مثال بی نظیر در نوع خود بوده که همیشه تابع یک تعدادتخلفات بوده است. در حقیقت، یک تعداد معابد استثنایی و در منظره نوردست درختان و صخره های در هم پیچیده و ترکیبات معماری آن به این منطقه یک منظره باور نکردنی را میدهد. در اواسط قرن نزدهم، محققین و سیاحان آغاز به کشف این "معمای خارق العاده" سرزمین خمر کبیر نمودند و در اروپا نظریه "راز انکور" را بیشتر تقویه نمودند، و این عبارت از تمدنی بود که با تمدن های بزرگ دنیا مانند اهرام ها، معابد هندوستان، و معابد بودایی در چین همسری مینمود و به مثابه روم آسیای جنوب شرق شهرت داشت. باید اعتراف نمود که انکور قبل ازینکه به جانب اروپا راه خود را آغاز نماید، این ناحیه یک منطقه نوردست برای دیپلومات ها و تجار امپراتوری مرکزی آنزمان بود. اثبات این نظر در سفرهای که توسط (چاوتاکام) در دوره مارکوپولو از اگست ۱۲۹۲ الی جولای ۱۲۹۷ صورت گرفت درج گردیده است

اتخاذ تدابیر خاص در مورد یک منطقه دارنده ارزش خاص
توسط ازیدین بیچاوج



© به احترام امیران سولون

۳۶. مناطق فرهنگی تحت محافظت (منطقه ۱-۲-۳-۴-۵) در منطقه سیم ریپ طبق پلان منطقه بندی و منجنت محیطی (ZEMP) که مبنی بر فرمان شاهانه برج ۱۹۹۴ ایجاد گردیده بود تعیین شده است. محافظت ساحه انکور از تدابیر چارچوب استثنائی محیطی، حقوقی و اداری مستفید میگردد.

اتخاذ تدابیر خاص در مورد یک منطقه دارنده ارزش خاص
توسط ازیدین بیچاوج

لوتی) پس از سفری به انکور، در آثارش این منطقه را در ادبیات معرفی نمود. رقص های جالب توسط گروه بالت شاهی کمبودیا در سال ۱۹۰۶ در پاریس و مارسیلی به نمایش گذاشته شد و گمان می رود که این نمایشات برای تعداد کثیری از تماشاچیان تنظیمات فوق العاده امپراطوری خمر و پادشاهی کمبودیا را آشکار میسازد. به مناسبت این سفر نمایشی، مجسمه تراش بنام (رودین) در آثارش تصاویری را به این رقاصان اختصاص داده است: وی در سال ۱۹۲۴ چنین مینویسد "رقاصان دلکش کمبودیایی را که

نامبرده در اثرش بنام خاطرات کمبودیا سفرش را به مشهورترین منطقه پایتخت خمر شرح داده و جنبه های معین از زندگی در قصر شاهی و صحنه هایی از زندگی روزمره مردم عوام را معرفی نموده است. متعاقباً در آغاز قرن هفدهم شواهدی بدست آمده که حضور تجار جاپانی را در کمبودیا نشان میدهد و بصورت خاص اولین سند گرافیک انکور بنام پلان برای ذخیره آبی انکور بدست آمده که این سند توسط جهانگرد جاپانی میان سالهای ۱۶۲۳ الی ۱۶۳۶ تحریر گردیده است. جهانگرد منکور یک بودایی معتقد بود و باور داشت که



۳۷. منظره پانارامک گوشه شمال عرب معبد انکور وات (نیمه اول قرن دوازدهم) سکول شاهانه مجتمع مهندسی را که در لست میراث های فرهنگی تهیه شده سال ۱۹۹۲ درج گردیده است نشان میدهد.

چندی قبل همراه با پادشاه شان به پاریس آمده بودند درین اثر ترسیم نمودم. حرکات زیبای این رقاصان آرامی عجیبی را در انسان ایجاد میکرد."

بالاخره در اثر مداخلات پیگیر و مداوم محکمه بین المللی هاگ، فرانسه موفق گردید تا در سال ۱۹۰۷ کشور سیام، انکور را دوباره به دولت شاهی کمبودیا تسلیم نماید، و به این ترتیب از طریق ایجاد تمامیت جغرافیایی، ارتباطات ارزنده یک تاریخ کهن از سرگرفته شد.

کاملاً واضح است که با مشاهده این حقایق و اطلاعات و به اساس یک گزارش ارزشمند دارای ماهیت باستانشناسی، هنری و تاریخی که توسط (ایکول فرانسس) تهیه گردیده بود مطابق به آرزوی (شاه نورودام سهاتوک)

وی به (مگدا)، یعنی محل منشه بودایی ها رسیده و از صومعه یا معبد (جیتاوانا) دیدن نموده است این محل در هندوستان بحیث محل زندگی بودا ستوده میشود.

باوجود آنهم، این فرانسه بود که باعث شهرت جهانی انکور گردید. در اوایل سالهای ۱۸۶۳ در نشریه گاهنامه یا نشریه دوره یی *le Tour du monde* از طبیعت شناس و کاشف بنام (هنری موهات) اولین تصاویر منطقه بدست آمده است. در سال ۱۸۷۸ نمایشگاه جهانی در شهر پاریس آثار بزرگی را در مورد خمر برای بار اول برای مردم به نمایش گذاشت که شامل مجسمه ها، آثار حکاکی شده و تصاویر بود. یک موزیم هندوچین (جد موزیم گمی) در تروکادیرو ایجاد گردید. در سال ۱۹۰۱ نویسنده معروف (پیری

اتخاذ تدابیر خاص در مورد یک منطقه دارنده ارزش خاص
توسط ازیدین بیچاوج

بر کنوانسیون میراث های جهانی لازم بودند برآورده
نگردیدند. ICOMOS (سازمانی که افتخار عضویت
آنرا از زمانی دارم که زادگاه تونیزیا در تهیه پیمان
وینیز حصه گرفت) در مورد شمولیت انکور در
لست جهانی با عدم رعایت شرایط مربوط به
طرز العمل ملاحظات خود را ابراز نمود. داوران
حتی نگرانی بیشتری ICOMOS ابراز داشتند که بنظر
مبالغه آمیز بود، و این انتقادات باعث ایجاد یک
مانعه گردید. در حقیقت باید گفت که من عمیقاً معتقد
بودم که انکور باید شامل لست جهانی گردد تا این
منطقه حفظ گردیده و از خطرات بعدی مصنون بماند.
من از نفوذ خود در بیورو و کمیته میراث های
جهانی بحیث رئیس و یک عضو ارشد آن طور
محتاطانه استفاده نمودم (بیش از ۱۲ سال بصورت
بلاوقفه در سمت های فوق ایفای وظیفه نمودم و
افتخار داشتم تا دو مرتبه به صفت رئیس مجلس و
چهار مرتبه به حیث rapporteur انتخاب شوم). به
این ترتیب موفق شدم تا شمولیت اضطراری منظور
گردد، این شمولیت موقت به اساس دفاعیه اثبات
منطقه به حیث یک محل بی نظیر صورت گرفت. با
وجود آنهم، من معتقد بودم که با وجود اکثریت آرای
که همکارانم نظر به خواهش خودم برای شناخت
منطقه به حیث یک محل بی نظیر و خاص دادند لازم
بود تا معیارات احتیاطی دیگری نیز باید برآورده
گردند. به این ترتیب من متن ذیل را به بیورو که
متشکل از نمایندگان فرانسه، سینیگال، تایلند، تونیزیا
و ایالات متحده امریکا بود تسلیم نمودم این متن به
اتفاق آراء توسط کمیته میراث های جهانی مورد قبول
واقع شد:

" از آنجائیکه این منطقه خاص کمبودها، در
مطابقت با توافقات پاریس، از ماه جولای ۱۹۹۱ به
اینطرف تحت اداره موقت سازمان ملل متحد قرار داده
شده، این کمیته تصمیم گرفت تا بعضی از شرایط

کمیته میراث های جهانی در به رسمیت شناختن منطقه
انکور نظر به دلایل ذیل با مشکلات چندانی رویرو
نگردید؛ زیرا این منطقه (۱) نمایانگر دست آوردهای
هنری بی نظیر، یک شهکار روح خلاق انسانی؛ (۲)
نشاندنده انکشاف معماری و هنر مناره سازی و تنظیم
ساحه در یک نوره معین و یک ساحه معین؛ (۳) بقایای
یک تمدن از بین رفته؛ و (۴) نمایانگر یک مجموعه فوق
العاده ساختمان ها و یا معماری هایی که حکی بر
موجودیت یک دوره تاریخی فوق العاده مهم میباشد.

لازم به یاد آوری است که منطقه تاریخی
انکور، همراه با مناره هاو ساحه وسیع باستانی که در
حدود ۴۰۰۰۰ هکتار میگردد، با تمام معیارات
مقدماتی شمولیت در لست میراث های جهانی در
مطابقت قرار دارد. و قابل تذکر است که شرایط
ابتدایی نیز برآورده گردیده بودند مثلاً: (الف) صحت
و درستی مناره ها به هیچ صورت قابل مقایسه نبود؛
(ب) کمبودها "پیمان سال ۱۹۷۲ در مورد حفظ
میراث های فرهنگی" را بتاريخ ۲۸ اکتوبر ۱۹۹۱
مورد تائید قرار داد؛ (ج) پادشاه کمبودها با استفاده از
صلاحیت اش به حیث رئیس شورای عالی ملی
کمبودها- ارگان مصلحه ملی آنزمان- شخصاً طور
رسمی بتاريخ ۱۰ سپتمبر سال ۱۹۹۱ ضمن
درخواستی به یونسکو شمولیت انکور را در لست
میراث های جهانی تقاضا نمود تا مساعدت بین المللی
برای حفظ انکور هماهنگ شده بتواند.

علاوتاً یونسکو در بیست و ششمین جلسه
کنفرانس عمومی (اکتوبر الی نوامبر ۱۹۹۱)
قطعنامه شماره ۳،۱۳ را به اتفاق آراء تصویب و
از دایرکتر جنرال دعوت به عمل آورد تا با مقامات
کمبودها کمک نماید تا فعالیت های قانونی لازم را
برای کاندید نمودن منطقه برای شمولیت در لست
میراث های جهانی انجام دهند. باوجود آنهم
عملکردهای معین که برای تطبیق رهنمودهای نافذ

العاده شامل لست میراث های جهانی گردید بصورت کامل توجیه پذیر بودند. حلقه مشکلات باید در هم شکسته شود و ما باید به آینده امیدوار باشیم. جامعه بین المللی این مسئله را درک نموده است، حکومت شاهی کمبودها بر مشکلات فایق آمده و بیش از یک دهه است که تلاش های ما دوام دارد.

مندرج در رهنمودهای عملیاتی به اساس معیارات (۱) (۲) (۳) و (۴) صرفنظر نموده و منطقه انکور را همراه با مناره های باستانی آن طوریکه در گزارش حفاظتی ایکوموس درج گردیده در لست میراث های جهانی شامل سازد. این کمیته پافشاری مینماید که این عمل برای ایجاد یک نمونه برای موارد مشابه صورت نگرفته بلکه در پاسخ به یک حالت دارای ماهیت خاص انجام گرفته است. بنابراین، به منظور تأمین حفاظت منطقه برای یک دوره سه ساله یعنی از ۱۹۹۳-۱۹۹۵ کمیته تصمیم گرفت تا مطالعات عمیق در منطقه انکور پیش برده شوند و گزارش آن به بیرو و کمیته در مورد حالت مناره ها و تدابیر حفاظتی آن ارائه گردد. اولین گزارش باید به جلسه ماه جولای ۱۹۹۳ بیرو و بعداً به کمیته در جریان هفدهمین جلسه آن در دسامبر ۱۹۹۳ ارائه گردد."

به این ترتیب ما در شمولیت انکور در لست میراث های جهانی معروض به خطر با مشکلاتی مواجه نگردیدیم. تا باشد که با این شمولیت پرابلم هاییکه منطقه با آن روبرو است بصورت عاجل و مؤثر حل گردند.

متعاقباً از مقامات کمبودیایی تقاضا به عمل آمد تا تدابیر لازم را جهت برآوردن شرایط ذیل اتخاذ نماید: (الف) وضع قانون مناسب جهت حفاظت، (ب) ایجاد اداره حفاظت ملی با داشتن کارمندان تعلیم یافته؛ (ج) تعیین سرحدات دایمی به اساس پروژه ZEMP؛ (د) تعیین مناطق حائل؛ (ه) نظارت و هماهنگی تلاش های حفاظتی بین المللی.

در جریان سه سال بین ۱۹۹۳ و ۱۹۹۵ تمام شرایط فوق طور قناعت بخش برآورده گردیدند، باوجود آنکه این عمل پس از ۳۰ سال جنگ آغاز یافته بود. و کاملاً واضح است که نتایج بالاتر از توقع ما بود. شرایط خاصی که طی آن یک محل فوق

یادداشت

۱. قانون میراث ها (به همکاری کارشناسان یونسکو) بتاريخ ۲۵ جنوری ۱۹۹۶ به تصویب رسید.
۲. اداره حفاظت ملی، بنام اسپارا به اساس فرمان شاهی مورخ ۱۹ جنوری سال ۱۹۹۵ ایجاد و به حیث یک اداره دولتی دارای استقلالیت اداری و مالی میباشد.
۳. در مطابقت با پیشنهاد زیمپ، فرمان شاهی مورخ ۲۸ می ۱۹۹۴ ناحیه بندی و کنترل و اداره منطقه سیم ریپ/انکور را تعیین نمود.
۴. به منظور انسجام فعالیت های بین المللی با مقامات کمبودیا و در مطابقت با تصامیم کنفرانس توکیو در مورد حفاظت و انکشاف منطقه باستانی انکور (۱۲ الی ۱۳ اکتوبر ۱۹۹۳)، یک کمیته انسجام بین المللی برای منطقه انکور ایجاد گردید این کمیته تحت ریاست کشورهای فرانسه و جاپان تأسیس و یونسکو بخش سکرتریت دایمی علمی و تخنیکی آنرا به عهده گرفت. این کمیته در پنومین بتاريخ ۲۱ و ۲۲ دسمبر ۱۹۹۳ تأسیس و از آن زمان به بعد طور منظم سال دوبار جلسات عمومی و جلسات تخنیکی خود را دایر مینماید.

جنبه های تحلیلی و اداره پروگرام بین المللی

انکور

توسط ان لیمستر و سبستیان کاولیر

ان لیمستر که تحصیلات عالی خود را در رشته حقوق و روابط بین الدول به پایان رسانیده، برای سالهای متعددی با ادارات تمویل کننده برای حفظ میراث های فرهنگی در امریکای لاتین کار نموده است.

سبستیان کاولیر در رشته های علوم سیاسی و اداره تجارت تحصیلات عالی داشته و سالیان زیادی در کمبودیا با بخش خدمات خارجی فرانسه و یونسکو فعالیت و همکاری نموده است. از سال ۱۹۹۹ به اینسو بحیث مشاور بخش میراث های فرهنگی و مسؤول هماهنگی فعالیت های پروگرام حفظ و نگهداری ایفای وظیفه مینماید. علاوه نامبرده رئیس موزیم شهری تونی گارنر در لیون (Lyon) میباشد.

مقدمه

اولین تدابیری که برای حفظ و نگهداشت ساحه انکور اتخاذ شد در تاریخ پروگرام حفظ و نگهداشت میراث های فرهنگی قابل توجه بودند. مراحلی که طی آن این ساحه در لست میراث های جهانی ثبت گردید پاسخی در مقابل این " محل بی نظیر" بود، و تعهدات قوی تمام جامعه بین المللی را در مقابل انکور و کمبودیا در اوایل سالهای ۱۹۹۰ ثابت نمود.

انکور بتاريخ ۱۴ دسمبر سال ۱۹۹۲ در لست میراث های جهانی شامل گردید. فیصله کمیته میراث های جهانی جای هیچ نوع شک و تردید را باقی نگذاشت: " از انجائیکه این محل بی نظیر کمبودیا، مطابق به موافقت نامه های پاریس از ماه جولای ۱۹۹۱ به بعد تحت اداره موقت سازمان ملل متحد قرار گرفته است، این کمیته فیصله نمود تا از بعضی شرایط مندرج در رهنمود های عملیاتی صرفنظر نموده و به

جنبه های تحلیلی و اداره پروگرام بین المللی انکور
ان لیمستر و سبستیان کاولیر

مختلفه بودند. از آن پس اداره متذکره پالیسی عمومی
برای تنظیم و اداره دخول به منطقه و آموزش تیم ها را
پیش برده و طرز العمل های لازم برای تطبیق پالیسی
فوق را مشخص ساختند.

در سطح بین المللی

جامعه بین المللی نیز به نوبه خود در جهت حفظ و
انکشاف منطقه فعالیت های وسیعی را انجام داده است.
تمام فعالیت های انجام شده توسط کمیته انسجام بین
المللی برای حفظ و انکشاف ساحات تاریخی انکور
همآهنگ ساخته شدند. این کمیته فقط یک سال پس از
شمولیت منطقه در لست میراث های جهانی ایجاد گردید
و از آن زمان به بعد تحت اداره مشترک فرانسه و جاپان
قرار داشته که سکرتریت آن به عهده یونسکو میباشد.

کمیته انسجام بین المللی " یک میکانیزم جهانی
برای همآهنگ نمودن مساعدت های فراهم شده از
کشورها و سازمان های مختلفه میباشد. این کمیته
همآهنگی میان پروژه های مختلفه را تأمین و در
صورت لزوم معیارات فنی و مالی را برایشان تعیین و
توجه جوانب ذیدخل را به آن جلب می نماید." کمیته
متذکره در عین زمان در صورت عدم حضور نهاد
اداری ملی برای پیشبرد یک ماموریت، با مقامات
کمبودیابی در پیشبرد آن همکاری مینماید.

از سال ۱۹۹۳ بدینسو فعالیت های ذیل را انجام داده
است:

۱. کمیته انسجام بین المللی بلاوقته سال دوبار
تشکیل جلسه داده و به این ترتیب نظارت منظم بر تمام
عملیات های انجام شده در منطقه را تأمین نموده است؛
۲. بیشتر از ۲۰ کشور، سازمان های بین المللی
و مساعدت کنندگان شخصی برای حفظ و انکشاف
ساحه کمک های مالی را انجام داده اند که طور وسط
سالانه به ۵ میلیون دالر بالغ میگردد؛

اساس معیارات (i) ، (ii) ، (iii) و (iv) منطقه انکور را
همراه با بناها و نواحی باستانی آن شامل لست فوق
سازد. این کمیته منطقه انکور را در لست میراث های
جهانی که مواجه با خطر اند شامل ساخته و تقاضا نمود
تا نظر به پیشنهاد ICOMOS مسنولین مربوط تدابیر
لازم را برای برآورده نمودن شرایط خاص انجام
دهند."

یک پی آمد فوری این شمولیت استثنایی این بود که در
سال ۱۹۹۳ جامعه بین المللی و یونسکو یک پروگرام
عملی کاملاً تازه بی را رویدست گرفت که این پروگرام با
برنامه های قبلی یونسکو مبنی بر کمپاین بین المللی کاملاً
تفاوت داشت. تفاوت این پروگرام با برنامه های قبلی درین
بود که این پروگرام طی چهار خصوصیت عمده
ستراتژیک خلاصه شده میتوانست: تعهدات قویتر سیاسی،
تطبیق طرق جدید حفاظتی، تلاش های آموزشی بی سابقه
در محل و بالاخره حفظ میراث های فرهنگی از طریق
انکشاف مداوم آن.

تعهدات محکم تر سیاسیدر سطح ملی

در ظرف فقط سه سال مقامات کمبودیابی هر پنج
شرط وضع شده توسط کمیته میراث های جهانی را
برآورده نمودند. خاصاً مقامات متذکره میل سیاسی
شانرا مبنی بر تقویه نهاد مسنول برای کنترول و اداره
منطقه انکور یعنی (APSARA) صریحاً ثابت نمودند.
این اداره دولتی بحیت همکار عمده جامعه بین المللی در
انکور از تاریخ ۱۵ فیروی ۱۹۹۵ به بعد سریعاً
انکشاف نمود. از سال ۱۹۹۹ بدینسو، اداره متذکره
منابع مالی قابل ملاحظه بی را در اختیار داشته که این
منابع از طریق عواید داخلی ناشی از فروش تکت ها
برای ورود به پارک باستانی انکور بدست می آیند. در
جون ۲۰۰۱، کمیته اداری نهاد متذکره تقویه بیشتر
کسب و توسعه یافت، در نتیجه افرادی شامل آن شدند
که دارای مهارت های گونه گون و معاصر در ساحات

جنبه های تحلیلی و اداره پروگرام بین المللی انکور
ان لیستر و سبستیان کاولیر

انکشاف انکور اهمیت بیشتر کسب نمود، نقش کمیته
انسجام بین المللی تدریجاً ارتقا یافت، زیرا ماموریت
APSARA عبارت از "پیشبرد فعالیت ها برای تنظیم و
انکشاف ساحه توریستی" در سیم ریپ/انکور و "حفظ،
و انکشاف ساحه در مطابقت با احکام ماده ۵ قانون
حفاظت میراث های فرهنگی مؤرخ ۲۶ جنوری ۱۹۹۶
و تعهدات بین المللی در مورد موقف این منطقه بحیث
میراث جهانی میباشد."

کمیته انسجام بین المللی توانمندی خود را در بسیج
نمودن جامعه بین المللی و هماهنگ سازی فعالیت های
آنان به اثبات رسانیده است. این کمیته همچنان مساعدت
قابل توجهی را در ایجاد یک پیشینه اسناد و سوابق مبنی
بر شمولیت جامعه بین المللی در انکور ضمن تدوین و
جمع آوری اسناد علمی و تخنیکی انجام داده است. این
اسناد دارای اهمیت زیادی برای آینده میباشد.

در حالیکه درین مسئله شکی نیست که تمام فعالیت
های متذکره باید تداوم و تقویه بیشتر یابند، سوال به
میان می آید که چگونه این فعالیت ها پیش برده خواهند
شد. در سالهای آینده کمیته انسجام بین المللی باید توجه
بیشتری را به انکشاف ساحه میزول دارد؛ پروژهای در
مورد ساختمان ها برای توریستها و انکشاف شهری،
ایجاد زیربنا و اعطای جواز تجارتي در داخل پارک
باستانی در حال حاضر موضوعات عمده قابل توجه
شمرده میشوند. علاوهً چنین توقع میرود که مهارت
های علمی در دسترس APSARA قرار داده شود تا خود
را بهتر سازمان دهی نموده و بدون مشکل به فعالیت
خود دوام دهد.

یونسکو نیز بحیث سکرتریت کمیته انسجام بین
المللی همانند این کمیته، در حفظ اسناد و سوابق
نگهداشت و انکشاف انکور مساعدت نموده است. توقع
میرود که این کار جمع آوری اطلاعات باید بصورت
تدریجی به مرکز جهانی اسناد علمی و فنی انکور که
در جنوری ۱۹۹۹ ایجاد گردید و تحت حمایت یونسکو

۳. بیشتر از ۳۰ اداره بین المللی (مؤسسات بین
المللی، دانشگاه ها، تشبثات خصوصی، سازمان های
غیرحکومتی و غیره) سهم فعالی را در حفظ و انکشاف
ساحه ایفا نموده اند که بخش های مختلف مانند حمایت
تشکیلاتی، مطالعات، اعمار، حفظ و انکشاف بناها،
انکشاف توریزم، انکشاف شهری، آموزش، انکشاف
جوامع و ساختار های زیربنایی را در بر میگیرد؛

۴. طور مجموعی در حدود ۱۰۰ پروژه عملی
گردیده اند، حفظ و نگهداری ۱۵ بنای تاریخی توسط
جامعه بین المللی تأمین گردیده و تقریباً ۵۰۰ گزارش
در مورد نشر گردیده است. تمام این دست آوردها در
نتیجه تعهدات سیاسی مقامات کمبودیابی و جامعه بین
المللی بدست آمده اند، این تعهدات که نمایانگر عزم
قاطع برای حفظ و انکشاف انکور بوده است باید
بدیگران سرمشق و نمونه باشند. این دست آوردها
هیچگامی بدون تلاش های روزمره و متواتر
متخصصین کمبودیابی و بین المللی که امروز به آنها
کلمه "فامیل بزرگ انکور" اطلاق میشود حاصل نمیشد.

آینده برای منابع سیاسی

با بکاربرد اصل انتقال ضروری مسنولیت به
مقامات کمبودیابی که طی اعلامیه توکیوی ماه اکتوبر
۱۹۹۳ خاطر نشان گردید، جامعه بین المللی فعالیت
هایشرا در چوکات ارتقای ظرفیت ساختاری تنظیم
نمود. این موضوع بصورت غیرمستقیم بیان نمود که
هدف جامعه بین المللی فراهم نمودن حمایت برای مدت
زمان محدود میباشد. این سوال که آیا چگونگی تطبیق
این اصل صرف در دریافت طرق و راه های سازمان
دهی یک خروج تدریجی خلاصه شود و یا اینکه باید
توقع تغییراتی را در ماهیت فعالیت جامعه بین المللی
داشته باشیم مطرح بود.

زمانیکه اداره دولتی برای حفظ و انکشاف انکور یا
APSARA بحیث مالک پروژه عملیاتی برای حفظ و

جنبه های تحلیلی و اداره پروگرام بین المللی انکور
ان لیمنستر و سبستیان کاولیر

۲. سعی جدی برای حصول حد اعظم تنوع فرهنگی، محیطی و اقتصادی بعمل آید.

۳. باستانشناسی و حفظ محیط میتوانند طرقی باشند که بوسیله آن انکشاف اقتصادی تقویه بیشتر گردد.

۴. فعالیت های انکشافی باید به اساس ارزش های محل صورت گیرد.

۵. فواید کوتاه مدت نباید نظر بر مصارف طویل المدت اولویت حاصل کنند.

۶. فواید اقتصادی باید بصورت مساویانه تقسیم گردند.

۷. انکشاف دهندگان باید کلیه مصارف حاصله از اثرات منفی را بپردازند.

۸. انکشاف باید در چارچوب تنظیماتی قانونی صورت گیرد.

۹. ناحیه بندی یک وسیله ایست که بواسطه آن هماهنگی منابع حاصل گردیده میتواند.

۱۰. "طوری پلان سازی" نمایید که داخل یک چارچوب بوده و دور نمای ستراتیژیک داشته.

علاوتاً پلان متذکره باعث تقسیم منطقه سیم ریپ/انکور به پنج ناحیه گردید که این تقسیمات مطابق به پنج سطح حفاظتی صورت گرفت:

در حالیکه جامعه بین المللی و مقامات کمبودیابی هشت سال اول را صرف فعالیت های حفاظتی جهت برآورده نمودن ایجابات عاجلی نمودند که باعث شمولیت منطقه در لست میراث های جهانی معروض به خطر گردید، کمیته انسجام بین المللی و APSARA همیشه افکار شانرا وقف طرح پروژه ناحیه بندی و حفظ محیط نمودند که توسط ZEMP ارائه شده بود.

گروپ خاص کارشناسان

کمیته انسجام بین المللی که در اصل یک نهاد سیاسی بوده و در آن کشورها و سازمان های بین المللی نمایندگان شانرا به سطح دیپلماتیک معرفی مینمایند، دست به ایجاد

فعالیت مینماید، سپرده شود. کار جمع آوری و پروسس معلومات و تنظیم سیستماتیک آن برای تأمین تداوم پروگرام حتمی شمرده میشود. این عمل وظیفه اخلاقی و فلسفی هر دو جانب یعنی جامعه بین المللی و مقامات کمبودیا میباشد.

به منظور حفظ حقانیت خود، کمیته انسجام بین المللی مکلف است تا به این سوالات جدید پاسخ صریح ارائه نموده تا بتواند حفظ ساحه را تأمین نماید بدون اینکه انکشاف آنرا به مخاطره بیندازد. آیا کمیته بصورت کافی تجهیز گردیده تا بتواند تغییرات در پروگرام را پذیرفته و خواسته های اعضای خود و اولتر از همه خواسته های APSARA را برآورده نماید؟ بدون شک، موفقیت پروگرام انکور مشروط به تقویه APSARA و کمیته انسجام بین المللی با ایجاد روابط قوی میان آنان و تأمین توأمیت فعالیت های شان میباشد.

طرق جدید حفاظتی

پلان ناحیه بندی و اداره محیطی (ZEMP)

در سال ۱۹۹۳ پلان ناحیه بندی و اداره محیطی برای میراث جهانی انکور، که مشتمل بر طرق علمی در بخش های مختلفه بود توسط یونسکو طرح و تطبیق گردید. حدود ۱۰ کارشناس در بخش های مربوطه شان مطالعات مفصلی انجام دادند که شامل: باستانشناسی، معماری، انکشاف توریزم، زمین شناسی، تاریخ و مطالعه آثار، هایدرولوژی، حفظ محیط زیست و جامعه شناسی بود. این مطالعات اساسی با تیم APSARA یکجا انجام یافت و در آن از کتاب گذشته، حال و آینده انکور بحیث مآخذ استفاده صورت گرفت.

پروژه ZEMP به منظور تأمین انکشاف مداوم ساحه ۱۰ اصل اساسی را بحیث یک چارچوب کاری مورد استفاده قرار داد:

۱. انکشاف نباید باعث کاهش منابع اساسی بی گردد که منطقه به آن متکی است.

جنبه های تحلیلی و اداره پروگرام بین المللی انکور
ان لیمستر و سبستیان کاولیر

تصمیم گیری کمیته انسجام بین المللی بدست آورد. در
مورد حقانیت این گروه دیگر جای سوال باقی نمانده
است. علاوه برینکه گروه متذکره بحیث یک نهاد
نظارتی فعالیت مینماید، حیثیت یک مجمع مباحثات و
تبادل نظر را بدست آورده است.

در زمینه توسعه احتمالی ساحه فعالیت کمیته انسجام
بین المللی، بخش گروه خاص کارشناسان باید طوری
تقویت و توسعه داده شود که در آن رشته های جدید
مهارتی شامل گردید تا بتواند نقش کلیدی خود را در کمیته
انسجام بین المللی بازی نموده و حمایت ارزشمندی را به
APSARA فراهم نماید. این به مفهوم بسط و توسعه بخش
های فعالیت کارشناسان میباشد تا موضوعات کاملاً متنوع
را که تنظیم، کنترل و پیشرفت ساحه را احتوا مینماید
تحت پوشش قرار داده بتواند. درینجا دو مسئله باید مورد
ملاحظه قرار داده شوند: داشتن منابع برای مشاورین
خارجی تا قبل از کارشناسان مسایل را بیشتر روشن
سازند، طوریکه در ماده ۵ مقررده داخلی وظایف درج
گردیده و یا تعدیل در مقررده داخلی تا حلقه کارشناسان
بیشتر وسیع گردد و متخصصین جدید را نیز شامل نموده
تواند. علاوه تا این مسأله ایجاب مینماید که فعالیت های
عملی ایکه به اساس سفارشات این گروه صورت
میگیرند نیز بصورت منظم تحت تعقیب قرار داده شوند که
قبل از همه در حوزه مسئولیت مقامات کمبودیابی شامل
میباشد. حتی اگر منابع مالی قابل توجهی به APSARA
تخصیص داده میشوند و پرسونل ماهر بیشتری استخدام
میگردند، با وجود این همه خوش بینی ها، باید اعتراف
نمود که تعقیب منظم فعالیت ها در ساحه جای خود را دارا
میباشد. بالاخره مسأله اساسی این خواهد بود که نیدخل
بودن اعضای گروه به منظور ارائه پاسخ سریع به
سوالات بغرنج و تأمین تعقیب منظم فعالیت های عملیاتی
توسعه بیشتر داده شود، که تمام این مسایل دلالت به دخالت
پیشرونده یونسکو و کارشناسان بصورت متوازن مینماید.



۳۸. جمع متخصصین AD HOC در انشای بازدید از
پری ری.

یک بخش فنی زد تا به این طریق از کارشناسان دارای
سطح عالی و علمی تخصصی استفاده صورت گیرد.
گروه خاص کارشناسان که در جنوری سال ۱۹۹۷ ایجاد
گردید، دارای وظایف ذیل میباشد:

"بنابر تقاضای هیأت رئیسه کمیته انسجام بین
المللی، گروه خاص کارشناسان مسئولیت های ذیل را
دارا میباشد: -

الف) مطالعه جنبه های علمی و تخنیکی پروژه های پیشنهاد
شده به کمیته انسجام بین المللی؛

ب) بازرسی در مورد سوالات تخنیکی در مورد
منطقه انکور و بناهای آن؛

ج) ابراز نظر و مشورت به تمام سوالاتی که توسط
هیأت رئیسه در مورد مهارت های مربوطه به آنان
ارائه میگردد."

گروه خاص کارشناسان ثابت نمودند که با کمیته
انسجام بین المللی و مقامات کمبودیابی در تصمیم گیری
های مربوط به مسائل بغرنج همکاری فوق العاده
نمودند. سفارشات این گروه به مقامات کمبودیابی
مساعدت نمود تا ماستر-پلانی را برای حفظ و نگهداشت
بناها و بررسی هاییکه در موارد معلق تخنیکی توسط
فعالین بین المللی صورت میگرفت ترتیب دهد.

باوجود اینکه ایجاد گروه خاص کارشناسان برای
مدت زمانی یک مسأله مورد منازعه بود، این گروه
توانست تا تدریجاً یک موقف حیاتی را در پروسه

آن پافشاری میشود) باید بیش ازین جای خود را به مشارکت و همکاری مساویانه بدهد.

امروز، کمبودیابی های جوان جهت آموزش به خارج میروند. و چنین پیش بینی میشود که انکور در آینده بتواند یک مرکز تریننگ منطقی را برای آثار تاریخی خمر (Khmer) ایجاد نماید که حتی جوانان از کشورهای انکشاف یافته برای فراگیری رمزهای اداره ساحات بزرگ فرهنگی به آنجا بیایند.

با پیوستن با شبکه جهانی موجود (پوهنتونها، نواحی میراث های فرهنگی و امثال آن) و با ایجاد و پرورش یک شبکه جدید، APSARA میتواند از تجارت حاصله از سایر نواحی بزرگ استفاده نماید. در آینده نزدیک به نوبه خود برای استفاده سایر نواحی تجارب خود را پیشکش نموده و چگونگی دست آوردهای خود را با آنان شریک سازد. این اتحاد طوریکه امروز موجود است باید در سرتاسر کمبودیا عملی گردد.

حفظ انکشاف مداوم

هر اداره ایکه مصروف کار در انکور بوده موازی با خطوط تعیین شده توسط کمیته انسجام بین المللی فعالیت نموده است و یکی از مشخصات برجسته آن اینست که هر دو مفاهیم حفاظت و انکشاف باهم یکجا بکار رفته اند و به این طریق در فعالیت های تعیین شده آنزمان که توسط کمیسیون جهانی فرهنگ و انکشاف طرح شده بود در یک ردیف قرار داشته اند.

مقامات کمبودیابی و کمیته انسجام بین المللی حال ساحه فعالیت شانرا را توسعه بیشتر میدهند تا انکشاف توریزم فرهنگی را که بخشی از تعهدات اصلی شانرا تشکیل میداد احتوا نموده بتواند. حوادث سیاسی سال ۱۹۹۷ سکتگی موقت را در تسوریزم خارجی و پروژهای مربوطه آن به میان آورد. با اعاده شدن ثبات سیاسی زمان آن رسیده است تا برای انکشاف فرهنگی و توریزم در منطقه انکور یک ستراتیژی تعیین گردد.

تلاش بی سابقه در قسمت آموزش

در سالهای ۱۹۹۰ کمیته انسجام بین المللی و یونسکو، ترغیب جامعه بین المللی برای پروگرام های احیا و حفظ این منطقه و آموزش کارمندان کمبودیابی برای این مقاصد را در جمله اولویت ها قرار داد. اهداف عمده طرح شده توسط مقامات کمبودیا، جامعه بین المللی و یونسکو این بود که مهارت های لازم به کارشناسان کمبودیابی انتقال گردد که توانمندی جذب آنرا از جامعه بین المللی دارا گردند، و ساختار تشکیلاتی طوری ایجاد گردد تا مسئولیت کنترول و اداره منطقه انکور را به عهده گرفته بتواند. با داشتن این نظریه، پروژه های بین المللی تماما در کار آموزش کارشناسان کمبودیابی سهیم شدند.

این حقیقت که یکی از ارزش های عمده پروگرام انکور بسیج نمودن تخصص های متنوع میباشد باعث گردید تا هدف فوق به سهولت تحقق یابد. کارشناسان اروپایی، آسیایی و امریکایی چه در بخش های سنگکاری، اعمار هتل ها و جنگلداری فرصت خوبی را برای انکور و کمبودیا فراهم میسازد. به این معنی که کمبودیابی های جوان میتوانند با متخصصین نخبه کار نمایند که در عین زمان تداوم پروگرام حفظ و انکشاف انکور ضمن فراهم نمودن تریننگ به آنان تأمین میشود که در آینده مسئولیت این ساحه به دوش آنان خواهد بود.

این شیوه باید در آینده بیشتر تقویه یافته و به تمام بخش های مهارتی لازم برای کنترول این ساحه وسیع گسترش داده شود. خروج تدریجی جامعه بین المللی در حقیقت APSARA را ازین تنوع مهارت ها بی بهره خواهد نمود و بصورت غیرمستقیم انکشاف آنرا بطی خواهد ساخت.

استدلال جامعه جهانی مبنی بر فراهم نمودن مساعدت به انگور(چیزیکه در سالهای ۱۹۹۰ صورت گرفت و نظر به دلایل که ذکر آن درینجا لازم نیست به



۳۹. حضور اطفال قریه جات نزدیک در معابد منظره خوش آیند برای مراجعین زحمتکش ساحه بوده نشانه سرنوشت واقعی ساحه میباشد: موزیمی که به روی مردم محل باز است.

آواز خوانی، صحنه تئاتر)، اهمیت قصه خوانی، مهارت های دستی و سایر فعالیت های فرهنگی که زندگی دهات خمر را نشان میدهد نیز باید در نظر گرفته شوند. این میراث های نازک زندگی همانند میراث های باستانی انکور ارزش حفاظت و نگهداری را دارند. در نتیجه تمام منابع فرهنگی این محل باید نگهداری شوند که به این طریق انکور میتواند کاملاً یک موقف محل مقدس و هنرستان را به دست آورده و به یک محل خلاقیت هنری نایل گردد.

در انکشاف و اعمار ساختمانهای توریستی که در داخل و خارج محل لازم اند باید توجه صورت گیرد که حفظ و نگهداشت محیط زیست تأمین گردیده و منابع طبیعی طور مداوم کنترل گردند. چنین تخمین میگردد که یک توریست طور وسط روزانه یک کیلوگرام مواد زاید را تولید نموده و الی ۲۰۰ لیتر آب را به مصرف میرساند. این اعداد تأکید بر آن مینماید که در سرمایه گذاری بزرگ برای تعمیرات محتاطانه پلان سنجیده شده و طوری اعمار گردند که باعث ایجاد فشار نگردیده و موازنه میان محل، هتل منطقه و شهر سیم ریپ را نگهداری نموده بتواند. دست یافتن به یک انکور ایدال به حیث یک محل توریستی درین هدف نهفته است که برای بدست آوردن اهداف مشترک تلاش صورت گرفته و انسجام کامل فعالیت های دولت کمبودیا و همکاران بین المللی شان تأمین گردد.

یونسکو طی سالهای طولانی همراه با کشورهای عضو برای انکشاف توریسم فرهنگی فعالیت نموده است. استفاده از طرق مربوط به رشته های مختلف علمی در مورد توریسم که توسط یونسکو استفاده شد شامل جنبه های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، علمی، محیطی و اخلاقی آن بوده و نیز شمولیت جمعیت های محلی در پروسه تصمیم گیری برای آینده انکور و نتیجتاً آینده خود این جمعیت را در بر میگیرد.

در حمایت ازین اولویت کاری، حکومت شاهی کمبودیا سالهای ۲۰۰۲ الی ۲۰۱۲ را بحیث "دهه انکشاف انکور" اعلام نموده است تا در عین زمان در رابطه با سه چالش کار صورت گیرد: اول مبارزه با فقر، دوم تأمین رشد مداوم اقتصادی و سوم بهبود سطح زندگی. یعنی انکشاف محل به نحوی پیشبرده شود که جمعیت های محلی کنار زده نشوند. به همین گونه مردم محل در مورد تاریخ شان، میراث های تاریخی و فعالیت هاییکه توسط تیم های کمبودیایی و خارجی پیشبرده میشوند با خبر ساخته شده و در پروسه حفاظت بیشتر دخیل گردند. این نظریه که جوامع محلی بهترین حافظین میراث های تاریخی شان بوده میتوانند همیشه اظهار میگردند ولی کمتر در ساحه عمل مدنظر گرفته میشود. انکور با داشتن ۲۲۰۰۰ باشنده بهترین فرصت را دارد تا درین میدان درخشش یابد. درین مورد باید توجه گردد که جوامع محلی طور منظم باخبر نگهداشته شده و بنابراین آنان میتوانند خود را برای دخیل شدن در تغییراتی که یقیناً در نتیجه سرازیر شدن توریسم به میان می آیند آماده سازند. هر نوع تغییر در محیط فیزیکی بدون شک اثرات قابل ملاحظه اجتماعی و اقتصادی را دارا میباشد که در نتیجه بالای کلتور و سطح زندگی جامعه اثر نموده میتواند.

جمعیت های منطقه سیم ریپ حافظین عرف و سنن هایی اند که بعضاً در سایر ولایات کمبودیا ناپدید شده اند، ازینرو در پهلوی اجرای هنر (رقص، موسیقی،

در تطبیق آن و دوم، هماهنگ نمودن انکشاف و عدم تمرکز در یک محل که باعث یک چرخش در جریان جهان گردان شده و از ازدحام در انکور جلوگیری خواهد کرد و نیز انکشاف اقتصادی مساویانه در تمام کشور تأمین خواهد شد.

نتایج

کمپاین جهانی که توسط یونسکو در سالهای ۱۹۶۰ بر اه انداخته شد بیش از همه برای حفاظت میراث های تاریخی وقف گردیده بود. از آنجائیکه مفهوم میراث و ارتباط آن با انکشاف مداوم و وسعت بیشتر یافته است، یونسکو نیز سایر مفاهیم را با آن مرتبط ساخته است که شامل مفاهیم اقتصادی، اجتماعی و محیطی می باشد و تمام این مفاهیم را درین برنامه حفاظت مناطق فرهنگی با هم یکجا نموده است. برنامه جهانی حفاظت انکور مغلوق بودن این انکشافات را توضیح مینماید. این حقیقت که انکور امروز بزرگترین منطقه کار باستانی جهان است در آخرین تحلیل علاقمندی آئی را به میان آورد: ابتکار اصلی در برنامه حفاظت و انکشاف آن این است که در اوایل ۱۹۹۲ مقامات کمبودیابی و جامعه بین المللی آنرا از چندین دیدگاه و طرق مختلفه علمی مورد مطالعه قرار دادند. این فلسفه جدید که اساس فعالیت های شانرا تشکیل میداد و شامل تلاش برای یکجا نمودن منافع شخصی، منافع ملی و شیوه های کاری کوتاه مدت و طویل المدت بود، چالش اصلی را در برابر مقامات کمبودیابی، جامعه بین المللی و یونسکو تشکیل میداد. موفقیت های کاری و ناکامی هاییکه به میان آمد بدون شک همکاران مختلف را کمک خواهد نمود تا طرق عملیاتی خود را طوری انکشاف دهند تا سایر نواحی فرهنگی جهان از آن نفع حاصل نمایند.

درین زمینه خاص، یونسکو نقش یک میانجی را میان شیوه های مختلف مسلکی و کلتور کاری عملگران

انکور: یک چالش و یک ملموریت برای آینده

میزان فعالیت هاییکه در انکور صورت میگیرند نباید باعث این گردد که حالت حفاظتی وخیم سایر بناهای خمر که شامل (فنوم کولین، بنتی خمر، کوه، کر، پریاخان کومپنگ سوی، سمبور پریکوک، و امثال آنها) می باشد و در معرض تاراج و بی توجهی قرار گرفته اند از نظر دور بمانند اگر حفاظت انکور نگذارد که این بناهای برجسته نیز حفظ گردند، درینصورت موفقیت حاصل شده در منطقه سیم ریپ قابل افتخار نخواهد بود.

ازینکه خطر بزرگ به میان آمدن یک دوراهی و بلا تکلیفی درمورد در میراث های تاریخی کمبودی محسوس است، لازم است تا تمام مناطق کشور از تجارب حاصله در انکور منفعت ببرند. نظر به دلایل حفظ ثبات و همبستگی، لازم خواهد بود تا تعهدات کمیته انسجام بین المللی به سایر نقاط دارای بناهای مهم تاریخی گسترش داده شده و نباید فقط به مسئله جلوگیری از تاراج و قاچاق غیرقانونی آن مناطق محدود بماند. باید توجه صورت گیرد که توسعه منطقه پی که به حیث میراث جهانی تصنیف شده منطقه فنوم کولین را نیز در بر گرفته و سایر مناطق نیز شامل لست تجربوی میراث های جهانی گردند. بالاخره، طوریکه فوقاً پیشنهاد شد APSARA باید تجارب خود را و نیز چگونگی منابع مالی را با سایر مؤسسات عمده کشور و از همه اولتر وزارت کلتور و صنایع ظریفه و پوهنتون شاهی صنایع ظریفه این کشور شریک سازد.

این پیشنهاد فرصت خوبی را به این موضوع فراهم میسازد که به تاریخ امپراطوری خمر ضمن تأمین ارتباط میان سایر مناطق باستانی کمبودی با انکور از نقطه نظر عملی و نظری از طریق حفاظت و انکشاف آن منظره مناسبی داده شود. این مسئله دو منفعت دیگر را نیز در بردارد: اول، تشریک معلومات در مورد حفاظت مناطق خمر و صرفه جویی با افزایش مقیاس

^۱ ماده دوم فرمان شاهی در مورد ایجاد یک اداره دولتی برای حفظ و تنظیم ساحه انکور بنام APSARA. (فرمان شماره ۱۲/۰۲۹ مؤرخ ۱۹ فیروری سال ۱۹۹۵).

^۱ ماده ششم فرمان شاهی شماره ۱۸/۰۱۹۹ مؤرخ ۲۲ جنوری ۱۹۹۹ در توافق با احکام فرمان شاهی شماره ۱۲/۰۲۹۵ مؤرخ ۱۹ فیروری ۱۹۹۵ و فرمان شاهی شماره ۹۱/۱۲۹۷ مؤرخ ۳۱ دسمبر ۱۹۹۷ در مورد قانونی بودن مؤسسات اداری دولتی حکم مینماید.

^۶ گذشته، حال و آینده انکور، APSARA مارچ ۱۹۹۶.

^۷ اقتباس از "خلاصه اجرایی پلان ناحیه بندی و اداره محیطی برای میراث جهانی منطقه انکور" یونسکو، ۱۹۹۴.

^۸ ماده چهارم مقررات داخلی در مورد وظایف گروپ خاص کارشناسان.

^۹ ماده پنجم مقررده داخلی وظایف: "در خصوص هر موضوع ایکه در موارد خاص تخصص به میان می آید، گروپ خاص کارشناسان صلاحیت دارد تا در ارتباط با سکرتریت از مشاورین مشوره بگیرد. مشوره های این مشاورین باید در موافقه با گروپ خاص کارشناسان صورت گرفته و از جانب آنان ارائه گردد"

^{۱۰} منبع: یونسکو ۱۹۹۸.

بازی نموده، و در همه حال منافع طولیل الممدت کمبودیا را حفظ و نگهداری مینماید.

یاداشت

(i) مقامات کمبودیا مکلف بودند تا به تعقیب شمولیت انکور در لست میراث های جهانی مواجه با خطر شرایط خاص ذیل را به برآورده سازند: وضع مواد تقنینی مناسب، ایجاد اداره حراست ملی با دانشن کلرمدان شایسته؛ تعیین سرحدات دایمی به اساس پروژه ZEMP؛ تعیین مناطق حائل؛ نظارت و هماهنگی تلاش های حفاظتی بین المللی.

(iii) سه قلمه حفاظتی ZEMP قرار ذیل است: زون ۱ منطقه بناها؛ زون ۲ منابع باستانی حفظ شده؛ زون ۳ مناظر فرهنگی حفظ شده؛ زون ۴ نواحی دارای ارزش باستانی، بشرشناسی و تاریخی؛ زون ۵ نواحی انکشاف اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی.

^۱ دسامبر ۱۹۹۳: ایجاد کمیته انسجام بین المللی برای حفظ و انکشاف نواحی تاریخی انکور یا ICC؛ ۲۸ ماه می ۱۹۹۴: تصویب فرمان در مورد ناحیه بندی سیم ریپ/ انکور، که بصورت سمبولیک اولین فرمان شاهی بود که توسط حکومت شاهی کمبودیا تصویب گردید؛ ۱۹ فیروری ۱۹۹۵: ایجاد یک اداره مسئول برای حفظ منطقه و انکشاف حوزه انکور؛ ۲۱ جنوری ۱۹۹۶: تصویب قانون حفظ و نگهداری میراث های کلتوری ملی.

^۱ اعلامیه توکیو، اکتوبر ۱۹۹۳.

^۱ در اعلامیه توکیو مورخ اکتوبر سال ۱۹۹۳ درج گردیده:

"ما استقلالیت و مسئولیت نخست مردم کمبودیا را برای حفظ و انکشاف محل تاریخی انکور به رسمیت می شناسیم. به اساس این شناخت ما از تلاش های مردم کمبودیا در انجام این وظیفه حمایت خواهیم نمود."

" ما همچنان انتقال نظریات و تجارب میان کارشناسان بین المللی و همکاران کمبودیایی آنان را تشویق و تقویت مینماییم. ما مشترکاً به این نظر موافق هستیم که به اسرع وقت مقامات و مسئولین کمبودیایی قادر گردند تا مسئولیت تطبیق فعالیت های را که باید انجام یابند به عهده گرفته و آنرا عملی نمایند."

museum INTERNATIONAL

CORRESPONDENCE

Questions concerning editorial matters:

The Editor, *Museum International*,

UNESCO, 7 place de Fontenoy,

75352 Paris 07 SP, France.

Tel: (+33.1) 45.68.43.39 / Fax: (+33.1) 45.68.55.91

Museum International (English edition) is published four times a year in January, March, June and September or three times a year with one double issue and two single issues to be published in May, September and December.

INTERNET: <http://www.blackwellpublishing.com>

Back issues: Single issues from the current and previous two volumes are available from Blackwell Publishing Journals. Earlier issues may be obtained from Periodicals Service Company, 11 Main Street, Germantown, NY 12526, USA. Tel: 001 518 537 4700. Fax: 001 518 537 5899. Email: psc@backsets.com

MICROFORM: The journal is available on microfilm (16mm or 35mm) or 105mm microfiche from Bell & Howell Information and Learning, 300 North Zeeb Road, Ann Arbor, MI 48106, USA.

US MAILING: Periodicals postage paid at Rahway, New Jersey. Postmaster: send address corrections to *Museum International*, c/o Mercury Airfreight International Ltd Inc., 365 Blair Road, Avenel, NJ 07001, USA (US mailing agent).

ADVERTISING: For details contact Pamela Courtney, Albert House, Monnington on Wye, Hereford, HR4 7NL, UK. Tel: +44(0)1981 500344.

COPYRIGHT: All rights reserved. Apart from fair dealing for the purposes of research or private study, or criticism or review, as permitted under the Copyright, Designs and Patents Act 1988, no part of this publication may be reproduced, stored or transmitted in any form or by any means without the prior permission in writing of the Publisher, or in accordance with the terms of photocopying licences issued by organisations authorised by the Publisher to administer reprographic reproductions rights. Authorisation to photocopy items for educational classroom use is granted by the Publisher provided the appropriate fee is paid directly to the Copyright Clearance Center, 222 Rosewood Drive, Danvers, MA 01923, USA (tel: 508-750-8400), from whom clearance should be obtained in advance. For further information see CCC Online at <http://www.copyright.com>.

Copies of articles that have appeared in this journal can be obtained from the Institute for Scientific Information (Att. of Publication Processing), 3501 Market Street, Philadelphia, PA 19104, USA.

Printed and bound in the United Kingdom by Headley Brothers Ltd, Kent. Printed on acid-free paper.

© UNESCO 2003

پښتو برخه



United Nations Educational,
Scientific and Cultural Organisation

۲۲۰ / ۲۱۹

۲۱۳ / ۲۱۴

بين المللي موزيم

له تاريخ سره مقابله

د جگړې او د هغې څخه په وروسته شرايطو کې موزيمونه او
کلتوري ميراثونه

| سرليک

لمري فصل: | جگړه او ورسې حالت:

- غلا شوي تاريخ: لوتماري او ناقانونه سوداګري
نيل برادي ۱۰
- د انګولا ملي موزيم د دغه هېواد د کورنۍ جګړو په بهير کې
فرناندو مانزامبي ۲۲
- د تېمور بحيرې په سيمي کې د (ساتنځايونو) لپاره رول
جېمز بينټ ۳۰
- د لبنان ملي موزيم په بيروت کې
جوزف پغې ۳۸
- د لاهه د شگار ۱۳۳۳ هجري شمسي (۱۹۵۴ م) کال دويمېګ ناستيګ تړون او د
بشر دوسته دنويوال قانون پرمختګ
جان هلاډيک ۴۴

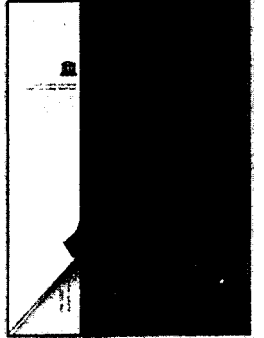
دويم فصل: | د چارو وضعيت په افغانستان کې ۵۱

- په افغانستان کې بتان او کلتوري ميراثونه
رضا ۵۱
- د افغانۍ ميراثونو په مطالعه اوساتنه کې د ګوميت د موزيم ونډه

COVER:

The Hammourabi Code, discovered in Iran and now in the Louvre Museum, is the oldest (1750 ac) written law code in the world. The stele (2.25m-tall) is covered with 250 law articles and the relief at the top represents the King of Babylon standing before the sun-god Sarnash, patron of justice.

© Musée du Louvre



DIRECTOR OF THE PUBLICATION:
Mounir Bouchenak

EDITOR-IN-CHIEF:
Isabelle Vinson

EDITORIAL ASSISTANT:
Atieh Asgharzadeh
Sandra Acao

SCIENTIFIC ADVISER:
Azédine Beschouch

ADVISORY BOARD:
Amarewar Golla, AUSTRALIA
Nicholas Stanley-Price, Director-General, *ex officio*, ICOM
Yuri Hartman, MEXICO
Nancy Hudson, CANADA
Jean-Pierre Mohen, FRANCE
Stelios Panagoulas, GREECE
Mania Bratsman, Secretary General of ICOM, *ex officio*
Michael Petz, President, ICOMOS, *ex officio*

Tomislav Sola, REPUBLIC OF CROATIA

DESIGN AND LAYOUT:
Taurus Design, 93800 Épinay

© UNESCO 2003

Published for the United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization by Blackwell Publishing.

Authors are responsible for the choice and the presentation of the facts contained in signed articles and for the opinions expressed therein, which are not necessarily those of the UNESCO and do not commit the Organisation. The designations employed and the presentation of material in Museum International do not imply the expression of any opinion whatsoever on the part of UNESCO concerning the legal status of any country, territory, city or area or of its authorities, or concerning the delimitation of its frontiers or boundaries.

پيغ کامبون ۵۴

- پخواني او اوسني افغانستان: دسيمي داسلامي ميراثونوتاريخي څېړنه
فلمنگ آلدن ۶۲
- د کابل دموزيم د موجودي لست: د نظم ديبا راتلو لپاره هلي خلي
کارلا گريسمن ۷۱
- دافغانستان د کلتوري ميراثونو د بيارغونې په اړه د يونسکو ژمني او
فعاليتونه
کريستيان منهرت ۷۷
- په افغانستان کي نړيوال گډکار: ستراتيژي گان، تمويل اودکار ډولونه
لويس هکزتهاسن او جيم ويلمز ۸۴

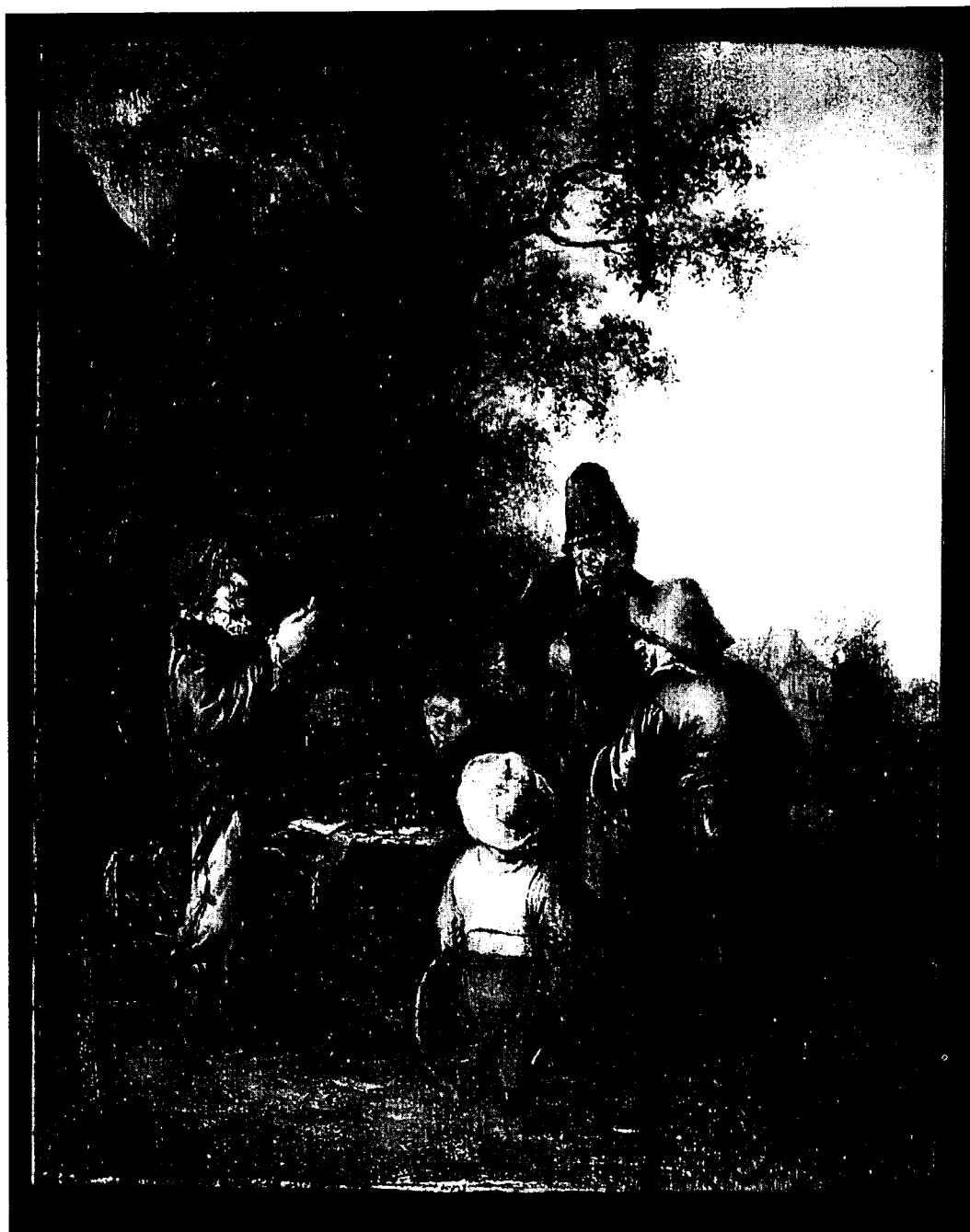
دريم فصل: | نړيوال اقدام ورستي قضاياوکښي ۹۱

- د نړيوال همکارې چوگات جوړول
مونبربوچپناکي ۹۱
- په نړيوالو بېرنيو کړنو کي د غير حکومتي موسساتو ونډه
مايکل پيتزيت او ژاک پيروت ۱۰۴
- دنسلونو ترمنځ د اړيکو له ليارې ټولنيز او کلتوري پرمختگ
نوبيو انيدو ۱۱۱
- دخانگري ارزښت لرونکي سيمي په هکله د خانگريو تدبيرونو نيول
دازيدين بيچاوج ۱۱۶
- د انکور (Angkor) د نړيوال پروگرام تحليلي اړخونه او اداره
ان ليمستر او سبستيان کا وه لير ۱۲۲

UNESCO ۲۰۰۵

UNESCO ۲۰۰۵ د دري او پښتو ترجمي دپاره

په دي اخبرونه کي شاملې طرحي په دي معني ندي چه پدي کي وړاندي شوي نظرني د UNESCO له اهدافو او نظرياتو سره برابر وي چه د يوه هيواد، خاوري، ښار، يا منطقي د حدود اربعه يا د سرحداتو ټاکل او يا د هغوي د واکدارانو د قانوني وضعيت په رابطه وي. د دی خپروني پښتو او دري ترجمه د کابل د UNESCO د دفتر پواسطه په کابل کي ترسره شوي ده.



یوه الوتونکي چی د ادريان وان اوسنید پواسطه پر لرگی باندی حکاکي شوی د بنی خوا په لاندی برخه کی تر سترگو کیري.

د فرايزد موزيم سالون

۱۶۶۴۱/۲۰۰۲

ارتوالي ۲۲ سم x ۲۷ سم

په ۲۰۰۳/۳/۲۴ د هالیند د پرايز له سالون څخه غلا شویده.

سرلیک

له تاریخ سره مقابله: د جگړې او د هغې څخه په وروسته شرایطو کې
موزیمونه او کلتوری میراثونه

ده تمه کیده چې دا ګڼه به په نړیواله کچه فرهنگي میراث د ویجاړتیا او دهغوي څخه د را منځه شویو غنډ ګڼونو په اړه بنیادي ټکي وي. همدارنګه دا هم زموږ هیله وه چې د کلتور پیژندنې او دهغې سمبولونو ته د زیان رسیدو پر ځای د دغه وړانیزو په برخه کې یو تحلیل تر سره شی. موږ هیله من و چې د داریو ګمبوني ۱ د تحلیلونو پر بنسټ له یوې خوا هغوی د تاریخ په یوه اوږد مهاله پړاو کې په پام کې ونیسو او له بلې خوا د (کلتوری ډولونو) په هکله د نړۍ د کلتوری راپور څخه وروسته (جگړې او کثرت ګرایی) ۲ ته پام وکړو. همدارنګه موږ غواړو چې د جگړې په پروسه کې د وړانیزو موضوع تر څیرنې لاندې ونیسو دا ځکه چې د یادګارونو د کلتوری جوړښتونو سمون او دهغوی پیژندنه د هغو زیاترو جګړو له اجزاوو توکو څخه ده چې د شلمې پیړۍ د وروستی لسیزې په بهیر کې د پرګنو تر منځ، منځ ته راغلې ولې د معاصر اوس مهالې تاریخ اصلی موخه یې تر اغیزی لاندې راوستي ده.

له همدې کبله د نړیوال موزیم د دغې ګڼې تیارول یوه اوږده، درد ناکه او خورا سخته پروسه. اوږده پدې معنی چې دغه موضوع د زیاتو کلونو لپاره د دغې خپرونې په اجندا کې ځای درلوده. درې کاله د مخه، د نوې ډول سرلیک د منځ ته راتلو په وخت کې تصدیق شوې و چې پدې وروستیو وختونو کې د موزیم او کلتوری یادګارونو ټولنه د دغه ستونزو سره مخ وه. د شلمې پیړۍ د وروستی لسیزې په سیاسي شخړو کې د دغو تاریخي یادګارونو د رول په اړه پوښتنې را منځ ته کړې دي. د بامیان د بودا د بتانو د وړانیزو څخه وروسته دا ګمان کیده چې پر تاریخي یادګارونو باندې حملې خپلې لوړې کچې ته رسیدلې او د نړیوالو د نظریو بشپړ عکس العمل د کلتوری جګړو په بهیر کې د کلتورې یادګارونو د ګټور رول د پیل تصدیق کوي. باور مو درلود چې اوس د دغه وړانیزو د دلیلونو او محتوی په اړه د سره ګډ او اړوند ژور سوچ وخت رسیدلې دي.

ولې د بغداد دملي موزیم د لوټ کیدو څخه وروسته په بغداد کې د نیکه ګانو پورې تړلې د یو زیات شمیر کلتوری یادګارونو او د تمدن او تاریخ د سمبولونو د وړانیزو وار راغې.

د انعکاس پروسه چې د خپرونې د دغه ګڼې لپاره تر ارزونې لاندې نیول شوې وه، یو ځل بیا د هغه څه د پیل سبب شوه کوم چې د تباه کېدو، لوټیدو، غلا، او د کلتوری میراثونو په لست کې نوې او لوړ ځای

درلوده. له همدې کبله ددغې گڼې د مطلبونو لور مو د جگړو خواته واپاره ترڅو چې په عراق او افغانستان کې د کلتوري میراثونو د خلاصون او ساتنې په برخه کې د مرستې په غرض د یونسکو او د کارپوهانو د ټولني د رول په هکله د معلوماتو لپاره برحقو غوښتنو ته ځواب ووايو.

دا هغه وخت ؤ چې پروسه خورا سخته بریښیده. ایا حالات په ځانگړې توگه په عراق کې په بشپړه توگه څرگند او روښانه ؤ چې دا برخه اخیستنه د هغه څه څخه چې پېښ شوی ؤ او یا دهغه د وړاندې کولو څخه چې طمه یی کیده د بشپړ ټکولو څخه زیات ؤ.

سربیره پردې په لومړي گام کې، پدې چې زیاتره کارپوهان په سیمو کې په کار بوخت ؤ او یواځې د هغوی ډیر لږ شمیر وخت درلوده چې د خپلو کارونو په برخه کې نور راپورونه برابر کړي. نړیوال موزیم د یونسکو له خوا له هغو کارپوهانو څخه چې د خپلو بیړنیو کارونو سره بیا هم پدغه کار کې برخه اخیستی ده مننه کوي. دوهم، ایا حالات په ځانگړې توگه په عراق کې په څرگنده او بشپړه توگه روښانه ؤ چې دغه برخه اخیستنه دهغه څه د بشپړو ټکلولو څخه چې پېښ شوی او یا د هغه څه څخه چې د وړاندیز طمه یی کیده زیات وای. سربیره پردې، د نړیوالو رسنیو له خوا په افغانستان او عراق کې د حالاتو د حقیقت اوسختوالی پټول د عوامو او مسلکي اړوندو کسانو لپاره پخپله موضوع تر پوښتنی لاندی راولي.

مگر یونسکو د هغو ځانگړو غیرحکومتي سازمانونو څخه کوم چې د لرغونو اثارو د ساتنې لپاره د حکومتونو ترمنځ نړیوال لارښونکی قوت دی ملاتړ له ځانه سره لري. له همدې امله ددغه سازمان دنده ده ترڅو د خپلو ساتندویو فعالیتونو موخې او لاري څرگند کړي او هغو غړو هیوادونو او د هغوی مسلکي ټولنو او نړیوالي عامی ټولنی ته څپاره کړي.

دا د نړیوال موزیم د دغی گڼی د خپریدو اصلی لامل دي. دوهم سبب چې ارزښت ورته لري، ددغې پوښتنی بڼه نیسي: وروستی پېښی چې کوم درسونه مونږ ته وښودل مونږ سره یی مرسته وکړه ترڅو د موزیمونو او کلتوري میراثونو په اړوند عکس العمل وښیو.

زمونږ په نظر، د کلتوري اثارو ویجاړتیا، که څه هم د تاریخ په اوږدو کې رواج لري، مگر د ټولنو تر منځ په اړیکو او د کلتورونو او میراثونو په شهادت کې بدلون نه ښیي. پداسی حال کې چې د شلمی پېړی وروستی لسيزه په څو پېړیو کې د سمبولیک او بي ساری وړانیو په توگه پیژندل شوي، دغه لسيزه د نوی کولو شاهده هم ؤ چې د کلتوري میراثونو د با ارزښتیا کټگوریو د ژوندی کیدو سبب شویده. د کلتوري میراثونو د معنوی څیرو منځ ته راتلل او تصدیق دغه بدلونونه را برسیره کوي. ایا مونږ باید د کلتوري میراث ددغه دوو ظهورو ترمنځ اړیکې په نظر کې ونیسو که نه؟ ایا دغه موضوع د دغه حقیقت څرگندویه ده چې پدغې پروسه کې د لرغونی اثارو مادیت ته بي کچه پاملرنه، په نړیواله کچه د اثارو له وړانیدو سره مرسته کوي؟

که چيری داسی تصادفی اړیکې موجودي وی بي له شکه دهغی ثابتول سخته ده. دغه فرضیه د خپرني وړده مگرزه هم دهغی د له منځه تلو څخه د مخنیوی له کبله د میکانیزم د پوهیدنی لپاره د مختلفو اړخونو څخه د پوهیدو هڅی کوم. په حقیقت کی د اثارو او پوهی او تکنالوژی د پر له پسې پرمختگ له کبله د اثارو زیاتی برخی ساتل شويدي. سربیره پردی، ایا مونږ د کلتوری میراث رښتینی پوهه او دهغی د ښکلا پیژندنی او هم په تاریخی او کلتوری مفهوم کی یی سمون رواج کړي؟

دیونسکو په یوه عمومی غونډه کی د معنوی میراث د ساتنی په برخه کی د میثاق تصویب او د نړیوال کلتوری میراث د ورانی په اړه اعلامیه یوه تصادفی پېښه نه وه کارته ددغه اړتیا پایلی پرځای دکلتوری میراث ښووتیز، فکری او سیاسی ارزښت ؤ چی نړیوالی ټولنه یی هم تصدیق کړی دي.

دایو حقیقت دی چی د رایو په اتفاق د میثاق تصویب چی دهغی موخی پوهه او کاری مهارت ؤ ډیرو هیوادونو ته له ټولو لومړی وړتیا ورکوي ترڅو خپل کلتوری آثار له لویدیز، تاریخی، مهندسی اولرغونتوب سره په غیر متنازعه او سره ورته موضع کی ځای ورکړي. که څه هم دکلتوری میراث د لومړی محتوی په تصدیق، د معنوی میراث د ساتنی په باب میثاق، بله لار پرانیزي: دکلتوری میراثونو د پالیسیو د بنسټیز سمون لاری پدغه اړه چی ددغه پالیسیو موخه څه ده او هغوی څنگه کارول کیږی ښیي.

په اوس وخت کی د جگړو په شرایطو او دهغی څخه په وروسته شرایطو کی دکلتوری میراثونو موضوع په تناقضی توگه د تحریم او پخلایینی پوری تړاو لري. دکلتوری میراث ورانیو پوری اړوند اعلامیه یوی ټوکلي ته ځواک ورکوي کومه چی پخوا له دوه میثاقونو او دوه پروټوکولونو څخه چی دکلتوری میراثونو لپاره د نړیوال وعدو بنسټ یی ایښی جوړ شوی ده. سربیره پردی له کمبودیا، جنوب ختیځی اروپا، افغانستان، منځنی ختیځ، ختیځ تیمور(د نننی تیمور لست) د یونسکو پواسطه ترلاسه شوی تجربی دټولنو ترمنځ دمفاهمی او پخلایینی د رواجولو په موخه دکلتوری میراث د ساتنی لپاره د یوه پلان جوړول پرځای بولي. مگر دا د پوښتنی د را منځ ته کیدو باعث گرځی چی څنگه د یو کلتوری اثر ورانیدل د نړیوالی ټولنی له خوا د محکومیدو سبب گرځی او د جگړی څخه په وروسته شرایطو کی د پخلایینی د پلان موضوع گرځي. تردی چی که چیري دا موضوع د تاریخ او دبشری حقونو لکه د عام وژنی په شان د لویو مباحثو د موضوعاتو په هکله پرتله هم نشي، کلتوری میراث په سیاست کی په هیڅ ډول د یوی ناپییلی موضوع په توگه نشی پاتی کیدای. لکه څنگه چی دیوید لووینتی^۱ تاریخ لیکونکی لرغون پوه یادونه کوی دا په څرگنده توگه د همغه د ناپیلتوب نشتوالی دی چی له تاریخ سره دکلتوری میراث نه پخلاییدنه بیانوي.

د کلتوری میراثونو په اړه د پلانونو د جوړولو لپاره چی دهغی موخه خبری اتري او پخلایینه ده، دهغی د مادی او معنوی اړخونو ترمنځ د تناقض د پیداکیدو سبب گرځی چی په تاریخی محتوی او هم عملی ډگرکی موجود وي. دغه موضوع دغه حقیقت څرگنده وی چی باید دکلتوری اثرونو مادیاتو ته لږه پاملرنه

وشي او يا لږ تر لږه د کلتوري اړوند اثرونو نندارې ته لږه پاملرنه وشي. د جگړې په شرايطو کې د خلکو د پوهيدنې په غرض د کلتوري اثرونو په اړه چې بيلابيلې ټولني سره نږدې کوي د نمايشي هنرونو څخه گټه اخيستنه ارزښناکه ثابته شويده. د انگکور ۱ د ساتنې د پلان په چوکاټ کې د بالت د شاهي نڅاد کمپنۍ او د رامايانا د فسټيوال په احيا هم دا کړنه وه. د دغه پلان بري، لکه څنگه چې د انگکور د پرمختگ د لسيزې د پرلارې اچولو څخه څرگنده ده، مونږ تشويقوي چې د ټولنيزي پخلاينې د پلانونو لپاره چې د کلتوري ميراثونو د ساتنې پر بنسټ ولاړه ده د محرکې قوې په لټه کې واوسو.

د نړيوال موزيم دغه غبرگوني گڼه درې برخې لري. لومړې برخه يې مقالې دي چې د جگړې د شرايطو د جوړونکو اجزاؤو توکو يادونه کوي. د غلا شوؤ او ورک شوي هنري اثرونو لټون، د نړيوالو حقوقي قوانينو تطبيق، د موزيمونو بيا پرانستل، او د موزيمونو د سيستم سمون. دوهمه برخه، چې افغانستان ته ځانگړې شوي د بيا ودانولو ماهيت او د زيربنايي ادارو د بيا ودانولو، ابتدایي ساتونکي اقدامات او د لنډ مهالو او اوږد مهال اصلاحي پروژو د پرلارې اچولو او په پای کې د ساتنې په مقصد د موزيمونو او د هغو د شريکانو هلې ځلې - د موزيمونو د آثارو برسیره - د علمي څيړنو يادونه چې د پيړيو په اوږدو کې ترسره شوي د جگړې په شرايطو او د جگړې څخه د وروسته شرايطو څخه عبارت دي. د دغې گڼې وروستې برخه چې د جگړې پر دورې باندې، او د کلتوري ميراثونو له نظره و (سپر - ۰) صفر ټکي ته پر راگرځيدو باندې متمرکز دی د عراق موضوع ته ځانگړې شويده.

په حقيقت کې کلتوري ميراث تاريخ ندي مگر د هغې وړانول مونږ مجبوروي چې له تاريخ سره مقابله وکړو.

ايزايل ونسن

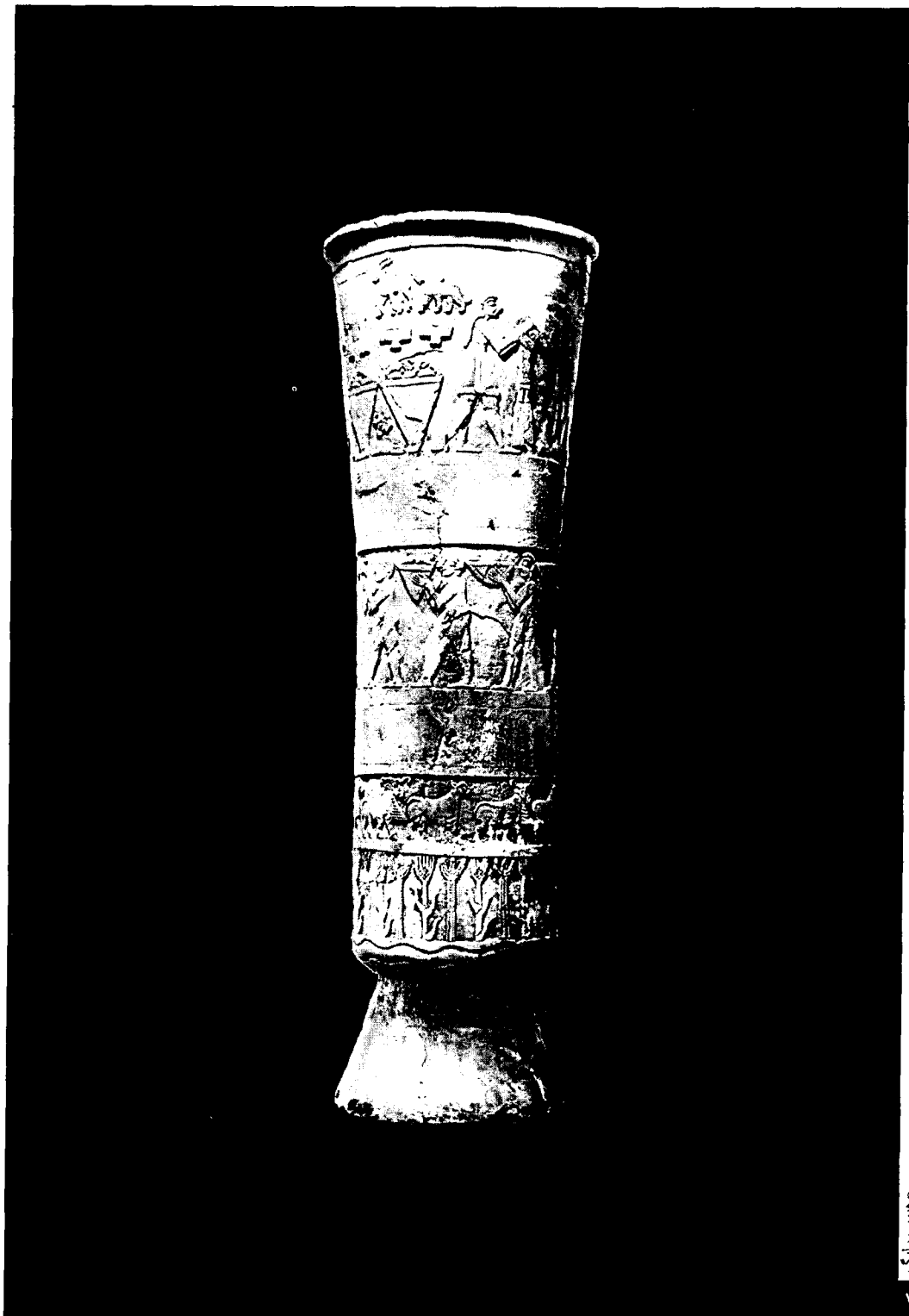
یادښتونه:

۱ د معنوی کلتوری میراثونو د ساتنې په هکله میثاق او د کلتوری میراثونو د قصدی ویجاړولو په هکله یا ایره خبرتیا چی د یونسکو د کنفرانس د دوه دیرشمی غونډی له خوا چی د ۱۳۸۲ هجری تل (لمریز) ۲۰۰۳ عیسوی) کال د سپتمبر له ۲۹ څخه د اکتوبر تر ۱۷ نیتی پوری جوړ شوی و وټاکل شو.

۲ ددغه میثاق په دوهمه ماده کی د معنوی میراث تعریف راغلی دي. ددغه میثاق او د اعلامیې متن کولای شی له <http://portal.unesco.org/culture> انترنیټی سایت څخه د Normative Action تر عنوان لاندی ترلاسه کړی.

۳ دیوید لووینتی ته مراجعه وشي. د صلیبی میراثی جگړی او د تاریخ وړانی، د کمبریج د پوهنتون له خوا خپور شوي، ۱۳۷۷ هجری لمریز (۱۹۹۸ م).

۴. نړیوال موزیم پدغه برخه یو خپرونه یی په چاپ کړي ده، رامایانا فستیوال ته مراجعه وشي، (د انگکور معنوی کلتوری میراث) په انگکور کی، ژوندی موزیم ۵۴ گڼه، ۱-۲ نمبر، نړیوال موزیم، ۱۳۸۱ هجری لمریز (۲۰۰۲ م).



© ميسر رزليگ

۱. په Alabaster کی وارکاس په نړی کی تر ټولو پخوانی حک شوی ډبره ده چی دهغی د جوړید و نیته د قبل المیلاد ۳۰۰۰ کال ته رسیږي. د لوټیدو څخه بیرته د عراق موزیم ته لیږدول شویده. دهغی تر سترگو کیدونکی ښکلا له اړخه یو مذهبي مراسم په څلورو برخو کی ښیي.

غلا شوي تاريخ : لوتماري او ناقانونه سوداگري^۱

دنيل برادي ليکنه

نيل برادي له ليورپول پوهنتون نه فارغ شوی چې له ۱۳۷۷ هجري ل (۱۹۹۸ م) کال را پدې خوا د کامريج لرغون پېژندنې د خپرنې د مرکز چلونکی دی. هغه د ناقانونه لرغونو اثارو په هکله پراخې خپرونې کړي او په يونان کې يې د لرغون پېژندنې عملي کارونه تر سره کړي دي.

د بغداد موزيم له لوتهېدو وروسته ورځو کې لومړئ پوښتنه دا وه چې: ولې د ائتلاف جگړې پلان جوړ وونکو او نظامي قوماندانانو ددې لوتماري د مخنيوي لپاره هېڅ ګام پورته نکړ؟ د ۱۳۸۲ هجري ل (۲۰۰۳ م) کال د اپريل مياشتې پېښوته په غور سره او ترې وروسته بله لار بنسټيزه پوښتنه دا ده چې: ولې د جگړې پر مهال نړيوال همغاړي اقدامات د فرهنگي بنسټونو او لرغونو سيمو لوت شوو اثارو د پلورنې او سوداگري د مخنيوي لپاره ندي شوي؟ ساده ځواب دا دي چې هغه مهال چې داسې اقدام ته اړتيا وه هېڅ ډول سياسي ميل ورته موجود نه و.

د جگړې پر مهال لوتماري

په پخوا کې ښايي جگړه د فرهنگي ميراثونو لوي غلیم و چې په پايله کې پر له پسې تړونونه او ميثاقونه په دې هکله را منځته شوي دي. په دې برخه کې ښايي جگړې له دريو لارو زيانمنې اغيزي ولري. لومړی: هغه څه چې نظاميان ورته ناسيده (غير مستقيم) زيانونه وايي - يو فرهنگي بنسټ يا یادگار يايوي لرغونې سيمې ته رسيدلې تصادفي زيانونه پر يوي روا نظامي موخي د يرغل په بهير کې. دويمه: د غنيمت نيولو پخواني کار - د فرهنگي اثارو جبري لېږدونه د شخصي گټې او يا نورو گټو په موخه. په پای کې، د يوه مليت يا مذهب د ارزښتمنو نښو د له منځه وړلو په موخه د ودانيو او مذهبي لاسي صنايعو قصدي ويجاړونه.

حکومت يو ځل بيا د يوې داسې وړانکارې په هکله خبرداري ورکړ. خو په ۱۳۷۷ هجري ل (۱۹۹۸ م) کال کې په يوه قصدي عمل کې د بودا کوچني مجسمي سروالوزول شو. همدا کار ددې لامل شو چې د ۱۳۷۸ هجري ل (۱۹۹۹ م) کال په جولای کې يوني فرمان صادر شو چې له هغه سره سم د لرغونو سيمو کيندنې منع کړای شوي. خو د ۱۳۸۰ هجري ل (۲۰۰۱ م) کال د مارچ په مياشت کې د طالبانو مشر لارښونه وکړه چې ټول مذهبي بوتان دي وران کړای شي. ورپسې د بودا دوه لويې مجسمې په باميانو کې د پياوړو چاوديدونکو توکو په مرسته وچول شوې. په کمبود يا کې وسله والي ډلې د خمر عبادتخايونو او لرغونو ودانيو په لوتولو کې بنسکيلي وي راپور ورکړل شوي چې يواځې انگکور واپت يوزر د بودا مجسمې لرلي خو اوس يواځې له هغوي نه اتلس مجسمې موندلې دي، د دغو مجسمو ډير شمير يې د خمر وگ د رژيم په دور کې ۱۳۵۴-۱۳۵۸ هجري ل (۱۹۷۵-۱۹۷۹) و، ويجارې شوي او تر هغه وروسته ددې عبادتخاي مجسمې لوت او پلورل شوي دي. په کال ۱۳۷۸ هجري ل (۱۹۹۹ م) کال کې له شلو تنو ډير لرغوني توکي چې د خمر وگ رژيم دوروستي قوماندان په مرکزونو کې پټ کړي شوي وي لاسته راغلل او يواځې لږه موده وروسته د بانتي چمر عبادتخاي د نظامي ځواکونو د غدارو او ناکارو ډلو تر برید لاندې راغي او د هغه معبد نو ميالي برجسته کاري لوت شوه. دا (تاريخي بني) اثار له کمبوديا نه تایلند ته قاچاق شول او په بنګاک کې په (درياب بنار) نومي سيمي کې بهر ته د ليرلو په موخه وپلورل شول. که څه هم چې د تایلند پولي ته نژدې د بانتي چمر د برجسته کار يو له وتلو نه مخنيوي وشو او د ۱۳۷۹ هجري ل (۲۰۰۰ م) کال په مارچ کې کمبوديا ته له ستنولو مخکې دا اثار د تایلند په ملي موزيم کې نندارې ته وړاندې شول. له دې دوه پيښو نه داسې څرگندېږي چې هغه مهال چې مرکزي حکومت ډنگيږي د نړيوالو مارکيتونو شتون، د لرغونو اثارو لوتماري گړندی کوي. ځکه چې دا اثار لوتېږي، پلورل کېږي او له گټې يې د جگړې په ډگر کې د

دا کار نن سبا د فرهنگي پاکونې (تطهير) په نوم يادېږي. د جگړې پر مهال بنایي ټولې ويجارې ددې درې لاملونو له يو ځای کېدو نه رامنځته شي. خو په ځينو وروستيو نښتو کې د پلورنې وړ فرهنگي اثارو لوتونه يقيناً تر ټولو مخکې وه او غميزه ناک شرايط يې لا کړکېچن کړي دي. په ځانگړې ډول د فرهنگي اثارو د همداسې لوتونې دوه بيلگې په تاريخ کې ثبت شوي دي: په افغانستان او کمبوديا کې.

له کابل نه د روسانو (کمونستانو) له وتلو وروسته په ۱۳۷۱ هجري ل (۱۹۹۲ م) کال کې د مجاهدينو بيلابيلو ډلو د واک د واگو د لاسته راوړلو لپاره په خپلمنځي جگړو پيل وکړ. د افغانستان ملي موزيم په پرله پسې ډول د راکټو او توپخانو تر اور لاندې راغي او هم سخت لوت او تالان شو. تر ۱۳۷۵ هجري ل (۱۹۹۲ م) کاله ددې موزيم له اویا په سلو کې ډير کليکسيونونه ورک شول او يواځې د لږ ارزښت لرونکي اثار پکې پاتې شول چې دا خپله دا څرگندوي چې ددې موزيم د فرهنگي اثارو لوتونې سوداگري انگېزه لرله او فرهنگي پاکونې په موخه نه ده ترسره شوي. هغه مهال چې ځايې ملېشي د افغانستان د لرغونو کيندنو پيل وکړ او د لرغونو اثارو د پلورنې له پيسو يې د خپلو عسکرو د تنخوا او يا د جنگي مهماتو د پيرلو لپاره کار واخيست.

خو په افغانستان کې د اټول زيانونه د پلورنې وړ اثارو د لټونې لپاره نه دي اړول شوي. په ۱۳۷۵ هجري ل (۱۹۹۲ م) کال کې بنسټپال طالبان په کابل کې د واک په گډي کيناستل. او فرمان يې صادر کړ چې د هغه له مخې د هر ډول اغوز رسمول منع کړای شول. له بله پلوه، طالبانو همدا راز بل فرمان د لرغونو فرهنگي اثارو د مستثنې کولو په هکله د پخواني فرمان له احکامو او ددې اثارو د ساتنې په هکله صادر کړ. له دې سره، سره په ۱۳۷۲ هجري ل (۱۹۹۷ م) کال کې د طالبانو يو قوماندان چې د باميانو ولايت يې محاصره کړې وو خبرداري ورکړ چې د بودا دوه يادگارې مجسمې به چې باميان د هغوي په شتون مشهور وو، ويجارې کړي. د طالبانو مرکزي



۲. د انگور د ساتنې بهرنی منظره د کمبوديا د سيام ريب په سيمه کی چيرته په زرگونو مجسمي محفوظ کړي شوي دي

شوي وؤ او د څو مليتي هيواد يوه لرغوني نښه وه ، قصدا د يوه کروات بوسنيایي ټانگ په واسطې والوزول شو. د ماستار مسلمانان ټولنه غواړي چې دا پول د پنځه ميليونه امريکايي ډالرو په لگښت د هغه د اصلي کانو په مرسته بيا جوړ کړي چې داخپله ددي څرگندونه کوي چې دا اسلامي انجنيري سمبول څومره ارزښتمن دي.

د هاگ ترون ۱۳۳۳ هجري ل (۱۹۵۴) د فرهنگي ميراث د ساتلو په هکله د وسله والي جگړې په شرايطو کې لومړۍ او دويمې نړيوالې جگړې ته په پام سره منځته راغې، خو ډيرو وروستيو جگړو هم د خپل منځي جگړو او يا علچکي فعاليتونو بڼه خپله کړې ده. دې کار ته په پام سره، د ۱۳۷۸ هجري ل (۱۹۹۹م) کال دويم پروتوکول د ميثاق اړوند د قهر جنو وسله والو نښتو په هکله تصويب شو، سره له دې چې د پخوانۍ يوگوسلاويا ټول حکومتونه د ۱۳۳۳ هجري ل (۱۹۵۴م) کال د هاگ د ميثاق غړي وو ورانيو بيا هم دوام وموند، داسې ښکاري چې د دوپړنيک د بمباري پر مهال په ۱۳۷۰ - ۱۳۷۱ هجري ل (۱۹۹۱م - ۱۹۹۲م) کلونو کې هغه کورونه چې د هاگ د ميثاق له مخې يې ساتنه

عسکرو د ساتلو لپاره کار اخيستل کېږي. ان چې بيا موندنه او راگرځيدنه يې دا حقيقت نشي پتولاي چې د جگړې پر مهال، هغه پيسې چې د لويديځوالو لخوا نړيوالو مارکيتونو ته جاري کېږي نه يواځې د لرغونو اثارو ويجاړونه گړندي کوي بلکې په دې برخه کې له پانگه اچونې سره مرسته کوي او په پايله کې د جگړې د دوام لامل گرځي.

خو د جنگونو يا خپلمنځي کړکيچونو په بهير کې ټولې قصدي فرهنگي ويجاړونې يواځې د تجارتي معاملو پر بنسټ نه تر سره کېږي. هغه جگړه چې په پخوانۍ يوگوسلاويا کې پېښه شوه، د پراخو مذهبي، ډانيو او نورو تاريخي ودانيو او بنسټونو د تباه کيدو شاهد ه وه. داسې گومان کېږي چې په بوسنيا کې د جگړې په بهير کې، له دولس زرو ډير جوماتونه له درې سوو کاتوليکي کلیساوو او سل ارتودکس کلیساوو سره ويجاړ شول او په صربستان کې د ناټو د بمباريو له پيل نه په ۱۳۷۸ هجري ش (۱۹۹۹م) کال کې جوماتونه او ارتودکس کلیساوي په کوسووو کې ويجاړي او يا له منځه لاړې. په ۱۳۷۲ هجري ش (۱۹۹۳م) کال کې هغه پول چې په ماستارکي په شپار سمې پېړۍ کې د نړيتوا پر درياب جوړ

قانون کي ځانگړي شوي دي، يو اروپايي مفهوم (په پاي کي انگليسي) دي، او د مالکيت د سوچه حقوقو لازموونکي دي۔ يعنې ديوه مالک حقوق د گټي اخيستنې، ليزدوني او تري تيريدني لپاره ثابتوي. د شتمني مفهومونه د نورو فرهنگي دودونو سره توپير لري او شايد حقوق په يوه اثر کي راوپيژني نه د هغه اثر د خاوند په مفاهيمو کي او يا له هغوي نه دگټي اخيستي د نټه يا انگار په هکله، بايد د دوديزو او مدني قانونونو تر منځ توپيرونه په پام کي ونيول شي. په مدني قانون کي د ځانگړي او شخصي مالکيت مفهوم يو پياوړي مفهوم دي ځکه چي د اولسمي پيړۍ له پاي نه تراوسه، لږ تر لږه ديوې خپلواکي ټولني د اساسي قاتون لپاره يو بنسټيزه کار وؤ مالکيت د حق د تضمين لپاره غوښتنه او د زړه سوي ډکي پاملرني لاندې قرار درلود.

ددي پر خلاف، لکه چي مريمېن په سمه توگه څرگندوي، ډير (خو، نه ټول) لرغونپوهان د يوه اثر او دهغه د فحوا تر منځ د معلوماتو ډکو اړيکو ذهني پوهه تائيدوي. ويتيلي ددي موقعيت په هکله يوه څرگنده مفکوره بيا نوي، (ربنټيا ووايم زما لويه سودا هڅ وخت دي ته نه وي چي د لرغوني اثر خاوند څوک دی؟ اثر چيرته دي، او ايا اثر په قانوني ډول تجارت شوي که په نا قانونه ډول، زما لويه سودا هغو معلوماتو ته وي چي لرغوني اثر د هغوي له اصلي منځپانگي سرچينه اخلي.

ويتيلي دوه ټکي وړاندې کوي. اول: هغه خپله ناخوښي او سني متمرکز مفهوم ته ديوه اثر په برخه کي څرگندوي. ځکه چي د لرغو نپوهني په هکله او د مالکيت پر سر بحثونو په اړه په ادبي اثارو کي ناقانونه په کارورل کيږي. خو ويتيلي همدا راز د څيړنو دهمدي ځانگړني په هکله پوښتنه کوي. هغه د هغو نامحسوسه اړيکو پراړزښت چي د لرغوني د منځپانگي معلومات پکي موجود دي او د جوړو شويو څيزونو په رول ټينگار کوي.

کيدله، قصدا په نښه کړاي شول. په داسي جگړو کي کله چي فرهنگي نابودي د جگړي يوه موخه وي، سخته ده چي سوچ وکړو چي څنگه د ساتني نړيوال قانونونه کولاي شي اغيزمن و اوسي.

فرهنگي اصطلاحات

مريمېن له حقوقي نظره ۱۳۷۵ هجري ل (۱۹۹۲ م) دري سيالي کوونکي تصورونه د فرهنگي اثارو په هکله له نړيوالو بحثونو د لرغونو اثارو په کلهون، پيژندلي دي، اول ملي پلوي تصور د اصيلو ملتونو شننه چي د فرهنگي اثارو او ملي ميراثونو تر منځ اړيکو باندې ټينگار کوي او هيله من دي چي داسي اثار بايد په خپلو کورني هيوادونو کي پاتي شي دويم په نړيواله کچه تصور چي په دي گروهمن دي ي فرهنگي ميراثونه نړيوال دي او دا اثار بايد په ازاد ډول خپاره شي. په پاي کي ديوه اثر او دهغه د منځپانگي تر منځ اړيکي د لرغونپوهانو او فرهنگپوهانو بنسټيز ټينگار هم په دي دي چي ديوه اثر او دهغه د منځپانگي تر منځ اړيکو په پيژندلو او پر هغوي په پوهيدلو غور وشي.

د لرغون پيژندونکو له نظره، دا تصورونه په نورو شننو بدلېږي چي بيلابيل اصطلاحات د بيلابيلو مفکورو را منځته کوونکي دي. د مريمېن ملي پلوي او نړيوال تصورونه په حقيقت کي د اثارو د مالکيت په تحليل متمرکز ښکاري، په داسي حال کي چي لرغونپوهان او فرهنگپوهان د اکادميک تحليل (شايد لويديځ) برخه کي دي چي پوهي ته تر شتمني ډير ارزښت ورکوي. کلکسون لرونکي، پلورونکي، سياستوال او حقوقپوهان په پراخ ډول د مالکيت په موضوعاتو (لکه څنگه چي مريمېن پر هغوي پتگار کوي) تمرکز کوي. د فرهنگي شتوله اصطلاح نه په گټي اخيستنې کي، دا موضوع د پام وړ اثارو د تشریح لپاره پوره واضح ده. د شخصي شتو مفهوم چي د انگلستان د شاهي حکومت او د امريکا د متحده ايالاتونو په

د فرهنگي شتمنيو د صادریدو ، واردیدو او د لیردونې د مخنيوي په خاطر طرحه شو او په ۱۳۴۹ هجري ل (۱۹۷۰م) کال کې د یونسکو له خوا هغوي لخوا وروسته شرایط له کنترول له ووتل. دوه لاملونه ددې حالت باعث شول. اول: دویجاړې وسایل ډیر پیاوړې شول. دراوروستیو زرو کلونو په بهیر کې چې کوم وسایل د هدیرو د کیندنو او غلا لپاره پکار وړل کیدل. د کیندنې ساده وسایل او اکتشافی میلی وي خو د دوه وروستیو لسيزو په بهیر کې دا ساده وسایل له نورو وسایلو لکه بلدوزرونه، د کیندنې ماشینونه، ډینامټ، د فلزاتو موندونکي وسایل، برقي اري او برمي سره گډ شوي دي.

دويم: د ټکنالوژي پرمختگ هغه برخي چې تر اوسه پکې کار ناشوني ؤ ، په اساني سره شوني کړي دي، د ځمکې پیژندنې وسيلې کولاي شي د دښتو په ژورو برخو کې موندني او پلټنې وکړي. چورلکي کولاي شي د ځنگلونو پر سر والوخي د دريايونو په ژور بستر کې د پلټنې وسایل چې تراوبولاندي کارکوي او له لري نه کنترولېږي، د هغو بېړيو پاتي شوني چې پخوانيو کلونو کې ورکي شوي وي، پیدا کولاي شي. سيمو ته درسيدني اسانتياوي هم د نړيوالو سفرونو د لگښتونو د رالويدلو او د سياسي بنديزو د له منځه تللو په پایله کې را منځته شوي. د عواملو دا نوي ټولگه د وړانکارې ځواک او اسانه اړيکي ، د نړي د لرغونو او فرهنگي ميراثونو لپاره د يوه مصيبت په توگه ثابت شوي دي. او داسې ښکاري چې په نړي کې هېڅ موزيم يا تاريخي ځاي د لرغونو اثارو د غلو- تومبولي او هاگوروس- چې د شتو غله مليشي او عادي غله هم له هغوي سره يوځاي شوي دي له لاسه په امن کې نه دي.

خو دا مصيبت يواځې د ټکنالوژي يوه ښکارندويه نه ده چې له ټولنيزو او فرهنگي چوکاټه بهروي. غلا شوي اثار يوه بازار ته اړتيا لري او په دې حالت کې لرغوني اثار په دې بازار کې د خصوصي کلکسيون لرونکو او سازمانونو لخوا چې لرغوني او فرهنگي اثار دهنري کارونو، د پانگه اچونې د فرصتونو او دوديزو ښکلي کولو د توکو په توگه گڼي وړاندي گيږي. دا ستونزه نړيوال

داسې وړانديز شوي چې د فرهنگي ميراث اصطلاح له فرهنگي نظره لږ ارزښت لري بايد د فرهنگي شتمني په اصطلاح بدله شي. د ميراث کلمه د يوه فرهنگي اثر د مفکورې د لابني روښانتيا لپاره، د داسې يوه څېز په توگه چې له نورو سره گډ وساتل شي، نه داسې څيز چې وپيرل او وپيړودل شي، استثنا کړاي شي او ان د امکان په صورت کې مصرف کړاي شي، بايد غوره کړاي شي. په ځينو ځايونو کې په اصطلاحاتو کې دا ډول بدلون لا د مخه منځته راغلي دي. د فرهنگي شتمني اصطلاح د لومړي ځل لپاره د هاگ په ميثاق کې ۱۳۳۳ هجري ل (۱۹۵۴) او بيا وروسته د يو نسکو په ميثاق کې ۱۳۴۹ هجري ل (۱۹۷۰)، وکاریده ، خو په ۱۳۵۱ هجري ل (۱۹۷۲م) کال کې دا اصطلاح د یونسکو په ميثاق کې دنړۍ د طبيعي او فرهنگي ميراث د ساتنې په هکله بدله کړې شوه او اوس هم د یونسکو د ميثاق په طرح کې د تر اوبولاندي فرهنگي ميراثونو د ساتنې په هکله بدله کړاي شوي ده.

د بوني دريټ تړون ۱۳۷۴ هجري ل (۱۹۹۵) د غلا شويو اثارو او ناقانونه صادر شويو اثارو په هکله له دواړو اصطلاحاتو نه له کار اخيستلو ډډه کوي.

له دې سره سره ، د مالکيت تحليل پياوړي دي او لرغونپوهان اړويستل شوي وو چې د فرهنگي اثارو په هکله او پي مفهومه اصطلاحاتو په هکله مباحثي کې برخه واخلي. ډيري لرغوني اړيکي نه درلودونکي لرغوني اثارو په دوران کې شته چې يواځې د اثارو په توگه تر بحث لاندې راځي او په پيسو د ارزښت له مخې طبقه بندي کيږي.

دلرغوني اثارو قاچاق

داسې گڼل کيږي چې دلرغونو سيمو او فرهنگي بنسټونو لوټ تالان تر ډيره حده تجارتي انگيزه لري. د داسې لوټ تالان له امله دراولاړو شويو انديسنو په هکله د ۱۳۳۹ هجري ل (۱۹۲۰م) لسيزې په وروستيو کلونو کې يو تړون

خپريدني سره پټيزي. داسي پېښه په ۱۳۷۷ هجري ل (۱۹۹۷م) کال کي پېښه شوه چي هغه مهال د کورنيت له موزيم نه دبوي لويي سټني غلا شوي پاسني دوه برخي په ۱۳۲۹ هجري ل (۱۹۹۰م) کال کي د داوطلبي په يوه ځاي کي په نيويارک کي ديوه کلکسيون لرونکي امريکايي د شتمني په توگه وپيژندل شوه.

له غلا کيدو سره سره ډير ناقانونه تاريخي اثار، په ځانگړي ډول هغه چي له پټو کيندنو نه لاسته راغلي دي، له پيژندلو نه ساتل کيږي ځکه چي له غلا نه دمخه په هيڅ يوه موزيم يا فهرست کي چي کيندنې پکي ثبت وي. نه وي ثبت شوي. که څه هم چي د کورنيت له موزيم نه غلا شوي اثار د موجودي په لست کي شامل وو او پيژندل شوي وو چي په پايله کي يي بيرته لاسته راغلل، ډير اثار بيرته لاسته نه راځي. ان تردي چي کله يو اثر پيژندل کيږي چي په پوه هيواد پوري اړه لري چي هغه هيواد يي د ملکيت دعوه هم کوي. هغه اثر پرته له دي چي اړوند هيواد يي ثابت کړي چي دا اثر د ميراثونو دملي قانون له نيتي وروسته له هغه هيواده صادر شوي، ديوه غلا شوي اثر په توگه نه پيژندل کيږي. ښکاره ده چي کله يو تاريخي اثر لاسته راځي او قاچاقيږي، د صادريدو نېټه يي نشي څرگنديدلای. د بيلگي په توگه د رومنيانو د (وييري هرا کلس) مجسمي پېښه. ددي مجسمي نيمه پاسني برخه د ۱۳۵۹ هجري ل (۱۹۸۰م) لسيزي په لومړيوکي د امريکي متحده ايالاتوکي ښکاره شوه او اوس د باسټن د ښکلو هنرونو د موزيم او ديوه امريکائي خصوصي کلکسيونو گډ ملکيت دي. دهمدي مجسمي لانديني نيمايي برخه په ۱۳۵۹ هجري ل (۱۹۸۰م) کال د ترکيي د انتالياي ښار ته نژدي په لاس راغله. له دي حقيقت سره سره هم د مجسمي د پاسني برخي امريکائي خاوند ټينگار کوي چي هيڅ داسي نښه چي د اوبسي چي مجسمه کلونه او ان پيږي مخکي له دي چي د ميراثونو اړوند قانون ۱۲۸۵ هجري ل (۱۹۰۲م) منځته راشي. له ترکيي بيرون راوړل شوي وي. موجوده نه ده. د داسي شاهد د

اړخ هم لري او هغه د توازن نشتوالي دي، ځکه چي ددي اثارو بازارونه - موزيمونه، کلکسيون لرونکي، پلورنځايونه په اروپايي هيوادونو او شمالي امريکا کي چي دي اثاروته اړ هيوادونه گڼل کيږي، متمرکز دي. او هغه هيوادونه چي فرهنگي ميراثونه يي ترگواښ لاندې دي - يعني لرغوني اثار چي له تاريخي يادگارونو لاسته راغلي وي يا له موزيمونو غلا شوي وي او يا په ناقانونه ډول لاسته راغلي يا صادر شوي وي. ناقانونه لرغوني اثار ورته وايي. دا اصطلاح يوه حقوقی اصطلاح نه ده خو لرغونپوهانو ديوې نوي اصطلاح په توگه را منځته کړې ده، ترڅو ددي څيزونو د تجارت ځانگړتياوي څرگندي کړي. دا بي ساري ځانگړتيا ده چي که څه هم دنړي په ډيرو هيوادونو کي (په مهمو استثنا تو سره لکه د امريکي متحده ايالات او د انگلستان شاهي هيواد) لرغوني ميراثونه په عامه شتمنيو کي راغلي دي ترڅو کيندنې يا صادرات يي چي ناقانونه کيږي، ناقانونه وگڼل شي، وروستي پلورنه په يي له اصلي هيواد نه په نورو هيوادونو کي ناقانونه نه وي. پردي بنسټ لرغوني اثار هغه وخت ناقانونه دي چي لاسته راوړلو لپاره يي له ناقانونه لارو کار اخيستل شوي وي. د وروستي تجارت د قانوني يا ناقانوني توب په هکله يي څه يادونه نده شوي.

يو ناقانونه اثر مخکي تردي چي د يوه خصوصي يا سازمانې کلکسيون لرونکي لخوا واخيستل شي، ښايي څو ځله له يوه لاسه بل لاس ته پلورل او پيږودل شوي وي او په پايله کي يي دهغه د قانوني اصليت جزئيات له منځه تللي وي. په پاي کي دا اثار د دوي د سرچيني په هکله د نه معلوماتو سره سره پلورل کيږي، يا ني د دوي د مالکيت د تاريخچه او يا هغه ځاي په هکله چي دا اثار تري لاس ته راغلي دي د نه معلوماتو او نښانو سره پلورل کيږي. خو کله چي دا اثار په يوي علمي ورځپاڼي، يا ديوه نندارتون په نيوليک يا د پلورني په نيوليک کي خپريږي، په دي صورت کي د دوي د علمي اهميت او اصالت د تصديق لپاره يو معتبر او نوي سند ته اړتيا ده، او ناقانونه اصليت يي ورو ورو هيريږي. د ناقانونه اثارو اصليت په اروپا يا شمالي امريکا کي د پلورني يا

دهغوي رښتيا وايي او اصلي قضيه هم همدا ده: د اصلي سرچيني د نشتوالي په صورت څکي ننگه کيداي شي قانوني اثار له ناقانونه اثارو بيل کړاي شي. (د اروپا له يوه پخواني کلکسيونه) د داوطلبې د بازار نوم ډير مشهور وي. خو دغه بازار ښايي يو پخواني کورني ميراث او يا يو داسي اثر چې په دي وروستيو کي لوت شوي دي پټ کړي. څوک پوهيداي شي؟ يواځني له احتياطه ډک ځواب دا دی. چې وويل شي. ټول هغه اثار چې اصلي ځاي يې معلوم ندي، غلا شوي اثار گڼل کيږي.

هغه غلط فهمي چې د اصطلاحاتو له دي ټکر نه را پيدا کيږي يواځي د لرغونپوهانو لخوا مطالعه کيږي، چې دا لرغونپوهان يو مثبت دريځ د عامه ښووني او روزني په برخه کي لرلي شي.

لرغونپوهنه او عامه برخه اخیستنه

لرغونپوهني ته د ټولو ليوانتيا په اړو هيوادونو کي، ډير ځله د شتو د پيدا کولو په موخه منخته راځي او د لرغونپوهانو هڅه دا وي چې دا شوق پرته له دي چې کم کړي، له پخوانه په بيل ډول درک سره بدل کړي.

که څه هم چې د لرغونپوهني ډيري لاري ځانگړو مهارتونو يا وسايلو ته اړتيا لري خو بيا هم د عامو خلکو د کارنده گډون او هم د کار په سيمه کي دهغوي ټاکنه په ځانگړي ډول د لرغونو اثارو لرونکو هيوادونو کي، اړين دي. په ډيرو ځايونو کي دا له غلا سره د چلند کولو يوه ښه او اغيزمنه لاره ده.

داگو بلانکا په اکوادور کي سيمه ايزو هاکو راسيانو د لرغونپوهني د چارو په هکله زده کړه تر لاسه کړه او د پيرو په سپيان کي هاکو راسيان په کيندنو کي هم وگومارل شول. د انگلستان په شاهي هيواد کي د فلزاتو د پيژندونکو تخنيکي تخصص ډير غوښتونکي لري. د دي ازموينو د بري لپاره دوه علتونه موجود دي: لومړي: دا چې د ځايي خلکو دا فکر چې بهرني لرغونپوهان يواځي د ميراثونو غلا ته ليوال دي، رد پري او د لرغونپوهانو د

نشتوالي په صورت کي چې يابته کړي موضوع د دي برعکس ده، د ترکيې حکومت موضوع خپره کړي نه ده.

دا شرايط له هغي موضوع سره چې نړيواله (د تينستي لار) ورته وايي. لاستونزمن شوي دي. ډير تاريخي اثار د اروپا د لويې وچي په هيوادونو کي چې مدني قانونونه لري. پلورل کيږي. د دي هيوادونو د شتمني قانونه د مرکي متحده ايا لاتونو او انگلستان له عادي قانونونه توپير لري چې له هغوي سره سم يو غلا شوي اثر د اخیستني (ښه تقدير) له لاري کولاي شي لاسته راوړي. پر دي بنسټ که په ښکاره ډول وښودل شي چې يو تاريخي اثر په ناقانونه ډول له اصلي هيواد کي لکه سويس اخیستل شوي وي، هغه اثر غلا شوي اثر نه پيژندل کيږي.

ناقانونه تاريخي اثار په نامنظم ډول په ډيرو ملي پولو او هيوادونو کي په حرکت کي دي. دا کار د دي لامل گرځي چې د دي اثارو په اساني سره په ناقانونه توگه سوداگري وشي او همدا راز تقليبي بازارونو ته يې د ننوتو لامل هم کيږي. د اصلي سرچيني له تصديق پرته هغه اثار چې يو څه يا ټول تقليبي دي په اساني سره د اصلي اثارو پر ځاي چلول کيږي. په دي صورت کي د دي توکو د اصليوالي د ثابتولو لپاره له علمي ازموينو کار اخیستل کيږي. چې پخوا د تيروتنې وړ لاره گڼل کيده. په اوس وخت کي، په نړۍ کي گڼ شمير جعلي اثار په خصوصي او نا خصوصي کلکسيونونو کي شته چې ښايي رښتيني شميره يې کله هم څرگنده نشي. که څه هم اټکل شوي چې په سلو کي اتيا هغه کودريني مجسمي چې د ۱۳۵۹ هجري ل (۱۹۸۰ م) په لسيزه کي له مالي نه راويستل شوي دي، جعلي دي په داسي حال کي چې جعلي اثار، نا پيژندل شوي او ښايي هم نامشکوک پاتي کيږي. پر څيړني يې د اغيز اټکل ستونزمن ښکاري.

خو ټول لرغوني اثار ناقانونه نه دي. د تاريخي اثارو معامله کوونکي پدي ټينگار کوي چې يوزيات شمير لرغوني اثار د دي له هيوادونو نه د ښکيلاک په دورو کي بهر ته وړل شوي دي او د اصلي ځاي په هکله يې ډاډ من شواهد په پخوا کي له منځه تللي دي.

لوتولونه لاسته راوړي و خو ځله لوړ دي. د سويډن گرځندوي بورډ اټکل کړي دي چې اولسمي پيړي اړوند واسانومي د ژرغورني پيړي هر کال څو ميليونه ډالر د سويډن هيواد په اقتصاد کې زياتوي. اقتصادي حقيقت دا دي چې سنجول شوي اوله نوښته ډکه ننداره په سيمه ايزو موزيمونو کې د لرغونو اثارو او د لرغونو سيمو د پرمختگ او خلکو ته دهغوي دورپېژندلو لپاره يوه دگټي لاره چې د سيلانيانو په جلبولو کې مرسته وکړي او ورپسې د هميشنيو خدمتونو د شرايطو منځته راتگ شوني کړي. را منځته کوي. پکار دي چې دگرځندوي له لاري لاسته راغلي گټه پر هغو ټولنو ولگول شي چې د هماغې سيمي شاوخوا اوسېږي. او د مرکزي حکومت يا بهرنيو سوداگريزو موسسو لخوا په ناقانونه ډول مصرف نه شي. په کوم ځاي کې چې کيداي شي د سيمي خلک په کار وگومارل شي او د بنسټيزو اړتياوو پرمختگ بايد تر ځايي کنترول لاندې وي او د سيمي دخلکو اړتياوي او هيلي پوره کړاي شي.

ازاده سوداگري؟

معامله کوونکي او هغه کلکسيونان چې د مريمن له نړيوال نظر او ازاد فکر (اند) نه ملاتړ کوي. د لرغونو او فرهنگي اثارو د ازادې سوداگري غوښتنه کوي. پر هغه بنسټ ولاړي نظر يې چې سوداگري په لرغونو او فرهنگي ميراثونو ناوړه اغيز لري، رد شوي او په بدل کې داسې ادعا کېږي چې ازاده سوداگري ټولو ته گټوره ده. دا سوداگري پيسې د ټولني د غريبو وگړو په واک کې ورکوي او د راتلونکو نسلونو ارزښتمن اثار ساتي او ديو لړ بيلابيلو هنري شکلونو نړيوال درک گټور کوي. ښايي دا ادعا له يوه تيوريستيکي دريځ نه رد کړي شي چې ټولنيزي بي کفايتي چې ژوري رښني لري، په اساني سره نشي مهار کيداي او دا چې د عامه گټو مفکوره رښتيني بنسټ نلري. خو کله چې د ډيرو قضيو رپوټ ورکول کېږي او ډير معلومات په لاس راځي هره طرحه د تجربوي ازمويني لپاره د څيړني وړ دي.

انديښني رښتيني ځانگړني څرگندېږي او باور پري کېږي. لرغونپوهنه داسې څيز گڼل کېږي چې له کاروني نه ډير پوهيدني ته اړتيا لري. دويمه: دا چې دا يو قانوني کار دي او هم ښايي ددې په پرتله چې د شپي له يوي هديرې نه غلا وشي. بي خطر ه وي او کړني يې هم تضمين شوي وي. د ډاډول مرستو له لاري رامنځته شوي برد اشتهونه ښايي د ددوي گټور توب وښيي.

فرهنگي گرځندويي

دا يو حقيقت دي چې د لاسته راغلو اقتصادي گټو په پام کې نيولو سره، لرغوني سيمي او موزيمونه کولاي شي دگرځندويي د پرمختگونو د اصلي انگيزې په توگه عمل وکړي. په ۱۳۳۸ هجري ل (۱۹۵۹ م) کال کې د ترکيې په بودرم کې هغه مهال چې هيڅ سيلاني هغه ښار ته نه ورته، د لرغونپوهني موزيم بنسټ کېښودل شو، خو په ۱۳۲۹ هجري ل (۱۹۹۰ م) کال کې دا موزيم د ترکيې دويم نوميالی موزيم شو او د ښار وگړي درې برابره شول. د سپرويت کاريښا په ښار کې، له ميلاده مخکې څلورمې پيړي ديوي ماتي پيړي د ننداري لپاره د جوړ شوي موزيم له پرانيستو نه وروسته د دري کلونو په اوږدو کې، د دې ښار د سيلانيانو شمير دوه برابره شو. په ۱۳۲۸ هجري ل (۱۹۸۹ م) کال کې د کينيا د ساحل په اوږدو کې موزيمونو او گڼو يادگارونو، ۱۲۷۰۰۰ بهرني سيلانيان جلب کړل او د سيمي پر ټولنيز اقتصادي اغيزمنه اغيزه وکړه. د پيرو په چيکليو کې، د سپيان لرغوني سيمي ته ډير نژدې لوي ښار، يو ارزښتمن او له برمه ډک ځاي (څه ناڅه لوب شوي) د موج په نوم، له لوتيدو نه پس له لسو کلونو په موده کې او په هغه ځاي کې له کيندنو وروسته، د سيلانيانو شميره له ډيرو لږو کسانو نه ۴۰۷۰۰۰ کسانو ته په کال کې ورسیده.

اوږدمهالي گټي يوه کمزوري گرځندوي فرهنگي اقتصاد ته ډيري لږ سنجول شوي دي، که څه هم چې اټکل شوي چې وروسته له سمو کيندنو اوس مهال په سپيان کې د لرغونو سيمو او مصنوعاتو د ننداري گټه نژدې ۱۴ ميليونه ډالرو ته په کال کې رسېږي، چې دغه رقم له هغو ۲۵۰۰۰۰ ډالرونه چې غلو د دي سيمي له

غورخول شوي وه، ژغوري . د يوه بازار د نه شتون په صورت کي دا اثار کيداي شي په ډير ساده ډول لري وغورخول شي يا له منځه يوړل شي خود پيسو ارزښت يي بيا موندنه تضمين کړي او خرڅلاو او راټولوني يي پايښت ډاډمن کړي دي . وروستي طرحه داده چي د لرغونو اثارو او نورو فرهنگي اثارو په برخه کي نړيواله ازاده سوداگري کولي شي د انسانانو نړيوال خلاقيت ته وده ورکړي او د متقابل درناوي د منځته راتگ لامل شي . ددي کار د تحقق لپاره د اثارو مناسب بدلون ته اړتيا ده ، په داسي حال کي چي اوسمهال په ښکاره توگه دا تبادل په نا مناسب ډول روانه ده . اثار دهغوي له اصلي هيوادونو نه اړو هيوادونو ته روان دي او په بدل کي يي هيڅ جبران نه کيږي . پردي بنسټ ازادي سوداگري نړيوالي همغږي ته پراختيا نه ده ورکړي يواځي اقتصادي نابرابري يي پر خپل حال ساتلي ده او د هغو هيوادونو په منځ کي چي په فرهنگ يي سوداگري کيږي د نا خوښيو د منځته راتگ لامل شوي ده .

کلکسيونران او معامله کوونکي ادعا کوي چي که څه هم په لومړي گام کي ښايي هغوي په خپله گټه کار وکړي خود کار په پای کي د هغوي کړني کتوري پايلي لري . خو ستونزه داده چي ددي دريځ په وړاندي رښتيني ملاتړ تر لاسه کړو . داسي ښکاري چي د فرهنگي او لرغونو اثارو په برخه کي ازاده سوداگري د اوږدي مودي لري گټي هغوي ته چي د فرهنگي اثارو په اصلي هيوادونو کي اصلي قربانيان دي ، وړاندي کوي .

تړونونه او معيارونه

هيڅ هيواد د خپلو لرغونو اثارو د ساتني لپاره لازمي منابع په لاس کي نلري . ان د امريکي متحده ايالاتونه او انگلستان هم لوټ تالان زغمي . دا هيله چي لوي هيوادونه لکه مالي او هندوستان خپل فرهنگي ميراثونه د کلکسيونرانو او بهرنيو بنسټونو له لوټ تالان نه وساتي ، بي گټي دي . دا هيوادونه په نړيوالي ټولني پوري تړلي دي ددي لپاره چي دا ډاډه حاصل کړي چي ننني قانونونه يي نه ماتيږي ، چي په عمل کي په دي مفهوم دي چي د داسي قوانينو اجراء

لومړي طرحه داده چي سوداگري پر اقتصادي بنسټونو د منل کيدو وړ دي . ډير ځله په منځ پرودي هيوادونو کي ، هغه پيسې چي له نا قانونه کيندو لاس ته راځي ډيري لږي او نا ټاکلي دي . د بيلگي په توگه د الناق هديره په اردن کي د کلونو لپاره دسيمې د بيوزلو خلکو لخوا لوټل شوي ده او دا يو بي دوده کار ندي . خو هغوي چي کيندنې کوي د خپلو موندنو له اصلي ارزښت نه دهغو دلالتو لخوا چي دا سوداگري کوي او هغه معامله کوونکي چي وروستي . وروستي معامله کوي نه خبريږي او غولول کيږي . څيرني ښيي چي کيندونکي په عام ډول د يو اثر د وروستي بيي له سلمې نه کمه برخه لاسته راوړي .

د لويديځوالو په گومان ، ډيري لږي پيسې يوه بيوزلي بزگر ته ښايي د ډيرو پيسو په څير ارزښت ولري ، خود د لنډي مودي گټه ده . کله چي د فرهنگي او لرغونو اثارو ارزښت له منځه وړل کيږي دا اثار په هنري بازارنو کي د عادي جنس حيثيت لري . او احتمالاً د پيسو ارزښت يي ډير ږيري او يا لږ تر لږه داسي گڼل کيږي چي په دي وروستيو کي داسي پيښ شوي دي خو بيا هم د بيي يا گټي دالوروالي هغه چا ته چي دا اثر يي تر لاسه کړي او يا اصلي هيواد ته يي سپارل کيږي . او بيا هم دا دلويديځ اقتصاد د اوږدي مودي گټي دي ځکه چي ددي مصادره شويو اثارو تر شا دندي او گټي منځته راځي . ځکه نو په حقيقت کي اصلي موندونکي په دوه ډوله غولول کيږي : اول : دخپلو موندنو د پيسو د ارزښت او وروسته د هغه د اوږدي مودي اقتصادي پوتانشيل په برخو کي هغه دولتونه چي تيار دي د شتو پلويانو په اجازه ورکړي چي د دوي د ځمکو په اوبوکي د موندل شوو شتو ديوي برخي په بدل کي کار وکړي ، په همدي ډول غولول کيږي او د لږ او بي حوده قيمت په بدل کي د اوږدي مودي اقتصادي منبع له لاسه ورکوي .

دويمه طرحه چي ازاده سوداگري تائيدوي دا ده چي بازار ، د (چانس موندلو) نيکه کلمه چي د کرنيزو يا صنعتي پراختيا د پروژي په بهير کي يا د ښاري پراختيا يا نوي کولو په واسطي لري

غروني، صادر شوي نه وي. تر هغه ځايه چي په کيندل شويو اثارو پوري اړه لري، د يادو شويو ساتنديو اقد امونو سر بيره موزيم بايد يو اثر لاسته رانه وړي تر څو چي مسئول کسان داسي د ليلونه چي ددي اثارو موندنه د ويجاروونکو چارو او غير علمي او قصدي کړنو چي د لرغونو سيمو او پخوانيو يادگارونو دوراني لامل کيږي له لاري ندي شوي او يا د مالک د موندنو د افشاء کيدو يا دهغه هيواد د اشغالوونکي يا دولتي قانوني مقامونو ناکامي پکي راگه وي.

لرغونپوهان هم ځواب ورکوي، په ۱۳۲۷ هجري ل (۱۹۸۸م) کال کي د لرغونپوهانو نړيوالي کنگري د برلين په اعلاميه کي سپارښتنه وکړه چي لرغونپوهان بايد معامله کوونکو يا خصوصي کلکسيونرانو ته د تخصص يا سلا مشوري لاره هواره نکړي. د امريکائي لرغونپوهانو ټولني د لرغونپوهني د اخلاقي اصولو دريمه ماده خبردراي ورکوي چي لرغونپوهان بايد خبروي چي د لرغونو اثارو سوداگريز کيدل د لرغونو سيمو او د هغوي په هکله د معلوماتو د له منځه تللو لامل گرځي. او همداراز سپارښتنه کوي چي لرغونپوهان بايد له هغو کړنو نه چي د يوه اثر سوداگريز ارزښت لوړ بيايي، ډډه وکړي او ورنه مخنيوي وکړي. د لرغونپوهني د اخلاقي موازينو امريکايي انستيتوت ۱۳۲۹ هجري ل (۱۹۹۰) چي په ۱۳۷۲ هجري ل (۱۹۹۷م) کال کي اصلاح شوي دي. همدا راز لازمه گڼي چي غړي يي د هغو اثارو په سوداگري لاس پوري نگرې چي اصلي مبداء يي معلومه نه وي او هم نور دي کارته ونه هڅوي. د انگلستان په شاهي هيواد کي، د بریتانيا اکاډمي په ۱۳۷۷ هجري ل (۱۹۹۸م) کال کي يوه مصوبه صا دره کړه چي په هغې کي د ۱۳۴۹ هجري ل (۱۹۷۰م) کال د تړون دا اصول د رعايت ټينگار شوي وؤ. او په ۱۳۷۸ هجري ل (۱۹۹۹م) کال کي په لندن کي د لرغونپوهني انستيتوت لومړني پوهنتوني ډيپارټمنټ شو چي يوه اخلاقي پاليسي يي د ورته اصولو پر بنسټ تصويب کړه. دي اصولو همداراز د يو شمير ژورنالونو د سر مقالو پاليسيو ته، لکه د امريکي د لرغونپوهني ژورنال لارښونه وکړه.

لکه د ۱۳۴۹ هجري ل (۱۹۷۰م) کال د يونسکو تړون چي فرهنگي شتمنيو د مالکيت د انتقال، صدور او ورود د منع او مخنيوي د لارو چارو په هکله دي، يقيني کړي.

تر اوسه يواځي دوه هيوادونو (امريکي متحده ايالاتو او فرانسه) چي ملي مارکيتونه لري دا تړون تصويب کړي دي، که څه هم چي د سويس هيواد اوس په دي هکله ديوه قانون د جوړولو په حال کي دي او د انگلستان شاهي هيواد د ۱۳۸۰ هجري ل (۲۰۰۱م) کال په مارچ کي دي تړون سره ديو ځاي کيدو په برخه کي خوشينيښودلي وه. د دي تړون پلي کول د وروستيو يا دوشويو هيوادونو لخوا، دغو هيوادونو ته اجازه ورکوي تر څو د امريکي له متحده ايالاتو سره په راتلونکو څو اړخيزو تړونونو کي، گډون وکړي او دا خپله هغه پايله ده چي د امريکي متحده ايالتونو يي د دي تړون د تصويب پر مهال وړاندوينه کړي وه.

کولي شو داسي استدلال وکړو چي د يونسکو د تړون بنسټيزه اغيزه ډيره معنوي ده نه مادي. د ډيري مودي لپاره موزيمونه د سوداگري تضمينونکي وو. په ازاد بازار کي د اثارو پيږودني او د فرهنگي ميراثونو په توگه د هغوي منلو. کلکسيونونه سره راټول کړل. په تير وخت کي د انفرادي راټولونکو څيرنيزي مين د موزيمونو د کلکسيونونو په جوړښت اغيز کړي وه. خو اوس داسي ښکاري چي گرايشونو بدلون موندلي دي. دا د اخلاقي موازينو د پيژندنې له مخي دي چي د يونسکو د تړون له يادوشوو اصولو سره سم د پاليسيو جوړولو د غوښتنې، غوښتنه ده. د بيلگي په توگه د ICOM ۲-۳ برخه ۱۳۲۵ هجري ل (۱۹۸۲م) کال د مسلکي اخلاقو قانون داسي بيانوي: (يو موزيم بايد هيڅ اثر د اخيستلو په صورت کي ډالي، ارث او يا بدلون تر هغو پوري لاسته رانه وړي تر څو چي مسئول کسان ډاډه شوي نه وي چي موزيم کولي شي د مالکيت د حق معتبر سند د اثر د بيلگي يا خپله اثر په هکله لاسته راوړي او دا چي دا اثر له اصلي هيواد نه يا له هغه هيواد نه چي په قانوني ډول يي مالکيت لري (دهغه هيواد موزيم کي گډ وي) د هغه هيواد له قانون نه په سر

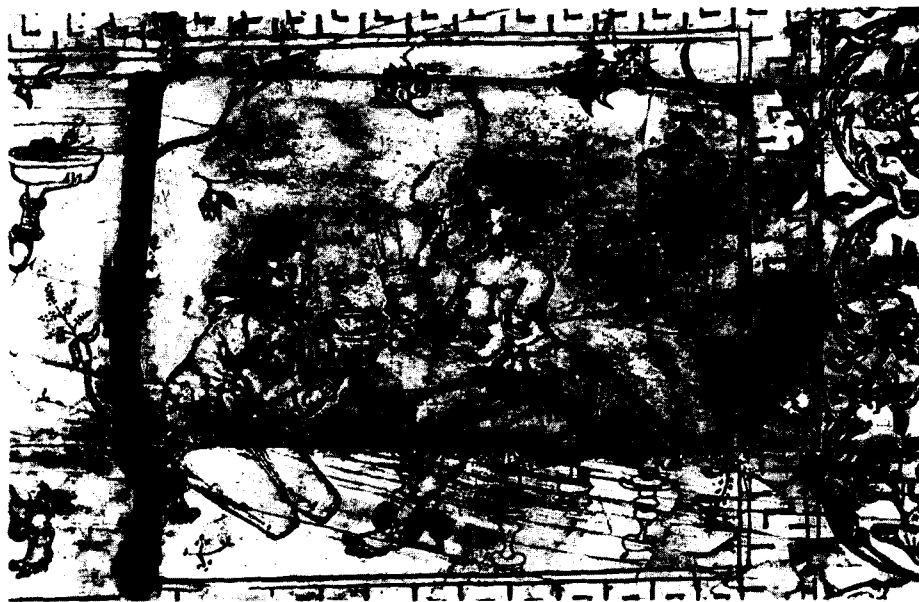
نوي او عصري بني دي . زمونږ ډير پام مادي پايلو ته دي ياني هغه زيانونه چي د اثارو د غير مسئولانه راټولوني له کبله منځته راځي او داسي بنکاري چي ، هغوي چي له ناقانونه سوداگري نه گټه اخلي — معامله کوونکي او کلکسيونران — له هغو نه انکار کوي . ددي سوداگري اندازه ډير ځله لږ ښودل کيږي او هغه زيان چي دا سوداگري يي را منځته کوي بيشماره دي . پردي دليل په اوسني بحث کي د حقايقو او شواهدو معلومات ارزښتمن دي . په دي وروستيو کي د يونسکو تړون پلي کيدو موضوع د امريکي په سنا مجلس کي له مخالفت سره مخ شوه او په انگلستان کي پارلمان او حکومت دواړو د ناقانونه اثارو د سوداگري په هکله څيړني وکړي . د هاگ تړون دويم پرتوکول تصويب شو او د يونسکو تړون پر هغي طرحي خبري رواني دي چي د درياب لاندي فرهنگي ميراثونو د ساتني په هکله ده . د لرغونتيا لوتسوني د حقيقت د بدلون او ددي اثارو د غلا کيدو د ودريدلو لپاره د هغوي له منځه تللو د مخه پر فرهنگي ميراثونو د خبرو اترو ټول گډونوال بايد په سياسي پروسه کي کارنده ونډه واخلي .

په ۱۳۷۴ هجري ل (۱۹۹۵م) کال کي د يونيدرويت تړون د غلا شويو يا ناقانونه صادرو شويو فرهنگي اثارو په هکله چي داسي ډيزاين شوي وؤ چي د يونسکو د ۱۳۴۹ هجري ل (۱۹۷۰م) کال تړون د کار لمنه پراخوي ، داسي بنکاري چي دهغو قوانينو پر مختگ چي په غير قصدي توگه د فرهنگي ناقانونه اثارو د پلورني د مخنيوي لپاره ، ځانگړي شوي دي ، مرسته ورسره کوي .

له دي سره سره ، ډير موزيمونه له اخلاقي قانونون په سر غروني سره د اصلي مبداء د نه لرونکو اثارو په راټولوني او ننداري ته وړاندي کولو لاس پوري کوي او په دي کار سره د عامو خلکو د شرمندگي او مالي زيان لامل گرځي .

پايله

گل او چيندل ۱۳۷۲ هجري ل (۱۹۹۳) د فرهنگي اثارو په هکله او دهغوي د راټولولو د فکري پايلو په هکله ليکلي دي . دهغوي موخه له فکري پايلو نه ډاډ وړ پوهي ، فساد دي چي لامل يي د اثارو بيا ارزونه او د هغوي بيا تعبير په يوي



د دريمي او څلورمې پيړۍ پوري مربوط له بگرام څخه عاجونه چي د کابل په موزيم کي موجود وؤ ، او اوس لوت کيدو څخه وروسته په نړيوال بازار کي د خرڅلاو لپاره ايښودل شوي . د گيمي موزيم

اخځليک

کوروپاس ام پسي (Kouroupas, M.P) د امريکي متحده ايالتونو هڅي د فرهنگي شتمنيو د ساتني لپاره : د يونسکو د ۱۹۷۰ کال تر ۱۹۷۰ کال پلي کول په تاريخي اثارو کي سوداگري او خيانت : حقوقي موضوعات اخلاقي موضوعات او بحثونه کي ډبليو تب (K.W. Tubb) لندن : ارچيټايسپ (Archetype/UKIC) ، ۱۹۹۵ ، ۸۳-۹۳ مخونه

لي دي (Lee, D) ، «تاريخ او هنر له منځه ځي» هنري ورځپاڼه ، ۱۰۱ گڼه ، مارچ ۲۰۰۰ ، ۳۱ مخ

لي دي (Lee, D) مخ پروراندني کوچني گام هنر ورځپاڼه ، ۱۰۷ گڼه ، اکتوبر ۲۰۰۲ ، ۷ مخ

مکفارلين اي (Macfarlane, A) د شتمني راز : ميراث او صنعتي کول په انگلستان او جاپان کي د شتمنيو اړوند : د خلکو پيژندنې د دودنو نوي کيدل ، س ، ام ، هان (C.M. Hann) کمبريج : د کمبريج پوهنتون خپروني ، ۱۹۹۸ ، ۲۳-۱۰۴ مخونه

مريمن جي ايچ (Merryman, J.H) د فرهنگي اثارو قانوني سوداگري د هنر نړيوالي سوداگري پر حقوقي اړخونو M.Briat او J.A. Freedberg هاگ ، د کلورو نړيوال قانون ، ۱۹۹۲ ، ۳-۴۲ مخونه

يادښتونه:

۱. دا ليکنه د دوه خپرونو لنډيز دي چې نيل برادي ليکلي ده: د جگړې تباهي گاني ، د لرغونپوهني د برخي لخوا خپره شوي. جولای/اگست ۲۰۰۳ کال

د ناقانونه لرغونو اثارو د گډې گټې پيژندنه ، د فرهنگ لوټونه ، او د لرغون پوهنې نابودي ، د روتلج له خوا خپره شوي ، ۲۰۰۱ کال

۲. افغانستان ته په تمرکز سره د نړيوال موزيم په روانې گڼې کې ، دا ژورنال په کمبوديا کې د حالاتو ژوره خپرنه ده. دس میاشتې ۲۰۰۲ دوه گونې گڼې کې ، چې د انګکور لرغونې سيمې په نوم دي

۳. دوپري ان ايچ (Dupree, N.H) "ترکلابندی لاندې موزيم په لرغون پوهنه کې" (۲) ، ۴۹ ، ۱۹۹۲ ، ۴۲-۵۱ مخونه

۴. لي دي (Lee, D) "تاريخ او هنر له منځه ځي" ، هنري ورځپاڼه ، ۱۰۱ گڼه ، مارچ ۲۰۰۰ ، ۳۱ مخ

۵. دوپري ان ايچ (Dupree, N.H) "لوټماري روانه ده په لرغون پوهنه کې ان لايسن" <http://www.archaeology.org/online/features/afgh> ۱۹۹۸ an/update.html

۶. روني اس (Rooney, S) "پرهديري يرغل" ، په ټايمز مجله کې ، د جنوري ۲ ، ۱۳۸۰ هجري ل (۲۰۰۱ م) کال ۴۵ مخ

بان پي جي (Bahn, P.G) (د خمر مصنوعات کمبود يا ته ستنيزي) په تاريخي اثارو کې ، ۷۴ ، ۲۰۰۰ ، ۷۵۳-۷۵۴ مخونه

بوپلان پي جي (Goylan, P.J) (د تاريخي اثارو ناروا ليزدونه او د موزيمونو معيارونه) د تاريخي اثارو يا خيانت شويو په سوداگري کې K.W Tubb. لندن د ارچيټايسپ خپروني ، ۱۹۹۵ ، ۹۴-۱۰۴ مخونه

برنت ام (Brent M) (د افريقا جعلي هنر) لرغونپوهنه ۵۴ ، ۲۰۰۱ ، ۲۷-۳۲ مخونه برادي ان جي (Brodie, N.J) (د بيجاره د لالانو پر حال افسوس) په بي منځپانگي فرهنگ کې ، ۱۹۹۸ ، ۷-۹ مخونه

برن هم بي (Burnham B.) (انجنيري ميراث) د خطر اوسني حالت توپير ، د فرهنگي شتمني په نړيوال ژورنال کې ، ۷ ، ۱۹۹۸ ، ۲۵-۱۴۹ مخونه

چمپان جي (Champan, J.) (د يوه عام ميراث ويجاړوني : د جگړې پر وخت لرغونپوهنه په کرويشيا بوسنيا او هرزگوينا کې) په تاريخي اثر کې ، ۲۸ ، ۱۹۹۴ ، ۲۲-۱۲۲ مخونه

کليمنت اي (Clemente) يونسکو : له وسلوالي جگړې وروسته د فرهنگي شتمنيو د بيا موندني اړوند ځيني قضيي «په هنر کې د نړيوالي سوداگري د حقوقي اړخونو په هکله M.Briat او J.A. Freed Berg هاگ ، د کلورو نړيوال قانون ، ۱۹۹۲ ، ۲۲-۱۵۷ مخونه

دادس جي دي (Dodds, J.D) «پر نيريتوا پول؟» په لرغونپوهنه کې ، ۴۹ ، ۱۹۹۲ ، ۴۸-۵۳ مخونه

دوپري ان ايچ (Dupree, N.H) «ترکلابندی لاندې موزيم» په لرغون پوهنه کې ، (۲) ، ۴۹ ، ۱۹۹۲ ، ۴۲-۵۱ مخونه

دوپري ان ايچ (Dupree, N.H) «لوټماري روانه ده» په لرغون پوهنه کې ، ان لايسن ، د ليدو وړ دي

<http://www.archaeology.org/online/features/afghan/update.html> ۱۹۹۸ گل دي (Gill, D) ويس چيپانډل (C. Chippindale) سيکلادیک (Cycladic) ارقامونه د درناوي مادي او معنوي پايلي د امريکايي لرغونپوهني په ژورنال کې ، ۱۹۹۳ ، ۵۹-۲۰۱ مخونه

هاول سي ال (Howel C.L) «له هاکوروسانو (huqueros) سره د معاملي زپورتيا د لرغونپوهني په اخلاقو کې ، کي ويتيلي (K. Vitelli) ، والنټ کريک (Walnut Creek) التاميرا (Alta Mira) ، ۱۹۹۲ ، ۴۲-۲۳۸ مخونه

ICOM په انګکور کې غلا پاریس ۱۹۹۲ ، ۱۹۹۳ ICOM

۱۷. امريکايي لرغونپوهنې ژورنال کې ۹۷، ۱۹۹۳،
۲۰۱-۵۹، مخونه.

۱۸. برنت، ام (Brent, M) "امريکايي جعلی هنر"،
لرغونپوهنه ۵۴، ۲۰۰۱، ۲۷-۳۲، مخونه

۱۹. Howel C.L "له Huqueros سره د معاملې زپورتيا
"د لرغونپوهنې په اخلاقو کې، K,Vetelli, Walnut
Creek, Alta Mira، ۱۹۹۲، ۴۲-۲۳۸، مخونه

۲۰. سيدن ايچ (Seedan,H) "لرغونپوهنه او په لبنان
کې عام وگړي له ۱۹۸۲ نه پرمختگونه" په
اوس او تير وخت کې: ميراث، موزيمونه او
بښونه او روزنه، P.G.Stone او B.L.Molyneux،
لندن: روتلج، ۱۹۹۴، ۹۵-۱۰۸، مخونه

۲۱. تروکمارتون پي (Threkmorton,P) "د نړۍ ډيره بده
پانگه اچونه: د شتمني لټولو اقتصاد د رښتيني
ژوند له پرتلنوسره"، تر او بولاندي فرهنگي
ميراثونو اثر کې، پاریس او پورتس موت: د
يونسکو د لرغونپوهنې د دريا نوردۍ ټولنه
۱۷۹-۱۸۳، مخونه

۲۲. ويلسن ټي، اچ (Wilson,T,H) او A.L.Omar
د افريقا په ختيځه غاړه کې د فرهنگي ميراث
ساتنه"، د افريقا په پخوانۍ لوټنې کې
James P.R.Schmidt او R.J.Mcintosh، لندن ک
Curry، ۱۹۹۲، ۲۴، مخ

۲۳. واستين، پي (Wastan, P) "د سپان درسونه:
لرغونپوهان او هاگوروسان": په بې منځپانگې
فرهنگ کې، نومره ۱۲، ۱۹۹۹، مخ

۲۴. تروکمارتون، پي (Threkmorton P)، OP، Cit
۱۸۱، مخ

۲۵. بويلان، پي، جي (Boylan<P,J) "د تاريخي اثارو
ناروا ليردونه او د موزيمونو Ethics"، د تاريخي
اثارو د سوداگري او درغلي په برخه کې،
K,W,Tubb، لندن، "د بيچاره د لالانو پرحال
افسوس" په بې منځپانگې فرهنگ کې، نومره ۳،
۱۹۹۸، ۹-۷، مخونه

۲۶. کوروپاس ام پي (Kouroupas,M,P) "د امريکې
متحده ايالتونو هڅې د فرهنگي شتمنيو د ساتني
لپاره: د يونسکو د ۱۹۷۰ کال تړون پلي کول"، د
تاريخي اثارو د سوداگري او په هغوی کې د
خيانت په هکله: حقوقي او اخلاقي موضوعات او
بحثونه، K,W,Tubb، لندن: Archetype/UKIC،

۷. بان پي، جي (Bahn,P,G) "د خمرمصنوعات
کموډيا ته ستنيري"، په تاريخي اثر کې ۷۴،
۲۰۰۰، ۷۵۳، مخ

۸. ICOM خپرونه په ۱۳۷۲ هجري ل ۱۹۹۳ م کال
کې په لومړي چاپ کې "په انگکور کې لوټ تالان"
د شپږو اټرونو بيا موندنه چې دوه يې د لندن په
ساتبايز کې (Sotheby's London) او يو بل يې په
Sotheby's New York کې وپلورل شول
۱۳۷۲ هجري ل ۱۰-۱۱، ۱۹۹۳ م، ICOM

۹. چمپان، جي (Champan,J) "د يوه عام ميراث
ويجاړونه" د جگړې پروخت لرغونپوهنه په
کرويشيا، بوسنيا او هرزگوونا کې، په تاريخي
اثر کې ۲۸، ۱۹۹۴، ۲۶-۱۲۰، مخونه او د
ډاډس، جي، ډي (Dodds,J,D) "پرنيتوپول؟"
په لرغون پوهنه کې.

۱۰. کليمنټ، اي (Clement,E) "يونسکو: له
وسلوالي جگړې وروسته د فرهنگي شتمنيو د
بياموندنې اړوند ځينې قضیې"، په هنډ کې د
نړيوالي سوداگري د حقوقي اړخونو په هکله
وي، M.Briat او Freed Berg J.A هاگ، د کلورو
نړيوال قانون، ۱۹۹۲، ۱۵۴، مخ

۱۱. برن هام بي (Burnham, B) "انجنيري ميراث: د
خطر د اوسني حالت توپير" د فرهنگي شتمني په
نړيوال ژورنال کې، ۷، ۱۹۹۸ کال ۱۵۳، مخ

۱۲. پرات ال وي (Prot, L,V) او پي جي او. كيف
(P.J.O.Keefe) "فرهنگي ميراث که فرهنگي
شتمني؟" د فرهنگي شتمني په نړيوال ژورنال کې
۱۳۷۱ هجري ل ۱، ۱۹۹۲، ۳۱۰، مخ

۱۳. مکفارلين، اي (Macfarlane,A) "د شتمني راز:
ميراث او صنعتي کول په انگلستان او جاپان
کې"، د شتمنيو اړوند: د خلکو پيژندنې د
دودونو نوي کيدل، سي. ام. هان (C.M.Hann)
کمبريج: د کمبريج پوهنتون خپرونې
۱۹۹۸، ۱۰۴، مخ

۱۴. ويتيلي، کي ډي (Vitelli,K,D) "د يوه لرغونپوه
خواب د هغو اصلي طرحې ته چې فرهنگي
شتمني راليردونه تراغيزې لاندې لري" د هنر په
ساحه کې د نړيوالي سوداگري پر حقوقي
اړخونو، ام برايت او جي اي. فريډبرگ د هاگ
د کلورو نړيوال قانون ۱۹۹۲، ۱۰۹، مخ

۱۵. پرات ال وي (Prot, L. V) او P.J.O.Keefe
Cit. OP ۳۱۱، مخ

۱۶. گل ډي ډي (Cycladi, C.Chippindale (Gill, D)
ارقامو ته د درناوي مادي او معنوي پايلې په

د انگولا ملی موزیم د دغه هېواد د کورنی جگړو په بهیرکی
فرناندو مانزامبی

د انگولا ملی موزیم د دغه هېواد د کورنی جگړو په بهیرکی

د فرناندو مانزامبی لیکنه

فرناندو مانزامبی د موزیم متصدی او د پورتو (Porto) د پوهنتون د افریقایي خپرنې د مرکز خپرونکی دي. هغه د
ICCROM د شورا او د EPA (Ecole du Patrimoine Africain) د شورا غړی او د AFRICOM د بنسټ ایښودونکو غړی
هم دي.

د انگولا د هېواد د خپلواکي په لمړیو کلونو کی دغه
هېواد کی د موزیم یو پالیسی جوړه شوه. دغه پالیسی
د استعماری نظام د کلونو پر ضد د موزیم په تعلیمی
دندو کی د هغی د مجموعی په را برسیره کولو کی د
لمړیتوب حق ورکړ. دغه کار له استعماری پالیسیو
څخه د موزیمونو بیلول و ترڅو دغه موزیمونه د
انگولا د خلکو په خدمت کی وی چې په کلونو کلونو
له خپل اساسی حقونو لکه ازادی او د هغه د ټولو
شکلونو څخه بی برخی وی.



۴. په لواندا کی د انگولا د نژاد پیژندنی ملی موزیم
چي د کلتوري تنوع د پرمختگ په برخه کی مهم رول
لوبولی دی.

په حقیقت کی هغه موزیمونه چې ۱۳۰۹ هجری لمیر د
(۱۹۳۰ م) لسیزی په کلونو کی په انگولا کی موجود
و، د ۱۲۹۱-۱۲۹۴ هجری ل (۱۹۱۲-۱۹۱۵ م)
Governor Jose Mendes Ribeiro Norton de Mantos په
دوره کی د اداری معیاری قوانینو پواسطه جوړ شوی
و. په ۱۹۱۲/۲۲۲ ګڼه فرمان کی گورنر تصمیم
نیولی و چې د انگولا او کانگود کلتور پیژندنی
موزیم جوړ کړی ترڅو هغه خپرونکی، د مستعمرو
اوسیدونکی، سوداگران او دولتی کارکوونکی چې د
اوسیدنی په مقصد هغه سیمی ته راتلل پدی قادر
کړی چې له نیمه عصری شوی خلکو سره چې د هغو
ځانګړتیاوی لږ څیرل شوی بلل کیده پیژندنه
پیدا کړی.

د انګولا خلک د کورنی جګړی سره په مخامختیا کې

د جګړی د پېښی توضیح کول دومره پېچلی دی چې مونږ دلته هغه د انسان پېژندنی له نظره تر څېړنې لاندې نیسو. بیشمیره نور مولفین، جګړه د منازعاتو د حل د وینې بهونکی شکل په توګه پېژنی. ځکه چې دا د آزاد سیاسی واحدونو سره یوځای په هغه فضا کې چې د هغی په بعدونه کې د لیدو وړ توپیرونه تر سترګو کیږی د لیدو وړ دي. که چېرې پدغه جګړه کې د شاهي رژیمونو یا دملی دولتونو ټولني (پرګنی او قومونه) ګډون ولری دهغی ګډي ځانګړتیاوی د داخلی خشونت څخه د ګټی اخیستنې توان لرل چې د بهرنی دښمن سره مقابلی ته یی دروي.

د جګړی د مفهوم دغه تعریف مونږ د دوه ډوله جګړو پېژندنی خواته روانه کوي: سنتی جګړه او غیر سنتی جګړه، پدغه اساس ایاد جګړی دواړه خواوی د شخړي متودونو په برخه کې چه هغوی په هغی کې سره اخته دی د سره ورته نظریو لرونکی دی یا نه؟

راځی ووايو چې پدغه تعریف کې جګړه د وسله والی مبارزی څخه پرته چې په هغی کې دښمنی ډلی د خپلو بی اتفاقیو د حل لپاره له تیریو څخه کار اخلي، نشته. میشل ادم چې د جګړی په معنی کې د موجودو ستونزو څخه خبر دي، په معمولی توګه همغه منل شوی تعریف چې ویل کیږي (جګړه د انسانی ډلو ترمنځ د قدرت د موازی قهرامیزه ننداره ده) مني. د جګړی اصلی ځانګړتیا همغه قهرامیزه اعمال دي. دهغی د قهرامیزو ځانګړتیاوو سره سره جګړه یوه ټولنیزه پدیده تعریف شوی لکه چې ادم څرګندونه کوي، په ټولنه کې سپری د ژوند سره مصادف یا امکان لری ترلی وي، دا منو چې جګړه د یوی ټولنیزی پدیدې په

په یوه ورته کرڼه کې، د دودیزو او بومی عادتونو او رواجونو د بنسټونو د څېړنې لپاره چې د هغوی د تر استعمار لاندې کیدو لپاره په اغیزمنه توګه لاره اسانه کړی، نور حقوقی حکمونه په تصویب رسیدلی و. دا هغه حکمونه و چې د مستعمارتی موزیمونو دندی بیانول او د فرهنگي ستراتیژي په برخه کې د پرتګال د هېواد د مستعمارتی پالیسی پېژندنه یی مشخصول. دغه په شا تلونکی پالیسی چې د انګولا د هېواد د تر استعمار لاندې ژوند په موده کې تصویب شوی و یو له هغو دلیلونو څخه و چې د ازادی بڅښونکی جګړو سبب شو، چې په نتیجه کې یی د انګولا خلکو په کال ۱۳۵۴ هجری ل (۱۹۷۵ م) کې خپل استقلال تر لاسه کړي دي. له بده مرغه د استعمار څخه وروسته پراو دغه هېواد یی د کورنیو جګړو سره مخ کړ چې د مطلقه بدلونونو سبب شو.

ددغی لیکنی څخه مقصد د لواند ا د خلکو د پېژندنی د ملی موزیم د رول پیدا کول دی چې د کلتور د زده کړی د ښوونی یو بنسټیز بڼه لری او د خلکو پرتولنیز - کلتوری زده کړو باندي چې د څوکلنی خوځونکی جګړی سره مخ شول په مستقیمه یا غیر مستقیمه توګه د موزیم د پالیسی ارزښت راپه گوته کوي. همدارنګه دهغی بل هدف دا و چې په انګولا کې ددغه جګړی د نتیجی په توګه د ناباوری او د را روانی کړکی د له منځه وړلو لپاره د یو پیغام پواسطه چې ددغه ننداری پواسطه ولیږدول شود موزیم د کار ښودونکی وي. ایوا وخت یی ندی را رسیدلی چې پوښتنه وکړو ایوا دغه موزیم د خپل تعلیماتی رول له لیاری د جګړی څخه په وروسته انګولا کې د کلتوری پیامونو او د سولی د کلتور څخه په ملاتړ د توپیر د منلو، د مختلفو پرګنو د خلکو په ټولولو سره د تحمل او مفاهمی د کلتور ضروری بنسټ یی ایښی دی که نه؟

کی له بیلابیلو ډلو څخه غیر وسله وال جنگیالی گډون درلودی چې د ازادی د جگړې په بهیر کی د بیلابیلو اهدافو او ایدیالوژیو د درلودو له امله سره بیل شوی ؤ. دغه ازادی بڅښونکی غورځنگونه خپلی مبارزی زیاتره د استعمار له منگلو څخه د خپل هېواد د خلاصون د سپیڅلی موخی په پرتله پر ایدیالوژیکی مخالفتونو او ځان غوښتنو باندی بنا کړی ؤ. د ازادی بڅښونکی غورځنگونو تر منځ دغه شخړی د هغو جگړو سبب شوی چې د ازادی د ترلاسه کیدو په وخت کی د (MPLA, FNLA, UNITA) د ازادی بڅښونکی سازمانونو د وسله والو څانگو ملیشی یی چې د سیمیزو او ټولنیزو اساساتو مطابق د ملکسی اوسیدونکو له خوا یی پلوی کیده سره مخامخ کړ. دغه جگړه سوله غوښتونکی اوسیدونکی یی هم وهڅول ترڅو په اگاهانه یا غیر اگاهانه توگه له یوی خوا سره یو ځای شی، ترڅو په FNLA کی د شاملو سیاسی ډلو له گټو څخه په شمال کی او د MPLA څخه په شمالی مرکزی کی او د UNITA څخه په سویل کی پلوی وکړی.

د سنتی جگړو پر خلاف، کورنی جگړه هغه جگړه ده چې له دغه شان نورمونه سره اړخ نه لگوی او په هغو ځایونو کی پینښیری چې هلته خشونت کنترول کیدای نشی. دا یو و حشیانه جگړه ده چې خواخوږی او ترحم نه پیژنی. په انگولا کی دا جگړه د ملکسی خلکو تر منځ ؤ او د ډلو تر منځ کرکه یی دومره وهڅول چې د هېواد په شمالی او مرکزی سیمو کی خشونت امیزه بڼه یی ونیول. په سیاست کی خلکو ته گډون ورکول او د وطن د گټو د دفاع په موخه د شبه پوځی وسله والو گډوډلو او د مخالفو سیاسی ډلو سره د پلوی لپاره د نورو ډلو گمارل د انگولا د هېواد کورنی جگړی یی د څو پر له پسې کلونو لپاره تودی وساتل.

توگه ده چې قهرامیز اعمال هغه کی گډون لري، چې د ټولنیز تړون څخه بهر واقع شویدی. له همدی امله، جگړه یا د دغه تړون د ردولو له امله منځ ته راځی او یا د دغه تړون له حدودو څخه په یوه سیاسی حدود کی چې د هغی له قدرته بهر واقع شوی وی څرگندیری.

په حقیقت کی لیکونکی یادونه کوی چې جگړه د انسانانو تر منځ اړیکه نده. د ادم د وینا مطابق چې جین جکس روسوی ته اشاره کوی، جگړه د دولتونو تر منځ چې په هغو کی خلک یواځی په تصادفی توگه یو دبل دښمن دی او دغه دښمنی پدی ډول دی چې د هېوادونو اوسیدونکی یو بل د انسانانو یا د مقابل هېواد د اوسیدونکو په توگه نه بلکی د هغو هېوادونو د عسکرو په توگه پیژنی. له همدی امله میشل ادم دا نظر لري، هر هېواد چې د بل هېواد سره دښمنی لري، خلک یی خپل دښمنان بولی نه د هغه بل هېواد اوسیدونکی. پدی توگه جگړه له پخوا څخه وضع شوی نورمونو ته په پاملرنی سره منل شوی چې د جگړی دواړه غاړی به د هغی څخه پیروی کوی، او ځواب یی وایی. دغه نورمونه د هغی جگړی سره سمون لری کوم چې د سنتی جگړی په نوم یادیری. د سنتی جگړی برعکس د جگړی بل ډول هم شته چې د غیر سنتی جگړی په نوم یاد شویدی. دا ډول جگړه په دوه برخو ویشل شویدی چې د کورنی جگړی او ازادی غوښتونکی جگړی څخه عبارت دی.

تر هغه چې په مونږ پوری اړه پیدا کوی، انگولا د دغی جگړی د دواړه ډولونو سره مخ شوی. پدغه هېواد کی د ۱۳۴۰-۱۳۵۳ هجری لمیزو کلونو (۱۹۲۱-۱۹۷۴ م) تر منځ د ازادی جگړی او د ۱۳۵۴-۱۳۸۱ هجری لمیزو (۱۹۷۵-۲۰۰۲ م) کلونو تر منځ کورنی جگړی روانی وی. د انگولا کورنی جگړی وسله والی نښتی وی چې د یو هېواد د وسله والو ډلو او د هغی د اوسیدونکو تر منځ نښتی ؤ. پدغه جگړه

هيوک لومړی له ځانه سره مخالف نه وی چې په
ټولنيزه سوله کې د گډون لپاره باطني آرامتيا ترلاسه
کړي. دغه انفرادی خبرتيا بايد په دله ايزه شعور بدلون
ومومی ترڅو ټولنی ته دا ځواکمني ورکړي چې له
زورزیاتي څخه لاس په سر شي.

د انګولا ټولني گڼ مليتونه جوړښت او د انسان پيژندنې ملي موزيم کلکسونونه.

د ازادی په کلونو کې د هېواد د سياسي
پيژندګلوی په هکله سندونه چې د آزادی غوښتونکی
خلقی جنبش (MPLA) له خوا طرح شوی پدغه هېواد
کې د مختلفو کلتورونو شتون تاييده وي. ددغه
حقيقت بنسټ همغه ژبنيز ځانګړتياوی دی چې د
انګولا د مليت په پيوستون کې د هريوی ډلی کلتوری
ځانګړتيا جوړوي. له همدی امله، د انګولا لمړنی
جمهور رئیس انتونیو اګستينو نیتو چې دخپل نوی
ازاد شوی هېواد د کلتوری پيچلتيا څخه خبر ؤ، له
پيله پدغه برخه کې خبرداری ورکړی ؤ، چې د زمانی د
سياسی تعبیر کیسه اسانه ده ولی د انګولا دپخوانی
عامو مليتونو په مفکورو کې اغیزه کول خورا سخته
کار دي.

دغه خبرتيا، د کلتوری هماهنگی اژانسونو او
کلتوری کارکونکو لکه موزيمونو ته دا ځواک بښي
ترڅو د انګولا د ملت داغيزمن معنوی زده کړی لپاره
بښوونيز کلتوری او وطنپالنې پروگرامونه رامنځه
کړي. دغه پروگرام بايد د ملی يووالی او دهغی د ټولو
خواوو سره په نظر کې نيول شوی وي. دا د فعاليتونو
هغه برخه دی چې د انګولا د خلکو د يووالی تاداوی
کيښود چې د خپلواکي لپاره پر بنسټيزو اصولو او
دهغه ملت د غوښتنی د دوهم ځل بيان باندی
ټينګار کاوه کوم چې دخپل حاکمیت د ساتنی په موخه

د انګولا په شان په گڼ مليتيزه هېوادونو کې په
ټولنيز جوړښت کې بی اتفاقی د ویني بهونکی
زورزیاتي د رامنځ ته کیدو او زیاتي کرکی سبب شو
چې وروسته د خلکو په پرگنو کې ځای ونيوه. د هېواد
هر یوه اوسیدونکی چې په جگړو کې برخه درلود دیو
دوه گونی زورزیاتي سره مخ شو: لومړی په زورزیاتي
اعمالو کې له قصدی وژنوسره دهغی گډون او دوهم
دهغی په کړو وړو کې بدلون هغه دی ته اړ کړ چې د
خپلی ټولنی په هغه برخو کې ژوند وکړی چېری چې
ښه کړه وړه نا مناسبه بریښي.

په حقيقت کې د جگړی هغه حالت چې انګولا
ورسره مخ شو یوه کړکيچن حالت را منځ ته کړ چې د
ټولنی ټولنيز جوړښت یی ويجاړ کړ. دا د جگړی هغه
حالت دی چې میشل ادم هغه د (دټولنی ضد حالت)،
بللي، یعنی هغه حالت چې د کورنی کړکيچ او بدلون
لوری ته د خوځښت څخه پیدا کيږي. د دغه وسله
والی جگړی او د هغی نتیجی غواړی چې د هريو
گډون کونکی خوا غړو په دله ايزه یا سازمانی یا
سياسی او ټولنيز او یا کلتوری توگه دسولی د راتلو
لپاره نه سترې کیدونکی هلی ځلی وکړي.

د نورو مرکزونو تر څنګ د انسان پيژندنی ملی
موزيم د زورزیاتي نه پرته د شرایطو د برابرولو په
غرض او د هريو په پیل یی چې د انګولا ټولنه دسولی
خواته لارښوونه وکړی لازمی چاری ترسره کړي. نشو
کولای سوله پخپله یواځی د وسلی چوپتيا او یا د
سولی یو تړون کوم چې د سولی په لاره کې یو
سرنوشت جوړونکی قدم دی تعریف کړو. د پرتګال د
الور څخه نیولی د زمبیا تر لوساکا پوری د سولی
تړونونه ددغه حقيقت ښکارندوی دی چې سوله داسی
یوه پروسه ده چې هغه څوک پدغه پروسه کې گډون
کړی چې بايد د زورزیاتي د عملونو د غیر ضروری
ځانګړتياوو څخه خبر وی او دغه شان عملونه ورتي.

یو موزیم دي. پدغه ځای کې زموږ سلوک د ۲۸ کلنۍ جگړې مستقیمې نتیجې چې مادی زیربنايي ویجاړ او د ټولنو کلتوري، بشري، معنوي او مادی منابع یې لوټ کړ تر څېړنې لاندې نه نیسي. امکان لری چې دانسان پیژندنې ملی موزیم هیڅکله د تاریخي ودانیو قرباني، تباهی یا وړانۍ کوم چې د کورنی جگړو په بهیر کې د چور او چپاول په نتیجه کې رامنځ ته شوي، او د وسله والو نښتو په وخت کې د واکمنانو د شتمنیو په ساتنه کې هیڅ راز برخه نه وی اخیستي. چې امکان لری دغه حالت پدغه برخه کې حقوقی قوانینو ته رسیدنه وغواړي. پدغه لیکنه کې زموږ فکر دښوونې او روزنې له نظره د موزیم د کلتور پیژندنې د کلکسیونونو د محتویاتو د برسيره کولو لوری ته د پیوستون او ټولنیز مساوات لوری ده چه د هغی د گڼ ملیتیزې ټولنیز جوړښت، د کورنی جگړې، او د زورزیاتې د عکس العملونو پواسطه تهدید شوی ؤ لوری نیسي. د انسان پیژندنې ملی موزیم له کانگو، کمیندو او اومیندو له هغو سیمو څخه چې وروستی سیاسی تاریخ د هغی په پولونو پوری مربوط بلل کیږی د آثارو یو غنی کلکسیون لري. برسيره پردغه کلکسیونونو دا موزیم د انگولا د جغرافیایي کلتور د زیاتره میراثونو او د نشوکوی، نیانیکا، امبو او پریرو او د انگولا د مختلفو ډلو استازیتوب کوی. موږ کولی شو دغه حقیقت تصدیق کړو چې د کمبندو په سیمه کې د انگولا د پلازمینې لواندا کلتوري جغرافیایي موقعیت او د خلکو ځای پر ځای کیدو ته په پاملرنه او د هغوی حرکت د هېواد له بیلابیلو سیمو څخه د پلازمینې په لور، لواندا پداسی یو ځای بدل کړی چې ټول ملی ډلی په هغه کې سره ټول شويدي. دغه حقیقت د لواندا د ښار د بیلابیلو خلکو د یو والی د خصوصیت څرگندوی دي.

قربانی ورکړی ؤ تاداویي ایښودل شوی ؤ. کلتوري تحلیل ددغو نندارو د پیغام له لیاری د خلکو د خبرولو، د هېواد د تاریخ د وروستی برخې او استقلال څخه او د ملی یووالی د مانوي زده کړې لپاره د کوښښونو پواسطه خلکو ته ولیږدول شو. پدی توگه موږ موزیمونو په دایمی نندارو، د مختلفو عنعنوی ټولنو د سیاسی نمایندگیو د مرکزونو، دهغوی ټولنیز، اقتصادی او کلتوري فعالیتونه د هغوی د ټولنیز سنتونو، رواجونو او مذهبی ریښو سره پیژندنه پیدا کړي.

د بانټو د کلتوري بنیاد د ننداری پیام چې کانگو، تشکوي، امبوندو، اومباندو، نیانکی، امبو، هیریو او د نگانگولا خلکو (مبولا، لومپی، نایمبا او نور) او د خویسان ډلی چې د هغی یو ځای کیدل غوښتي، هغه دوه کورنی چې عمده ژبپوهنی سره یو ځای کوی ښيي. دا ننداره د یو والی او پیوستون پیام لیږدوی او کلتوري خندونه له منځه وړي. پدغه بیان سره چې د هغوی د یو ځای کیدو لامل گرځی د هغو فکتورونو په پرتله چې هغوی له یو بله بیلوی خورا زیات دي. ننداره خلکو ته ښيي چې د خلکو د پیرگنو د کلتوري جغرافیایي ویش سره سره د خلکو د پیژندنې د ډلو او دهغوی کلتوري ریښې ددغو ډلو ترمنځ د پولونو په پرتله خورا غښتلی دي. ددغه پیام موخه دا ؤ ترڅو ټول خلک له اختلافاتو او منطقه پرستی څخه خلاص کړی او هغوی د یو نوی آزاد اوله هره خوا څخه د یو واحد انگولا جوړولو ته تیار کړي.

د خلکو په ښوونه او روزنه کې د انسان پیژندنې د ملی موزیم رول

د انسان پیژندنې ملی موزیم چې زموږ د څېړنې موضوع دی د انگولا د پلازمینې لواندا په ښار کې

دغه پیغامونه چې عوامو لپاره د خبرتیا او
ښوونې لپاره یو لړمادی او ښوونکی شیان له ځانه سره
لری ، دغه مرکزونه د ټولنی د ټولو پرگنو لپاره په
پیژندل شوی ښوونځیو بدلوي. دغه ښوونځی د
نارینوو، ښځو او ماشومانو په گډون د عمر، جنس
اویا د زده کړی اندازی ته د پاملرنی نه پرته د ټولو
خلکو پر مخ پرانستی دي. دوی د ژوند د ښوونځی
بنسټونه دي.

هغه پیغام چې د کلکسیونو د آثارو له لوستلو او
د ټولنیز- کلتوری ډلوله پیل څخه تر لاسه کیرې،
پدغو ټولنوکی د فلسفی او د ټولنیز- کلتوری قوانینو
د منابعو محصول دي. د خلکو ټولنی دغه پیغامونه
په اسانی سره تشخیص او د خپلو سوکالیو په غرض
یی پکاروی ځکه چې دوی د هغو سبقونو برخی دی
چې یوه با ثباته ټولنه یی منځ ته راوړي. له همدی
کبله، په موزیمونو کی د خلکو ښوونه او روزنه د
جگړی په دوران کی د موزیمونو له خورا غوره دندو
څخه شمیرل کیده ترڅو د ټولو اختلافونو سره بیا هم د
انگولا د ټولنی د انسجام په برخه کی ډاډ تر لاسه کړي.
دلواندا د انسان پیژندنی په ملی موزیم کی،
دهغی د منډمهالی نندارتونونو په پلان کی د
یووالی، صبر، د اختلافاتو منل او د هغه هېواد د
بیلابیلو پرگنو د خلکو ترمنځ د خبرو اترو د فضا د را
منځ ته کولو لپاره د پیغام لیردونه دي.

دغه پلان چې په کال ۱۳۵۵ هجری لمیز
(۱۹۷۲م) کی د کورنی جگړی په شرایطو کی پیل شو،
یوازی د سولی د کلتور غوښتنو ته ځواب ویلای
شول. هغه پیغام چې د موزیم له درسونو څخه
خرگندیري، د نندارتونونو له آثارو څخه تر لاسه کیدل.
دغه پیغام په عمومی توگه د انگولا د خلکو په ښوونه
او روزنه کی د انسان پیژندنی د ملی موزیم بریالی
گډون دي.

د انسان پیژندنی د ملی موزیم نندارتونونه او په اختلاف کی د یووالی پیغام

دایو حقیقت دی چې موزیم یوی ټولنی ته د
استازیتوب لاره برابروی ځکه چې موزیم کولای شی
هغه ارزښتونه چې غواړی د هغی ټولنی د عامو خلکو
او یا ټولو اوسیدونکو د زده کړی او روزنی د برجسته
کولو لپاره وکاروی خرگند کړي. د خلکو د ښوونی او
روزنی په هکله تاریخی آثار د هغو خلکو پواسطه چې
په هغو کی موجود ارزښتونه سره شریک کیرې تر
څېړنې لاندې نیول کیرې. موزیمونه کلتوری مرکزونه
دی چې د خلکو په ښوونه او روزنه کی ارزښناکه رول
لري، او لکه چې او مرکوناری د ICOM رئیس په
کال ۱۳۷۱ هجری ش ۱۹۹۲م) کی پخپل وینا کی
وویل، موزیمونه دری اساسی کارونه ترسره کوی:
دهغو مجموعو ساتنه چې په هغو کی موجودی وي،
دلیدونکو عمومی ننداری ته ددغو آثارو ایښودل، او
په سیمیزه کچه د هغو خلکو لپاره چې د موزیمونو په
گاؤنډ کی ژوند کوی د کلتوری خدمتونو برابرول. د
موزیمونو د خورا غوره ځانگړی تیاوو څخه یوه م
موزیمونو د کلکسیونونو د پیغامونو د لیردولو
طریقه ده.

د ۱۳۲۹ هجری ش (۱۹۹۰م) په لسیزه کی هر کال
یو یا دوه لنډمهالی نندارتونونه د خویسان، اومبندو
او نگانگونلا د ډلو د مشخص والی په اړه د تاریخی-
کلتوری اړیکو د پیاوړتیا په موخه چې د انگولا
د خلکو تر منځ شته په لاره اچول شوی ؤ. یو لست او
یو لړزیات کلتوری فعالیتونه د پراخ کلتوری
معلوماتو د خپریدو په برخه کی د ډاډ د تر لاسه کولو
په غرض ددغی نندارتونو سره یو ځای تر سره کیدل.

معنوی ښوونه اود لازمو شرایطو په توگه دملی
یووالي د تامین لپاره د اختلاف په شرایطو کی د نا
برابریو د شتون سره سره د نورو په منلو او دسولی په
کلتور کی ارزښناکه برخه درلود.

یادښترنه

۱. کانگو هغه نوم دي چې د پورتاگوست مقامونو د انگولا د
شمالي برخو د تعیینولو لپاره چې د کانگو په مخکیني قلمروو
پورې ئې اړه درلوده ترینه گټه پورته کیده. د نومړي برخي
مستعمري په مهال نوموړي برخه د شمالي کانگو په نامه سره
پاتي ده.

دانگولا دولت د انگولا د د شورشیانو د جنبش
پرضد د خاوری د بشپړتیا د دفاع په هڅو کی د
گډون په غرض یو شمیر ملیشی یی ددغه هېواد په
ملی پوځ کی ځای پرځای کړ. داسی گمان کیږی چې
دغه شورشیانو د سرې جگړې په مهال له
امپریالیستی ډلو څخه جوړشوی ؤ چې د واک د
ترلاسه کول په غرض د نورو هلوځلو تر څنګ په
چریکی ډلو کی د ملکی خلکو او نوی ځوانانو گمارل
ؤ. د جگړو مارو په کمپونو کی د ملکی اوسیدونکی
ځای پرځای کول د انگولا جگړه ته یی په یو کورنی
جگړه بدلون ورکړ او دغه گڼ ملیتی ټولنه یی د له
منځه تلو کندی ته برابر کړ.

نتیجه اخیستل

د نتیجی د اخیستو په توگه ویلای شو چې د
خطرونو سره سره چې د انگولا گڼ ملیتی ټولنه
تهدیدوی د کلتور پیژندنی ملی موزیم په فوق العاده
توگه هلی ځلی کړی ترڅو د خپل نندارتونونو د
پیغامونو څخه په گټه اخیستنی سره دهغه هېواد د
خلکو لپاره د کلتوری زده کړی امکانات برابر کړي.
دایمی نندارتونونه چې د ملیتونو ټولنیز، سیاسي،
اقتصادی او کلتوری ژوند یی په دقیقه توگه سره
تړلي، هغو ته دا واکمني وربښي چې سره زیاته
پیژندنه پیدا او د خپل هېواد د خورا لوی کلتوری
سرچینو په برخه کی زیات خبرتیا ترلاسه کړي.

ځایی او منډمهالی نندارتونونه د زده کړی د
موادو څخه د سیمیزی پیژندنی د تمرکز په توگه گټه
اخلی او له هغی سره جوخت ددی لپاره چې باید
مختلف خلک سره یوځای کړی د سره یو شان
عناصرو په لټه کی شوي. د انسان پیژندنی د ملی
موزیم دغه فعالیتونه د صبر او حوصلی د کلتور په

د تېمور بحیرې په سیمې کې د «ساتنخایونو»

لپاره رول

د جېمز بېنټ لیکنه

جېمز بېنټ په استرالیا کې د شمالي قلمرو (د اروین NT) د هنر په موزیم او ګالری کې د سهیل ختیځې آسیا د هنر او فرهنګي آثارو د برخې متصدي دی.

د اومافو کن (۱) د فرهنګي مرکز جوړېدل د تر ټولو نوی عامه موزیم په توګه چې ټاکل شوی دی د استرالیا په آسیایي سیمې کې جوړ شي. هغه وړانګې جبرانوي چې په ۱۳۷۸ هجري ش (۱۹۹۹م) کال کې د تېمور لوروسیا (Timor Lorosea) ملت د جوړونې په بهیر کې د ختیځ تېمور (۲) په موزیم کې پېښې شوې وې هغه پروګرامونه چې دې نوي موزیم ته په پام کې نیول شوي دي په یو سیمه ییز اړخ کې له یو شمېر ورته بنسټونو سره، د شمالي استرالیا او ختیځې اندونېزیا په ګاونډ کې، په لاره اچول کېږي. په اندونېزیا کې په دې کار کې د ټینګار ایالت موزیم په ختیځ توسای کې، د کویانګ ولایت پلازمینې کې (لوېدیځ تېمور). د لوېدیځ توسای ټنګارا موزیم په (لومبوک) کې او د سیمو الیما موزیم په امبول (مالوکا) کې، راګډ دی. په شمالي استرالیا کې په داروین کې (شمالي قلمرو) د شمالي قلمرو د هنر موزیم او ګالری او همدا راز د لرې پرتو سیمو ټولنو پورې اړوند موزیمونه دي.

د دې درې هېوادونو پولې د تېمور سمندر ګوتي د اوبو چارپېر چې له زرکیلو مترو نه لږه سیمه را بېلوي، سره یوځای کېږي. ختیځه اندونېزیا او شمالي استرالیا، د ملي پلازمینو له نظره یانې جاکارتا او کانبیرا د تل لپاره د لرې پرتو سیمو په توګه ګڼل شوي دي او یواځې د کرکېچونو او ناخوالو پر مهال لکه هغه کرکېچ کې د ختیځ تېمور د رامنځته کېدو لامل شو، ورته پام کېږي.

د تېمور بحیرې په دواړو خواوو کې دا ټولنو په بې ساري ډول خپل بنسټیز ارزښتونه چې د وخت له پلوه له تاریخ نه د مخه وخت پورې اړه لري، څرگندوي. دا ارزښتونه د شخصي ژوند او ټولني ټولو اړخونو ته خپاره شوي دي، بیانېږي. په دواړو سیمو کې یانې په ختیځې اندونېزیا کې مجمع الجزایر او شمالي استرالیا، بومي خلک ډېر ځان باورللو ادعا چې د فرهنګي شتمنیو د حقونو او میراثي ادارې اړوند دی، کوي. تر یوه بریده، د ختیځ تېمور د خپلواکۍ اعلان او ورپسې بیا د ملي فرهنګي مرکز منځته راتلل، بنایي د یوې څرګندې بېلګې په توګه چې په یوې پراخې فضا کې د دې ښکارندې څرګندويې کوي، وپېژندل شي.

د ختیځې اندونېزیا په ګاونډیو ولایتونو کې په (۱۳۷۷) هجري لمیز (۱۹۹۸م) کال کې د نوي نظم د دورې له پای ته په داسې حال کې چې پرله پسې ژمنتیا یې ملي یووالي ته تامینوله. سیمه ییزه خپلواکي (۵) (Otonomi daerah) د اندونېزیا ټولني ټول اړخونه اغېزمن کړي، خو وروستنی ټاکلې اغېزې د نړي پر دې برخې چې اوس یې هم خپل ټولنیز هویت له خپلو پلرنیو دودونو سره په اړیکه کې ساتلي، لري. ولایتي فرهنګي بنسټونه ډېره اړتیا دې ته لري، چې خپلې اړیکې د سیمه ییزې ټولني له غوښتنو او د حکومت له پالیسي سره چې په ملي کچه برابره شوي دي، وټاکي. د ختیځې اندونېزیا موزیمونه د داسې رول په هڅه کې دي چې د سیمه ییز پر مختګ په برخه کې د پانګوالۍ لپاره له نورو سیمه ییزو بنسټونو لکه ګرځندوی او ښوونې او روزنې سره سیالي وکړي. په همدې حال کې د نادولتي سازمانونو پراختیا (Lembaga swadaya masyara kat) لکه د دودیزو صنایعو د کوپراتیف مرسته کوونکې ډلې، له ګټو نه خبرېدل د فرهنګي او قومي دودونو په لوړولو کې د وګړنیزې خپلواکۍ د یوې وسیلې په توګه د ټولنیز

اندونېزیا او استرالیا په بنایي لکه ګاونډیانو غوندې وو، خو لکه چې چارلز مکنایت (تاریخپوه) تبصره کوي، ډېر خلک د دې وړاندې د ټوټې په بل سر کې اوسېږي. (۳).

تاریخي ټاکنه

په همدې حال کې دا ځای، د ختیځ تېمور په ګډون، یو ګډ دریځ د بې شمېره فطري فرهنګونو په ځواک او رنگینۍ کې له هغو توپيرونو سره سره چې د استرالیا د تاریخي لویې وچې د انزوا او د نړیوالو اړیکو د اوږدې تجربې په مجمع الجزایر کې د دختیزې اندونېزیا په ګاونډ کې دي، سره راګډ وي. پېژندنه «لومړني ملیت» د استرالیا د اصلي خلکو د اندونېزیا د فرهنګي کثرت ګرایی نه په یوه بېل چاپېریال کې چې سیدیا واتي (Sedyawati ۴) هغه د لږه کې او ډېرکي د ضدیت مخنیوی ګڼي، توضیح کوي.

خو د دې دوه سیمو بومي خلک نن له ورته چلنجونو سره مخامخ کېږي، تر څو میراثي بېساري فرهنګي دودونه وساتي او پراختیا ورکړي.

په ختیځې اندونېزیا کې او ختیځ تېمور کې ډېرې توکمیزې ډلې له بېلو هویتونو سره لکه سمبانیز، لوی، اتوني او تیمم په اوسمهالي ټولني کې د کارنده حضور په لرلو او له پخوانیو یرغلونو سره په مقاومت لکه د اروپایي ښکېلاک ځواک، د اسلام او عیسویت سیمه ایزې ژبې لکه تیولي، یولنگو، کندجي مي او نورې د سپین پوستو د یرغل له تباه کېدو وروسته، د مذهبي کړنو له وروستیو اغېزو سره، د کانو، صنایعو او کښیسي فعالیتونو سره ژوندۍ پاتې شوې. په دې وروستیو کې بومي خلک د شمالي قلمرو نژدې ۳۰% جوړوي او هغوی په زیاتېدونکي ډول ټولنیز او اقتصادي عدالت ته د خپلو حقونو مدعیان شوي دي.

لکه (په جاکار تا کې) د هالنډیانو لخوا جوړ شوی ملي موزیم او (په یوگیا کار تا کې) ستونو بودیو موزیم د اندونېزیا موزیم پرمختګ په وینا د اګست په (۱۸) د خپلواکۍ له اعلان د اګست (۱۷) نه یوه ورځ وروسته منځته راغی. لکه چې ایو تبصره وکړه «موږ داسې فرهنگ لاره چې یوه سیاسي ادعا وه، له انتظار نه لرې، د اچه تپانولي، امبول، جاوا فرهنگونه ټول اندونېزیا یې (۸) وو.»

دولتي موزیمونه وروسته دوه موضوعاتو ته ځیر شول یانې فرهنگي تاریخ او تنوع. د نوي نظم د وروستۍ دورې په بهیر کې کلکسیونونو سیمه ییز نوسانونه او مادي فرهنگي ورته والي د عامه پوهاوي د لوړتیا په موخه د اندونېزیا د فرهنگ په هکله د یوه یووالي په توګه چې د هغه په تنوع (۹) کې ثبت کړل.

په اوس وخت کې، نورې او سمهالې موضوع ګانې د دې طریقې ځای نیسي.

له پراخه اړیکو سره سره یې په دې وروستیو کې ښکاره دي، چې کله د ختیځ تېمورویانه له تبعید نه د خلاصېدو نه لږ مخکې لیکلي وو، ښکاره کړل چې قومي اختلاف د ختیځ تېمور (۱۰) د نوي ملت د ملي فرهنگ د هویت لپاره بنسټ دی.

د همداسې نظر له مخې، په وروستیو لسيزو کې د اندونېزیا د عامه موزیمونه کلکسیونونه په مالوګو (۱۳۵۲) هجري لمییز (۱۹۷۳م)، لوېدیځ نوساتنگاري ۱۳۲۱ هجري لمییز (۱۹۸۲م)، ختیځ نوساتنگاري ۱۳۷۰ هجري (۱۹۹۱م) او د پخواني ختیځ تېمور په ولایت ۱۳۷۴ هجري لمییز (۱۹۸۲م)، ختیځ نوساتنگاري ۱۳۷۰ هجري لمییز (۱۹۹۱م) او د پخواني ختیځ تېمور په ولایت ۱۳۷۴ هجري لمییز (۱۹۹۵م) کې جوړ شول. د دلې بنسټ دا کلکسیون «د موزیم سا (۱۱)» په توګه وګڼه. لومړی تصمیم پر انسان پېژندنې، تاریخ او لرغونپوهنې پر تمرکز سره هغې مقابلې ته اړتیا

او اقتصادي پرمختګ له لارې، څرګندوی. په شمالي استرالیا کې د تېمور بحیرې د اوبو په اوږدو کې، د ځمکې د حقونو خوځښت چې په (۱۳۴۹) هجري لمییز (۱۹۷۰م) کال کې په جدیت پیل شو، بومیانو ته د خپلواکۍ د رول د ګټلو په ماناو. چې یوه پایله یې د فرهنگي بیا رغاونې یوه هیښوونکې بېلګه په ځانګړي ډول په بصري او صنعتي هنرونو کې دي. د دې سیمې بومیانو خپل اصیل دریځ د پلرني ټاټوبي د دودیزو خاوندانو په توګه د بهرنیو سپین پوستو یوې ډلې ته او د اقتصادي پرمختګ لپاره د وسیلې د موندلو په توګه، لېږدوي. پرتولني ډاډه هنري کوپراتیفونه د بومیانو د فرهنگي شتمنۍ د حقونو د لوړتیا لپاره مهمه وسیله شوه او د استرالیا د هنر او فرهنگ ټولې برخې یې د موزیم د نړۍ (۲) په ګډون اغېزمنې کړې دي. په وروستیو لسيزو کې، موزیمونه د بومیانو لخوا د فرهنگي پایښت (۷) لپاره د جګړې د ډګرونو په توګه پېژندل شوي دي. موزیمونه د اسیایي استرالیا په سیمې کې اوږد تاریخ لري. د اندونېزیا د ملي موزیم بنسټ په (۱۳۵۷) هجري لمییز (۱۷۷۸م) کال کې د بایتوا د هنرونو او علومو د ټولني په توګه کېښودل شو. په (۱۲۹۳) هجري لمییز (۱۹۱۴م) کال کې د ختیځ هند هالنډي حکومت یو کمېسیون وټاکه تر څو یوه څېړنیزه مطالعه په بالي کې د یوه نوي موزیم د جوړېدو لپاره وکړي. لاسته راغلي رپوټ په وړاندیز کې دا بنسټ تر (یوځای د هغه او دغه مړه کلکسیون لپاره) ډېر څه ونه ګاڼه، یانې یو پر مختللي تفسیري مرکز له تبادلوي، ارتباطي نندارتونونو سره. له دې سره سره هغه د انسان پېژندنې کلکسیونونه چې د ښکېلاک په دورې کې جوړ شوي وو. د اصلي فرهنگ په خارق العاده حتمي نابودۍ نه د ژغورنې لپاره یا د هغوی د عادي مسیر د پیل د ټکي په توګه د پرمختګ په لور مرسته کوي. کلکسیونونه

پر بنسټ چې ټکنالوژي د هغې له پېچلې رېسټینې ورځنۍ گټې اخیستنې نه را بېلېږي، بنا شوې وه. د بومي رپوټ ورکونکو د فکري شتمنۍ حقونو ته لږ درناوی موجود و. آثار له انکار نه منونکي اړیکې پرته، په یادگارونو بدل شول. د هغوی تعریفونه د «میراث» په بڼې، د شمالي استرالیا او ختیځې اندونېزیا په فرهنگونو کې د هغوی د اوسمهالي ارزښت د درک پر بنسټ د هغوی مفهوم گډوډوي.

اروپایي غیرعادي سريزې دي، چې آثار په بې روحه ډول په موزیمونو کې نفوذ کوي؛ په داسې حال کې چې په ډېرو فرهنگونو کې - د هغو په گډون چې دلته تر بحث لاندې دي - د حقیقت نور درکونه په رېسټینو شیانو (۱۷) پورې تړلي دي.

د کلکسیون پالیسي چې د سیمه ایزو فرهنگي ملاحظاتو په واسطې د نندارې یو بېخي بېله لاره هغه څه ته چې په موزیم کې د فرهنگپوهنې د مواردو په وړاندې کولو سره چې د هغو بېلگو ترڅنګ چې بې سا او بې روحه د طبیعي علومو اړوند ترهماغه چټ لاندې موجودې وي؛ وړاندې کوي. ځکه دا د دې سیمو هماغه بومي خلک دي، د تېمور بحیرې له غاړو نه جوړې شوې سیمې، چې د عامه کلکسیونونو د ډېرې برخې د مالکیت ونډه لرونکي دي. د دودیزې فکري پوهې د ساتونکو په توګه، دوی په بڼې طریقې د هغې مصنوعي کرښې له منځه وړلو ته تیار خلک دي، چې ډېر ځله د ساتونکو کار پوهانو او مفسرینو په واسطې د عامو خلکو او ننداره کوونکو د اخیستنې (برداشت) په منځ کې د یوه اثر په هکله کښل کېږي.

د بتانو د یوې بې ساري ټولګې پایښت په دیلي کې د ختیځ تېمور په دولتي موزیم کې ۱۳۷۸ هجري لمیز (۱۹۹۹م) کال وړانښته وروسته هغه پېچلتیاوې چې د موزیمونو پسر وړاندې د کلکسیونونو په وړاندې کولو کې په داسې طریقې

دي، چې په نه اټکلېدونکې چټکتیا سره د فرهنگي میراثونو د نابودېدو لپاره د ژوند پوهنې (۱۲) د لارو د تفسیر په واسطې لار هواروي. په نظر کې وو چې د پالیسي د اثارو ساتنې ته کوم چې د لیرد وړ دي د ولایت (۱۳) نه د بهرینو د مخنیوي لپاره وکارول شي. د سیمې ټول موزیمونه د دې موخې په گډون وړاندې دي.

نوي چلنجونه

سره له دې چې، لکه څنګه چې مکلیر (۱۴) اشاره کوي، په اندونېزیا، ختیځ تېمور او استرالیا کې بوميان له پیل نه له موزیمونو سره په کړکېچ کې وو، په دې درېو اړو هېوادونو کې د تپل شویو بریدونو په پایله کې لکه اروپایي مذهبي او پوځي کړنې، د لټونې سروی گانې او د جبري تحلیلي تلقین پالیسي گانې، د فرهنگ پېژندنې لومړني کلکسیونونه لاسته راغلل. د باتاویا د هنرونو او علومو ټولني د (۱۲۲۹) هجري لمیز (۱۸۴۸م) کال په یوه رپوټ کې د اثارو کلکسیون د بېلګې په ډول د هالنډ د ځواکونو (۱۵) لخوا د بلولینګ مانۍ د تالان په بهیر کې، یاد کړ. په شمالي استرالیا کې د نولسمې پېړۍ او د شلمې پېړۍ د پیل علمي موندنو، لکه په ۱۲۸۵ هجري لمیز (۱۹۰۲م) کال کې د هرمن کلاتز لخوا د ملویلي ټاپولیدنې، د منظمو فعالیتونو په گډون لکه د هریروغلا او د بومیانو (۱۲) سپېڅلو ځایونو ته د سپکاوي لار هواره کړه.

څېړنیزې موخې چې د بهرني اروپایي ښکېلاک له لرلید نه را پېژندل کېږي، د فرهنگي اثارو د ډېرو کلکسیونونو لپاره مهمې انگیزې دي، چې په دې سیمه کې د موزیمونو پر کار د پراخې او پېچلې اغېزې دوام وو. د انسان پېژندنې نوې پوهه له تکاملي انگیزو سره د هغه مهال د اثارو د مطالعې

لپاره چې کله نا کله د سلگونو کلونو په اوږدو کې له یوه نسله بل ته رسېږي ترې کار اخیستل کېږي. په ښکاره به ښایي داسې وگڼل شي، چې د دې عبادتخایونو موخې د هغو موزیمونو موخو سره چې په لوېدیځې برخې کې جوړې شوي دي یو شان دي. دا خایونه هغه سیمې دي چې ارزښتمن شیان یې ساتل او میراثي کیسې ورته یادې دي. خو، د دې نیکنیو میراثونو ملکیت چې د یو ساکا په نوم یاد شوي او د دې عبادتخای په څلورو دېوالونو کې ساتل کېږي، گډ پېژندل شوي او د دې شتمنیو لېږد پر دیو ته، لکه د هنري اثارو په سوداګرو یې پلورنه، د تل لپاره د دې پراخو کورنیو د غړو ترمنځ د سختو نښتو او وړانیو د منځته راتللو لامل ګرځي. هر کله چې دغه جوړ شوي شیان د ملکیت او گټې اخیستنې له کړې نه راوځي او په یوه موزیم کې راغونډېږي، د بل چا میراث گڼل کېږي. د دې شیانو ساتنه ډېره ځله له هغو کسانو چې دا آثار په هغوی پورې اړه لري د اختیار په اخیستلو تمامېږي. لکه چې مکلید څرگنده کړې دي، د موزیمونو د اثارو خایونه په تېر وخت کې ټاکي او هغه له اوس نه بېلوي خو اصلي فرهنګونه ډېر ارزښت د تېر او اوس مهال ترمنځ نښلونې ته او د هغوی همېشني حضور ته په اوسنۍ ټولنې (۱۹) کې، قایل دي.

د ختیځ تېمور د خلکو پرېکړه د دلي د نوي فرهنګي مرکزونو موندنې په هکله، د ملي موزیم په گډون، د اوما فوکن (Uma fukan) (په تیتم ژبه کې د لیدنې د خای په مانا) په نوم، نه د اوما لولیک (Uma lulik) یانې میراثي عبادتخای) په نوم، د دې هیلې ښکارندوی دی، چې دا سیمه به په داسې خای بدله شي چې خلک په پکې د یوې غونډې (۲۰) د جوړولو لپاره راټولېږي. میراثي عبادتخای چې له تشریفاتو اړخه ډېر پیاوړی دی، د یوې خزانې په توګه د گډ او مذهبي میراث، د پرله پسې ارزښتونو پورې تړلې بڼه، عمر، جنس او قومي درېځ چې د تشریفاتو

چې د خاوندانو او دودیزو جوړوونکو (۱۸) موخې څرګندې کړي؛ را برسېره کوي. رپوټ ورکړ شوی، چې وروسته له دې چې دا بوتان په ناقانونه توګه د بوبونارو د غرونو په سیمې کې له سپېڅلو خایونو نه راووبستل شول او د څرخلاو پلان یې د ناتار ځپلي ولایت ته د باندې خنځی شو؛ د ختیځ تېمور دولتي موزیم ته وسپارل شول. د موزیم د یو زیات شمېر کلکسیونونو له ورکېدو سره سره او پاتې کلکسیونونو ته یې د ښکاره او قصدي زیانونو له رسېدو سره، د لرګي توبل شوي ارزښتمنې مجسمې د ژغورنې د عملیاتو پرمهال، د دلي خبریالانو داسې نظر څرګند کړ، چې ښایي لوټمارو له وېرې نه هغه میراثي مجسمې چې داسې عقیده موجوده وه، چې ګواکې هغوی د جادويي ځواک لرونکي دي، بهرنه دي وېستلي. دا نظریې آن تر هغه وخته چې دا مجسمې له خپلو خایونو نه د دې لپاره چې د موزیم د کلسیونونو یوه برخه جوړه کړي، بې ځایه او بهر کړای شوي، هم موجودې وې. د مجسمو پایښت د دې خبرې یادوونکي دي، چې لږ شوني دي چې داسې وخت راشي چې یو تاریخي اثر خپل مذهبي ارزښت له لاسه ورکړي او په پایله کې یې نامذهبي نندارې ته د یوه عادي شي په توګه بدل شي.

موزیمونه په ټوله سیمه کې داسې ورته اثار لري، چې د اروپایي تاریخي منطق او نړۍ لیدنې او یا ښکلا پېژندنې په معیارونو د نندارتونونو نندارې کې په ستونزو راتللی شي. میراثي مجسمې لکه د بوبونارو مجسمې، په لږو تشریفاتو خایونو کې لکه هدیرې یا په مذهبي میراثي خایونو کې چې د اوما لولیک (Uma lulik) په نوم (تیتمي ژبه) یادېږي، جوړ شوي دي. د دې جوړښتونو سیمه ایز ډولونه د ختیځې اندونېزیا د مجمع الجزایر په کلیوالو ټولنو کې شته دي. د موریتې عبادتخای برسېره پر دې چې د مذهبي چارو لپاره د یو خای په توګه ترې کار اخیستل کېده، د نیکونو د یادگارونو د ساتنې

طبیعی لري پرتو ځایونو کې، لکه د کازو پناه ځایونه، ساتل کېدل. د اصلي فرهنگ لپاره، د ختیځې اندونیزیا د مجمع الجزایر د کلیوالو ټولنو په څېر، سپېڅلو میراثي یادگارونو ته د نه رسېدو کار چې د موزیمونو د کلکسیونونو سره په مخامخ تضاد کې دي، د خلکو د نېکمرغۍ لپاره یې ساتنه کېږي. هغه چپلنج چې د والپیرې هستوګن او نور خلک وروسره مخامخ دي، په مناسب ډول د داسې سپېڅلو آثارو ساتنه ده، په داسې حال کې چې هغه له منځه تللو هم وساتي، ښکاره یو شانوالی د ختیځې اندونیزیا له حال سره لري. د یادګاري موروثاتو غلاد میراثي مجسمو، پخوانیو سوداګریزو منسوجاتو، بهرنیو خټینو محصولاتو په ګډون او یا د اقتصادي فقر له کبله د دې اثارو پلورنې، د تېمور، فلورس، سمبا او نورو ټاپوګانو (۲۳) ټولني د فقر او تنګ لاسي خواته ورکاري.

په یووین دوما کې د ساتنځای له منځه راتګ نه دوه لسیزې را وروسته، په دې ټولنو کې نږدې ۳۰ ورته مرکزونه جوړ شوي دي او ۱۵ نور تر جوړېدو (۲۴) لاندې دي. وده او پرمختګ آسان نه دی او دا بنسټونه ډېر ځله د اقتصادي او اداري موضوعاتو له ستونزو سره مخامخ کېږي. خو دا ساتنځای کولای شي د یوې مثبتې فرهنگي نمونې په توګه د تېمور بحیرې په سیمې او شمالي استرالیا کې د بومیانو لپاره وازمایل شي او پراختیا ومومي. جنکنز ساتنځای داسې تعریفوي چې دا ځای د ځانګړو، ارزښتمنو، معتبرو سپېڅلو او ساتل شویو او نومیالیو (۲۵) موخو لرونکي وي. دا کار ټولنو ته واک ورکوي، چې د خپلو تاریخونو وړاندې کولو کې په موجودو شرایطو کې بحث وکړي. ټلوني پورې د ساتنځای د تر او ځانګړتیا، ساتنځای پردې توانوي چې د ځای خلکو د پام مرکزي ټکي د فرهنگي آثارو کلکسیونونو او یوشمېر ګډو

په مرموزې ژبې کې ورته ځای ورکړل شوی، بیانوي. د وګړنیزې فرهنگي خپلواکۍ د موکراتیک ارمانونو بنایي دودیزو طریقو د تصدیق لپاره هیلې په ځان کې راوغاړې چې د ټاکلو ډلو د ګټو لپاره د اثارو د فرهنگي مالکیت دراژوندي کولو په واسطې لرغونې سیمې او عرضي قانونونه محدودوي. خو په ټوله سیمه کې د عامو هیلو بدلون په دې مفهوم دی، چې لازمه دي، چې موزیمونه په ټینګ ډول د سیمې د اصلي خلکو د هیلو پوره کوونکي وي. پر دې اساس، د بومي ټولنو د حقونو درنښتینولي لپاره د ختیځ تېمور په سیمې کې هم په دې مانا دي، چې د موزیمونو راتلونکي مسیر له پوښتنې سره مخامخ شي. دا مسیر بنایي سازمانونه د (اصیلو کلکسیونونو) له هیلو نه راوباسي او په بدل کې یې هغوی د هغوی بحث پاروونکو کیسو وړاندې کولو ته او هغو موضوعاتو ته چې هغوی یې کیسې (۲۱) کوي، لارښوونه وکړي.

راتلونکي لرليد

د استرالیا د اصلي هستوګنو او سمهالي تجربه کولای شي په سیمې کې د موزیمونو د رول د بیا ارزونې په برخه کې ارزښتمنه ونډه ولري. لوی تر او هغه بنسټ ته چې د استرالیا د بومي ټولنو د تکامل لپاره د یوه ځای په توګه موجود دی. لومړنی ساتنځای د «مردان» موزیم په نوم دوالپیري د خلکو په واسطه له مرکزي استرالیا له مرکزي استرالیا نه په یوه لري پراته کلي یو وین دوما کې د ایس اسیرنګر په شمال لوېدیځ کې په ۱۳۵۰ هجري لمیز (۱۹۷۱م) کال کې جوړ شو. دا کار په رښتیا د پام وړ دی، ځکه دا د استرالیا د اصلي هستوګنو لومړنی موزیم و، چې د پټو او سپېڅلو اثارو د ساتنې لپاره ترې کار اخیستل کېده. ځکه له اروپایانو نه په مخکې دورې کې دغه آثار په

هغوی د مرستو په خاطر د دې خپرونې په برابرولو کې مننه څرگندوي.

یادښتونه

۱- ۱۳۷۸ هجري لمريز (۱۹۹۹م) کال له وروستيو نه، یونسکو - له نړيوال بانک، په ختيځ تېمور کې د ملگرو ملتونو انتقالي اداره (UNTAET) او د پرتگال حکومت سره په ملاتړ کې - د اومو فاکن د اعادې لپاره.

په دلي کې د پرتگال د بنکېلاک دورې ډېره زړه ودانۍ چې د موزيم ځای او د ختيځ تېمور فرهنگي مرکز دی، تخنيکي مرستې برابرې کړي دي. د یونسکو نورې پروژې.

د سيمه یيزو کارپوهانو د ظرفیتونو د ودې لپاره د روزنيزو پروگرامونو دارايي او د سنتي ځايونو د بيا رغاونې، اومالولیک، د ختيځ تېمور کې د فاتولوکا په سيمې کې، په گډون د بېلابېلو په گډونوالو مالي مرستې او د استرالیا د مارلبورن پوهنتون په مرستې؛ دي.

هغه آثار چې د ختيځ تېمور له پخواني موزيم نه لاسته راغلي دي او سخت زیانونه يې ليدلي او چور شوي وو، کله چې لاسته راشي په او موفاکن کې به نندارې ته کېښودل شي. یونسکو د ملبورن پوهنتون او د استرالیا د داروین موزيم په مرسته، یو بېساري کلکسیون د (۴۷۲) اثرونو، چې د لرگيو د موروثي مجسمو په گډون د نیولیتیک د څټینو جوړښتونو ټوټې او چینایي چينې مصنوعات پکې شته، ساتلي او رغولي دي. دې ته هيله شته چې هغه د تېمور مصنوعات چې په نورو هېوادونو کې دي په نږدې راتلونکي کې به یاد شوی کلکسیون لېدای کړي.

۲- د تېمور لیستي نوی آزاد دولت (پخواني ختيځ تېمور)، ۱۳۸۲ هجري لمريز (۲۰۰۳م) کال په اکتوبر کې په ۵۰۳۲ کې دا سازمان د یونسکو غړی شو.

۳- سي سي مکنایټ (C.C. McKnight) د استرالیا صحرا د استرالیا د صحرا لپاره: د اندونېزیا او استرالیا مجمع الجزایر، په اندونېزیا کې: استرالیايي لرلیدونه، لومړی شمېره، د استرالیا ملي پوهنتون، کانبرا، ۱۳۵۹ هجري لمريز (۱۹۸۰م).

۴- ای سیدیا واتني (E.Sedyawati)، «د اندونېزیا څو فرهنگي وضعیت» په خلاصو موزيمونو کې: د استرالیا د ملي موزيمونو د څلورم کنفرانس د جلسې (ناستې) بڼه، د اروین، ۱۹۹۷م، مخ ۵۷.

۵- د هغو ځايونو پرته چې یاد شوي، ټولې هغه کلمې چې په ماتو تورو لیکل شوي اندونېزیايي بها سادي

فرهنگي مثبتو فعالیتونو ته د بنوونې او روزنې او میراثي څرگندوی په گډون راوگرځي. دې سيمو ته د رسېدو واک له لویو عمومي موزيمونو نه بېل دي، ځکه چې دا موزيمونه په هغو بیوروکراسیو اداره کېږي، چې کلیوالي خلک ترې وپرېږي او په داسې واټنو کې دي، چې لیدلو ته يې د ورتلو لپاره وخت او پیسو ته اړتیا دی. دا ځای د یوه وړو کې بنسټ په توگه د ژمنو آماتورانو د مالکیت احساس د مسلکي کارپوهانو د قملرو په بنسټ ډېر هڅوي.

ساتنځای یوه بله نمونه موزيم ته د یوه علمي او د کار پوهنې بنسټ په توگه یا برعکس د یوې نامتو موضوع په توگه وړاندې کوي. دا ځای هومره چې ختيځ تېمور او ختيځې اندونېزیا پورې اړه لري همدومره د شمالي استرالیا بوميانو پورې هم اړه لري. د تاریخي شواهدو پر بنسټ، فرهنگي زیانونه د ختيزې اندونېزیا د مجمع الجزایر له عمده بهرنیو کلکسیونونو سره په برابر تناسب چې له هغو کسانو نه چې دغه آثارو ورته ډېر ارزښت درلود لري شوي وو، واقع شوي دي. د یونسکو نړيواله نظریه چې «فرهنگي میراث په ټولیز ډول بشریت پورې اړه لري» (۲۲) نن هم مطرح ده، خو د ملکیت نظریې له مسوولیتونو سره زموږ له درک سره په برابرۍ کې له فرهنگونو او آثارو نه، بدلېږي. موزيمونه په زیاتېدونکي ډول د بوميانو ځانگړو تجربو او درک ته اړتیا لري. دا خلک د ملي پولو په ټولو ځايونو کې په کار بوخت دي ترڅو د فرهنگي میراثونو د ساتنې لپاره گټورې لارې چارې هغو خلکو ته چې دامیراثونه ورته ډېر ارزښت لري، طرح کړي. ساتنځایونه د حل یوه شونې لاره ده.

لیکوال له خپلو ډېرو دوستانو نه چې په بېبوكي کې (شمال مرکزي تېمور) فرهنگي دودونو ساتنې ته ژمن دی او دې خپرونې ته يې الهام ورکړی دی او هم له ډاکټر جيني ديويټ او مېرمن الیسن گري نه د

۱۸- د ۱۳۲۹ هجري لمیز (۲۰۰۰م) کال جنوري کې، زه د شمالي قلمرو د هنر د گالری د موزیم د ټیم په مشرۍ کې وم چې د ختیز تېمور د موزیم د کلسیون د پاتې شونو کتنه یې کوله، غواړم له ښاغلي ورجیلی سمیت (له دلي نه) نه د هغو معلوماتو لپاره چې د دې مجسمو په هکله یې راکړل مننه وکړم، زما لیکنې «د ختیز تېمور موزیم»: یو تېرنه راتلونکی، ته دې رجوع وشي. د اسیا پاسفیک هنر کې، ۳۰ شمېره، ۲۰۰۰ کال.

۱۹- (Mchear, ۱۹۹۲, ۸۳ مخ).

۲۰- مری گیسینګ (Mary Gissing)، دلي، ۲۰۰۲ (شخصي خاني اړیکې).

۲۱- ای ام W. Jonas, AM «له مابولرې موزیم» ملي موزیم کې، ۷ شمېره لومړي نومره فترزوي، د استرالیا موزیمونه (۱۲۹۸)، ۲ مخ.

۲۲- (Mclear, ۱۹۹۲, ۱۰۱ مخ).

۲۳- فورشي جی (Forshee, J.) ته دې رجوع وشي، «د گډوډیو د زمانو په لټه کې، د سمبا او تېمور له جزایرونه د ارزښتمنو آثارو او تاوانونو قصې»، اندونېزیا، ۷۴ شمېره، د ۲۰۰۲ کال اکتوبر، د جنوب ختیز اسیا کورنل، کال ۲۰۰۲.

۲۴- ابوي (Aboy)، ۱۹۹۵، ۴۵ مخ.

۲۵- اس جنکنز (S. Jenkins)، ساتل شوي فرهنگ: فرهنگي مرکزونو او د ساتنې سیمو ته اصلي هنر، کانبرا، د استرالیا ملي گالری، ۲۰۰۲، ۲ مخ.

۲۶- ام ماګایان سار (M. Makagiansar) «د یونسکو کار» په ال پرات کې (L. Prott) اوجي سپریچ (J. Sprecht) ساتنه که چور: زموږ د فرهنگي میراثونو د راتلونکي ساتنه د فرهنگي منقولو د ارایې گانو د میثاق په هکله د یونسکو د سیمه ییز سیمینار ورځپاڼې، بریس بین، کانبرا، د استرالیا مطبوعه کال ۱۹۸۹، ۹ مخ.

۶- ملي خپرونې، لکه پخواني آثار، د استرالیا د موزیم د ټولني د شورا نوي لاسته راوړي مسوولیتونه ۱۳۷۲ هجري لمیز (۱۹۹۳م) او هنر ته ارزښت ورکول، پروتوکولونو ته درناوی د استرالیایي اصلو هنرونو سره د کار لپاره (۱۳۸۰) هجري لمیز (۲۰۰۱م) د اصلي خلکو د صلاحیتونو ملاتړ په هنري صنایعو کې.

۷- دې مکلیر (D. Mclear)، لومړني خلک، موزیمونه او تابعیت، په تې پېښت کې (T. Bennet)، ارتروتر (R. Trotter) او دی مکلیر (D. Mclear)، موزیمونه او تابعیت، یو ماخذ کتاب، بریس بین، د کوپنز لند موزیم یاد دښتونه، ۳۹ شمېره لومړۍ برخه، ۱۹۹۲ کال ۷۸ مخ.

۸- جی ایو (J. Ave)، «موزیم او فرهنگ»، په اس کارتیاو کې (S. Kartiwa)، تې تازیر (T. Tazir)، موزیمونو ته صلاحیت ورکول ستونزې او حل لارې، د نیاسار، ۱۹۹۹، ۹ مخ.

۹- اس کارتیاو (S. Kartiwa)، «په اختلاف کې د اتحاد فلسفه» بېني کانتگل ایکا «د اندونېزیا ملي موزیم کې» په خلاصو موزیمونو کې؛ د استرالیا د موزیمونو د څلورم ملي کنفرانس د ناستې بڼه، د روین، ۱۳۷۲ هجري لمیز (۱۹۹۷م).

۱۰- ای پیریا (A. Pereira) «ختیز تېمور، په دیاس پورا کې د تاریخي او فرهنگي پاتې شونو ریکارډ»، په بېسوان توباري میتین کې؛ د ځمکې سخت کلک نیول، د نندارې ځای: د ختیز تېمور دولتي موزیم، ۱۳۷۳ هجري لمیز (۱۹۹۷م).

۱۱- د لاسته راغلو (ناچاپو) شیانو رپوټ، د ختیز تېمور دولتي موزیم (۱۳۷۲) هجري لمیز (۱۹۹۴م).

۱۲- په ختیز تېمور کې دا فرهنگي کموالی د (۱۳۴۹) هجري لمیز (۱۹۲۰م) په لسیزه کې د پرتګالیانو دوره کې په لږ سرعت روان و. گلورور I ته، ۱۹۴۸ ته دې رجوع وشي «د پرتګال تېمور دا ورالان په کلي کې سفالي صنایع» د استرالیا طبیعي تاریخ کې، د استرالیا موزیم ۱۷، ۳ گڼه سپتمبر، ۱۹۴۸.

۱۳- د تېمور انفارماسي نیګیر موزیم، دلي، له نېټې تشه رساله.

۱۴- مکلیر (Mclear)، ۱۹۹۲، ۸۰ مخ.

۱۵- د هندي مجمع الجزیرو ژورنال، دوهمه شمېره، سنګاپور، ۱۸۴۸ (کراس ریپرینت / لیچتنتستین، ۱۹۷۰).

۱۶- بی سټي لیک (B. Stehlik)، «هرمن کالانچوتوي، ۱۹۰۴۲، د اصلي استوګنو تاریخ کې، ۱۰ شمېره، د استرالیا ملي پوهنتون، ۱۹۸۲، ۴۹ مخ.

۱۷- پی دلیس (P. Dellios) په نړیوال کامپاین کې موزیمونه ګډ شوي پیمونه، (S. Kartiwa, B. Jahson, T. Tazir) موزیمونو ته صلاحیت ورکول ستونزې او حل لارې، دینا پاسار، ۱۹۹۹، ۲۲ مخ.

د لبنان ملی موزیم په بیروت کې

د جوزف پغی لیکنه

د جوزف پغی د استراسبورگ له پوهنتون څخه په جغرافیې او ټولن پېژندنه کې دکتورا اخستی چې ورپسې یې سیاست په علم او په ښاری پلان جوړونه کې زده کړې وکړې. هغه خپله پوهه د مدیترانه یې سیمو او لبنان لپاره وقف کړې. دی د ICOMOS درئیس پخوانی ویاند او د یونسکو د لرغونو روم د پوهنتون همکار او بنسټ ایښودونکی دی او د والنسیا د ښار د میراثونو د ساتنې همکار او د COPAM د پروگرام یو د ناپل د ښار د مدیترانوي سیمې د یادگاري معماريو د ساتنې همکار دي. نوموړی اوس د UATI د کمیتې یا د تخنیکي ټولنو د نړیوالې اتحادیې مشري کوي او د لبنان په غومه ښار کې د کلیوالو میراثونو یو موزیم جوړوي.

د ۱۳۷۴ هجری ل (۱۹۹۵ م کال) د پسه نومبر میاشت کې د بیروت د ښار په مرکز کې د ماشینونو او برمو رغونه ځکه ډیر اوریدل کیده چې لرغون پېژندونکو د تخنیکي کسانو په مرسته هڅې کولې چې هغه کالبدونه باید مات کړي چې د پخوانیو هنري آثارو په څیر په کانکریت کې را کلک شوي و. ځینې ټوټې یې لیرې شوي. ځینې څیزونه، د فنیقیانو او رومیانو ډبرین هدیري او تابوتونه، بتان او بدنونه یې چې پټ شوي و له اولس کالو جگړو او بی غوري وروسته روغ او رمت څرگند شول.

خورا حیرانوونکي کارو! ځکه چې دا یو وخت د سولي دمه ځای و او تاریخ یې درلود، خو په حقیقت کې پر دښمن باندې دغشی ویشتلو لپاره یو پټ ځای او د جگړې په اوږدو کلونو کې د پوځي او نیمه پوځي لښکرو په وړاندې د یو دیوال په توگه ورڅخه کار اخیستل کیده.

د دغه ودانۍ په بامونو کې سوري موجود وو. پنجرې سره ماتې را ماتې وي. له پرله پسې گولي ورولو څخه ورانې، غلاگانو او نورو څخه وروسته طبعاً په دیوالونو کې د گوليو نښې نښانې ښکارېدې.

بناونو د دورې پټ هنری آثار چی په نړی کی ساری نه درلودی د بیروت موزیم ته راوړل شول او دغه موزیم ته یی ارزښت ورکړ. اود منځنی ختیځ په کچه د خورا مهمو موزیمونو څخه وشمیرل شو.

په څو کلونو د بیروت ملی موزیم د ارزښناکه آثارو د لرلو له امله ننداری ته وړاندې شو او په منځنی ختیځ کی یو له ټولو مهم موزیم ؤ. نیمکرغی تلپاتی نه وی. د ۱۳۵۴ هجری ل (۱۹۷۵م د اپریل په ۱۷ نیټه) کورنی جگړې د موزیم د ننه نژدې سل محوطی ویجاړی کړی ځکه چی په ټول هېواد کی جگړه او وینه بهیدنه پیل شو.

د ملی موزیم دروازی ځکه د عوامو په مخ وتړل شوی چې جگړه په شاوخوا کی یی پیل شوه. امیر ماوریس چهارب د خپلې میرمنې او ځینې نوکرانو په مرسته د اوربند څخه په گټه اخیستو ځینې هنری آثار په تر مخکه لاندی گدامونو کی چی له لوټماری څخه خوندی ؤ پټ کړی.

د موزیم سالون یی په شگلنې بوجی او کانکریتوبند کړیدی چی د دا ډول درنویشیانو اوچتول خورا سخت کار ؤ.

میاشتی او کلونه اووېستل جگړی نورې هم ډیری شوی نورنو داسې بریښیده چی جگړه به تل پاتی وی او سوله له نظره لیرې ښکاریده. دموزیم دکوڅی په نامه یوې بیلونکی کرنې د لبنان مرکز بیروت په دوه برخوختیځ او لویدیځ وویشل. دڅو میاشتنو په ترڅ کی دسولې او ورورگلوۍ دغه تاریخی سرحد دظلم، ستم، انسان تنستونې او وژنې په یو سمبول بدل شو. نژدی اولس کاله د موزیم له کلمې سره خطر او مرگ په یوه کتار کی ؤ. دموزیم د ودانۍ مخې ته په سلگونو کسان په گولیو وویشتل شول او په زرگونه ښځې، کوچیان او لویان دکنترول له کرنې څخه دتیریدو لپاره د اجازی ترلاسه کولو

د موزیم د بیارغاونی او وروسته دهغی د لرغون پیژندنی لپاره یو ملی کمپاین پیل شو.

«ددې لپاره چې له دغو زړو کنډوالو څخه نوی ژوند پیل کړو باید ویر او غم له یاده وباسو» داسی برېښده چې دا د هغه موزیم د تیم شعار ؤ چې داسې یو چیلنج یی پرځای پرېښی ؤ. دغه ټول ماموریت له نهو کالو وروسته بشپړ شو. موزیم یو ځل بیا د Cedars د سیمی د تاریخ د یوتلپاتی ساتونکې په توگه ځان را څرگند کړی.

د بیروت د ملی موزیم د عمر اوږدوالی او بقا

په ۱۲۹۸ هجری ل (۱۹۱۹ میلادی) کال کی په بیروت کی د فرانسی د پوځ یو قوماندان ایماند او یو افسرویل یک داسی آثار وموندل چې د لبنان په خاوره پوری یی اړه لرله او له همدې پیژندنی سره د بیروت د ملی موزیم پیدایښت اعلان شو.

په ۱۳۰۲ هجری ل (۱۹۲۳م) کی یوه کمیټه وگمارل شوه چې په de Damas کی هغه گډ عوامل وخیړی چې د یو موزیم د جوړولو لپاره په کار دی. د انتونیوسنهاس او بیرلیرنس رنگوت په نامه دوه معمارانو د موزیم د جوړولو یو وړاندېز کمیسیون ته د کتنې لپاره وړاندې کړی او کمیسیون ومانه. سره ددې چې د ودانۍ د پیل کار ډیر سوړ ؤ او تر ۱۳۰۹ هجری ل (۱۹۳۰م) کاله پوری هم پیل شوی نه ؤ. خو بیا هم ددغه پروژې د بشپړاوی لپاره اوه کالو ته او پنځه کاله نورد لمړنیو منابعو د راټولو لپاره اړتیا ؤ.

د لبنان ولس مشر الفردناکا په ۱۳۲۱ هجری ل (۱۹۴۲م کال د می په ۲۷ نیټه) کال کی په رسمی توگه دا موزیم پرانیست.

د بیروت د موزیم آثار له دیرش کالو څخه دزیات وخت لپاره د انسان په لاس د هغه جوړ شوو آثارو ساتنه کوله کوم چی په بیلابیلو تاریخی دورو پوری اړه درلودی او د cedars د سیمی د بیلابیلو برخو له کیندنی څخه ترلاسه شوی ؤ. د لرغون پیژندونکو ترڅارنی لاندی د فنیقانو، رومیانو، بیزانس یا قسطنطینه لویو

د موزیم له خاطر و پرته کوم بل مشهور څیز نه و پکې پاتې. یواځی همداننې د بیا رغونې په لړ کې یو عبرت و. د ۱۹۹۵ او ۲۰۰۰ کلونو ترمنځ په موزیم کی بیرنی کار پیل شو. او سره ورته ډلو په ګډه د موزیم ودانۍ او ټولګنې یا کلکسیونونه ورغول، د بیروت د ملی موزیم بیا رغونه پای ته ورسیده چې په دې برخه کی د لبنان د هیواد د هغه وخت د کلتور وزیر او د لرغونې آثارو او د ملی میراثونو عمومی مدیر چاری د قدر وړ دي. په ۱۳۷۲ هجری ل کال (د ۱۹۹۷م کال نوومبر میاشت) کی د لبنان د موزیم دروازې د لمړې ځل لپاره د څو میاشتو لپاره د لبنان د خلکو پر مخ

په هیله په ساعتونو انتظار ایستل. پدغه وخت کی موزیم یوه مهمه ستراتیژیکه نقطه وه او په پرله پسې ډول به د پوځیانو او اورپکو ترمنځ جګړې پکې روانې وې. هغوی د هنرونو دغه نندارځای د سرتیرو استوګن ځای وګرځاوه او له بتانو څخه به یې د نښې ویشتلو لپاره کار اخیسته. د جګړې په پای ته رسیدو سره دا غم لړلی کلونه هم پای ته ورسیدل او په نولس سوه او یو نوی میلادی کال کی د لرغون پیژندنې د عمومی مدیریت کار کوونکی بیرته موزیم ته راغلل. د جګړې وړانې ډیری ویروونکی وی، په کوټو کې لیکنې او شعارونه پاتې و او د اورپکو ګولیسو دیوالونه غلیبل کړی و. هغه پناه ځایونه چې له پنځوسو څخه د



۵. د بیروت ملی موزیم له بیا رغونې وروسته

پرانستل شوي. چې د جګړې د هیرو لوسو، د ماضي، نن او د سبا د اختلافاتو د له منځه وړلو هیله یې لرله. د ۱۳۷۷ نه تر ۱۳۷۸ هجری ل کاله (۱۹۹۸ د جولای له میاشتی څخه د ۱۹۹۹ کال د اکتوبر تر میاشتی) پوری د بیا رغونې د کار د بشپړاوی په موخه و تړل شو، او دنوی معیارونو سره سم یې

ډیرو کلونو لپاره پکې بیلابیل هنری آثار پاتې و بیا پرانستل شول.

د انسان په لاس جوړ شوی په زرګونو آثار چې د زیرزمینی په لښتو کی چی دهغی د پاسه موزیم ودان شوی د لس ګونو کلونو لپاره پاتې شول.

څیرنیز وسایل غلا شوی و لستونه نښې او کارتونه سره له خپلو ځانګړتیاوو د ډزو له امله له منځه تللی و.

له مخی باید تاریخ سره راوغاری اړدی چې د دوو پورونو تر منځ کښته او پورته لار شي. ددغه موزیم آثار د لبنان دخلکو دمدنیت دستروالی ښکارندویي کوي. دلیکنی د دوری څخه مخکی او د ډبری توبلو ددورې (هغه وخت چې انسانانو له ډبرو څخه خپلی وسیلی جوړولی) او د نیولتیک یا له ډبرو څخه د را وروسته دورو څخه (چې کرهڼیز او جگرپیز سامان الات پرمختگ وکړ) څه شی موجود نه و. د ډبرو څخه د جوړ شوی سامان الاتو او له خټو څخه د جوړ شوی لوښو نادری نمونی ننداره، د نندارچیانو لپاره ددغه خاوری د اوسیدونکو د ژوند په اړه د یو ژر تیریدونکی خیالی احساس انځور وکړ. ددی پر خلاف د فلزاتو د دورې لپاره ډیره برخه بیل شوي ده، زیاتره مدنیتونه له لبنان څخه سرچینه اخیستې او د بابلوس د دورې اړوند آثارو د لومړی پور لومړی برخه نیولې دي. د موزیم په زړه پورې برخه دهغی ملی کلکسیون دی چی له ۱۳۰۹ څخه تر ۱۳۳۹ هجری ش (۱۹۳۰ م څخه تر ۱۹۶۰ م) کاله پورې د ماوریس دوناندوجین لاری دکیندنو دوخت آثار د خاوری له لاندې څخه تر لاسه شوی چی په هغو کی په زرگونو ډول ډول آثار د مذهبی آثارو او د Ahiram د ډبرین تابوتونه په گډون شته. نذری بتان چې د صلیبیانو له معبدو څخه سرچینه اخلی او تراوسه د فنیقیانو په نامه یادېږی په حقیقت کی په یوه ځانگړی سبک او ښی سره وړې مجسمې دی چی سرونه یې د زغرې په خولی او یا د لبنان د درې پیړیو پخوا بزگرانو خولی ته ورته په مخروطی ډوله خولی کی پوښل شوی دي. مؤرخین د انسان په لاس د برونزو د دورې دغه جوړ شوی آثار په ټولو پیژندل شوو آثارو کې په بشپړه توگه په فنیقی دورې پورې اړه بولی، چی له مصری پاچایانو سره له سوداگري څخه یې دخپلې پانگې لویی برخی تر لاسه کولی.

د انسان په لاس د جوړو شوو آثارو مطلوبه نندارتون یی په لاره واچول. دکار وړد خورا لږو سرچینو څخه دپام وړ پایله راووته، د اړینو توکو د جگولو لپاره کیرنگونه د ودانی د باندې ولاړوو. او اوس موزیم د خراغونو او د ریغ په سیستمونو سمبال شوی او همدارنگه د ارزښناکه آثارو د ساتنې لپاره یی د ساتنی یو سیستم هم جوړ شوي دي. د نندارې وړ شیانو د غټ ښودلو لپاره داسې وسایل په کار شوی چې انطباقی ذره بینونه او دوړلو راوړلو وړتیا لری. روزنیزو اړتیاو ته د ځواب ورکولو لپاره په پرله پسې توگه داسې فلمونه ننداری ته ایښودل کیږی چی د موزیم په تاریخ او بیارغونه او د لبنان د تاریخی میراثی شتو پوری اړه لری. البته په موزیم کې دننه د ډالیو دپلورلو لپاره یو پلورنځی هم پرانستل شوي دي.

د لبنان تاریخچه او موزیم

له دوه نیم زرو نیولې تر پنځه زرو تنو پوري هره ورځ د لبنان له موزیم څخه لیدنه کوي. ډیر لږ خلک په دې پوهیږی چې په دغه موزیم باندی یوه جگړه هم تیر شوېده اوس هغه زرگونه سوری بند شوی دی چې دگولی ورولو له امله پیدا شوی وو، ځکه موزیم ته له باندې څخه اوبنتی زیانونه هم له سره رغول شوی او په دی ډول له دغه تاریخی ودانی څخه اوولس کلنه نارامی پاک شوي. د ودانی په دواړو فرسونو کې په بشپړ غوراو پام سره لگیدلی ښکلی خراغونو یو ډول آرامه ماحول رامنځ ته کړې دي. او له ویار په ډکه یو انځور وړاندې کوي. د ځمکې فرش د دروند شیانو لکه، ډبرینو تابوتونو، تدفینی ډبرینی لوحی او بتانو ته ځانگړی شوی دي. او بیا لومړنی پور د لمړنیو انسانانو په لاس هغه جوړ شوو وسایلو ته ځانگړې شوې چې ښی او اندازی یی کوچنی دي. د موزیم چارواکو د لوی تخنیکي محدودیتونو له امله د آثارو د ځای پر ځای کولو لپاره د ویشنی طریقه ټاکلی دی. ویشنه د ننداره کونکو کاریو څه ستونزمنه کړې او هغه نندارچیان چې د زمانو



د ٦٠٠ ز. ٥٠٠

٦. د اهي رام پاچا د اهوگ له ډبرو څخه جوړ شوی تابوت، دبیروت د موزیم شهکار دی، چې په بابلوس کې پیدا شوی او د هغی لرغونتوب د قبل المیلاد لسمی پېړی ته رسیږی. او زیاتره د فنیقیانو د دوری د لیکنو د خورا پخواني مشخصاتو لرونکی دی.

دلا ډیروستونزو سره دموزیم مخامخ کیدل

دبیروت دملی موزیم وروستی موجودی بشپړه شوه هغه زرگونه آثار چې پیژندپانې یې تخریب شوی او یا د جگړې په وخت له منځه تللي وی یو ځل بیا دثبت په دفتر کې داخل شول او دخیرونکو په واک کې کینودل شول. سره ددې چې دلیکنو بیا لوستنه زیانمنه شوی وه او د لرغونی آثارو په عمومی مدیریت کې دبیا رغونی دلابراتوارونو دنه شتون له امله هر کارستونزمن ؤ خود ملی موزیم رئیس سوزی حکیمان زیاته کړه: چې تراوسه سیمیز واکمنو په دې هڅه کې دی چې دموزیم نندارتونونه بیا ورغوی او په

دپردیو د حکومتونو د پرله پسې تیریو (د بابل امپراطوری، آشوریان، ایرانیان...) سره سره لبنان د خپل خپلواکه برخو او پیاوړی بناونو اداره پرمخ وړل او د خپل اقتصادي پرمختگ ساتنه یې کاوه. هغوی د مدیترانې له غاړې څخه خپل سوداگري ته د مدیترانې له لارې او د زیاتو ډلو په جوړولو سره پرمخ وړل. او دغه بناونه داروپا او افریقا ترمنځ وویشل شوي، او د شیانو او خامو موادو لپړل یې تامینول.

هغه وړې مرمینې مجسمې چې د Echmoun د کوچیانو په نوم یادېږی ددغه بنا د صنعتگرو مهارت یې تاییدول. هغوی به د سیدون د بنا د پیاچایانو د کورنیو په واسطه دغه مجسمې د echmoun خدای ته ډالی کولې د جگړې په مهال دغه له مرمرو څخه جوړ شوی بتان دموزیم څخه غلا شوی ؤ او د خرڅلاو لپاره سویتزرلینډ ته رسیدلې ؤ.

په سیدون بنا کې دبیزو ډوله انسانانو د هدیرو ډبرین کلکسیونونه د فنیقیانو، مصریانو، او یونانیانو له هنرونو سره یوځای دموزیم یوه بله په زړه پورې برخه ده.

د انسان د تابوت شکلونه دمصریانو تر قالب بندۍ پورې رسیږی، پداسی حال کې چې د سیمیزو صنعتکارانو پواسطه د بتانو توپل د یونانیانو د اغیزو څرگندوی دي. دنسڅولو د هنر دغه شهکارونه د زیرزمینی په بیارغول شوی نندارتون کې چې د مړینی د سیمی په توگه ساتل شویډی بنایي په کال ۱۳۸۳ هجری ل کې (۲۰۰۴ م) خلکو ته وښودل شي.

په لمړۍ پور کې هغه آثار نندارې ته ایښودل کیږی چې د جگړې په وخت تخریب شوی دی. داوسپنې، عاج، بنسینې او ډبرې یو مخلوط د هغه ډزو پایله ده چې د هوایی بریدونو په مهال یې یو زیرمه تون بی وران کړي. دنندارې دا بیلگه هم دهغه هنری آثارو په څیر شاهدی ورکوی چې د لبنان تاریخ څرگندوی. دهغه وخت د لاسی صنایعو د سل زرو هنری آثارو څخه اوس یواځی دیارلس سوه بی نندارې ته وړاندې کیږی.

یادښتونه

بابلوس یا جبیل د فنیقیانو د لرغون پیژندنې فوق العاده وتلی برخه ده چې ۳۰ کیلو متره د بیروت شمال خواته پرته ده. دغه ښار په ۱۲۹۹ هجری ل (۱۹۲۰ م) کال کې په تصادفی ډول ومیندل شو چې د ډیرو پاچاهانو، مذهبی او ښخونی خزانی یی را برسیره کړی، گنجینې ولیدل شوی او د فنیقیانو د مذهب څیرنه یی دهغو په اصلی تاتویبی کی شونې کړی.



۷. دغه اثر چی په جستو ملمع کاری شوی په بابلوس کی له یو معبد څخه ترلاسه شوی.

دې ډول لاسی آثار په یو خوندي ځای کې کیږدی ترڅو چې د له منځه تللو څخه وژغورل شي. له بده مرغه د حکومت بودیجوی تنگلاسی د آثارو د ادارې له خوا د کار کونکو دگمارنې مخه ونیوه. یواځې مونږ درې تنه لرغون پیژندونکی دموزیم او خزاینو مسؤلین وو خو اعاده کوونکی نه وو او نه به کیږو.

دنوی قانون څخه د خزانو د ژغورنې یو احتمال لاس ته راځی او هغه داچی لکه د خزانو د عمومی مدیریت په څیر باید د ملی موزیم یو آزاد بنسټ رامنځ ته شی که د دغه کار لپاره یو ځانگړې بودیجه ورکړل شی مونږ به وکړی شو ځانگړی لابراتوارونه جوړ کړو، د موزیم لپاره نوی پروژې په پام کې ولرو، د هرې وجهې لپاره غوښتنې ولرو او کلتوری روزنیز فعالیتونه په منظم ډول تطبیق او پر مخ بوځو او ټولې هغه اړتیاوې چې یو موزیم یې لری باید بشپړ کړو، په څرگنده توگه بای ددا پروژه مشمره وی او کیدای شی چې موزیم په څو کلونو کې خپلې هیلې ته ورسیري، په هر حال د داسې یوې کړنې بریالیتوب ځکه فرضی دی چې د لبنان حکومت ته میراثی یادگارونه لومړیتوب نلری او په حقیقت کی دغه ژمنې غیر حکومتی موسسی ترسره کوی لکه د هر یو بل هیواد په څیر له جگړې او یو اقتصادی رکود له منلو څخه وروسته لبنان هم د پر مختللو بهرنیو هیوادونو همکاری او مالی مرستې ته اړدی. تر اوسه د موزیم یواځې دوه پوره په بشپړه توگه رغول شویدی خود بیارغونې کار لا بشپړ شوی ندي. له مهال ویش سره سم به تر ۱۳۸۳ هجری ش (۲۰۰۴ میلادی) کاله پوری یواځې زیرخانی ورغول شی، د موزیم شاوخوا باید نوره هم پراخه شی، د روزنیزو او فرهنگي فعالیتونو ترڅنکه باید د ځوانو نندارچیانو لپاره د فعالیت لاره هواره شی. ماموریت لا پای ته ندی رسیدلی خو بیا هم یو لوی گام اخیستل شوېدی. د رسیدو لاره اوږده ده او د وسایلو لړوالی کړنې یی ورو کړی دی.

په انټرنټ کې د بیروت د موزیم د مطالعې پته:

www.beirutnationalmuseum.com

د لاهه د شکار ۱۳۳۳ هجري لمیز (۱۹۵۴م) کال دویمیک ناستیگ ترون او د بشر دوسته دنړیوال قانون پرمختگ^(۱)

د جان هلاډیک لیکنه

جان هلاډیک د یونسکو (پاریس) د فرهنګي میراثونو په برخه کیګ دنړیوالو معیارونو د خګانګیګ د پروګرام کار پوه دی. هغه یو حقوقپوه او دوسله والونشګتو پرمهال د فرهنګي شتمنیو دساتیګ په برخه کیګ دهاګ دتوون ۱۳۳۳هـ، ل (۱۹۵۴م) او د ۱۳۷۸هـ، ل (۱۹۹۹م) او ۱۳۳۳هـ، ل (۱۹۵۴م) کلونو ددوه نورو توونونو دپلي کولو مسئول دی. هغه دلاهیګ د ناستیګ او نورو موضوعاتو په هکله په حګانګو ورحګپانګو کیګ اړیګ مقالیګ خپریګ کویګ دی.

دسوی جګوکیګ پای او ددوه قطبونو ورکیګدل دیو شمیر وسله والونشګتو دبیارا خګرګنګدیدیو او په نؤه کیګ د فرهنګي میراثونو دانسان ژوند ته دنه پاملرنیګ لامل شول. همدیګ کار دهاګ دتوون ۱۳۳۳هـ، ل (۱۹۵۴م) دپلي کیګدو په برخه کیګ دوسله والونشګتو د خګرګنګدیدیو پرمهال د فرهنګي شتمنیو دساتیګ لپاره؛ نیمګوکیوکیګ رامنحګنه کویګ تردیګ دمخه په ۱۳۷۰هـ، ل (۱۹۹۱م) کال کیګ دیونسکو سکرتریت، توون ته له یو شمیر ژمنو هیګوادونو سره په کګاه دهاګ دتوون په هکله خګیوکیګ پیل کویګ ددیګ کګام اخیستنیګ اصلي موخه داوه: دهاګ دتوون سمون دپو حګي جګوګو له حقایقو سره دغیر تووالو پو حګي جګوګو په کګاؤن، د ۱۳۳۳هـ، ل (۱۹۵۴م) کال له توونونو دنورو موادو همغیای کول چیګ له ۱۳۳۳هـ، ل (۱۹۵۴م) کال را پدیخوا منل شوي دي، لکه دژنیوا پرخګلورو توونونو د ۱۳۵۲هـ، ل (۱۹۷۷م) کال ددوه توونونو زیاتوالی او یا د ۱۳۷۷هـ، ل (۱۹۹۸م) کال د جګاؤن دتووالی محکمیګ قانون، او دهاګ دتوون دتګا کلو او خونو شګه سمون لکه د حګانګوکیګ ساتیګ د اداریګ لاریګ جاریګ، دهاګ

پورېگ اوډه ولري. دا اول کونډيگ نه يواځيگ دوسله
والو جگگڼو پر مهال بلکه همدا راز د طبيعي غميزو
پر مهال، لکه سيلو، اوززله، دهنري اثارو دغلا پر
وژانديگ ديوبيگ فوق العاده اغيزمنيگ وسليگ په
توگه ثابتيگ شوي دي. د بيلکيگ په توگه
د ۱۳۸۱ هـ، ل (۲۰۰۲م) کال داووي د سيلوونو
تجربيگ په جرمني او چک جمهوريت کيگ شگيې
چيگ دساتنيگ لپاره د کونو دنه ترسره کيگدو په
صورت کيگ شگايي دهغوي پاييليگ به دنورو برخو
په پرتله فرهنگي شتمنيو ته ايريگ سختيگ او
زيانمنو ونکيگ واي.

لاشگه ساتنه

دويمه موافقت نامه يوه نوي کتکگوره
د فرهنگي ميراثونو د لاشگيگ ساتنيگ لپاره چيگ
انسانانو ته اير ارزشگت لري راييژني. پرديگ
دليلونو د فرهنگي ميراثونو د ساتنيگ په لاره کيگ
دهاگ په تون کيگ دييان شوي دساتنيگ له
حگانکگوي رژيم سره په اوکي کيگ دپوهيگدو وؤ
دي.

کله چيگ په ۱۳۳۳ هـ، ل (۱۹۵۴م) کال کيگ
دهاگ تون په مشرکي اول بيانيگده. مسوده
ليکونکو پر يويگ مقدميگ کار کاوه چيگ برسيره
پرديگ فرهنگي شتمنه په عمومي توگه وساتل
شي. او هلته يوه محدوده او دقيقه کتکگوره
فرهنگي شتمنه تر هر اول شرايطو لانديگ چيگ دي
وساتل شي. دديگ موخيگ لپاره هغوي دساتنيگ
ديوبيگ حگانکگوي لاريگ وژانديزو کؤ.

دهاگ تون دساتنيگ دحگانکگوي رژيم دتامين
وژانديزه په دريگ کتکگوريو شتمنيو کيگ کوي
(۸ ماده (۱)): دلياد وؤ فرهنگي شتمنيو ته پناه ورکول
دوسله والو جگگڼو دپيشگيگدو پر مهال دتاريخي
ودانيو لرونکي مرکزونه دي؛ او نوريگ هغه فرهنگي
شتمنه چيگ دلياد وؤ نه دي او د اير ارزشگت وؤ دي.
دحگانکگويگ ساتنيگ تامين تر لانديگ شرايطو

تون دسيستم کنترول او ياد سزاو لتگونه دتيريگيو دکمولو
لپاره^(۲)

دهاگ تون اته کلنه خگيونه ديوه ديپلوماتيک
کنفرانس لخوا دهاگ تون د دويميگ موافقت ناميگ
(۳) دنلو لامل شوه، او په کگاه ييگ دهالنأ له حکومت او
يونسکو سره په هاگ کيگ د ۱۳۷۸ هـ، ل ۱۹۹۹م کال
د مارچ له ۱۵ ميگ تر ۲۰ ميگ غوناه جوؤه کؤه. دهاگ
د اصلي تون په پرتله دويمه موافقت نامه له تون نه
دساتنيگ په برخه کيگ په پام وؤ اول سره پرمختلليگ
دي، داسيگ چيگ لانديگ سمونيگ رامنحگته کوي.

دسوليگ پر مهال لومړني گفامونه

دهاگ له تون سره سم، دجگگويگ پر مهال
د فرهنگي شتمنيو ساتنه دشگتنيو جگگڼو
دخگرکگنديدو پر مهال نه پيل کيائي. البته دسوليگ پر
مهال ديوبيگ وساله واليگ نشگتيگ داتککل شويو
اغيزو په هکله دلارو چارو دلتکولو او دزيانونو
دمخنيوي کار بايد پيل شي. که خگه هم چيگ دهاگ
تون په خپليگ دريگميگ ماديگ کيگ داسيگ
کونډي ندي ياديگ کويگ؛ خپله اراده او نور اجرات
ييگ تون ته دژمنو هيگوادونو پريکويگ ته پريگ
ايشگي دي.

په دويميگ موافقت ناميگ کيگ دديگ
نيمکگوتيا دحل لاريگ په پنحگميگ ماديگ کيگ
دغوشگتنيگ پرينستگ دلانديگ کونو منل دي:
دموجودي برابرول، دودانيو دنويديو او سوزيدو پر
وژانديگ دساتني لپاره دچتگکو کونو طرح،
دليادولو وؤ فرهنگي شتمنيو دلياد لپاره تياري او
يا په خپل اصلي حگاي کيگ دداسيگ شتمنيو
دشگيگ ساتنيگ دلارو برابرول، او دهغوي
دساتنيگ لپاره دمستولو او واکمنو چارواکو
تگاکنه. ديگ کونو ته دتياري شگه پلي کيدل
شگاييگ تون ته دژمنو هيوادونو اداري
جوؤشگتونو، مالي او نورو منابعو، فرهنگي
پاليگسي او په پای کيگ، دملي دفاع قانونو

لريک و اتگن کيگ شرايط، په کنگنک ميگشتو
هيوادونو کيگ د تخنيکي ستونزو پر بنسټگ ديوه
اثر د کاندیدا لپاره، ياد تر هکگرو له اوڅه دويريک
له کبله، شگايي انکار وکوي.

د ۱۳۷۸هـ، ل (۱۹۹۹م) کال د مارچ مياشت) کيگ
دهاگک تؤون د ساتنيک د حگانکگوي رژيم په برخه
کيگ يوه ديپلوماتيک کنفرانس دلاشگي ساتنيک يو
بنسټگيز نوي رژيم د دويميگ موافقت ناميگ په ۳
خپرکي کيگ ورزيات کؤ. د فرهنگي شتمنه سپارل
دلاشگيگ ساتنيک لپاره بايد په لانديک اول وي:

۱- انسانانو ته د اير ارزشگت وؤ وي.

۲- دبشپوؤ اداري او قانوني تياريو په مرسته
وساتل شي.

۳- د پوځي موخو لپاره و نه کارول شي او ياد
پوځي سيمو پتنگنحگاي شي.

د وروستيو شرايطو په پام کيگ نيولو سره بايد په
ديک هکله يوه اعلاميه تياره کؤاي شي. د اثر شگه
ساتنه دخگارنيک لانديک فرهنگي ميراثونو په
لست کيگ د فرهنگي شتمنيو دکگاون له لاريک
لاشگه تامينيگاي.

لوي توپيرونه د ۱۳۳۳هـ، ل (۱۹۵۴م) کال د رژيم
(حگانکگويک ساتنه) او ۱۳۷۸هـ، ل (۱۹۹۹م) کال د
رژيم (لاشگه ساتنه) ترمنحگ کوم دي؟ دا کيگدای
شي په لانديک اول رالنا کؤاي شي:

دلاشگيگ ساتنيک او خگارنيک د شرايطو لاسته
راوؤل نظر د حگانکگويک ساتنيک شرايطو ته اسانه
دي؛ شگه ساتنه د فرهنگي شتمنيو د ساتنيک
د کميتگيگ لخوا په وسلوالو نشگتو کيگ تر سره
کيبي، (کميتگه) د دويميگ موافقت ناميگ د پلي کولو
لپاره دخگارنيک يوه برخه، او په عمل کيگ دهاگک
تؤون لپاره، ترديک زيات به د توافق او تيا مطرح نه وي.

کومه لاشگه ساتنه د کميتگيگ دغؤود $\frac{4}{5}$ برخيگ
داکثريت داسيگ ساتنيک ته اسانتيا بشگي چيگ
تامين شي.

لانديک ضروري کنگنل کيبي: د داسيگ ساتنيک لپاره
غوشگتنه بايد ديونسکو جنرال ايرکتر ته، تؤون ته
دژمنو هيوادونو لخوا وليال شي، د بحث وؤ شتمنه بايد
له پوځي موخيگ نه په مناسب و اتگن کيگ حگاي پر
حگاي شي؛ د احگاي بايد داومني، حگانکگويک
پاملرنه بايد وروستيو شرايطو ته راوؤول شي دديک
لپاره چيگ د حگانکگويک ساتنيک واک تؤون دژمنو يو
هيواد حق نه دي چيگ حگاتنه ييگ حگانکگوي
وکنگي. دديک پر خلاف، تؤون ته دژمنو خگلورو
هيوادونو لخوا د پير سميت دنه پيژندلو پر بنسټگ دپوره
موافقت ناميگ دنه، شتون له مخيگ، دکمبود يا
دهماغه مهال حکومت د حگانکگويک ساتنيک تامين
دخگو کمبود يابي سيمو لپاره په ۱۳۵۱هـ، ل (۱۹۷۲م)
کال کيگ منع کؤ.

کله چيگ فرهنگي شتمنه تر حگانکگويک
ساتنيک لانديک راحگي، هغوي دنؤيوالو فرهنگي
شتمنيو په راجسټريک تر حگانکگويک ساتنيک
لانديک لسټ کيبي او ديونسکو د جنرال ايرکتر
لخوا ورته ادامه ورکول کيبي. تر اوسه پوريگ،
فرهنکي شتمنه په دريگيو لويو هيوادونو کيگ
چيگ تؤون ييگ کؤي (جرمني، هالنأ او دپاپ حگاي)
د دواؤو اوڅونو په خوشگه (د خگلورو پناه حگايونو
تگوليزه، شميگره او همداراز دواتيکان شگار تگول
ايالت) راجسټر شويگ. دوه هيوادونه (اتريش او
هالنند) له راجسټر کيگدو نه لاس په سر شول. کله
چيگ د حگانکگويک ساتنيک رژيم خکيؤو، پرديگ
مطلب بايد تگينکگار وشي چيگ دا ايره لريگ خبره
دي او کله هم پوره نه دي برابر شوي، يواحگيگ تؤون
ته ژمن دريگ هيوادونه په پنحگو حگايونو کيگ تر
حگانکگويک ساتنيک لانديک حگاي پر حگاي شوي
او وروستي ثبت پر سختو شرايطو سر بيگره، شگايي
داسيگ دليلونه په ديگ برخه کيگ موجود وي چيگ
هيگوادونه ديگ ته او باسي تر خگو حگانکگويک
ساتنيک ته دخپلو فرهنگي شتمنيو له
خگرکگندولو نه آه وکوي، له پوځي موخونه په

شتمنيو دكانديدانو ووانديگ كول دلاشكيگ
ساتنيگ لپاره، بنسټگيز او قضايي مسايل په ديگ
توكگه نور بيگ پريگ فعالين چيگ داسيگ
غوشگتنليكونو ته ژمن نه دي، نه منل كياي.

د فرهنگي شتمنه په ووانديگ دتيريو دكؤنيگ لپاره تعزيرات

د فرهنگي شتمنه په ووانديگ د جزايي تعزيراتو
لپاره، د هاکگ تؤون ۲۸ ماده، تؤون ته دژمنو هيگوادونو
دژمنو غوشگتنونكي دي «د جزايي قضاوت په دوديز
چوكاتگ كيگ، تكول لازم پؤاونه ووهل شي او جزاويگ
يا انظباطي تعزيرونه پرهغو كسانو چيگ له هر مليت نه وي
او له تؤون نه بيگ سرغؤونه كؤيگ وي يا غواوي سرغؤونه
وكؤي پلي كؤي شي». كه خگه هم چيگ دا پريكؤه عمومي
بنگه لري خو د داسيگ تيري بيلگه نشي برابرولاي؛ او
كاري موضوعاتو لكه دوه اؤخيزه قانوني مرسته رسيد كگي
نشي كولاي. په ديگ سبب، دويمه موافقت نامه
د فرهنگي شتمنيو دساتنيگ جزايي اؤخ چيگ جدي
سرغؤونينگ ورته وايي، دنورو سرغؤونو پيژندنه او دكاري
موضوعاتو پراختيا لكه قضايي استرداد او يا خپل منحكلي
قانوني مرسته، توضيح كوي.

د خگارنيگ نويگ مرجع

دوسله والو نشگتو پر مهال د فرهنگي شتمنيو
دلاشكيگ ساتنيگ د اأمن كولو لپاره
ددويمگ موافقت ناميگ لويه مرسته د حكومتونو د
دولس غؤو لرونكيگ كميټگيگ منحكته راوؤل و چيگ
دوسله والو نشگتو يا مهال^(۵) د فرهنگي شتمنيو دساتنيگ
دنده لري
د كميگتگيگ اصلي دنديگ كيگداي شي په
لانديگ اول لنأيگ كؤاي شي:
دلاشكيگ ساتنيگ دتامين ودرول يا لغو كول؛
ترشگيگ ساتنيگ لانديگ فرهنگي شتمنه په
پيژندلو كيگ مرسته^(۶)؛ دنؤيو اليگ مرستيگ تدقيق

دنا نؤيوالو وسله والو نشگتو پر مهال د فرهنگي شتمنيو ساتنه

ددويمگ موافقت ناميگ موخه همداراز په
رشگتيني اول دنانؤيوالو وسله والو نشگتو پر مهال
د فرهنگي شتمنيو دساتنيگ لاشگه والي دي. دا
مطلب په ۲۲ (۱) ماديگ كيگ داسيگ برابر شوي دي
چيگ په وسله والو نشگتو كيگ يو نؤيوالو حالت چيگ
ديوه اؤخ په سيميگ كيگ واقع شي دكار اخيستنيگ
وؤتيالري. دا د هاکگ داصلي تؤون په ۱۹ (۱) ماديگ
كيگ دلاشگه والي لتگه دي چيگ دهماغی موضوع
سره ورته والي لري چيگ دنا نؤيوالو وسلو نشگتو
پر مهال د دواؤو اؤخونو كؤنو ته اؤتيا لري تر خگو
«د موجوده ناستيگ تداركات د فرهنگي شتمنيو په
هكله لپاره لپاره په كار ويسی».

يوه معقوله پوښگتنه، شكايي وپوښگتنل شي-
د هاکگ تؤون ۱۹ (۱) ماده كوميگ برخيگ رانغاؤي؟
ايا دا يواحيگ د هاکگ تؤون خگلورميگ
ماديگ له تداركاتو سره اؤه نيسي چيگ د فرهنگي
شتمنيو داؤتيا وؤشيانو دغلا، چور، تباهي او
اختلاس نه دمخنيوي لپاره او يا په عمومي اول
د فرهنگي شتمنيو په وواندي دزيانونو تلافی كوي؟
پروفيسور تومان په خپليگ تائيد شويگ
موافقت ناميگ كيگ ماده په ماده تفسير كؤي تر خگو
د هاکگ تؤون د ۱۹ (۱) ماديگ دپراخيگ ژباؤيگ له
مخيگ د خگلورميگ ماديگ له كؤه نه بهر او خپرونو
ته بيگ غچگو نه لكه د هاکگ تؤون د تداركاتو
خپرو او يا جزايي تعزيرات پر فرهنگي شتمنيو د
بريد په هكله لا اسانه كؤي.^(۴)

ددويمگ موافقت ناميگ دمسودي دليكونكو
موخه دديگ موافقت ناميگ دپوره كارونينگ لپاره
دنانؤيوالو وسلو نشگتو پر مهال له رسمي
تؤونونو سره په ارتباط كيگ يواحيگ تؤون ته ژمنو
هيوادونو ته راجع كياي، لكه د تداركاتو دكار
اخيستنيگ واك او مجبوريت لكه د فرهنگي

د لاهه د شگار ۱۳۳۳ هجري لميز (۱۹۵۴م) كال
جان هلايك

وړانديگ د تعزير اتو دنيمك گوتيا د تدارك لا
پرمختكگ د فرهنگي شتمنيو په وړانديگ
د سرغړونو دنويگ كتكگورة له ترتيبولو سره او د يوه
داسيگ قانوني بنسنگ منځته راوړل د دوه
دولتونو تر منځ د مرستيگ لپاره چيگ
د سرغړونكو پر وړانديگ تعزيرات پياوړي كوي او
د داسيگ پيشكو د منځته راوړونكو پر وړانديگ؛
او د يوه داسيگ بنسنگيز چوكاتگ جوړول چيگ
د دويميگ موافقتناميگ او د هاكگ شگار د اصلي
تړون د بلي كولو خگارنه وكوي.

پايله

د دويميگ موافقتناميگ د پاي ته رسولو لپاره،
بايد خگر كگنده كړو چيگ دا موافقه ضميموي بنگه
لري او په هيڅگ يويگ برخيگ كيگ هم دلاهيگ
د تگرون او اوليگ موافقتناميگ حكاى نشي نيولاي.
د لاهه اصلي تړون او لومؤنه موافقتنامه تر اوسه هم

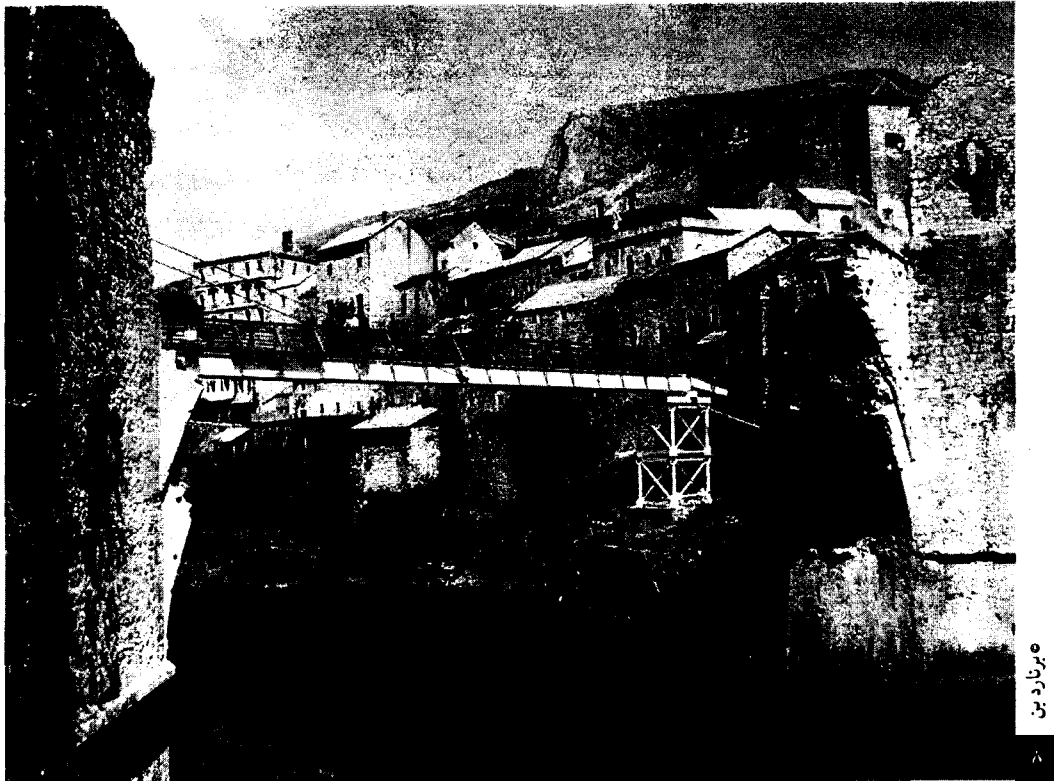
او وپش او د فرهنگي شتمنة د ساتنيگ په برخه كيگ
له پيسو كار اخيستنه دوسله والو جكگړو
د پيشگيدو پر مهال.

كميتگه، شگابي له ملي او نړيوالو سازمانونو،
دولتي او نادولتي سازمانونو سره چيگ له هاكگ تړونو
سره يو شان موخيگ لري، او دوه نوريگ موافقت ناميگ
ييگ لكه د بلوشيلد نړيواله كميتگه (ICBS)^(۷)، د سره
صليب نړيواله كميتگه (ICRC) د فرهنگي شتمنيو د بيا
رغاوونيگ او ساتنيگ لپاره د مطالعيگ نړيوال مركز
(ICCRROM) مرسته وكوي.

دويمه موافقت نامه او په نړيواله بشري

قانون كيگ پرمختكگ

د دويميگ موافقت ناميگ مهميگ مرستيگ
د نړيوال بشري قانون د پرمختكگ لپاره زما له نظره
اصلاً دوه برخيگ لري: د فرهنگي شتمنيو په



۸. د موستار پل چي د جگړي په نتيجه كي وړان شوي و او ديونسكو انړيوال بانك له خوا بيا جوړشواو د
ملي د يو عامل په توگه و بريښيده.

۳- ننگول معلومات ديونسکو دکونو په هکله دلاوه دتوون او دوه نورو موافقتنامو دپلي کولو په هکله په پرله پسېک اول په لانديک پته ليدلاي شته.

http://www.unesco.org/culture/legalprotection/war/html_eng/ind_ex_en.shtml

۴- جيع تومان، دوسله والو نشکتو په پشکتو کيک دفرهنکي شتمنيو ساتونکي. دتفسير په توکگه په ناسته کيک دوسله والو نشکتو پر مهال دفرهنکي شتمنيو دساتنيک لپاره او توونونه ييک چيک په ۱۳۳۳هـ، ل (۱۹۵۴م) کال می مياشت خگوارلسميک نيتيک په لاهه کيک لاسليک شوي دي او بل سند دنويال قانون دهمداسيک ساتنيک په هکله دی، ددارتموند طبعاتي شرکت/ يونسکو، ۱۳۷۵هـ، ل (۱۹۹۲م) کال، ۲۱۳ نه تر ۲۱۵ مخونه.

۵- دلاوه اصلي ناسته دحگانکگويک خگارونکيک مرجع منحنه راوولو وژاندينه کوي. دلاوه دناستيک دکنترول سيستم پر دريک اصولو ولاؤ دی: توون ته دژمنو هيوادونو استازي چيک په جگگوه کيک شگيک شوي دي؛ ساتونکي جگواکونه، او دعمومي کيسارانو تگاکنه دفرهنکي شتمنيو لپاره دشگيکلو اوخونلخوا دهغه اوخ له لاريک چيک دااعتبار وؤ دی او هغه ساتونکي جگواکونه چيک ددواؤو شگيکلو اوخونو په استازولي عمل کوي تگاکل کيکي.

ديونسکو دسکرترت لخوا دهغوی ملا توكيکي. دساتونکي جگواک دسيتم په توکگه، دعمومي کيسارانو سيستم يواحکي يوچکل دتوون له جوؤيگدو وروسته په منحنه کي خيچک کيک دنشکتو دتغيب لپاره په ۱۳۴۲هـ، ل (۱۹۲۷م) کال کيک وکارول شو. دحگارنيک دمرجع نشتولی دلاوه دتوون دخيکولو لوی لامل وؤ.

۲- دآسماني پسر نوياله کميتگه (Blue shield) يو دفاعي سازمان دی چيک په ۱۳۷۵هـ، ل (۱۹۹۲م) کال کيک دآرشيک دنويالی شورا داستازو (ICA)، موزيم نويوالي شورا (ICOM)، دتاريخي حگايونو او اشارو نويوالي شورا (ICOMOS)، او دکتابتونو دتگولنيک او دبنستگونو دنويال فدراسيون (IFLA) لخوا رامنحنه شوی دی.

اصلي موخه ييک دکاريوهانو دکونو همغياي، او دپوهيک خيراوی دناستو له لاريک دلاوه په لومؤ او دويميک موافقتناميک کيک دی. دآسماني پسر اصطلاح دديک نوي سازمان نوم ته دلاوه دناستيک دعلاميک په توکگه دلالت کوي چيک ورخگنه دفرهنکي شتمنه دسمبول په توکگه کاراخلي. دلزياتو معلوماتو لپاره؛ د ICBS رول دجنگيکي عملياتو پر مهال دفرهنکيکي ميراثونو دساتنيک لپاره د J.Haldik، دجگگوه نيزو عملياتو پر مهال دفرهنکيکي ميراثونو دساتنيک نويال موزيم، ۳ نمبر، جولاي- سپتمبر ۲۰۰۱ (۱۳۸۰هـ، ل)، کال، ۲۵-۲۲ مخونه وکگوره.

۸- ددويميک موافقتناميک دنافذيدو لپاره، ديونسکو دجنرال سکرتر کگواهي نامه دشل مقالو دتصويب، تائيد، منلو يا پيوستون لپاره لازمه دی.

دجولای مياشتيک تر ۳۱ نيتيک ۲۰۰۳ کال (۱۳۸۲هـ، ل)، دويمه موافقت نامه په رسميت وپيژندل شوه او يا شپاؤس هيوادونه ورسره يوحگای شوی وو. پرديک بنسنگ تائيد، منل، تصويب او يا پيوستون خگلو راضافي مقالو ته ديونسکو دعمومي مدير له تائيد سره دديک موافقتناميک دنافذيدو لپاره دلاشيک ساتنيک دسيستم لپاره لازميک کارکگل کيکي.

ديو حگاي کيدلو او منلو لپاره پرانيستيک دی او خپل رول ته به دساتنيک دارزشگتمنيک مرجع په توکگه په لومؤ درجه کيک دوام ورکوي. په حگانکگوي اول هغو هيوادونو ته چيک تيار نه دي يا نشي کولای د دويم پروتوکول غوي شي. ددويميک موافقتناميک نافذيدل (۸) کيگداي شي په پر مختللي اول ساتنه دعلاقيک وؤ اوخونو لپاره برابره کوي. په پای کيک ضروري دی چيک پوه، شو يواحکيک دلاوه توون ته ژمن هيگواو له کولای شي ددويميک موافقت ناميک غويتوب ترلاسه کوي.

ددويميک موافقتناميک تدقيق او منل دنوو ناوؤه پيشگو دمخنيوي لپاره دنويالی تگولنيک اراده خگرکگندوي، دبيگلکگيک په توکگه دسرايوو او موستار شگارونو پولونه، دوسله والو نشکتو پر مهال دفرهنکيکي شتمنيو دساتنيک لپاره دنوو مشروع قوانينو دتامين په واسطيک.

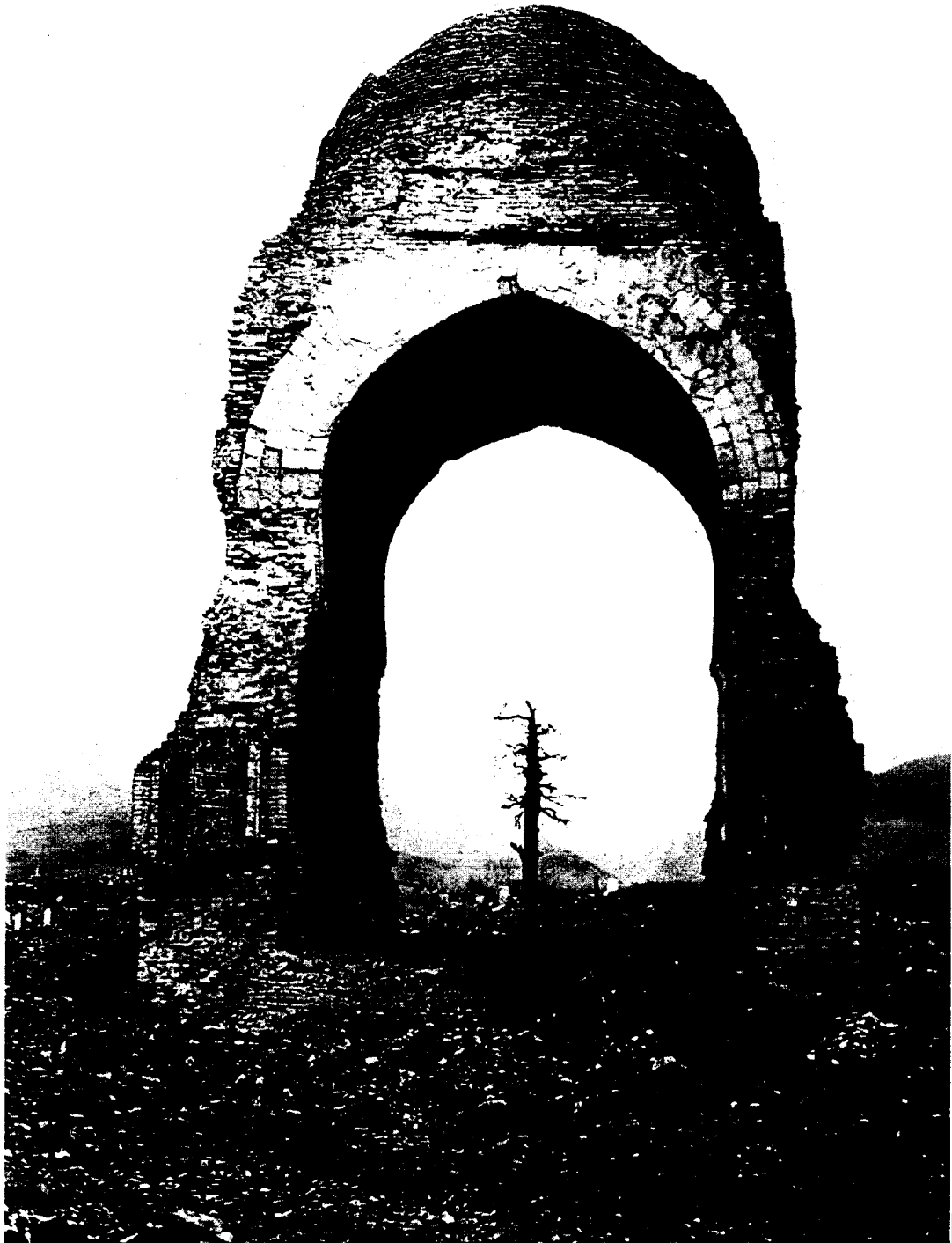
په ديک خاطر لازم دي چيک دديک موافقتناميک په هکله خبرتياويک دودکؤو، او له هغيک سره يوحگای کيگدل، رسميت، منل او تائيدول ييک تشويک او وهخگوو ترخگو نافذيدگل ييک چتکک شي. کله به ناسمه وي چيک فکرو کؤو دا موافقت نامه، شگايي په خپل ذات کيک وکولای شي «نه زيان» دفرهنکيکي شتمنيو ته دوسلوالو نشکتو پر مهال په راتلونکي کيک تضمين کوي، دويمه موافقت نامه ييک له، شکه دهمداسيک شتمنيو ساتنه پياوؤي کوي.

يادښتونه

۱- داماده زما دوؤانديز شويک ماديک پر بنسنگ ولاؤه دی چيک دوسله والو نشکتو پر مهال دفرهنکيکي شتمنيو دساتنيک لپاره دلاهيک توون ددويميک موافقتناميک په ديپلوماتيک کنفرانس کيک ميک وژانديک کويک وه.

دلاهيک شگار، هالنأ ۱۳۷۸هـ، ل (۱۹۹۹م) کال دمارچ له پنحگلسميک تر شپاويشتميک، دفرهنکيکي شتمنيو نويال ژورنال، ۸ تگوک، ۲ نمبر، ۱۳۷۸هـ، ل (۱۹۹۹م)، ۵۲۲ نه تر ۵۲۹ مخونه.

۲- په عمومي اول دفرهنکيکي ميراثونو دکار پوهانو لپاره ليکل شويک، دا ماده په قصدي اول ددويميک موافقتناميک آيريک تخنيکي اوقانوني ستونزيک له منحنه وؤي.



ه فلسک آوید

۹. د غوریانو د دوزی له ورائیو څخه تر لاسه توتی په جشت شریف چی د جام او هرات تر منځ پروت دی.

په افغانستان کې بتان او کلتوری میراثونه

د رضا لیکنه

رضا په کال ۱۳۳۱ هجری ل (۱۹۵۲ میلادي) کې د ایران د تبریز په ښار کې زیږیدلی او خپلې زده کړه یې د معمارۍ په څانګه پای ته رسولې دي او اوس د نړۍ په کچه یو پیژندل شوی فوتو ژورنالیست دی.

نوموړې له ۱۳۲۹ هجری ش (۱۹۹۰ م) کاله راهیسې په پرله پسې توګه د ملی جغرافیې په موسسه کې کار کوي له همدې امله دی چې په ټوله نړۍ کې له بسفورس څخه د چین تر لوی دیواله، له فیلیپین څخه تر منځنۍ آسیا له لبنانه څخه تر افغانستانه او له لواندا څخه تر سرائیوو پورې ګرځیدلی دی. سره د دې چې رضا یو ژمن انسان او ژورنالیست دی زموږ لپاره د نړۍ یو شاعرانه انځور وړاندې کوي. دهغه ځنی نوی خپرونې یې په لاندې ډول دي:

په ۱۳۸۲ هجری ل (۲۰۰۳ میلادي) کال کې Destins
Croises په ۱۳۸۱ هجری ل (۲۰۰۲ میلادي) کال کې
Eternites Afghanes (Editions du Chene او یو نسکو) او Le
Pinceau de Bouddha په ۱۳۸۲ هجری ل (۲۰۰۳ میلادي)
کال کې دي. د سنا مجلس په بلنه د ده نوی نندارتون او
Destins Croises د پاریس په باغونو د لوګزامبورګ په
دروازو کې د ۱۳۸۲ هجری ل (۲۰۰۳ م) کال د می له
میاشتې څخه ددغه کال د سپتمبر تر میاشتې پورې
نندارې ته وړاندې شو.

داسې لکه چې یو لوی پروجکتور د فلم په
یوه تخته وځلیرې د څوارلسمې سپوږمۍ هم د
غرونو د څوکو ترمنځ په قهوه یې رنگ ځلیرې.
دغه طبیعي رڼا د غرونو له لور او ټیټو
څوکو څخه چې کله د سیوری او کله د نړۍ رڼا
په څیر څرګندېږي. د هغو یو شمیر یې
اوسیدونکي لری او دنښې له خوا روښانه وي.
په دغو کوټنیو د سپرې سترګې ورنښخې شی ته به
وايې چې پکې ورګورې نو داسې یو سوری به
درنښکاره شی لکه چې د بوی لوړې ودانۍ
سیوری د روښانه مځکې پرمخ ولویږي. دغه

له یوی لڼډی مودی وروسته د ځینی پیژندل شوی ویسی مبهمو کسانو نومونه د جادویی بکس د رڼا په مرسته په دوره لرونکی هوا کی د پردی مخی ته راځی، زیاتره نندارچیان د لومړی ځل لپاره دا عکس لیدلی و.

ولی ما د هغه څیره او سترگو ته په څیر او بڼه توگه وکتل، زه د کوچنی ماشومانو په څیر په لومړی کتارکی ناست وم او د هغه چا په څیر چی بالاخره خپل هیواد یې پیدا کړی او د دغو عکسونو پواسطه چی د تلپاتی خاطر و کیسه کوی کښل شوی په څیر سره می کتل.

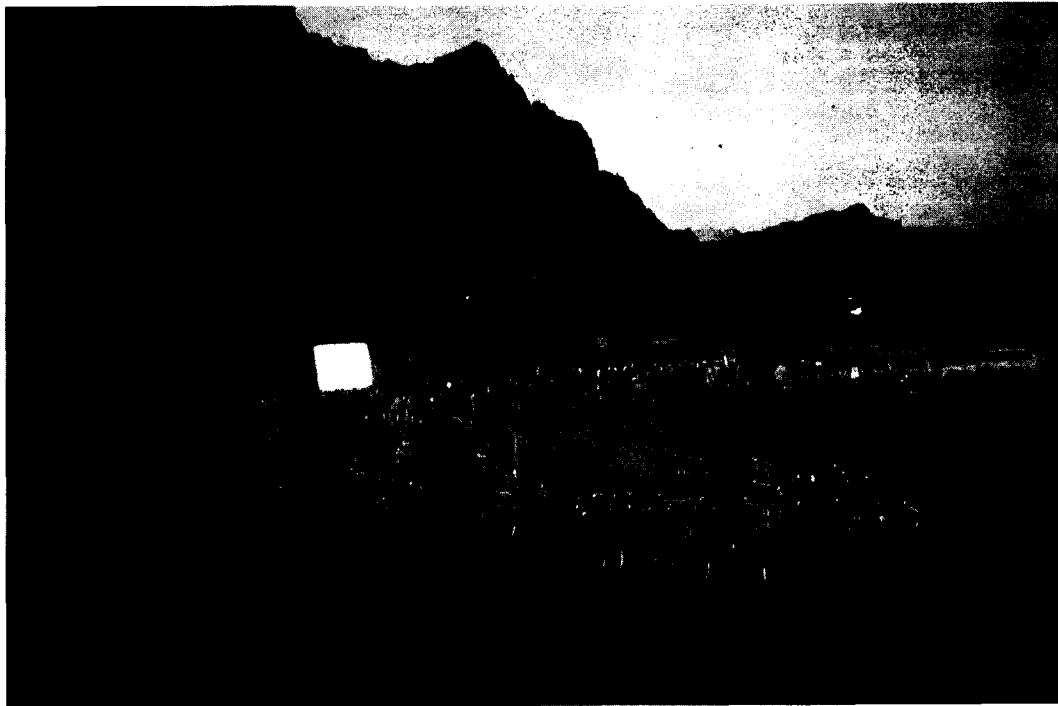
په غره او دښته کې یو دم سکوت مات شو افغان کوچنیان او لویان له بهرنیو وگړو سره یوځای لکه د سیخونو په څیر په خپلو ځایونو کې کلک پاتی شول.

اصل په فلم کې د یو با ارزښته افغانستان د تاریخی شیبو یوه غونډه پرانستل شوه او دا د بودا هغه له منځه تللی بتان و چې اوس د دوهم ځل لپاره د تلویزیون په پرده له خپل

لوړې ودانۍ له خپل سیوری پرته داسې نامرئی بریښی چې د مغارو زاړه داستانونه دریه یادوي. د سپتمبر دولسمه په بامیانو کې د بودا د بت په وړاندې.

یوه تاریخی پېښه د پېښیدو په حال کی ده. د بامیانو، له نژدې اولیری شاخوا پراته کلیو او سیمو څخه سلگونه افغانان راټول شوی او د داسې یو تلویزیون پردې ته مخامخ ناست دی چی یو پروجکتور او څلورقوی لوډ سپیکرونه له لیدونکی سره مرسته کوی چې د خپل تاریخ د ارزښتونو ننداره وکړی.

په حقیقت کی دا د افغانستان دکلتوری میراثونو او د دغه هیواد د تاریخی پت په اړه یو فلم و: د غزنی، مزار شریف او هرات تاریخی ودانۍ دی، چې لیدونکی یواځی د هغو له نومونو سره پیژندگلوی لري. په یوه لڼډه موده کی کیدای شی دغه تاریخی آثار د هغو خلکو لپاره چی دلته راغلی د تصور له بڼې څخه ووځی او حقیقی بڼه غوره کړی.



۱۰. د بامیانو په دره کی فلم اخیستل

افسانوی برم سره څرگند شوي. سره ددې چې
فضاله ولولو ډکه ده خو د نندارچیانو له
سرونو یو ډول نری شمال تیریرې داسې بریښي
چې د غرونو څوکی یوه غمگینه سندره زمزمه
کوي. د هیواد د زړه په تپونو مالگې دوړوي.
له وطنه د بیلتون او په تیرو د پښیمانتیا
کیسې بیانوي.

د باد سندره پخپله د هغه مشترک فریاد یو
ځواب و کله چې مونږ په دغه پناه شوی سیوری
کې یو نامریی انسان لیده

دا ټول د یوې پروژې د فعالیت یوه برخه وه.
د څرگنده روزنیزو سینماگانو کمپاین چې د
آینې په نامه یو غیرحکومتي موسسه یی پر
مخ بیایي.

دوی په ټول هیواد کې آته څرگنده ټیمونه لری
چې په فوق العاده توگه ځینو کلیو ته ځانگړي
دی.

دغه څرگنده ټیم په لویو ښارونو کې گرځي او
کلیو ته سره له اسبابونو هغه روزنیز فلمونه وړي
چې پخپله افغانانو لیکلي.

لدې فلمونو داسې نښې څرگندیرې چې پخوا
ته په درناوی سره یو نوی پیل راڅرگندیدونکی
دی. د افغانستان ننی وضعې ته په پاملرتی سره
تصویرونه د پوهاوی راپوهاوی غوره ینه وسیلی
دی.

کابل ۱۳۸۲ هجری ش (سبتمبر ۲۰۰۳ میلادي)

کال

یادښتونه

د آینې غیرحکومتي موسسه د کلتوری نندارو او خپرونو له لار
ې په افغانستان کې ډموکراسی ته د هڅولو، دودولو او له هغې څخه د
ملاتړ لپاره کارکوي. د لاپرو معلوماتو لپاره www.ainawond.org
ویب پاڼې ته مراجعه وکړي، او د عکسونو او سالمو پروژو
په باب برابر شوی معلومات ترلاسه کړي.

د افغانی میراثو نو په مطالعه اوساتنه کې د گومیت د موزیم ونډه

د پیغ کامبون لیکنه

پیغ کامبون له ۱۳۶۱ هجری ش (۱۹۸۲م) کال راهیسی د افغانستان او کوریا د برخې مسئول او لوی رئیس دی او هم دهغه نندارتون ناظم و کوم چی په ادمستی موزیم کې جوړ شوی و. هم د نندارو کواردینیتور و او هم د بارسلونا په بنسار کې د افغانستان د تلپاتې تاریخ د نندارتون د ننداری مسئول و. او په ۱۳۷۲ هجری ل کال کې (۱۹۹۳م) په کابل کې او په ۱۳۷۸ هجری ل (۱۹۹۹م) کال کې د کوریا د خلکوپه دموکراتیک جمهوریت کی دیونسکو د سلاکار دنده یی ومنل.

په ۱۳۰۲ هجری ل (۱۹۲۲م) کال فراسې ته د
غازی امان الله خان د یو سفر په لړ کې او دهغی
دیوی غوښتنی او دافغانستان او فرانسی د
هیوادونو ترمنخ دیو تړون له مخی دگومیت
موزیم له آسیایی هنرونو سره داسلام خڅه
دمخکې دورې د کلکسیونونو په اړه د کابل
موزیم سره د همغږی تړون لاسلیک کړ. د دواړو
هیوادونو یانی د فرانسی او افغانشتان ترمنخ دا
همکاری (DAFA) پوره دیرش کاله روانه وه او
دکشفیاتود ویش په برخه کی د دواړو هیوادونو
یعنی دگیمی موزیم په پاریس کی او د کابل د
موزیم ترمنخ لاره هواره شوه او دا په دې شرط وه
چی بېساری بیلگه باید د افغانستان د موزیم
ملکیت وي. د پریکړه لیک په دویم ځل خبرو
اترو کې انحصاری ماده له پامه ولویده خو بیا
هم د میندو په اړه په دې ماده ټینگار وشو په
سره کوتل کې دکیندنو په مهال د یو شاهد په

مجتمع گانی بیر ته خپل اصلی حالت ته را وگرځو
ل شي په سیمه کی د مستقیمې مداخلې د ځواک
د نه درلودو سره بیا هم پروژه هڅه کوی چی هغه
گډه خاطره چی د گیمې د موزیم او د کابل د موزیم
تر منځ موجود ؤ ژوندی وساتي.

په ورته وخت کې له بگرام څخه د مستردولو
یو سیستماتیک پروگرام د دواړو عاجی او
بیسبنه یی شیانو په اړه پیل شوي، چې دا
پروگرام زیاتره په خپلو اصلی سیمو کې برونزی
شیانو ته په پام نه کولو سره سره د میندنې له
وخته تر نولس سوه او دیرشم کاله په ځای پاتې
دي. همدارنگه دوی په سره کوتل او هډه کې
گچکاری او اهنکی ډبرې هم لری له دی امله چې
په ۲۰۰۱ میلادی کال کې یرغمل شو، نو په
معمایې او حیرانونکی ډول سره په یواځی
خو میاشتی مخکی لدی چی د کابل موزیم
د ۱۳۸۰ هجری ل (۲۰۰۱ کال د مارچ په میاشت)
کی یرغمل شی پروژه پای ته ورسید. سره ددی چې
د فرانسویانو کلکسیونونه په بریالیتوب سره
رغول کیدل، خو هغه څه چې په کابل کې ؤ هماغه
وخت کې لاهم غلا کیدل، له یوی گډی تاریخچې
وروسته او د دوهم ځلی ازماينتونو او کیندنو
په هیله داسې بنکاری چی دواړه بنیادونه بیلا
بیلو خواوو ته په حرکت کی دي. حالت په بشپړه
توگه بل شان بریښی او د تیرو هڅو د حقیقتونو په
پرتله بی مانا بریښی.

سره ددی چې په ۱۳۲۹ هجری
ل (۱۹۹۰ میلادی) کال کی افغانستان د کورنی
جگړې سره مخامخ ؤ او د کابل د موزیم زیات شمیر
کلکسیونونه لوټ شول. خو گومت موزیم په دی
اړه غبرگون وښود. له کابل موزیم سره د نژدی
اړیکو داستلو په نتیجه کی اود هغه تجربو له امله

حیث د فرانسویانو د راسپړلو سره سره باید آی
خانم هغوی پورې اړه نه وای نیولی.

د پاریس د گیمې د موزیم د افغانی
کلکسیونونو برخه د کابل د موزیم په آثارو بشپړ
شو او له هغه کیندنو سره یې توافق درلود چې د
فرانسوی لرغون پیژندونکو د استازی الفرد
فوجر او افغانی شریکانو په مرسته یې پیل
شوی ؤ سره بیره پردې د هغو تصویرونو ار
شیفونه چې په پاریس کې ساتل کیږی نیغ په نیغه
د همدې تاریخچې نښی دی او د هغو ټوټو نښی
خاطری ژوندی ساتی کوم چې په گومیت او کابل
کې دي. په ۱۳۰۹ هجری ش (۱۹۳۰ میلادی)
کلونو کې جوزف هاکن هم د فرانسې دهیواد او هم
د دغه هیواد د گیمې د موزیم استازیتوب کاوه اوله
ښاره څخه په لیری پرتو سیمو کی دخپل هیواد د
هئیت لارښوونه په غاړه درلود.

په افغانستان کې د نولس سوه شل، دیرش او
پنځوسو کلونو تر منځ د مشهورو لرغون
پیژندونکو میندنې د دواړو موزیمونو تر منځ
شریکې وې.

په هډه کی د یونان-افغان مکتب، هندی عاج
ډوله شیان، د بگرام خزانه، له سره کوتل څخه د
اکروپولیس لړی یا د یونان تقویتی کلاگانی، لږ
څه شاته دلوی کوشانیانو دنوی دوری په وخت کی
(لومړی او دوهم پیرې) او یا هم د جستو دوره،
کندهار ته نږدی د منډیگک د سیمې میندنې چې
د تاریخ په پیل کې د افغانستان اصلیت
خرگندوي.

د دوه زره او یو میلادی کال په جنوری کې
په پاریس کې د گومت موزیم بیارغونه دا چانس
برابر کې چې په افغانستان کې نندارتونونه بیا
ورغول شی ډیر تاریخی ودانی او یا د معماری

موزیم ډاډمن نه و چې کله به هم د سم فعالیت لپاره لاره هواره شي، په یایله کې یې له کابل موزیم سره د خپلی تاریخی اړیکو پربنسټ په خورا بیره د موقتی ځای په ځای کیدو پریکړه وکړه د تنظیمی مقاماتو د کلتور د وزیر او په فرانسه کې د موزیم مدیره هئیت په اجازه چې دساتنې په وخت کې به یې یونسکو خبروله،

د کابل موزیم ډیرې اړوندی ټوټې د افغانستان د فرهنگي میراث دساتنې د ټولنی له خوا په ۱۳۷۲ هجری ل کال (۱۹۹۷ م) کې په پینور او په ۱۳۷۸ هجری ل کال (۱۹۹۹ م) کې په لندن کې تر لاسه او په پای کې د فرانسې د پخوانی سفیر پیغ لافرانس ته وسپارل شوي.

د دغو لومړنی نمونې دوه گچې او عاجی آثار و چې د بگرام له خزانی څخه و (که څه هم تخریب شوي نمونې و مگر بیا هم یوه ټوټه و) دوهمه نمونه هم په اصل کې د بگرام څخه و مگر د عاج د سلو په شاوخوا کې ټوټو څخه جوړ شوی و. د کمبودیا د جگری په مهال هم د گومیت د موزیم وضعیت همدغه شان و. د پنوم پین د موزیم د نمونو د ساتنی پوښتنه هغه وخت مطرح کیده چې د باثباته حالت تمه کیدل. د موزیم بل نوښت په کال ۱۳۸۱ هجری ل (۲۰۰۲ م) د مارچ په میاشت، کې و چې د بامیانو د بودا د بتانو د پیښی په وړاندې په چټکتیا سره غبرگون وښود. او دهغه کرکیچ د اوج پر مهال د لاکوکسیا کتولینا د موسسی په مرسته چې په هغه وخت کې رئیس یی لویس موتریل و د افغانستان د میراث په اړه د ا ننداره د پروگرام وړاندیز یی د گلوډی د خطرله امله وکړ.

موخه یی دهغو ستونزو پیژندنه وه چې د ژورنالستانو او د نړی د ټولو رسنیو په وړاندې

چې د بیا رغاونې په لړ پیدا کړیدی ۱۹۹۵ کال د جون په میاشت کې د مینجا یانگ په مشری د نړیوالو میراثونو ټولنه زه کابل ته را ولیرلم.

ددی لیرنې موخه دا وه چې د کابل موزیم هغه زیرمې چې په ژمی کې خورا سخت زیانمن شوې وي وکتل شی دښاریوه برخه د قدرت لپاره د پخوانیو مجاهدینو ترمنځ د جگړو له امله په بشپړه توگه له خاورو سره خاورې شوې وه.

موخه دا وه چې اوازی او حقیقت باید سره بیل شی اود پاتې شیانو دساتنی لپاره باید له کابل موزیم سره یوه تړون وشی له اوربند نه په استفادی سره داموریت په بشپړ ډول پای ته ورسید. په پام کې وه چې دوهم ماموریت باید په سپتمبر کې پای ته ورسیدی او پلان دا و چې د افغانستان د لرغون پیژندنې د انستتوت او د موزیم په مرسته په یوه میاشت کې دننه دننه پاتې کلکسیونو نه موجودی شی. د عکس اخیستونکی مارکویا ولی او د افغانستان د لرغون پیژندنې د انستتوت د پخوانی رئیس زمیرالی طرزی په مرسته د دغه کار لپاره هئیت وټاکل شو ولی د طالبانو له خوا دهرات په نیول کیدو سره دغه ماموریت وځنډیده.

د قانونی اجازه لیک د ترلاسه کولو لپاره د نړیوال میراثونو د مرکز د پرله پسې غوښتنو سره بیا هم د میاشتو په تیریدو سره دا هیله ناشونی پاتې شو. لومړیتوبونه بشردوستانه و او ټولی چاری د ملگرو ملتونو په امر ځنډیدلی و.

د ۱۳۷۵ هجری ل کال (۱۹۹۶ م) کال په سپتمبر کې طالبان کابل ښار ته ننوتل او یوه نوې پانه یې پرانستل. له هغی وروسته دغه ځواک چې کابل یې نیولی و نه نړیوالی او نه هم ملگرو ملتونو په رسمیت وپیژاند، پدی تیاره کلونو کې د گومت

مساشتی په توکیو کی د بنکلو هنرونو او موزیک په ملی پوهنتون او بیا په ازاد ډول د پاتی شپږ میاشتو لپاره د هوستون د بنکلو هنرونو په موزیم کې دنداری لپاره پرانستل شو. د یو فوق العاده محدود مهال سره بیا هم دا کار د دی لپاره وشو چې گومت موزیم د خپلو کیندنو کلکسیون له ۱۲۹۹ څخه تر ۱۳۲۹ هجری ل کاله (۱۹۲۰ څخه تر ۱۹۵۰ م) پوری له کابل موزیم سره شریک کړی و. همدارنگه دندارتون په برلین کې د هند د موزیم د بیړنیو همکارو له لیاری د هاروارد د پوهنتون موزیم او (کلکسیون سکالر) او حتی هر میتاج او همدارنگه د پاریس په بنار کې د فرانسی د ملی بابلو تیک په مرسته جوړ شو دغه د ځینی ځانگړی کلکسیونونو لکه د اورتیز کلکسیون د مالروکس کلکسیون او د ځینی نورو په مرسته چې نه یې غوښتل نومونه یې واخیستل شی پیاوړې شو.

د کابل موزیم درناوی وشو، بیا د نندارې لپاره په موزیم کې یو مجازی موزیم چې د نندارې د وخت لپاره پرانستل شوی و ولیږدول شو د دغه مسئلې بشری-سیاسی او فرهنگي ارزښت د نندارې یو ډول غبرگون قبلونه و چې په بارسلونا کې د طبقاتی تبعیض او په افغانستان کې چې نوی جگړی یې پاتی ته رسیدلی و او په پاریس کې سره په دې کې و چې حقانیت یې را پیدا شی. د روانی تاریخچې د یادولو دلیل دادی چې کیدی شی کابل موزیم پخپله په همدې ټکنی مرحله کې په توکیو کې په یو لږ پروگرامونو کې گډون وکړی.

د متخصصینو او کارپوهانو له پام اړولو څخه مخکې په اصل کې کلتوری میراثونه په افغانستان پورې اړه لرله غازی امان الله خان خپله فرانسی ته

را ولاړ شوی و. د جگړې په مهال کی ناوړه گټی اخیستنی او عمومی نا آرامی (د کابل د موزیم د راتلونکی په هکله انگازی نا آرامیو ته لمن وواهل) روانه و، د دغه نندارتون موخه چې ما د لا کوکسیا لپاره برابر کړې وه د هغی د عکسونو لاس ته راوړل وو چې د ایې بنسوده چې فرهنگي میراثونه شته او یایې په څرگنده توگه نوم او نښې نښانې یې بنسکاره شوی چې په هغه کی د پخوانو زمانو (جستو له دورې) او دنوی زمانې (بودا او اسلام) آثار چی د ایران او هندوستان ترمنځ پراته سیمه کی چی په هیچا پوری اړه نه درلود موجود و.

دغه نندارتون د هغه آثارو د پیژندنې چانس پیدا کړ چې په کابل موزیم کی د پاریس یا توکیو (هرایاماد بنیاد) پواسطه برابر شوی و. د پاریس د نندارتون ۱۳۸۱ هجری ل (۲۰۰۲ کال د فبروری په میاشت) څخه شپږ میاشتې وروسته په بارسلونا کی د تم کیدو څخه وروسته د ۱۳۸۱ هجری ل کال (۲۰۰۲ کال اکتوبر) د موقتی ادارې مشران د حامد کرزی په مشری او د فرانسی د ولس مشر ژاک شیراک سره یو ځای یو نندارتون پرانست او د دغه عمل درناوی یې وکړی.

اوس لومړی ځل دی چې افغانستان له جگړې، بشری ناوړینو نو یا تروریزم څخه خلاص دی، کلتوری اړخونه او هویت یې څه ناڅه اعتبار پیدا کړی. د جگړې کیسه په پای کی د کلتور، تمدن او هویت له نظره د څیړنې لاندې ونیول شوه او داسې بریښیده چې اساسی ستونزې په په افغانستان کی د ۱۳۵۹ هجری ل (۱۹۸۰ م) کال څخه را پدی خوا د پرله پسې گډوډیو پایلی دی نندارتون شپږ میاشتې په بارسلونا او شپږ میاشتې په پاریس کې و بنسودل شو بیا شپږ

دویم سونډک چی له وړو ټوټو څخه ډک شوی ؤ په
ښکاره بریښیده چې د دوه مات شوې بتانو ټوټی
پکې پراته دي.

همدارنگه دساتوا بودایی مجسمه چې په
مرنجان تپه کې موندل شوې وه او په سالون کې
په ولاړه ایښودل شوی وه، هم په لوي لاس په
همداشان برخلیک اخته شوی وه څو نا پیژندلې
ډبرینې ټوټې هم په سونډکونو کې ساتل شوې ؤ د
می په میاشت کې د رئیس په موافقه د بې دلیله
مات شوو بتانو د ټوټو په اړه د یو ښه مداخلی
چانس پیدا شو.

دکنشکابت چې په اصل کی د افغانستان په
زړه کې (په لومړی او دریمه پیرې کې) دکوشانی
امپراتوری ښه نښه ده، د یوه کیږدی والاوو
امپراتوری چې په ساده توگه د Han تراکمنی
لانډې چین سره د زوم د اکستیسوس د امپراتوری
په څیر راځي ورکړه درلود.

د مرنجان له غونډی د ساتوا بودایی بت د
یونان-افغان دوره چی هغه وخت کی هډه خپل
اوج ته رسیدلې وه معرفی کوي. په دواړه حالتونو
کی له کیندنو څخه د ټوټو لپاره ډافاژمن و.
یوبت له اهکی ډبرو اوبله یی له خټو جوړ شوې ؤ
چې ددواړو حالت کړکیچن وو.

ددې لپاره چې لمړی گام اخیستل شوی وی
دمفکوروی او عملی همکاريو طرحه په یو بند
حالت کې پیل شوه ولی راوښودل چې څنگه د
وسلې په وړاندې ټینگ پاتې شي. او ورسره
تجربې د فرانسې دگومت دموزیم له ارشیفونو
څخه د بیارغونی په موده کی لاس ته راغلی دي.
ددغه دندی مسئولیت ته پاتې شی او دوی دی
هغی ته پایښت ورکړی. ددغه کار اصلی موخه دا ؤ
چې د کابل ورکشاپ په خودکاره او سالمه توگه دهغه

ولاړ او په شعوری ډول یی غوښتل چې خپله
پاچاهی مدرنه کړی او خپل هویت لکه چی فوشی
(دښه نیت راتگ) په منځنی ختیځ او ان ایران کې د
فرانسې د ژمنو په اړه وباله لاس ته راوړي.

د سیاسنی توافقاتو په پایله کې د افغان
فرانسې معاهده له نړیوالو چارو څخه مخکې په
۱۳۲۰ کې زامنځ ته شوه په

۱۳۸۱ هجری ل کال کی (۲۰۰۲م) افغانستان
د جین د موزیم د رئیس فرانسیس ژریژ ددوه ځلی
سفر شاهد ؤ چی لومړی سفیری د بهرنیو چارو د
وزارت په بلنه ؤ چی د لرغون پیژندنی په برخه کی
د افغانستان سره د همکاريو په هکله تماس نیول
له سره پیل شو. او دوهم سفیری د یونسکو په بلنه ؤ
چی د افغانستان د لرغونی میراثونو د بیارغونی
په غونډه کی د گډون او د موقتی اداری د
اطلاعاتو او کلتور د وزارت سره یی د تنظیمولو
په غرض بلل شوی ؤ.

د ۲۰۰۲ کال د می په میاشت کې د یو
سیمینار په لړ کې دکابل موزیم دساتل شوو
آثارو یوه نوی نندارتون جوړ شوې وه. د ملی موزیم
له ټیم څخه مننه وښوودل چې له پېښو سره سره د
کلکسیونو نو با ارزښته برخې روغی پاتې دی (د
دککرک رنگ امیزی- د تپه سردار غونډی او
فندوکستان د بتانو ټوټی- او له خټو څخه جوړ
شوی لوښی).

همدارنگه هغه آثار چې په ۱۳۸۰ هجری ل
کال (۲۰۰۱ میلادی کال په مارچ) کې په لوي لاس
توگه تخریب شوی ؤ هم ښودل شوی وو له سره کو
تل څخه د کنیشکا او کوشانی دورو دوه
مجسمې چې دموزیم د سالون دزینو دوو خواوو
ته ایښودل شوی وو دگرزونو پواسطه مات شوی ؤ
چې هربت په یوه فلزی سونډک کې ساتل شوې ؤ.



© پیغ کامبون

۱۱



© پیغ کامبون

۱۲

۱۱. د کشکابت چی دومی میلادی پیړی پوری اړه لري د سره کوتل څخه تر لاسه شوي، په بغلان تر رغونې لاندې ۱۳۸۲ هجري ل ۲۰۰۳ م.

۱۲. له مرنجان غونډی څخه بودیستواد کابل په موزیم کی د ۱۳۷۴ هجري ل ۱۹۹۵ م کال جون

کړی و او د خپلو افغانی همکارانو په مرسته سوریو پتول- د گرزونو پواسطه د مات شوو آثارو رغونه (لمړنی ماموریت د همکاری او د زده کړی دیوالی ارزښت یی ونښود. د حقیقی مثالونو په توگه ډیر څه ویلای شو لکه چی د مرنجان د غونډی دستوا بودایی بت پدی چی د بیارغونې کاری د شوروی تیری په مهال کی له بدلونونو سره مخ شوی و د بتانو دننه په کنډ ډک شو، دننه خټه یی د نښلیدو له کبله ټول بدل شو، داسې بریښیده چې له دوهم ماموریته څخه به د پروگرام پرمختگ تر منی پورې له ډاډا سره دوام ومومي، ترڅو لوژسیکی اړتیاوې پوره کړی، له دې امله په ټوله برخه کی یو واحد چوکاټ

موادو څخه په گټی اخیستننه چی د خورا ابتدایی قوانینو پر بنسټ ساتل شوی و بیا فعال کړي. له لوژستیکی پله ه سرچینې ډیرې کمزورې وې. د برتانیی د موزیم د مننې وړ دی چې د زیرمو په کوټو کی اوبو خوشی کړی نه و. سره ددی چې رغونکو له سیمیزو شرایطو سره توافق د هغو شیانو په راټولونه کی چې پیدا کول یی ناشونی بریښیدل د دری اونيو په موده کی بریالی شول. د کوچنیو کارونو د پای ته رسیدو لپاره د

جوړشو. مخکی په تیر ژمی کې یو ایټالوی هیئت د
سردار د غونډی په ټوټو باندی کار کړی ؤ.
په راتلونکې کې باید د پارسی بتانو
دیجیتل کول او طباعتی چاری څیړونکو ته
وسپارل شي.
په ځانگړی ډول باید کابل موزیم د څیړنو په
ساحه کې ځانگړی پروگرام جوړ کړي، تبادلہ
وکړي او نندارتونونه په لاره واچوی.
بیرنی ستونځې چی اوس هم لیدل کیږی
غیرقانونی کیندنی او د لاسی تقلبی آثارو قاچاق
او لیږدوني دي.



۱۲. دلوی غونډی معبد له هدی شخه، ۱۹۲۳

پخواني او اوسني افغانستان: د سيمې د اسلامي ميراثونو تاريخي خپرنه

د فلمنگ آند ليکنه

فلمنگ آند د پي، اچ، ډي درجي لرونکي په کوپنهاگن کې د فرهنگي ميراثونو د ساتنې په اړوند د ټاکلو څانگه چارو دانجینري سلاکار دي. هغه په ۱۳۵۷ او ۱۳۵۸ هجري ل (۱۹۷۸ م او ۱۹۷۹ م) کلونو کې په هرات کې د بياجوړونې دانجینر په توگه کار کړي او په پای کې د یونسکو سلاکار پاتې شوي دي. هغه د کلتوري نړیوالو ساینس پوهانو د گړځنده کمیتې د غړي په توگه (ICOMOs) د کلتوري گړځنده په اړه د یوې نړیوالې تگلارې د مسودې په لیکلو بوخت ؤ. (ICOMOs)

د کلتورونو مرکز

په لاسي ډول د کلتوري میراث ویجاړول
تاریخي سابقه لري. خونوي تکنالوژي او نړیوال
کول نه اټکل شوو پایلو او شرموونکو چاروته ،
دنړیوالو چلند ونو له خبرداري سره سره لاره
هواروي. له ۱۳۵۹ هجري ل (۱۹۸۰ م) کال نه
راوروسته له ۵۰ نه ډېرو هیوادونو د نښتو مهمې
دورې تیرې کړې او ډیرې جگړې د هیوادونو
د ټولنیزې ناکامۍ او ماتې لامل گړځیدلي دي.
دنړي د ټولو ځایونو په پرتله افغانستان زیاتره
یا دامپریالیستي ځواکونو له خوا یاد داخلي
قوي سیالیو او یا مذهبي ډلو د وسلو الې جگړې
ډگر پاتې شوي دي تاریخ پوه آر نولد (د کلتورونو
مرکز) اصطلاح په کار و یوړل چې بېلابېل
فرهنگونه راپېژني او د فارسیانو ، یونانیانو ،
بودایانو او هندیانو لخوا تراغیزې لاندې راغلي
وو . پدې توگه یې یوه وتلې ودانۍ جوړه کړه . له
بده مرغه مادي میراث یواځې د ټوټو په حالت
کې پاتې دي ، خودلته په عمومي ډول لایره
چټکه اړتیا دهغو څیزونو ساتنې ته ده چې له دې

او پېژندنې په برخه کې کارنده او اغيزمن اقدامات ترسره کړي (پنځمه فقره) دامطلوب الزامات يواځې ډېر لږې اړیکې له جگړې ځپلو سيمو او ترجگړې وروسته حالاتو سره لري، هغه ځايونو کې چې داخلي نظم گډوډ شوي او اقتصادي منابع يې محدود دي، په داسې حالاتو کې دخلکو اساسي اړتيا وې لومړنۍ مواد دي مگر د ټولني بيا جوړونه او ملي يووالي همداراز د قومي او مذهبي ډلو دوه اړخيز ډاډ او باور بيا موندلو ته اړتيا لري. له جگړې وروسته ډېرې بيا رغاونې، بنسټونه له سره جوړ کړي، همدا راز د ټولني اړتياوو ته رسيدنه او د ټولني مانوي، کلتوري ارزښت ته اړتيا دي چې د بناري ټولنو د سيميزو ډلو لخوا يې درناوی کېږي.

افغانستان په رسمي توگه د نړيوال ميراث غونډه په کال ۱۳۵۸ هجري ل (۱۹۷۹م) کې دخپل منځني جگړې او اشغال ديوه پړاو په بهير کې له محدودو پايلو سره په رسميت وپيژاند. د افغانستان نوي مهالني مقام چې د طالبانو درژيم له نسکوريدو وروسته دانتقالي حکومت په توگه جوړ شو، د نړيوالي ټولني لخوا په رسميت پيژندل شوي او تر ټولو رومړي يونسکو خپل کارونه پدغه هيواد کې له سره پيل کړ. ديوه چټک نوبت په توگه د جام د لرغوني آثارو ځلي همدا راز د باميانود وادي کلتوري ميراثونه او لرغوني يادگارونه د نړيوال ميراث په لسټ کې په ترتيب سره په ۱۳۸۱ او ۱۳۸۲ هجري ل (۲۰۰۲ او ۲۰۰۳م) کلونو کې ثبت شول. په لسټ کې ددغه سيمو پر وخت ثبتيدل د افغانستان د کلتوري ميراثونو ساتنې ته د نړيوال اتحاد د بلنې لپاره يو سمبولیک کار دي همغه و چې ددغه اعلاميې سره جوخت د ترخطر لاندي سيمو په لسټ کې د پاتي کيدو له امله د افغانستان د کلتوري ميراثونو د ساتنې لپاره هر راز مرستي پيل شوي. همغه و چې د چټکو

مصيبتونو نه روغ پاتې دي. په باميانو کې د لوی بودا بت له منځه وړل او له اسلام له نظره د هنري آثارو قصدي ويجاړول د صبر په وړاندې د درناوي او دکلتوري توپيرونو له اساساتو څخه سرغړونه او همداراز داخلاقي معيارونو يو نېغ په نېغه نړيوال زورزياتي نښي.

هغه مهال چې رابرت بايزول په ۱۳۱۲ هجري ل (۱۹۳۳م) کال کې افغانستان ته سفر وکړ، هغه د Oxania په لور د ادبياتو د سياحت دلاري کتاب وليکه چې له يوې رومانتيکي منظري سره چې د مرکزي آسيا له منځه تللي فرهنگونه نښي خپور شوي او د له برمه ډکې ودانيو په ستاينه کې خبرې کړي چې له پامه غورځيدو او وړانيدو سره سره هم روغ پاتې وو. د کلتوري ميراثونو د ساتنې او بيارغونې په غرض دوينس ۱۳۴۳ هجري ل (۱۹۲۴م) کال منشور او نور نړيوال منشورونه، ميثاقونه او اعلاميې طرحه او دکامل پړاو ته ورسيدې.

له ۳۰ کلونو کار څخه ورسته د ميراثونو په ساتنه او په کلتوري برخه کې د نړيوالي همکارۍ لپاره د نړيوال ميراث ميثاق يوه مهمه وسيله وگرځيد، د ۱۷۵ لاسليک کوونکو په ارزونې سره د يونسکو لخوا د نړيوال ميراث غونډه دهيواد ونو ترمخ تر ټولو بريالي تړون دي چې تراوسه پوري سرته رسېدلي دي. تر ټولو لومړي تړون دا وټاکله چې کلتوري ميراث هغو خلکو او مليتونو پورې اړه لري چې په خپلو هيوادونو کې دکلتوري او طبيعي ميراثونو د ساتنې او څارنې دنده او مسئوليت لري، دوتلو تاريخي ودانيو د ساتنې په برخه کې ځانگړي هڅې او د نړيوال ميراث په لسټ کې د سيمو ثبت دسترو کلتوري کړنود شواهدو په توگه دبشر په تاريخ کې ترسره شوي دي. الزامونو ته لږه پاملرنه شوي دي. تړون ته ژمن هر هيواد دنده لري چې په خپل هيواد کې دکلتوري شتمنيو د ساتنې، څارنې

دهغوي څخه په عزت يادونه كوي. داسې غرورونه
ډير يادگارونه منځ ته راوړي چې په پاي كې د
نړيوالو ميراثونو په لسټ كې شامل شوي دي، خو
داځان غوښتنې د پخوانيو لاسته راوړنو د بې دليله
ورانو لامل هم گرځي، چې احتمالاً نوې ځلا پر تېر
مهال سيوري غوروي، مونږ په بشپړه توگه د
تجربي لور چې څنگه كلتوري ميراث په قصدي
توگه ويجاړ شوي ترڅو د يو څوك د غرور او د ځان
ستايينه وشي او ځلك دمطلق زور له مخې غلامۍ ته
بنكيل شي، چې دغه شمېر خلكو ته له پيغوره ډك
تاريخ نه پرته بل څه نده پاتي. د داسې پيښو بيلگي
بي شماره دي.

په افغانستان كې روان زړه بورونو نكي حالت
له زرونو كلونو راهيسې له امپرياليزم او داخلي
كړكېچونو سره د آسيا د لويې وچې پدغه مركزي
برخه كې روان دي. د چنگيز خان او مغل قوم
لخوا ويجاړونكي وړانې د سخت بريد په ترڅ كې
د چين او تورې بحيرې ترمنځ هيواد ونو كې په
۱۲۲۱ كال او راوروسته كلونو كې ترسره
شوپيښ شوي. ددې بريد اغيزې له اټكل نه بهر و
داسې چې دديارلسو پيړيو عالي مدنيتونه يې له
منځه يووړل او تش ښارونه لكه شه خوشك، شاه
زوهك، شاه غلغله او له خټو ډكې كانالونه يې پر
ځاي پريښودل ولي د يادولو وړ بريښي چې خورا
لږځايونه دي چې هيڅكله بيا لاس ته را نغلل، د
ديوالونو وړانې ورغول شول او د د لويو ښارونو
برجونه له همغو خاورو څخه د جوړ شوي خامو
خښتو اود لمر په وړانگو په وچو شوي خښتو
سره بيا ورغول شوي، او يواځې د ډبرو څخه د
جوړ شوي لوي لوي وړان شوي ديوالونو نښې
د پخواني مدنيت او ځان غوښتنې د شاهد په
توگه پاتې شوې دي.

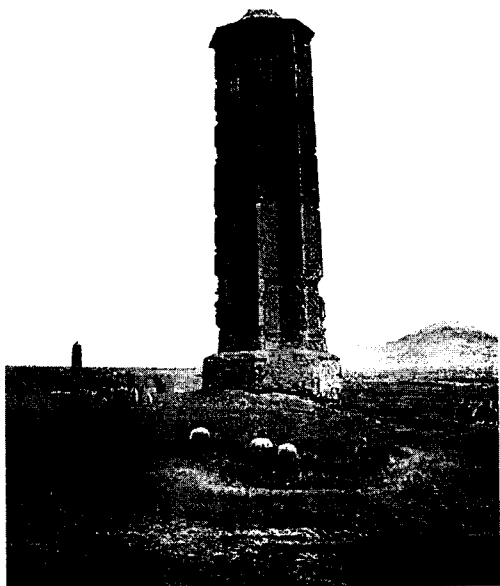
په بخارا كې د سمانيد تاريخي هديره د نهمې
پېړۍ د لومړنيو مسلمانانو دلړۍ د يوه تاريخي اثر په

كړنو او دا احتمالي اقتصادي پياوړتيا لپاره د نړيوال
ميراث له پانگې څخه داسې مرستي لازمي وگڼل
شوي. له دې پرته د نړيوال ميراث د ساتني لپاره
ځانگړې غوښتنې د دغو سيمو له ارزښت څخه دنه
خبرتيا په صورت كې نه تامينيږي. اوددې چارو
دادارې لپاره پلان د ټاكل شويو كړنلارو ديوي
برخې په توگه منځ ته نه راځي.

۱۳۳۳ هجري ل (۱۹۵۴ م) كال دلاهي غوښته
ديونسكو دقانوني اهليت د برخي اړوند، موخه لري
چې قانونونه د كلتوري ميراثونو د ساتني لپاره
د جگړې او وسله والو نښتو پر مهال منځته راوړي.
همداراز د كلتوري ميراث ساتنه په نړيوال بشري
قانون كې بشپړ شوې دي د بيلگې په توگه د ژنيو
غوښته او هغه تړونونه چې په ۱۳۵۲ هجري ل (۱۹۷۷ م)
كال كې پر هغې زيات شوي دي او په ځانگړي ډول
هغسې چې د ملگرو ملتونو د بشري حقونو د اعلاميې
په ۲۲ ماده كې راغلي دي. د نړيوال كميسیون رپوت
د كلتور او پرمختگ په هكله په ۱۳۷۴ هجري ل
(۱۹۹۵ م) كال كې «زموږ ځانگړې توپير» د پرمختگ
او كلتور ترمنځ د يووالي په برخه كې څرگندونې كړي
چې د كلتوري خپلواكۍ له لارې د جنسيت د مناظرو
په گډون دود كېږي، په دغې نوي پوهه او نظر ښايي
هيله وشي چې تر جگړې وروسته د كلتوري ميراث
ساتنه د انتقالې پړاو پر مهال د مدني ټولني
دييارغونې په اجندا كې لوړ ځاي لري. حالات
كړكېچن دي او د نړيوالې مرستې او يووالي غوښتنه
كوي.

د نښتو اوږد تاريخ

ظالمو واکمنو تل خپل غرور او ځان غوښتنه
دنوي او تاريخي ودانيو د جوړولو له لارې
څرگند کړي دي چې په تاريخ كې په يوې نوې دورې
د لالت كوي او له هغوي څخه وروسته نسلونه



© فلمنگ آند

۱۴

۱۴. د غزنویانو د دورې له برجونو څخه چې په نولسمه پېړۍ کې په خراسان کې پیدا شوي دي.

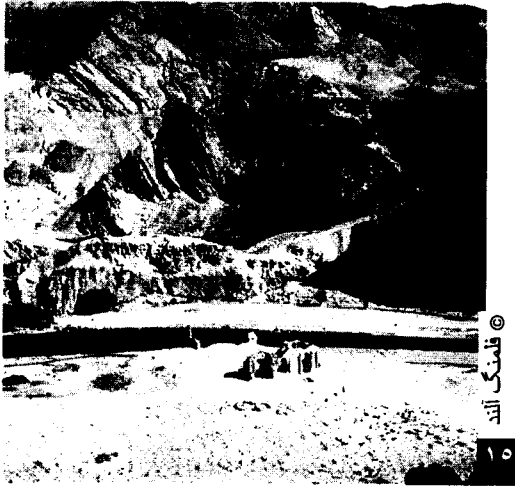
ساتونکو لخوا یې ساتنه کیده. د غزني په سلطنتي ښارياني هغه ځای کې چې د غزنویانو دامپراطورۍ پلازمېنه وه د هندوانو د خدایانو په گډون له مرمرو څخه د جوړ شوي په زرگونو مجسمو څخه، دلوي جومات دنتوتو دزینو په څپو کې کار اخیستل شوي و، هغه څه چې زیاتره خورا سخت و هغه حقیقت دي چې یو ډیر شمېر هندوان په اسلام مشرف شوي وو، چې دهغه بهیر له پیل څخه تر اوسه پورې دهند لویې وچې ته سر خوري دي.

غوریان پخپل ذات کې د پردیو دکلتورونو په وړاندې وړاندوونکي نه وو. ددې دورې ډېر مشهور تاریخي اثر اوس دنړیوال میراث په لست کې لیکل شوي چې د هریرود د سیند پر غاړه دهندو کش دغرونو په مرکزي برخې کې ولاړ دي. ددغه جادويي څلي اصلي موخه مبهمه ده، خو آسمان څکي لوړوالي یې غالباً دغزنویانو په وړاندې د بريالیتوب څرگندويي کوي، ښایي په شاوخوا دښتو کې راتلونکې کیندنې په پای کې دغوریانو دپلازمېنې ښې څرگندې کړي.

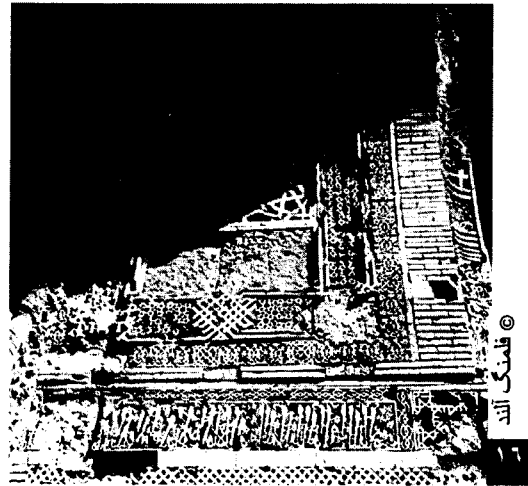
توگه، دخپل ټینګښت له امله چې له پخو خښتو څخه جوړه شوي، پاتې دي. دښایست نازکې نمونې دودانې په مخ دهورو قالبینو په څېر اوبدل شوي چې دنوي سبک دمعماری زېږې وړکوي، دودانیو له هغو ډیزاینونو سره چې دآسیا په مرکز کې دمسلمانانو دلومړنۍ پرمختګ پر مهال له هغې وړتیا سره چې دعباسي پاچاهۍ اوسمارا مایو نه منشاء اخلي ترې کار اخیستل کیده توپیر لري.

دا دخښتو څخه بایسته جوړ نښتونه دسلجوقيانو دپلورونو او نیکو نو هیواد خراسان کې او په وروستي پېړیو کې Transoxania ښکاره کوي. دغزنویانو او غوریانو لړۍ دغه فوق العاده او مغلق جوړښتونه یې له خپل هیواد یانې غور څخه چې دهندو کش دغرونو په مرکز او غزني څخه چې داوسني افغانستان په سهیل ختیځ کې پروت دي، گاونډیانو ته خپاره او ولېږدول. له هغه ځایه هغوي دامپراطورۍ حورول پیل کړي چې له اسلام نه مخکې درنسانس د دورې پیل هم و، او یو لږ شمېر ودانۍ چې لدغې دورې څخه پاتې دي دافغانستان له ډېرو ارزښتمنو خزانو څخه گڼل کېږي.

غزنویانو دخراسان واك چې دآمو د سیند په سهیل کې پروت دي په ۳۷۳هجري ل (۹۹۴م) کال کې په لاس واخیستل، او د غزنویانو امپراطورۍ د خپل واکمني سیمه له افغانستان او ایران نه تر هندوستانه پوري وغځول. سلطان محمود غزنوي لږترلږه اوه لس څلي پرهندوستان باندي لښکر وويست. هغه دهندوستان او پنجاب شمال لويديځې برخې د خپلې امپراطورۍ برخه وگرځولې او خپلې خزانې یې دهندوستان دعبادت ځایونو پر چور او تالان ډکې کړې. په لښکري بازار کې لرغون پوهنې دوام وموند او یو ټولنيز تصور یې د خپل د اوړي د موسم د له برمه ډکو اوسترو مایو څخه ورکړ، هغه ځای چې تشریفاتې غونډې پکې کېدل او دخلورزوو وسلوالو



فلمنگ آند



فلمنگ آند

۱۵-۱۲. په بادغيس د شاه مشهد د مدرسې پاتې او دهغې
بنکلاوی

له ليکلونو څخه دا سي څرگندېږي چې ټول آثار د بنځو لخوا ليکل شوي دي. سره له دې چې د بنسټ ايښودونکي نوم پاک شوي دي. لکه ډبرې نورې ليکنې چې پرکانو شوي او په تاريخي ودانيو کې موجودې دي. له پيغوره ډکې انگېزې ډبر څله د وگړو په ځواک او په تېرو کړنو ټينگار کوي او په دې هکله بنايي هغه حقيقت چې يوي دلور مقام يوي بنځي دا ډېره نازکه ودانۍ والۍ کړي وي پټ کړي.

د غوريانو څخه يواځې لږ شمير ودانۍ پاتې دي او ټولې يې په بېلو بېلو ځايونو کې د غرونو په شاوخوا سيمو کې پراته دي چې په سختۍ ورته تگ کيږي. نورې ودانۍ چې له دغې دورې څخه راپاتې دي د پخوانيو زمانو څرگندونکي دي.

دهرات جامع جومات چې له نيکه مرغه دوروستيو وسله والو نښتو پرمهال له ډېر زيان نه بچ پاتې دي.

هرات، د خراسان پلازمينه د تېموريانو

په وخت کې

مغلانو د غوريانو او غزنويانو لپړۍ پاي ته

ورسولې، د گوند تيمور پر خلاف، د پنځلسمې

نيمه پېړۍ وروسته په ۵۷۸ هجري ل (۱۱۹۹ م) کال د قط (Quth) څلي د هندوستان په ډيلي کې د غوريانو د يوبل پاچا لخوا د ۲۷ هندي عبادت ځايونو له وړانولو وروسته، د بري د شاهدي ورکونکي نښې په توگه د هندوستان د شمالي برخې په اسلامي سيمه کې جوړ کړاي شو. يواځې د جام څلي دهماغه پېړۍ له يو شمير اثارو سره د نظره څخه په ليرې پرتو سيمو کې پاتې دي. چې اوس د نړيوال ميراث په لسټ کې د خطر په حال کې ثبت شوي دي. يونسکو يو چټک ټيم د ودانيو د رغولو او د سيلاوونو له امله د لازياتې ويجاړۍ نه دمخنيوي لپاره واستاوه. د غوريانو د دورې يوه بله د پام وړ ودانۍ ډېره ناوخته په ۱۳۴۹ هجري ش (۱۹۷۰ م) کال د مرغاب د سيند

پر غاړه د افغانستان د شمال په ليرې پرتو سيمو کې وپيژندل شوه. ويجاړه شوې ودانۍ چې د يوې لومړنۍ مدرسې ودانۍ ده اوس هم په اسلامي نړۍ کې اوچت ځاي لري. هغه يادگارونه چې پرکاني ليکل شوي ووياني ۵۷۱/۷۵-۱۱۷۵ د جوړولو نېټې بيانوي او د جوړونکي ستاينه کوي..... «دلوی او بنسټونکي خدای ج په نوم هغه امر وکړ چې دا مقدسه، لوړه، نېکمرغه او علمي مدرسه جوړه شي..... (نوم هېر شوي دي)»



فلمنگ آند
۱۷

۱۷. بالاحصار د اختيارالدين كلا، چې د يونسکوله
خوا له ۱۳۵۳ څخه تر ۱۳۵۹ هجري ش (۱۹۷۴ څخه تر
۱۹۸۰ م) کلونو پورې بيارغول شوی او په هغی کی
مهارتونه او عنعنوي مواد کارول شوی.

نه تينگولو له امله په ۱۳۵۹ هجري ش (۱۹۸۰ م)
کال کې ونړېد او بل يې دگوليو د لگيدو څخه د
را پيدا شوي لويو سوريو له امله چې پر بدن يې
لگيدلي په خورا ناوړه حالت کې دي. همدا اوس
پنځه نور ځلي يې په ناډاډمنه حالت کې دي، او
د پنځلسمي پيړي څخه د را پاتي کاشي تختې
يې په سيمه کې خواره دي.

په پای کې شوروي سرې لښکرې
په ۱۳۵۸ هجري ل (۱۹۷۹ م) کال کې راوړسېدې
او د تيموري مشهور پلازميني مقام يې د سمرقند
او بخارا په شان چې د ورينمو دلاري پرامتداد
پروت ؤ او په پنځلسمه پيړي کې د کلتوري ارزښت
له امله ځانگړې شهرت درلود زيانمن کړ.

د راوړل شوي بدلونونو سره بيا هم هرات د يوه
تاريخي ښار په توگه يو نادر اسلامي ښار دي چې
د شاوخوا اصلي ودانۍ يې د ښار د ډېوالونو د ساتل
کيدو له امله په امن پاتې شوي، په کال
۱۳۵۹ هجري ل (۱۹۸۰ م) د ښار په سهيلي او
لويديځو څنډو کې يو امنيتي زون جوړ شو چې د زون
ټولي ودانې او دهغه په امتداد او شاوخوا کې تر

پيړۍ په بهير کې په تيمور پسې پاچا او ترې
وروسته نسل يې د اسلامي کلتور او هنري آثارو
يو فوق العاده رنسانس د آسيا په زړه کې منځته
راوړ. کسبگرو او پوه کانه توپوونکي
دامپراطورۍ سمرقند، بخارا، هرات او د مرکزي
آسيا نورو گڼ مېشته او بډاي ښارونو ته
وغوښتل شول او د ازاد تجارت او کلتوري
تبادلې دگټې اجازي دکاروانونو د لارو په اوږدو
کې ورکړل شوه. گوډ تيمور په ۱۴۰۵ م کال کې
مړ شو او دهغه جنازې ته دچين پر لور د بيولو
اجازه ورکړل شوه او امپراطوري يې څه ناڅه
ړنگه شوه. دهغه ځاي ناستي د هنر د ډگر واکمن
شول او د ليدو وړ فوق العاده ودانۍ يې جوړې
کړې چې د ايران صفوي او دهند مغولو معمارانو
ته مثال وگرځېدې د پادشاه شاهرخ چې د گوډ
تيمور زوي ؤ او نامتو ملکه يې گوهر شادبيگم
پروخت هرات دنوي پايتخت په توگه جوړ شو، نه
يو ځي دلورو ودانيو د جوړولو پروگرامونه يې
پيل کړل بلکې د يوه کلتوري چاپيريال په
جوړولو سره يې يو زيات شمېر د ميناتورې
نقاشان چې نامتويې بهزاد ؤ وروزل. د ځاي
ناستو په دورو کې چې د انحطاط او غربت وخت
ؤ دا آثار ونه ساتل شول خو نيمه پيړۍ وروسته
په هرات کې د سلطان حسين بايقرا د مدرسې
ورانيدل لاهم د مسافرو ترمنځ شهرت درلودې،
پدې چې په ټوله مرکزي آسيا کې لويه وړانې بلل
کېده. په کال ۱۲۴۲ هجري ل (۱۸۸۵ م) کې يې
پاتي برخې د بریتانيا د استعماري ځواکونو لخوا
د جنگي سيمې داوارولو په نوم وړان شول چې
پدې توگه د روسيې احتمالي يرغل پر هرات دفع
کړي. يو ځي د گوهر شاد هديره او له ۱۰ نه ۹۹
ځلي پاتي شول، د پاتي څلو څخه دوه يې
د ۱۳۱۰ او ۱۳۳۲ هجري ش (۱۹۳۱ او ۱۹۵۳ م)
کلونو په زلزلو کې را ولويدل. يو يې د جوړښت د

اوږد تاريخ او اسلامي هويت يې دواړه په گډه سره د يوه روغ ميراث استازيتوب کوي. اصلي ودانۍ يواځې د بالکن په دننه د ودانې په شا کې ښکاري چې د غوريانو اصیل او معتبر صنعت چې خښتې يا کودړينې دي يې خوا په وتلو برخو کې ښکاري او زيارته په صافو تېرو کې چې درنگه خټينو د کارولو پواسطه چې په شاتنۍ برخه او داخلي گنبدونو کې کار شوي ساتل شوي دي. پدې ډول د غوريانو دوخت دننوتو اصلي لار درنا کولو او هم د سره په خوښه او سيدني برخه د تېموريانو د يو زيات شمېر مخکاريو سره پاتې شوي دي (لمن ليک). په کيندنو کې د غوريانو اصلي خښتې په روښانه رنگونو لکه سور، مسي او شنو رنگونو څرگندي شوي چې خټينو خښتو له طبيعي نصابي رنگ سره يې توپير درلود. دا متعادل بيارغونه په کال ۱۳۳۹ هجري ل (۱۹۶۰ م) کال ديونسکو په مرسته او د افغاني معمارانو په توگه د سيمې د اوسيدونکو په روزنې سره چې زده کړې يې وکړي پاي ته ورسیده، ترڅو زده کړه وکړي او د سيمې د لاسي صنايعو ارزښت وپېژني او د بيا رغونې د معماري اساسي پوهه تر لاسه کړي. دلوي جومات د دهليز دننوتو لار ښايي د ټولو ودانيو د بې مانا له منځه تلو لوي يادگاروي چې د افغانستان د کلتوري ميراثونو په ډگر کې پېښ شوي په يوه مثبت نظر د بالکن ښايي د افغان تاريخ د مختلفو هنرونو نښه او د دغه هيواد ټولو مذهبونو، قومونو او کلتورونو ته د درناوي او د ښه نظر درلودو لاره وي.

د ساتنې هر اړخيزه اصول

د شوروي اشغال نه وروسته او بيا د ۲۰ کلونو کورنيو جگړو له امله د سياسي او ټولنيز ثبات

۵۰۰ متري پوري پراته ودانې په بشپړه توگه ونړول شول. له هغه وخت نه وروسته تقريباً ټول زوړ ښار د دولتي ځواکونو او د هغو د مخالفينو ترمنځ چې په کليو او باڼو کې اوسيدل د جگړې لومړۍ کرښه وه. په نتيجه کې داسې اټکل شوه چې کابو زر کورونه يواځې په زوړ ښار کې چې تاريخي ارزښت يې درلود خورا سخت زيانمن شوي و او ياکله چې استوگن يې ترې ووتل وران شول (۴).

دهرات جامع جومات

له نيکه مرغه د هرات جامع جومات او د هرات په شمال کې د گذرگاه د معبد ټولې ودانۍ روغ پاتې شول لکه څنگه چې اوس ښکاري جامع جومات د درې بيلابيلو دورو د جوړېدو لاس ته راوړنه ده.

جومات له ۱۳۱۹ هجري ش کال نه تر ۱۳۴۹ هجري ل (۱۹۴۰ م کال نه تر ۱۹۷۰ م کال پورې په دوامداره توگه تر بيا رغونې لاندې و چې باندیني ټولې برخې يې په کاشي او زينتي رنگه ښېښو ښايسته شوې چې د سيميزو کارگاوو پواسطه د تيموريانو د موډلونو په شان جوړ شوې دي. ټول جومات د شکل له نظره په مکمل ډول بيا ورو غول شو. چې کېدای شي د اروپا د نولسمې پېړۍ د حرفوي بيا رغونې سره پرتله شي، د اطرېقه فکر نه کيده چې د وينس (Venice) ښار د منشور دورانديز ونوڅخه پيروي وکړي، که څه هم سنتي طريقې د سيميزو صنعتکارانو لخوا دودانيو د اصلي شکل غوندې اجرا شوي. کار ډير لږ د انتقاد وړ گرځيدای شي، په هر حال د سطحو درنگ الوتو برخو ظرافت او ځلا ښايي د معماري زيات ارزښت ښکاره کړي او د ودانۍ د موادو اصليت ښيي. اوس هم ترې دلوي جومات په توگه گټه اخيستل کېږي. د افغانستان

کې بيان شوه چې داروپايي ټولني دغړو لخوا ومنل شوه. دکلتوري ميراثونو دساتنې تړون يې د يوه بنيادي بناړ او هيواد دپلان گذاري په توگه تصديق کړه. او ټينگار يې وکړ چې ميراثي معماري ديوه لوي کلتوري، چاپيريال او د پاليسيود پلانگذاري لويه بڼه جوړوي، چې دژوند دکيفيت له لوروالي سره مرسته کوي، غونډه ديوه کلتوري سيستم څخه دگټې اخيستنې پر ارزښت باندي ټينگار وکړ چې دکلي او بناړ چاپيريال ته وده ورکړي او کلتوري، ټولنيز او اقتصادي پرمختگ ته وده ورکړي. دنړيوال کيدو په منځنۍ پړاو کې دشلمې پېړۍ په وروستي لسو کلونو کې دپرمختگ د فوق العاده بڼې سبب شو. د تکنالوژي پرمختگ دنړۍ ټولو برخو ته دسياحت امکانات برابر کړ. او کيداي شي د پېښو خبرونه په ثابت ډول په ټوله نړۍ کې خپاره شي. اود پېښو خبرونو په ثابت ډول ټولې نړۍ ته ورسېږي. داټول ژور بدلونونه په شلمه پېړۍ کې پېښ شول او ديو شمېر وړانديزونو له مخې دژوند له ستري حالت څخه يې رڼايي ته راوړ.

لکه څنگه چې پدې هکله ليدل شوي، چاپيريال ته گواښ، نوريوه کورنۍ او سيميزه مسئله نده او په حقيقت دژوند حالت يو نړيوال گواښ دي که څه هم فزيکي چاپيريال پورې اړه لري همدارنگه زمونږ فرهنگ سره هم اړخ لگوي، په نتيجه کې اوس کلتوري ميراث يو داسې شي دي چې بيانه پيدا کيږي چې له پيداشوي ميراث سره يو ځاي دله منځه تللو تر گواښ لاندې دي، لکه څنگه چې د طبعيت د بيلا بيلو اساساتو له مخې بيان شوي دي دا تړون د ټولو خلکو دکلتوري او طبيعي ميراثونو دساتنې لپاره د ټولو خلکو د سره همغږي او گډ مفکوري ته پراختيا ورکړيدي، اودغه ميراثونو د

ويجاړتيا دکلتوري ميراثونو ساتنه دلومړيتوبونو د لست په اخر کې راوست. داساسي مسئلو په اړه دسياسي او کلتوري نظر ديو شان والي نه پرته په يوه ټولنه کې دپاتې کلتوري ميراثونو ساتنه دټولني وگړو ته بې گټې ده دغه څرگنده پوښتنه دکلتور او پرمختگ دنړيوال کميسيون په پيغامونو کې راغلي چې «څنگه کولي شو کرکه په درناوي او دخپلواکۍ دکلتور په پايله بدله کړو» په يوه بې ثباته هيواد کې چې داخلي امنيت پکې محدود او بشري حقونو ته خورا لږه پاملرنه کيږي گرانه ده چې تصور وکړو چې څنگه دکلتوري پاليسۍ مفکوري ته دځانځاني او بنياد گرايي پر لور چې له قران شريف نه تعبير کيږي، پراختيا ورکړو. وروستيو وړاني دطالبانو پر لاس دپاميانو په وادي کې دبودا بتان و چې د ۱۳۸۰ هجري ل (۲۰۰۱م) کال په مارچ کې ديو نسکو او نړيوالو دغوښتنو سره سره ونړول شول.

په ټوله نړۍ کې دانسان په لاس دجوړو شوو بتانو په منځ کې خورا لوړ مقام درلود. نه يواځې هغه وخت چې داروپا دمنځنيو پېړيو دبتانو د ماتولو تصويرونو دقهر وړ عمل په توگه زيري ورکوه، په روښانه ډول دطالبانو نامعقوله استبدادي نظام زمونږ ټوله ليوالتيا بې نتيجې وگرځوله.

دکلتوري ميراثونو دساتنې پاليسۍ دلومړي ځل لپاره په تېره پېړۍ کې په اروپا کې فورمول بندي شوه او بيا په عمده ډول دانفرادي آثارو لکه داشرافو دکورونو، نورو کورونو، ماڼيو او بنکليو کليساوو ته لار پيدا کړه، په ۱۳۴۹ هجري ل (۱۹۷۰م) کال کې دنباړي برخو اوتاريخي سيمو پوره ساتنه داروپا دپاليسۍ يوه برخه شوه او په ۱۳۲۴ هجري ل (۱۹۸۵م) کال کې داروپا دميراثي معماريو دساتنې په غونډه

۷، داروپا دمعماري دميراث دساتنې تړون،
گرينادا ۱۳۷۴ هجري ش (۱۹۸۵م)، لسمه ماده.

ټول بشريت شته او ساتنه يې د ټولو خلکو د گډ
مسئوليت په توگه مني. د تړونونو او لارښودونو پر
عملي کيدو زياتي څرگندونې شوي او اوس زيات
ټينگار کيږي چې دا د (ساتنې طريقه) څه وبلل شي،
له جگړې څخه په وروسته په سيمو کې لکه په
افغانستان کې د خلکو بيا ميسشت کول او دکار په
مقابل کې د خوراک پروگرام يو رښتيني اړتيا ده او
يو اځيني اقدام دي چې بنسايي مرسته وکړاي شي.
پخې خښتې نه ماتيږي خو خامې خښتې په ودانيو
کې د خامو خښتو د خټې په توگه بيا په کارېږي.
بېړنۍ موخه دورانو ودانيو بيا جوړول دي ترڅو
خلکو ته بيا راتلل او ځاي پرځاي کېدل آسانه شي.
ولي دوامداره پرمختگ د کلتوري تشخيص
پواسطه وروزل شو او د ودانيو د بيارغاونې په
عنعنوي طريقو کې دودانيو او تاريخي آثارو په
هکله ريښي ځغلوې وې.

يادښتونه

- ۱، ل، دوپري، دپرنستون پوهنتون چاپ،
افغانستان ۱۳۵۲ هجري ل (۱۹۷۳م).
- ۲، نوی ماموريت د ايتالوي معماراندرې بورنو
پواسطه دوداني د ټينگښت لپاره د هڅو د رامنځ ته کولو
وعده شوي او ديونسکو لخوا په کال ۱۳۴۹ هجري ل
(۱۹۷۰م) کې پيل شو.
- ۳، م، کاسيمير، ب، گلاتزر، دمشهدپاچا او پدې
وروستيو کې په گرجستان کې د غوريانو مدرسه کشف
شوه، ختخ او لويديځ ۵۳.۲۷ مخونه.
- ۴، دافغانستان د جگړې له امله د ورانيو رپوت
د جوليون لسلی لخوا UNCHS، هبيتهات، ۱۳۲۹ هجري ل
(۱۹۹۰م).
- ۵، دهرات په جامع جومات کې د غوريانو د وخت د ننه
وتلو د دروازي بيارغاونې چې دمعمار دانش اريك هبنس
او ځوانو افغاني زده کوونکو لخوا ترسره شوه.
- ۶، دکلتور او پرمختگ په اړه نړيوال تړون، زمونږ
جوړوونکي توپيرونه، يونسکو ۱۳۷۴ هجري ل (۱۹۹۵م)

مخ ۲۵

د کابل د موزیم د موجودي لست: د نظم د بیا راتلو لپاره هلي ځلي

لیکونکي کارلا کریسمن

میرمن کارلا کریسمن له ۱۳۵۱ هجري ل کال (۱۹۷۲ میلادي کال) څخه تر ۱۳۵۹ هجري ل کاله (۱۹۸۰ م) پوري د کابل په موزیم کې د آسیا د بنیاد (Asia Foundation) د قراردادې په توګه دنده ترسره کوله. له ۱۳۷۳ هجري ل کال (۱۹۹۴ م) راهیسي میرمن کارلا هر کال کابل ته راځي او د څو میاشتو لپاره د کابل د موزیم د موجودي د لست د جوړولو په پروسه کې کار کوي. هغې د افغانستان د کلتوري اثارو د ساتني په ټولنه (SPACH)، کې چې په ۱۳۷۳ هجري ل (۱۹۹۴ م) کال کې د پاکستان په پلازمینه اسلام آباد کې جوړشوي د افغاني پلاوي مسئله وه.

۲۳ کلنه جګړې د افغانستان کلتوري میراثونه یې ویجاړ کړ، لرغوني سیمې په منظمه توګه لوټ شول، د کابل موزیم وران شو او د هغې کلکسیونونه لوټ شول. د دې لپاره چې په موزیم کې څه پاتې دي د هغې د تثبیت لپاره لومړني موجودي په کال ۱۳۷۵ هجري ش (۱۹۹۲ م) کې پیل شو. د هغو څنډو د پیژندنې په مقصد چې د موجودي د چارو په وړاندې موجودي وي، لازمه ده چې پرهغو شرایط باندې چې تر هغو لاندې دغه موجودي ترسره شوي خبرشو. چې دادي ددغو وروستیو پېښو لنډیز په لاندې توګه وړاندې کیږي:

د کابل موزیم په تیرو کلونو کې

په ۱۳۵۸ هجري ش (۱۹۷۹ م) کال یانې د کمونستي انقلاب څخه یو کال وروسته، نابیره د کابل د موزیم د اثارو د لیږدوني امر له دارالامان څخه چې د کابل د ښار په لمنو کې موقعیت لري د محمد نعیم خان متروکه کورته چې د فرانسوي د سفارت په څنګ کې پروت دي ورکړ شو.

پدې چې ټوله سیمه په یوه وسله واله سیمه بدل شوې و، د موزیم ودانې چې د دفاع د وزارت په څنګ کې یعنی د دارالامان ماڼي ته نږدې پروت وو وتړل شو.

د مانيې کي د مرکزي بانک ضرابخاني ته او نور
سندوکونه يي د اطلاعاتو او کلتور وزارت ته
وليردول شوي. پداسي حال کي چي پاتي يي د کابل د
موزیم په بيلابيلو ډيپوگانو کي پاتي شول. درانه
شيستونه، له چوني څخه جوړشوي درانه بوتان او
ليکل شوي اثرونه پخپلو ځايونو کي پاتي شول. د
سرو او سپينو زرو سکي او د سرو زرو شيان چي له فلو
تپيه څخه ترلاسه شوي ؤ او د باختر د کلان تپيه د
نداري وړ د سرو زرو لويه خزانه د جمهوري رياست
په مانيې کي گدام شو.

د ۱۳۷۱-۱۳۷۴ هجري ش (۱۹۹۲-۱۹۹۵م)
فاجعه زيرونکي کلونه د کابل او د کابل د موزیم د
ورانپو کلونه ؤ. د کابل د موزیم لوتول په ۱۳۷۲ هجري
ش (۱۹۹۳م) کال کي پيل شو او هر ځلي چي
دارالامان لاس په لاس کيده دا چور او تالا ترسره
کيده. په ۱۳۷۲ هجري ش (۱۹۹۳م) کال کي پرموزیم
باندي مرمي ولگيدي، د وداني پاسني پور او بام يي
ويچار شو او موزیم لاد چور او تالاگرو عناصرو د
چور او تالا له خطر سره مخ شو. د ۱۳۷۳ هجري ش
(۱۹۹۴م) کال په لومړيو کي د ملگرو ملتونو د بشر د
بيا ځاي پر ځاي کولو مرکز د موزیم د وداني دوهم پور
د باد او باران د خطرونو څخه د ژغورني په مقصد
جوړ کړ، او د لومړي چت د پخوانيو دروازو پر ځاي
اوسپنيزي دروازي ولگول او ټول کړکيگانو يي په
پخو خښتو بند کړ. د اورلگيدنه د موجودي د
لستونو، د عکاسي د کوټي، د دلبرجين د فرسکو
گانې او دشلي تپيه او زياتره اسلامي، نښينه يي او
فلزي شيانو په گډون د دفتر د يادداشتونه د
ويچاريدو سبب شوي ؤ.

گدام له ۲۵۰۰۰ سکو سره لوت شوي ؤ. د
افغانستان د کلتوري اثرونو ټولنه په ۱۳۷۵ هجري
ش (۱۹۹۲م) کال کي په اسلام آباد کي جوړ شو. د
گيومت د موزیم يو غړي د ۱۳۷۴ هجري ش (۱۹۹۵م)
کال په اوږي کي د يونسکو په مالي مرسته کابل ته
سفر وکړ ترڅو د موزیم کارکونکي سره د مختلفو

د لومړي پور شيان په کارتنونو کي ځاي پر ځاي او
وليردول شول او ټولي زيرخاني بندي او مهراک شوي.
د محمد نعيم خان د کور په هره کوټه، دهليزا و زيرخانه
کي د موزیم شيان ترچته پوري ډيري او انبار شول.

په باغ، ويترينونو، الماريو، د بتانو په پایو، په
زاره او مات شوي لوازمو او فلزي قوټي گانو کي
سکي خواره ؤ. د موزیم کارکونکي د مستخدمينو
اوسيدن ځاي ته کډه شول او د موزیم کتابخانه يوه
گراج ته وليردول شو. د ۱۳۵۹ هجري ش (۱۹۸۰م)
کال د اکتوبر په مياشت کي د موزیم شيان بيرته
دارالامان ته وليردول شول. د وداني حالت يي د پخوا
په پرتله ښه ؤ، کوټي يي رنگ شوي ؤ، لازم تشنابونه
جوړ شوي وو، او د وداني د فرش ساتنه کيده.

د موزیم کلکسيونونه چي په معجزوي توگه خورا
لوزيان ليدلي ؤ بيرته په پخوانيو کوټو کي ځاي پر
ځاي شول، ټول د ننداري وړ شيان لاس ناخوړلي
پاتي ؤ تردې چي په دا نوي اقدام سره په ځانگړي
توگه په ديوالونو کي د (فرسکوگانو) ليکني، دلبرجين
اودشله تپيه، د آي ميرمن څخه ځني اثرونه اوله
مرمرو څخه جوړ شوي يوهندي شاهي سوريا چي نوي
دشوروي عسکرو پواسطه د خيرخاني په سيمه کي
کشف شوي ؤ په هغو کي زيات شوي ؤ.

پداسي حال کي چي افغانستان د جهاد په لومړي
کلونو کي په دوامداره توگه له ورانيو سره مخ ؤ، مگر
په کال ۱۹۸۹ کي کابل او د کابل موزیم په نسبي
توگه له زيان څخه ژرغوني ؤ. مگر موزیم ته پدي چي
د جبهې په لومړي کرښه کي ځاي درلود، د زيان
رسيدو له ډاره د نجيب حکومت په رسمي توگه موزیم
يي بند کړ او امريي وکړ چي د موزیم هغه اثرونه چي د
نداري لپاره ايښودل شوي ؤ او شمير يي ۲۰۰ ته
رسيده گدامونه ته وليردول شي او وروستي
ليږدېدني ته چمتو کړاي شي. او د کلتوري اثرونو
ځني کلکسيونونه تړل شوي ؤ. د ځاي پر ځاي کيدو د
خطرونو د لږولو په غرض ټول اثرونه په يوه ځاي، د
کلتوري اثرونو ځني سندوکونه د جمهوري رياست په

هم ندي پاتي. ليکل شوي نسخي او میناتورې گاني
چي کلونه مخکي ملي آرشیف ته لیږدول شوي
خوندي بلل شوي.

د موزیم کارکونکو د شپږ میاشتو لپاره د موجودي
د لست د جوړلو په لومړي پړاو باندې چي خورا سخت
پړاو یې و کارو کړ. د موجودي د پروسي د پرمخ بیولو
لپاره د تر مخکې لاندې نړیدلي گدامونو په هره برخه کي
چي امکان درلود د موزیم د کارکونکو او د افغانستان
د لرغون پیژندنې د انستیتوت د دوو تنو غړو لپاره چي
کلتوري اثارونه یې یوه یوه توکړ له شاوخوا څخه ټول او
سره لاس په لاس کول د کارځایونه برابر شول. د اثارونو
هره ټوټه چي زیاتره د گدامونو څخه و اندازه کیده او په
درې ژبه پري د گڼي نمبر، د اثارونو ډول، د لومړني
موجودي نمبر، مبداء، مواد، اندازه، شرحه، اوسنی
موقعیت (د بکس نمبر) یې شرحه کیدل چي د پاني په یوه
مخ کی د پنځلس قلمه په شاوخوا جنسونه کي ليکل
کیده او بیا د سيمي پر بنسټ په دوسیو کي ځای پر ځای
کیده. وروسته دغه یادداشتونه په انگریزي ژبه اړول
کیده او د انفرادي موجودي په واره مخونو کي په قلم
ليکل کیدل. پدي چي په کابل کي برېښنا او د فوتو کاپي
اسانتیاوي نه و، د موجودي د انگریزي لستونو نقلونه
هم د قلم سره وليکل شو. دغه اثارونو عکسونه له هرو
پنځو څخه د یو یو نیول شو چي هغه په خورا سختو
شرایطو کي ۵ پر ۵ سانتی متره واره عکسونه د
موجودي د لستونو د انگریزي ژباړي په کوچني مخونو
کي ولگول شوي. او دهغوي نقلونه د وروستي شمیرني
په غرض په سرینس لرونکي پاکټونه کي په البومونو کي
په درې ژبه وليکل شوي او د موجودي د لستونو سره یو
ځای کینودل شوي، او په ډارونکي ورځو کي چي د
طالبانو د راتگ تمه کیده هغه جنریتور هم غلا شو کوم
چي د افغانستان د کلتوري اثارونو د ساتني ټولنه
ورکړي و. کابل ته د طالبانو د راتگ څخه دوه اونی د
مخه ۵۰۰ قوطني، سندوکه او بکسونه کابل هوتل
ولېږدول شوي او په مجموعي توگه ۳۴۳۹ قلمه لرغوني
اثرونه (۷۱۱ عکسونه) ثبت شو.

کلتوري اثارونو او د گدامونو په پاکولو کي مرسته
وکړي او د پاتي شوي اثارونو د موجودي پلان جوړ
کړي. همدارنگه په کال ۱۳۷۴ هجري ش (۱۹۹۵ م) کي
د افغانستان د کلتوري میراثونو د ساتني د ټولني
(SPACH)، د اړیکو یو آمر د خپل سفرونو په لړي چي د
هر کال په اوړي کي د موجودي د پروسي د لارښووني
په موخه د څلورو یا پنځو میاشتو لپاره په کابل کي
پاتي کیده پیل کړ.

په دارالامان کي د امنیت د نشتوالي له کبله د
رېاني د حکومت د اطلاعات او کلتور وزارت د موزیم
د پاتي شوي اثارونو ساتني ته په سوچ کي و ترڅو د
مناسب ځای د پیدا کولو په موخه د څو میاشتني
پلټني څخه وروسته د ۱۳۷۵ هجري ش (۱۹۹۲ م) کال
کي د کابل هوتل یې چي د کابل د بنسار په زړه کي
موقعیت لري د پاتي اثارونو د ځای پر ځای کیدو لپاره
وټاکل او همدارنگه ۷۱ کسه یې په دندو وگمارل پدي
چي ترهغي یو کال دمخه، گدامونه غلا شوي و او د
موزیم فرسونه تر څنگونو پوري په خاورو پټ شوي
و. وداني نه اوبه درلود او نه برېښنا. پدي چي د امنیتي
ساتونکو جنریتور غلا شوي و، ټول کارونه د خاورو د
تیل د څراغونو په رڼا کي ترسره کیده. کارکونکو او
ساتونکو ته زیاتره وختونه تنخواه گاني نه ورکول کیده
که چیري کله نا کله ورکول کیده هم د چوکیدار تنخواه
د میاشتي نږدي دوه دالرو او درئیس معاش نږدي
څلورو دالرو ته رسیده. او د کابل زیاتره برخي به هره
ورځ تر گذارونه او حملو لاندې و.

د کسپا او دیپانکراجاتکا د وروڼو، د کندهار
دلوي شیبست وتلي نقشونه له چنگونه یې وایستل
شول او د شپي گرځیدني د بندیز پر وخت غلا شوي.
نورستاني نقش شوي د لرگو ستنې، سرتاقونه او د
دروازي تختي د سوزولو په غرض ماتې شوي و. په
هغه بي څختنه مخکې کي چي د موزیم شاته پروت دي
د امان الله خان د وخت د ریل ماشین د زاړه اوسپني
په توگه د خرڅولو په غرض مات پروت و. د امان الله
خان د زماني د موټرونو د کلکسیونونو څخه یو یې

د طالبانو د حکمراني په وخت کي

د ۱۳۷۵ هجري ش (۱۹۹۲م) کال د سپتمبر په میاشت کي د کابل هوتل انگرې د طالبانو له خوا وتړل شو او د موزیم هیڅ یو کارکوونکي دارالامان ته د تگ اجازه نه درلود. په کال ۱۳۷۷ هجري ش (۱۹۹۸م) کي د افغانستان د کلتور میراثونو د ساتني د ټولني د اړیکو مسئول د طالبانو د کلتوري چارو د وزارت له نوي مرستیال سره چي د کابل اوسیدونکي یو ملا او مهربان او فعال سړي و تماس و نیول.

د موجودي کولو د پروسي د پایښت لپاره د تیاري نیولو چاري چي په ۱۳۷۵ هجري ش (۱۹۹۲م) کال کي په تپه دریدلي و بیا پیل شو. د اطلاعاتو او کلتور وزارت هم د هغه ۱۴۰۰ دالرو څخه په استفاده چي یونسکو په کال ۱۳۷۵ هجري ش (۱۹۹۲م) کي مرسته کړي و د موزیم د وداني د لاندني چت د رغوني لپاره یو پلان جوړ کړ.

پدي چي طالبانو د کابل هوتل یي خپل میلمستون جوړ کړي وو، د ۱۳۷۵ هجري ش (۱۹۹۲م) کال په پیل کي ټول هغه سندو کونه او بکسونه یي چي په کابل هوتل کي ځای پرځای شوي و یوځل بیا د اطلاعاتو او کلتور دوزارت د وداني و لومړي پور ته ولیږدول او په وزارت کي اوسپنيزي او بیلونکي ستني ولگول شوي. د موزیم کارکوونکي بیا موزیم ته چي لا د گدام فرشونه یي په خاورو پټ و د کلتوري اثرونو د لتون په غرض لاړل. په موزیم کي را روان کار د هغه کال د اگست په شلمه نیټه په افغانستان باندي د امریکي د بمباریو له امله تم شو او ټول بهرنيان له کابل څخه ووتل. په مجموعي توگه ۲۱۵ قلمه اثرونه (۴۹ عکسونه) ثبت او د اطلاعاتو او کلتور وزارت ته ولیږدول شو.

د وروستي دوو کلونو ۱۳۷۲-۱۳۷۷ هجري ش (۱۹۹۷-۱۹۹۸م) په موده کي د موزیم کارکوونکي تریوحده خواره واره شوي وو. هغوي وزارت ته د خپلو حاضرې گانولاسلیک ته راتلل او بیا وروسته له هغه د

مزدوري د ترلاسه کولو لپاره د کابل بازارونو ته تلل. د موزیم یو لوړ پوړي کارکوونکي د کابل په عمومي بازار کي کچالو خرڅول او د موزیم محاسب گاد یواني کاوه. کاریبا د ۱۳۷۸ هجري ش (۱۹۹۹م) کال د می په میاشت کي پیل شو. دیر قیمتي اثرونه چي عبارت و د بگرام له کلکسیون څخه چي ۳۵۰ قلمه و او د گل دري له کلکسیون څخه چي ۸ قلمه و او هیڅکله د مخه نه و لیدلي شوي په نابیره توگه د موزیم په زیرخانه کي پیدا شوي.

د خټو څخه د جوړ شوي لوښو لوي گدام د افغانستان لپاره د فرانسوي دلرغون پیژندنې پلاوي چي د موزیم د زیر خانې په بني څنډه کي ځای پرځای و لاس ناخوړلي پاتي و او لا تراوسه پوري دهغي د لرگي څخه پر جوړ شوي سندو کونو باندي پیرند پاني لا لگیدلي پاتي و. په مجموعي توگه ۱۷۴۷ ټوټي لرغوني اثرونه (۴۲۲ عکسونه) ثبت او د اطلاعاتو او کلتور وزارت ته ولیږدول شو.

د ۱۳۷۹ هجري ش (۲۰۰۰م) کال په پسرلي کي د موزیم نږدې شل تنه کارکوونکي کار وکړ او ۱۰۴۵ لرغوني اثرونه (۲۳ عکسونه) تثبیت کړي. د اکتوبر د میاشتي په لومړي نیټه د موجودي کولو وروستي لست چي په ۱۳۷۵ هجري ش (۱۹۹۲م) کال کي پیل شوي و د ۴۹ بیلابیلو سیمو ۲۴۴۲ قلمه لرغوني اثرونه (۱۲۸۵ عکسونه) چي ثبت او بسته بندی شوي و نږدې شل تنه کارکوونکي کار وکړ او ۱۰۴۵ لرغوني اثرونه (۲۳ عکسونه) تثبیت کړي. د اکتوبر د میاشتي په لومړي نیټه د موجودي کولو وروستي لست چي په ۱۳۷۵ هجري ش (۱۹۹۲م) کال کي پیل شوي و د ۴۹ بیلابیلو سیمو ۲۴۴۲ قلمه لرغوني اثرونه (۱۲۸۵ عکسونه) چي ثبت او بسته بندی شوي و نږدې شل تنه کارکوونکي کار وکړ او ۱۰۴۵ لرغوني اثرونه (۲۳ عکسونه) تثبیت کړي.

د تاریخ څخه د مخه سیمو څخه په زیات شمیر سره ورته شیان لکه قیمتي ډبري، د چقماق ډبري، د کمان تیراوداسي نور تریوي واحدي گڼي لاندي ثبت او بسته بندی شوي وو. له همدې کبله، د موزیم کارکوونکي د موزیم د لرغوني اثارو نوعومي شمیرد ۳۵۰۰۰ په شاوخوا کي وبلل چي پدغه شمیر کي د فرانسوي د لرغون پیژندنې د پلاوي د خټو څخه جوړ شوي د لوښو کلکسیون ندي راغلي. د ۲۰۰۰ عیسوي کال د جولای په میاشت د اطلاعاتو او کلتور



کار لا گریسمن

۱۸. د کابل د موزیم کار کونکی چی د کابل د موزیم شیان له لوټ کیدو څخه وروسته

سره ټول او ځای پر ځای کوي

۱۹. د لوټ شویو مسکوکاتو بکسونه چی د کابل موزیم له گدامونو څخه لوټ شوی



کار لا گریسمن

وزارت یو کمیسیون دا خبره ومنل چي د جمهوري ریاست په ماني او د اطلاعاتو او کلتور په وزارت کي د طلا تپه د سرورزو د خزاني او د نورو سندوکونو مهرونه کي تر اوسه پوري لاس ندي لگیدلي.

ملا عمر د افغانستان د لرغوني او تاریخي آثارو د ساتني، د قانون له مخي د غیرقانوني کیندنو او له افغانستان څخه د لرغوني اثارو قاچاق د جزا وړ بللو په باب یو فرمان صادر کړ. د کنیشکا او د کوشانیانو د یو اشرافزاده هغه مجسمي چي سرورنه یي نه درلودي، د سره کوتل لیکل شوي ډبره، اورلرونکي التار، د بودا د شیسست څو بوتان، د مالوچو له گل څخه جوړ شوي بودا سناوا چي د مرغان له غونډي څخه لاس ته راغلي، د تور مرمر تشت چي په قندهار پوري اړه لري او نور قلمونه د موزیم په مرکزي سالون کي لاس نه خوړلي پاتي و.

د ۱۳۸۰ هجري ش (۲۰۰۱م) کال د مارچ په میاشت کي چي طالبانو د بامیانو د بودا بوتان په ډینامتو والوزول، د کابل په موزیم کي د کلتوري آثارو عمده ټوکي یي هم وراني کړي او د موزیم گدام او د اطلاعاتو او کلتور وزارت ته هم زیان ورساوه او نړیوالو له یوبي اغیزی حرکت سره د هغي تنداره وکړ. سندوکونه په زور پرانستل شوي کڅوړي څیري شوي او کلتوري آثار مات شوي او په څوار ناوړه حالت پریښودل شوي. د موزیم کار کونکي په میراني سره خاوري پاکي کړي او د امکان تر حده پوري د راتلونکي په امید هغوي یي سره وتړل.

له جگړي څخه وروسته

د جگړي له پایي ته رسیدو راهیسي د موجودي د لستونو او عکسونو مرکزي کولو لوري ته پام اړول شوي دي. دیونسکو په غوښتنه، د افغانستان د لرغوني آثارو د ساتني د ټولني د اړیکو مسئول په دري او انگریزي ژبو د موجودي د ټولو لستونو نقلونه چي د ۱۳۷۵-۱۳۷۹ هجري ش (۱۹۹۲م-۲۰۰۰م) کلونو تر منځ د کابل په موزیم کي برابر شوي و او همدارنگه د زرو څخه زیات د افغانستان لپاره د فرانسوي د لرغون پیژندنې د پلاوي میکروفیلیمونه د هغو ځني له عکسونو پرته، او ځني له عکسونو سره او په فرانسوي ژبي د تشریحاتو سره، چي د ۱۳۴۹ هجري ش (۱۹۷۰م) لسيزي پوري اړه درلودي او په ۱۳۷۲ هجري ش (۱۹۹۳م) کال کي د کابل د موزیم د ورانیدو په وخت کي په قسمي توگه سوزیدلي و ټول کړ. په دري او انگریزي ژبو د موجودي د لستونو نقلونه په بیلو سندوکونو کي کیښودل شوي. د افغانستان لپاره د فرانسوي د لرغون پیژندنې د پلاوي د میکروفیلیمونو د موجودي دلست د یو نقل په گډون د دغه نقلونو یوه سندوک د اطلاعاتو او کلتور وزارت ته د خوندي ساتني لپاره ولیږل شو او دوهم سندوک یي چي په راتلونکي کي به دهغي څخه د یو ماخذ په توگه کار

که څه هم د دغو سندو کونو د خلاصولو موضوع د څو کالو راهیسي تر خبرو اترو لاندې دي بیله شکه د موزیم کارکونکي پدې باور دي چې پدغه برخه کې احتیاط کول خوندي بریښي او د نوي کشف شوو او یا په سندو کونو کې د پرتو اثارو د څرگندولو وخت لاندې رسیدلي. نور عوامل لکه د ۲۳ کلونو لپاره له نړې څخه د کارکونکو د اړیکو شلیدل، د موزیم راتلونکي موقعیت، دیوه اداري جوړښت نشتوالي، د دغو سندو کونو د خلاصیدو، د هغو د محتویاتو د ثبت، عکاسي کولو، زیرمه کولو یا د انفرادي شیانو د نندارې ایښودلو لپاره د خوندي ځای نشتوالي او ترټولو خورا مهمه د داسې ملي او نړیوال ماهرینو نشتوالي ترڅو کولای شي دغه نوي ترلاسه شوي شیان چې په بشپړه توګه د داسې نوي کشف شوي لرغونو سیمو څخه ترلاسه شوي چې د افغانستان د لرغونو اثارو پیژندونکو ورسره نا اشنا دي معاینه، تحلیل، تجزیه او تشریح کړي.

روان پرمختګ

د موزیم د برښنا او اوبو جریان جوړ شوي د موزیم د دوهم پوړ او د بام د بیا جوړیدو پلان او د هغې لپاره د مالي اړتیاوو برابرول پرمخ روان دي او د لرغوني اثارو د ساتنې یو لابراتوار د فعالیتو په حال کې دي. د موزیم کتابتون بیا جوړېږي او ځوان افغان کارکونکي چې موزیم یې د هغې د ورانیدو څخه د مخه هیڅ نه پیژندل د زده کړې لپاره بهرنیو هیوادونو ته لیږل کېږي. یو خوځښت پیل شوي چې د وخت په تیریدو سره به د افغانانو او نړیوالو کارکونکو هلي ځلي ددې سبب شي چې د کابل د موزیم اثار د نړې د لرغونو اثارو په منځ کې خپل اصلي او رښتیني مقام ترلاسه کړي.

یادښت

د نوموړې پېښې په اړه د پیري کمون مبحث ته مراجعه وکړي

واخیستل شي په کابل موزیم کې ځای پر ځای شو. په زرګونو لوي او واړه عکسونه چې د موجودي د پروسي په موده اخیستل شوي و زیرمه او په دوو لستونو کې سره وویشل شول چې یو یې د اطلاعاتو او کلتور وزارت ته ولیږل شو او بل یې په موزیم کې کیښودل شو. په کال ۱۳۸۱ هجري ش (۲۰۰۲ م) کې د کابل د موزیم رئیس غوښتنه وکړ چې د موجودي ټول لستونه دي د رقمو په بانک یعنی د کمپیوتر په (Database) کې ثبت او ځای پر ځای شي. که څه هم ددغه هدف د ترسره کیدو په غرض موزیم ته کمپیوټرونه، پرنترونه، د دیجیټل کمري او سکرونه ورکړل شول، ولي د موزیم په کارکونکو کې د ژبې او کمپیوټري مهارتونو د نشتوالي له امله ددغه کار ترسره کول یې له شکه څه وخت غواړي. هغه وړانې چې د طالبانو د وړانکارې په اثر په وزارت او موزیم کې پېښ شو د موجودي زیاتره لومړني لستونه چې ترلاسه شوي و بې باوره کړ او په زرګونو لرغوني اثار د خپلو پیژندونو له کڅوړو او قوټي ګانو څخه وویستل شوي او له نا پیژندل شوي ټوټو سره ګډ شول. نور اثار د بل جنسي معتمد په قوټي ګانو کې ځای پر ځای شوي او یا ټول او په بکسونو کې ځای پر ځای شوي. ښه به وي که چیرې د هغو اثارو چې پاتې دي عمومي موجودي د دوهم ځل لپاره ترسره شي پدې چې ددغو اثارو زیاتره برخه ټوټې دي او هم له هغو څخه څو قلمه یې له نمایشي اثارو څخه دي او همدارنګه د وخت، ځای او دکارکونکو نشتوالي محسوسېږي لږې کبله د اوس لپاره دغه موجودي ته سخته اړتیا نه لیدل کېږي.

مګر د هغو اثارو موجودي کول چې د غیرقانوني کیندنو په نتیجه کې او له لرغوني سیمو څخه نوي تر لاسه شوي، همدارنګه هغه اثارو چې د ګمرک له خوا صادره شوي د هغو اثارو سره یوځای کوم چې د ۱۹۸۹ هجري ش (۱۳۶۸ م) کال راهیسي د جمهوري ریاست په ماڼي او د اصلاعاتو او کلتور په وزارت کې په سندو کونو کې ساتل شوي او لاتراوسه پوري خلاص شوي ندي به خورا ارزښناکه کاروي.

د افغانستان د کلتوري ميراثونو د بيا رغونې په اړه د يونسکو ژمنې او فعاليتونه

د کريستيان منهرت ليکنه

کريستيان منهرت د هنر مورخ او لرغون پيژندونکي، په ۱۳۲۲ هجري ل (۱۹۸۷ م) په کلتوري برخه کې د پروگرامونو د کارپوه په توگه د يونسکو په اجرايوو دفتر کې کارکوه نوموړی په کلتوري برخه کې د افغانستان په گډون د اسيایي او اروپايي زون مسؤل دي. او دنده يې له يادو شوو هيوادونو سره نيغ په نيغه مرسته ده البته دا مرسته د کلتوري ميراثونو د ساتنې لپاره د ستراتيژۍ او پاليسۍ د انکشاف په برخه کې ده په ځانگړي ډول د منابعو د راټولولو، تهیی، تطبيق او د دبوديجی څخه د بهرو پروژو د ارزونې له لارې.

يونسکو په افغانستان کې له خطر سره د مخامخو هغو کلتوري ميراثونو د بيا رغونې لپاره مثبت ځواب ورکړی دی کوم چې د تيرو دوولسيزو جگړو له امله پراخه زيانونه وراوښتی دی دغه فعاليتونه ډير د لرغونو سيمو د ساتنې او د کلتوري پانگود غيرقانونی قاچاقو په مخنيوی متمرکز دي.

د افغانستان د کلتوري ميراثونو د منقول او غير منقول ډولونو (موزيمونه، ودانۍ، لرغونې ځايونه، موسيقي، هنر او دوديزې لاسي صنايع) د ټولو خواوو ساتنه ددغه هيواد د کلتوري پيژندني او ملي بشپړتيا د پياوړتيا لپاره د پام وړ ارزښت لري.

کلتوري ميراثونه کولای شی د سره دښمنو خواوو پام ځانته ته واړوی او د بيا اړيکو د ټينگول، د خبرو اترو بيا پيل، او د سره گډې يو راتلونکې لپاره يې په گډ کار قادر کړي. د يونسکو ستراتيژي دا ده چې د ټولنو او دهغوی د کلتوري تاريخ تر منځ اړيکې پيدا کړي او مرسته ورسره وکړي ترڅو د خپلو تاريخي



۲۰. د جام ۲۵ مترى منارچى د ۱۲ پيړۍ پورې اړه لري، په بنكلو خښتو گانل شوې دى، د درې په يوه برخه كې پروت دى، د غوريانو د ورې د تمدن ښكارندوى دى.

د انسجام په اړه يې پخپلو كى سره بحثونه وكړل په سيمينار كې دهغه ادارى پروژو لپاره چې د لومړيتوب حق يې درلودى د اوه ميليونه امريكايي دالرو د وركړې ژمنه وشوه چې دا پيسې به د يونسكو او د اماناتو د سندوك د پروژو د دوه اړخيزې تړون په ترڅ كې ځانگړې شي.

ددې هدف لپاره يونسكو د نړيوال انسجام يوه كمېټه جوړه كړې ده چې په ۱۳۷۹ هجرى ل (۲۰۰۰ م كال د اكتوبر په مياشت) كې د همدې سازمان اجرايوى بورد په خپل يو سلو پنځه شپيته غونډه كې د هغى كړنلاره تصويب كړه پدې كمېټه كې د افغانستان د دولت د استازو په گډون له مهمو مرسته كوونكو هيوادونو څخه نړيوال كارپوهان او فنې ټولنې چې د ساتنې له پروگرام سره به مالې يا علمى مرستې كوي، گډون لري.

دا كمېټه به په منظم ډول د روان او راتلونكو پروژو د څيړنې او هر ډول نوښتونو د رامنځ ته كولو لپاره وخت په وخت غونډې وكړي.

بنسټونو په اړه د گډ مالكيټ احساس وكړي چې د ټولنې په بيلا بيلو برخو كې كلتوري ميراث څرگندوي.

دا ستراتيژى چې د ملگرو ملتونو د اعلاميو په چوكاټ كې جوړه شوې د ملت جوړونې له بهير سره نېغ په نېغه اړيكي لري او د افغانستان د بيا رغونې په اړه د نړيوالې ټولنې هڅې همغږې كوي.

د ملگرو ملتونو د سكرټريټ په پروگرام كې د كلتور، ځوانانو اوسپورت د څانگې په توگه يونسكو، د افغانستان د اطلاعاتو او كلتور د وزارت اونورو اړوندو ادارو سره په كلتوري برخو كې مرسته كوي. په همدې ډول يونسكو د افغانستان د دولت باور له ځانه سره لري او ټولې هغه نړيوالې هڅې چې د افغانستان د كلتوري ميراث د پرمختگ او ساتنې لپاره كيږي سره همغږې كوي.

لكه څنگه چې د يونسكو سكرټر جنرال وويل زمونږ موخه داده چې له افغانانو سره ددې لپاره مرسته وكړو چې دوى له ځان سره مرسته وكړي. د افغانستان د كلتوري ميراثونو د ساتنې لپاره پاليسى او فعاليتونه زياتره په ښوونه، روزنه او د افغانانو د مهارتونو په لوړولو متمرکزې دي.

د افغانستان د كلتوري ميراثونو د بيا رغونې لپاره يونسكو د دوه زره او دويم ميلادى كال د مى په مياشت كې د افغانستان د اطلاعاتو او كلتور د وزارت په مرسته خپل لومړنى نړيوال سيمينار جوړ كړ چې د افغانستان د كلتوري ميراثونو يو سلو اوه تنه كارپوهانو او ديپلايلو هيوادونو او مرسته كوونكو ټولنو استازو پكې گډون كړى و. گډون كوونكو په هيواد كى د كلتوري ميراثونو د ساتنې د حالت په اړه خبرې وكړې او د ساتنې د پروگرام او د فعاليتونو

تल्ली دی یا هم لوت شويدي. په يوه مغاره کې کارپوهانو د غلو دلاس الې او د هغه انځورونو پاتې نښې نښانې وليدی چې نوی غلا شوې و. د هم دې مسليې د ځواب لپاره د اطلاعاتو او کلتور وزارت له سيمه ايز قوماندان جنرال جواد سره يو تړون وکړ او نوموړی قوماندان په خورا بېرته لس تنه ساتونکی يی وگمارل ترڅو په دوامداره توگه لدغه ځايه څخه ساتنه وکړي. په هغه ځای کې چې پخوا د بو دا بتانې اوس لوی لوی درزونه پيداشوی دی چې کېدی شی په نسبي ډول د ځینې ځايونو د غوځيدو او په مغاره کې دننه د زينو د ځینې پاتکو د راغوځيدو لامل شی پدې اړه کارپوهانو څه ناڅه تدابیر نيولی او د ديوال د لوړو ژورو او درزونو په اړه يې مشورې ورکړې. همدارنگه ICOMOS د بو دا دبتانو تر څنگ يوه ودانۍ او د سنيانو د يو مسجد د بيارغونې خرڅ ورکوي. په دې ودانۍ کې به ساتونکی اوسپړی او د يونسکو سامان الات به ساتل کيږي. ددغه پلاوي دراتگ په نتيجه کې د جاپان د بهرنیو چارو وزارت د يونسکو د امانت صدوق سره د باميانو د ساتنې لپاره ۱۸۱۵۹۲۷ امریکايي ډالره مرسته وکړ.

دايکيموس او يونسکو يو گډ کارې گروپ د جرمني په ميونيخ ښار کې د ۱۳۸۱ هجري ل (۲۰۰۲ ميلادي کال د نومبر د مياشتې په ۲۱ او ۲۲ نېټه) غونډه وکړ چې د هغې په ترڅ کې کارپوهانو ددوه وروستيو ماموريتونو د پايلو پر بنسټ د باميانو د ساتنې وضعه و ارزوله دساتنې په بيلا بيلو لارو يې خبرې اترې وکړې او دا لارې يې سره پرتله کړې او په دی اړه يې سپارښتنې وکړې. ددی پروژې اول فعاليت په ۱۳۸۲ هجري ل (۲۰۰۳ م په جون) کې پيل شو چې پدغه لړ کې يې د درې اونيو لپاره د بلجيم د ليفون د پوهنتون څخه ماريو ساتتانا هم گډون

دانسجام کمیته د ۱۳۸۲ هجري ل (۲۰۰۳ م کال د جون په مياشت) کې د کلتوري ميراثونو د ساتنې په برخه کې خپله لومړنۍ عادي غونډه د يونسکو په مقر کې جوړه کړه پدی غونډه کې په واروار ټينگار وشو چې دساتنې فعاليتونه بايد په لوړه کچه واوسي. په توليز ډول د کلتوري ميراثونو دساتنې لپاره يوه اوږدمهالې ستراتيژي، په دې اړه د نړيوال کنواسيون او دقاچافو او ليردونې څخه دمخنيوی د کنوانسيو ن د تطبيق وړانديز وشو غونډه وړانديز وکړ چې دهرات دجام او د باميانو دساتنې او کابل موزيم د بيارغونې لپاره دی عملی فعاليتونه ترسره شي.

د پروژې تطبيق: باميان

په دوه زره او دويم ميلادي کال د طالبانو له راپرځيدو وروسته يونسکو په عاجله توگه باميانو ته پلاوی وليږل چې حالات وڅيړي او د بودا د تخريب شوو بتانو ټوټې د فايبر گلاس د پوښونو په واسطه پوښ کړي ترڅو د سختو اقليمي شرايطو لاندې وساتل شي.

د دوه زره او دويم ميلادي کال په جولای کې د پروفيسور مايکل پترز په مشرۍ د دويم ځل لپاره د يونسکو او ايكوموس ياد بنسټونو او سيمو د نړيوالې شورا گډ پلاوی باميانو ته راغی. د همدې کال د سپتمبر له اوويشتمې څخه د اکتوبر تر شپږمې نيتی پوری د جرمني، ايټاليایي او جاپانی کارپوهانو په گډون دريم پلاوی د همدې هیوا. ونو له لوری دیوې پروژې د تياری لپاره افغانستان ته راغی د څارنی له مخې د بودا تر څنگ د مغارو څخه په سلوکی او يا هغه انځورونه چې په شپږمې او نهمی پيړيو پورې اړه درلودی د بې غوری له امله له منځه



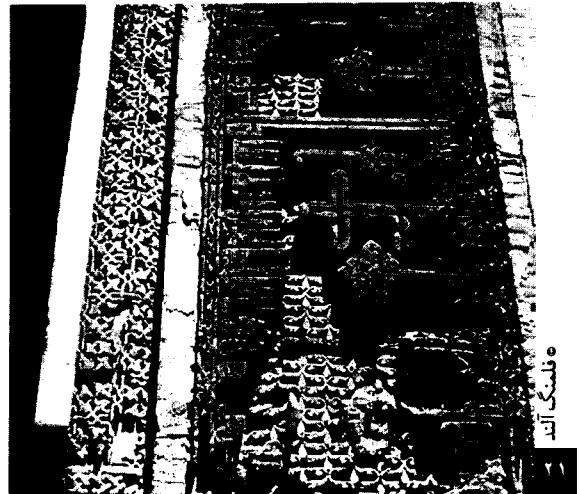
د هرات د منهرت

۲۱. د جامع جومات د ننه چې د غزنويانو د وخت ښکلا ښيي،
د تيموريانو په وخت کې پکې بدلونونه را منځ ته شوي
۲۲. د هرات د جامع جومات سره يو ځای د هرات د ښار هوايي
منظره.

يو لوی خوازه په وړيا ډول ورکړی شوی دی چې
د ۱۳۸۲ هجري ل (۲۰۰۳ م کال په اگست) کې
په افغانستان کې د جرمني مېشتو ځواکونو را
انتقال کړ او په سپتمبر مياشت کې نصب شو.
ددغه ماموریت د تعقيب لپاره نړيوال پيژندل
شوی او مجرب شرکت RADIO يو ترون لاسليک
کړی دی او له ژمی څخه مخکې يې د ځای د
تثبیت لپاره په کار پيل کړي.

هرات او جام

د ۱۳۸۱ هجري ل (۲۰۰۲ م کال په مارچ) کې
يونسکو دوه تنه مشاورين پروفيسور
Bruno چې مهندس دی او پروفيسر
Marco Menegotto چې د ودانيو انجینر دی جام او هرات
ته واستول. دوی مخکې له دې چې د پروژې
اسناد طرحه کړي د جام د ځلي دساتنې وضعیت
او په همدې توگه د گوهر شاد بيگم هديره،
پنځمه ځلي، بالا حصار، جامع مسجد او د
هرات ټولې تاريخي ودانۍ يې وارزولي.



د هرات د منهرت

درلود. نوموړی د بتانو د اېښودو د ځای په برخه
او د بتانو پر ټوټو باندې د اسنادو د پيدا کولو په
موخه سفر کړی و.

ورپسې د نړيوال انسجام د کميټې په لمرې
عمومي غونډه کې د افغانستان د کلتوري
ميراثونو دساتنې لپاره يولي منصوبې تصويب
شوی چې په هغوکې دسيمې او دمغارو د ننه د
انځورگرۍ د ساتنې لپاره د يو ماستر پلان طرحه
هم شامله وه.

دوه زره او دريم ميلادي کال د جولای په
مياشت کې د جاپان د کلتوري شتمنيو دڅيړنو
دملی انستيتوت اته تنه کارپوهان د ديوالونو د
انځورونو د ساتنې لپاره باميانو ته لاړل ترڅو چې
د اوردمهالې ساتنې لپاره يو ماستر پلان جوړ
کړي. ديو جاپانی شرکت سره تړون وشو ترڅو چې
دسيمې توپوگرافیکه نقشه او د طاقونو او ډبرو
درې اړخيزه موډل جوړ کړي. د جرمني د لرغون
پيژندنې انستيتوت دبتانو په ټوټو د څيړنې
مسوليت په غاړه اخستې او ICOMOS ددغو ټوټو
دساتنې دنده په غاړه لري. سربيره پردی د بتانو د
ځای د رغونې او د تيرو د ټينگولو کار پيل شوی
ترڅو د غورځيدو مخه يې ونيول شي ددی مقصد
لپاره د جرمني دميسرشميت د فاونديشن له خوا

د کارپوهانو يوه کاري ډله د جام او دهرات د تاريخي ودانيو د ساتنې په اړه د ۱۳۸۲ هجري ل (۲۰۰۳ م د جنوري په ديرشمه نيټه)، د يونسکو په مرکزي دفتر کې سره غونډه وکړه چې د درويشت تنو گډون کونکو څخه يې يو هم دا افغانستان د اطلاعاتو او کلتور وزير ډاکټر سيد مخدوم رهين ؤ، په يونسکو کې د افغانستان استازی ظاهر عزيز د کابل موزيم رئيس عمر خان مسعودی او د افغانستان د لرغون پيژندنې د اتستوت رئيس عبدالواسع فيروزی هم پکې وو. کارپوهانو د يونسکو د پخوانی ماموريت پر بنسټ د جام ځلی، گوهر شاد بيگم، پنځمه ځلي، بالاحصار، جامع مسجد او دهرات ټول تاريخي يادگارونه و ارزول، هغوی پخپل سرې کيندنې هم په گوته کړې مختلفې لارې چارې يې پرتله کړې او لومړيتوبونو ته يې په پاملرنې سره د ساتنې يو بېرني او اوږدمهالې وړانديز هم برابر کړ، دغه بېرني فعاليت د ۱۳۸۲ هجري ل (۲۰۰۳ م کال په جون) کې پيل شوی دی ددی پروژې مالي لگښت نړيوال و جهی صندوق ورکوي.

د ۱۳۸۲ هجري ل (۲۰۰۳ ميلادی کال په نومبر) کې د سويس دولت اعلان وکړ چې د جام د بېرني ټينگښت او اعادي لپاره ۱۲۴۳۰۰ امريکايي ډالره د يونسکو د امانت صندوق ته ورکوي او ايتاليي هم د ۴۹۹۴۶۰ امريکايي ډالرو مرسته وکړ. ددی پروژې لمرنی فعاليتونه د ۲۰۰۳ په اپريل کې د همدې پروژې لپاره په جام کې د يوې ودانۍ په جوړولو د هيريود د سيند په تقاطع د سيند د تل په پاکولو او د ساتونکې پنجرې په پياوړی کولو سره پيل شو.

د ۱۳۸۲ هجري ل (۲۰۰۳ م کال په اگست او جولای) کې پروفيسور اندريه برونو، پروفيسور جورجيو مشی او مارييا کريستينا

دوه مياشتني وروسته پروفيسور اندريه بورجيا چې يو هايډرولوجست دی او پروفيسور برونو د يونسکو له اړخه ماموريت واخست چې د جام ځلی د پايو د کلکوالي د ساختمان د تثبيت او د دوه گاونډو سيندونو د اوبو د بهير په اړه سپارښتنې وکړي او همدارنگه څنگ ته يې په لرغونی سيمو کې د کيندنو له امله د وراوښتو زيانونو په هکله خپل نظر څرگند کړي، همدې ماموريت روښانه کړه چې د ۱۳۸۱ هجري ل (۲۰۰۲ م د اپريل) سيلابونه د هغو د ساتنې چهار چوب له منځه وړی چې په ۲۰۰۰ کال کې يونسکو لگولی ؤ، دا چوکات خپله د ځلی د ساتنې لپاره اغيزمن ؤ او کيدای شی چې تر اوسه همدې چوکات دا ځلی ساتلی وی په ۱۳۸۱ هجري ل (۲۰۰۲ ميلادی) کال کې د جام ځلی له افغانستان څخه د لمرنی کلتوري اثر په توگه د يونسکو په لسټ کې د نړيوال ميراث په توگه وپيژندل شو.

د همدې کال په منی کې دليفون له پوهنتون څخه مهندس تارسيز ستيفن او مارييا سانتانا د گوهر شاد بيگم د پنځو څلو د رسيدلی زيانونو د اندازه گيری اسناد و اوړاندې کړل، او د اسندونه يې په يوه لومړنۍ روزنيزه غونډه کې د افغانی کارپوهانو لپاره له عمومي ستپيشن څخه د استفادې لپاره يوځای کړل. دغه عمومي ستپيشن يونسکو د افغانستان د اطلاعاتو او کلتور وزارت ته اهدا کړی دي. غونډې د ۱۳۸۲ هجري ل (۲۰۰۳ م تر اگست) پوری دوام وکړ چې مشری يې له ليفون پوهنتون څخه څلور تنو کارپوهانو او يو تن امريکايی چې برکلی نومېری کوله، او د ليزر سکينر پواسطه دهرات د جام او نورو تاريخي ودانيو په اړه بشپړ معلومات برابر شو.

و شو او دغه هيواد په هغه کي د ۷۵۰۰۰۰ امریکايي ډالرو ژمنه وکړي.

په کابل کي د ايساف په ځواکونو کي د بریتانيې پوځيانو له کابل موزيم سره د دوه کونو د جوړولو مرسته وکړه چې يو يې مرطوب او بل يې وچ دی چې د امرسته د برتانيا دموزيم له خوا وه.

د CEREDAF په نامه يو فرانسوي ټولنه د ساتني د ځيني لوازمو مرسته وکړه. او د DAFA د پاریس د گيمي له موزيم سره په گډه د موزيم د محافظينو لپاره يو روزنيز کورس جوړ کړي.

د اکتید په نامه يو فرانسوي غيرحکومتي موسسه د حج پياده په نامه د بلخ د يوجومات د افغانستان تر ټولو زاړه جومات) نه گنډه چت ترميم کړ چې د ژمی د سخت موسم په وړاندې مقاومت وکړي. له پورته ياد شوو مرستو برسیره د کلتوري اثارو د بيارغونې لپاره د فعاليتونو په لړ کي له دوه اړخيزو مرستو څخه نژدې پنځه ميليونه امریکايي ډالره مرسته د اغا خان کلتوري بنياد کړې چې د بابر بن، د تيمورشاه د هديری او په کابل کي دنورو کلتوري سيمو د بيارغونې لپاره کاريدلي دي. د کابل موزيم د بيارغونې لپاره يواځې سل زره امریکايي ډالره مرسته د امریکي متحدو ايالتونو کړېده. همدارنگه يونسکو په خپله کلني بودجه کي د ۱۳۸۲ او ۱۳۸۱ هجري ل (۲۰۰۳ م او ۲۰۰۲ م) کلونو په بهير کي څلور سوه زره ډالره افغانستان سره د مرستې لپاره ځانگړې کړې دي. د بيارغونې په لړ کي د متداوله کارونه ډير زيات اهميت لري يونسکو له ۱۳۸۱ هجري ل (۲۰۰۲ م) کال څخه راديخوا د هرات د تاريخي کاشي کاري د بيارغونې د ورکشاپ کار د SPACH له موسسي سره يوځای په غاړه اخیستی دي. همدا اوس افغانی شاگردان پدغه ورکشاپ کي او د سنتی کاشيانو د توليد په زده کړه

دهرات او جام د څلوپړ خاورو باندي جيولوجيکي څيړني وکړې چې د پايښت قوت يې وڅيړي. په نتيجه کي داسی دا پته ولگيده چې د گوهر شاد بيگم پنځمه څلي د غورځيدلو له خطر سره مخاخ ده او په دواړو تاريخي ودانيو کي د ۱۳۸۲ هجري ل يا د ۲۰۰۳ م کال تر سپتمبره) پوري کار روان ؤ.

په هغه وخت کي د ISMEO په نامه د يو ايتالوي انستيتيوت دري کارپوهانو يولې حفاظتي کيندنې وکړې.

کابل موزيم

په ۱۳۸۰ هجري ل (۲۰۰۱ م) کال يونسکو کابل ته يو پلاوي راوليږه چې د کابل موزيم د مات شوو بتانو توتې راټولي کړې او په دې اساس د دويم ځل اعادي لپاره يې يو پلان طرحه شی. د دې لپاره چې په ژمی کي د اثارو د ډير تخريب مخه ونیول شي نو دلومړی او دوهم پور څو کوټو ته يې کړکی ولگول شوې ساتونکو لابر اتارونو ته د اوبو د بڼه تايمينولو لپاره يوه ژوره څاه وکيندل تانکرو رته ولگيده او لازمه نلداوانی يې وشوه او سر بيره پردی يو قوی جنريتر هم د مرستی په توگه ورته ورکړ شو.

د بنسټيزو ودانيو د ساتني لپاره په بېړنيو او ارزښناکو تدبيرونو کي څو بيلابيل کلتوري سازمانونو او هيوادونو برخه واخيستل. د ۱۳۸۲ هجري ل (۲۰۰۳ م) په جنور ي، کي ديونان حکومت د کابل د موزيم بيارغونه ومنل او وړانديزي يې وکړې چې دا دهغی دهغو د تعهداتو يوه برخه وه چې په کال ۱۳۸۱ هجري ل (۲۰۰۲ م) کال د می په مياشت) کي په کابل کي

بوخت دی چې وروسته به د تاریخي یادگارونو د بیا
رغونې په کار کې وکارېږي.

د قانوني اسنادو او علمي فعالیتونو سره
بیره یونسکو د افغاني کلتور د مادې او
معنوي میراثونو د قانوني ساتنې لپاره هم
کار کوي. له هغه ځایه چې پخپل سر کیندنې
د افغانستان لپاره یو لوی چلنج دی نو یونسکو
د پخپل سرو کیندنو دمخنیوي، او د تاریخي ا
ثارو د قاچاق او لېږدونې څخه دمخنیوي لپاره د
سرد حدونو د کنترول په برخه کې په کلکه
د افغانستان د حکومت ملاتړ کوي.

په پای کې ویلای شو چې تر اوسه په
کلتوري برخه کې له افغانستان سره مرستې
د ۱۳۸۱ هجری ل (۲۰۰۲ م دمی د میاشتې) له
سیمنار څخه راهیسې له اووه میلیونو ډالرو
څخه اوښتی دي. یونسکو له دغه فرصت څخه
گټه پورته کوي او د ټولو مرسته کونکو له مرستو
څخه مننه کوي چې په خپلو مرستو سره یې
د ملگرو ملتونو بشر دوستانه گامونه یې غښتلي
کړي دي.

یادښتونه

۱- په لنډه توگه ویل کیدای شی چې دیونسکو
د امانت صندوق له تمویلونکو هیوادونو څخه لاندې
پیسې ترلاسه کړیده: ۱۸۱۵۹۲۷ امریکایی ډالره د جاپان
له حکومت څخه د بامیانو سره د مرستې لپاره.
۱۷۲۹۰۰۰ امریکایی ډالره د ایټالې له حکومت
څخه د هرات او جام د درې پروژو لپاره.
۱۲۴۰۰۰ امریکایی ډالره د سویس د حکومت څخه
د جام د څلي لپاره.

۸۵۰۰۰۰ امریکایی ډالره د جرمني د حکومت څخه
په ۱۳۸۱ هجری ل (۲۰۰۲ م) کې د جرمني د ICOMOS
او د همدغه هیواد د لرغون پیژندنې دانستېټیوت له لارې
د بابرین د رغونې اود افغاني لرغون پیژندنو د روزنې
لپاره.

په افغانستان کې نړیوال ګډکار: ستراتیژي ګاني،

تمویل او د کار ډولونه

لیکوالان لویس هکزتهاسن او جیم ویلمز

لویس هکزتهاسن د فرانسې د پاریس د پوهنتون د نړیوالو اړیکو له څانګې څخه فارغ شوي هغه په کال ۱۳۷۳ هجري ل (۱۹۹۴ م) کال کې له یونسکو سره یو ځای شو او په بشري او ټولنیزسکتور کې د پلان د کارپوه په توګه کار کاوه. هغه په کابل کې د یونسکو د دفتر د خپل منځي اړیکو مسئول دي.

جیم ویلمز د تاریخ د علم او ایران څیړنې په برخه کې د پاریس له پوهنتون څخه دوکتورا اخیستې هغه د کال ۱۳۸۱ هجري ل (۲۰۰۲ م) کال راهیسې د یونسکو د کابل په دفتر کې د پلان جوړلو په څانګه د لوړې کچې د کارپوه په توګه کار کوي.

سریزه

د افغانستان د بیارغونې پدغه نوي پړاو کې د دغه هیواد د کلتوري میراثونو بیا ژوندي کول د افغانانو لپاره د تاریخي پایښت ورکونې او ملي یووالي مرکزي برخه جوړوي، د افغانستان د انتقالي حکومت چارواکي د داسې یو چاپیریال جوړولو ته په ژمنه کېدو سره چې په هغه کې د کلتوري میراثونو ساتنه کېږي او د هیواد د ارزښناکه تجربو او هیلو د یو ریکارد په توګه د افغان ځوان نسل ته د میراث په توګه سپارل کېږي ترڅو هغوي کلتوري خلاقیت دهغي له ټولو ډولونو سره پیاوړې کړي دا حقیقت منلي دي.

دلته دا پوښتنه را برسیره کېږي چې افغانستان څنګه کولای شي دغه ژمني ته عملي جامه ورواغوندي. د ۲۳ کالو جګړو څخه وروسته، د افغانستان د کلتوري میراثونو حالت یو (کلتوري فاجعه) بلل شوی دي. د افغانستان تاریخي ودانې پدې چې د قصدي یا تدریجي وړانې سره مخ و خورا سخت زیانونه ګاللي دي. د کابل موزیم او لرغوني سیمې په پراخه توګه لوټ شوي. کلتوري کارپوهانو له کلتوري چارو او اړیکو څخه بیل کړي شوي و او په نتیجه کې د خپلو مهارتونو د کچې

لپارزېښناکه او وتلو لرغونو کشفیاتو څخه عبارت دي. چې د افغانستان د تاریخ او کلتور په برخه کې د پوهې او خبرتیا د کچې په لوړولو کې ارزښناکه او بنسټیز رول ولوباوه.

اوسني لومړیتوبونه او د اقداماتو ځانګړتیاوي

د افغانستان د کلتوري میراثونو د عمومي حالت د سمون لپاره خورا ورو روانې چارې ددې سبب ګرځي چې په خورا اسانې سره د لیدو وړ پرمختګ چې پدې برخه کې ترلاسه شوي له لاسه ورکړشي. د طالبانو د واکمني له را پرځیدو څخه وروسته ستراتیژي طرحه شوي، د دهغې میکانیزمونه را منځ ته شوي او مالي مرستې چې پلانونه له ارزونې څخه نیولې تر بنسټینې اجرا کېدو پورې پراو په پراو پرمخ بوزي په هیواد کې پیل شويدي.

د ۱۳۸۱ هجري ل (۲۰۰۲ م) د مې په میاشت، کې یونسکو د دغه هیواد د کلتوري میراثونو د ساتنې د لومړیتوبونو په باب د دولتي چارواکو، کارپوهانو او مرستې ورکونکو ترمنځ د خبرواترو امکانات برابرېکړي. (د افغانستان د کلتوري میراثونو د بیا ژوندی کولو په باب نړیواله غونډه، چې د ۱۳۸۱ هجري ل (۲۰۰۲ م) کال د مې د میاشتي له ۲۷ څخه تر ۲۹ نېټې) پورې د کابل په ښار کې جوړ شو، لومړني پراخه کاري پلان یې د یو ملي کلتوري ستراتیژي لپاره جوړ کړ. دغه پلان د کابل د موزیم او په ټول هیواد کې د تاریخي مهمو ودانیو او سیمو د بیا ژوندی کولو په غرض پر یولې بېرنيو ټاکلو اقداماتو باندې تمرکز وموند. همدارنګه پدغه پلان کې د نړیوالې همغږې د یوې ادارې وړاندیز هم وشو، لدې امله، هغه خبراتري چې ددغه غونډې په ترڅ کې ترسره شوي د ۱۳۸۱ هجري ل (۲۰۰۲ م) کال په مني کې د افغانستان د کلتوري میراثونو د ساتنې لپاره د

د لوړولو په موخه د زده کړې او څېړنې له فرصتونو څخه بې برخې پاتې شوي و.

په روان حالت کې په عملي توګه ددغو اړتیاوو د پوره کولو لپاره داخلي زیرمي هیڅ وجود نلري. لکه څنګه چې ښاغلي حامد کرزي په هغه غونډه کې چې په د ۱۳۸۱ هجري ل (۲۰۰۲ م) کال د جنوري په میاشت کې په توکیو کې بلل شوي و وویل: (دا حالت چې یوه اداره د عوایدو د سرچینو څخه بې برخې دي په کلي توګه بیسارې دي. که مونږ څو کړای د خپلو کارکونکو تنځاګانې ورکړو او بیا ونشو کړای خپل خلکو ته خدمتونه ترسره کړو په خورا چټکتیا سره به خپل باور له لاسه ورکړو. لدې کبله کړل شوو ژمنو ته په چټکي سره د عمل جامه وراغوستل ارزښناکه بولم.)

د توکیو د غونډې د بلنې څخه راهیسې له افغانستان سره نړیوالې مرستې روانې دي. ولي هغه ژمني چې ددغه غونډې په ترڅ کې او دهغې څخه وروسته د افغانستان د بیا رغونې لپاره د مرستې کونکو هیوادونو په بلل شوي غونډه کې وشوي د موجودو ستونزو د له منځه وړلو لپاره کافي نه و برسیره پردې افغانستان ته ددغو مرستو د رسیدو لپاره هم خورا وړه روانه ده.

چې د کلتوري میراثونو د ساتنې لپاره د بودیجې په برابرولو کې هم همدغه شان ورته ستونزې پېښ دي.

له ۱۳۵۸ هجري ل (۱۹۷۹ م) کال څخه وروسته د هیواد امنیتي حالت ورځ په ورځ د وړاندو لاره خپل کړ. په کلتوري برخه کې نړیوالې مرستې مخ په کمیدو شو تردې چې د طالبانو د واکمنې په وخت کې بیخي په تپه ودرید. اوس د افغانستان د اطلاعاتو او کلتور وزارت د نړیوال ګډکار د بیا ژوندی کولو او نوي کولو د لوي چلنج سره چې د شلمې پېرې په پیل کې را منځ ته شوي مخ دي. دغه ګډکار ځان ته په ټوله نړي کې د خورا مهمو او غورو علمي مرکزونو سره د ګډکار کولو بڼه ونيول. د دغه ګډکار لاس ته را زړې د افغانستان د کلتوري ودانیو او سیمو لکه د بامیان سیمه او همدارنګه د یو

په کلتوري برخه کې، د تاریخي او کلتوري ودانیو او سیمو ساتنه او څارنه، د عامه کلتوري مرکزونو بیا ژوندي کول او عصري کول او په کلتوري فعالیتونو کې د مدني ټولني خلاقیت او ګډون د ملي پرمختګ د بودجې د پام وړ ټکي دي.

پدغه برخې کې د باور د ترلاسه کولو عمومي موخه داده چې افغانان به د یو سمون موندلي کلتور څخه برخمن شي. د ۱۳۸۲ مالي کال د ۲۰۰۳ له مارچ څخه د ۲۰۰۴ کال تر مارچ پورې، لپاره د شپږ لومړیتوبونو وړ پروژو پیژندنه شوي و:

۱. د کابل موزیم بیا ژوندي کول
۲. د ملي آرشیف بیا ژوندي کول
۳. د کابل تیاتر بیا ژوندي کول
۴. د کلتوري ودانیو او سیمو چټک پیاوړي کول او ساتنه

۵. د غیرقانوني کیندنو او د کلتوري شتو د ترافیک څخه مخنیوي

۶. د عامه کتابتون بیا ژوندي کول

۷. د افغانستان د سنتي موسیقي بیا ژوندي کول

ددغه پروژو پیژندنه وشو او د یو شمیر دولتي سلا مشورو له لپارې چې په هغه کې مرسته کونکو او زیاتره پرمختیایي شریکان ګډون لري تر څارني لاندې دي، له دې امله نړیوال همکاري له هغې پروسې سره چې د برخې اخیستونکو د ګډون د پرتله کولو او د یو ملي پیاوړي مالکیت په پلټنه کې چې دهغې په سر کې حکومت د مشرتابه حیثیت لري د بني اخیستو په درشل کې دي، او د یونسکو د کابل دفتر پدغه برخه کې د اسانتیاوو د راوستونکي رول لوبوي. کله چې د مالي وزارت د حکومت او مرستي کونکو ترمنځ د پرمختیایي ملي بودجې د څارني او تدوین باندي د خبرواترو د وسیلې په توګه مشورتي ډلې جوړې، په کابل کې د یونسکو د دفتر څخه غوښتنه وشو چې د کلتوري مسئلو، د جمعي خبري رسنیو د وسایلو او سپورت د مشورتي ډلې د

نړیوال همغږي ټولني، او (آي، سي، سي)، جوړیدل او د افغاني چارواکو هاغي غوښتنې ته چې یونسکو دي د دغه هیواد د کلتوري مراثونو دساتني په موخه په راتلونکي نړیوالو فعالیتونو کې د همغږ کونکي رول ولوبوي د عمل جامه ورواغوستل.

باید وویل شي چې دغه د همغږي نړیواله کمیټه د کلتوري میراثونو د بیا ژوندي کولو ارزښت ته د نړیوالې ټولني د پاملرنې د اړولو د وسیلې او د مالي منابعو د ناظم په توګه دنده ترسره کوي.

همدارنگه دغه کمیټه دیو نړیواله همغږي ادارې په توګه افغاني چارواکو ته د لومړیتوبونه وړ موضوعاتو ته د پاملرنې کولو په باب او پدغه برخه کې د تګلارې دخپل کولو په هکله سلا او مشورې ورکوي. او ورسره جوخت دغه کمیټه د تاریخي ودانیو او سیمو دساتني او بیا ژوندي کولو د یولځانګړي اقداماتو لپاره یولځانګړي تخنیکي تدبیرونه څیړي او تاییدوي.

په پای کې باید وویل شي چې د نړیوالې همغږي کمیټه د عامه خبري رسنیو او سپورت کلتوري پروګرامونو ته د نظریو د وړاندې کولو په برخه کې چې د افغانستان لپاره د مرستو د سمون په برخه کې چې د ملي بودیجې له پرمختګ څخه عبارت دي بنسټیز رول لري.

د پرمختګ ملي بودیجه د ملي بیارغوني ستر لومړیتوبونه چې په ۱۲ پرمختیایي پلانونو کې وړاندې شوي دي یو په یو په ګوته کوي. یا په بله ژبه، د ملي پرمختګ بودجه د پانګې اچولو له یوې پلان څخه عبارت دي چې د هیواد د عامو خدمتونو د بیا ژوندي کولو لپاره پلان شوي پرمختیایي فعالیتونو چې په څوارځیزه یا دوه اړخیزه توګه د حکومت او یا د ملګرو ملتونو د ادارو، مرستي کونکو ادارو او یا د غیرحکومتي موسسو له خوا په مستقیمه توګه ترسره کېږي سره یوځای کوي. دغه بودجه په افغانستان کې د مرستي د وسیلې په توګه کارورکوي.



اړیکو د مرکز په توګه فعالیت وکړي. دغه رول په حقیقت کې د پلان د سپارښتني او د ستراتیژي د څارني په برخه کې د پلانونو په سپارښتنه او څارنه کې د اطلاعاتو او کلتور وزارت د بنسټیز ظرفیتونو د اوچتولو له رولونه څخه لکه څنګه چې حکومت هر وزارت ته دنده سپارلي ترڅو د خپل ملي پرمختیایي بودجې پلان و سپاري دي.

دا په حقیقت کې پدې ماني ده چې دغه ټکي ته د پاملرنې نه پرته چې کوم اداره د ا پروژي تطبیقوي او کومه اداره یې تمویلوي، د اطلاعاتو او کلتور وزارت د ملي پرمختیایي بودجې د پورتنیو پروژو د سپارلو وروستني مسئولیت په غاړه لري.

څه شي پلي شوي او څخه شي ندي پلي شوي

د توکیو له کنفرانس څخه یو کال وروسته د کلتور په برخه کې نړیوال همکاري په تدریجي توګه پراختیا وموند. ولي د اړتیاوو پراختیا ته په پاملرنې سره د افغانستان د حکومتي واکمنانو ترمنځ د نا امیدي احساس خپور شوي. لومړي د نړیوالې ټولني سره همغږي کیدل ترڅو د بودا بت د وړاندو څخه بچ کړي. د طالبانو د رژیم له را پرځیدو څخه وروسته د هراړخیزو مرستو امیدونو یې ژوندي شو. دوهم دا چې زیاتره لومړني مرستې د دغه هدف د ترلاسه کولو په مقصد ترلاسه شوي، لکه چې زیات کار په ځانګړي توګه د تاریخي ودانیو اوسیمو دنوي علمي ثبت او د بیارغونې د فعالیتونو د بیا پیل لپاره چې اړتیا ورته لیدل کېږي د تیاري نیولو لپاره تر اوسه پوري د لیدور بدلونونه ندي را منځ ته کړي.

د ۱۳۸۲ هجري ل (۲۰۰۳م کال د اګست له میاشتي څخه راهیسې) بیلابیل مرسته ورکونکو د ۴ ملیونو ډالرو څخه زیاتي پیسې په عملي توګه د ملي پرمختیایي بودجې د پروژو په واک کې ورکړيدي. همدا

اوس د تاریخي او کلتوري ودانیو بیا ژوندي کول هغه کار دي چې ورته د لومړیتوب حق ورکړ شويدي. یونسکو له هغه مالي مرستو څخه په ګټې اخیستنه چې د ایتالیا، جاپان او سویټزرلیند هیوادونه او د اغا خان امانی بنیاد د کلتوري میراثونو د ساتني لپاره برابر کړي دغه کار پرمخ بیایي. د بیا رغونې پروژې چې موخه یې په کابل، بامیان او هرات کې د بیلابیلو تاریخي ودانیو او سیمو او همدارنګه د جام د څلي (چې د افغانستان لومړني تاریخي یادګار دي چې په کال ۲۰۰۲ د نړي د میراثونو په لست کې شامل شو) بیا رغونه دي پیل شويدي.

د کابل د موزیم بیا ژوندي کول د نورو پیرنیو پروژو له ډلې څخه یو دي. هیله کېږي چې د روان کال په پای کې د کابل موزیم فزیکي بیا ژوندي کیدل د یونان، برتانیې د امریکې د متحدو ایالتونو، یونسکو او د افغانستان د کلتوري میراثونو د ساتني د ټولني په مالي مرسته بشپړ

اطلاعاتو او کلتور وزارت د نړیوالو همکارو په ملاتړ او په ځانګړې توګه د ایټالېي او فرانسې د هیوادونو په مرسته پیل کړي. چې کله کله په لرغونو سیمو کې د امنیت نشتوالي د دغه شان اقداماتو ترسره کیدل د خپله سره مخامخ کوي.

په عین حال کې، د افغانستان د حکومت چارواکو د غیرقانوني ترافیکو په وړاندې د کلتوري شتو د ساتنې لپاره د نړیوالو سندونو او په ځانګړې توګه د توریډ د مخنیوي د وسیلې په برخه کې د یونسکو د ۱۳۴۹ هجري ل (۱۹۷۰م) کال د کنوانسیون، د کلتوري شتو د غیرقانوني مالکیت د صادرو لوی لیرېدونې او د غلا شوي او یا په غیر قانوني توګه د صادر شوي کلتوري آثارو په باب د UNIDROIT د ۱۳۷۴ هجري ل (۱۹۹۵م) کال د کنوانسیون د سندونو د تصویب لپاره لازم تدبیرونه نیسي.

د یونسکو په مرسته د افغانستان د کلتوري میراثونو په باب د ۱۳۵۹ هجري ل (۱۹۸۰م) کال قانون تر څیړنې لاندې دي او د نړیوال معیارانو سره چې په دوه پورته ذکر شوي کنوانسیونو کې بیان شوي همغږي کېږي. د دغه



۲۴. د بامیان دره چې په منځنۍ اسیا کې د ځانګړې عنعنوي کلتور شاهده وه چې له منځه لاړه.

شي. د هغې سره جوخت د ګیمي د موزیم او د برتانیې د موزیم په ګډون بیلاییل موزیمونه حاضر شوي چې د کابل د موزیم کارکونکو ته د ساتنې، اداره او نورو برخو کې پخپله په موزیم کې زده کړه ورکړي، د کوشانیانو د دورې څو بتان چې د طالبانو په وخت کې زیانمن شوي او سره یو ځای شوي او د کابل د موزیم په دخولي سالون کې د نندارې لپاره ایښودل شوي دي.

ولي په عمومي توګه د کلتوري مرکزونو لپاره مالي مرستې خورا لږې دي چې د کابل تیاتر د هغه بڼه مثال دي. دغه تیاتر په خپل همغه ناوړه حالت کې چې د طالبانو په وخت درلودې قرار لري. د افغان فلم، عامه کتابتون او ملي آرشیف حال چې په هغو کې کار روان دي بڼه شوي.

د افغانستان د کلتوري میراثونو د لوټیدو او په ځانګړې توګه د لرغونو سیمو د واداره لوټیدل او د هیواد څخه بهر ته د کلتوري شتو غیرقانوني قاچاق څخه د مخنیوي لپاره د ټینګ نړیوال ګډکار مثبتې نښې د یو لوی چلنج سره مخ دي. د افغانستان د اطلاعاتو او کلتور وزارت د اټکل له مخې روان لوټیماري او غیرقانوني ترافیک د طالبانو د دوران د لوټیماریو او غیرقانوني ترافیکو په پرتله خورا پراخه دي. د دغه لوټیماریو سره د مقابلي او مخنیوي وسیلې په ځانګړې توګه په هغو ولایتونو کې چې لا تراوسه پورې امنیتي حالات یې له ګواښ سره مخ دي خورا محدود دي. د را روان کال په پیل کې د اطلاعاتو او کلتور وزارت د هیواد په هغو لرغونو سیمو کې چې له زیات خطر سره مخ دي د ۵۰۰ تنو وسله والو کسانو د ځای یږځاي کیدو غوښتنه وکړه.

تراوسه پورې په ټول هیواد کې د نظم او قانون د راتلو لپاره موجودې زیرمې کافي ندي تر څو دغه غوښتنې ته عملي بڼه ورکړل شي.

د لرغونو اثارو د لوټولو سره د مقابلي بله ستراتیژي په افغانستان کې د علمي کیندنو پیل دي چې د

فلمسګ آند

۲۴

دوه نړیوال سندونو تصویب، قانوني وسیلي د افغانستان د واکمنو په واک کې ورکوي ترڅو له بهر څخه د خپل هیواد د کلتوري شتو دبیرته راوستو غوښتنه وکړي.

د افغانستان د بیارغونې د یوې پروسی په توګه د خپل هیواد د کلتوري میراثونو د ساتنې په اړه د افغانستان د حکومتي چارواکو رښتیني ژمنه په کلتوري برخه کې د نړیوال همکاري بیا پیل ګرځېدې، مګر دا چې افغانستان لدغه (کلتوري فاجعي) څخه چې ورسره مخ شوي بریالي وتلي شي که نه معلومه نده. د اوږدمهالو ګډ کارونه را منځ ته کول او په زیاته پیمانه د وړتیاوو او چټول په نړیوالو غوښتنو پورې تړاو پیدا کوي.

یادښتونه:

۱. د نړیوال پرمختیایي بودیجې ۱،۵ بلان: د کلتور، د عامه خبرې رسنیدو و سایلو او سپورت بشپړ متن د افغانستان د انتقالی اسلامي دولت په ویب سایټ www.af کې موجود دي.
۲. دغه قوانین د یونسکو د اجرائیوي بورډ له خوا د هغې په ۱۲۵ غونډه کې چې د ۱۳۸۱ هجري ل (۲۰۰۲م کال د اکتوبر په میاشت) کې بلل شوي و تصویب شو.
۳. د نړیوال همغږي کمیټې تخصصي کاري ډلې د بامیانو د لرغوني سیمې د ساتنې په باب د خبرو اترو په موخه د ۱۳۸۱ هجري ل (۲۰۰۲م د می په میاشت) کې سره غونډه وکړ. د نړیوال همغږي کمیټې لومړي عمومي غونډه د ۱۳۸۲ هجري ل (۲۰۰۳م کال د جون په میاشت) کې وبلل شو چې په هغې کې د افغانستان د کلتوري میراثونو محسوس او غیر محسوس عمومي حالت تر هر اړخیزې څیړنې لاندې و نیول شو. د ملي پرمختګ د بودیجې په هکله نوي شوي رقمونه په www.af ویب سایټ کې د مرسته کونکو له ډیټابیس څخه تر لاسه کیدای شي.

په افغانستان کې نړیوال ګډکار
لویس هکزتهاسن او جیم ویلمز



© موزیم ګینجی
۲۵

۲۵. د وریشمو پرلاره په افغانستان کې د بگرام عاجونه د هندي کلاسیک په سبک کندنکارۍ شوی له کابل موزیم څخه لوتل شوی.

د نړيوالې همکاري چوکاټ جوړول

ليکوال مونډر بوجيناکي

مونډر بوجيناکي خپله دوکتورا د لرغون پيژندنې او د لرغونې تاريخ په څانگه کې د فرانسې د ايکزين پروينس له پوهنتون څخه ترلاسه کړې. له يونسکو سره د يو ځاي کيدو څخه د مخه هغه په ۱۳۲۱ هجري ل (۱۹۸۲م) کال کې د الجزاير د اطلاعاتو او کلتور په وزارت کې د ښکلو هنرونو، ودانيو او لرغونو سيمو رئيس وو. مخکې لدې چې هغه په کال ۱۳۷۹ هجري ل (۲۰۰۰م) کې د کلتور د عمومي رئيس د مرستيال په توگه مقرر شي، هغه د نړيوال کلتوري ميراث د څانگې او د ميراثونو د مرکز رئيس ؤ. په همغه کال کې، هغه ته د هغې د خدمتونو له امله د کلتوري ميراثونو د ICCROM جايزه ورکړ شو. هغې پدغه څانگه کې او د جگړې په شرايطو کې د کلتوري ميراثونو د ساتنې په برخه او په عراق کې د وران شوو کلتوري ميراثونو په برخه کې د يونسکو د عکس العمل په بنودو کې پيژندل شوي کس او د څانگې پوهه او مهارت لري.

په وروستيو مياشتو کې او د عراق کلتوري ميراثونو ته د زيان رسيدو په اړوند د لومړنيو راپورونو راهيسې يونسکو خپل کار د نړيوالو هلو ځلو سره د همغږ کولو سره جوخت د عراق د کلتوري ميراثونو د ساتنې په غرض او د عراق د کلتوري ميراثونو د اوسني حالت په اړه د کارپوهانو د راپور ورکولو پر ارزونه باندې متمرکز کړي. ټول جگړې د گډوډيو، معلوليتونو او غير موجه وژنو سره د انسان روح مړوي کوي او د يو شي ياد چې د خلکو پيژندنې يا په بل عبارت د خلکو کلتور جوړوي بدلوي. په عراق کې د ۱۳ کالو بنديزونو او د وروستيو وسله واله نښتو څخه را بيدا شوي بينظمي له امله بشري اتمه زره کلن تاريخ په يوه بد حالت کې قرار لري. اور اچونکو کتابتونونو او ارشيفونو ته اور اچولې دي لوتماران تاريخي ودانې او کلتوري نهادونه چور او تالا کړي او بيساري کلتوري ارزښناکه آثار له موزيمونو او لرغوني سيمو څخه ورک شويدي. يونسکو د نړيوالې ټولني په مرسته غواړي چې د عراق کلتوري ميراثونه د خپل فزيکي توان او سمبوليک اړخونو په حدودو کې اعاده کړي. د عراق له جگړو څخه ډير پخوا، يونسکو ددغه امر د تطبيق لپاره چې په جگړه کې اخته بيلابيلې ډلې د جگړې ډپيل په صورت کې د کلتوري شتون د ساتنې په اړه د هاگه لاهه، د ۱۳۳۳ هجري ل (۱۹۵۴م) کال د کنوانسيون د

له هغې څخه وروسته لومړي دنده د عراق کلتوري میراثونو ته د زیانونو د رسیدو د اندازې معلومول وو. له همدې کبله درې غونډې چې د عراق د کلتوري میراثونو په اړه نړیوال کارپوهان یې سره راټول کړې د ۱۳۸۲ هجري ل (۲۰۰۳م) کال د اپریل په ۱۷ نېټه په پاريس کې، د ۱۳۸۲ هجري ل (۲۰۰۳) کال د اپریل په ۲۹ نېټه، په لندن او د ۱۳۸۲ هجري ل (۲۰۰۳) کال د اگست په لومړي نېټه، په توکیو کې جوړ شو. د نوموړو غونډو او عراق ته د دوه ځلي تگ څخه چې له ۱۳۸۲ هجري ل (۲۰۰۳م) کال د می د میاشتي په ۱۵-۲۰ نېټه، څخه تر ۱۳۸۲ هجري ل (۲۰۰۳) کال د جون د میاشتي د ۲۷ څخه د دغه کال د جولای د میاشتي تر ۶ نېټې، پورې ترسره شو د لاس ته راوړنو پر بنسټ دهغه هیواد د کلتوري میراثونو د اعادي کمیسیون طرحه او جوړ شو. لدغه پروژو څخه دوه یې د پلي کیدو په حال کې دي. ددغه تر اجرا لاندې پروژو څخه د یو موخه یې په خورا ښه توگه د عراق د ملي موزیم بیا پرانستل دي او دنورو پروژو د په لاره اچولو په موخه له مربوط مرسته ورکونکو سره یې اړیکې روانې دي.

د چټکو تدبیرونو او کاري پلان لپاره

ارزونه او راپور ورکول

- د کلتور د کارپوهانو لومړي غونډه د ۱۳۸۲ هجري ل (۲۰۰۳) کال د اپریل په میاشت کې جوړ شو او د لاندې درې موخو لرونکې دي:
۱. د عراق د کلتوري میراثونو د نړیوال کارپوهانو د علمي شبکې همغږ کول
 ۲. د جگړې څخه وروسته د عراق د کلتوري میراثونو د ساتني لپاره د اقداماتو او د بیا جوړولو په برخه کې د یو واحدې ستراتیژي لپاره د یو لارښود طرحه
 ۳. د عراق د کلتوري میراثونو د ساتني او څارني لپاره د یو چټک پلان طرحه د دیرشو تنو په شاوخوا کې کارپوهانو خپل چټک پېشنهادونه چې د

شرطونو اودهغې پورې د اړوند دوه اضافي پروتوکولونه څخه خبر وي باید یو لړ تدبیرونه تر لاس لاندې ونیسي له همدې کبله د یونسکو عمومي رئیس د ملگرو ملتونو عمومي منشي او د امریکې د متحدو ایالتونو د بهرني چارو وزارت یې له پېښې څخه خبر او د عراق د لرغونو سیمو او موزیم نقشه یې هغوي ته ورکړ. همدارنگه یونسکو له نړیوال پولیس، دنړي د گمرکونو سازمان او د هنري اثارو د سوداگرو کنفدراسیون ته بلنه ورکړ ترڅو د کلتوري اثارو د غیر قانوني لېږدونې په اړه د ۱۳۴۹ هجري ل (۱۹۷۰م) کال له کنوانسیون څخه ددوي د پیروي په اړه ډاډ تر لاسه کړي.

د بغداد د ملي لرغوني موزیم د لوټ کیدو په هکله د یونسکو ځواب خورا په چټکي سره وښودل شو. کوشیرو ماتسورا د یونسکو عمومي رئیس، د امریکې او انگلستان له دولتي لور پورې سره اړیکې ونيول او له هغوي څخه غوښتنه وکړ ترڅو د عراق د لرغوني سیمو او کلتوري نهادونو د ساتني او څارني لپاره چټک تدبیرونه تر لاس لاندې ونیسي. نوموړي دخپل هغه لیک په ترڅ کې چې د ۱۳۸۲ هجري ل (۲۰۰۳) کال د اپریل د میاشتي په ۱۱ نېټه، امریکایي چارواکو ته ولیکل د کلکسیونو او میراثونو د چټکي ساتني پر اړتیا باندې چې د نړي خورا غني کلتوري میراثونه بلل شوي ټینگار وکړ. هغه د بغداد او موصل د موزیمونو د وسله والي ساتني پر اړتیا باندې ټینگار وکړ. د بصري د سیمې په اړه د انگلستان له واکمنو څخه هم همدغه شان غوښتنه وشو. د عراق د کلتوري اثارو د غیر قانوني لېږدونې څخه د مخنیوي او د کلتوري شتون د غیر قانوني توریډ او لېږدونې په اړه د یونسکو د ۱۳۴۹ هجري ل (۱۹۷۰م) کال د کنوانسیون د ډاډ تر لاسه کولو په مقصد د یونسکو رئیس د عراق سره د گډې پولې لرونکي هیوادونو، نړیوال پولیس او د گمرک د کارکونکو سره اړیکې ټینګې کړې. هغه بیا هم له نړیوال پولیس، د گمرک له نړیوال سازمان، د هنري او لرغونو اثارو د ټولنو د نړیوال کنفدراسیون (CINDA)، د موزیمونو د نړیوال شورا (ICOM)، د تاریخي سیمو او ودانیو د نړیوال شورا (ICOMOS)، او د هنري اثارو د بازار له عمده کاروباریانو څخه وغوښتل ترڅو خپل قوتونه د نا مطلوبه کسانو لاسونو ته د لرغوني اثارو د لویدو څخه د مخنیوي په مقصد له یونسکو سره په پراخه توگه منسجم کړي.



۲۶

۲۶. دغه جوړ شوی سر له خرس اباد څخه چې د عراقي واکمنو له خوا بیا احیا شوی له یوې تاریخي سیمې څخه لوټ شوی او د غیرقانوني لیږدوني په موخه ټوکر ټوکر شوی.

کي ځای ورکړي. برسیره پردي، هغه کارپوهان چې په نوموړي غونډه کې گډون کړي و د یونسکو تر لارښوونې لاندې د ارزونې د یو هیئت لپړدول یې پیشنهاد کړ.

یونسکو هم د فرانسې د لیوان په ښار کې د نړيوال پولیس له مرکز سره اړیکې ونيول. په هغه غونډه کې چې د ۱۳۸۲ هجري ل (۲۰۰۳ م کال د می د میاشتي په ۵ او ۶ نېټه) جوړه شوه د کارپوهانو، سوداگرو، د موزیمونو او گمرکونو د استازو له جملې څخه ۷۰ تنه گډون کونکي خپل خبراتري د عراق پر غلاشوي کلتوري شتو او دهغو د پیداکیډو پر لار چارو باندې متمرکزې کړې. همدارنگه پدغه غونډه کې د غلاشوي شتو د پیداکولو د لارو چارو په اړه د نړيوالو همکاريو پر اړتیا باندې او د غلاشوي کلتوري آثارو په اړه د یو همغږ شوي او اړوند دیتابیس د لرلو پر ارزښت باندې ټینگار وشو. گډون کونکو د عراق د غلاشوي کلتوري شتو د دیتابیس د چټک جوړولو اړتیا چې باید د نړيوال پولیسو په همکاري پراختیا ومومي څرگند کړ. په ۱۳۸۲ هجري ل (۲۰۰۳ م کال د اپریل د میاشتي په وروستیو ورځو) کې په عراق کې د بیاوډانولو او بشري مرستوله ادارې (ORHA) سره اړیکې ټینګې شوي ترڅو د پیشنهاد شوي هیئت په برخه کې له مسلکي کسانو لکه لرغون پېژندونکو، د

هغې ورځې څخه وروسته نړيوال اقدامات یې پدې لاره کې لارښوونه کړې وړاندې کړې چې:

۱. د عراق ټول موزیمونه، کتابتونونه، ارشیفونه، ودانې او تاریخي سیمې د یو بیله څنډه پدغه هیواد کې د موجودو ځواکونو پواسطه ساتنه او خوندي شي.

۲. د عراق د ټولو لرغونو، انټیک، هنري اثارو، کتابونو او ارشیفونو له صادريدو څخه په ټینګه مخنیوي وشي.

۳. په چټکي سره د عراق د کلتوري میراثونو د نړيوال سوداګري مخه ونيول شي.

۴. د عراق دهغو اثارو د خپلې خوښې او چټک بیرته راوړلو په اړه چې غلاشوي او یا له عراقه څخه په غیرقانوني توګه بهرته صادر شوي غوښتنې وشي.

۵. د حقیقت میندلو هیئت د یونسکو سره په همغږي د عراق پر کلتوري شتو باندې د راغلي زیانونو اندازه ولگوي.

۶. نړيوالې هڅوته د عراق د کلتوري نهادونه سره د مرستې په غرض لارښوونه وشي. په عین وخت کې یونسکو د امریکې له استازي میرمن بوني مگنيس گادینر سره د حقیقت میندلو د هیئت د لپړلو موضوع تر بحث لاندې ونيول او د کلتوري کارپوهانو غونډې ته د دغه شان هیئت د لپړلو موخي وټاکل شوي.

د کارپوهانو دوهمه غونډه له یونسکو سره په گډه د ۱۳۸۲ هجري ل (۲۰۰۳ م کال د اپریل په ۲۹ نېټه) د برتانیې په موزیم کې جوړه شو. پدغه غونډه کې د نورو موضوعاتو برسیره د کارپوهانو د ۱ او ۲ گڼې پیشنهادونو په اړه چې د پاریس په غونډه کې شوي وو خبراتري وشوي. د نړي د خورا غوره موزیمونو رئیسان چې د گډون په غرض دغه غونډې ته بلل شوي و د بغداد د موزیم په اړه د چټکو تدبیرونو موضوع ته د غونډې د اجندا د لست په سر

د لرغوني اثارو د عمومي رئيس بناغلي جابر خليل او د بناغلي سفير پيرو کوردون نر څارني (چي د موقتي ائتلافي اداري د سلاکار په توگه ټاکل شوي) په شريکه جوړ کړي.

کارپوهانو د بيت الحکمت له کلتوري انستيتوت څخه چي د عباسيانو په وخت کي جوړ شوي ؤ او د عراق د لمړني پارلمان ميلمه پال ؤ ليدني وکړي. دهغي ټول سامانونه ورک شوي ؤ او د پارلمان اصلي خونه د اور دلگيدو له امله زيان ليدلي ؤ.

د بيت الحکمت څنگ ته د عباسيانو ماني چي د بغداد د ښار د بيساري ودانيو په شمار کي راځي او دهغي د ځينو برخو د ودانيدو نيته نهمي پيري پوري اړه پيدا کوي د لوتمارو له امله زيانمن شوي ؤ. همدارنگه د هثيت غړي د کلتوري ميراثونو د ساتني د سيميزو ودانيو له مرکز، د ښکليو هنرونو له موزيم څخه چي په بشپړه توگه لوت شوي ؤ او د موسيقي سامان الاتو له موزيم څخه ليدني وکړي. د يونسکو د کارپوهانو دوهم هثيت د ۲۰۰۳ کال د جون د مياشتي له ۲۸ څخه د جولاي تر ۷ نيټي پوري له عراق څخه ليدنه وکړ. تر هغه ځايه چي امنيتي حالت اجازه ورکاوه، هثيت له تاريخي ودانيو، ارشيفونو، کتابتونونو او د عراق د شمال د لرغوني سيمو (موصل، نينايف، ابريل، هاترا او عاشور) او د هيواد په جنوب کي (بابيلون، کيش، ايسين، اور، اوروک او بصري) څخه ليدنه وکړ. يو دير شمير کارپوهان چي يو زيات شميري بيژندلي شوي نړيوال شخصيتونه ؤ د دغه هثيت غړيتوب درلودي. دغه کارپوهان عبارت ؤ له: پروفيسر شيگواو کي د توکيو (جاپان) د کلتوري شتو د څيړني د ملي انستيتوت رئيس او د چاپيريال ساتني پوه داکتر ج. ام ارنولت، د..... رئيس پروفيسر کين ماتسوموتو، د کيو کيو شيگان په پوهنتون کي د به کيش د لرغون پيژندني رئيس، لرغون پيژندونکي پروفيسر آي نيوسين او د نږدي ختيځ په څانگه کي د

تاريخي ودانيو، دموزيم د کلکسيونونو او د ارشيف د کارپوهانو څخه جوړ شوي وي، کاروشي. د کارپوهانو لومړي هثيت چي د يونسکو عمومي رئيس ټاکلي ؤ په ۱۳۸۲ هجري ل (۲۰۰۳ د مي د مياشتي په منځ) کي عراق ته سفرو کړ. دغه کارپوهان عبارت ؤ له: نيل مک گريکور، د برتانيي د موزيم رئيس، کين ماتسوموتو د توکيو د کوکيو شيگان د پوهنتون استاد او د جاپان د لرغون پيژندني د هثيت رئيس، به کيش، ام جان روسل د بوستون د ماساچوست د هنرونو د انستيتوت استاد، د لرغون پيژندني د هثيت پخواني رئيس به نينايف، رابرتو پراپيتي د تاريخي ودانيو د ساتني او څارني لپاره د ايتاليي-عراق د مرکز رئيس، د سلما الرادي د نيويارک د پوهنتون استاد، د عراق د موزيم پخواني رئيس، مک گيو ايرگيسن د شيکاگو د پوهنتون استاد او په عراق کي د امريکي د لرغون پيژندني د ټولني رئيس چي وروسته د يونسکو سره د راپور په جوړولو کي مرسته وکړي.

هثيت د عراق کلتوري شتو او په ځانگړي توگه د عراق د ملي موزيم، د بغداد د ملي کتابتون، بيت الحکمت او د عباسيانو ماني ته د رسيدلي زيانونو داندازي يو لومړني ارزونه ترسره کړ او يو لومړني راپور يې په بغداد کي د کلتوري ميراثونو د حالت په اړه برابر کړ. هثيت خپل فعاليت د غلا شوي اثارو په برخه کي اړوندو پوښتنو، د عراق د موزيم د موجودي دلست په برابرولو او د بغداد د ښار د عمده کلتوري بنسټونو د بيا ودانولو لپاره د يو کاري پلان پر جوړولو متمرکز کړ. پدغه لاره کي د پيژندل شوي خاصو تدبيرونو موخه د موزيمونو کارکونکو ته توان بخښل ؤ تر څو چي خپل فعاليتونه له سره پيل کړي.

هثيت د عراق په ملي موزيم کي د راغلي زيان د ارزوني لپاره کافي وخت درلودي او د وړتيا لرونکي اقداماتو دلست يې د موزيم له رئيس، ميرمن نواله متولي، د څيړني رئيس بناغلي دوني جورج او د عراق

څخه بصري ته له بصري څخه اپريل او د هغه ځاي څخه موصل ته سفرونه وکړ. ارزونه د جگړو د پېښو، د څولسيزو بنديزونو، اود زيربناوو د ړنگيدو له امله د عراق د لرغوني سيمو څلور ډوله (تيريو) ته اشاره کړي. لوټول او ناروا کيندنې، د وسله والو ځواکونو د پايگاڼو وشتوالي، په چټکي سره د له منځه تلو لوري ته د لرغوني سيمو تگ، د بيا جوړونې موضوع تر پوښتنې راتلل او لوټماري چې په تيره بيا د عراق په مرکزي سهيلي برخو کې له هيللا (په شمال) څخه نيولې تر ناصريي (په جنوب) پورې صورت مومي. د ۲۰ په شاوخواکي خورا مهم او پيژندل شوي سيمي لوټ شوي او ياهم د لوټيدو په حال کې دي چې ثبت شويدي.

داسې راپورونه شته چې په سلگونو تنو نور لوټماران په لرغوني سيمو لکه اسين کې په لوټماري بوخت دي. امکان لري چې ددغه سيمي د لرغونو اثارو په سلوکي پنځوس لوټ شوي وي او له اداب(نوي بسميا) څخه هم ورته راپور ترلاسه شويده. داسې معلومېږي چې له منځنيو سيمو څخه نيولې ترخوا لويو سيمو او هديرو پورې سيمي لوټ شويدي چې د لوټماريو تخنيکونه يې سره ورته بريښي، تراوسه پورې په عراق کې د موجود زرگونو کوچنيو غونډيو ارزونه ندي ترسره شوي. زياتره کيندنې د بيل پواسطه ترسره کېږي او د يونسکو د کارپوهانو ډله له درنه ماشين الاتو لکه د جرثيلو کارول ندي ليدلي.

د څو لرغونو سيمو (اور، بابيلتون او کيش) څخه هم د جگړې څخه وړاندي او هم د جگړې نه وروسته د وسله والو د هډو او پوستو په توگه گټه اخيستل شوي. له بلې خوا ويلاي شو چې امکان لري د وسله والو شتون لرغوني سيمي د لوټيدو څخه وژغوري، ولي امکان لري چې وسلواله فعاليتونه د موضع کيندل، د زره دارو وسايطو تگ راتگ، د هيلیکوپترونو له الوتنو څخه را پيدا شوي اهتزازات او نور هغوي ته زيان ورسوي. دغه سيمو ته د زيان رسيدو بل عامل د

دنمارک د کارستين نيو بهر د انستيتوت رئيس دکتور ام وان ايس او د به اورک د لرغون پيژندنې د هئيت رئيس، د جرمني د لرغون پيژندنې انستيتوت څخه لرغون پيژندونکي پروفيسر رابرتاونيکو او د تورين (ايتاليا) له پوهنتون څخه بناغلي کارل هينز کانيد د نړيوال پوليسو استازي انجينر عثمان او د کلتور لپاره مرکزي استازي (هالنډ-عراق). ددغه هئيت د سفر په دوران کې داکتر موياد دميريچي د لرغون پيژندنې په برخه کې او ويشيار محمد د کتابتونو او ارشيفونو په څانگه کې د عراق د مسئولو مقاماتو د استازيتوب دنده درلودې. ددغه هئيت د سفر موخه د عراق د عمده لرغونو سيمو او د موزيمونو د ساتني او د بغداد څخه د باندي د کلتوري نهادونو د ساتني او څارني د نړيوالي وضعي د ارزونې بشپړول ؤ. همدارنگه دغه هئيت د کلتوري اثارو د خلاصون لپاره د اقداماتو د ترسره کولو د پيشنهادونو په گډون داسې يو کاري پلان چې د لوټيتوب وړتيا يې درلودې هم جوړ کړ.

په هئيت کې شامله ډله د عراق د موزيم دلابراتارونو او سامان الاتو د حالت او د هغو دځاي پرځاي کيدو په هکله د عراق د موزيم د اعادي دڅانگې له رئيسي ميرمن بوتيند موسليم عبدالحسين سره تفصيلي څېراتري ترسره کړې چې د کيميا، فزيک او جيولوجي د لابراتارونو د تحليل او تجزيې برخې د دود اگني کوټه او د مودل جوړولو، د فلزي او دختود لوښو د اعادي لابراتوار، د کيمياوي موادو گدام، دعضو عناصرو د اعادي لابراتوار او عکس اخستلو کوټه يې تر سيوري لاندي راوست.

لرغوني سيمي

د امنيتي خورا سختو ستونزو سره بياهم د يونسکو د کارپوهانو ډله دموټرپواسطه د ۳۸۰۰ کيلومترو واټن په وهلو سره د عراق يو شمير پيژندلې شوي لرغونو سيمو ته يانې له بغداد

د نړيوال همکاري چوکاټ جوړول
مونږ بوجيناکي

د اورک په سيمه ياني په نوي ورکه يي کي چي د
موتانا په ولايت کي د سيمي له خورا لويو غونډيو
خځه دي د هغي د کيندنو په نتيجه کي د ټولي سيمي
په سلو کي يواځي څلور برخه لوڅ شوي پداسي حال
کي چي پاتي برخه يي په خپل حال ياني لاس ناخوړلي
پاتي دي. يو وسله وال ساتونکي چه دهغي تنخواه د
جرمني د هيواد يو ليرل شوي ځواک چي په سيمه کي
کارکوي ورکوي او د ات توبي قام چي د دغه ليرل
شوي ډلي د اوسيدن ځاي په گاونډ کي اوسي د دغه
سيمي ساتنه کوي. پدغه سيمه کي د لوټماري نښي نه
بنکاريده او نه هم د غلا کوم راپور ورکړ شوي و. ولي
يو شمير کيندل شوي ودانوي يي په چټکي سره د
ورانيدو په حال کي دي چي بايد په خورا چټکي سره
دهغي د بيا رغونې چاري ترسره شي. سپين معبد او
سکوب چي پرهغه تکيه شوي د ناوړه هوا له امله د
ورانيدو په خورا بد حالت کي قرار لري.

بابلتون د عراق خورا پيژندل شوي لرغوني
ښار دي. د دغه ښار منځني برخه په يوه وسله واله هډه
بدله شوي. ديونسکو د کارپوهانو ډلي ونشو کړاي
چي د جگړي په نتيجه کي ورته رسيدلي زيان کشف،
اتکل او معلوم کړي. مگر د دغه سيمي په شان هغو
سيمو ته چي د وسله والو هډو دشتوالي له امله
ديونسکو ډله ونشو کړاي هغو ته لار شي بنسايي يو لړ
ستونزي پيدا کړي وي.

د جگړي غير مستقيم ستونزه د اصلي ودانيو په
ورانيدو يا تاداواندي د بابليون د نوي جنجال
زيربوني ماني بيا ودانول دي.

له همدې کبله، دغه لرغوني سيمه د يونسکو د
نړيوال ميراثونو په لسټ کي د منلو وړ ندي
گرځيدلي.

صدام حسين د سيند بلي غاړي ته د يو په لاس
جوړ شوي غونډي پر سر د ښار د ديوالونو په منځ کي

عراق د کلتوري ميراثونو د پيژندنې او دهغو د ساتنې
دمهمو مسئلو په اړه عسکرو ته د خبرتيا نه ورکول
دي.

د مثال په توگه، د مقياريو نوي غونډي کي د ده
قار د والي اوسيدن ځاي، د يولوي وسله وال هډي او
دهوايي ډگر ترمنځ پروت دي. ديونسکو هټيت
ونشو کړاي چي د هغي حالت تر ارزونې لاندې ونيسي
مگر د ممکنه خطرونو له درکه چي لرغوني سيمي د
يوې وسله والي هډي په حدودو کي د پروت له امله
ور سره مخ وي ناهيلي و.

د اور سيمه چي د خپل Ziqqurat له امله چي په ښه
توگه يي ساتنه شوي او حتي د وسله والو نښتو خځه
دمخه هم يو لړ رغونو ته اړتيا درلودې مشهور دي. له
بلي خوا، د شخصي اوسيدن ځايونو چي په لومړي
وختونو کي تر دوه متره لوړوالي پوري ساتل شوي و



د عراق د پارلمان په پخواني ځای کې د اورلگيدو له امله زيانمن شوی.

نقشونو د نښي اړخ يو برخه مات شويدي. امکان لري نور زيانونه د بنديزو په مهال چي په هغه وخت کي د لوي ماني د مجتمع ځينو کوټو ته د تگ لاري د تير وځخه د جوړ شوي ديوالونو يوا سطره بند شوي و رسيدلي وي.

د الات د معبد د سهيلي ماني پر وتلي نقشونو باندي د وراني نښي پر سترگو کيږي. د دغه لرغوني سيمي د ساتني لپاره ځانگړي پاملرني ته اړتيا ليدل کيږي.

تاريخي وداني

د عراق تاريخي وداني په دوو دورو چي د عباسيانو وروستني لري او د عثمانيانو څخه عبارت دي اړه لري. چي په ذکر شوي لومړني دوري پوري جوماتونه، ماني، مدرسي، تعليمي مرکزونه، کاروان سرايونه او هديرې اړه لري. ديونسکو ډله په بغداد، بصره، موصل او ابريل کي له يوشمير مانيو څخه ليدنه وکړي.

د بصري ښار د عراق او ايران د جگړو په دوران کي په پرله پسي توگه بمباري شو. دوروستي جگړي څخه وروسته هم دغه ښار ته خورا زيات او سخت زيانونه ورسيدل. عمده کتابتونه ته يي اور واچول شو. د (بريتانيي د راج) د دورې يو ښکلي ماني چي د سيند د څنگ په اوږدو کي په ۱۳۰۶ هجري ل (۱۹۳۰م) لسيزه کي ودان شوي و او د بصري پوهنتون پوري اړه درلود په بشپړه توگه لوټ شو او په يوه کډواله بدل شوي، خود او سيدني څو پوږيزه وداني چي د اشرد ويالي په اوږدو کي پراته دي د نه پاملرني او د ساتني او څارني د نشتوالي له امله خورا بد حالت لري. دا وداني چي له خښتو جوړ شوي پټ غولي او له لرگو څخه جوړ شوي وتلي برنډي لري چي په لرگو سره يي مخونه ښکلي شوي.

يو لوي ماني چي له هغي څخه دا لرغوني سيمه په ښه توگه ښکاري ودان کړ. داسي بريښي چي ددغي ماني او دلرغونو اثارو د رياست د اداري واحدونو لوټول د بابليون خورا لويه ستونزه وي. د موجودي ټول لستونه، ارشيفونه او د برښنا تاسيسات په بشپړه توگه له منځه تللي. د لويي سيمي څخه پرته موزيم يي لوټ شوي مگر يدي چي لوټ شوي شيان يي قالبونه و، نشي کيداي چي را رسيدلي زيانونه مهم وبلل شي. موقته ائتلافي اداره د ودانولو ديو سيميز شرکت سره تماس ونيو ترڅو موزيم ته رسيدلي زيان ورغوي. دغه لرغوني سيمه په عراق کي د عسکرو (بهرنيانو) د ليدني لپاره پرانيستي دي. معلومه نه و چي دا لرغوني سيمه د عامو عراقيانو په واک کي ويا نه.

د هاتره په سيمه کي د عراق لومړني لرغوني سيمه چي د يونسکو د نړيوال کلتوري ميراثونو په لست کي په ۱۳۶۴ هجري ل (۱۹۸۵م) کال کي ثبت شوي د لوټماري نښي نه په سترگو کيږي. له ديوال څخه غورزیدلي د يو توږل شوي بدن سر په ظاهره کي غلا شوي بريښيده مگر نشي کيداي هغه ديوي جگړيزي پيښي پوري اړوند وبلل شي.

دغه لرغوني سيمه چي په پراخه توگه پر زياترو تير و باندي د صدام حسين نومونه او انځورونه کښل شوي د بايبلون د ښار په شان له ورته ستونزو سره مخ دي. د امريکايي قوتونه يو کوچني پنځه کسيزه ډله په نوموړي سيمه کي گزمه کوي او هډه يي د شهيو په معبد کي دي چي هغي ته د زيان رسيدو سبب گرځي. تيمونوس دروازي ته چي په ترلو سره يي د ننوتلو څخه مخنيوي کيږي او پدي توگه په هغي کي د موجود پوستي څخه ساتنه کيږي. د تگ اجازه يواځي هغه وسايطو ته ورکول کيږي کوم چي اجازه ليک ولري، د تيمونوس د ودانيو له نني څخه د لويي ماني په مجتمع کي د يو يو کوچني ماني له ښکلا و څخه يو ښځينه سرورک شوي او د الات د معبد د وتلي

راتلو سره سم دغه کلکسيون د طرحه شوي پلان مطابق خپل پخواني ځاي ته ليرېدول کيږي او ځاي پر ځاي کيږي. لابراتوار او د خطي آثارو د اعادي خانگه چي (د مرکز په گاونډي کې په يوه کوچني سيمه کې پروت دي) په بشپړه توگه لوت شويدي او يواځي تشي کوتي يې پر ځاي پاتي دي.

د بغداد ملي کتابتون خورا سخت زيانمن شويده. ددغه کتابتون ودانې چي په ۱۳۷۲ هجري ل (۱۹۷۷م) کال ودان شوي و ورته اور واچول شو او دوه ځلي لوت شو چي يو ځلي په ۱۳۸۲ هجري ل (۲۰۰۳م) کال د اپريل ۱۴ نيټه، او دوهم ځل دهغي څخه يوه اونې وروسته. دهغي لومړي پور دهغي د لوست له اصلي کوتي سره يو ځاي لوت شويدي. د کتابتون لستونه د فرشونه پرمخ خواره شوي وو، او کتابون ته په ازاده توگه د اوراچولو دهغو نښي چي په څو ځايه کې ترسره شوي ترسترگو کيده. د صحافي نور هيڅ نښي وجود نلري لومړي نښي چي په سترگو کيږي ددغه حقيقت څرگندونه کوي چي د اوراچولو کار په بشپړه توگه يو سازمان شوي او تنظيم شوي اقدام و او ديو سوزونکي مادي څخه په گټه اخيستو سره ترسره شوي په ځينو برخو کې کتابونه سره ټول او د سوځونکي مادي پواسطه سوځول شوي و ترڅو د فلزي الماريو سره يوځاي وسوځي او دا پدي معني دي چي د تودوخي درجه دومره لوړ و چي کتابونه او د کتابتون ودانې سره يو ځاي له منځه يوسي.

ائتلافي موقته اداره د کتابتون له ودانې څخه ساتنه نه کاوه. د جگړې څخه مخکي هم سخت و چي د کتابتون د کتابونو په شمير باندي په صحيح توگه خبروای، د هغه کړنلاري څخه چي د جريدو د تشريح لپاره (د عنوانونو او گڼو شمير) تري گټه اخيستل شوي و دهغوي ټول شمير سره فرق درلود. لږ لږ په متر داسي معلومېږي چي د الماريو د اوږدوالي په متر سره او د کتابونو هغه شمير چي د گدام د فرش پرمخ پراته و، د کتابخاني د گدامونو ډکوالي او د کتابتون

د يونسکو ډله د عراق په شمال کې ددغه سيمي د بناونو له ډلي څخه د موصل له ښار څخه ليدنه وکړ. دغه خورا غوره پرمختگ د ديارلسمي پيړي په لومړي نيمايي کې ترسره شوي. د النوري د جوماتونو کورښوي ځلي چي په ۵۵۱ هجري ل (۱۱۷۲م) کل کې ودان شوي خورا زيات په زړه پوري ده. د موسيقي سنتي ښوونځي چي يو مهم مرکز دي په بشپړه توگه لوت شوي او دهغي درسي پروگرامونه په ټپه دريدلي. د ملي ميراث په مرکز کې د سنتي صنعتونو په برخه کې ۱۲۰ تنه زده کونکو ته سبق ورکول کيده، چي له نيکه مرغه هغه زيانونه چي لوتمارو هغي ته ورساوه خورا لږ وو. يونسکو د بيارغونې د يوې پروژي لپاره د پيل د پانگي په توگه ۲۵۰۰۰ ډالره تخصيص ورکړي چي ددغه نووښت څخه موقته ائتلافي اداره پلوي وکړ.

ارشيفونه او کتابتونونه

د ارشيفونو او کتابتونو په اړه بايد وويل شي چي د لاندني مرکزونو حالت تر ارزوني لاندې نيول شوي: په بغداد کې ملي کتابتون، ملي ارشيف، د عراق د خطي آثارو مرکز، د اوقافو کتابتون، د منصورتي د پوهنتون کتابتون، په بصره کې عامه مرکزي کتابتون، د مرکزي پوهنتون کتابتون او د موزيم کتابتون. د بغداد د خطي آثارو مرکز چي د ملي آثارو عمده برخه يې ټول کړي خوندي پاتي ده يانې ودانې يې په ښه حالت کې قرار لري او لوت شوي ندي.

په وروستيو کلونو کې دهغي په کلکسيون کې لږ لږ امله چي د هيواد له بيلا بيلو برخو څخه يو زيات شمير کوچني کلکسيونونه راوړل شوي زياتوالي راغلي او اوس په هغي کې نږدې ۴۷۰۰۰ ليکلي آثار موجود دي د نښتو د پيل څخه دمخکي مياشتو په موده کې دغه کلکسيون په يوه پټ پناه گاه کې يو خوندي ځاي ته وليږدول شو، په بغداد کې د امنيت د

د کار پوهانو د هئيت راپور او لارښوونې

د يونسکو د کارپوهانو ډله د خپل ماموريت په پاي کي ښاغلي سفير پيرو کوردون، د کلتوري ميراثونو لپاره د موقتي ائتلافي اداري هم اهنګ کونکي او د موقتي ائتلافي اداري نورو استازو ته د خپل ماموريت په اړه راپور ورکړ. په راپور کي راغلي ؤ چې لکه څنگه چې وسله وال واحدونو ته د کلتوري سيمو د ماهيت او پيچلتيا په اړه چې دوي په هغو کي کار کوي معلومات نه ؤ ورکړ شوي پدغو سيمو کي دوسله والو هډو شتون خورا سخته ستونزه ؤ. ښاغلي سفير کوردون ته د کلتوري سيمو لست ورکړ شو ترڅو ساتنه يې وشي. پدغه لست له سلو څخه زياتي مهمي سيمي چې بايد دهغو ساتنه وشي او نږدې ۲۰ سيمي چې لوټ شوي او بايد ورته لومړيتوب ورته کړل شي ليکل شويدي.

علمي او اکادميک مرکزونه هم پدغه برخه کي ارزښناکه رول ولوباوه، د برتانيې له کمبريج پوهنتون څخه ډاکټر هيلن مکدونالډ يې د لرغون پيژندنې د فعاليتونو د همغږ کونکي په توگه وليدل شو. له بابلون څخه د يونسکو د ډلي له ليدني څخه دوه اونې مخکي هغه پدغه سيمه کي په دنده وگمارل شو ترڅو دهغي د بيا رغونې په کار کي او همدارنگه د عراق د جنوب د لرغونو سيمو په ساتنه کي مرسته وکړي.

ديونسکو د کارپوهانو له ډلي سره د يوې ناستې په ترڅ کي نوموړي د لرغونو سيمو د حالت په اړه د خپل ژوري نارامي څرگندونه وکړي.

د هيواد شاوخوا سيمو ته د امنيتي ستونزو او په هغو سيمو کي د فوځي ځواکونو د نشتوالي له کبله دهغي د تگ مخه ونيول شو. همدارنگه هغه په يواځي توگه او د فوځ د نه موجوديت له امله د خپل دندي ترسره کيدل يو ناشوني کاروباله او پدغه برخه کي د خورا ټينگ او همغږ شوي نړيوال اقدام غوښتنه وکړي. په همدغه وخت کي د شيکاگو د پوهنتون استاد

د اداري د نه پاملرنه له امله د ۱۲۰۰۰۰۰ په شمير کتابونه له منځه تللي وي چې خورا گڼ شمير دي. د دوه اور سوځيدنو ترمنځ وخت (نږدې يوه اونې) کي د کتابتون کارکونکي او د خپلي خوښي کارکونکو د کلکسيونو يو شمير يې د صدام حسين په پخواني ښار کي د شيعه گانو جومات او د سيلانيانو د اوسيدن ځاي يو وداني ته وليږدول شو. همدا اوس، کلکسيونونه په دري بيلا بيلو سيمو کي ځاي پرځاي شوي. نږدې ۷۰۰۰۰۰ ټوکه کتابونه تر اوسه پوري په ملي کتابتون کي موجود دي. د ۳۰۰۰۰۰ ټوکو په شاوخوا کي کتابونو په تاوريه جومات کي او نږدې ۲۰۰۰۰۰ ټوکه د سيلانيانو په اوسيدن ځاي کي ځاي پر ځاي شوي. د بنديز له امله يواځي يو لږ شمير عنوانه ثبت شويدي او د مراجعو هيڅ يو لست چاپ شوي نه دي. ويل کيږي چې د موجودي ټول لستونه د اور لگيدو يا ورانکاري له امله له منځه تللي. د لستونو ځني کارتونه اوس هم په قطيو کي شته مگر دهغوي يو زيات شمير د فرسونو پرمخ خواره واره دي. دغه کارتونه بايد د هغو سندونه سره يوځاي چې د کتابتون په وداني کي خپاره دي ټول شي، په احتياط سره پاک او په ټوکړيو کي کينودل شي ترڅو چې پر هغو باندي دکار کولو شرايط برابر شي. په موصل کي د پوهنتون مرکزي کتابتون چې د پوهنتون د سيمي په يوه مناسبه برخه کي موقعيت لري وران او لوټ شوي مگر (لوازم، سامان الات او کتابونه) سوځول شوي نه ؤ. د نوموړي کتابتون د وداني جوړښت هغومره زيانونه چې د بغداد او بصري د کتابونو وداني ليدلي ؤ نه ؤ ليدلي. د مذهبي مقاماتو د غوښتنې سره سم يو شمير غلا شوي کتابونه بيرته ستانه شول او امکان لري يواځي نږدې په سلو کي ۳۰ کتابونه له لاسه تللي. دغه کتابتون اعاده شوي او د امريکايي ځواکونو او دهغو له مرستو څخه په گټي اخيستنې سره چې هغوي برابر کړي بيا رغول شويدي.

لياري تامين شي. له همدې امله، یونسکو دهغي د نړيوال هلوځلو سره په گډه کار او فعاليت کړي.

د نړيوالو هلوځلو همغږي

یونسکو د کارپوهانو د ډلو پر استولو برسیره او د هغه رول پر بنسټ چې د عراق د کلتوري ميراثونو د بيارغوني لپاره د نړيوال فعاليتونو په همغږ کولو کې لري، د اړتيا وړ لومړيتوبونو لپاره د مرستو د وړاندیزونو ته د لور ورکولو په غرض او په يوممكن زماني چوکاټ کې دهغي لپاره د مهال ويش د برابرولو په غرض ۲۰۰۳ کال د جولای په ۱۲ نيټه په پاريس کې د خپل غړو ټولو هيوادونو د همغږي غونډه جوړه کړي.

پدغه غونډه کې د یونسکو عمومي رئيس په عراق کې د یونسکو د دفتر د پرانستو وړاندیز وکړ تر څو د یونسکو، موقته ائتلافي اداره او د عراق د کلتوري ميراثونو د مسئول واکمنو ترمنځ همغږي را منځ ته کړي. د ودانو لوانجینر عثمان غيدان د اړیکو د کارپوه په توگه وگمارل شو.

د ۱۳۸۲ هجري ل ۲۰۰۳ م کال د اگست د مياشتې په نيمايي کې د د عراق د کلتوري ميراثونو د ساتني په اړه د یونسکو د کارپوهانو دريمه غونډه چې د یونسکو او د جاپان د کلتوري چارو اداره يې سره په گډه په لاره اچولې و، عراق ته د یونسکو دهيتونو د ارزونې د نتايجو په هکله د بحث په غرض، په عراق کې د کلتوري ميراثونو د بيارغوني د بشپړ ستراتيژي د پلي کيدو لپاره د نړيوالي مرستي او د نړيوال همغږي د ميکانيزم او په پای کې په بغداد کې د عراق د موزيم پوري اړوند موضوعات يې تر بحث لاندې نيول و جوړه شو. د ۱۳۸۲ هجري ل ۲۰۰۳ م کال د جولای له ۳۱ نيټې څخه د اگست تر ۲ نيټې پوري، د تدابيرو له جملې څخه چې بايد ترسره شي کارپوهان د یونسکوله عمومي رئيس څخه غوښتي دي ترڅو د

گيښتن هڅه وکړ ترڅو پيښ شوي لومړي لومړي مصنوعي سپورمي په مرسته پيدا او معلوم کړي هغه لست چې د یونسکو د کارپوهانو ډله برابر کړې اوږد او د لومړيتوبونو پر بنسټ دي او په هغه کې زيات پام د عراق د موزيم د بيارغوني او په نندارې سيمو کې د چاپيريال د وړ شرايطو پيژندنه او د لابراتوارو د بيارغوني لپاره د لازمو سامان الاتو برابرولو لوري ته اړول شوي دي. د پرسونل روزل هم له دغو لومړيتوبونو څخه دي. د موقتي ائتلافي ادارې په مرسته د لرغونو سيمو لپاره لنډ مهاله اقدامات، د عراق په جنوب او ودياله کې د لرغونو سيمو د لومړي څخه مخنيوي او د لرغوني سيمو د پاتې شوو د لوټيدو څخه د مخنيوي په غرض پدغو سيمو کې چې د لومړي لومړي له امله سخت زيانمن شوي د کيندنې چارې په لاره اچولوته به دخورا عمده لومړيتوبونو په څير پاملرنه وکړي. د منځ مهاله او اوږد مهاله اقداماتو موخه (الف) د لرغونو آثارو د رياست د زيربنا د بيارغوني سره سم سفرته د ليردول شوو ډلو تشويق او لارښوونه (ب) د آسورو د سيمي په شاوخوا کې د وادي د ژغورنې په موخه د يوې پروژې تيارول او همغږ کول (ج) په ځينو مهمو کيندل شوو سيمو کې چې له خښتو او خټو څخه جوړ شوي يانې د اورک د سيمي د سپين معبد د کار پيل.

ترهغه ځايه چې کتابتونونو او ارشيفونو پوري اړه لري. عمومي لارښوونې عبارت و له (الف) د خواره واره شوي کلکسيونونو د ټولولو او ساتني لپاره د خوندي ودانيو پيدا کول؛ (ب) د ساتني پلان جوړول؛ (ج) د موقت گدام کولو لپاره د چاپيريال د شرايطو سمون؛ (د) د کارکونکي تشويق او هڅول ترڅو خپل کارونه له سره پيل کړي.

مگر ددغه لارښوونو د بريالي ترسره کول کيداي شي يواځې د عراق د زياتره لرغونو سيمو او ودانيو د څيړنې او ساتني او حتي دهغو څخه د کتنې لپاره د نړيوال همغږ شوي اوږد مهالو پروژو د پرمختگ له

د ملگرو ملتونو د نورو اداره سره همغږي

په ۱۳۸۲ هجري ل (۲۰۰۳م کال د مي د مياشتي په ۲۳ نيټه، کال کي د ملگرو ملتونو د امنيت شورا د رايو په اتفاق د هغه حياتي رول په هکله چي بايد ملگري ملتونه د بشري مرستو د برابرولو، د عراق د بيارغوني اود سيميز او ملي مرکزونو د جوړيدو په اړه چي بايد له نماينده حکومت سره ولوبوي د امنيت د شورا د ۱۴۸۳ گڼي د پريکړه ليک په گټه رايه ورکړ. د يونسکو عمومي رئيس ددغه پريکړه ليک تصويب او په ځانگړي توگه دهغي د ۷ بند څخه چي د عراق د غلاشوي کلتوري ملکيتونو ناروا ترافیک پوري اړه لري او پدغه برخه کي د يونسکو د اقدام غوښتنه کوي پلوي وکړ. د يونسکو عمومي رئيس ټينگار وکړ چي دغه بند د خورا مهم پرمختگ لامل دي او ترهغه پوري پرمخ ځي چي د يونسکو د ټولو غړي هيوادونو څخه غواړي ترڅو په اساني سره د غلاشوي کلتوري ملکيتونو دبيرته راگرځيدني لپاره ټول لازم تدبيرونه ونيسي او ددغه شان ملکيتونو د سوداگري او ليرديدني مانع وگرځي.

دغه بند د ۱۳۴۹ هجري ل (۱۹۷۰م) کال د

۲۸-۲۹. د عراق دملي موزيم لوتول، دساتونکي زمري سرچي

۲۰ سانتي متره لوړوالی لري، چي د تل هارمل اصلي

بت پخوانی بابليان د قبل الميلا د ۱۸۰۰، پوری اړه لري مات

او بدن يی ټوکر ټوکر شوی

عراق د کلتوري ميراثونو د ساتني لپاره د دغه هيواد د راتلونکي حکومت او د يونسکو تر سيوري لاندې د همغږي يوه نړيواله کميټه جوړه کړي. دغه غوښتنه دهغو تجربو پر بنسټ شوي چي يونسکو په کمبوديا، بوسنيا او نوي په افغانستان کي ترلاسه کړي. همدارنگه د غونډې په دوران کي وړانديز وشو ترڅو دهغږي د نړيوالي کميټي لومړني غونډه دي د دسمبر د مياشتي په لومړي اوني کي د يونسکو په مرکز پاریس کي جوړشي. خورامهمي موضوع گاني چي د غونډې په دوران کي تر بحث لاندې ونيول شو لند مهال او اوږد مهال اقدام، په موزيم کي د لابراتوارونو سمبالول او پرانستل، د هغو هنري اثارو د اعادي پيل چي خورا سخت اغيزمن شوي، او د موزيم د کارکونکو لپاره د زده کړي د پروگرامونو پر لاره اچولو ته پام اړول و. د جاپان ايتاليا او برتانيي د سره په يو وخت مرستو څخه د ساتني خورا مهم گام چي موخه يي د عراق د ملي موزيم لپاره د سامان الاتو برابرول دي پورته شو.

په عين وخت کي يونسکو د بسپني ټولولو دوه کمپاينونه په لاره و اچول چي يويي خصوصي صنعتونه، د ټولي نړي په مرکزونو او نورو او په ځانگړي توگه په سويتزرليند کي خصوصي مرسته ورکونکي يي خپل هدف گرځولي.



يونسکو / منبر پوښاکي

۲۸



يونسکو / منبر پوښاکي

۲۹

څخه په وروسته حالاتو کې د بشري چټکو مرستو د پاليسي د څرگندونې په غرض د نړيوالې ټولني له خوا ټاکل کېږي. او بايد د امنيتي، تعليمي او روغتيايي تدبيرونو په شان په پام کې ونيول شي. کلتور او کلتوري ميراث چې د خورا پياوړي اصطلاحاتو څخه دي د پوهيواد د بيارغونې په کار کې د يو اساسي عامل په توگه بلل کېږي. که چيرې داسې يو سبق وي چې مونډر بايد لرتلرله د هغو تيريو په اړه چې په وروستي لسيزه کې په پرله پسې توگه پر کلتوري ميراثونو باندې ترسره شوي او نړيواله ټولنه يې شاهد ده زده کړو همدغه سبق دي.

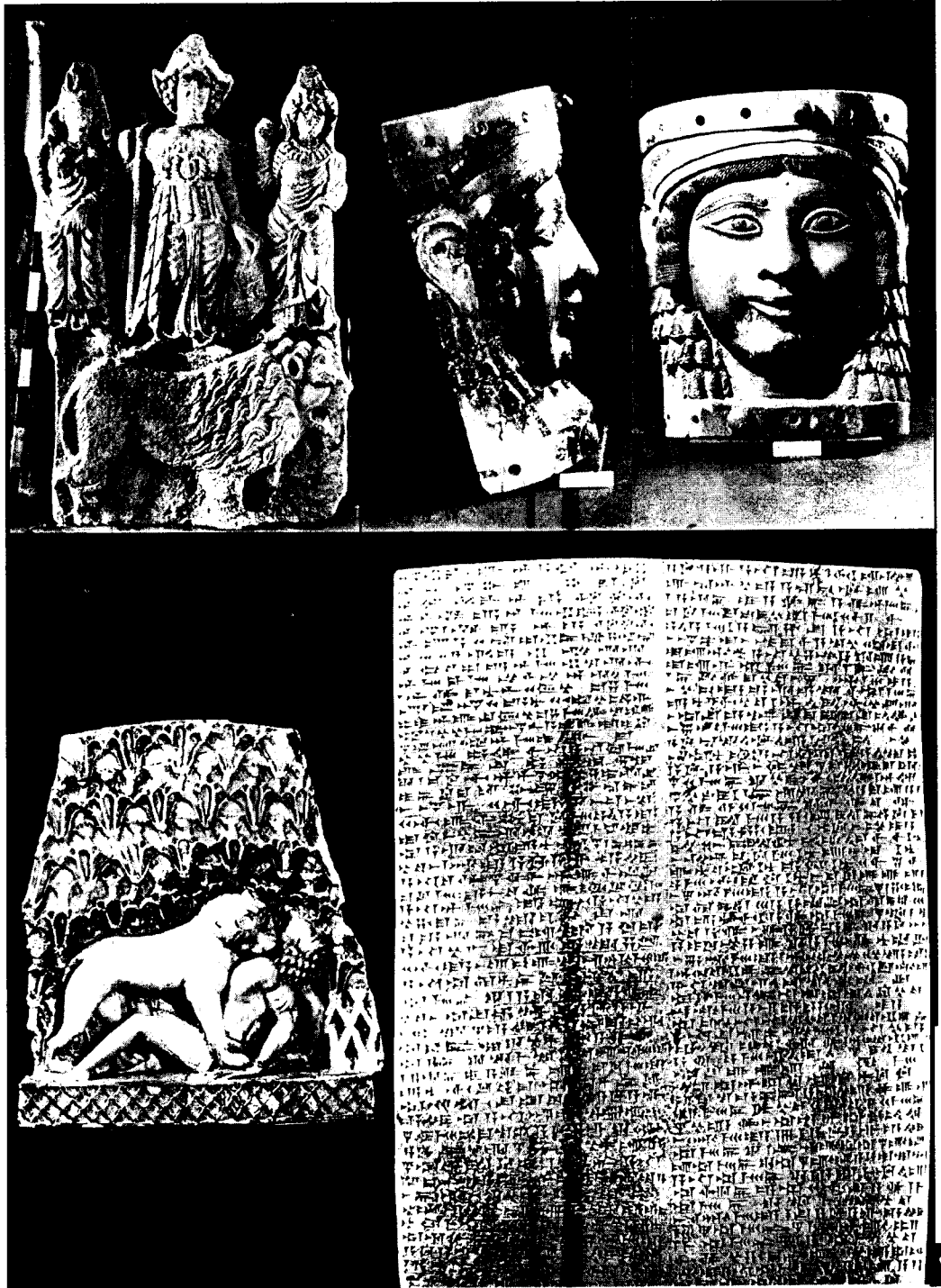
يادښتونه

د ۱۴۸۳ گڼې پريکړه ليک ۷ بند داسې بيانوي: د امنيت شورا پريکړه کوي چې ټول غړي هيوادونه د عراق د کلتوري شتونونو اقلامو چې د لرغوني، تاريخي، کلتوري، علمي او مذهبي ارزښتونو لرونکي دي او د عراق له ملي موزيم او عامه کتابتون څخه د ۱۳۲۹ هجري ل. ۱۹۹۰ کال د اگست ۴ نيټه، د ۲۲۱ گڼې پريکړه ليک د تصويب څخه وروسته په غيرقانوني توگه وړل شويدي د خوندي بيرته راوړلو په غرض د دغه شان اقلامو د سوداگري او ليردونې د مخنيوي په گډون چې د هغو په اړه معقول بدگمانې موجود وي او په غيرقانوني توگه ترسره شوي وي لازم اقدامات ترسره کړل او دغه بند له تعليمي، علمي او کلتوري سازمان (يونسکو)، نړيوال پوليس او نورو نړيوالو سازمانونو څخه غواړي چې د دغه بند د عملي کيدو په لاره کې لازمه همکاري وکړي.

کنوانسيون د گډون کونکو د مکلفيتونو په زياتوالي سره د ملگرو ملتونو د ټولو غړو هيوادونو ته چې ټول يې دغه کنوانسيون ته متعهد ندي او يونسکو ته د دغه تصميم د دندې په سپارلو سره، پدغه برخه کې زمونږ د موسسي اقدام ته اسانتيا بخښي. زه هم دغه بند دخپل هلوځلو څخه د قدرداني په توگه بولم. (هغه زياته کړه) يونسکو د ملگرو ملتونو د سيستم په جوړښت کې تياردي چې ځانگړې مسؤليتونه په تيره بيا د ښوونې او روزنې او کلتور په برخه کې ورته سپارل شوي دندې په بشپړه توگه په غاړه واخلي. د پخواني تعهد د نښې په توگه د بيارغونې په کار کې د يونسکو فعال رول لوبول، يونسکو له نږدې څخه د اداري دننه د ارزونې په روند کې چې د هغې د لارښودنه د ملگرو ملتونو د پرمختيايي ادارې له (UNDG) چې په عراق کې د سکتوري بيارغونې د اړتياوو د برابرولو لپاره جوړ شويدي په غاړه لري گډون لري.

يونسکو د ملگرو ملتونو د پرمختيايي ډلې د عراق د اړتياوو د ارزونې د نهايي کولو لپاره د نړيوال بانک د تسويد د ډلې په کاري غونډه کې چې په ۱۳۸۲ هجري ل (۲۰۰۳ م کال د سپتمبر په ۲۱-۲۴ نيټه په دوبي) کې د ملگرو ملتونو د انکشاف ډلې د نړيوال مرستې ورکونکو غونډې لپاره د اجندا د برابرولو په موخه چې د ښوونې او روزنې د سکتور لپاره د راپور د همغږ کولو مسؤليت په غاړه لري يونسکو ته د شانوي، تخنيکي، حرفوي او عالي زده کړې په برخه کې د اړتياوو د ارزونې دنده سپارل شويده. له خبرې رسنيو سره د همکاري د ستراتيژي د تجويز په غرض د ملگرو ملتونو د پرمختيايي ډلې په غوښتنه، يونسکو دخبرې رسنيو د پرمختگ او د مطبوعاتو د ازادې لپاره د عراق د اړتياوو ارزونه يې هم په غاړه واخيستل. مگر د يونسکو د عمومي رئيس کويشرو مستورا لپاره کلتور د دموکراسي او ملي هويت څرگندوي دي چې د هيوادونو لپاره د جگړې

د نړيوال همکاري چوکاټ جوړول
مونږبوچيناکي



د عراق ملي موزيم

۳۳-۳۰

۳۳-۳۰. لاندی عکسونه د نړيوال موزيم له ارشيف څخه چې په کال ۱۳۳۳ هجري ش ۱۹۵۴م کی د عراق ملي موزيم ته ځانگړی شويده دی داسی گمان کيږي چې دوه ډوله هنري آثار غلا شويدي. د باترا دلرغون پيژندنی ترلاسه شوی. وتلی ننداره چې د آتينا په بڼه د الاتو الهه يا دوه نورو بڼو چې په احتمالي توگه د الغزا او مناط الهي نښي. په نيمرود کی کيندنی، له عاج څخه جوړ شوی ديوي بنځی سزجی په احتمالي توگه د قبل الميلا د ۷۲۰ کال پوری اړه لري او د عراق له ملي موزيم څخه غلا شويده. دحملي په حال کی له عاج او سره زر څخه جوړ شوی د بنځينه زمريسرد نيمرود د قبل الميلا د ۷۲۰ کال آثارو پوری اړه لري چې د عراق له ملي موزيم څخه غلا شوی. پانه ډوله ليکل شوی تيږي

په نړيوالو بېرنيو کړنو کې د غیر حکومتي موسساتو ونډه

د مایکل پیټزیت او ژاک پیروت په واسطه

پروفیسور ډاکټر مایکل پیټزیت د جرمني دملي کميټې رئیس او له ۱۳۷۸ هجري ل (۱۹۹۹م) کال نه را پدېخوا د ایکو موس رئیس دي. له ۱۳۵۱ هجري ل (۱۹۷۲)، نه تر ۱۳۵۳ هجري ل (۱۹۷۴)، پوري نوموړي د میونخ د ښار د (لیباچاوس) د موزیم رئیس وؤ. د ۲۵ کلونو لپاره له ۱۳۵۳ هجري ل څخه تر ۱۳۷۸ هجري ل (۱۹۷۴ - ۱۹۹۹)، نوموړئ د (به واریا) ایالت د ساتني د دفتر د عمومي رئیس په توگه خدمت تر سره کړي دي. نوموړي د فرانسې د معماري په هکله په اوه لسمه او اتلسمه پېړۍ کې زیات شمیر کتابونه او لیکنې کړي همداراز د به واریا د سیمې د هنر او تاریخي ودانیو او دهغو د ساتني د ستونزو په اړه یې تالیفونه کړي دي. او د تاریخي آثارو د ساتني په هکله د یو شمیر خپرونو مسؤل مدیر دي.

ژاک پیروت د موزیمونو عمومي رئیس،
پلیوگرافو د آرشیف مسؤل او دیکول فرانسې د
عملي اکاډمي غړي دي. نوموړئ له ۱۳۷۷ هجري ل
(۱۹۹۸)، کال نه کله جې د فرانسې دملي کميټې د
رئیس او د مشورتي کميټې د رئیس په توگه وټاکل
شو د موزیمونو د نړيوالي شورا (Bavaria ریاست
هم په غاړه لري. له ۱۳۷۱ هجري ل نه تر
۱۳۷۷ هجري ل (۱۹۹۲ نه تر ۱۹۹۸)، پوري ژاک
پیروت په (Perot Jacques)، ملي هوټل کې د پوڅي
موزیم رئیس وؤ. دي له ۱۳۷۳ هجري ل (۱۹۹۴)، نه
را پدېخوا دملي موزیمونو رئیس او د (Domains of
Compiègne and Blerancourt)، مسؤل دي.

سرایيو، کابل او بغداد هغه درئ سیمې دي چې
له بده مرغه د جگړو له امله یې تاریخي او کلتوري
میراثونو ته درانه زیانونه اوښتي دي. لدې پېښو
سره (دلته پوښتنه مخ ته کیږي چې آیا دا پېښې د
مخنیوي وړ وي او کنه او که وي نو څرنگه، د خبري
رسنیو له برکته بدې څو اونیو کې نړيوال نظرونه
سره یو ځای شوي دي. لدې سره سره چې ډیر ځله دا

په نړيوالو بېرنيو کړنو کې د غیر حکومتي موسساتو ونډه

مايکل پيټزيت او ژاک پيروت

کلتوري ميراثونو د ساتني په هکله پاملرنه وکړي .
دا مسئله بنایي د کلتوري پانگو د ناقانونه ليرولو
د کنوانسيون په اړه هم په پام کې وي (د
ديونسکو ۱۳۴۹ هجري ل (۱۹۷۰ م) کنوانسيون
او (UNIDROIT).

په حقيقت کې د کلتوري سيمو ساتنه د جگړه
کوونکو خواوو مکلفيت شميرل کېږي. دا بايد يو
عمومي قانون وي او د نړۍ ټولو هيوادونو ته
وپوهول شي. په عراق او يوگوسلاويا کې په همدي
ډول په هر دليل چې و انساني ميراثونو ته زيان
ورسيډ چې ځيني يې نشي جبران کيدلای.

د اوبو سپر نړيواله کمیته (ICBS).
په ۱۳۷۵ هجري ل (۱۹۹۲ م) کال کې د دريو غير
حکومتي موسسو په نوبت چې له دريو عمده
ميراثي برخو نه يې استازيتوب کولو جوړه شوي (د
آرشيونو نړيواله شورا، د موزيمونو نړيواله شورا،
د کلتوري او تاريخي ودانيو نړيواله شورا، د
سازمانونو او آزادو ټولنو نړيوال فدراسيون، د
ICBS. موخه بېرنيو پېښو ته رسيدنه ده د يو شمير
دلایلو له مخې بايد هغو پېښو ته چې سملاسي
پاملرنه غواړي پاملرنه وشي او دا هغه موضوع وه
چې پورتنيو دري گونو موسسو اساسي وگڼله ډير
ژر ورسره حکومتي سازمانونه او نړيوال مرکزونه
چې د کلتوري ميراثونو د ساتني او مطالعي)
ICCROM، په هکله کار کوي يو ځاي شول تر څو
بېرني تديرونه يو ځاي سره تر سره کړي. د ICBS.
دنده داده چې معلومات را ټول او يو ځاي کړي په
بېرنيو پېښو کې کړني منظمي کړي او د کلتوري
ميراثونو د ساتني لپاره د هاک ۱۳۳۳ هجري ل
(۱۹۵۴ م) کنوانسيون په رڼاکي وساتي. دي کمپنۍ
په خپل نښان کې د اوبو سپر نښه چې د هاک
کنوانسيون لخوا بنودل شوي وټاکله دا نښه ډيره
کمه استعمال شوي خو پر کلتوري سيمو او ودانيو
په ځينو هيوادونو کې ليدل شوي ده. دا کمیته چې

معلومات نيمگړي او کله هم نا سم وي. دي پېښو د
نړيوال موزيم ټولنه ډيره انديښمنه کړي او په
فعالانه ډول يې خپل پيوستون اعلان کړي دي. مگر
ديوي غير حکومتي موسسي فعاليتونه او هڅي د
حکومت يا حکومتي موسسو په پرتله څومره ونډه
تر سره کولای شي؟ پيوستون دهر وگړي مکلفيت
دي خو څرنگه کولای شي هغه ثابت کړي او د هغو
مرستيالانو هيلې چې داسي ستونزمنو شرايطو سره
مخامخ دي تر کومه حده تر سره کولای شي؟

د بيلگي په توگه په عراق کې دهغي جگړي
تاثيرات په پام کې ونيسو چې د يو شمير هغو
هيوادونو د ائتلاف لخوا چې د ۱۳۳۳ هجري ل
(۱۹۵۴ م) کال د هاک کنوانسيونونه چې د کلتوري
آثارو د ساتني په اړه دي همداراز دهغه دوهم
پروتوکول يې ندي لاسليک کړي. نوموړ داسي
نتيجه اخلو چې يرغلگرو د جگړي پر مهال او له
هغي وروسته د کنوانسيون متن او څرنگوالۍ ندي.
رعايت کړي. چې دهغو روښانه پایله نا امنې او
د موزيمونو لوټ تالان دي چې له نيکه مرغه له هغه
څه نه چې لومړي سرکي ويل کيدل کم تر لاسه شوي.
او دا دهغو کړنو له امله و چې زمور د عراقي ملگرو
له خوا تر سره شول.

د خپل سربو کيندنو او د کلتوري آثارو د غلامن
دهغو تر ناقانونه تجارت پوري وغزیده. مور لډي
کتنو کوم درس زده کولای شو؟

لومړني درس د هاک ۱۳۳۳ هجري ل (۱۹۵۴)
او دهغه د ۱۳۷۸ هجري ل (۱۹۹۹) پروتوکول په
هکله وو ډاډير د خپگان ځاي دي چې تر اوسه -
داسي هيوادونه شته دي چې دا کنوانسيون يې ندي
منلي. دنورو په منځ کې غير حکومتي موسسي
انديښنه څرگندوي چې د تاريخي آثارو او ميراثونو
د ساتني لپاره بايد د مسلکي شبکو له لاري په هغو
حکومتونو چې د ۲۱ پيړۍ په پيل لاهم دا
کنوانسيون يې ندي منلي فشار راوړل شي چې د

په نړيوالو بېرنيو کړنو کې د غیر حکومتي موسساتو ونډه

مایکل پینزیت او ژاک پیروت

یوه ده، د کلتوري میراثونو قصدي وړاندول په هر دلیل چې وي لکه (سیاسي، مذهبي، نژادي) بنایي رسماً منع اعلان شي. لږې پرته په هغو حالاتو کې چې حکومتي ادارې له سقوط سره مخ شوي وي د غیر حکومتي موسسو او سازمانونو مرستې د جگړې وړانې وېجاړې یو څه کمولای شي. ددې په څنګ کې د جگړې په حالاتو کې مداخله یا جگړو کې د غیر حکومتي موسسو عمل پېښو کې د پام وړ دي.

له بیلابیلو اړخونو ته تېدید او د میراثونو اړتیا

ایکوموس یا د کلتوري سیمو او ودانیو نړیواله شورا نه یواځې یونسکو سره یوه مشورتی موسسه ده بلکې د کلتوري میراثونو د ساتنې لپاره په ټوله نړۍ کې هر ځای چې یوه تاریخي سیمه یا ودانې تر ګواښ لاندې وي دنده لري. خلک تر پخوا زیات د انساني ارزښتونو د ساتنې او د تاریخي و دانیو د ساتنې لپاره د یوه ګډ میراث په توګه درناوي کوي وروستيو نسلونو ته د یوه ګډ میراث په توګه د هغو د ساتلو اړتیا په ګوته شوي ده. دا زموږ دنده ده چې دا میراثونه په امانتداري سره راتلونکو نسلونو ته ولېږدوو. (وینیک ترون ۱۳۴۳ هجري ل ۱۹۲۴م) ایکوموس د پېښو پر وړاندې د مبارزې ځانګړې کمیټه لري چې دا کمیټه د پېښو د مخنیوي او د پېښیدو په صورت کې د تاوانونو د کموالي دنده په غاړه لري.

د کلتوري سیمو او ودانیو د ساتنې لپاره ایکوموس هر نوي ابتکار ته لاس اچوي او ملاتړ یې کوي. او کله کله هم ورته په مثبت انتقادي نظر ګوري لکه د تاریخي ودانیو دولتي خدمتونه چې له بده مرغه هر هیواد کې وجود نلري دا سازمان د یو غیر حکومتي سازمان په توګه چې ډیر غړي یې

د غیر حکومتي موسسو په متو جوړه شوي باید دا وس ولري چې تاوانونه ارزیابي او د پېښو په وړاندې په لومړنیو غبرګونونو کې ونډه واخلي. د اوږدې مودې موخو په لړ کې لکه سور صلیب د کلتوري میراثونو لپاره دا کمیټه باید د بېرنيو مرستو وس ولري او داسې بشري او مالي امکانات ولري چې په بېرنيو مرستو کې برخه واخلي. دهغو موسسو لپاره چې یواځې په رضاکارانه ډول خدمت کوي دا دنده آسانه ده ولي زموږ دنده داده چې مخ ته لاړ شو او دا نوي جوړه شوي کمیټه روښانه کړو. په عین حال کې د کمیټې ارتباطات له بنیادي موسسو سره و ساتل شي د کمیټې د کاري ظرفیت لپاره باید یو مالي تشکیل جوړ شي. په ځانګړې ډول دا موضوع چې یو هالنډي فدراسیون د شهزاده کلاوس په نوم پخوا موافقه کړې چې د اوبو سیر کمیټه د یوه سونډک په جوړولو سره د بېرنيو مرستو لپاره تقویه کړې مور ته ډاډه راکوي. ICBS له غیر حکومتي موسسو سره په مرسته کې د وخت او مهارتونو په دوام سره د مخنیوي په چارو کې اساسي ونډه لري. د بلجیم د ملي کمیټې په تعقیب د اوبو سیر ملي کمیټې په تدریجي ډول جوړېږي. په اوسني وخت کې بلجیم، یوګوسلاویا، مقدونیه، بېنین، فرانسه، آیرلند، ایټالیا، ناروې، هالنډ، پولنډ، چک جمهوریت او لویه بریتانیا، نه یواځې د کلتوري میراثونو کارپوهان سره یو ځای کړل بلکې ټول هغه کارپوهان چې په بېرنيو حالاتو کې یو ځای کار کوي سره یو ځای کړل (د اطفایي، پولیسو او نورو) بنسټکاره ده چې پدې چوکات کې هر غیر حکومتي موسسه چې د پېښو پر وړاندې د مبارزې پالیسي پخپل کار کې تعقیبوي د کار کولو وس ولري، د ICBS جوړیدل په حقیقت کې د موسسو تر منځ د کاري پیوستون مخنیوي نه کوي. د عراق دوروستیو میاشتو غمیزه د دنیا د خلکو لخوا له نژدې ولیدل شوه چې د وروستیو کلونو له غمیزونه

په نړيوالو بېرنيو کړنو کې د غیر حکومتی موسساتو ونډه

مایکل پیتریت او ژاک پیروت

یونسکو هڅې په هغه هیواد کې له سیاسي وضعیت او عمومي نظم او قانون سره تړلي دي. په هر صورت عمده موخه باید دا وي چې په عراق کې ایکوموس د هغه هیواد د لرغونو آثارو او موزیمونو د برخې له وگړو سره په نژدې همکاري کې هڅې او لازم فعالیتونه وکړي. دا به پدې ماني وي چې پر تخنیکي ستونزو او بېرنيو تدبیرونو ډیر مکت وشی. د بیلگې په ډول بشري منابع چې د باستانی آثارو په رغاونه، د تیگو په ساتنه، د بېرني تخلي او اسنادو او سوابقو په ساتنه کې ځانگړې پوهه ولري. پایله کې د ایکوموس د کارپوهانو لکه مهند یسینو او انجینرانو ونډه د تر خطر لاندې و دانیو او معماري خښتو په ساتنه کې د پام وړده. د یوه غیر حکومتی سازمان په توگه ایکوموس کولای شي تر خطر لاندې ودانې وساتي د معیارونو پر اساس و پیژني لږې پرتې چې سیاسي نظریات پکې شامل وي او کولی شي چې یو شمیر خطرناک حالتونه چې په یو شمیر هیوادونو کې تاریخي میراثونو ته مخامخ دي و پیژني دا ډول خطر ونه ډولونه پدې ورځو کې بیلابیل دي. له یوې خوا د انسان په لاس جوړ و شویو تاریخي میراثونو ته د طبیعي آفاتو لکه زلزلې، طوفان سختو بادونو، سیلاو او اور لگیدنو او همدا ډول د اقلیمی اثراتو، د حشراتو د يرغل د نباتاتو تهديد مخامخ دي له بلې خوا جگړې او توکمیزې شخړې لازياتي د ضایعاتو سبب گرځي. لږې سره سره د انسان په لاس واقع شویو آفتونو لکه دهوا کثافت، اوبه او ځمکه او هغه وړانۍ چې د نفوس له زیاتوالي نه د تیسرې او اوسپنې ودانیو ته رسیږي په ډیرو مواردو کې پدې وروستیو څو لسیزو کې له پخوانیو پېړیو زیات شوي دي. په حقیقت کې تاریخي میراثونو ته پېښ خطرونه له خواړخونو له پخوانیو وختونو نه توپیر لري. نن موږ په یوې نړي کې اوسیږو چې د شلمې پېړۍ په وروستیو لسیزو

دولتي سازمانونو پورې اړه لري. ایکوموس پدې مسئله پوه شوي چې د هر هیواد مکلفیت تر هغه ډیر څه دي چې یواځې د یونسکو په لست کې راغلي نړیوال میراثونه وساتي او پالنه یې وکړي بلکې د ټولو کلتوري ودانیو او کلتوري مناظرو د پالنې دنده لري. پدې ډول دوه کاله دمخه ایکوموس خپل نړیوال کلني رپوټ دهغو کلتوري ودانیو په هکله چې له خطر سره مخ دي خپور کړ (خطر سره مخ میراثونه)، پدې رپوټ کې ایکوموس لکه د نړیوالې عضوي سازمان دو دانیو او کلتوري سیمو لپاره قصد لري تر څو هغه خطرونه چې کلتوري آثارو ته مخامخ دي د نړي په هیوادونو کې روښانه کړي او لازم تدبیرونه د هغو مخنیوي او یا د زیان کموالي ته تر لاس لاندې ونیسي.

دا رپوټ نه یواځې له خلکو نه یوه هیله ده بلکې ایکوموس هیله من دي تر څو د دي رپوټ په اساس د یو شمیر نړیوالو کمیټو په مرسته څو طرحه شوي پروژې د کارپوهانو په مرسته عملي کړي. دا پروژې باید ستندرد معیارونه د مسلکي لارو چارو او فني ستونزو د حل لپاره و ټاکي او یوه بیلگه یې دي افغانستان د کلتوري میراثونو د ساتنې په موخه د یونسکو پروگرام دي. په کابل کې ایکوموس د آغا خان فاونډیشن په نژدې مرسته په کلتوري ځانگه کې د بابر بن د رغاونې او د یوې تاریخي سیمې د ساتنې لپاره کار کړي دي. لږې پرتې ایکوموس یو ځانگړي کاري پلان د بودا د بوتانو د پاتې شونو د ساتنې لپاره طرحه کړي. د عراق د غمیزې په اړه ایکوموس هیله لري چې مرسته وکړي شي او یو شمیر وړاندیزونه د دي کمیټې پوسيله جوړ شوي دي. پدې هکله د یونسکو د ماهرینو دریمه ناسته د عراق د کلتوري آثارو د ساتنې لپاره (توکيو د ۱۳۸۲ هجري ل ۲۰۰۳م) کال د اگست اوله، د ممکنو فعالیتونو یو لړ لید طرحه کړ. د عراق د کلتوري آثارو د ساتنې لپاره د

په نړيوالو بېرنيو کړنو کې د غیر حکومتي موسساتو ونډه

مایکل پینزیت او ژاک پیروت

مخ ده چې یا له منځه تللي او یا هم په آزاده هوا کې موزیمونو کې پاتې شوي ده. دو دانیو جوړښت له لرگیو، خاوري او تیرو نه چې له سیمې لاس ته راځي (یو مهم عامل په راتلونکو پرمختګونو کې) چې یو وخت د کلتوري منظري په ډول پیژندل شوي و اوس یو د ساتني خلاف میراث بلل کېږي چې د تاریخي ودانیو لست کې شامل ندي او د تل لپاره له منځه تللي دي. مگر د صنعتي تاریخ ساختماني آثار هم یو شمیر مشکلات د ساتونکو لپاره منځ ته راوړي په هغه صورت کې چې لومړني ګټه اخیستنې نوره ممکنه نه وي لږې پرته د شلمې پېړۍ معماري شهکارونه د تخریب او له منځه تللو خطر سره مخ دي. خطر سره د مخ سیمو د یادولو په ترڅ کې ایکوموس د تاریخي سیمو او ودانیو د ساتني د ملاتړ کوونکي په توګه هڅي کوي ترڅو احتمالي خطرونو ته پام را وګرځوي. د خلکو د ډیرې برخې د خبرولو لپاره ایکوموس بر خپرونو او کنفرانسونو بر سیره د ډله ایزو رسنیو له لاري خپلو خبرتیاوو ته زور ورکړي. لږې پرته د خپل جوړښت له وخت نه چې د وینیک تړون ۱۳۴۳ هجري ل (۱۹۲۴ م) دي ایکوموس د نړيوالو اصولو د جوړولو په برخه کې چې د تاریخي ودانیو د رغاونې او ساتني سبب شي اړین رول ادا کړي دي. ایکوموس یو شمیر تړونونه او نړيوال لارښودونه وضع کړي چې له امله یې خطرونه کم شوي او له هغو اشتباه ګانو نه چې د بیارغاونې او ساتني په ترڅ کې واقع کېږي مخنیوي شوي دي. ایکوموس د ودانیو د ساتني معیارونو د پرمختګ لپاره چې د ساتونکو د پوهې سبب شي او ورځني چاري سمبالي کړي لازم کارونه کړي او د خپلو علمي کمیټو له لاري یې د لرغونو سیمو د ساتني، پر تاریخي ودانیو د څېړني او د هغو د ساتني په هکله کار کړي او بریالیتوبونه لري.

کې پکې ډیر تغیر او بدلون راغلي. دا چټک بدلون د نفوسو او صنعتي کیدو له امله چې د زیاتو ځمکو د نیولو سبب ګرځي له یوې خوا تر ځمکې لاندي لرغوني آثار وړانوي له بلې خوا د ځمکې کلتوري څیره بدلوي. چې دا د ودانیو جوړلو چټک سیکلونه پر چاپیریال ډیر بار راوړي. پایله کې دیوې نړۍ پرمختګ چې د نړيوال کیدو پر لورځي په هغې کې قوي اقتصادي ځواکونه حکومت کوي او د ژوند د ټولو اړخونو د یو شان کولو پر لور تمایلونه د تاریخي میراثونو پر وړاندي روښانه خطرونه دي.

ایکوموس د ودانیو او سیمو پراخ مفهوم ته چې نه یواځې بیلې ودانې پکې راځي بلکې د غیر منقولو کلتوري دارايي ډولونه لکه لرغوني سیمې، تاریخي سیمې او آثار، کلتوري منظري او بیلابیلې تاریخي نښې له میلادنه دمخه بیا د شلمې پېړۍ تر مدرنو دورو پورې همدا ډول د آثارو او موزیمونو کلکسیونونه پکې شامل دي ته د پدیدو او خطر ناکي لاري چاري چې د مخه یاد شول په طبیعي ډول د نړۍ په ګوټ ګوټ کې بیلابیل اثرات لري او په ځینو مواردو کې یو شمیر ودانۍ ته د پدیدو د بیلګې په ډول توپلي تیرې او لرغوني سیمې چې د پخوانیو انسانانو د ژوند نښې دي د سر کونو بندونو او نورو نامناسبو پلانونو د جوړولو له امله وړانیري او د هنري آثارو قاچاق د کلتوري آثارو دوامداره ضایع کیدل نښې چې نښايي د پورتنیو سیمو په ساتني سره یې مخه ونیول شي. نه یواځې انځورونه بوتان او نور هنري آثار په ډیرو هیوادونو کې د غلو ښکار ګرځي بلکې تاریخي ودانۍ د لرغونو آثارو د موندلو په موخه وړانیري، د لږې اوس له کلیو نه ښارونو ته غځیدلي ده. بیشمیره تاریخي کلي دنوي کولو په نوم په بی باکانه توګه د پلان خلاف د نفوس د زیاتوالي له امله اغیزمن شوي دي، د کرهڼې د صنعتي کیدو په موخه سنتي معماري په ډیرو هیوادونو کې خطر سره

په نړيوالو بېرنيو کړنو کې د غیر حکومتی موسساتو ونډه
مایکل پیتریت او ژاک پیروت

افغانستان کې چې ایکوموس یوه ملي کمیټه بیا جوړه کړې د کارپوهانو تر منځ د سلو ورکو شویو آثارو د لست په هکله د نظر تفاوت نه خبر شول خو لدې سره سره په پام کې ده د عامه پوهاوي په موخه یو لنډ فلم د افغانستان د تاریخي آثارو د ناقانونه قاچاق په هکله ګاونډیو هیوادونو لکه پاکستان ته جوړ شي.

د ځانګړو سیمو د ټاکلیو آثارو دورکیدو د خطر له امله ICOM له مربوطه کارپوهانو سره په نژدې همکاري کې یو سور لست جوړ کړې چې په هغه کې د هغو آثارو کټه ګوري کړې چې د نابودي تر ګواښ لاندې دي د هغوي خرڅلاو یې منع اعلان کړې چې دا خپله هغو ته حیاتي ارزښت لري. د سور لست د جوړولو موخه دا ده چې موزیمونه، معامله کوونکي او کلکسیونران تشویق کړي چې د دي آثارو له اخیستلو ډډه وکړي چې د غلو له خوا خرڅیږي. په کال ۱۳۷۲ هجري ل (۱۹۹۷م) کې د افریقا لست د افریقایي کارپوهانو او دنورو هیوادونو د کارپوهانو لخوا چې افریقایي کلکسیونونه ساتي (شمالي امریکا، اروپا) ترتیب شو. د دي لست ګټورتوب پخوا ثابت شوي دي. د لاتیني امریکا او کولمبیا لست به هم ډیر ژر جوړ شي.

د عراق په هکله ایکوموس پدې بریالی شو چې د څو اونیو په ترڅ کې د موسساتو په مرسته د هغه هیواد د تاریخي آثارو سور لست جوړ کړي دا پروژه د ۱۳۸۲ هجري ل (۲۰۰۳م) کال د می په ۷ مه د نړیوالو کارپوهانو په یوه ناسته کې چې د امریکا د بهرنیو چارو وزارت د زده کړو او کلتوري چارو د څانګې لخوا تمویل کیده پیل شوه. دا سند چې په انګریزي، فرانسوي او عربي ژبو خپور شو او د انټرنټ پر پاڼه موجود دي هغه تاریخي آثار چې زیاتره په تور بازار کې د انټیک خرڅوونکو لخوا معامله کیږي په ښه ډول پیژندل کیږي. دا مسئله

د ځانګړیو ګواښونو پر وړاندې ځانګړې غبرګون

د موزیمونو نړیوالې شورا پر کلتوري میراثونو د سترو حملو په هکله خپله اندیښنه څرګنده کړې ده. له وړانیو پرته له بده مرغه د تاریخي آثارو او د موزیمونو د کلکسیونونو قاچاق د وسله والو نښتو په ترڅ کې زیات شوي چې دا عمل د غلا او نورو جنایي فعالیتونو په ترڅ کې په تنظیم شوي ډول د فرصت غوښتونکو عناصرو لخوا تر سره کیږي. له دولتي کلکسیونونو غلا شوي آثار او هغه چې د خپل سر یو کیندنو له امله تر لاسه شوي خپل اثر او پیژندنه له لاسه ورکوي بې سره بازارونه تقویه کوي او یو ملت له خپلو میراثونو بې برخي کوي. د مسلکي اصولو د قانون سره سم ایکوموس پدې هکله خپله ونډه تر سره کوي. هري وچې له یونسکو سره په همکاري کې د غیر قانوني قاچاق او د کلتوري شتمنیو د لوټ او قاچاق په هکله ورکشاپونه د اير کړي چې په هغو کې په ګډه له موزیمونو او د میراثونو له کارپوهانو سره همدا راز د پولیسو او ګمرک له مامورینو سره کار کړي چې په نتیجه کې هغوي ته لازمه پوهه او د مرستي لاري چاري د بیلابیلو متخصصینو تر منځ په ګوته شوي او ښودل شوي دي. په نړیواله سطحه کې ایکوموس دوه قراردادونه له انټرپول او د ګمرکونو نړیوال سازمان سره پدې هکله لاسلیک کړي دي.

د سلو آثارو دورکیدو د لست خپرول ډیر کسان د هغو په اړه خبر کړل. لکه د هنر د ډګر هنرمندان هغه مثالونه چې انکو، افریقا، لاتیني امریکي او اروپا ته فهرست شوي وو د هنر له بیا ژوندي کیدو سره یې مرسته وکړه او موزیمونه، کلکسیونران او د هنري آثارو معامله کوونکي یې د ستونزي ژوروالي ته خید کړل. او د دي تر څنګ یې عوام د نافذو تقنیني اسنادو نه خبر کړل. له بلې خوا په

په نړيوالو بېرنيو کړنو کې د غیر حکومتي موسساتو ونډه

مایکل پیتریت او ژاک بیروت

۳. د دې کمیټې (Mounir Bouchenaki) مقالې ته دې رجوع

وشي

۴. د ایکوم لست د سلو ورکو شویو آثارو په هکله په

انگریزي او فرانسوي ژبو جوړ شوي او پکې دا عنوانونه

لیدل کیږي: د انکور غلا ۱۳۷۲-۱۳۷۷ هجري ل

(۱۹۹۳م نه تر ۱۹۹۷م) د افریقا غلا (۱۹۹۷)، د اروپا

غلا ۱۳۷۹ هجري ل (۲۰۰۲)

۵. <http://icom.museum/redlist/irak/en/index.html>

خلک پوهوي چې دا آثار د قانون تر ساتنې لاندې دي، لیکړدول یې منع دي او په هیڅ ډول تولید او خرڅیدای نشي، د (سلوورکوشویو اثارونو) د لست پر خلاف دا لست یا (د عراق د انټیکو آثارو سور لست چې خطر سره مخ دي) د نورو سرو لستونو په څیر مشخص ندي مگر عمومي ویش پکې ذکر شوي دي. د عراق د ۱۱ ډوله آثارو د ویش لست چې په ځانگړي ډول دورکیدو تر گواښ لاندې دي پکې راغلي دي. د غیر حکومتي بیلابیلو موسسو تر منځ همکاري چې په بنسکاره ډول د یونسکو لخوا یې ملاتړ کیږي یواځې اوبو سپر، ایکوم، ایکوموس، IFLA او ICA ته محدود ندي.

دا همکاري د ودانیو د ساتنې د سازمانونو، سیمو او کلتوري مناظرو لکه دمطالعاتو نړیوال مرکز، د کلتوري پانگو د ساتنې او بیا رغاونې اداره (ICCROM)، د طبیعت او طبیعي منابعو نړیواله اتحادیه (IUCN)، د عصري چاپیریال د ودانیو د ساتنې او سندونو (DOCOMOM) او د صنعتي میراثونو د ساتنې نړیواله کمیټه (TICCIH) ته پراخوالي موندلې دي. په گډه همکاري به دا پروژې لښه عمل وکړي او غیر حکومتي موسسو د فعالیت او تطابق په هکله به په خاص ډول په بېرنيو حالاتو کې د تشویق سبب شي. لدې پرته د عراق جگړې چې په ترڅ کې یې موزیمونه د نورو لرغونو سیمو په شان او د تاریخي ودانیو سره زیانمن شول چې دې کار د ایکوموس او ایکوم او نورو همکارو موسسو تر منځ نژدې اړیکې چې یونسکو سره کار کوي ثابتې کړي.

یادښتونه

۱. ایکوموس ۷۰۰۰ غړي لري چې په ۱۱۸ ملي کمیټو او

۲۱ نړیوالو کمیټو کې تنظیم دي.

۲. دا رپوټ په انټرنټ پاڼه کې پدې پته موجود دي:

www.international.icomos.org/risk/2002/working.html

د نسلونو ترمنځ د اړیکو له ليارې ټولنيز او کلتوري پرمختگ

لیکونکي نوبیوانیدو

لیکونکي د توکیو د ښار د صوفیې د پوهنتون د اسیایي کلتورونو د څیړنې د انستیتیوت غړی او کلتوري کارپوه دی چې د ملگرو ملتونو د خپلې خوښې مشاور په توگه د کمبودیا په شاهي حکومت کې مقرر شوي دي. هغه د ټولني د پرمختگ د رامنځ ته کولو کوم چې د کلتوري میراثونو په محور کې څرخیده او د تاریخي سیمو د انجینري میتودولوژي (اچ، اس، اي، ام) تر نامه لاندې د انجینري اصولو له تطبیق څخه کار اخلي مسئولیت په غاړه درلود. هغه د ۱۳۷۳ هجري ل (۱۹۹۳ م) کال راهیسي د کمبودیا د رانده رنگ د پارک په ساتنه، پرمختگ او مدیریت یا د (تگ او راتگ دیوی سیمې) په څیر دهغي دساتني لپاره د دغه میتودولوژي د پلي کولو دنده په غاړه لري. دهغي لیکني د (د ودانیو او تاریخي سیمو د ساتني او د ټولنيز پرمختگ په برخه کې څیړنه) تر عنوان لاندې کتاب کې ټول شوي چې د تاریخي سیمو د انجینري یو نوی میتودولوژي ده چې هغه یې د وای اسپینروا سره په گډه د توکیو د ښار د صوفیې د پوهنتون د اسیایي کلتورونو په انستیتیوت کې په ۱۳۷۲ هجري ل (۱۹۹۳ عیسوي) کال کې لیکلي دي.

د رانده رنگ په پارک کې دیوی سیمې ټولنيز او کلتوري پرمختگ

د رانده رنگ پارک چې د کمبودیا د هیواد د سیم ریپ په ایالت کې موقعیت لري د کمبودیا او دهغي دخلکو د ملي پیژندگلوي یوه سیمه ده. دغه پارک د کمبودیا د ښتونو په شمال لویدیځ برخه کې واقع شوی او د هغه تاریخي ودانیو او لرغونو سیمو څخه ډک دی کوم چې په ۹ او ۱۳ پیړیو کې جوړ شوي دي. پدی چې دا پارک په ۱۳۷۱ هجري ل (۱۹۹۲ عیسوي) کال کې د دنیا د میراثونو په لست کې ځای شوی، د APSARA د موسسي د مسئولینو له خوا چې د کمبودیا شاهي حکومت پوری اړه لري او د هغو سیمیزو خلکو اړتیاوو ته چې د خپل سنتي ژوند ساتني په لاره کې په مبارزه بوخت دي ځواب وایی او ساتنه یې کوي. چې دغه موضوع پدغه هیواد کې دساتني د پنځو کچو زونونو د جوړیدو سبب شوي.

څخه چی د لیدو وردی اویا د لیدو وړندی عبارت
دی.

زمونږ د نیکونو د تجربو پر بنسټ د مادی او
معنوی ژوند ترمخ دغه موازنه زمونږ لپاره د با
ارزبنسته او له خوبسیو څخه د ډک ژوند امکانات
برابروي. مونږ کولای شو د سنتی نظریو او هونبیا
او همدارنگه هغه مهارتونه څخه چی زمونږ پلرونه د
کلتوری معلوماتو د اجزاو په توگه منځ ته راوړي،
زده کړه او تجربې کړی د مشرانو له یادونو او
پوهی (بیی وټا) یانی په خمر ژبه کی په ترتیب سره انا
او نیکه یادشوی زده کړه وکړو.

په کمبودیا کی خلک عقیده لری چی د عمر زیاتوالی
د انسان عقل د چارو د ترسره کولو او د قضاوت کولو په
برخه کی زیاتوی او پدی توگه هغه د مشوری ورکولو په
خورا ښه زیرمه بدلوي. له همدی کبله، سپین ږیری په
ټولنه کی د زیاتی اغیزی لرونکی وی او زیات درناوی
بی کیږي. په عمومی توگه، په کمبودیا کی دری څلور
پښته سره په گډه په یوه سیمه کی ژوند کوي. دغه شان
ژوند ځوانانوته د هغوی د نیکونو او اناوو څخه په
ورځنی ژوند کی د مشرانو څخه کشرانو ته د کلتور د
لیریدنی له لیاری د ارزبنسناکی پوهی د ترلاسه کولو
امکانات برابروي. بیله شکه ویلای شو چی مشران د
ټولنی د ټولنیز او کلتوری پرمختگ لپاره زیرمی دي.

د کاک تنوت د کلی په هکله د بیی گان او
تا گانو فعالیتونه

د تاریخی سیمو د انجینری د متودولوژی له مخی
د رانده رنگ د پارک د ټولنو د ټولنیز او کلتوری
پرمختگ لپاره د بیی او تا د فعالیتونو په لاره اچول
پیشنهاد کړي. د بیی او تا فعالیتونه د ازمايښتی
پروژی په توگه په دریو کلیو کی پیل شو.
د تنوت (د کی تگی کلی) په کلی د بیی او تا د ډولو
منځ ته راوړل ددغی پروژی نمونوی فعالیتونو څخه

چی د ساتنی په ۱ او ۲ زونونو کی نږدی څلور شپيته
زره تنه اوسپړي. د رانده رنگ په پارک کی چی ۴۰۰
متر مربع پراخه ده کلیوالو د تاریخی ودانیو تر څنگ
اوسپړی او د خپلو اوسیدن ځایونو په نږدی پراته
سیمو کی په کرهڼه بوخت دی. ددغو تاریخی ودانیو
ساتنه ددغه پلان یوه برخه ده او انسانی عنصر او د
پرمختگ پرله پسې فعالیتونه ددغو هلو ځلو هسته
جوړوي.

د ملگرو ملتونو د خپل خوښی کارکونکو د پرمختگ
پروژه (UNV) د ۱۳۷۸ هجری ل کاله څخه د ۱۳۸۰ هجری
ل ۱۹۹۹ کال د می د میاشتی څخه د ۲۰۰۱ عیسوی کال
تر اپریله پوری د (په رانده پارک کی د ټولنی پرله پسې
برخه اخیستن) تر نامه لاندی پلی شو. دغه پروژه د عامه
خلکو په کچه د کلیوالو گډ فعالیتونه ته چی د هغی موخه
پر ځان باندی د اتکا څخه عبارت دی قوت بخښی.
ملگری ملتونه له جاپان یانی د صوفی له پوهنتون څخه د
خپلی خوښی د کارکونکو د گډون یوی نوی ډلی ته بلنه
ورکړ او زه (لیکونکی) د ۱۳۷۸ هجری ش
۱۹۹۹ عیسوی کال د جون په میاشت) کی لدغی پروژی
سره یو ځای شوی یم ترڅو د تاریخی سیمو د انجینری
میتولوژی تر نامه لاندی د ټولنی میتودولوژی ته چی د
رانده پارک د ودانیو او تاریخی سیمو پرمخوځری
عملی بڼه ورکړو. د تاریخی سیمو انجینری په یوه ټولنه
کی د ټولنی دغونښتنو سره سم د ټولنیزی او کلتوری
پرمختگ ته درسیدو په غرض د دری ډوله اساسی
اجزاوو لکه کلیوالو او همدارنگه د رانده رنگ تاریخی
ودانی او په ځنگلونو کی د گډ ژوند لپاره په درنه
سترگه کتل کیږي.

له تیرو څخه زده کړه

هغه ښځی او نارینه چی په سیمه کی چی هلته د
طبیعت قوانین پلی دی پیدا شوي، د طبیعی ماحول
سره د پرله پسې تماس له کبله خپل کلتورونه منځ ته
راوړی دي. له همدی کبله کلتور د ټولو هغو شیانو



© لگوال ته په درناوي سره



© لگوال ته په درناوي سره

په دواړو ۳۴ او ۳۵ نمبر تصویرونو کې د کلي زاړه کسان لیدل کېږي. د تجربو او پوهې څرگندونه د عنعنوي پوهې د زیاتوالي له لارې څخه عبارت ده او ځوان نسل ته د مفکورو د را نقلولو یو ډول بنسټیز مشق دی.

له خواد ادارې کارکوونکو لکه رئیس، د رئیس نایب، ادارې آمر او د فرعی ډلو درې مشران وټاکل شول.

د درې فرعی ډلې د هر یوې ډلې لپاره د کمبودیا د پیژندل شوی گلونو او ونو څخه سمبولیک نومونه لکه د لویدیځ فرعی ډلې لپاره (فکاروم چیک)، (د روم چیک گل)، چې یو سور او ښه بوی لرونکی گل دي، د منځنۍ ډلې لپاره (فکالهنونگ)، (د لهونگ گل) چې د مذکرام د ونې یو سپین گل دی او د ختیځې فرعی ډلې لپاره (فکاسوی چانتی)، (د سوی چانتی گل) چې د کاشو د ونې سپین یا ژیر گل دی غوره شوی.

د تاگانو یو تن چې د فال کتلو دنده لری خپل کورته ستون او یوه کتابچه یی هم له ځانه سره راوړ. په کتابچه کې د ودونو د سنتی غونډو د جوړیدو ډول او د ودونو د غونډو د سمبالولو عکسونه پکې و. هغه وویل: (پدی چې پدغه شان فعالیتونو کې ځوانانو ته زما د پوهې د لیریدنی امکانات برابر شوی خوښ یم، تر بحث لاندې موضوعاتو څخه یو د بیبی په ډله کې د گډون لپاره د لازم عمر لرل و. یو بیبی وړاندیز وکړ چې باید دا عمر له پنځوسو کالو څخه لوړ وی ولی بل بیبی وویل: (زه اته څلویښت کلن یم مگر غواړم پدغه ډله کې د رسمی غړې په توگه ومنل شم.) د هغه غوښتنه

و. نوموړې کلی د ۲۰ کیلومتره په واټن د سیسم ریپ د ولایت د سیسم ریپ د ښار شمال خواته په لویدیځ بری کې (موقعیت لري. (لویدیځ بری) د اوبو د یوې لویې زیرمې څخه عبارت دی چې دوه کیلومتره سور او اته کیلومتره اوږدوالی لری او په لسمو او یوولسمو پیرپو کې د خلکو لپاره د څښلو اوبو د رابرابرولو اود کرهښیزو چارو په موخه جوړ شوي. ددغه کلی د اوسیدونکو شمیر د ۲۰۰۰ عیسوی کال د جنوری تر میاشتې پوری ۱۸۹۰ تنو ته رسیده چې په ۳۴۰ کورنیو کې ژوند کاوه. ددغو خلکو په منځ کې د پنځوسو کلونو څخه د پاسه عمر لرونکی ۱۱۰ تنه بیبی او تا ژوند کوي.

د ۱۹۹۹ کال د دسمبر په میاشت کې د بیبي او تا د ډلو د جوړیدو په موخه د کی تگی د کلی په عمومی تالار کې یو غونډه جوړ شوی و چې په هغی کې نږدی شپيته تنه مشران گډون کړی وو. په غونډه کې د ښه ماحول د را منځ ته کیدو په غرض د (بیبي - تا) په نامه یو فولکلور سندره وویل شو او بیبي گان پکی سره تاو راتاو شول او ونڅیدل. لدی امله چې دا کار هغوی ته نوی او خوندور و هغوی وهڅول شول تر څو بیبی او تا د نورو ډلو د فعالیتونو په تنظیمولو او سازمان ورکولو کې اغیزمنی نتیجی ترلاسه کړي. په غونډه کې د گډون کوونکو بیبی گان او تا گان د هنری نندارې څخه وروسته هغوی په لویدیځ، منځنی او ختیځ فرعی ډلو وویشل شوي. وروسته د هغوی له منځ څخه اوه تنه بیبی د ټول ټاکنی پواسطه د سپین پیریو

د اوربستونوپه موسم کی یانی د می له میاشتی
څخه د اکتوبر تر میاشتی پوری یی گان او تاگان په
کور او زراعتی مخکو کی په کار بوخت وی. مگر
په ۱۳۷۹ هجریل (۲۰۰۰م) کال کی کله چی د اوربست
موسم پای ته ورسید سمدلاسه د یی گانو او تاگانو
فعالیتونه له سره پیل شو او د کی تگی په کلی کی
ددغی دری ډلی د انځورگری فعالیتونه روان شو.
دغه فعالیتونه د دغه دری ډلی د موضوعاتو د تشریح
لپاره د وسایلو د جوړولو په غرض ترسره کیدل. د
انځورگری مواد لکه کاغذ او رنگونه (تورشین او ژپ)
برابر شوی و. ترلاسه شوی کاغذ د تیک سن له کلی
څخه اخیستل شوی و. د تیک سن او پرادک په کلیو
کی د ۳۷ پر ۷۳ سانتی مترو په اندازه ددغه
کاغذونو تولید له ۱۳۷۷ هجری ل (۱۹۹۸م) کاله
راهیسی د عایداتی فعالیتونو په توگه پیل شوي.

سپین پیری هڅی وکړی ترڅو د پیدا شوی کاغذونو پر
مخ انځور وپاسی ولی د هغوی لومړنی هڅی بی نتیجی
وی. دا د مشرانو د انځورگری لومړنی تجربه و. د دوه کالو
له تیریدو څخه وروسته د انځورگری دوهم صنف جوړ شو
ولسی د هر ډلی لپاره د دو ساعته انځورول بس نه و.
د ۱۳۸۰ هجری ل (۲۰۰۱م) کال د جنوری د میاشتی په
لومړیو ورځو دریمی هڅی وشوی چی داخل هغوی د
انځورگری په گډون د کی تگی دکلی د روان او تیر ژوند
په باب د دوه اضافی انځورونو کار ترسره کړي.

د ۱۳۸۰ هجری ل (۲۰۰۱ عیسوی) کال د جنوری د
میاشتی په وروستیو کی د دیرش تنو مشرانو او د
کتونکی په توگه د پرادک دکلی دیو تن یی په گډون
د وریجی خرڅولو په یوه مغازه کی د کلتور او د ژوند
د متود ننداره ترسره شو. زه (لیکوال) دنداری د
تخنیکونو په هکله په ځانگړی توگه (د سوال او ځواب
د متود) په ډول چی په هغی کی مشران د ماشومانو
څخه پوښتنی کوی او اړوند ځواب وپرانندی کوی خپل
نظریی وپرانندی کړي. ماله یی گان او تاگانو څخه
غوښتنه وکړ ترڅو چی په ورو، لوړ او خرگنده توگه
خبری وکړی او هغو انځورو ته چی په تیرو وختونو کی

چی باید د غړیتوب لپاره عمر بدلون منونکی
وي) ومنل شو

د سنتی پوهی د لیریدنی د دوری پیل
د ۲۰۰۰ کال د جنوری له میاشتی څخه هریوه
فرعی ډله غونډی جوړی کړی او هریوی د یی اویا
تا کارت یی خانه پری کړ. په کارتونو کی نه یواځی د
مشرانو نومونه او د زیریدنی نیټی لیکل شوی و
بلکی هغه موضوعگانی چی دوی ته په زړه پوری و او
په هغو کی دوی مهارت درلودی اویا په ډله ییز خبرو
اترو کی گډون کړی و هم لیکل شوی و. ددغه کارتونو
د جوړیدو په موخه عکسونه واخسته شول او هغو
موضوعاتو چی دوی مهارت پکی درلودی په ترتیب
سره په هغو کی و لیکل شول او هره ډله د خپل ډله ییزو
فعالیتونو لپاره یو موضوع وټاکل.

د لویدیځی فرعی ډلی یی گان او تاگان د سنتی
موسیقی، سندرو او سنتی مراسمو پوری اړوندو
فعالیتونو ته د لومړیتوب حق ورکړی او پر هغی زیات
تینگار وکړ. هغوی په زیاتره مهارتونو لکه د هډوکی
پرځای کول، د بوریا او سنتی ټوکرگی گانو اوبدل،
قابلگی، د کبانو د نیولو لپاره له نی څخه د ټوکرگی
گانو اوبدل، د a char (مشر سړی چی په بودایی
عبادتگاه کی خدمت کوي)، د سنتی ودونو لپاره د
کیکونو پخول، د خبیثه ارواحو په وړاندی ساتنه، او
سنتی طبی درملنه او نورو کی مهارت درلودی. د دغو
مهارتونو له ډلی څخه هغوی (د روم چیک له ونی څخه
د سنتی بوریا اوبدل) غوره کړ. د یی گانو او تاگانو
منځنی فرعی ډله په عصری فعالیتونو لکه سینما،
ورزش او مستند ویدیوی فلمونو، یه غیر دولتی
موسسو کی د دندی ترسره کولو سره او د
فولکلوریک سندرو اوریدو سره مینه بنیې. ولی د
ټاکنی په ترڅ کی هغوی د بودایی مراسمو لپاره د (pin
peat) عنعنوی موسیقی غوره کړي، په همدی توگه،
ختیځه فرعی ډله له کوچنیو خرما وو څخه د عنعنوی
ټوکرگی گانو اوبدل غوره کړل.

د سنتی ژوند د متودونو په ليرېدونه کې مرسته کوي خوښ وي. د دغه کتابونو هغه غوره معلومات چې پر کلتور ولاړ دي د سيلانيانو لپاره به په بهرنيو ژبو وپول شي.

د ژوند د نوی کلتور رامنځ ته کول

په هغه ټولنه کې چې سپين ږيري له خپل ژوند څخه خوند اخلي ويلای شو چې يوه غوره او د منلو وړ ټولنه ده. د يبي او تا د دغه ډلو فعاليتونه د ټولنی په پرمختگ باندی څه اغيزی لري؟ زموږ لپاره دا يوه سخته پوښتنه ده. لکه څنگه چې پورته تری یادونه وشو يبي گانو او تا گانو ته درناوی کيږي. هغوی د خپلو ارزښناکه تجربو، پوهي، هوښياری او ښه نيت له امله چې ځوانانو ته د ښوونې وړکولو په برخه کې لری په کورنی او ټولنه کې د ټولنی د غوره غړو په توگه د معنوی او عملی رولونو څخه برخمن دي. د دغه فعاليتونو د پايښت او منظم کولو لپاره لازمه ده چې سپين ږيري د يبي او تا په ډلو کې تنظيم شي او د دغو ډلو د فعاليتونو د تطبيق لپاره نه يواځی سيميزه ټولنه بلکه نور گډون کوونکی لکه غير حکومتی موسسې، کارپوهان او مذهبی ټولنی هم باید گډون وکړي.

که چيری د رسمی ښوونې او روزنی عمده او خورا ارزښناکه مکلفيتونه د پوهی د لاس ته راوړلو په غرض د پوهی او اساسی مهارتونو وړاندی کول دي، هغه پوهه چې سپين ږيرو په ټولنه کې هغوته په ميراث پريښی باید ساتنه يی وکړی او کلتور او د سنتی ژوند متودونه نوی نسلونو ته وليږدوي. نوی ځوانان په ټولنه کې د ژوند پر حقيقتونو باندی پوهيږی او دخپل ژوند د څرنگوالی په وړاندی د پرمختگ په پروسه کې پلي کيدونکی متود يانی د ژوند نوی کلتور رامنځ ته کوي.

برابر کړی د خپل د لاس د لرگيو په استفاده اشاره وکړي. د هری فرعی ډلی لارښود لدغه متود څخه پيروي وکړ او تمرین د ننداری د تخنيکونو په زده کړه کې ډير اغيزمن ثابت شو.

د ۱۳۸۰ هجري ل (۲۰۰۱ عيسوي) کال د فبروری شپاړسمه نيټه د يبي او تا د گروپونو د فعاليتونو لپاره يوه تاريخی ورځ و چې په هغه کې په مجموعی توگه ۳۵۰ تنه گډون درلود، چې د هغو له جملی څخه ۱۴۰ تنه يی د پرادک دکلی اوسيدونکی او ۱۹۰ تنه يی د دغه کلی د لومړنی ښوونځی زده کوونکی وو چې دری ښوونکوی ملگرتيا کوله. دری تنه راهبين اوشل تنه خمر او نړيوال څيړونکی هم په هغی کې گډون درلودي. د يبي دری تنه نندارچيان د ژوند د سنتی متودونو د کلتور د ارزښتونو په باب څرگندونی وکړي. د سنتی ټوکری او بدللو د څرنگوالی او د pin peat د موسيقی د الی جوړول بيان شو پداسی حال کې چې ماشومان دخپل نيکونو او اناوو له نندارو څخه خوند واخيستل ننداره د ننداری پر گډون کوونکو په تيره بيا پر زده کوونکو او ښوونکو باندی خورا ژوری اغيزی وکړ. د نوموړی لومړنی ښوونځی ښوونکی داسی څرگند کړ: (زموږ نيکه گان او اناوی زموږ د کلتور او د سنتی ژوند د متودونو ښوونکی دی چې د خپل يو کلن فعاليتونو څخه د کی تگی په کلی کې يبي گان او تا گان خلک زيات راضی کړي).

په هر کلی کې د (د کلتور پر بنسټ کتابونه) برابرول به د راتلونکی فعاليتونو موضوع وي. دا کار به د کلی د نوم او تاريخچي د سرچينی په گډون د کلتوری معلوماتو د ليکنی او تصحيح سره په گډه ترسره شي. دا کتاب به د کلی په کوچنی کتابتون کې د کلی د کلتور او دکلی د خلکو د ژوند د متودونو د درسی کتاب په توگه کينسودل شي. تمه کيږی چې د دغو سپين ږيرو لمسيان وهشول شي ترڅو لدغو کتابونو څخه چې نيکه گان او اناوی يی ليکلی کلتوری معلومات ترلاسه کړي. د دغه کتابونو ليکوالان لدی کبله چې د کلتوری ارزښتونه په ساتنه او خپلو لمسيانو ته د هغی او

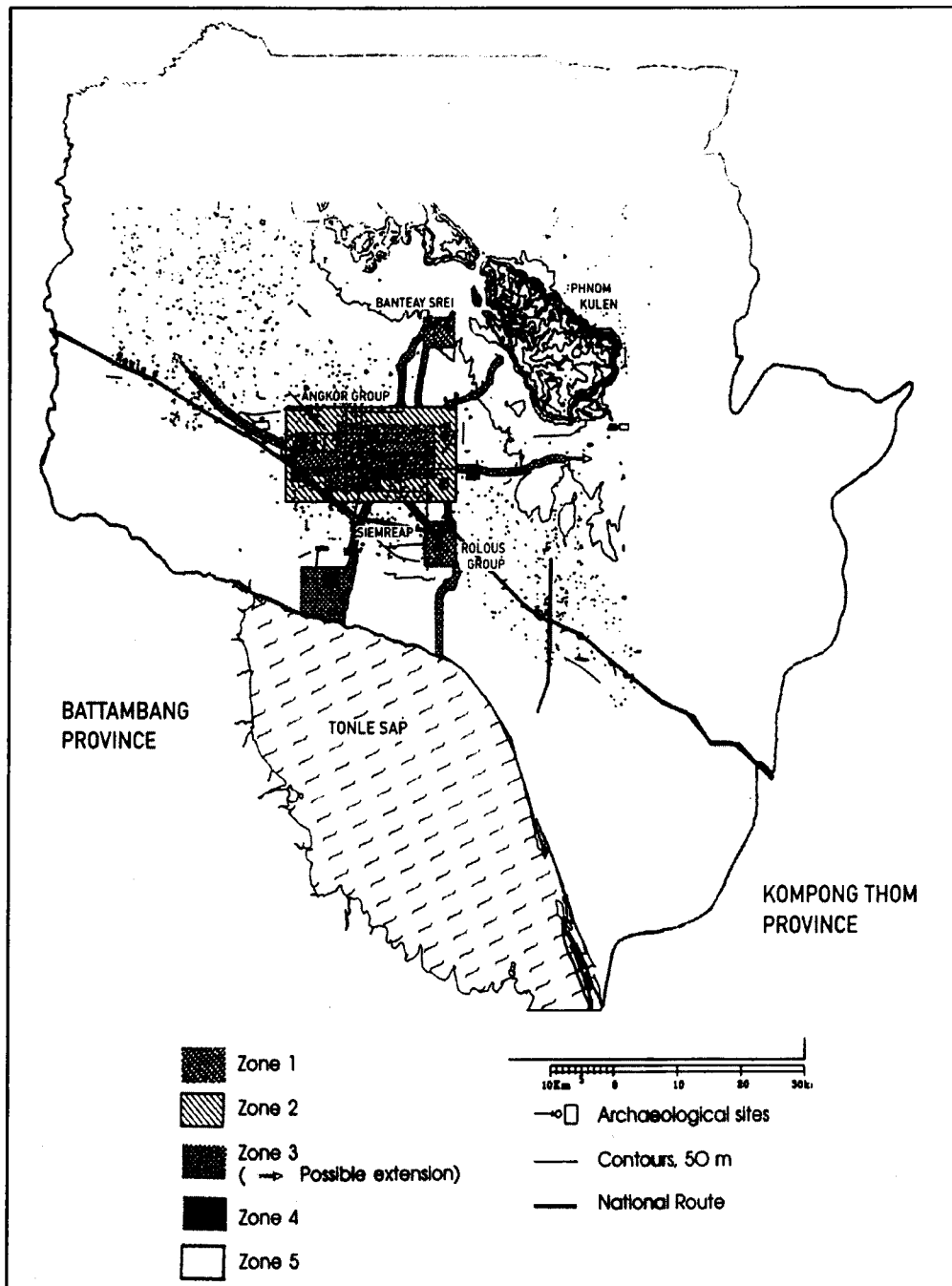
د خانگري ارزښت لرونکي سيمي په هکله د خانگريو تدبيرونو نيول

دازيدين بيچاوج پواسطه

دازيدين بيچاوج د يونسکو د انکور دساتني د نړيوال پروگرام د کلتوري برخي د عمومي مرستيال مشاوردي. نوموړي د نړيوال ميراث د تصميم نيولو د کميټي د رټس په توگه چي انکور يي د نړيوال ميراثونو لست کي داخل کړ او د انکور دساتني د پروگرام په تطبيق کي يي مهمه ونډه اخيستي همدارنگه هغه دا نسجام د نړيوالي کميټي د دايمي سکرترت مسئول هم دی.

د منطقي دليلونو پر بنسټ له کلتوري ميراثونو سره مخامخ کيدل مهم فعاليتونه دي چي دهغو د تطبيق په هکله بايد له زړه ورتيا څخه کار واخيستل شي. که لازمه وي د عملي تدبيرونو پر ځاي بايد د ساتونکو طرز العملونو څخه استفاده وشي. په ۱۳۷۱ هجري ل (۱۹۹۲ م) کال کي په نوموړي لست کي دانکور داخلول يو بيساري مثال ؤ چي تل د يو شمير انحرافونو تابع ؤ. په حقيقت کي يو شمير استثنايي معبدونو او لبرلري ونو او کږو وړو تيرو او درو او معماري ترکيبونو دي ځاي ته يو نه باورکونکی منظره ورکړي ده. د نولسمي پيري په نيمايي کي څيرونکو او سيلانيانو د انکور راز نظريي ته لازيات قوت ورکړ. او دا هغه تمدن ؤ چي د دنيا له لويو تمدنونو لکه اهرامونه، د هندوستان معبدونو او دچين بودايي معبدونو سره يي سيالي کوله او د سهيل ختيځي آسيا په روم يي شهرت درلود. بايد ووايو چي انکور پخوا تردي چي د اروپا په لور خپله لاره خلاصه کړي داسيمه يوه ليري سيمه وه دپلوماتانو او دهغه وخت د مرکزي امپراطوري سوداگرو ته ددي نظريي ثبوت

دخانگري ارزښت لرونکي سيمي په هکله د خانگريو تدبيرونو نيول
دازيدن بيجاچ



۳۲. د فرهنگي څيمي د حفاظتي (څيمي ۱-۲-۳-۴-۵) د سيم ريب په څيمه کي د څيميز پلان او محيطي اداري (ZEMP) چه په شاهانه فرمان ۱۹۹۴ کي منځ ته راخلي وو ټاکل شوي دي.

ايم واز موليوان په درناوي سره

کمبروديا د شاهي بالت د ډلي له خوا په زړه پوري نڅاوي په ۱۲۸۵ هجري ل (۱۹۰۲م) کال کي په پاریس او مارسیلي کي ننداري ته وړاندي شوی او گمان کيږي چي دي نندارو يو زيات شمير خلکو ته د کمبوديا د شاهي حکومت او د خمر د امپراطوري فوق العاده تنظيمونه ښکاره کوي، ددي نمايشي سفر له امله بوټ جوړونکي (رودين) پخپلو آثارو کي ددي نڅاگانو تصويرونه راوستلي دي. نوموړي په ۲۷۳ هجري ل (۱۹۲۴م) کي داسي ليکلي دي: (کمبوديايي زړه را ښکونکي نڅاگر چي څه موده دمخه له خپل پاچا سره پاریس ته راغلي و ماپدي اثر کي انځور کړيدي. ددي نڅاگرو حرکاتو سړي کي عجيبه آرامي پيدا کوله.)

پايله کي د هاگ نړيوالي محکمي د پرله پسي او دوامداره مداخلو له امله فرانسه بريالي شوه ترڅو په هجري ل ۱۲۸۲ (۱۹۰۷م) کال کي سيام هيواد انکور بيرته د کمبوديا پادشاهي هيواد ته تسليم کړي. پدي ډول د جغرافيايي بشپړتيا په جوړيدو سره د يوه زوړ تاريخ اړيکي له سره شوي. ښکاره ده چي ددي حقايقو او معلوماتو په رڼاکي او د يوه ارزښتناکه رپوټ په پايله کي چي لرغون پيژندنې ماهيت او هنري- تاريخي ارزښت يي درلود او د (ايکول فرانسس) لخوا چمتو شوي و (پاچا نورودوم سهانوک) دهيلي سره سم د نړيوالو ميراثونو کميټه د انکوردي په رسميت پيژندلو کي له ډيرو ستونزو سره مخامخ نه شوه د لاندنيو دليلونو له امله: ځکه داسيمه (۱) د بيساري هنري لاس ته راوړنو درلودونکي، د انساني خلاقه روح شهکار؛ (۲) د معماري او د څلورجوړولو د هنر د پرمختگ ښکارندويه او دسيمي د تنظيم ښکارندويه په ټاکلي وخت او سيمه کي؛ (۳) د يوه له منځه تللي تمدن پاته

د (چاوتاکام) په سفرونو کي چي د مارکوپولو په دوره کي يي له ۲۷۱ نه تر ۲۷۲ هجري ل (اگست ۱۲۹۲ نه تر جولاي ۱۲۹۷) پوري شوي راغلي دي. نوموړي پخپل اثر کي د کمبوديا د سفر خاطرات ورته وايي خپل سرفري د خمر دسيمي مشهور پلازميني ته شرحه کړي او په شاهي ماڼۍ کي د ژوند ځيني اړخونه او د عوامو د ژوند ځيني صحنې يي بيان کړي دي. وروسته يو شمير نښي ترلاسه شوي چي کمبوديا کي د جاپاني تيريو حضور بيانوي او په ځانگړي توگه د انکور لپاره لومړنۍ گرافیک سند د انکور د اوبو ذخيري پلان په نوم ترلاسه شو چي دا سند ديو جاپاني نړي گرځيدونکي له خوا د ۱۲۲ او ۱۲۳۲ کلونو ترمنځ ليکل شوي دي. نوموړي نړي گرځيدونکي يو بودايي معتقد و او باوري يي درلود چي دی مغدي يادبود د منشي ځای ته رسيدلی دي او له جيتاوانا نه يي کتنه ترسره کړيده. دا سيمه هندوستان کي د بودا د ژوند او اوسيدو سيمي په توگه گڼل کيږي. ددي سره سره فرانسه وه چي د انکور د نړيوال شهرت سبب شوه. د ۱۲۴۲ هجري ل (۱۸۲۳م) کال په پيل کي په Tour du monde کتاب کي چي کاشف او طبيعت پيژندونکي (هنري ماهوت) کښلي دسيمي لومړني تصويرونه راغلي دي. په کال ۱۲۵۷ هجري ل (۱۸۷۸م) کي دپاریس ښار نړيوال نندارتون د خمر په هکله لوی آثار د لومړي ځل لپاره خلکو ته وښودل چي بوتان، کيندل شوي آثار او تصويرونه پکي شامل و د هند او چين يو موزيم کي (د ميسوسي گيميت نيکونه) په تروکاډيرو کي جوړ شو. په کال ۱۳۳۰ هجري ل (۱۹۵۱م) کي نوميالي ليکوال (پيري لوتي) انکور ته له يوه سفر وروسته دا سيمه ادبياتو ته داخله کړه، د

دخانگري ارزښت لرونکي سيمي په هکله د خانگريو تدبېرونو نپول
دازيدن بېچلوچ

کي (له اکتوبر څخه تر مئ ۱۳۷۰ هجري ل) (۱۹۹۱ م) پوري او ۳،۱۳ پريگړه ليک په ترڅ کي د رايو په اتفاق تصويب او له عمومي رئيس نه يي غوښتنه وکړه ترڅو د کمبوديايي مقاماتو سره (۲) مرسته وکړي جي اړين قانوني فعاليتونه نړيوال ميراثونو کي د شموليت لپاره د سيمي د کانديدو لپاره ترسره کړي. لډي سره سره يو شمير کړني چي د نافذو لارښودونو سره د تطبيق لپاره د

شوني ؛ او (۴) او ديوي مجموعي ودانيو او معماري گمانو درلودونکي ده چي د يوي فوق العاده تاريخي دوري ښودنه کوي. د يادوني ورده چي د انکور تاريخي سيمه له څلو او پراخه سيمو سره چي کابو (۴۰۰۰۰) هکتاره کيږي له ټولو هغو لومړنيو معيارونو سره برابره وه چي د لرغونو نړيوالو ميراثونو لست کي شامل شي او هم لومړني شرايط برابر شوي و لکه: (الف) د څلوروغتيا



© جادو سلاو بانگر

۳۷

۳۷. د پاناراما منظره د عرب شمال کي د انکور وات معبد (د دولسم قرن نيمه) د شاهي سکيل د مهندسي مجتمع په فرهنگي ميراثونو لست کي چه په کال ۱۹۹۲ درج شوي وو خاني.

نړيوالو ميراثونو د کنوانسيون په اساس لازمي وي ترسره شوي. ICOMOS (هغه سازمان چي زه يي د غړيتوب وياړ له هغه وخته لرم چي هيواد مي د ويننيک په تړون کي ونډه واخيسته) د انکور د شموليت په اړه د طرز العمل د شرايطو نه پوره کيدو سره سره خپل نظريات وړاندي کړل. د ICOMOS قاضيانو يو څه ډير تشويش ښکاره کړ چي ځما په اندله مبالغې ډک و. او داگوت نيوني د يوي غنډ د جوړيدو سبب شوي. په حقيقت کي بايد ووايم چي زه په ژوره توگه معتقدوم چي انکور د نړيوالو ميراثونو برخه شي ترڅو داسيمه وساتل شي او له راتلونکو خطرونو په امان شي. ماله خپل نفوذ نه په بيرو او د نړيوالو ميراثونو کميته کي د

او سمبالتيا په هېڅ ډول د پرتلي وړ نه وه (ب) کمبوديا د ۱۳۵۱ هجري ل (۱۹۷۲ م) کال تړون چي د کلتوري ميراثونو د ساتني په اړه و د ۱۳۷۰ هجري ل (۱۹۹۱ م) کال د اکتوبر په ۲۸ تصويب کړي (ج) د کمبوديا پاچا پخپله له خپل واک څخه د کمبوديا د عالي ملي شورا د رئيس په توگه په استفادي همدا راز د ملي روغي جوړي د اورگان په استازيتوب پخپله په رسمي ډول د ۱۳۷۰ هجري ل (۱۹۹۱ م) د سپتمبر په ۱۰ نيټه يونسکو ته د يو غوښتنليک په ترڅ کي د انکور سيمي د شامليدو په هکله يادونه وکړه ترڅو نړيواله مرسته د انکور د ساتني لپاره همغاړي شي. لډي پرته يونسکو د عمومي کنفرانس د شپږويشتمې ناستي په ترڅ

دخانگري ارزښت لرونکي سيمي په هکله د خانگريو تدبیرونو نیول دازیدین بیجاوچ

کي ژوري پلټني وکړي او رپوټ يي د څلو د حالت د ساتني د شرايطو په هکله بېرو او کميټي ته وړاندي شي. لومړنئ رپوټ يي بايد بېرو ته د ۱۳۷۲ هجري ل (۱۹۹۳ کال د جولاي) د مياشتي ناستي کي او کميټي ته په اولسمه ناسته کي د ۱۳۷۲ هجري ل (۱۹۹۳ م) کال د سمبر کي وړاندي شي.

پدي ډول موږ د خطر سره مخ انکور د شموليت په لار کي د نړيوال ميراث په توگه له مشکلاتو سره مخ نشو. ترڅو پدي شموليت سره د سيمي هغه ستونزي چي ورته مخامخ دي په عاجله او اغيزمنه توگه حل شي. د هغي په تعقيب له کمبوديابي چارواکو نه هيله وشوه ترڅو لازم تدبيرونه د لاندنيو شرايطو د تامين لپاره ترسره کړي: (الف) د تقنيني مناسبو موادو وضع کول (ب) د ملي ساتني د اداري جوړول چي وړ کارکوونکي ولري (ج) د دايمي سرحدونو ټاکل د ZEMP د پروژوي پر اساس (د) د حايلو سيمو ټاکنه (ه) د نړيوالو ساتونکو هڅو نظارت او همغاړي کول.

د دريو کلونو په ترڅ کي له ۱۳۷۲ هجري ل نه تر ۱۳۷۴ هجري ل (۱۹۹۳ م نه تر ۱۹۹۵ م) پوري لازم شرايط ترسره شول لږي سره سره چي دا عمل د ۳۰ کاله جگړي نه وروسته پيل شوي و او بنسکاره ده چي پايلي يي زمونږ له هيلو اوچتي وي هغه ځانگړي شرايط چي په ترڅ کي يي يو فوق العاده سيمه نړيوالو ميراثونو ته داخله شوه د منلو وړ و. د ستونزو کړي بايد ماته شي او مونږ راتلونکي ته هيله من اوسو. نړيوالي ټولني دا مسئله درک کړي، د کمبوديا شاهي حکومت پر ستونزو بريالي شوي اوله يوي لسيزي زيات وخت وشو چي زمونږ هڅي دوام لري.

رئيس په توگه او د يو مهم غړي په توگه په احتياط سره کار واخيست (له ۱۲ کلونو زيات په پرله پسې مي پدي عهدو کي کار وکړ او وياړ لرم چي دوه ځلي د مجلس درئيس او څلور ځله د RAPPORTEUR په توگه وټاکل شوم) پدي ډول بريالئ شوم چي بېرني غړيتوب مي ومنل شي. دا موقت شموليت چي د سيمي د بي ساريتوب له امله د ثابتي شوي دفاعي په اساس وشو. لږي سره بيا هم زه پدي عقیده وم دهغو ډېرو رايو سره سره چي ملگرو مي زما لپاره او زما په وړانديز د سيمي د بي ساري پيژندلو لپاره و اچولي بايد يوڅه احتياطي معيارونه بشپړ شي. پدي ډول ما لاندني متن هغي بېرو ته چي د فرانسې، سينگال، تانزانيا، تایلند او د امريکي متحده ايالتونه غړي پکي و تسليم کړ دا متن د رايو په اتفاق د نړيوالو ميراثونو د کميټي لخوا ومنل شو:

(له هغه ځايه چي د کمبوديا د ځانگړي سيمي د پاريس د پريکړو سره سم د ۱۳۷۰ هجري ل (۱۹۹۱ د جولاي) له مياشتي نه د ملگرو ملتونو د سازمان تر موقتي اداري لاندې راغلي ده دي کميټي تصميم ونيو ترڅو په عملياتي لارښودونو کي راغلي ځيني شرايط د (۱)، (۲)، (۳) او (۴) معيارونو پر اساس له پامه وغورځوي او د انکور سيمه له لرغونو څلو سره يي د نړيوالو ميراثونو په کتار کي لکه چي د اکوموس د ساتني په راپور کي راغلي راولي. دا کميټه ټينگار کوي چي دا عمل د يوي ورته نموني د جوړيدو په موخه ندی ترسره شوی بلکي د سيمي د ځانگړي ماهيت له امله ترسره شويدي. ددي لپاره د سيمي د ساتني په موخه کميټي تصميم ونيو ترڅو د يوي درئ کلني دوري لپاره له ۱۳۷۲ نه تر ۱۳۷۴ هجري ل (۱۹۹۳ م نه تر ۱۹۹۵ م) پوري د انکور سيمه

يادښتونه

(۱) د ميراثونو قانون (د يونسکو د کارپوهانو بيه مرسته
د ۱۳۷۵ هجري ل ۱۹۹۲ م کال د جنوري په ۲۵ نيټه) تصويب
شو.

(۲) د ملي ساتني اداره، د ايسارا بيه نوم
د ۱۳۷۴ هجري ل ۱۹۹۵ م کال د جنوري د ۱۹، د شاهي
فرمان په اساس جوړه او د يوي دولتي اداري بيه توگه
مالي او اداري خپلواکي لري.

(۳) د زيمپ له وړانديز سره په مطابقت کي
د ۱۳۷۳ هجري ل ۱۹۹۴ م کال د مئ د ۲۸، د شاهي
فرمان په اساس د سيمي ويش د سيم ريب ۱۸ انکور د
اداري په اړه تر سره شو.

(۴) د کمبودياله مقاماتو سره د نړيوالو
فعاليتونو د انسجام لپاره او د توکيو له کنفرانسه سره په
مطابقت کي چي د انکور د سيمي د ساتني او پرمختگ
لپاره تر سره شو (د ۱۳۷۲ هجري ل ۱۹۹۳ م کال د
اکتوبر ۱۲-۱۳ نيټه) يوه نړيواله انسجامي کميټه جوړه
شو دا کميټه د انکور لپاره د فرانسې او جاپان تر رياست
لاندي تاسيس او يونسکو يي علمي او تخنيکي
هميشني سکرتريت په غاړه واخيست. دا کميټه په پنوم
پن کي د ۱۳۷۲ هجري ل ۱۹۹۳ م کال د دسمبر د
مياشتي په ۲۱-۲۲ نيټه، جوړه او له هغي مودي را
هيسي په منظمه توگه په کال کي دوه ځله علمي او
تخنيکي ناسته کوي.

د انکور (Angkor) د نړيوال پروگرام تحليلي اړخونه او اداره

د ان ليمستر او سبستيان کاوه لير

ان ليمستر چې خپلې لوړې زدکړې يې د حقوقو او د دولتونو ترمنځ د اړيکو په برخه کې پای ته رسولي ، ډير کلونه يې په لاتيني امريکه کې د کلتوري ميراثونو د ساتنې دپاره د پانگې ورکونکو ادارو سره کار کړی دی . نن سبا د کلتوري ميراثونو په برخه کې د يونسکو د پروگرامونو کار پوه دي او د آسيا د جنوب لويديځې حوزې مسئوليت په غاړه لري . سبستيان کاوه لير د سياسي علومو او د سوداگري د ادارې په څانگو کې لوړې زدکړې کړې دي او ډير کلونه يې په کمبوديا کې د فرانسې او د يونسکو د بهرنيو خدمتونو له برخو سره فعاليت او همکاري کړې ده . له ۱۳۷۸ هجري ش (۱۹۹۹م) کال را په دې خوا د کلتوري ميراثونو د ساتنې څانگې د سلاکار او د ساتنې پروگرام د فعاليتونو د سمبالونکي د مسئول په حيث دنده ترسره کوي . سربيره په دې په ليون (Lyon) کې د توني گارنر د بناري موزيم مشر هم دي .

سريزه

هغه لومړني تدبيرونه چې د انکور سيمې د ساتلو له پاره ترسره شول د کلتوري ميراثونو د ساتنې پروگرام په تاريخ کې د پام وړ ؤ . هغه پراوونه چې په ترڅ کې يې دغه سيمه د نړيوالو ميراثونو په نومپانه کې راغله د دې «بې ساري ځاي» په هکله يوه سمه پاملرنه وه ، او د ۱۲۲۹ هجري ل (۱۹۹۰م) کلونو په پيلامه کې د انکور او کمبوديا په وړاندي يې د ټولې نړيوالې ټولنې ژمنې په گوته کړې .

انکور د ۱۳۷۱ هجري ل (۱۹۹۲م) کال د دسمبر په ۱۴ د نړيوالو ميراثونو په نومپانه کې وليکل شو . د نړيوالو ميراثونو د کميټې پريکړې په دې توگه هر راز شک او زړه ناز په توب له منځه يووړ : «څرنگه چې د کمبوديا دغه بيساري سيمه ، د ۱۳۷۰ هجري ل (۱۹۹۱م) کال د جولای له مياشتې نه راهيسې د پاریس د موافقت لیکونو پر بنسټ د ملگرو ملتونو د سازمان تر مؤقتي ادارې لاندې راغلې ، دغې کميټې پريکړه وکړه چې په عملياتي لارښوونو کې له

د تقویم له پاره خپله سیاسي تلو سه په زغرده څرگنده کړه. دغې دولتي ادارې د ۱۳۷۴ هجري ل (۱۹۹۵ م) کال د فبروري له ۱۵ نېټې نه وروسته په انکور کې د نړيوالې ټولنې د يوه مهم همکار په څېر په منډه وده وکړه له ۱۳۷۸ هجري ل (۱۹۹۹ م) کال نه را په دې خوا، دغه اداره د پام وړ مالي سرچينې په واک کې لري چې د انکور پخواني پارک ته د ننوتو د ټکټونو له پلورلو څخه لاس ته راځي. د ۱۳۸۰ هجري ل (۲۰۰۱ م) کال په جون مياشت کې د يادې شوې مؤسسې اداري کميټې لارښاونه پراختيا ومونده او پياوړې شوه. له دې امله داسې کسان په کې شامل شول چې په بيلابيلو ساحو کې يې بشپړوونکي مهارتونه درلودل.

وروسته له هغه نوموړې ادارې، سيمې ته د ورننوتو د سمون او کنټرول په خاطر يوه عمومي پاليسي او د ډلو زدکړه يې عملي کړې او د پاليسي د تطبيق له پاره يې لازمي کړنلارې رامنځ ته کړې دي.

په نړيواله کچه

نړيوالې ټولنې هم په خپل وار د سيمې د ساتنې او پراختيا له پاره پراخې پراخې هلې ځلې کړې دي. واره تر سره شوي فعاليتونه د انکور د تاريخي برخو د ساتنې او پراختيا له پاره د سمون د نړيوالې کميټې له خوا تنظيم شول. دغه کميټه د نړيوالو ميراثونو په نومپاڼه کې د سيمې له شامليدو څخه يوازې يو کال وروسته جوړه شوه چې له هغې مودې نه د فرانسې او جاپان تر گډې ادارې لاندې ده او سکرټريت يې د يونسکو په غاړه دی.

د سمون نړيواله کميټه «له مختلفو هيوادونو او سازمانونو څخه د مرستو د هماهنگ کولو له پاره يو نړيوال ميکانيزم دی. دغه کميټه د بيلابيلو پروژو ترمنځ هماهنگي راولي او د اړتيا په صورت کې فني او مالي معيارونه ورته ټاکي او د اړوندو اړخونو پام ورته راگرځوي.» ۱۲ د توکيو اعلاميه، د ۱۳۷۳ هجري ل (۱۹۹۴ م) کال د اکتوبر مياشت ۱. له دې سره سره دغه کميټه د کومې دندې د ترسره کولو له پاره د ملي اداري مؤسسې د نشتوالي په وخت، له کمبوديايي چارواکوسره د هغو په پرمخ بېولو کې همکاري کوي.

ځينو شرطونو څخه تير او د (الف)، (ب)، (ج) او (د) معيارونو له نظره د انکور سيمه د ودانيو او د هغې د لرغونو برخوسره يوځاي په نوموړې نومپاڼه کې داخل کړي. دغې کميټې د انکور سيمه د نړيوالو هغو ميراثونو په نومپاڼه کې ثبت کړه چې له خطر سره مخامخ ده او وي غوښتل چې اړوند مسئولين دي د ICOMOS د وړانديز سره سم د ځانگړو شرايطو د برابرولو له پاره لازم تدبيرونه ونيسي! ۱۱

د دې استثنايي گډون يوه بي ځنډه نتيجه دا وه چې په کال ۱۳۷۲ هجري ل (۱۹۹۳ م) کې نړيوالې ټولني او يونسکو يو داسې تازه او د اجرا وړ پروگرام راواخيست چې د نړيوال کمپاين پر بنسټ د يونسکو له تيرو پروگرامونو سره يې بيخي توپير درلود. د دې پروگرام توپير له مخکينيو پروگرامونو سره په دې کې ؤ چې دغه پروگرام په څلورو ستراتيژيکو عمده ځانگړتياو لنډيداي شوای: سياسي لخوا کمني ژمنې؛ دساتنې د نويو لارو چارو تطبيقول؛ په سيمه کې د زدکړې خورا نوي هڅې او په پای کې د کلتوري ميراثونو ساتنه د هغو د پرله پسې انکشاف له لوري.

سياسي لخوا کمني ژمنې په ملي کچه

د کمبوديا چارواکو يوازې په دريو کلونو کې د نړيوالو ميراثونو د ساتنې کميټې له خوا رامنځ ته شوې واره پنځه شرطونه پوره کړل ۱۱ د ۱۳۷۲ هجري ل (۱۹۹۳ م) دسمبر: د انکور د تاريخي برخو د ساتنې او پراختيا له پاره د سمون نړيوالې کميټې يا ICC جوړونه؛ د ۱۳۷۴ (۱۹۹۴ م) کال د مې ۲۸: د سيم ريب/انکور د برخو د ټاکنې په باب د هغه فرمان تصويبول چې په سمبوليکه توگه د کمبوديا د شاهي حکومت د لومړني فرمان حيثيت يې درلود؛ د ۱۳۷۴ هجري ل (۱۹۹۵ م) کال د فبروري ۱۹: د سيمې د ساتنې او د انکور برخې د پراختيا له پاره د يوې مسئولې ادارې ټاکنه؛ د ۱۳۷۵ (۱۹۹۶ م) کال د جنوري ۲۱: د کلتوري ميراثونو د ساتنې او رغاونې د ملي قانون تصويب. ۱۲ په خاص ډول نوموړو چارواکو د انکور د سيمې د کنټرول او ادارې د مسئولې مؤسسې باني (APSARA)

به د دندې په ترسره کولو کې د کمبودیا خلکو دهغو
ننگه و کړو.

«همداوس، مور د نړیوالو کار پوهانو
او د کمبودیایي همکارانو ترمنځ د نظرو نواو تجربو را
کړه ورکړه هڅو او ملاتړ تری کوو زموږ ګډ نظر دادي
خومره چې ژر کیدای شي د کمبودیا چارواکي
او مسئولین دي و توانیږي دهغو فعالیتونو د پوره
کولو مسئولیت په اوږو واخلي چې هیله یې کیږي.» [۱]
د توکیو په اعلامیه کې پرې ټینګار شوي، نړیوالې
ټولنې د ظرفیتونو د زیاتولو په چوکاټ کې خپلې هڅې
تنظیمې کړې دي. دې موضوع په غیر مستقیمه توګه و
بنوده چې د نړیوالې ټولنې موخه دلنډې مودې لپاره
مرسته کول دي. دلته اوس دغه پوښتنه را سربیره کیږي
چې آیا د دې اصل د عملي کولو څرنگوالی به یوازې د
ورو ورو وتلو د سمون په لارو چارو کې وموندل شي
یا به د نړیوالې ټولنې په کړو وړو کې د بدلون په تمه
کښینو؟

کله چې د انکور دساتنې او پراختیا لپاره دولتي
ادارې (APSARA) د عملیاتي پروژې د ځاوند په توګه
لازیات اهمیت وموند، د نړیوال سمون د کمیټې نقش په
ورو ورو زیات شو؛ ځکه په سیم ریپ/ انکور کې د
APSARA دنده وه چې «د توریستي ساحې تنظیم او
پرمختیا له پاره هڅې او هاند وشي» [۲] د شاهي فرمان
دوهمه ماده د APSARA په نامه د انکور سیمې دساتنې
او سمون له پاره د یوې دولتي ادارې د جوړولو په هکله.
(۱۹۱۲/۲۹ شمیره فرمان، نیټه: د ۱۳۷۴ هجري ل
(۱۹۹۵م) کال د فبروري ۱۹] او د کلتوري میراثونو
ساتنې دقانون (نیټه: د ۱۳۷۵ هجري ل (۱۹۹۶) کال د
جنوري ۲۶) د ۵ مادې د حکم او د نړیوال میراث په ډول
د دې سیمې د دریځ په باب د نړیوالو ژمنو په تړاو دې
دغه سیمه و ساتله شي او پراختیاد ومومي» [۳] د
د شاهي ۱۹۹۹/۱۸ شمیره فرمان (نیټه: د ۱۳۷۸ هجري ل
(۱۹۹۹ جنوري ۲۲) شپږمه ماده د شاهي ۱۹۹۵/۱۲
شمیره فرمان (نیټه: د ۱۳۷۴ هجري ل (۱۹۹۵) کال
د فبروري ۱۹) او د شاهي ۱۲۹۷/۹۱ شمیره فرمان (نیټه

له ۱۳۷۲ هجري ل (۱۹۹۳م) کال نه راپه دې خوا دغه
کارونه ترسره شوي دي:

۱. د سمون نړیوالې کمیټې بې له ځنډه په کال کې دوه
ځلي جلسې کړې او په دې توګه یې په سیمه کې پر ټولو
ترسره شوو کړنو باندې نظارت را منځ ته کړي؛
۲. د ساحې دساتنې او پراختیا له پاره تر ۲۰ زیاتو
هیوادونو، نړیوالو سازمانونو او ځانګړو مرستندویو
بسپنې کړې دي چې په کال کې ۵ ملیونو ډالرو ته
رسیږي؛
۳. تر ۳۰ زیاتو نړیوالو ادارو (نړیوالو مؤسسو،
پوهنتونونو، ځانګړو تشبثاتو، غیر حکومتي
سازمانونو او نورو) د ساحې په ساتلو او پراختیا کې
فعاله ونډه اخیستې چې مختلفې برخې پکې شاملې
دي؛ لکه تشکیلاتي حمایت؛ څیړنې؛ د ودانیو رغاونه،
ساتنه او پراختیا؛ د توریزم پراختیا؛ ښاري پرمختیا؛
زدکړه؛ د ټولنو او بنسټیزو جوړښتونو پراختیا؛
۴. په ګډه د ۱۰۰ پروژو په شاوخوا کې عملي شوي
دي؛ د ۱۵ تاریخي ودانیو ساتنه د نړیوالې ټولنې له
خوا شوې ده او کابو ۵۰۰ راپورونه په دې هکله خپاره
شوي دي. دا ټولې لاس ته راوړنې د کمبودیایي
سیاسي چارواکو او نړیوالې ټولنې د ژمنو نتیجه ده. دغه
ژمنې چې د انکور دساتنې او پرمختیا له پاره د پریکړې
هوډ ښکارندويې دي باید نورو ته سرلیک او بېلګه و
ګرځي. دا لاس ته راوړنې دهغو کمبودیایي او نړیوالو
کارپوهانو (چې د انکور د لویې کورنۍ نوم ورکړ شوي)
د ورځنیو او پرله پسې هڅو او هاند څخه پرته به
هیڅکله داسې لاس ته راوړنې نه وې.

د سیاسي سرچینو له پاره راتلونکي

کمبودیایي چار واکو ته د مسئولیت د انتقال اصل له
لوري چې ۱۳۷۲ هجري ل (۱۹۹۳م) کال د اکتوبر
میاشتې ۳۱ د ۱۹۹۳ کال د اکتوبر په توکیو اعلامیه
کې زاغلي مور د انکور د تاریخي سیمې په ساتلو او
پرمختیا کې په لومړۍ درجه درکوژ د خلکو آزادي او
مسئولیت په رسمیت پیژنو. د دې شناخت له کبله مور

تأمين کړي، بي له دې چې دهغې د پرمختيا لپاره خنډ وگرځي. آيا کميته په کافي اندازه سمباله شوې ده چې وکولای شي په پروگرام کې بدلونونه ومني او دخپلو غړو، ترټولو لومړۍ د APSARA غوښتنې ترسره کړي؟ بي له شکه، د انکور د پروگرام برياليتوب د APSARA او دنړيوال سمون د کميته په پياوړي کولو او دهغه په ترڅ په دوي کې دکلکو اړيکو او کړو وړو په يوکولو او شريکولو پوري تړلي دي.

دساتنې نوي لارې چارې

د وېش کولو او محيطي ادارې پلان (ZEMP) په کال ۱۳۷۲ هجري ل (۱۹۹۳م) د انکور دنړيوال ميراث له پاره د وېش کولو او سيمه ايزې ادارې پلان چې په مختلفو برخو کې علمي چارې درلودې، ديونسکو له خوا طرحه او عملي شو. کابو لسو کار پوهانو په خپلو اړوندو څانگو کې پراخې څيړنې وکړې چې دغه ساحې پکې شاملې وې. لرغون پيژندنه، معماري، د توريژم پرمختيا، ځمکه پيژندنه، تاريخ او د آثارو مطالعه، هايډرولوژي، د ژوند د چا پيريال ساتنه او ټولنپوهنه. دغه اساسي څيړنې د APSARA ډلې په گډون ترسره شوې او په هغو کې «د انکور پخوا، نن اوسيا» له کتاب څخه داڅ په توگه گټه واخيسته شوه. [۶] د انکور پخوا، نن اوسيا، APSARA، ۱۳۷۵ هجري ل (۱۹۹۶ مارچ).

د ZEMP پروژې د سيمې د دوام لرونکي پراختيا د تأمين له پاره د يوه کاري چوکاټ په څير له لسو بنسټيزو اصولو څخه گټه پورته کړه:

۱. پرمختيا بايد د هغو اساسي سرچينو د کمښت باعث ونه گرځي چې سيمه ور پوري تړلي ده؛
۲. د بشپړ کلتوري، محيطي او اقتصادي تنوع د لاس ته راوړلو له پاره جدي کوښښ؛
۳. لرغون پيژندنه او محيط ساتنه کولای شي داسي لارې چارې وي چې دهغو په وسيله داقتصادي پرمختيا ننگه وشي؛

۱۳۷۲ هجري ل (۱۹۹۷م) کال د دسمبر (۳۱) سره په سمون د اداري دولتي مؤسسو په قانوني توب باندې حکم کوي. [۱]

د سمون نړيوالې کميته د نړيوالې ټولنې په راهڅولو او دهغوي د کوښښونو په همغاړي کولو کې خپل توان څرگند کړی دی. دغې کميته همدا راز د پوهنيزو او تخنيکي سندونو د راغونډولو په ترڅ په انکور کې داسنادو او سوابقو د زيرمې په تنظيمولو کې د نړيوالې ټولنې د گډون برخې ته د پام وړ هڅه ښودلې ده. دغه اسناد د راتلونکې له پاره خورا مهم گڼل کيږي.

بي له شکه ټول يادشوي کارونه بايد ادامه پيدا کړي او زياته ننگه يې وشي؛ خو دغه پوښتنه راوپاندې کيږي چې دغه کارونه به څرنگه وشي؟ دنړيوال سمون کميته بايد په راتلونکي کښې د ساحې پرمختيا ته لازياته پاملرنه وکړي؛ د گرځندويو (توريستانو) او دښاري انکشاف له پاره پروژې؛ د بنسټونو جوړول او په پخواني پارک کې د سوداگري د اجازه ليکونو ورکړه اوس د توجه وړ مهمې موضوعگانې دي. سربيره په دې هيله ده چې پوهنيز (علمي) مهارتونه د APSARA په واک کې کښنودل شي تر هغو چې ځان ښه سمبال او بي له ستونزي خپل فعاليت ته دوام ورکړي.

يونسکو هم د نړيوال سمون د کميته دسکرترتيت په توگه د دې کميته په شان، د انکور د اسنادو او سوابقو دساتنې او پراختيا له پاره مرسته کړې ده. هيله ده چې ورو ورو د معلوماتو د راغونډولو کار به د انکور د علمي او فني سندونو نړيوال مرکز ته چي د ۱۳۷۸ هجري ل (۱۹۹۹م) کال په جنوري کې تاسيس شو او د يونسکو ملاتړ ورسره دي، وسپارل شي. د معلوماتو راغونډول، پروسس او تنظيم د پروگرام د دوام موندلو له پاره يوازين کار دي. دغه عمل د دواړو خواوو يانې نړيوالې ټولنې او دکمبوديايي چارواکو اخلاقي او فلسفي دنده گڼله کيږي.

د خپلې رښتينولئ دساتلو په خاطر، دنړيوال سمون کميته مکلفه ده چې دغو نوو پوښتنو ته ښکاره ځوابونه وړاندې کړي تر هغو چې وکولای شي د سيمې ساتنه

د نړيوال سمون او د APSARA فکرونه تل د ويشلو او
محيطي ساتنې په طرحو باندې گرځيدل.

د کار پوهانو ځانگړې ډله

د نړيوال سمون کمیټې، چې له آره يوه سياسي
مؤسسه ده او هيوادونه او نړيوال سازمانونه په
ديپلوماتيکه کچه خپل استازي ورپيژني، د يوې فني بر
خې جوړيدو ته ملا و تړله ترهغو چې له لوړې او علمي
سطحې کارپوهانو څخه کارواخيستل شي.

د کار پوهانو هغه ځانگړې ډله چې د ۱۳۷۲ هجري ل
(۱۹۹۷م) کال په جنوري کې جوړه شوې، د دغو دندو
درلودونکې ده:

«د انسجام د نړيوالې کمیټې دمشرتابه هيئت
دغوښتنې له امله، د کار پوهانو ځانگړې ډله دغه
مسؤليتونه لري:

الف) د نړيوال انسجام کمیټې ته د وړاندې شوو
پروژو د علمي او تخنيکي اړخونو څېړنې؛
ب) د انکور سيمې په هکله د تخنيکي پوښتنو سپرل

ج) سلا او د نظر څرگندول ټولو هغو پوښتنو ته چې
دمشرتابه هيئت له خوا دهغو دمهارتونو په باب وړاندې
کيږي. « ۸] ۸ د کورني مقرراتو څلورمه ماده
د کارپيژندونکو ځانگړې گروپ د دندو په باره کې [۱.

د کار پيژندونکو ځانگړې ډلې په گوته کره چې د
پيچلو چارو په اړوندو پريکړو کې يې د نړيوال سمون له
کمیټې او د کمبوديا له چارو اکو سره فوق العاده
همکاري کړې ده. د نوموړي ډلې سپارښتونو د کمبوديا
چارو کوته مرسته وکړه ترڅو چې د ودانيو د ساتنې او
د هغو د څيړنو په کار کې چې د نړيوالو فعالينو له خوا د
پيچلو تخنيکي مواردو په باب کيدلي يو ماسترپلان
تنظيم کړي.

سره له دې چې د کار پوهانو د ځانگړې ډلې جوړيدل
د يوې مودې له پاره تر بحث لاندې مسئله وه، دغې ډلې



يونيسکو / ان ليمستر

۳۸. د متخصصينو ډله HOC AD د ليدو کتنو وخت کې له
پري رپ څخه.

۴. پرمختيايي هڅې بايد پر سيمه ايزو ارزښتونو
ولارې وي؛

۵. د لنډې مودې گټې ته نه بنايي چې داوړ دې مودې
پر مصرفونو د لومړي ټوب حق ورکړ شي.

۶. اقتصادي گټې بايد په اندوله توگه ووبشلي شي؛

۷. پرمخ بيوونکي بايد له منفي اغيزونه راوتسي
مصرفونه ورکړي؛

۸. پرمختيا بايد د قانوني سمون په چوکاټ کې را منځ
ته شي؛

۹. د سيمو ویش يوه وسيله ده چې د سرچينو هماهنگي
ترې حاصليداي شي؛

۱۰. «پلان هغسي جوړ کړئ» چې په يوه چوکاټ کې
وي او ستراتيژيکه منظره ولري.»

۱۱. ۷۱۷ را اخيستل شوي له «د انکور سيمي د نړيوال
ميراث له پاره د ويشلو او د محيطي ادارې د اجرائيې
پلان لنډيز» يونيسکو، ۱۳۷۳ هجري ل (۱۹۹۴م).

برسيره په دې نوموړي پلان پر پنځوناحيو د سيم
رپ/ انکور د سيمې د ویش باعث وگرځيد چې دغه
ويشل دساتنې د پنځو سطحو له مخې وشو؛

په داسي حال کې چې نړيوالې ټولنې او د کمبوديا
چارواکولو مړني اته کلونه دساتنې په هڅو او د هغو
عاجلو اړتياو وپه بشپړولو کې تير کړل چې سيمه يي
د نړيوال تر خطر لاندې ميراث په نوم يانه کې راوست،

یونسکو او کارپوهانو د انډولیز او مخ په ودې دخالت
ښودونکې دي.

د زدکړې په برخه کې بې ساري هڅې

په ۱۳۲۹ هجري ل (۱۹۹۰م) کال کې د سمون نړیوالې
کمیټې او یونسکو ددې سیمې د را ژوندي کولو او
ساتلو د پروگرامونو او په همدې منظور د کمبودیایي
کارکوونکو روزل یې د پلان په سر کې و ټاکل. د کمبود
یا د چارواکو، د نړیوالې ټولنې او یونسکو له خوا طرحه
شوي هدفونه دا وه چې لازم مهارتونه دې د کمبودیا هغو
کارکوونکو ته انتقال شي چې له نړیوالې ټولنې څخه د
هغو د جذبولو توان لري؛ او تشکیلاتي جوړښت دي
داسې را منځ ته شي چې د انکور د سیمې د کنټرول او
ادارې مسئولیت په غاړه واخیستل شي. ددې آند په
درلودلو، ټولو نړیوالو پروژو د کمبودیا د کار پوهانو په
زدکړو کې لاس سره ورکړ.

دغه ټکي چې د راز راز تخصصونو رابرسیره کول
دانکور پروگرام له لویو ارزښتونو څخه شمیرل کیږي د
دې لامل وگرځید چې نوموړي هدف په آسانه ترگوټو
شي. اروپایي، آسیایي او امریکایي کارپوهان د ډبرو په
کارولو، د هوتلونو په ودانولو او د څنگلونو په ساتلو
او پراختیا کې د انکور او کمبودیا له پاره یوه ښه زمینه
را منځ ته کوي. په دې مانا چې د کمبودیا ځوانان کولای
شي له پیاوړو کارپوهانو سره کار وکړي. په دې ډول
دانکور دساتنې او پرمختیا د پروگرام ادامه هغوي ته
د تیرینگونو په ورکولو سره تأمینېږي او په راتلونکي
کښې د دې ساحې مسئولیت به دهغوي پر اوږو وي.

دغه کرښه ښایي په راتلونکي کښې لازياته ځواکمنه
او د سیمې د کنټرول له پاره دهرې برخې لپاره مهارتونه
لازیات شي. د نړیوالې ټولنې په کراره وتل به په
حقیقت کې APSARA د دغو مهارتونو له رنگ په
رنگوالي نه بې برخې کړي او په غیر مستقیمه توگه به
دهغه په پرمختگ کې سست والي راوړي.

وکولای شول چې په کراره کراره د سمون نړیوالې کمیټې
د پریکړو په بهیر کې یو ټاکنکی دریخ ترلاسه کړي.

د نړیوال سمون کمیټې د کړو وړو د ممکنې پراختیا
په برخه کې د کار پوهانو ځانگړې ډله باید داسې پراخه
او تقویه شي چې نوي مهارتونه پکې راشي او وکړلي
شي چې په نړیوالې کمیټې کې خپل دکلی په شان رول و
لوبوي او له APSARA نه ارزښمن ملاتړ را منځ ته کړي.
دا د کارپوهانو هڅو د پراختیا او زیاتوالي په مانا ده
ترڅو چې هغه ډول ډول موضوعگانې تراغیزې لاندې
راولي چې د سیمې د سمون، کنټرول او پرمختیا باعث
گرځي. دلته باید دوي مسئلې ترغورلاندې و نیول شي.
بهرنیو سلاکارو ته د سرچینو درلودل ترڅو چې له کار
پوهانو نه مخ کې، مسئلې روښانه کړي؛ لکه چې د
کورني وظیفو د مقررې په پنځمه ماده کې راغلي ۱۹
د کورني وظیفو د مقررې پنځمه ماده: «د تخصص په
برخه کې چې هر راز خاصې موضوعگانې را منځ ته کیږي
د کار پوهان ځانگړې ډله د دي صلاحیت لري چې له
سکرتریت سره په ارتباط کې له سلاکارو څخه مشوره
واخلي. د دې سلاکارو مشورې باید د کار پوهانو
د ځانگړې ډلې په موافقه او دهغوي له خوا وړاندې شي.
» او یا په کورني مقررې کې تعدیل ترهغو چې د کار
پوهانو کړي لاپراخه او نوي کارپوهان هم ورته
راوغوښتل شي. پرته له دې دغه مسئله ایجابوي هغه
عملي هڅې چې د دغې ډلې د سپارښتونو پربنسټ
ترسره کیږي هم په منظمه توگه تر پاملرنې لاندې
راوستل شي.

دغه هڅې تر ټولو مخ کې د کمبودیا د چارواکو
دمسئولیت په چوکاټ کې شاملې دي. آن که APSARA
ته د پام وړ مالي پانگې ځانگړې کیږي او لازيات ماهر
پرسونل استخدامیږي، د دي ټولو خوش بښیو سره
سره، باید په ټاگه وویل شي چې په سیمه کې منظمې
هڅې خورا مهمې دي. په پای کې بنسټیزه مسئله به
داوي چې پیچلو پوښتنو ته د ځوابونو برابرول او
د عملیاتي هڅو ښه اجرا په کار کې د ډلې د غړو گډون
ته پراختیا ورگړه شي، ټولي دغه موضوعگانې د



۳۹. د ماشومانو په حضور کې په نژدې قریه جاتو کې په معابدو
دیر مزیداري د مراجعین چه زحمتي ساحه دي او د ساحه واقعي
سرنوشت دي. موزیم چه په عام خلکو باندې خلاصه ده.

ل (۱۹۹۷م) کال سیاسي پېښو په بهرني توریزم او دهغو
په اړوندو پروژو کې په مؤقته توگه ځنډ راوست.
د سیاسي ثبات په بیا راتگ سره ددې وخت رارسیدلي
دي چې د انکور په سیمه کې د کلتوري پرمختیا او
توریزم له پاره یوه ستراتیژي و ټاکله شي. یونسکو د
غړو هیوادونو په ملتیا په اوږدو کلونو کې د کلتوري
توریزم د پرمختیا له پاره هڅه کړې ده. د توریزم په
هکله د راز راز علمي رشتو څخه گټه اخیستل چې
یونسکو رامنځ ته کړ د کلتوري، اقتصادي، ټولنیزو،
تعلیمي، پوهنیزو، محیطي او اخلاقي اړخونو
درلودونکي دي او په ترڅ کې یې د انکور په راتلونکي
او په پایله کې د سیمه ایزو ډلو ټپلو په راتلونکي پوري
اړه مومي.

د کار له دې لومړیتوب نه په ملاتړ کې، د کمبودیا
د پاچهي حکومت له خوا له ۲۰۰۲ نه تر ۲۰۱۲ کلونو
پوري د «انکور د پرمختیالسیزه» په نامه اعلام کړې ده
او په همدې وخت کې له دریو چلنجونو سره مقابل کيږي
: لومړی له بېوزلی سره مبارزه؛ دوهم پرله پسې
اقتصادي پرمختیا؛ او دریم د ژوندانه د سطحې لوړیدل
په دې مانا چې د سیمې پرمختیا دې له هغې لوري
وشي چې سیمه ایزې ډلې وساتلې شي. په همدې توگه
د سیمې خلک د خپل تاریخ، لرغونو میراثونو او هغو
هڅو په اړه چې د کمبودیا او بهرنیو ډلو له خوا کيږي

د نړيوالې ټولني استدلال په دي هکله چې یوازي
مرستې دي برابرې شي (هغه څه چې په ۱۳۲۹ هجري ل
(۱۹۹۰م) کلونو کې ورباندې د داسي د لیلونو له مخې
ټینگار کیده چې یادونه یې دلته ضروري نه بریښي)
باید له دې وروسته خپل ځاي و برابر گډون او
همکاري ته ورکړي.

اوس ځوان کمبودیا بیان د زدکړې له پاره بهرته ځي؛
او داسي وړاندې لیدل کيږي چې انکور به په راتلونکي
کښې وکولای شي د خمر (Khmer) د تاریخي آثارو یو
داسي سیمه ایز د ټریننگ مرکز جوړ کاندې چې ځوانان
حتا له پرمخ تللو هیوادو نو څخه د کلتوري پراخې
سیمې د ادارې د رازونو زدکړې ته ورشي.

له نړيوالې موجودې شبکې (پوهنتونونه، د کلتوري
میراثونو برخې او داسي نور) سره په پیوستون او دیوې
نوې شبکې په جوړولو او روزلو سره، APSARA کولای شي
له نورو لویو ناحیو څخه د لاس ته راغلو تجربونه گټه پورته
کړي. په نژدې راتلونکي کښې په خپل وار کولای شي
موندلې تجربې دنورو ناحیو د استفادې له پاره وړاندې او
خپلې ترلاسه کړي ورسره شریکې کړي. دغه یووالي څرنگه
چې اوس شته باید په بشپړه کمبودیا کې عمل ته ورسېږي.

د پرله پسې پراختیا ساتنه

هرې هغې ادارې چې په انکور کې کار کړي د نړيوال
سمون کمیټې په وسیله له ټاکلو لیکو سره یې برابر
فعالیت بنودلي دي او له هغو بنسټګڼو څخه چې لیدل
شوي یو یې دا دي چې دساتنې او پرمختیا دواړه
مفهومونه سره یوځای کا رول شوې دي او په دې توگه
دواړه دهغې دورې په ټاکل شویو هڅو کې چې د کلتور
او پرمختیا د نړيوال کمیسیون له خوا طرحه شوې وه،
په یوه کتار کې راتلل.

د کمبودیا چارواکې او د نړيوال انسجام کمیټه اوس
د خپلو هلوځلو ساحې ته لا پراختیا ورکوي ترڅو چې
د کلتوري توریزم پرمختیا ته چې دهغوي د اصلي ژمنو
یوه برخه یې جوړوله شرایط برابر کاندې. د ۱۳۷۲ هجري

رامنځ ته نه کړي او د ځای ، هوټل ، سیمې او دسیم
ریپ بنار ترمنځ دې انډول وساتلای شي . په دې هدف
کې دیوه توریستی ځای په توگه دهسي ارمانی انکور
غوښتنه رانغښتې ده . د گډو هدفونو له پاره کونښن
شوی دي چې دکمبودیا دولت او دهغه د نړیوالو
همکارانو هڅې او هاند پوره سمون ومومي .

انکور : یوه ننګونه او چلنج او دراتلونکې له پاره یو مأموریت

دهغو هڅو اندازه چې په انکور کې ترسره کیږي باید د
دې لامل و نه گرځي چې دخمر ترخطر لاندې دنورو ودانیو
سیمې له سترگو پټې پاتې شي . هغو سیمو ته چې پام نه
دي شوي او تاراک شوي دي عبارت دي له (فنوم کولین ،
بنتي خمر ، کوه ، کر ، پریاخان ، کومپنگ سوي ، سمبور
پریکوک) او ځینې نور . که د انکور ساتنه پرې نږدي چې
دغه لویې ودانۍ خوندي وي ، نو د سیم ریپ په سیمه کې
ترگوتو شوي بریالیتوب به د ویاړ وړ نه وي .

له دې کبله چې دکمبودیا په تاریخي میراثونو کې د
دوه لاریتوب لوي خطر احساسیږي ، په کارده چې د
هیواد ټولې سیمې دانکور له تجر بو څخه برخمنې شي .
د ثبات او یووالي د دلیلونو له امله به لازمه وي چې د
نړیوال سمون دکمیټې ژمنې دي هغو نورو تاریخي
ودانیو درلودونکو ټکوته هم ولیږدول شي او نه ښایي
چې په دې هکله یوازي دهغو سیمود تاراک او قاچاق و
مسئلې ته محدود وگرځي . باید توجه وشي دهغې
سیمې پرمختیا چې د نړیوال میراث په کتار کې راغلې
د فنوم کولین سیمه یې هم په غیر کې نیولې ده او نورې
منطقې هم ښایي د نړیوالو میراثونو په آزمایشی
نومپانه کې راشي . په پای کې ، هغسې چې مخ کې
وړاندیز و شو APSARA باید خپلې تجربې او همداسې
دلگښتونو دسرچینو څرنګوالي دهیواد له نورو مهمو
مؤسسو او تر ټولو مخ کې له کلتور او نازکو صنایعو له
وزارت او دظریفه صنایعو له شاهي پوهنتون سره
شریک کاندې .

خبرتیا ترلاسه کړي او دساتنې په بهیرکې لازیات ورگډ
شي . دغه نظر چې سیمه ایزې ټولنې کولای شي دخپلو
تاریخي میراثونو ډیر ښه ساتونکي وي تل او ریدل
کیږي ؛ خو دعمل په برخه کې دومره پام ورته نه اوږي .
انکور د ۲۲۰۰۰ او سیدونکو په لرلو ډیر ښه چانس لري
چې په دې ډگر کې و ځلیږي . په دې هکله باید پام و
ساتل شي چې سیمه ایزو ډلوته په منظمه توگه خبرتیا
ور کړه شي . له دې لاري به دوی وکولای شي ځانونه په
هغو بدلونونو کې دگډون له پاره چمتو کاندې چې
هرومرو د توریزم په زیاتیدو سره رامنځ ته کیږي . په
فزیکې ساحه کې هر ډول بدلون بي له شکه ټولنیزې او
اقتصادی اغیزې شیندي چې په نتیجه کې په کلتور او
دټولنې په ژوندانه باندې اغیزه درلودلای شي .

د سیم دیپ سیمې و گړي دهغو رواجونو او دوونو
ساتونکې دي چې ځینې یې دکمبودیا په بعصنو ولایتو
نو کې ورک شوي دي . له همدې امله دهنر (نخما ،
موسیقي ، سندرو ، دتیا ترصحنې) اجرا ، باید د
کیسولوستل ، لاسي مهارتونه او نور هغه کلتوري
مهارتونه هم چې دخمر دکلو ژوند ښکاره کوي په نظر
کې ونیول شي . دژوندانه دغه نازک میراثونه دانکور
دلرغونو میراثونو په شان دساتنې او پایښت ارزښت
لري . په نتیجه کې د دې ځای ټولې کلتوري سرچینې
باید وساتلې شي چې له دې لوري انکور به وکولای شي
په بشپړه توگه دیوه پاک ځای او د هنرتون دریغ غوره او
د هنر پنځونې دمقام خاوند شي .

دهغو توریستی ودانیو په جوړولو او پراختیا کې
چې دسیمې په دننه او بهر کې په کار دي باید توجه
وشي چې د ژوندانه د محیط ساتنه تضمین او طبیعي
سرچینې تل کنترول شي . داسې اټکل کیږي چې یو
توریست په ورځ کې په منځني کچه یو کیلوگرام زیاتي
مواد تولیدوي او تر ۲۰۰ لیټرو پوري او به مصرفوي .
۱۱۰ | ۱۱۰ | ۱۳۷۷ هجري ل (۱۹۹۸ م) کال .
دغه شمیرې په دې ټکې باندې ټینګار کوي چې د
ودانیو دجوړولو په لویو پانگه اچونو کې دي دپلان
طرحه په احتیاط سره او داسې عملي شي چې فشار

بریا لیتوبونه او ناکامی چې را برسیره شوې بې له شکه
له مختلفو همکارانو سره مرسته کوي چې خپلو
عملیاتي لارو ته داسې پراختیا ورکړي چې د نړی نوري
کلتوري سیمې هم ترې برخمنې شي.

په دې ځانگړې زمینه کې، یونسکو د مسلکي ډول
ډول لارو او د عملي کونکو د کاري کلتور ترمنځ د
منځگړي دنده په غاړه اخیستې او په هره توگه چې وي
د کمبودیا داوړدې مودې گټو ساتنه او پالنه کوي.

یادښتونه

(الف) د کمبودیا چارو اکې مکلفه وه چې له خطر سره
د مخامخو نړیوالو میراثونو په نومپانه کې دانکور د شاملید و نه
وروسته دغه ځانگړي شرطونه ترسره کړي: د مناسبو قانوني موادو
برابرو؛ د ملي ساتنې داسې ادارې جوړول چې لایق کار
کونکې ولري؛ د همیشني پولو ټاکنه د ZEMP د پروژې پراساس؛
د ترمنځو سیمو ټاکل؛ د نړیوالو حفاظتي هڅو کتنه او هماهنگول.
(د) د ZEMP ساتندوی درې گامونه په دې ډول دي: لومړی زون
د ودانیو سیمه؛ دوهم زون ساتل شوي لرغوني سرچینې؛ دریم زون
کلتوري ساتل شوې منظري؛ څلورم زون د لرغونتوب، سړي
پیژندنې او تاریخي ارزښت لرونکي ځایونه؛ پنځم زون د ټولنیز
اقتصادي او کلتوري ودې سیمې.

دا وړاندیز دغې موضوع ته یوه ښه موقع برابرې
چې د خمر د امیراتوري تاریخ ته، له انکور سره
د کمبودیا د نورو لرغونو سیمو د تامین له لاري دهغو
د ساتنې او پرمختیا د عملي او نظري ټکو له لېرید څخه
یوه مناسبه منظره ورکړه شي. په دې مسئلې کې دوې
نورې گټې هم رانغښتې دي: لومړی، د معلوماتو
شریکول د خمر د سیمو په ساتنه او په تطبیق کې یې
سپما داندازې له زیاتوالي سره؛ دوهم، د پرمختیا
هماهنگ کول او په یوه سیمه کې د عدم تمرکز مراعات
چې د گرځندویو په چارو کې به زښت بدلون راولي؛ په
انکور کې به د گټه گونې مخه ونیسي او په ټول هیواد
کې به د برابري اقتصادي پرمختیا شرایط رامنځ ته کړي

نتیجې یا پایلې

هغه نړیوال کمپاین چې په ۱۳۳۹ هجري ل (۱۹۶۰م)
کلونو کې دیونسکو له خوا تر سره شو تر ټولو مخ کې
د تاریخي میراثونو ساتنې ته وقف شوي و. له هغه ځایه
چې د میراث مانا د پرمختگ سره په اړه زیاته پراخه
شوې ده، یونسکو هم نورې مانا وي ورسره تړلې دي
چې اقتصادي، ټولنیز او سیمه ایز مفاهیم پکې راځي
او دغه ټوله یې د کلتوري سیمو د ساتنې په پلان کې
راوستي. دانکور د ساتنې نړیوال پروگرام د دغو
انکشافاتو پېچلتیا راجوتوي. دغه حقیقت چې نن سبا
انکور د نړی د لرغونو ساتنې تر ټولو لویه سیمه ده په
پایله کې د دې ناڅاپي مینې باعث وگرځید: د ساتلو او
پراختیا په پروگرام کې یې اصلي نوبت په دې کې دي
چې د ۱۳۷۱ هجري ل (۱۹۹۲م) کال په پیلامه کې
د کمبودیا چارو اکو او نړیوالې ټولنې پرهغو له مختلفو
کتنځایو او علمي طریقو څخه څېړنه وکړه. دغې نوي
فلسفې چې د هغوی دهڅواو هاند بنسټ جوړاوه او
دلنډې مودې او اوږدې مودې د کار دودو نو په ترڅ کې
د شخصي گټو او ولسي گټو شریکول پکې تر نظر لاندې
و، د کمبودیا د چارواکو، د نړیوالې ټولنې او یونسکو
په وړاندې اصلي چلنج رامنځ ته کاوه. هغه کاري

museum INTERNATIONAL

CORRESPONDENCE

Questions concerning editorial matters:

The Editor, *Museum International*.

UNESCO, 7 place de Fontenay.

75352 Paris 07 SP, France.

Tel: (+33.1) 45.68.43.39 / Fax: (+33.1) 45.68.55.91

Museum International (English edition) is published four times a year in January, March, June and September or three times a year with one double issue and two single issues to be published in May, September and December.

INTERNET: <http://www.blackwellpublishing.com>

Back issues: Single issues from the current and previous two volumes are available from Blackwell Publishing Journals. Earlier issues may be obtained from Periodicals Service Company, 11 Main Street, Germantown, NY 12526, USA. Tel: 001 518 537 4700. Fax: 001 518 537 5899. Email: psc@backsets.com

MICROFORM: The journal is available on microfilm (16mm or 35mm) or 105mm microfiche from Bell & Howell Information and Learning, 300 North Zeeb Road, Ann Arbor, MI 48106, USA.

US MAILING: Periodicals postage paid at Rahway, New Jersey. Postmaster: send address corrections to *Museum International*, c/o Mercury Airfreight International Ltd Inc., 365 Blair Road, Avenel, NJ 07001, USA (US mailing agent).

ADVERTISING: For details contact Pamela Courtney, Albert House, Monnington on Wye, Hereford, HR4 7NL, UK. Tel: +44(0)1981 500344.

COPYRIGHT: All rights reserved. Apart from fair dealing for the purposes of research or private study, or criticism or review, as permitted under the Copyright, Designs and Patents Act 1988, no part of this publication may be reproduced, stored or transmitted in any form or by any means without the prior permission in writing of the Publisher, or in accordance with the terms of photocopying licences issued by organisations authorised by the Publisher to administer reprographic reproductions rights. Authorisation to photocopy items for educational classroom use is granted by the Publisher provided the appropriate fee is paid directly to the Copyright Clearance Center, 222 Rosewood Drive, Danvers, MA 01923, USA (tel: 508-750-8400), from whom clearance should be obtained in advance. For further information see CCC Online at <http://www.copyright.com/>.

Copies of articles that have appeared in this journal can be obtained from the Institute for Scientific Information (Att. of Publication Processing), 3501 Market Street, Philadelphia, PA 19104, USA.

Printed and bound in the United Kingdom by Headley Brothers Ltd, Kent. Printed on acid-free paper.

© UNESCO 2003